



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اہل بیت، شرح و تفسیر آیات، ترجمہ بہ نظم ۶

مؤلف: محمود زارع پور

امیرالمؤمنین علی علیہ السلام صفحہ ۲

امام حسین علیہ السلام ۴۰

وجود و ظہور منجی، آیات قرآن ۱۸۱

جزء سی ۳۰ قرآن ۳۲۴

سرشناسہ: زارع پور، محمود، ۱۳۳۶



شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۹-۱۵-۵

ردہ بندی: ۱۵۴ BP ۱۵۴/۲۹۷ - ۱۳۹۳ م ۲۲/۴

شماره کتابشناسی: ۳۵۲۳۶۰۵

قیمت: ۰۰۰.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۱

آدرس نویسندہ: m5736z.blog.ir لطفا پیام ارسال نمایند

آدرس کتاب های منتشر شدہ: zarepoorketab.blog.ir

مقدمه : چرا اسم علی و ائمه علیهم السلام در قرآن نیامده است؟

قرآن همواره کلیات مسایل را بیان می فرماید و تفسیر و تفصیل احکام را بر عهده پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می گذارد. در این مورد از ائمه اطهار (علیهم السلام) سؤال شد که چرا اسم علی (علیه السلام) و ائمه در قرآن نیامده است؟ و یا چرا در آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** معرفی نشده اند؟ یا این که چرا در آیه **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ** (نساء ۵۹) مشخصاً معرفی نشده اند؟ ائمه اطهار (علیهم السلام) در پاسخ فرموده اند: تفسیر جزئیات احکام به عهده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گذاشته و **أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛** ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا تو برای مردم تفصیل آن را بیان کنی. بنابراین همان طور که خداوند در قرآن فرمود، نماز بخوانید، اما تعداد رکعات آن را مشخص نکرد؛ به همان صورت فرمود، از اولی الامر اطاعت کنید، اما آنها را معرفی نکرد تا مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بپرسند و آن حضرت این مسأله را تبیین کند.

پس به طور خلاصه، اولاً برای این است که زمینه امتحان فراهم باشد تا مؤمنان واقعی شناخته شوند و ثانیاً برای این که مردم در مورد تفصیل آنها از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) سؤال کنند و بدین طریق جایگاه آنان در تبیین جزئیات احکام، برای مردم روشن شود. حال آن که خداوند هیچ گاه چنین اراده ای نداشته و ندارد که مردم به هر صورت ممکن ایمان بیاورند و مؤمن شوند. اگر چنین اراده ای داشت قطعاً قادر بود شرایط را به گونه ای فراهم کند که همه مردم ایمان بیاورند: **وَ لَوْ شَاءَ رَبِّكَ لَآمَنَ مِنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعاً** ایمان امری اختیاری است و مردم باید بر اساس انتخاب و اختیار خود ایمان بیاورند **لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعاً؛** اگر خدا می خواست، همه را با اجبار هدایت می کرد. اما خداوند این گونه نخواسته است؛ انسان باید با اختیار خود

مسیر هدایت را طی کند و کمال انسان در گرو اختیار و انتخاب آگاهانه او است. انسان باید گام نهادن در مسیر کمال را خود اراده کند، در پی شناخت آن برآید و در این جهت، حسن انتخاب داشته باشد تا با اراده و اختیار خود به مقصود برسد. از آن جا که مدت حیات هر یک از این پیامبران الهی کوتاه و عصر رسالت و تبلیغ آنان محدود است خداوند متعال پس از سپری شدن عصر رسالت هر یک از انبیاء، جانشینانی را برای آنان برگزید تا رسالت و راه آنان را ادامه دهند و از دین و عقاید مؤمنان پاسداری نمایند. روی این جهت، مشاهده می کنیم که پس از وفات هر یک از انبیاء الهی جانشینان و حجت الهی دیگری رهبری و هدایت مؤمنان را به دست گرفته اند و به ارشاد و رهبری پیروان آن پیامبر الهی و دیگر بندگان خدا همت گماشته اند

پس از وفات پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) نیز بشر از این لطف و رحمت الهی محروم نگردید و خداوند متعال برای پیامبر خاتم جانشین یا جانشینانی را برگزید تا این حجت های الهی و جانشینان آن حضرت رسالت پیامبر را ادامه دهند و از دین و عقاید مؤمنان حفاظت نمایند. ولکن برای این که مسلمانان و پیروان پیامبر خاتم با جانشینان آن حضرت آشنا گردند و خود را پس از وفات پیامبر اکرم ملزم به تبعیت و اطاعت از آنان بدانند خداوند متعال از همان آغاز بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با نزول آیات متعدد و در مراحل و مواقع مختلف ویژگی های برجسته این حجت های الهی و جانشینان پیامبر را برای مسلمانان تبیین نمود و آنان را به عنوان ولی و سرپرست مسلمانان و کسانی که امت اسلامی می بایست از آنان پیروی نمایند معرفی کرد. افزون بر این به پیامبرش نیز فرمان داد تا با ابلاغ و تبیین این آیات برای مسلمانان، شخصیت و جایگاه جانشینان خود را برای آنان بازگو نمایند تا بر همگان روشن گردد که پس از وفات آن حضرت مسلمانان باید آنان را به عنوان رهبر و راهنمای خود در امور دین و دنیا برگزینند و دین و عقاید خود را از آنان دریافت کنند.

آیات موضوعی ولایت امام علی علیه السلام

آیه ولایت: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

ولی شما هست یکتا خدا مائده ۵۵ همینسان فرستاده اش مصطفی

دگر مومنانی که اندر صلات به وقت رکوعش دهندي زکات

(به اجماع آرا مراد از ولی در این آیه باشد امام علی(ع))

شیعه و اهل سنت در شأن نزول این آیه از ابوذر غفاری روایت کرده اند: روزی عبدالله بن عباس در کنار زمزم نشسته بود و به لفظ **قال رسول الله** **صلی الله علیه و آله** برای مردم حدیث می گفت. مردی که رخسار خود را پوشانده بود، در آنجا حاضر شد. هر چه ابن عباس می گفت **قال رسول الله** آن مرد نیز آن را می گفت

ابن عباس گفت: تو را بخدا تو کیستی؟ مرد صورت خود را باز کرد و گفت: مردم! هر کس مرا می شناسد که هیچ، و هر که مرا نشناخته است من خودم را معرفی می کنم؛ من من جندب بن جناده بدری، ابوذر غفاری هستم. و با این دو چشمم دیدم اگر دروغ گویم کور شوند که می فرمود: **علی قائد البررة و قاتل الکفرة و منصور من نصره و مخذول من خذله** بدانید که روزی با رسول خدا نماز ظهر خواندم، سائلی در مسجد چیزی خواست، اما چیزی به او ندادند. او دست به آسمان برداشت که خدایا! گواه باش، من در مسجد رسول تو اظهار حاجت کردم اما کسی چیزی به من نداد. **علی علیه السلام** آن وقت در رکوع نماز بود، با انگشت کوچک دست که به آن انگشت می کرد، به سائل اشاره نمود، سائل آن انگشت را از انگشت علی گرفت. رسول خدا این عمل را دید و سر را به آسمان کرد و فرمود: خدایا! برادرم موسی از تو خواست و گفت رب اشرح لی صدري و یسر لی امري ... **واجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی** اشدد به ازری و اشركه فی امري در

جوابش نازل فرمودی که : سَنَشُدُّ عَضْداً بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَمُا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا
 خدایا! منم محمد، برگزیده و پیغمبر تو، سینه مرا فراخ گردان، کارم را آسان کن و برای
 من وزیر و یاری از اهللم معین نما. علی برادرم را و با او مرا تقویت فرما. بخدا سوگند رسول
 خدا سخن خویش را تمام نکرده بود که جبرئیل نازل شد یا محمد! بخوان، گفت : چه
 بخوانم؟ گفت: بخوان **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...** سپس طبرسی می گوید: این خبر را
 ثعلبی با این سند، بعینه نقل کرده است .

آیه ابلاغ : يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
 يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ **مائده ۷۵**

الا ای پیامبر هر آنچه خدا	به تو کرد نازل بگو خلق را
اگر خود کلام خدای جلال	بر آن ها نکوی تمام و کمال
اداء رسالت نکردی تمام	در این کار ننموده ای اهتمام
از آزار مردم یگانه اله	تو را در همه حال دارد گناه
که کفار دون را خداوندگار	نخواهد کند عاقبت رستگار

آیه اکمال و اتمام : أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
 الْإِسْلَامَ دِينًا **مائده ۳**

کنون دینتان را به حد کمال	رساندم بدین اقتدار و جلال
ادا کرده ام نعمتم را تمام	ببخشیده ام بر شما این مقام
کنون بهرتان دین اسلام ناب	که والاترین است شد انتخاب

طبق روایات شیعه و سنی این دو آیه، با معرفی علی بن ابیطالب علیه السلام به امامت (۱۸
 ذی الحجه) در غدیر خم نازل شد. چهار ویژگی این روز چنین است .

۱. یأس کافران ۲. کمال دین ۳. اتمام نعمت ۴. خشنودی خداوند. پیامبر **صلی الله علیه و آله** در سال آخر عمر مبارک خود به همراه مردم مدینه و دیگر سرزمین های اسلامی که جمعیت آنان بالغ بر صد هزار نفر می گردید عازم حجة الوداع شدند پس از انجام مراسم حج و در بازگشت، هنگامی که به منطقه ای بنام غدیر خم رسیدند فرشته وحی بر آن حضرت نازل گردید و به پیامبر فرمان داد که آنچه قبلاً بر او نازل شده را به مردم ابلاغ نماید (مجمع البیان ذیل ۶۷ مائده شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۵۰) ولی پیامبر از ابلاغ صریح این امر نگران بود و خوف آن را داشت که مردم نپذیرند و در برابر او به مخالفت برخیزند زیرا از یک طرف علی علیه السلام پسر عمو و داماد آن حضرت است و می ترسد مردم تهمت خویشاوند بودن علی را به پیامبر بزنند و بگویند پس از خود، پسر عمو و دامادش را بر ما مسلط ساخت و از طرف دیگر علی علیه السلام در جنگ های متعدد اجداد و بستگان کافر بسیاری از این مسلمانان را به قتل رسانده و آنان از او کینه شدیدی به دل دارند و از سویی دیگر افراد منافق فراوانی که در میان مسلمانان وجود داشتند مانع بسیار بزرگی برای خلافت و ولایت علی علیه السلام به شمار می رفت،

چنانچه در روایتی که از پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** نقل گردیده به این موضوع اشاره شده. (الاحتجاج ج ۱ ص ۷۳ بحارالانوار ج ۳۷ ص ۲۰۶) لکن خداوند در ادامه این آیه به پیامبرش اطمینان می دهد که از هیچ چیز و هیچ کس خوفی نداشته باشد زیرا خداوند او را از شر مردم نگره می دارد. **وَاللّٰهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ** ؛ خداوند تو را از خطرات مردم نگره می دارد . در پی نزول این آیه پیامبر دستور توقف مسلمانان را صادر کرد و به آنان فرمان داد که صبر نمایند تا آنان که عقب هستند به جمعیت ملحق شوند و آنان که پیشاپیش قافله در حرکت بودند بازگردند پس از اجتماع مسلمانان نماز ظهر را به جماعت پیامبر اقامه کردند سپس آن حضرت فرمان داد تا از جهاز شتران منبری را برای آن حضرت تهیه نمایند

سپس بر بالای منبر قرار گرفته و پس از حمد و سپاس الهی فرمود: من به همین زودی دعوت خدا را اجابت کرده و از میان شما می روم، من مسئول هستم و شما هم مسئول هستید، شما در مورد من چگونه شهادت می دهید مردم با صدای بلند گفتند: ما گواهی می دهیم که تو وظیفه رسالت را ابلاغ کردی و شرط خیرخواهی را انجام دادی و آخرین تلاش خود را در راه هدایت ما انجام دادی، خداوند تو را جزای خیر دهد. سپس فرمود: آیا شما گواهی به یگانگی خدا و رسالت من و حقانیت روز رستاخیز می دهید؟ همگان گفتند آری، گواهی می دهیم، سپس فرمود: خدایا گواه باش. پس از بیان این سخنان و گرفتن اعتراف مبنی بر توحید، نبوت، معاد و صدق گفتار و کردارش در این مورد، دست علی را گرفت و بلند کرد و فرمود: ای مردم! چه کسی از همه مردم نسبت به مسلمانان از خود آنها سزاوارتر است، همه گفتند: خدا و پیامبر او دانایتر هستند پیامبر فرمود: خداوند ولی و رهبر من است و من مولی و رهبر مؤمنان هستم و نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود: **من كنت مولاه فهذا علي مولاه** (مسند احمد ج ۱ ص ۸۴ و ۱۱۸ کافی ج ۱ ص ۲۹۴ و ۲۹۵) هر کس من مولاه و رهبر او هستم این علی نیز مولی و رهبر اوست.

و این سخن را سه بار تکرار کرد و بدنبال آن سر را به سوی آسمان برداشت و فرمود: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و أدر الحق معه حيث دار (دعائم الاسلام ج ۱ ص ۱۶ مسند احمد ج ۱ ص ۱۱۹) خداوندا دوست بدار کسی که او را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که او را دشمن بدارد و محبوب بدار کسی که او را محبوب بدارد و مبغوض بشمار کسی که او را مبغوض شمارد و یاری نما کسی که او را یاری نماید خوارگردان کسی که او را خوار گرداند و حق را به همراه او بدار به هر سویی که او رود. پس از پایان سخنان پیامبر و ابلاغ این پیام الهی آیه اکمال دین نازل شد و خطاب به همه مسلمانان گفت: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ**

دِينَكُمْ وَآتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا در روایات نقل گردیده که پس از نزول این آیه پیامبر خود در خیمه ای نشستند و علی در خیمه ای دیگر و به مسلمانان فرمان دادند که این حادثه را به آن حضرت و علی تبریک بگویند و از جمله افرادی که به حضور پیامبر و علی رسیدند خلیفه دوم بود که با جملات ذیل به آن حضرت تبریک گفت: **بَخٍ يَابْنَ ابِي طَالِبٍ، اصْبَحْتَ وَ امْسَيْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ** (بحارالانوار ج ۳۷ ص ۱۰۸ و ۱۴۳ البدایة و النهایة ج ۷ ص ۳۸۶) مبارک باد بر تو ای فرزند ابوطالب که مولای من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی. ولكن با تأسف فراوان عالمان و اهل سنت این آیه و روایات نقل شده در این مورد را همانند دلایل دیگری که در این مورد وجود دارد توجیه و تأویل نمودند و بدین وسیله حقیقت امر را به بسیاری از مسلمانان پوشیده داشتند و آنان را از این نعمت عظیم ولایت که موجب سعادت انسان در دنیا و آخرت می گردد محروم ساختند .

آیه سائل: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ . مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

سر آغاز گفتار نام خداست معارج ۱.۳ که رحمتگر و مهربا خلق راست

پرسید شخصی ز روز حساب که قطعی ست رخ دادن آن عذاب

کدامین کسان را خداوندگار معذب نماید به روز شمار

بداند که بر کافران ست و بس نشاید که دفعش کند هیچکس

آنگاه که رسول خدا علی را در غدیر خم به امامت منصوب کرد، این مطلب در تمام بلاد شایع شد و مردم آن را برای یکدیگر خبر دادند. حارث بن نعمان فهری، گفت ای محمد! از جانب خدا ما را به وحدانیت خدا و رسالت خود و به نماز، روزه، حج و زکات خواندی قبول کردیم ولی به اینها قانع نشدی تا دست عموزاده ات را بلند کرده و او را بر ما برتری داده و گفتی **من كنت مولاه فعلي مولاه** بگو تا بدانم که این کار از جانب خودت می باشد

یا از جانب خداست؟! حضرت فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست، این دستور از جانب خداوند است.

حارث بن نعمان بعد از شنیدن این سخن، به طرف مرکب خود برگشت و می گفت: خدایا! اگر آنچه محمد می گوید حق و راست می باشد پس از آسمان بر ما سنگ بباران و یا غذایی بر ما بفرست. او هنوز به مرکب خود نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش سقوط کرد و کشته شد. مرحوم امینی در الغدير، از ۳۰ کتاب معتبر اهل سنت، نقل کرده اند

آیه ليله المبیت: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

گروهی نمایند جان را فدا بقره ۲۰۷ که راضی بگردد از آن ها خدا

بر این بندگان حق بود مهربان بود دوست با مومنان در جهان

تمام مفسران گفته اند این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. در آن شب افرادی از قبایل مختلف جمع شدند تا پیامبر را به قتل رسانند. علی در مکه ماند تا هم دیون آن حضرت را بپردازد و امانتهای مردم را به خودشان رد نماید و هم در بستر پیامبر اکرم بخوابد تا ایشان به سلامت از شهر مکه خارج شوند. تفسیر آیه در کلام اهل سنت مفسر معروف اهل تسنن، (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۳۷۰/ مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۳۴۸/ سیره ابن هشام ج ۲ ص ۲۹ سبط ابن جوزی در تذکره، ص ۴۱) و برخی دیگر از بزرگان اهل سنت در کتابهای خود آوردند.

آیه انداز: وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعراء ۲۱۴) خویشاوندان نزديكت را انداز کن

بترسان تو خویشان خود را نخست بر ایشان نما کاخ ایمان درست

در سال سوم بعثت آیه انداز عشیره نازل گردید در پی این فرمان الهی، پیامبر اکرم مجلسی تشکیل داد و حدود چهل نفر از بستگان نزدیک خود را به خانه ابوطالب دعوت نمود که از جمله آنان حمزه و ابولهب بودند، پس از صرف غذا و هنگامی که

پیامبر قصد اعلام این مأموریت را داشت ابولهب با سخنان خود زمینه ابلاغ این پیام را از میان برد لذا پیامبر روز بعد غذایی تهیه کرد و آنان را دوباره به خانه ابوطالب دعوت نمود . و پس از صرف غذا فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، به خدا سوگند هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم که برای قومش چیزی بهتر از آن چه من آورده ام آورده باشد، من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند به من دستور داده که شما را به آئین اسلام دعوت نمایم سپس فرمود: **ایکم یؤازرنی لیکون اخی و وارثی و وزیری و وصیی و خلیفتی فیکم؟** کدام یک از شما مرا یاری می دهید تا پس از من برادر و وارث و وزیر و وصی و جانشین من در میان شما باشد (نیل الخیرات فی القراءات العشرة، ج ۳، ص ۲۴۴-۲۲۲) جمعیت همگی از پاسخ دادن امتناع کردند جز علی علیه السلام . پیامبر اکرم پس از تکرار این سخن و پاسخ نشنیدن از سوی دیگران دست به شانه علی نهاده و فرمود **هذا اخی و وارثی و وزیری و وصیی و خلیفتی فیکم بعدی فاسمعوا له و اطیعوه** (سبحانی جعفر الایمان و الکفر فی الکتاب و السنة، ج ۱، ص ۲۵۱) این [علی] برادر من و وارث و وزیر و وصی و جانشین من در میان شما پس از من خواهد بود به امر او گوش فرا دهید و از او فرمان برید. این حدیث را علاوه بر مفسران و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان، مفسران و محدثان اهل سنت از جمله طبری، ابن اثیر، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابی نعیم، بیهقی، ثعلبی و ابن ابی الحدید در کتب تاریخ، تفسیر و حدیث خود نقل کرده اند (فخر رازی محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۸۲-۸۰)

آیه مودّت: ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۚ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

همین است آن مژده ی راستین **شوری ۲۳** که ایزد بداده ست بر مؤمنین

به مردم بگو ای رسول خدا **نخواهم نه اجر و نه مزد از شما**

محبت بورزید اندر وطن

مگر آنکه در حق خویشان من

فزائیم ما بر نکوئی او

هر آن کس کند کارهای نکو

بر آنان که هستند بر او شکور

که حقاست ایزد خدائی غفور

هنگامی که پیامبر وارد مدینه شد و پایه های اسلام مستحکم گردید انصار نزد پیامبر آمدند و به آن حضرت عرض کردند: اگر مشکلات مالی برای شما پیدا شد ما حاضر هستیم تمام اموالمان را بدون هیچ شرطی در اختیار شما قرار دهیم که در این هنگام آیه فوق نازل شد و مسلمانان را به دوست داشتن خویشاوندان پیامبر به جای مزد آن حضرت فرمان داد. مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت نقل کرده اند مقصود از خویشاوندان پیامبر در آیه مذکور علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند، زمخشری و قرطبی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه چنین آورده اند: هنگامی که آیه نازل شد اصحاب پیامبر خطاب به آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندان تو که محبت نمودن به آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ پیامبر در پاسخ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند آنان. و این سخن را سه مرتبه تکرار کرد (بیضاوی عبد الله بن عمر تفسیر البیضاوی انوارالتنزیل و اسرارالتاویل ج ۲ ص ۲۶۱) قرآن کریم در موارد متعددی پرده از امتیازات و ویژگی های رفتاری ائمه هدی به ویژه امیرالمومنین برداشته. ابن عساکر و سیوطی از ابن عباس نقل می کنند نزلت فی علی ثلاث مئه آیه (۳۰۰ آیه در حق علی نازل شده تاریخ الخلفاء للسیوطی ص ۱۷۰ تاریخ بغداد للخطیب البغدادی ج ۶، ص ۲۱۹ تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر ج ۴۲)

آیه مباهله: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَنَا

وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَانْفُسَنَا وَانْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ آل عمران ۶۱

که در باب عیسی بود آن مقال

از این هر آن کس که ورزد جدال

شدی آگه از حالش ای مصطفی

کنون چون به وحی یگانه خدا

همه گرد آئیم در یک مکان

بگو پس بیائید تا این زمان

تباهل نمائیم ای انجمن

به همراه انفاس و اطفال و زن

به درگاه پروردگار بشر

نمائیم نفرین بر یکدگر

نمائیم با این عمل مبتلا

که ناراستگو را به خشم خدا

این آیه سند حقانیت شیعه نیز می باشد. عده ای از نصاری نجران، به مدینه آمده و با رسول خدا درباره عیسی مسیح به مجادله برخاستند. حضرت فرمود: عیسی بنده خدا بود. طعام می خورد، آب می آشامید، فرمود: پس پدر حضرت آدم چه کسی بود؟ آنها در جواب عاجز ماندند اما درباره حضرت عیسی قانع نشدند. حضرت به آنها فرمود: با من مباحله کنید اگر راستگو باشم عذاب بر شما نازل شود و اگر دروغگو باشم عذاب بر من نازل گردد. گفتند: با انصراف سخن گفتمی لذا وعده مباحله گذاشتند. روز ۲۴ ذیحجه از سال دهم هجرت، مباحله انجام شد. شکی نیست که مصداق مباحله کنندگان مسلمان، پنج تن بودند. و اسقف نجران با دیدن پنج تن (علیهم السلام) گفت: ای گروه نصاری، من افرادی را می بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا بکنند، خدا آن را می کند. اگر آن حضرت ذره ای در حقانیت خویش و در وعده خدا شک داشت اقدام به چنین کاری نمی کرد لذا او دانست که در صورت مباحله، نصارا از بین خواهند رفت. ... آنها نیز مباحله نکرده و به جزیه حاضر شدند و حضرت هم از آنها پذیرفت. علی بن ابیطالب نفس انفسکم و حسنین ابنائکم و حضرت فاطمه نسائکم

آیه مؤمن: أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ . أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ **سجده ۱۸ . ۱۹**

به چشم خداوندگار جهان

مگر مومنان چون فاسقان

یکی که آن شادی یک بحر غم

نباشند هرگز همانن هم

ولی اهل ایمان به یکتا خدا

نکوکار مردان نام آشنا

نشیمن گزینند اندر بهشت

که بودند بس صالح و خوش سرشت

میان علی بن ابیطالب علیه السلام و ولید بن عقبه بن ابی معیط، جریانی پیش آمد. ولید به گفت: من در زبان از تو گویاترم، و سر نیزه من از سر نیزه تو تیزتر است و من بهتر از تو می توانم دشمن را به عقب برانم!!! علی علیه السلام فرمود: ساکت شو! تو یک نفر فاسق هستی (سابقه ی فسق داشت). خداوند در این باره، آیه فوق را نازل کرد. در الغدير، آن را از ده جا نقل کرده است. برای نمونه تفسیر نیشابوری و ابن کثیر.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَظْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مجادله ۱۲)

الا مومنان چون سخن در خفا

بخواهید بگوئید با مصطفی

تصدق نمائید قدری ز مال

که باشد نکوتر شما را به حال

اگر هم فقیرید و نادار نیز

برای تصدق نیابید چیز

نگیریم این کارتان را گناه

غفور و رحیم است یکتا اله

از عبدالرحمن بن ابی لیلی نقل شده که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: در کتاب خدا آیه ای است که احدی جز من به آن عمل نکرده و بعد از من هم احدی به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه، آیه نجواست که ابتدا بر رسول خدا نازل شد که:

قبل از نجوی با پیامبر صدقه ای (در راه خدا) بدهید. سپس این آیه نسخ شد. و أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ نازل شد

به دلهایتان ترس بگرفته جا

مجادله ۱۳ که خود پیشتر ز آنکه با مصطفی

بگوید گفتار پنهان به راز

دری از تصدق نمایید باز؟

ولی گر نداری چیزی ز مال

کند عفو تان ایزد ذوالجلال

آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید، (مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۵۲۴).

هَذَا خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ (حج ۱۹)

همه مردمی که به دین کافرند

بر افراد مومن خصومت برند

نمودند با هم نبرد و جدل

به دین خداوند اندر عمل

این آیه درباره دو گروه از مبارزین جنگ بدر نازل شده است. در یک جبهه امیرالمؤمنین علی و سید الشهدا حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن الحارث و در جبهه مشرکین شیبه و عتبه دو پسر ربیع و ولید بن عتبه در مقابل هم به رزم پرداختند (صحیح، بخاری، ج ۴، ص ۴۱۰).

بخاری از قیس بن سعد از امیرالمؤمنین نقل کرده که فرمود: من اولین کسی هستم که در روز قیامت برای دادخواهی در پیشگاه خدای رحمان زانو می زنم. و قیس بن عباد (راوی حدیث از امیرالمؤمنین) گفت: در مورد ایشان است که آیه نازل شده؛ آن دو گروه کسانی هستند که در روز بدر پیکار کردند. در حدیثی دیگر از ابوذر نقل شده که سوگند می خورد این آیه در باره هم اینان نازل شده است (صحیح، مسلم، ص ۱۲۳۵).

آیه براءت: بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ (توبه ۱)

خداوند و پیغمبرش بعد از این

براءت بجستند از مشرکین

که هرگاه بستند عهد و پیمان

شکستند میثاق چندین و چند

این ماجرا یکی از فضایی است که در شأن امیرالمؤمنین نقل شده. مشروح این جریان در احادیث این گونه آمده است که از ابن عباس نقل شده: رسول خدا به ابوبکر مأموریت داد تا پیام وی را در مراسم حج ابلاغ کند. سپس در حالی که ابوبکر در راه بود، علی را در پی او فرستاد. ابوبکر وقتی صدای ناقه پیامبر را شنید، به خیال اینکه رسول خدا آمده است به سمت وی رفت اما علی را دید که بر ناقه رسول خدا سوار است و نامه رسول خدا را به ابوبکر نشان داد که از طرف پیامبر مأمور ابلاغ پیام برائت شده بود پس در ایام تشریق، علی ندا داد که: همانا خدا و رسولش از مشرکین بیزارند، پس مشرکین چهار ماه فرصت دارند و بعد از آن هیچ مشرکی حق اقامت در مکه را ندارد و از این پس کسی نباید عریان به طواف پردازد و کسی جز مؤمن داخل بهشت نمی شود. علی این کلمات را ابلاغ می کرد، (مستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۵۳). عبدالفتاح عبدالمقصود نویسنده اهل تسنن از مصر در مورد اهمیت جریان ابلاغ پیام برائت نوشته است: رسول خدا در میان آن همه سران و بزرگان مسلمان، پسرعموی خود را برگزید و بر دیگران از مهاجر و انصار مقدم داشت.

آیه اطاعت و پیروی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

پس ای مومنان با رضا و قبول **نساء ۵۹** اطاعت کنید از خدا و رسول

همین گونه با رغبت و با رضا اطاعت نمائید اولی الامر را

چو دارید ایمان به پروردگار بیاورده ایمان به روز شمار

اگر بینتان شد جدالی دراز به حکم الهی بگردید باز

که این کار بهتر بود در صفت سرانجام آن هست خوش عاقبت

ابن عباس گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام رفتن به تبوک، علی (علیه السلام) را در مدینه به جای خود نهاد و فرمود انت منی بمنزله هارون من موسی؛ یا علی، چنان که هارون جانشین موسی بود، تو جانشین من هستی سپس آیه ۵۹ سوره ی نساء نازل شد

آیه تطهیر: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا احزاب ۳۳

که از اهل بیت نبوت اله بخواهد کند دور رجس و گناه

شما را ز هر عیب سازد بری کند پاک و تطهیر از هر بدی

ام سلمه می گوید: پیامبر در خانه من بود که ناگهان حالت نزول وحی به ایشان دست داد. به من فرمود بی درنگ برو به علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) بگو بیایند. من هم بسرعت آنها را فراخواندم. پیامبر همگی آنها را در زیر کسای یمانی جمع کرد و در آن حال آیه فوق بر ایشان نازل شد آنگاه پیامبر فرمود: **اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا**. بارالها اینان اهل بیت منند پس هرگونه پلیدی را از ایشان دور کن و پاک و معصومشان گردان. ام سلمه در ادامه می گوید به پیامبر عرض کردم اجازه می فرمایید من هم نزد شما بیایم و در زیر کسا جای گیرم؟ فرمود: تو در جای خودت باقی بمان، هرچند که زن خوبی هستی. یعنی اینجا نه تنها جای تو نیست بلکه هیچ کس دیگر لیاقت چنین جایگاهی را ندارد. پس از این ماجرا فرمانی از جانب خدا آمد که: **و امر اهلک بالصلوة و اصطر علیها (طه ۱۳۲)** یعنی خاندان خود را به نماز امر کن و از آنان بخواه در بپا داشتن نماز شکیبایی ورزند. انس بن مالک گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) شش ماه هنگام رفتن برای نماز صبح از کنار خانه ی زهرا (سلام الله علیها) عبور می کردند و می فرمودند: ای اهل بیت نماز و آیه ی فوق را تلاوت می فرمودند.

(شواهد التنزيل ۱۳۷). بعضی روایات ۹ ماه هرگاه برای نماز صبح به مسجد می‌رفت کنار در خانه علی و فاطمه علیهما السلام می‌ایستاد به آنان سلام می‌کرد و با صدای بلند می‌فرمود: **الصلوة يا اهل البيت** سپس آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود (صحیح ترمزی ج ۵ ص ۳۵۱ و ۳۵۲ مستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۹، تفسیر الدر المنثور ذیل ۱۳۲ طه)

آیه تطهیر در ذیل آیه ۳۳ از سوره احزاب واقع شده که آیات ماقبل و مابعد آن، درباره زنان حضرت رسول می‌باشد. از این روی، بعضی از دشمنان اهل بیت، قطع نظر از روایات متواتر، خود آیه تطهیر می‌گویند که درباره زنان آن حضرت نیست؛ زیرا خطاباتی که در آیات قبل و بعد آن آمده همه آنها با جمع مؤنث آمده است؛ مثلاً در آیات قبل می‌خوانیم: **کنتن، تعالین، امتعن، اسرحکن، منکن، اتقین**. و در آیات بعد آمده:

واذکرن، فی بیوتکن، آن وقت در وسط اینها، خطاب، مبدل به جمع مذکر شده **لیذهب عنکم ... یطهرکم** این کاملاً می‌رساند که منظور از خطاب جمعی است که در میان آنها اصلاً زن در اقلیت است. صحیح مسلم ج ۵ ص ۳۷. فضائل الصحابه ب ۹، ح ۲۴۲۴ سنن ترمذی الجامع الصحیح ج ۵ المستدرک ج ۳ ص ۱۵۸ تفسیر طبری، ج ۲۲ و ۲۳.....

۱۴ معصوم: **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ (نور ۳۵)**

به تمثیل، نورش چو مشکات دان
حبابی چو اختر درخشان و ناب
ز زیتون درختی مبارک نهاد
ولی روشن از آن یمین و یسار
شود شعله ور بی نیاز به نار

خدا نور ارض است و هفت آسمان
درونش چراغی و دورش حباب
چراغیست با روغنی بس زیاد
تو آن را نه شرقی نه غربی شمار
چه زودست کاین روغن از هر کنار

همی روی نورست از معرفت
هدایت نماید به آیین راست
خداوند این سان مثل آورد
بداند همه چیزها را به نور

یکی نور «حق باشد اندر صفت»
بدین نور، یزدان کسی را که خواست
که از بهر افراد صاحب خرد
خدا هست دانا به کل امور

مقصود از «مثل نوره» ایمان پیامبر است، یعنی ایمانی که در سینه رسول خداست، بسان مشکاتی است که در آن چراغ است، توگویی مشکات، صلب پدرش، و زجاجه بسان جسم پیامبر، و مصباح بسان ایمان در قلب او یا بسان نبوت در روح او است

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور او همانند چراغدانی است، آن چراغدان یعنی فاطمه علیها السلام.

در آن چراغی است (یعنی) حسن علیه السلام.

چراغ در حبابی است (حباب یعنی) حسین علیه السلام.

حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان (یعنی) فاطمه سلام الله علیها که در میان بانوان بهشتی چون ستاره‌ای فروزان می‌درخشد.

جابر بن عبدالله انصاری از علی (علیه السلام): **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ** قائم ما مهدی
عجل الله است (المحجة في منزل في القائم المهدی)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ **بینه ۷**

که صالح بگشتند و پرهیزکار

ولی مومنان به پروردگار

نبودست هرگز عیان و نهان

شان نکوتر در اهل جهان

خوارزمی در مناقب از جابر نقل کرده است که می گوید: نزد رسول خدا که علی بن ابیطالب آمد. حضرت فرمود: برادرم آمد. بعد متوجه کعبه شد و دست به کعبه زد و فرمود: والذی نفسی بیده ان هذا و شیعتہ هم الفائزون یوم القیامة ؛ یعنی قسم به

خدایی که جانم در دست اوست! بدرستی که این علی و شیعیانش، در روز قیامت، نجات یافتگان هستند. سپس فرمود: او اولین کسی است که به من ایمان آورد، و از همه شما به عهد خدا وفادارتر و در امر خدا محکمتر و در رعیت، عادلتر است و بهتر از شما بالسویه تقسیم کننده و بزرگتر از شما در مزیت در نزد خداوند است. در این هنگام این آیه شریفه نازل گردید. بدین سبب، هنگامی که علی می آمد، صحابه می گفتند **جاء خير البرية** بهترین نازل خلق آمد ابن حجر در کتاب صواعق محرقة خود، آن را آیه یازدهم شمرده است. و از ابن عباس نقل می کند که: چون این آیه شریفه نازل شد، پیامبر اکرم به علی بن ابیطالب فرمود: **هو انت و شيعتك تاءتي انت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضين و ياءتي عدوك غضابا مقمحين**. این مطلب نیز از مسلمات است. علامه امینی در الغدير، محلّهای آنرا از کتاب اهل سنت، به طور مشروح بیان کرده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ^۱ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ^۲ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ^۳

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^۵ (نباء)

سر آغاز گفتار نام خداست	که رحمتگر و مهربان خلق راست
کدامین خبر هست در پیش رو	که مردم نمایند ز آن پرس و جو
بگویند از روز محشر سخن جدل	کرده در باب آن مرد و زن
چنین نیست کان کافران به کیش	تصور نمودند در قلب خویش
بکردند آگه بزودی زود	بزودی بدانند تا حق چه بود

نبا خبر مهم و حتمی است که از آیات بعد فهمیده می شود مراد از آن خبر برپاشدن قیامت و رستاخیز است.

در روایات، حضرت علی علیه السلام به عنوان یکی از مصادیق **نَبَأٌ عَظِيمٌ** معرفی شده است.

کفار چند گروهند: فِيهِ مُخْتَلِفُونَ بعضی اختلاف و برخی تردید می‌ورزند و برخی دیگر لجاجت می‌کنند.

سؤال، گاهی برای فهمیدن مطلب است که مورد تأیید و تأکید قرآن است، چنانکه می‌فرماید: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِمَّا گاهی سؤال، برای ایجاد تشکیک و تردید در ذهن دیگران است، آنهم در امور قطعی و حتمی مانند وقوع قیامت که قرآن در این آیات، آن را مورد مذمت قرار می‌دهد.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

بشو هادی ما به راه درست (۶) ره آن که منعم ز نعمات توست
نه آنانکه خشت برایشان رواست نه آن ها که هستند گمراه ز راست (۷)

راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اليمين و الشمال مضلة و الطريق الوسطى هي الجادة انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است. در روایات آمده که امامان معصوم علیهم السلام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم. یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ...، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند. جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می‌نشیند.

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

بر آنچه خدا کرد نازل بر او	بیاورد ایمان رسول نکو
به یکتایی کردگار جهان	بگشتند قائل همه مؤمنان
به جمله ملکهای آن کردگار	بگشتند مؤمن به پروردگار
هرآنچه کتابست یا که رسول	نمودند با میل و رغبت قبول
تفاوت ندارند در چشم ما	بگفتند، پیغمبران خدا
ببندیم فرمان حق را به کار	شنیدیم دستور پروردگار
که بر سوی تو بازخواهیم گشت	بخواهیم آمرزش از سرگذشت

حضرت علی(علیه السلام) نخستین یاور پیامبر(صلی الله علیه و آله) روزی متوجه نماز و عبادت آن دو شده و کنجکاو میشود و سوال مینماید پیامبر توضیح میدهند و علی فرصت میخواهد تا با ابوطالب مشورت نماید و بعد از چند روزبه این نتیجه میرسد که خداوند برای آفرینش من با ابوطالب مشورت نکرد و اولین مردی بود که اسلام آورد. در این میان تنها حضرت علی(علیه السلام) مجری طرحهای پیامبر(صلی الله علیه و آله) در دعوت الهی اش و تنها همراه و دلسوز آن حضرت در ضیافتی بود که وی برای آشناکردن خویشاوندانش با اسلام و دعوتشان به دین خدا ترتیب داد. در همین ضیافت پیامبر(صلی الله علیه و آله) از حاضران سؤال کرد: چه کسی از شما مرا در این راه کمک می کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد؟

فقط علی(علیه السلام) پاسخ داد: ای پیامبر خدا! من ترا در این راه یاری می کنم پیامبر(صلی الله علیه و آله) بعد از سه بار تکرار سؤال و شنیدن همان جواب فرمود: ای خویشاوندان و بستگان من، بدانید که علی(علیه السلام) برادر و وصی و خلیفه پس از من در میان شماست. از افتخارات دیگر حضرت علی(علیه السلام) این است که با شجاعت کامل برای خنثی کردن توطئه مشرکان مبنی بر قتل رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در بستر ایشان خوابید و زمینه هجرت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را آماده ساخت .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا . إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا . وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا . إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ . وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ . لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

که در طبع انسان بود این صفات معارج ۱۹.۲۵ حریص است و بی صبر اندر حیات ۱۹
کند بی قراری چو بیند زیان کند ناله و بانک از دست آن ۲۰
چو بر او کند روی، مال زیاد کند منع احسان و دست گشاد ۲۱
جز آنان که دائم خوانند نماز ۲۲ بسی پایدارند در این نیاز ۲۳
کسانی که از مال خود در خفا نمودند معین حقّی جدا ۲۴
که بر سائلینش ببخشند باز بر آن ها که دارند چیزی نیاز

آیه شجاعت و جهاد: لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا نساء ۹۵-۹۶

کسانی که بی عذر خاص از بلاد نگشتند خارج برای جهاد
نباشند چون مومنانی که فاش جنگنده در راه حق پرتلاش
بجنگد با مال و با جان خویش ره جانفشانی بگیرند پیش
مجاهد کس آن را که با مال و جان به جنگ در راه رب به جهان
خداوند داده مقامی افزون بر آن کاو زخانه نیاید برون
همه مومنان را ولی وعده داد که حق باب رحمت بر ایشان گشاد
که آن هست کاخ رفیع بهشت بر آنها چه نیکوست این سرنوشت
مجاهد کسان را به واماندگان فزون رتبی داده رب جهان
چنین رتبه هایی که گردد عطا بود رحمت و مغفرت از خدا

که زدان عالم بر اهل جهان

غفور است و بخشنده و مهربان

فداکاری و از خود گذشتگی علی علیه السلام در این جنگها بر احدی پوشیده نماند و در اثر ابراز رشادت و شجاعت بی نظیرش او را **ضیغم الغزوات و قتال العرب** مینامیدند و جز جنگ تبوک که بدستور پیغمبر در مدینه مانده بود در تمام جنگها شرکت کرده و پرچم فتح و پیروزی همیشه در دست او بوده . از غزوات مشهور و مهمی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکین و دشمنان اسلام نموده و علی علیه السلام نیز ابطال و قهرمانان عرب را در آن جنگها طعمه شمشیر خود ساخته است میتوان غزوه بدر واحد و غزوه بنی نضیر و غزوه احزاب و غزوه خیبر و فتح مکه و جنگ حنین و طائف را نام برد

آیات هل اتی : إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝ يُوفُونَ بِالْذِّكْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

نکو کار افراد نیکو سرشت ۹ انسان شرابی بنوشند اندر بهشت

که طبعش به آمیزه و رنگ و بو ۵ چو کافور خوشبوی باشد نکوه

ز سر چشمه اش بندگان خدا بنوشند با میل و روی صفا

که جاری شود چشمه ی خوشگوار به هر جا که آنان کنند اختیار ۶

همان بندگانند اهل وفا به نذری که بستند نزد خدا

بترسند از خشم پروردگار ز هنگامه ی سخت روز شمار

که سختی و شرش بگیرد فرا همه مردمان را به روز جزا ۷

به حب خدا می نمایند سیر یتیم و مسکین و شخص اسیر ۸

بگویند بهر رضای خدا کنون بر نهادیم خوان غذا

نخواهیم پاداش و اجر و سپاس فقط دین خود را داریم پاس ۹

الگوی ایثار : در این سوره داستان انفاق خانواده حضرت علی (علیه السلام) بیان شده و قرآن از این عمل تجلیل کرده است. علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) برای شفای حسن و حسین (علیهما السلام) که بیمار شده بود نذر کردند که سه روز روزه بگیرند پس از شفای آنان روزه گرفتند، روز اول غذای خود را به فقیر. روز دوم به یتیم و روز سوم به یک اسیر دادند و تنها با آب افطار کردند. خداوند سوره ی انسان را نازل کرد. تفسیر آیه در کلام اهل تسنن و تشیع عده‌ای از عالمان معروف اهل تسنن با نقل حدیثی در کتاب‌های خود، این آیات را درباره ایثار علی (علیه السلام) و خاندان او دانسته‌اند و تمامی علمای شیعه هیچ‌ده آیه مورد بحث را از افتخارات بی‌نظیر و فضایل بسیار مهم حضرت علی و فاطمه زهرا و فرزندان‌شان شمردند. (تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۵)

صبح فردا علی دست حسن و حسین را گرفته، خدمت رسول‌الله آمدند و هنگامی که حضرت عزیزان خود را نظاره می‌کرد دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود این حالی را که در شما می‌بینم برایم بسیار گران است. سپس برخاست و با آنان به خانه فاطمه وارد شدند. دید دخترش در محراب عبادت ایستاده است. در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشتش چسبیده و چشمانش به گودی نشسته است. اندوه وجود پیامبر را فراگرفت و در حالی که غبار غم بر قلب مبارک حضرت نشسته بود. جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید سپس سوره هل‌اتی (انسان) و هیچ‌ده آیه مربوط به ایثار حضرت علی، حسن و حسین (علیهم السلام) را نازل نمود. (تفسیر احسن‌الحديث، ج ۱۲ ص ۲۷۴/ الجدید، ج ۷ ص ۲۸۳/ التفاسیر، ج ۷ ص ۱۳۹/ الکشف، ج ۴ ص ۶۷۰/ کشف‌الاسرار، ج ۱۰ ص ۳۱۹) و نیز اهل سنت زمخشری در کشاف از ابن عباس نقل کرده است

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ **مائده ۵۶**

بلی آنکه دارد ولی ای چنین خداوند و پیغمبر و اهل دین
همانا که فیروز هر دو را سراسر است که پیروز تنها سپاه خداست

ابن شهر آشوب از امام باقر علیه السلام نقل کند که این آیه درباره امام علی مرتضی علیه السلام نازل شده است. ابن بابویه بعد از چهار واسطه از ابوالجارود و او از امام باقر علیه السلام نقل نماید که عده ای از یهودیان که مسلمان شده بودند، نزد پیامبر آمدند که از زمره آن‌ها عبدالله بن سلام و اسید بن ثعلبه و ابن یامین و ابن صوری بودند، گفتند: یا نبی الله، موسی بعد از خود به یوشع بن نون وصیت کرد به ما بگو که بعد از تو چه کسی وصی تو خواهد بود؟ سپس آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ نازل گردید.**

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ آل عمران ۱۳۴

کسانی که در وسعت و فقر مال نماینده انفاق مال و منال

نشانند هم خشم خود را فرو ببینند گر بد کنند عفو از او

چنین اند مردان شایسته کار که باشد خداوندشان دوستدار

روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام در موقع شستشوی سر و صورت آن حضرت، ظرف آب از دستش افتاد و سر امام علیه السلام را زخمی کرد. او دریافت که امام ناراحت شده است. بلافاصله گفت: **وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ**، امام فرمود: من خشم خود را فرو بردم. او دوباره گفت **وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ**، امام فرمود: تو را عفو کردم. او گفت: **وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** امام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی.

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که خشم خود را فرو برد، مگر آنکه خداوند عزّت او را در دنیا و آخرت فزونی بخشد.

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . **توبه ۱۹**

شما آنکه سقايت هنگام حج	دهد تشنه را آب ايام حج
و يا آنکه تعمير مسجد حرام	نمايد به سعي و به جهد تمام
بخوانيد آيا چو آنکس که او	بياورد ايمان به يزدان نکو
بکردست در راه ايزد غزا	بجنگد در راه يک تا خدا
به پيش خداوند اين دو گروه	نباشند يکسان به عزّ و شکوه
پس اکنون نورزيد بر هم حسد	اگر به کسی رتبی می رسد
هدايت نسازد خدا ظالمان	که تيغ حسد را کشند از ميان

«شيخ طوسی» گوید: از امامين باقر و صادق عليهما السلام روايت گرديده که اين آيه درباره علی بن ابی طالب عليه السلام و عباس نازل گرديده. طبری از ابن عباس روايت کند که گفته بود اگر شما در اسلام آوردن سبقت جسته و به هجرت نیز پيشی گرفته ايد، مانند ما سابقه سقايت حاج و حفظ خانه کعبه را نداريد سپس اين آيه نازل گرديد. اين آيه درباره علی و عباس و عثمان و شبيه نازل گرديده است، شعبي گوید: درباره علی و عباس نازل شده چنان که ابن وهب و سدی نیز به همين قول معتقدند و نیز در سبب نزول آيه اختلاف نموده اند.

عده ای گویند: يهود از مشرکين پرسیدند و مشرکين گفتند: ما کسانی هستيم که به حجاج آب می داديم و سقايت می نموديم و مسجدالحرام را تعمير کرديم. آيا ما افضل و برتر می باشيم يا محمد و اصحاب او؟ يهود به خاطر عناد و دشمنی که با مسلمين داشتند، گفتند: شما افضل هستيد. عده ای گویند: مسلميني که در جهاد شرکت

داشتند به آن‌هایی که جهاد نکرده بودند، افتخار نموده و فخر می فروختند سپس این آیه نازل گردید چنان که زجاج گفته است

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ . يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ . خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ توبه ۱۹-۲۲

همه مومنان به پروردگار	کردند هجرت از شهر و دیار
بجنگیده در راه رب جهان	نهادند سرمایه از مال و جان
به نزد خداوند بی چون و چند	بر آنها مقامی ست نیکو بلند
همانا که آنان سبک از غم اند	که خود رستگار رستگاران دو عالم اند ۲۰
بر ایشان بشارت رسید از خدا	بدان رحمت خاص و بی انتها
به رضوان و جنات و باغ بهشت	که نعمات جاوید در آن نوشت
به مانند جاوید آنجا مقیم	که نزد خدا هست اجر عظیم

ابوالجارود از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که این آیات درباره علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصاف آن بزرگوار نازل گردیده است .

اگر همه‌ی مسلمانان و صحابه پیامبر در يك ردیف باشند، نخستین ایمان آورنده و آنکه بیشترین مدّت را در جبهه بود و بیشترین ضربات را خورد، چه کسی جز علی علیه السلام خواهد بود؟ اگر ملاك ارزش نزد مردم، روابط قبیلگی و نژادی است، در محاسبات الهی، ایمان، هجرت و جهاد، ملاك ارزش است.

خیر کثیر بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

خداوند به وعده های خود عمل می کند . خداوند وعده ی عطا به پیامبر داده بود (و) لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی (ضحی ۵) ما به آن وعده عمل کردیم و حضرت فاطمه (س) را که ۱۲ معصوم از نسل اوست به پیامبر (ص) عطا کردیم

فرزند و نسل عطیه الهی است (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)

کوثر یک معنی جامع و وسیع دارد، و آن خیر و برکت فراوان است ، ولی بسیاری از بزرگان علمای شیعه یکی از روشنترین مصداقهای آن را وجود مبارک (فاطمه زهرا) (سلام الله علیها) دانسته اند. زیرا نسل و ذریه پیامبر به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت نسلی که نه تنها فرزندان جسمانی پیغمبر بودند، بلکه آیین او و تمام ارزشهای اسلام را حفظ کردند، و به آیندگان ابلاغ نمودند، نه تنها امامان معصوم اهل بیت (علیهم السلام) که آنها حساب مخصوص به خود دارند (فخر رازی)

شان نزول : آنها پیغمبر اکرم را متهم می کردند که بلاعقب است قرآن ضمن نفی سخن آنها می گوید: ما به تو کوثر دادیم. از این تعبیر استنباط می شود که این خیر کثیر همان فاطمه زهرا است. بنابراین معنی سوره این است که خداوند به او نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند، چه اندازه از اهل بیت را شهید کردند، در عین حال جهان مملو از آنهاست، این در حالی است که از بنی امیه (که دشمنان اسلام بودند) شخص قابل ذکری در دنیا باقی نماند، در میان آنها نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والامقام و فرماندهان عظیم بودند که با ایثار و فداکاری در حفظ آیین اسلام کوشیدند.

آیه نعمت ولایت : ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ تکاثر ۸

در آن روز پرسند از حالتان از آن ثروت و نعمت و مالتان

آنگاه در آن روز از آن نعمت حتما پرسش خواهند شد. امام صادق علیه السلام درباره آیه فوق فرمودند: به خدا قسم نعمت مورد پرسش، غذا و نوشیدنی ها نیستند. بلکه ولایت ما اهل بیت است که مورد پرسش قرار می گیرد. (تفسیر برهان ۴: ۵۰۲/ح ۶)

نعمت ولایت همان نعمتی است که خداوند آن را در روز غدیر بر همه مسلمانها به حد اتمام رسانید و این همان نعمتی است که روز قیامت مورد پرسش قرار خواهد گرفت.

این مطلب در روایات اهل سنت نیز نقل شده است، جلال الدین سیوطی در این زمینه از رسول خدا نقل نموده است که فرمودند: گامهای فرد در روز قیامت حرکت نمی کند تا اینکه از چهار چیز از او پرسش شود: از عمرش که آن را در چه راهی مصرف کرده، از بدنش که آن را در چه راهی به زحمت انداخته، و از مالش که آنرا چگونه خرج و از کجا کسب کرده، و از محبت ما اهل بیت (إحیاء المیت سیوطی ۱۱۵)

حال که ولایت و اعتقاد به اهل بیت و محبت آنها و پیوند با آنان، برترین نعمتی است که خدا به ما عطا کرده است، در مواقع دعا، این نعمت عظیم را باید از خدا تقاضا کرد، چرا که این گوهر الهی را به هر کسی عطا نکرده و در هر مکانی قرار نداده اند، پس باید دست استغاثه به درگاه حق بلند کرد و از او تقاضا نمود که: خدایا در طول زمان غیبت و بی خبری ما از امامان، یقین را از ما سلب مکن، و یاد و انتظار او و ایمان به او و اعتقاد راسخ به ظهور او و توفیق دعا و صلوات برای او را از ما مگیر. (مفاتیح دعاء ایام غیبت) حال که او برترین نعمتی است که خداوند به ما عطا کرده است .

چاه پرآب (علی): وَ بئرٍ مُعْطَلَةٍ وَ قَصْرٍ مُشِيدٍ (حج ۴۵)

چه بسیار بودند خود قصر و کاخ که تبدیل گردید بر سنگلاخ

و چه بسیار چاه پرآب بی صاحب ماند، و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع
امیر المؤمنین علیه السلام در مورد این آیه فرمود: فَالْقَصْرُ مُحَمَّدٌ وَ الْبُئْرُ الْمُعْطَلَةُ وَ لَايْتِي،
عَطَّلُوهَا وَ جَحَدُوهَا وَ مَنْ لَمْ يَقَرَّ بِوَلَايَتِي لَمْ يَنْفَعْهُ الْإِقْرَارُ بِنُبُوءَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .
همانا مراد از قصر، محمد است و چاه معطل مانده، ولایت من است که آن را معطل
گذاشته و انکار کردند، هر که به ولایت من اقرار نکند اقرار به نبوت برای او نفعی ندارد
(بحارالانوار ج ۲۶ ص ۳)

معرفت ائمه: مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا

چو جوید کسی حاصل آخرت (شوری ۲۰) خداوند او را دهد مرتبت

برآن دانه حسن کو کاشته فزائیم ما هم برآن داشته

هرآن کس که کشت جهان را طلب نماید، نصیبش بگردد ز رب

و لیکن به عقبی نیابد نصیب بر او رحمتی نیست روز حسیب

کسی که آخرت را بخواهد، افزون بر آن، به او دهیم و کسی که دنیا را بخواهد تنها دنیا
را به او دهیم . امام صادق (علیه السلام) فرمودند: حَرْثُ الْآخِرَةِ (کشت آخرت) یعنی معرفت
علی و ائمه (علیهم السلام)، حَرْثُ الدُّنْيَا (کشت دنیا) یعنی تلاش کسانی که از دولت حق
حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه) بهره ای نخواهند داشت.

دیگر فضایل علی علیه السلام که مطابقت با آیات قرآن دارد :

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ **توبه ۲۵** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ **توبه ۱۱۹ ۲۵**

چه بسیار در جنگ و در کارزار	شما مسلمین را خدا بود یار
بگشتید مغرور روز حنین	چو دیدید انبوه لشکر به عین
نیامد به کار آن سپه روز جنگ	زمین بر شما گشت آن روز تنگ
به ناگاه جستید از کارزار	همه رو نهادید سوی فرار ۲۵
الا مومنان به پروردگار	که دارید ایمان به روز شمار
بترسید از کردگار مهین	بگردید با صادقان همنشین ۱۱۹

وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ **حشر ۹**

پس انصار آنان که زان پیشتر	که احمد بدانجا نماید سفر
بگشتند مومن چنانکه نکوست	مهاجر کسان را گرفتند دوست
به لطفی که از حق بر آن نرسد	نورزند نه رشکی و نه حسد
به هر چیز آن مردم نیکبخت	اگر چه که محتاج باشند سخت
ولی باز هم خود را از آن دل کنند	مهاجر کسان را مقدم کنند
هر آن کس که خود را ز بخل و آز	نگهداشت حقا بود سرفراز

همین مردمانند خود رستگار

چه در دار دنیا چه دارالقرار

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْطَافَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ **بقره ۲۶۵**

کسانی که کردند انفاق مال

بجستند خوشنودی ذوالجلال

ه قلبی سراسر پر از اعتماد

دل از لطف الله دارند شاد

باقیست بر تپه ای بلند

که از هیچ آفت نیابد گزند

و باران بسیار آید فرود

دو چندان شود حاصلش ز آنچه بود

گر هم نبارید باران زیاد

ز بارانی اندک شود نیز شاد

هست بر کار خوبان بصیر

بداند چه دارند اندر ضمیر

و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ **حج ۷۸**

سزد کرد با نفس بدخو جدال

و ز آن سوی با دشمنان هم قتال

ز اسلام گشتید بس سرفراز

شما رادر لوف گردید باز

به تکلیف هرگز برای شما

نه رنج و نه زحمت نهاده خدا

همانند آیین و دین خلیل

که جد شما بود مرد جلیل

از این پیشرها یگانه خدا

مسلمان بخوانده ست نام شما

که شاهد بود بر شما مصطفی

گواه دگر مردمان هم شما

بخوانید از بهره ایزد نماز	مسازید خود از زکات احتراز
توسل بجوید بر کردگار	بخواهید یاری ز پروردگار
که او پادشاه و ولیّ شماس	چه نیکو نصیری یگانه خداست
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ آل عمران ۱۳۴	

کسانی که در وسعت و فقر مال	نماینده انفاق مال و منال
نشانند هم خشم خود را فرو	ببینند گر بد کنند عفو از او
چنین اند مردان شایسته کار	که باشد خداوندشان دوستدار
النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا احزاب ۶	

پیامبر سزاوارتر هست بیش	بر افراد مومن ز جانهای خویش
بر آنان که در خیل ایمان درند	زنان پیامبر همه مادرند
ز ما بین اقوام خویش و نسب	گروهی مقدم نموده است ربّ
مهاجر و انصار محکم نه سست	نمودند عهد اخوت درست
بر این امر این آیه دارد نظر	کز ایشان اگر کشته شد یک نفر
نسب‌ها و خویشان مقدم ترند	که میراث او را به دست آورند
مگر خود وصیت کند این سخن	که بر دوستانم رسد ارث من
بگردیده مستور اندر ازل	چه کس بر چنین کار ورزد عمل

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا . هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا . وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا . وَ لَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا . وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدِّبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا . قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَتُّونَ إِلَّا قَلِيلًا . قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنِ ارَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا احزاب ١٠-١٧ احزاب ١٦ تا ١٧

الا ای پیامبر تو بگشا زبان	بگو برد رویان خوام این بیان
اگر می گریزید از قتل و جنگ	و مرگ به نفع شما نیست این ساز و برگ
نکردید از زندگی کامیاب	که عمر شما می رود با شتاب
بگو گر بخواهد یگانه خدا	که آید شما را زیان و بلا
و یا اگر بخواهد کند مرحمت	نهد بر شما لطفی و مغفرت
چه کس می تواند اذانش را مهر	شود مانع کردگار سپهر
ندارند مردم نیاورد نیار	به جز ایزدی که او بود کردگار

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا . وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا احزاب ٢٢. ٢٥

چو دیدند با چشم خود مومنان	سپاه عدو لشکر دشمنان
بگفتند اینست خود آن جهاد	کزین پیش یزدان به ما وعده داد

بر ایمانشان نیک افزوده گشت	که از جان و از سر ببايد گذشت ۲۵
خدا باز گرداند کفار پست	نیاورده هرگز غنیمت بدست
به دل آتش خشمشان شعله ور	به دریای کینه شده غوطه ور
خدا مومنان را به هنگام جنگ	کفایت کند تا کنند عرصه تنگ
همانا تواناست پروردگار	بود صاحب قدرت و اقتدار

رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ آل عمران ۸

خدایا ز بعد هدایت دگر	مگردان دل ما بر آیین شرّ
ز الطاف خاصت به ما کن نثار	که بسیار بخشنده ای کردگار

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۵۳ آل عمران

خدایا بر آنچه فرستاده ایم	بر آنچه به پیغمبرت داده ای
بکردیم آن را یکایک قبول	اطاعت کنیم از مسیح و رسول
تو در بین افراد شاهد بدین	همی ثبت کن نام ما را چنین

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا . احزاب ۱۱

در آن عرصه ی جنگ رب جهان	همه مومنان را بکرد امتحان
تزلزل در آنجا بشد آشکار	نبودند چون مومنان استوار

۳۲ آیه در زیارت غدیریه (امام هادی علیه السلام) در شأن و فضایل

علی (علیه السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ^۱ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ^۲ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ^۳
كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ^۵ (نباء) اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ^۶ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ^۷ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ
كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا
غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ بقره ۲۸۵

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ
رَاكِعُونَ مائده ۵۵ أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِينًا مائده ۳ وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَنْبِيئًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ
جَنَّةٍ بَرْنُورَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِير بقره ۲۶۵ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا
احزاب ۳۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن
تَنَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ
وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا نساء ۵۹

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ مائده ۷ وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي
نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ بقره ۲۰۷ وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ شعراء
۲۱۴ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَن يَفْقَرَفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُور شوری ۲۳

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ آل عمران ٦١ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ سجده ١٨ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بينه ٧ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ . مِّنَ اللَّهِ

ذِي الْمَعَارِجِ معارج ١.٣

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا . إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا . وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا . إِلَّا الْمُصَلِّينَ معارج ١٩.٢٢ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا . فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا . دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا نساء

٩٥-٩٦

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ٥ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ٦ يُوفُونَ بِالْإِثْمِ وَ يُخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ٧ وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ٨ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا ٩ إِنَّا نَشَاءُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ يَزِيدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ مائدة ٥٤

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ مائدة ٥٦ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ . رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ آل عمران ٨-٥٣ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ آل عمران ١٣٤

أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ . يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ . خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ توبه ١٩.٢٢

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۖ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ توبه ٢٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه ١١٩ ٢٥ وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ حشر ٩

وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ حج ٧٨ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ . أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ سجده ١٩-١٨

إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ إِذْ رَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا . هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا . وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا . وَ لَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَاتَوَّاهَا وَ مَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا .

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلَوْنَ الْأَذْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا. قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا. قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا

نَصِيرًا احزاب ١٠-١٧

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا. وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا احزاب ٢٢ و ٢٥ النَّبِيُّ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا احزاب ٦

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الْمُعْصومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [وَأَلِ مُحَمَّدٍ] خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَبِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیاتی که امام حسین علیه السلام از مدینه تا مکه
از کربلا، بالای نیره تا کوفه و شام، تلاوت کرده

و قیام خود را استناد فرمودند

و آیاتی که امام سجاد و حضرت زینب علیهما السلام
در خطبه های آتشین در کوفه و شام تلاوت کردند

مؤلف: محمود زارع پور



سرشناسه: زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

فهرست

بخش اول : سوره امام حسین (علیه السلام)

آیاتی که امام حسین در مسیر حرکت خود از مدینه تا شام، بالای نیزه به آنها استناد فرمودند

عاشورا، مهم‌ترین سوره از قرآن ناطق

آیاتی که امام سجاد در کاخ یزید جهت آگاهی تلاوت به آن استناد فرمودند

آیاتی که حضرت زینب در اسارت در مقابل یزید تلاوت کرده و استناد نمودند

حضرت فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) تلاوت فرمودند

بخش دوم : امام حسین (علیه السلام)، تجسم عینی زندگی قرآنی

تجلی آیات قرآن در قیام عاشورا

بخش سوم : مقامات امام حسین علیه السلام و قرآن

بخش چهارم : آیات اخلاق در سیمای امام حسین علیه السلام

بخش پنجم : آیات در شان امام حسین علیه السلام

آموزه های حسینی

بخش ششم : مبانی قرآنی زیارت عاشورا

زیارت عاشورا تبیین آیات عاشورا از قرآن وجود حضرت حسین (ع) است

دشمنی با دشمنان، سیستم دفاعی در برابر خطرها

مقدمه: خدای باری تعالی قرآن را در مکه و مدینه طی ۲۳ سال از زندگی پر برکت بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرد و سپس حقایق و اسرار و علوم شگفت انگیزش را به او الهام نمود. امامان معصوم علیهم السلام نیز وارث علوم همه انبیاء به ویژه پیامبر هستند و دریچه الهامات الهی نیز به طور کامل بر روی آنان باز است، به همین جهت گفتار و رفتارشان تفسیر آیات قرآن می شود.

به عقیده ما وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گویای قرآن است زیرا که بارها خودش می فرمود **من قرآن ناطقم** و بارها خداوند آنرا به قلب مقدس رسول اکرم نازل فرمود و بعد در اختیار شما قرار داد تا با عمل با دستورات قرآن، بر دوش گیرنده دین و وحی خدا شوید. که بدون تردید وجود قرآن با صراحت از مردم می خواهد به کسی که علوم من را در اختیار دارد مراجعه کنید، و از این رو دیدگاهشان روشن، اسرارش اشکار، ظاهرش درخشان است.

با آیات قرآن شخصیت و منزلت ائمه هدی روشن می گردد. که خداوند متعال می فرماید:
وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (سجده؛ ۲۴)

قرآن ضرورت وجود امام زمان را در هر عصری روشن می سازد، که باید در هر زمان کسی باشد تا مراد این کتاب الهی را فهمیده و به دیگران ترجمه کند و دستوراتش را عملی سازد. البته تمام این فوائد و حقایق، با وجود حجت الهی تحقق می یابند. چون همه آنها را در گفتار و کردارش، به خوبی نشان می دهد و اصلاً امام معصوم در هر زمان قرآن ناطق است. و لذا کتاب آسمانی، انسان آسمانی و همرنگ خودش را همیشه لازم دارد تا به جهانیان خودش را به روشنی نشان دهد.

در کتاب حاضر سعی شده تجسم عینی آیات قرآن را در وجود امام حسین علیه السلام بیان نموده و تمام آیاتی که امام از زمان حرکت از مدینه تا مکه و هنگام قیام و حتی بالای نیزه که در سخنان به آن استناد نموده را با توضیحات مکملی و تفسیری کوتاه همراه ترجمه به نظم از قرآن منظوم ارائه دهد.

ضمناً اخلاق و رفتار و مقامات امام را با قرآن مقایسه کرده و در انتها اثرات قیام را در دوره های تاریخی بالاخص با انقلاب اسلامی و راهپیمایی با شکوه و میلیونی اربعین توضیح داده و بالاخره با مقایسه زیارت عاشورا و آیات قرآن کتاب به پایان رسیده است.

مؤلف: محمود زارع پور

سوره امام حسین (علیه السلام)

در میان شیعه امامیه معروف است که سوره فجر سوره امام حسین (علیه السلام) و آن به روایتی است از امام صادق (علیه السلام) که : سوره فجر را در هر نماز واجب و مستحب بخوانید فَإِنَّمَا سُوْرَهُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (تفسیرنور الثقلین ج ۵ ص ۵۷۱) و دیگر اینکه صاحب نفس مطمئنه را که در آیات آخر این سوره آمده، امام حسین (علیه السلام) معرفی کرده اند و همین امر شاید مهمترین علت شهرت این سوره به نام امام باشد؛ چنان که در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ را نشنیده ای؟ منظور از این آیه، امام حسین (علیه السلام) است. او صاحب نفس مطمئنه و راضیه و مرضیه است یاران او نیز از دودمان رسالتند و در روز رستاخیز از خداوند راضی و خدا نیز از آنان راضی است. هرچه امام حسین علیه السلام به ظهر عاشورا نزدیکتر می شد هیجان و برافروختگی صورت ایشان بیشتر می شد. مثل یک کسی که مدتها عزیزش را ندیده، وقتی به وطنش برمی گردد و به کوچه شان می رسد در آن لحظات آخر می دود. عزاداران امام حسین علیه السلام وقتی به مراکز عزاداری می رسند لب درگاه صدای یا حسین آنها بیشتر می شود. (بحارالانوار ج ۳۶ ص ۱۳۱)

این سنت الهی است که وقتی قومی طغیان و ستم را به اوج رسانند، خداوند زمینه هلاک و نابودی فرعونیان را فراهم می سازد. تازیانه های ستم فرعونی سالها بر گرده بنی اسرائیل محروم نواخته می شد. خداوند، موسای نجاتبخش را مامور رهایی آنان ساخت و فرعونیان در نیل، غرق شدند. قوم عاد و ثمود نیز در فساد و تباهی به نهایت رسیده بودند که خداوند، با صاعقه عذاب و صیحه آسمانی نابودشان ساخت. امویان نیز برای نابودی دین خدا، کمر همت بسته بودند و با عترت پیامبر دشمنی می کردند. طغیانشان که به اوج رسید، موجی از خون از کربلا به راه افتاد و سلطه اموی را ویران ساخت. اگر

حکومت شوم بنی امیه را، شام مرگ و تیرگی ظلمت به شمار آوریم، نهضت حسینی و خون شهدای کربلا، فجری بود که دیوار ظلمت ظلم را شکافت و روزنه‌ای به روز بیداری و فجر رستگاری گشود. حسین بن علی علیه‌السلام با عاشورای خویش، فجری از ایمان و عقیده و حریت را در ظلمت ظلم و در سیاهی ستم پدید آورد.

کهیصص (اولین آیه از سوره مریم) و حضرت یحیی

از جمله سور شریفه قرآن کریم که در آن اشاراتی به امام حسین علیه السلام وارد شده، سوره مبارکه مریم است. در همین سوره آیاتی نیز در شأن حضرت یحیی علیه السلام آمده است، پیامبری که زندگانی و شهادت ایشان شباهت فراوانی به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام داشته است... کمال الدین دمیری از علمای بزرگ اهل تسنن می‌نویسد: چهار نفر پس از مرگ صحبت کردند:

۱. یحیی بن زکریا (علیهما السلام) هنگامی که ذبح شد.
۲. حبیب نجار (مؤمن آل یس) هنگامی که گفت ای کاش قومم می‌دانستند .
۳. جعفر طیار هنگامی که آیه وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَىٰ آخِرٍ رَّا خَوَانِد .
۴. حسین بن علی (علیه السلام) هنگامی که آیه سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ و آیات سوره کهف و ... را تلاوت کرده اند . در برخی روایات، عبارت کهیصص (سوره مریم سلام الله) به واقعه کربلا تأویل شده است،

تفسیر قرآن , آگاهی از آینده

فاضل گرامی سید نورالدین جزایری در کتاب خود «خصایص الزینبیه» چنین نقل می کند: روزگاری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کوفه بود، زینب (سلام الله) در خانه اش مجلسی داشت که برای زنها قرآن تفسیر و معنی آن را آشکار می کرد

روزی که **کهیص** را تفسیر می نمود که ناگاه امیرالمؤمنین به خانه او آمد و فرمود: ای نور و روشنی دو چشمانم! شنیدم برای زن ها **کهیص** را تفسیر می نمایی؟ زینب (سلام الله علیها) گفت: آری . امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این رمز و نشانه ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روی می آورد. پس از آن مصائب و اندوه ها را شرح داد و آشکار ساخت. آن گاه زینب گریه کرد. زینب (سلام الله علیها) عرض کرد: من قبلاً این حوادث را که برایم رخ می دهد، از مادرم فاطمه سلام الله شنیده بودم. (الله اکبر)

این حروف رمزی است که فقط خداوند و اولیاء الله و معصومین به اذن خدا اطلاع دارند. خدا داستان حضرت سیدالشهداء علیه السلام را برای زکریا نقل کرده : تفسیر **کهیص** این است؛ پس **کاف** علامت اختصاری نام کربلاست، **هاء** علامت شهادت خاندان امام حسین علیه السلام ، **یاء** علامت نام یزید بوده که همان کسی است که این ستم را بر امام حسین علیه السلام روا داشته، **عین** علامت عطش و تشنگی امام در روز عاشورا است و **صاد** علامت صبر و بردباری سیدالشهداء در مواجهه با این مصائب است

کهیص، از حروف مقطعه قرآن است که در آن اسرار و رموزی نهفته و در برخی دعاها خداوند را به این حروف سوگند می دهیم و می گوییم: **بحق کهیص** چنانکه حضرت علی علیه السلام در دعایی فرمودند: **اللهم نسئلك یا کاف، ها، یا، عین، صاد.**

طبق برخی تفاسیر، این حروف رمزی اشاره به حوادث یا فضایل یا مسایلی دارد که اهل بیت به علم آن آگاهند. از جمله تفسیرها و تاویل های این حروف، انطباق آن با حادثه کربلا است. در روایات است: حضرت زکریا علیه السلام نام پنج تن آل عبا را از جبرئیل فراگرفت و چون به نام امام حسین علیه السلام می رسید، اندوهگین می شد و اشک در چشمش می آمد، اما با نام های دیگر، اندوهش می رفت.

راز آن را از خداوند پرسید. خداوند با «کهیص» قصه آن را خبر داد. زکریا سه روز در مصیبت حسین علیه السلام گریست و از خدا خواست که فرزندی به او عطا کند و با محبت او، آزمایشش کند و آن گونه که محمد صلی الله علیه و آله را در سوگ فرزندش به داغ نشانند، او را هم داغدار کند. پس خداوند، یحیی را به او عطا کرد. یحیی نیز همچون حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمد. میان یحیی بن زکریا و حسین بن علی شباهت های دیگر نیز وجود دارد. سر هر دو مظلومانه بریده شده و سر هر دو در طشت و طبقی پیش طاغوت زمانشان نهاده شد.

عاشورا، مهم ترین سوره از قرآن ناطق

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ «توبه ۱۱۱»

همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می رسانند و (یا خود) کشته می شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

حق تعالی در قرآن کریم به مؤمنین امر می فرماید تا با بذل مال و امکانات و موقعیت اجتماعی و حداکثر تلاش و کوشش در راه خدا و بذل جان و استقبال از مرگ و قتل و شهادت خود و دوستان و اقوام و خاندان و استقبال از اسارت و شکنجه و زندان و تبعید و تهدید برای رضای خدا و دفاع از دین خدا مجاهدت نمایند

و عالی‌ترین درجه تجسم عملی و عینی ویژگی‌های برجسته و ارزشمندی است که حق تعالی تحت عنوان ویژگی‌های مؤمنین و متقین و ابرار و عباد الرحمن و حزب الله و رجال الهی و موقنین و صابرين و سابقین و تائبین و مقیمین الصلوة و ده‌ها عنوان دیگر از خواص بندگان خویش در قرآن کریم مطرح فرموده

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ اینان همان از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر نعمت‌گزاران، روزه‌داران، نماز با خضوع‌گزاران، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان، و نگهبانان حدود الهی‌اند، و مؤمنان را بشارت ده. (توبه ۱۱۲)

اگر در آیات مذکور تدبّر شود، اسراری از توبه، از عبادت، از حمد، از روزه، از نماز، از سجده، از مجاهدت با اموال و انفس و معامله با خدا و از اسرار فوز عظیم و از اسرار امر به معروف و نهی از منکر و از اسرار مراقبت از حدود و ارزش‌های الهی بر ما متجلی خواهد گشت که تا قبل از آن بی‌بهره بودیم.

چنین پیوندی بین عاشورا و تمامی آیات عرفانی و اخلاقی در قرآن و ویژگی‌های انبیاء و صدّیقین و شهدا و اولیاء و ابرار و متقین و موقنین و صابرين و حزب الله و مؤمنین حقیقی وجود دارد چنین پیوندی بین عاشورا و تمامی آیات در دفاع از دین خدا و اجرای دستورات الهی در برخورد با منافقین و ضالّین و خائنین به اسلام و قرآن وجود دارد گویا حضرت قرآن ناطق و قرآن عملی و قرآن مجسم و قرآن متجلی و مشهور است که در روز عاشورا تجلّیات آیات وجود خود را برای اهل معرفت به نمایش گذاشته است.

عالی‌ترین درجه تجسم عینی و عملی آیات فوق در عاشورا توسط حضرت بوجود آمده و تمامی ظرائف و اسراری که حق تعالی در آیات فوق مطرح فرموده و یا مستتر نموده در

عاشورا تجسم یافته و او حقیقت توبه، و عبادت حقیقی، حقیقت حمد، و روزه‌داری حقیقی، حقیقت رکوع و سجود حقیقی و حقیقت امر به معروف و نهی از منکر حقیقی و حقیقت محافظت و پاسداری از حدود و ارزش‌های الهی را از رسول خدا و اهل البیت او آموخته و خود زاهدترین و عابدترین و عارف‌ترین فرد زمان خود پس از رسول خدا و اهل البیت علیهم السلام بوده است

امام حسین (علیه السلام) از بیعت یزید سر باز زد و قصد داشت از مدینه خارج شود، برادرش محمد بن حنفیه به خدمت ایشان رسید و عرض کرد: به نظر من تا می‌توانی از شهرها و حوزه تسلط یزید دوری کن قاصدهایی به اطراف گسیل‌دار و مردم را به بیعت خود بخوان اگر با تو بیعت کردند، حکومتی چون حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تأسیس کن.

ولی اگر به گرد دیگری جمع شدند، سکوت اختیار کن یا به مکه برو اگر آنجا را محل مطمئنی یافتی همانجا بمان وگرنه به طرف یمن برو که مردم یمن یاران جدت، پدرت و برادرت بودند، اگر در آنجا هم ایمن نبودی به کوهها و بیابانها برو تا ببینیم کار این قوم به کجا می‌رسد، خدا بین ما و این قوم قضاوت کند. همین پیشنهاد را نیز عبدالله بن عباس می‌کند (طبری ج ۵). امام این پیشنهادها را نمی‌پذیرد؛ چرا که دلایل بسیاری داشت که این حرکت هیچ سودمند نخواهد بود؛ زیرا هدف آن حضرت (علیه السلام) تنها گریز از بیعت نبود، بلکه مقاومت و مقابله با خلافت شخص فاسد و فاجری چون یزید است. می‌فرماید: **إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بَلَّيَتِ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ**؛ آنگاه که افرادی چون یزید بر مسند حکومت اسلامی بنشینند، باید فاتحه اسلام را خواند. (مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۴ لهوف ص ۲۰).

آیاتی که امام حسین علیه السلام از مدینه تا مکه و کربلا و بالای نیزه تا کوفه و شام

قیام خود را به آنها استناد فرمودند :

آیه اول) : احزاب ۳۳ بیعت با یزید هرگز

حرکت امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا کربلا اتفاقات قابل تأمل رخ داد و حضرت در مقابله با هر کدام با تأسی از قرآن حرکت خود را قاطعانه پیش می بردند در مدینه نماینده یزید مأمور شد تا از امام بیعت بگیرد، امام این آیه را فرمودند: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** (احزاب ۳۳)

بخواهد کند دور رجس و گناه

که از اهل بیت نبوت، اله

کند پاک و تطهیر از هر بدی

شما را ز هر عیب سازد بری

یعنی سازش ما اهل بیت با ناپاکان و بنی امیه هرگز هیئات **مِنَ الدَّه**

يُطَهِّرْكُمْ بمعنای پاک نگه داشتن است نه پاک کردن از آلودگی قبلی

پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را زیر آن عبا گرد آورده و در جملات از سوی خدا بر او نازل گشت (۲۴ ذی الحجه). مسیحیان نجران، پس از گفت و گوی بسیار با پیامبر گفتند: گفت و گوهایی شما ما را قانع نمی کند پس در وقت معینی با یکدیگر مباحله نمائیم و بر دروغگو نفرین بفرستیم، و از خدا بخواهیم دروغگو را هلاک و نابود کند. در این هنگام بود که حضرت جبرائیل نازل گردید، آیه مباحله را آورد. شاید سران هیئت نمایندگی نجران گمان می کردند که محمد (صلی الله علیه و آله) با افسران و سربازان خود به میدان مباحله بیاید. مسیحیان همگی با بهت و حیرت به چهره یکدیگر نگاه کردند و از اینکه او فرزندان معصوم و بی گناه و یگانه دختر و یادگار خود و داماد و پسرعمویش را به صحنه آورده، تعجب کردند و منصرف شده و به دادن مالیات و جزیه تن دادند.

اطاعت از سیره ی پدرم علی علیه السلام

آیه دوم): هود ۸۸ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُم إِلَىٰ مَا أَنهَакُم عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

شما را مسبب به تکفیر چیست

بسی حجت روشن و آشکار

نه آیا پرستم خدای جلال

نباشد مرا قصد جنگ و جدل

که اصلاح سازم شما را چنین

بکردم توکل برآن کردگار

بجز راه یزدان نبودست راه

بگفتا که ای قوم تدبیر چیست

چو بر من بدادست پروردگار

به من داده روزی پاک و حلال

چو نهی شما می کنم در عمل

که منظور من هست تنها همین

چو توفیق خواهم ز پروردگار

به درگاه لطفش ببردم پناه

امام حسین علیه السلام در پایان وصیت نامه ای که قبل از حرکت به کربلا نوشتند به آیه فوق استناد کردند توفیق من جز به (اراده) خدا نیست که بر او توکل کرده به او روی آورده ام. کفار اعتراض داشتند که چرا ما از تصرف در اموالمان آزاد نباشیم؟

حضرت شعیب علیه السلام در این آیه جواب می فرمایند که اگر من شما را از تصرف بی قید و شرط محدود می کنم، به جهت اصلاح زندگی و جامعه ی شماست، نه به خاطر دشمنی، حسادت، تنگ نظری و یا امور دیگر، زیرا مصالح فردی نباید موجب ضرر و زیان به مصالح عمومی شود. جمله ی معروف امام حسین علیه السلام در وصیت نامه خود چنین می فرماید: إِيَّيْ لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ أَزْوَاجِ شَرِّ النَّاسِ وَمُفْسِدِهِمْ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ أَزْوَاجِ شَرِّ النَّاسِ وَمُفْسِدِهِمْ. قصد دارم به معروف امر کنم و از منکر

باز دارم و به سیره و روش پدرم علی بن ابیطالب عمل نمایم. امروزه که فساد در اشکال گوناگون آن جامعه ما را به نابودی کشانیده و سیاست های نژاد گرایانه و ضد ارزشی پایه های اخوت اسلام و وحدت ملی در جامعه ما را متزلزل ساخته، ظلم و بیدادگری امن و آسایش زندگانی ما را ویران ساخته است، بیش از هر زمان دیگر و بیشتر از هر جامعه دیگر به درس های حسین علیه السلام و عاشورایش نیازمندیم.

اگر حسین علیه السلام برای احیای ارزشهای دین جدش از برق شمشیرهای سپاه ظلم و تباهی استقبال نمود و اگر حسین علیه السلام برای ترویج اندیشه اصلاحی و اصلاح گری در میان امت جدش به استقبال مرگ شتافت، ما بعنوان پیروان حسین و عاشورا نمی توانیم صرفاً به سوگواری و ماتم اکتفاء نماییم.

وظیفه آزادیخواهان، حرکت در مسیر عاشورا و تعقیب خط سرخ شهادت و شهادت بر سر عهده است که با خدای خویش بسته و از مرزهای دینی و اعتقادی مان دفاع نماییم. اگر زینب علیها السلام برای انعکاس صدای عدالتخواهانه و دادگرایانه حسین علیه السلام کوچه های غربت و اسارت را در نوردید و با شهادت و عزت پیام خون حسین علیه السلام و کربلا را به گوش تاریخ زمزمه نمود،

ما اینک وظیفه داریم مخاطبان با درک و با احساس برای دریافت درس ها و آموزه های همیشه جاوید این پیام باشیم و با زنده نگهداشتن خط سرخ عاشورا با زینب علی همصدا گردیم. تجلیل از حسین علیه السلام و عاشورا تحلیل از درس ها و آموزه های ماندگار این رخداد تاریخی است و زنده نگهداشتن نام و خاطره کربلا حرکت در مسیر عاشورا و حسینی زیستن و عاشورایی مردن است. امیدوارم با گذشت یک عاشورای دیگر روح و روان ما بیش از زمان های دیگر حسینی و عاشورایی گردیده و جان و دل مان برای همیشه همراه با حسین و همزاد با عاشورا تابناک و پر خروش باشد تا بر باطل و فساد بشوریم و با ظلم

و بیداد درآوزیم و در مسیر ایثار و شهادت پایدار مانیم.

۱. هدف انبیاء علیهم السلام اصلاح انسان‌ها و جوامع بشری است **إِنْ أُريدُ إِلَّا الإِصْلَاحُ**
۲. مرز کار انبیا توان و قدرت آنهاست، نه ساعت، روز، ماه و سال. **مَا اسْتَطَعْتُ**
۳. اراده‌ی کارها از ما، ولی میزان توفیق از خداست. **إِنْ أُريدُ، مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ**
۴. در کارها آخرین تلاش را بکار ببریم، و بدانیم که موفقیت به دست خداست. ۵. **تَوَكَّلْ** زمانی نتیجه بخش است که در کنار تلاش باشد. **مَا اسْتَطَعْتُ، تَوَكَّلْتُ**
۶. مصلح باید خود صالح و اهل ایمان، توکل، انابه و سوز باشد. **(مَا اسْتَطَعْتُ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)**
۷. در این آیه برای آمر به معروف و ناهی از منکر این سفارشها شده است.

زیر بار ظلم نرفتن

آیه سوم قصص ۲۱ **فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ**

به وحشت از آن شهر موسی گریخت که دانست خونسش بخواهند ریخت
همی گفت نالان به یکتا خدا کزین ظالمان ساز من را رها

این آیه را حضرت موسی از خدا خواست که از ظلم ستمکاران محفوظ بماند. امام حسین علیه السلام در آخر ماه رجب به سمت مکه حرکت کرد. حضرت هنگام خروج از مدینه این آیه را تلاوت کردند. شخصیت امامت حسین (علیه السلام) مانند نبوت حضرت موسی (علیه السلام) بروز و ظهور پیدا کرده بود، لذا آیاتی که امام علیه السلام تلاوت می کند دقیقاً با حالات حضرت موسی علیه السلام مطابقت دارد. مدینه نیز در منطقه حکومتی یزید قرار داشت، به همین جهت می خواستند در آنجا از حضرت بیعت بگیرند. امام درست مانند حضرت موسی همان آیه را تلاوت می فرماید که جنبه نفی داشت **فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا**

شجاعت، به معنای در دسترسِ دشمن قرار گرفتن نیست

- زندگی اولیاء الله غالباً با آوارگی و سختی همراه بوده است
- سعی و همت خود را بکار بریم؛ ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم
- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد
- رهبران الهی، در همه حالات از خداوند استمداد می کنند. رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، (رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي،

راه هدایت فقط از جانب خداست

آیه ۴ قصص ۲۲ وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ

به مدین همی روی آورد او

چو بیرون شد از مصر با درد او

به راه درستم شود رهنما

بگفتا امیدست یکتا خدا

هنگامی که امام ۳ شعبان (قبل از حرکت به کربلا) حضرت هنگام ورود به منطقه امن مکه که نقطه آغاز تولد شخصیت جدید او محسوب می شود این آیه را تلاوت می کند. هم تولد شخصی حسین (علیه السلام) و هم تولد شخصیتی او در یک روز بوده است. این تقارن عجیبی است این از مواردی است که در تاریخ کمتر دیده می شود. در مکه هم در امان نبودند یزید مزدورانی را اجیر کرده بود که زیر لباس احرام شمشیر پنهان کرده و مترصد فرصتی بودند که امام را اجبار به بیعت کرده و در صورت امتناع ترور نمایند. امام حسین علیه السلام می دانست که بیعت کردن با فردی مثل یزید یعنی فاتحه ی اسلام را باید خواند لذا حج را نا تمام گذاشته و عمره بجا آورده و خارج می شوند.

- ۱- تحرّک، هجرت و بکارگیری تاکتیک‌های متفاوت از لوازم یک انقلاب است.
- ۲- اوّل حرکت کنیم، سپس دعا کنیم و امیدوار باشیم. امیدواری، در همه‌ی حالات پسندیده و فراز و نشیب‌ها، یک سنّت الهی در راه تربیت انسان‌هاست.
- ۴- کار خود را با استمداد از پروردگار آغاز کنیم.
- ۵- در محیط‌های طاغوت‌زده که زمینه‌ی انحراف و تصمیمات نابخردانه فراهم است، از خدا، هدایت بجوئیم. يَهْدِي سَوَاء السَّبِيل

یاری دادن فرشتگان و جنیان و نپذیرفتن امام

آیه ۵۶، ۷۸ نساء اَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ و...

چه باشید در کومه و سنگلاخ

چه باشید در برج و در قصر و کاخ

بگیرد گریبان‌تان سخت مرگ

به هرجا که باشید و هر سازوبرگ

امام حسین علیه السلام بسوی مدینه رهسپار شد گروه‌هایی از جن و فرشته برای یاری آن حضرت حاضر شدند و امام آیات فوق را تلاوت فرمودند و یاری آن‌ها نپذیرفت. این آیه، هم تشویقی به جهاد و نترسیدن از مرگ در جبهه‌ی درگیری است و هم پاسخی به فال بد زندهای منافقان است، که بجای بررسی و فهم درست مسائل، تلخی‌ها و شکست‌ها را به گردن پیامبر خدا می‌اندازند.

شان نزول : قومی از اعراب به یکدیگر گفتند: با محمد هجرت می‌کنیم اگر سرزمین او نسبت به ما و چارپایان ما سازگار افتاد او راست می‌گوید و دین او هم راست است و اگر با ما سازگار نیفتاد معلوم می‌شود دین او درست نیست و خودش هم راستگو نمی‌باشد چون وارد مدینه شدند حال آن‌ها دگرگون شد.

با توجّه به قطعی و حتمی بودن مرگ، فرار از جنگ چرا؟. نباید با سلب مسئولیت از خود، لغزشها را توجیه کرد و گناهان خود را به گردن دیگری انداخت پیروزی و شکست، مرگ و حیات، تلخی‌ها و شیرینی‌ها همه در مدار مقدرات حکیمانه خداست. منشأ همه‌ی حوادث تلخ و شیرین خداست، نه آنچه ثنویت می‌گوید و اهریمن و یزدان را مطرح می‌کند

آل عمران ۱۵۴ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

شما را فراغت گرفتی فرا

اگر کار ما بُد به امر خدا

چرا پس بدیدیم روی شکست

قضا باز هم مرگ آورد پیش

نوشته شده نیستی و فنا

ز منزل بیاید سوی قتلگاه

هرآنچه که دارند در دل نهان

کند خالص آن را خداوند کیش

دَرِ قلب ها، پیش او هست باز

پس از آن همه غم به امر خدا

بگفتند کی کشته گشتیم ما

(اگر دین ما برحق و کامل است

بگو گر که بودید در بیت خویش

کسی را که بهرش به لوح قضا

به پای خودش می کند طی راه

که تا آزمایش خدای جهان

هرآنچه که دارند در قلب خویش

خدا هست آگه از اسرار و راز

پس کشته شدن عده ای از شما دلیل این نیست که شما بر حق نیستید، بلکه بخاطر قضا و قدر الهی است که بر کشته شدن گروهی از شما در این مکان خاص جاری شده، لذا هیچ گریزی از اجل مسمی نیست و به فرض که شما بیرون نمی آمدید باز آنهایی که سرنوشت آنها به قتل بود، در همین نقطه کشته می شدند. اعتقاد به مقدرات حتمی

پروردگار، به انسان آرامش می‌دهد و امکان فرار نیست. حوادث تلخ و شکست در جبهه‌ها، یکی از راههای امتحان و شناسایی روحیه‌ها و درجات ایمان است. حوادث تلخ و شیرین، صحنه‌ای برای تجلی روح و فکر شماسست و گرنه خداوند همه‌ی روحیه‌ها و افکار را از قبل می‌داند.

صفات منافقان و یزیدیان

آیه ۷ توبه ۵۴ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

نشد بخشش آن جماعت قبول که هستند کافر، به رب و رسول
نخوانند جز با کسالت صلوات نبخشند جز با کراهت زکات

امام حسین علیه السلام خصوصیات سپاه کفر و نفاق را که یزید بنا کرده و عدم بیعت را اعلام می‌دارند یزیدی که ارتباطی با نماز و قرآن ندارد و سگ باز و شراب خوار و قمار بازی بیش نیست و نمایندگانش هیچ تقیدی به اسلام و نماز ندارند و نماینده اش نماز صبح را به علت مست بودن ۴ رکعتی میخواند و ...

در داستان یوسف، زلیخا تمام درها را با دست خود بست و از یوسف کام خواست. در ماجرای یوسف علیه السلام هر دو می‌دویدند، از نظر ظاهر و حرکات فیزیکی، اما انگیزه‌ی یکی فرار از گناه و انگیزه‌ی دیگری گناه کردن بود. و این است معنای نقش نیت و انگیزه در اعمال انسان. - با کفر، کسالت و کراهت، اعمال خیر پذیرفته نیست. - در قرآن، بارها منافق را کافر دانسته - متخلفان از جنگ تبوک، به ظاهر مسلمان، ولی در باطن کافرند - ارزش‌دهنده به کارها، نیت و نشاط و عشق است. - هدف اسلام از انفاق، رشد انتخابی و معنوی است، نه تنها سیر کردن شکم زیرا با کمک منافقین شکم‌هایی سیر می‌شود، اما رشد معنوی برای کمک کننده حاصل نمی‌شود.

فریبکاری، بی نشاطی در نماز

آیه ۹۰۸ م نساء ۱۴۲ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

دو رویان به نیرنگ کوشند نیک	ببندد خداشان در حيله لیک
هر آنگه که آیند اندر نماز	به بی میلی محض آیند باز
فقط بهر نیرنگ و روی و ریا	بیایند بهر نماز و دعا
کمی با ریا یاد یزدان کنند	سپس روح خود را پریشان کنند

امام حسین علیه السلام فرمودند که اسلام فقط پوسته ای از آن باقیمانده و با خلافت یزید که شخص فاسدی است فاتحه اسلام را باید خواند. و جواب نمایندگان یزید را با این آیه پاسخ می دهد.

نکته ها منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد، اما انگیزه های او الهی نیست. نماز می خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد، در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می دهد.

قرآن نسبت به مؤمنان جمله ای أَقَامُوا الصَّلَاةَ به کار می برد ولی درباره ی منافقان قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ و تفاوت میان أَقَامُوا و قَامُوا تفاوت میان برپاداشتن و به پا خاستن است.

فریبکاری، بی نشاطی در نماز، ریاکاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه های نفاق است - منافقان بدانند که با خدا طرفند - کیفر خدا متناسب با عمل است - نماز منافقان، نه روحیه و نشاط دارد، نه انگیزه، نه مقدار. كُسَالَى، يُرَآؤْنَ، قَلِيلًا.

آگاهی دادن به شکاکی ها

آیه ۱۰ م نساء ۱۴۳ مُذْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

نه با مؤمنانند نه کافران

دودل گشته اند و دورو در بیان

نبینی که یابد ره راست را

کسی را که گمره نماید خدا

تَذْذَبُ حَرَكَتِ چیزی است که در هوا آویخته باشد و هیچ جایگاه و پایگاه محکم و استواری در روی زمین نداشته باشد.

امام حسین علیه السلام برای کسانی که فریب خورده بودند و در شک و تردید به سر می بردند خود را معرفی کرده که جد و پدرش کیست و ... یعنی امام دست از هدایت منحرفان حتی در مقابل نمایندگان یزید بر نداشتند و سخنانی ایراد نمودند تا شاید هدایت شوند.

منافقان، استقلال فکر و عقیده ندارند به هر حرکتی می چرخند، به دیگران وابسته و بی هدف سرگردانند. منافق، آرامش ندارد چون پیوسته باید موضع جدید، تصمیم فوری و عجولانه بگیرد. مُذْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ

تفسیر المیزان

منافقین بین دو گروه مؤمن و کافر متردد هستند و با هر دو طرف آمد و شد دارند، اما نه به کفار بستگی و تعلق دارند و نه به مؤمنان، و علت واقعی این مذذب بودن منافقین این است که به علت لجاجت، خداوند آنها را گمراه کرده و لذا راهی بسوی هدایت ندارند. این حالت سرگردانی را خودشان بر نگزیده اند، بلکه مهر الهی موجب این تحریک و اضطراب برای آنها شده تا سعی و تلاششان در زندگی به یک هدف ثابت و آرامش بخش منتهی نگردد.

پایان زندگی مرگ است تهدید چه معنایی دارد

آیه ۱۱م آل عمران ۱۸۵ کل نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ فَمَنْ زُحِزِحَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

هرآن کس که آمد به دار الفنا	چشد لاجرم شربت مرگ را
همانا که بینند روزِ شمار	سزای عمل نیز فرجام کار
پس آن کس که خود را ز سوزنده نار	نگه داشت و ماند از آن برکنار
بگردید داخل به باغ بهشت	سعادت نصیبش شد از سرنوشت
بلی زندگانی دنیای نیست	متاع فریبنده ای بیش نیست

این آیه را امام حسین علیه السلام در جواب مصلحت اندیشان و سازشکاران تن پرور و گاهی هم وقتی تهدید ماموران یزید را می شنیدند تلاوت می فرمودند.

این آیه به اولیای الهی که مورد آزار و اذیت و تکذیب کفار قرار می گیرند، روحیه صبر و مقاومت می بخشد، زیرا می فرماید: همه می میرند و لجاجت ها موقتی است و پاداش تحمّل این مشکلات را خداوند بی کم و کاست عطا می کند.

(۱) مرگ در راه است، پس این همه لجاجت و استکبار در برابر حق، برای چه؟

(۲) مرگ، عدم نیست، یک امر وجودی قابل درک و راه انتقال از دنیا به آخرت است.

(۳) گناهان و عوامل سوق دهنده به دوزخ، دارای جاذبه هایی است که باید انسان با نیروی ایمان و عمل صالح خود را برهاند. زُحِزِحَ عَنِ النَّارِ

(۴) جزای کامل در آخرت است، و پاداش های دنیوی بی ارزش. تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

تَهْمَت به ولی خدا اختلاف افکنی

آیه ۱۲م یونس ۴۱ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

بسی افترا بر تو آورده اند	چو تکذیبِ ای مصطفی کرده اند
سرانجام آن هرچه شد مال من	بگو کار من باشد از خویشتن
سرانجام آن نیک و بد، هرچه بُد	که کار شما نیز از بهر خود
که بیزار هستم ز فعل شما	شما یید از کار نیکم جدا

در آستانه عید قربان که امام حسین علیه السلام به دلیل شدت فشارها و ناامنی موجود تصمیم به خروج از مکه و حرکت به سوی کربلا گرفتند نماینده یزید که مأمور شده بود یا بیعت از امام بگیرد یا او را به شهادت برساند در راه مکه راه را بر امام و اهل بیتش بست و درگیر شدند به امام گفتند: می ترسیم شما بین مردم و حکومت یزید شکاف و اختلاف بیفکنی!

(۱) در مقابل تکذیب کنندگان احساس شکست نکنیم، چون پاداش هدایت و ارشاد را می بریم و مخالفان نیز به کیفر تکذیب و لجاجت خود می رسند ولی برنده ی این معامله ما هستیم. (لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْ)

(۲) اسلام دین استدلال و اخلاق است، نه سازش با کفار. اگر حق را پذیرا نشدند، بیزاری خود را از رفتار و عقاید آنان اعلام کنیم. (أَنْتُمْ بَرِيءُونَ، وَأَنَا بَرِيءٌ)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

کسانی که چون محنت آید به پیش
شکیبائی آرند هر لحظه بیش
بگویند مائیم از کردگار
به او بازگردیم فرجام کار

در وسط راه بود که خبر خیانت مردم کوفه و شهادت پسرعم امام مسلم بن عقیل به ایشان رسید. فرزندق شاعر معروف در بین راه مکه و عراق به امام چنین گفت: چگونه به طرف عراق می روی در حالی که پسرعموی تو را کشته اند؟ امام بلافاصله پس از شنیدن خبر آیه استرجاء را تلاوت فرمودند

صابران، به جای خود باختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می برند. زیرا از دید آنها، تمام جهان کلاس درس و میدان آزمایش است که باید در آن رشد کنیم. دنیا جای ماندن نیست، خوابگاه و عشرتکده نیست و شداید و سختی های آن نیز نشانه ی بی مهری خداوند نیست.

ناگواری ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود تا تندتر و سریعتر حرکت کنیم، بنابراین در تلخی ها نیز شیرینی است زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از پاداش های الهی را بدنبال دارد مصیبت هایی که از طرف اوست، تصرف مالک حقیقی و خداوند در مملوک خود است.

یاد خدا به هنگام ناگواری ها، آثار فراوان دارد:

الف: انسان را از کلام کفر آمیز و شکایت باز می دارد. ب: موجب تسلیت و دلداری

و تلقین به انسان است. ج: مانع وسوسه های شیطانی است.

د: اظهار عقاید حق است ه: برای دیگران درس و الگو شدن

مردم در برابر مشکلات و مصایب چند دسته‌اند:

الف: گروهی جیغ و داد می‌کنند. «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً»

ب: گروهی بردبار و صبور هستند. وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

ج: گروهی علاوه بر صبر، شکرگزارند. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ

این برخوردها، نشانه‌ی معرفت هر کس نسبت به فلسفه‌ی مصایب و سختی‌هاست. همان گونه که کودک، از خوردن پیاز تند، بی‌تابی می‌کند و نوجوان تحمل می‌کند، ولی بزرگسال پول می‌دهد تا پیاز خریده و بخورد.

آیه ۱۴م فتح ۱۰ پیمان شکنی کوفیان

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ
وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

کسانی که کردند بیعت تو را	همانا که بستند عهد خدا
چو دستی گرفتند در دست راست	فراز چنان دست دست خداست
چو کس نقض پیمان بگیرد به پیش	زیانها رساندست بر نفس خویش
هرآن کس که آورد پیمان به جا	به عهدی که بسته است با کبریا
بزودی از این کار رب کریم	بر او اجر بسیار بخشد عظیم

در نزدیکی کربلا همین که حُرّ به امام گفت: چرا آمده ای؟ فرمود: نامه های دعوت شما مرا به این جا آورد ولی حالا پشیمان شده اید و این آیه فوق را تلاوت فرمود. پس از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را مشروع ندانست و با توجه به فرمان یزید برای کشتن او در صورت خودداری از بیعت، در ۲۸ رجب سال ۶۰ قمری از مدینه به

مکه رفت. در مدت چهار ماه حضور در مکه، نامه‌های فراوانی از سوی مردم کوفه بیعت برای پذیرش زمامداری دریافت کرد و پس از آنکه فرستاده‌اش مسلم بن عقیل، همدلی کوفیان را تأیید کرد، و در زمان حادثه تنها شد و بیعت شکستند. در ۸ ذی‌الحجه، پیش از آنکه از پیمان‌شکنی بعدی کوفیان و کشته شدن مسلم باخبر شود، به سمت کوفه حرکت کرد. (بیعت) به معنای پیمان و تعهد است. کسی که با دیگری بیعت می‌کند، گویا مال و جان خود را برای اهداف او در معرض بیع و فروش قرار می‌دهد

آیه ۱۵م احزاب ۲۳ شهادت نماینده‌ی با وفای امام

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

گروهی جوانمرد هستند و راد

وفادار ماندند بس استوار

دگرگون نکردند عهد خدای

کشند انتظار شهادت به مهد

از افراد مؤمن به «رب و معاد»

به عهدی که بستند با کردگار

بماندند بر عهد خود پا بجای

گروهی ندادند تغییر عهد

کلمه‌ی (نحب) دارای معانی زیادی است ولی در این جا به معنای نذر و عهد و پیمانی است که چه بسا انجام آن منجر به مرگ یا خطر بزرگی شود در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه بودند، (يُودُّوْا لَوْ أَنَّهُمْ بِادُّوْنَ فِي الْأَعْرَابِ) گروهی در انتظار شهادتند

در مسیر کربلا هنگامی که خبر شهادت نامه رسان خود (قیس بن مسهر صیداوی) را شنید، گریه کرد و این آیه را تلاوت فرمود. امام حسین علیه السلام در کربلا هم هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می‌فرمود.

شیخ طوسی: چنین روایت شده که این آیه درباره حمزة بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده و منظور از این قسمت آیه فَمِنْهُمْ مَّنْ

قَضَى نَحْبَهُ حمزه و جعفر است و مقصود از وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ در آیه علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. همه ی اصحاب پیامبر و مؤمنان در يك درجه نیستند. دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه ی صداقت در ایمان است. تعهّد، لازم الاجرا و عمل به آن نشانه صداقت است

آیه ۱۶ قصص ۴۱ هدایت در میدان نبرد

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

بر اهل ضلالت بگشته امام
بگشتند دعوت به دوزخ تمام
ندارند یاور به روز جزا
که گردند از آن عقوبت رها

همین که فرماندار کوفه (ابن زیاد) نامه رسمی برای حُرّ فرستاد که راه را بر حسین علیه السلام ببندد و او نامه را به امام عرضه داشت امام آیه فوق را تلاوت فرمود . وَ أَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ

بر اهل ضلالت بگشته امام
بگشتند دعوت به دوزخ تمام
ندارند یاور به روز جزا
که گردند از آن عقوبت رها

قرآن مجید همچنان که در مورد پیشوایان هدایت و نور، کلمه ی أُمَّةً را بکار برده است، وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا این کلمه را بر جلوداران ضلالت و نار نیز اطلاق فرموده است، وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ

أُمَّةً : جمع امام، پیشوایان، مراد سردستگان کفر و ضلال و پیشاهنگان کاروان گمراهان است که در دنیا به آنان خَطّ و نشان می دهند و در دنیا پیشاپیش ایشان به سوی بدبختی حرکت، و در قیامت نیز در جلو پیروانشان به جانب جهنّم راه می افتند و آنان را به دوزخ

می‌کشانند و بدانجا وارد می‌گردانند. و از این رو است که در قیامت، هر کس با رهبری که در دنیا انتخاب کرده به دادگاه عدل الهی احضار می‌شود. **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ** فرعون نیز به عنوان یکی از همین پیشوایان در آن روز قومش را به دوزخ وارد می‌کند روحیه‌ی استکباری، انسان را رهبر دوزخیان می‌سازد

- نقش حکومت‌ها را در شکل‌دهی ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه نمی‌توان نادیده گرفت - تبلیغات مستکبران، در واقع دعوت به دوزخ است - مستکبرانی که امروز به عِدّه و عُدّه دل خوش دارند، در قیامت، بی‌کس و یاور خواهند بود - کیفرهای الهی، مخصوص آخرت نیست. لعنت و نفرین مردم، تبلور قهر الهی است. چنانکه دعای خیر مردم و نام نیک، نشانه‌ی لطف خداوند است. - نفرین بر ظالم حتی بعد از نابودی او لازم است - زشت کاری‌های دنیوی، به زشت‌روئی‌های اخروی می‌انجامد .

آیه ۱۷م مجادله ۱۹ وسوسه و احاطه ی شیطان در سپاه دشمن

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

همانا که ایشان به فعل و مرام

بگشتند از حزب شیطان تمام

بدان حزب شیطان به روز شمار

زیانکار می ماند و خوار و زار

امام حسین علیه السلام در کربلا درباره لشکر یزید برای دخترش سکینه این آیه را تلاوت فرمود و همچنین امام در کربلا به لشکر یزید فرمود **استحوذ الشیطان علی اولیائه** روش شیطان این گونه است که : گام به گام انسان را به سوی خود می‌کشاند. **حُطُواتِ الشَّيْطَانِ** گاهی مطلبی را القا می‌کند، نظیر کسی که از دور سنگی پرتاب می‌کند. **أَلْقَى الشَّيْطَانُ** گاهی تماس می‌گیرد ولی نفوذی ندارد. **مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ**

گاهی در دل نفوذ می‌کند. یُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ
 گاهی در دل نفوذ می‌کند و همانجا می‌ماند. فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ
 گاهی انسان برادر شیطان می‌شود. إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ

گاهی مرید شیطان می‌شود و شیطان بر او تسلط کامل می‌یابد اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ حضرت
 علی علیه السلام می‌فرماید: اگر حق و باطل به طور روشن مطرح باشند، مشکلی پیش نمی‌آید
 ولی مخلوط کردن حق و باطل سبب بروز فتنه و تسلط شیطان می‌شود. مؤمن در صورت
 تماس با شیطان، متذکر یاد خدا می‌شود، اما منافق که از مرحله تماس به مرحله
 سلطه‌پذیری رسیده، و متذکر هم نمی‌شود.

آیه ۱۸م یونس ۷۱ رسوا کردن دشمن در میدان جنگ

وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى
 اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تُنْظِرُونِ.

کنون ای پیمبر تو ای پرفتوح	بر این مردمان گوی احوال نوح
که رو کرد بر امت خویشتن	بر ایشان چنین راند گوی سخن
کنون گر ندارید باور شما	که هستم رسولی ز یکتا خدا
بر آیات یزدان تکبر کنید	به انکارورزی تدبر کنید
ندارید باور چو اندرز من	کز الله گویم نه از خویشتن
توکل نمایم به یکتا خدا	پناه من است او ز رنج و بلا
شما نیز همراه بتهای خوار	ببندید تدبیر خود را به کار
که این امر هرگز نماند نهان	شود دیر یا زود روزی عیان
هرآنچه شما را بود در توان	نمایید در حق من، بی امان

این آیه، استقامت و پشت گرمی حضرت نوح علیه السلام را به امدادهای الهی می‌رساند که از تهدیدها و نقشه‌های دشمن هراسی نداشت. نقل شده که امام حسین علیه السلام نیز در کربلا، قبل از ظهر عاشورا این آیه را بر سپاه کوفه خوانده. در روز عاشورا نیز در بحبوحه جنگ آیاتی را تلاوت فرمودند که علاوه بر رسوا کردن دشمن، به بیان اهداف و مقاصد خویش از جنگ پرداختند تا آنان که در لشکر یزید بودند این کلمات را شنیده باشند و خود راه خود را انتخاب کنند

آشنا کردن مردم با خبرهای مهم و مفید گذشته و تاریخ و فلسفه‌ی آن، از وظایف رهبران الهی است. انبیا از مردم و با مردم بودند و حتی تا آخرین لحظه با مخالفان خود برخورد عاطفی داشتند. دل اگر آمادگی نداشته باشد، حتی تذکر و یادآوری انبیا هم بر او سنگین است (كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذْكِرِي). ایمان به هدف، بزرگ‌ترین اهرم مقاومت انبیا و مبارزه‌طلبی آنان است. انبیاء مخالفان خود را به مبارزه می‌طلبیدند.

انبیاء با توکل به خدا، قدرت‌های مخالف را تحقیر و به مؤمنان شجاعت می‌دادند و همه قدرت‌ها را پوچ می‌دانستند. ارزیابی درست، جمع‌آوری قوا و تصمیم قاطع، از اصول مبارزه است. انبیاء از شهادت نمی‌ترسیدند (أَمْرُكُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً)

آیه ۱۹م اعراف ۱۹۶ تقاضای امام از دشمن

إِنَّمَا وَلِيُّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

که قرآن فرستاده اینک مرا

فقط یار من هست یکتا خدا

بود یاور نیکوان کردگار

خداوند با صالحان است یار

امام حسین علیه السلام بعد از شهادت یارانش در ظهر عاشورا آیه را تلاوت کرده و فرمودند

کار مرا یک سره نمایید و مهلتم ندهید. یعنی در کنار یاران باوفای خویش را آرزو می

کردند و زودتر پیوستن را در دل داشتند . توجه صالحان به سرپرستی خداوند، سبب مقاومت و نهراسیدن آنان از مرگ است و شهادت را افتخار می دانند - رابطه‌ی خداوند با انسان مؤمن، بسیار نزدیک است و با لقای یکدیگر لذت بخش تر .

صالح بودن، از جایگاه والایی نزد خداوند برخوردار است، تمام انبیا از صالحان بوده‌اند و آرزوی ملحق شدن به آنان را داشته‌اند، چنانکه حضرت یوسف فرمود: **تَوْفَّيْنِي مُسْلِمًا** **وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ** و ما نیز در پایان هر نماز، به آنان سلام می‌فرستیم. به طور کلی با توجه به مصادیق ولایت و پذیرش یا ردّ آنها، دو گونه ولایت وجود دارد ولایتهای مطرود و ولایتهای مقبول، ولایتهایی است که اعمال یا پذیرش آنها نسبت به فرد یا افرادی مطرح شده و خدای تعالی آن را تأیید کرده است. امام ولایت داشتند از طرف خدا و با ولایت مطرود به مخالفت پرداختند.

آیه ۲۰م غافر ۲۷ پناه بردن امام به معشوق

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ

چو موسی حکایت ز قتلش شنید	بجز تکیه بر رب پناهی ندید
بگفتا بجویم پناه از خدا	که او آفریدست ما و شما
ز شر هر آن سرکش پُر عناد	که ایمان ندارد به روز معاد

موسی با گفتن **عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ** ضمن اعلام پناهندگی خود به خدا، به مردم گفت :
فرعون خدای شما نیست ضرب‌المثل (هر کجا نمک خوردی نمکدان نشکن) همه جا درست نیست، زیرا موسی سال‌ها سرسفره‌ی فرعون بود ولی چون فرعون حق را نپذیرفت، عاقبت به قهر الهی گرفتارش کرد.

امام حسین علیه السلام نیز بعد از نصایح و ارشاد و معرفی خود و اتمام حجت با فریب خوردگان و زرخریدگان و هشدار به سپاهیان مقابل در انتها نیز فرمودند من به پروردگار خود و پروردگار شما از شر هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه می برم و با این اذکار بود که به میدان نبرد شتافت و جانانه در راه خداوند متعال به شهادت رسید

در برابر تهدیدهای دشمن به خدا پناه ببریم. (إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي) به کسی پناه ببریم که امور همه‌ی ما بدست اوست و همه تحت ربوبیت او هستیم. شخص فرعون مهم نیست، خصلت فرعونی مهم است که تکبر باشد و باید از آن به خدا پناه برد.

آیه ۲۱م آل عمران ۱۷۸ مهلت دادن خدا به کافران

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

نمایند در در دل چنین فکر و رای

چنین فرصتی که بر آنها نهیم

به خیر و صلاحست نزدیک تر

بر ایشان کنون وقت بنهاده ایم

دمادم فزایند بر کفر خویش

که در ذلت افتند و گردند خوار

مبادا که ناباوران خدای

که این مهلتی که به آنها دهیم

بر احوال آنان بود نیک تر

که بلکه اگر فرصتی داده ایم

ازاین روست تا کافران به کیش

عذابی ببینند از کردگار

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در اطراف خیمه‌ها و حضرت زینب سلام الله علیها در مقابل یزید این آیه را قرائت کردند. کفر، مانع شناخت حقیقت است. اهل کفر، داشتن امکانات، بدست آوردن پیروزی‌ها و زندگی در رفاه خود را نشان شایستگی خود می‌دانند، در حالی که خداوند آنان را به دلیل آلودگی به کفر و فساد، مهلت می‌دهد تا در تباهی خویش غرق شوند. - کوتاه یا بلند بودن عمر و زمان رفاه، بدست خداست و امتیاز خوبی برای افراد ستمکار و مستکبر نیست. لذا مهلت‌های الهی، نشانه‌ی محبوبیت نیست.

- نعمت‌ها به شرطی سودمند هستند که در راه رشد و خیر قرار گیرند، نه در راه شر و گناه
- طول عمر مهم نیست، چگونگی بهره از عمر مهم است . خدایا! اگر عمر من چراگاه شیطان خواهد شد، آن را کوتاه بگردان.

آیه ۲۲م کهف ۱-۱۳ تلاوت بعد از حادثه کربلا

نَحْنُ نَقْصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۱۳

کنون کامل آن ماجرا را درست	بگوئیم بر تو ز روز نخست
که بودند آزاده مردان راد	بگشتند مؤمن به یزدان داد
به نور هدایت به ایمانشان	دمادم بیفزود یزدانشان

چنانکه وقتی مادر موسی وی را به دریا می‌اندازد و می‌خواهد به دخترش سفارش کند که وی را تعقیب کند و کار وی را پیگیری کند تعبیر «قُصِّیه» به کار می‌برد. امام حسین علیه السلام از اول سوره کهف بالای نیزه در بازار شام شروع به تلاوت نمودند و مردم متحیر بودند. و سرگذشت اصحاب کهف را یادآور شدند که به خاطر زیر بار نرفتن ظلم به غار پناه بردند و تن به ذلت مستکبران ندادند و هجرت نمودند . بهره‌گیری از حقایق و عبرت‌های تاریخ، از روشهای تربیتی قرآن است.

مردم نسبت به فساد و جامعه‌ی فاسد سه دسته‌اند گروهی در فساد جامعه هضم می‌شوند. (آنان که هجرت نکنند و ایمان کامل نداشته باشند.) گروهی که در جامعه‌ی فاسد، خود را حفظ می‌کنند. (مثل اصحاب کهف) گروهی که جامعه‌ی فاسد را تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند. (مثل انبیا و اولیا) در روایات آمده است که اصحاب کهف، جزو اصحاب و یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) خواهند بود

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

چو تکذیب ای مصطفی کرده اند بسی افترا بر تو آورده اند
 بگو کار من باشد از خویشان سرانجام آن هرچه شد مال من
 که کار شما نیز از بهر خود سرانجام آن نیک و بد، هرچه بُد
 شمايید از کار نیکم جدا که بیزار هستم ز فعل شما

لِي عَمَلِي ... : سزا و جزای کارم را می بینم، و شما سزا و جزای کارتان را می بینید.
 أَنْتُمْ بَرِيئُونَ ... : در مقابل کاری که من می کنم، و من هم مقصّر نبوده و مورد مؤاخذه
 قرار نمی گیرم در مقابل کاری که شما می کنید شما از آنچه می کنم بیزار و گریزانید، من هم
 از آنچه می کنید بیزار و گریزانم . حضرت امام حسین علیه السلام در برخورد با عبیدالله بن
 حر جعفی، که خواست اسب و تجهیزاتش را به امام هدیه دهد روی برگرداند و خود را
 از جنگ با یاران یزید معذور دارد، همین آیه را تلاوت فرمود. امام حسین علیه السلام بعضی
 از اصحاب پس از آنکه دعوت امام را نپذیرفتند روی گرداند و فرمود حال که در راه ما از
 نثار جان دریغ می کنی، ما نیز به مال تو نیازی نداریم. سپس این آیه را تلاوت نمود. ما
 كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصُدًا؛ من هرگز گمراه کنندگان را یار و مددکار نمی گیرم

- رهبر باید خود را برای تکذیب گروهی از مردم آماده کند. «وَإِنْ كَذَّبُوكَ» - در مقابل
 تکذیب کنندگان احساس شکست نکنیم، چون پاداش هدایت و ارشاد را می بریم و
 مخالفان نیز به کیفر تکذیب و لجابت خود می رسند ولی برنده ی این معامله ما هستیم.
 «لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلُكُمْ» - اسلام دین استدلال و اخلاق است، نه سازش با کفار. اگر حق
 را پذیرا نشدند، بیزاری خود را از رفتار و عقاید آنان اعلام کنیم.

آیه ۲۴م کهف ۵۱ نیاز امام به یاران مخلص

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

در آن دم که خاک زمین و آسمان
همه خلق کردیم اندر جهان
در آن دم که حتی خود این کسان
همی خلق می کرد، روزی رسان
نبودند حاضر به درگاه ما
گواهی نجستی از آنها، خدا
کجا کی بر این گمراهان می سزد
که خواهیم بگیرم از آنها مدد

امام حسین علیه السلام از عبیدالله بن حر جعفی پس از آنکه دعوت امام را نپذیرفت و سپس این آیه را تلاوت نمود ما کُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا؛ من هرگز گمراه کنندگان را یار و مددکار نمی گیرم. به حضرت علی علیه السلام هم پیشنهاد دادند: تا استقرار یافتن حکومت، معاویه را بر امارت ثابت نگهدار و پس از قدرت یافتن، او را کنار بگذار! حضرت فرمود: مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا خدا، بی نیاز مطلق است و به هیچ یآوری حتی در آفرینش نیاز ندارد و اگر اموری را به دیگران می سپارد، مانند واگذاری تدبیر به فرشتگان، (فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا) این کار امامان علی علیه السلام و فرزندش امام حسین از روی عجز و ناتوانی نیست، بلکه از روی حکمت و در مسیر تربیت و رشد انسان است و برای آیندگان که درس بگیرند و با ظلم و ظالم مدارا نکنند. حقتلبن نباید از منحرفان کمک بگیرند و باید استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند

آیه ۲۵م شعراء ۲۲۷ هشدار امام به ستمکاران

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ
الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

مگر شاعرانی که بر کردگار
بگردیده مؤمن، شده نیک کار

خدا را نمایند بسیار یاد بر آنان چون ظلمی بیامد به پیش ستم پیشگان خود بدانند زود	بگویند ذکر خدا را زیاد بجستند یاری از اشعار خویش کدامین مکانست جای خلود

خداوند در کمین ستمگران است. و آنان که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه کیفر گاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند. امام صادق علیه السلام فرمود: مصداق روشن ظلم، ظلم در حق آل محمد علیهم السلام است. سر مبارك امام حسین علیه السلام بالای نیزه این آیه فوق را تلاوت فرمود و هشدار می دادند که روزگار این طور نمی ماند و انتقام سختی در انتظار ستمگران و ستم پذیران است

همچنین ابن زیاد، پس از آن که سر مطهر امام حسین (علیه السلام) را تحویل گرفت، آن را به (خولی بن یزید اصبحی) داد و گفت: این را ببر نگهدار و هر وقت خواستم، بیاور. خولی به زنش گفت: این سر یک خارجی است که بر ابن زیاد خروج کرده و از گفتن اسمش خودداری کرد؛ آن سر را روی خاک، زیر طشت گذاشت. پاسی از شب گذشت، زن بیرون آمد. دید که نوری قوی از آن سر به سوی آسمان بالا می رود! و صدای قرائت قرآن از آن سر بریده می شنید تا طلوع فجر و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ در آن شب، قضایای رخ داد که در نهایت آن زن به دست شوهرش شهید شد.

آیه ۲۶م کهف ۹ ماجرای کربلا عجیب تر است

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

تو آیا گمان می کنی ای سلیم ولی ماجرائیست بس آشکار	که قصه است اصحاب کهف و رقیم خبر ز آن بدادست پروردگار

آنچه که از تاریخ نقل شده این است که سر بریده و مقدس حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) به هنگامی که در شهر دمشق عبور داده می شد این آیه شریفه سوره کهف را

تلاوت فرمود. شاید سرّ تلاوت این آیه مشترکات میان اصحاب کهف و امام حسین (علیه السلام) و یاران وی است. اما با وجود این مشترکات، خداوند، داستان حسین (علیه السلام) را شگفت‌تر ساخته است. سر مطهر با زبان فصیح گفت: **أَعْجَبُ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ قَتْلِي وَ حَمْلِي كِشْتَن مَن وَ گرداندن سرِ من در شهرها از داستان اصحاب کهف نیز تعجب آورتر است.**

صوت قرآن رسد از نیزه یار / نغمه دارد لب خونین نگار

به لبش سوره کهف آمده باز / بر سر نیزه کند راز و نیاز

(زید بن ارقم) میگوید: در غُرفه خود نشسته بودم. دیدم سرِ بریده امام را به سر نیزه زده و می‌برند؛ هنگامیکه محاذی منزل من رسید، شنیدم که این آیه را می‌خواند. از تعجب موهای بدنم راست شد! صدا زدم: **رَأْسُكَ وَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَعْجَبُ وَ أَعْجَبُ؛** به خدا سوگند! سر بریده تو ای فرزند رسول خدا، عجیب تر و عجیب تر است. این ماجرا عجیب‌تر از جریان اصحاب کهف است.

رقیم کوهی است که **غار** یا قریه ای که اصحاب کهف در آنجا است،

آیه ۲۷م بقره ۱۳۷ دفع شر دشمنان

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

گر ایمان بیارند همچون شما	یهود و نصاری به دین خدا
هدایت بگردند بر راه راست	به آیین پاکی که دین خداست
و گر روی از این کار برتافتند	همانا ره باطلی یافتند
الا مؤمنان به پروردگار	قوی دل بمانید نیز استوار

همانا شما را یگانه اله
خود از شر آنها بدارد نگاه
به هر چیز آگاه باشد خدای
سمیع و علیم است هم رهنمای

سلمة بن کهیل میگوید : سر بریده امام حسین علیه السلام را بالای نیزه دیدم که این آیه را می خواندند. اگر اهل کتاب، یهود و نصاری، به جای سرسختی و خودمحموری و تکیه بر مسائل نژادی و قبیله‌ای، همانند شما مسلمانان به تمام انبیا و کتب آسمانی ایمان بیاورند و تعصبات نابجا را کنار بگذارند، حتماً هدایت می‌یابند، ولی اگر همچون گذشته، تنها خود را بر حق بدانند و دیگران را منحرف بشمارند، آنان در ستیز باحق و جدایی از حق خواهند بود. البته شما مسلمانان به راه خود دلگرم باشید و از تحقیرها و توطئه‌های آنان نترسید. چون خداوند شر آنان را از شما دفع و شما را در برابر آنان حمایت و کفایت می‌کند، زیرا که او شنوای داناست. مسلمانان، الگوی هدایت یافتگان واقعی هستند بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ زیرا به تمام انبیا و کتاب‌های آسمانی، ایمان و اعتقاد و احترام دارند.

آیه ۲۸م کهف ۳۹ تفویض امور : إلهی رضا برضاک

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرِنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا

تو آن دم که در باغ وارد شدی	که مفتون این مال و ثروت بُدی
نگفتی چرا، طبق میل خداست	هر آن چیز کاندرا جهان پابجاست
به غیر از خدا نیست ربی دگر	که باشد توانا به خلق اثر
گر امروز من را به فرزند و مال	فروتر ببینی ز خود در مآل
نگردی تو مغرور بر این صفت	که داری چنین رتبت و منزلت

ابن شهرآشوب : وقتی یزید در پی اعتراض سفیر روم به ظلم رفته بر اباعبدالله، دستور به کشتن او داد، سر مبارک امام حسین علیه السلام با صدای بلند فرمود لا حول و لا قوه الا

بالله هر دگرگونی و نیرویی، تنها به دست خدا است از این رو انسان، با گفتن این ذکر، خود و امور زندگانی اش را به خدا می سپارد. البته این عبارت در قرآن نیامده، اما عبارت لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ یک بار به کار رفته است قوت و نیرو فقط به دست خدا است. از این رو انسان، با گفتن این ذکر، خود و امور زندگانی اش را به خدا می سپارد امام حسین علیه السلام در روز عاشورا پیوسته این ذکر را بر زبان جاری می کرد

تفویض امور : امام با گفتن إلهی رضا برضاک، تسليماً لأمرک، صبراً علی قضائک، یا رَبِّ لا معبود سواک، عاقبت ستمگران را به خدا واگذار نمودند.

آیات ۲۹م کهف ۱۱.۱۲ واکنش امام از تعجب

فَصَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾

خداوند میراندشان چند سال

چو توصیف کردند خود شرح حال

خداوند زد پرده بیهشی

که بر گوش آنها خود از خامشی

همه فارغ از آن همه شور و تاب

بگشتند بیدار ز آن پس ز خواب

که بودند در محنت و در ستوه

که معلوم گردد کز آن دو گروه

همه فارغ از رنج و دور از عذاب

چه مدت برفتند یکسر به خواب

(حرث بن وُكَيْدَة) می گوید: من در میان مأموران حمل رأس امام حسین علیه السلام بودم، شنیدم این آیات را قرائت کرد؛ و نیز شنیدم که آیه وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ... را خواند؛ من در پیش خودم تعجب کرده و مشکوک شدم. در همان حال صدای امام را شنیدم که فرمود: يَا ابْنَ وُكَيْدَة أَمَا عَلِمْتَ إِنَّا مَعْشَرُ الْأَئِمَّةِ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّنَا؛ ای فرزند وُکیده! آیا نمی دانی که

ما امامان نزد خدا زنده ایم؟ پیش خود تصمیم گرفتیم که سر امام را از مأموران سرقت کنم و جای دیگری ببرم و احترام بگذارم. امام صدا زد: ای فرزند وُکیده! نمی توانی این کار را بکنی! گناه ریختن خون من به وسیله آن ها از گرداندن سرم بزرگ تر است! آن ها را به حال خود واگذار.

آیه ۳۰ غافر ۷۱.۷۰ نادیده گرفتن آیات الهی

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَ بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلْنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَ السَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ؛

دروغین بخواندند ما را کتاب

کسانی که در صحبت و در خطاب

که ابلاغ کردند پیغمبران

همه حکمهای خدای جهان

بدین کار کیفر بگردند زود

دروغین بخواندند قوم عنود

به غلها و زنجیرهایی گران

کشیده شود گردن کافران

امام حسین علیه السلام از عاقبت و سرانجام کار سپاه مقابل خود هشدار دادند و با شرائطی که پیش می آمد باز هم خطبه ها خواندند و زمانی که نصایح خود را بی نتیجه دید فرمودند شکم های شما از مال حرام پر شده و سخن حق را نمی توانید بپذیرید. (اشاره به وعده ها و پول هایی که در میان سپاه از طرف عبیدالله و یزید بین سپاه کوفه و توزیع شده بود) در این آیه انواع عذاب برای کافران مطرح شده است:

الف) شکنجهی جسمی در غل و زنجیر. الْأَغْلَالُ **ب)** شیوهی بردن به دوزخ که با تحقیر

است. يُسْحَبُونَ **ج)** اول در آب داغ، سپس در آتش دوزخ. فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ

د) آتش برافروختهی دوزخ که هرگز سردی و تخفیف ندارد. يُسْجَرُونَ

ه) سؤال از شرکای خیالی که مایهی شرمندگی آنان است. قِيلَ لَهُمْ أَيَّنَ

آیاتی که امام سجاد علیه السلام در کاخ یزید جهت آگاهی مردم؛ تلاوت و به آن استناد فرمودند

۳۱. مَوَدَّةٌ فِي الْقُرْبَى شوری ۲۳

پیرمردی از شامیان در مقابل قافله اسیران ایستاد و گفت: شکر خدای را که شما را کشت و یزید را بر شما پیروزی داد. امام زین العابدین (علیه السلام) به آن مردی که از تبلیغات زهرآگین اموی در امان نمانده بود، فرمود: ای شیخ، آیا قرآن خوانده ای؟ گفت: آری فرمود: این آیه را قراءت کرده ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى

نخواهم نه اجر و نه مزد از شما

به مردم بگو ای رسول خدا

محبت بورزید اندر وطن

مگر آنکه در حق خویشان من

گفت: آری امام (علیه السلام) فرمود: آن خویشاوندان که خدای تعالی به دوستی آنها امر فرموده و برای رسول الله اجر رسالت قرار داده ماییم. نکته قابل توجه در قرآن در مورد همه ی پیامبران که اجرشان را از الله رب العالمین است بیان شده (سوره شعراء و) ولی در مورد پیامبر خاتم مودت و مهربانی با اهل بیت و ذوی القربی است و این حقیقتا رمز و رازی در آن بوده و هشدار از آینده و آن شد که نباید با اهل بیت می شد.

۳۲. پس آیه تطهیر (احزاب ۳۳) را امام سجاد علیه السلام که در حق اهل بیت پیغمبر

(صلی الله علیه و آله) است برای پیرمرد و حاضرین در مجلس یزید تلاوت فرمودند إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

بخواهد کند دور رجس و گناه

که از اهل بیت نبوت، اله

کند پاک و تطهیر از هر بدی

شما را ز هر عیب سازد بری

مراد از این آیه ماییم که خداوند ما را از هر آلائش ظاهر و باطن پاکیزه داشته است و حالا ای مردم حال و روزگار ما خاندان را می بینید که یزیدیان و چه کردند و ما را خارجی معرفی می کنند در حالی که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن اشاره گردیده است.

۳۳. آیه خمس (انفال ۴۱) سپس آیه خمس را تلاوت کردند و به معرفی خود پرداختند و بعضی از روایات استفاده می شود که حتی امام سجاد (علیه السلام) به هنگام اسارت در شام با همین آیه به شامیان استدلال فرمود و گفت: منظور از آیه **آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ** مائیم که خدا به پیامبرش دستور داده که حق ما ادا شود (و این چنین شما شامیان همه این حقوق را ضایع کردید).

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ ...

که آید شما را غنیمت بدست

بدانید ای مؤمنان ز آنچه هست

ز پیغمبرست و ز خویشان او

بود خمس آن از خدای نکو

بر آن کس که در راه شد ناگزیر

رسد بر یتیمان و شخص فقیر

بر آنچه که فرمود بر مصطفی

چو دارید ایمان به یکتا خدا

اطاعت نمایید بی چند و چون

بباید ز حکم غنیمت کنون

به هر چیز بر قدرت آورده دست

که یزدان تواناست بر هرچه هست

پیرمرد بسیار تعجب کرد و گریست و گفت چقدر من بی خبر مانده ام. سپس به امام(علیه السلام) عرض کرد: اگر توبه کنم آیا توبه ام پذیرفته است؟ امام به او اطمینان داد این پیرمرد را به خاطر همین آگاهی به دستور یزید شهید کردند. ذی القربی، ما هستیم. فقها، خمس را در هفت چیز واجب می دانند:

۱. سود و منفعت کسب و درآمد سالیانه، ۲. گنج، ۳. معادن، ۴. گوه‌رهایی که از غواصی به دست می آید، ۵. مال حلال مخلوط به حرام، ۶. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد، ۷. غنیمت جنگی.

بسیار روشن است که خداوند نیاز به خمس ندارد، بنابراین سهم خدا، برای حاکمیت قانون خدا و ولایت رسول، تبلیغات و رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان، نجات مستضعفان و جلوگیری از مفسدان است.

برپایه‌ی روایات، سهم خدا در اختیار رسول و سهم رسول پس از او، در اختیار امام است. و این سه سهم در زمان غیبت امام، در اختیار نواب خاص و یا نواب عامّ او یعنی مجتهد جامع الشرایط و مرجع تقلید قرار داده می شود.

ذی القربی، به معنای صاحب قرابت و نزدیک بودن با ارحام، به دلیل روایات بسیار از شیعه و نیز برخی روایات اهل سنت، همه‌ی بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند، بلکه مراد، امامان اهل بیت علیهم السلام می باشند که مقام امامت و رهبری دارند و خمس، متعلق به رهبر و حکومت اسلامی است، نه فامیل پیامبر.

ذی القربی در بقره ۱۷۷. اسراء ۲۶. روم ۳۸. شوری ۲۳ آمده

۳۴. حق نزدیکان و فقیران

و آیه و آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (اسراء ۲۶)

ادا کن حقوق همه قوم و خویش هر آن کس که داری تو نزدیک خویش

ز مسکین بکن دستگیری تو چند بده حق ابن السبیل نژند

از اسراف و تبذیر پرهیز کن بکن ریشه آن خود از بیخ و بن

تبذیرا بذر: تخم و پاشیدن تخم. به شخص اسرافکار از آن «مبذّر» می گویند که مال را می پاشد و بیهوده مصرف می کند. وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا

امام صادق علیه السلام: هر کس چیزی را در غیر مسیر طاعت خدا مصرف کند، مبذّر است.

مفسّران شیعه و سنی مانند طبری، با الهام از روایات، می نویسند: امام سجاد علیه السلام در دوران اسارت وقتی همراه قافله اسرا به شام رسید، در مقام محاجّه با آنان که اسرای اهل بیت را بی دین و خارجی می خواندند، با استناد به این آیه فرمودند:

مراد از ذَا الْقُرْبَى ما هستیم! خداوند به پیامبر وحی کرد که فِدْكَ را به فاطمه علیها السلام بدهد.

اما پس از آن حضرت، فِدْكَ را از اهل بیت به ناحق گرفتند و اهل بیت برای گرفتن حقّ خود همواره به این آیه استناد می کردند.

آیاتی که حضرت زینب سلام الله عليها در اسارت در مقابل یزید تلاوت کرده و استناد نمودند

۳۵. فرصت دادن به ستمگران

ای یزید، لحظه ای بیندیش و فکر کن! مگر فراموش کرده ای کلام خدا را که می فرماید:
وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّكُمْ تُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (آل عمران ۱۷۸)

نمایند در در دل چنین فکر و رای

مبادا که ناباوران خدای

چنین فرصتی که بر آنها نهیم

که این مهلتی که به آنها دهیم

به خیر و صلاحست نزدیک تر

بر احوال آنان بود نیک تر

بر ایشان کنون وقت بنهاده ایم

که بلکه اگر فرصتی داده ایم

دمادم فزایند بر کفر خویش

ازاین روست تا کافران به کیش

که در ذلت افتند و گردند خوار

عذابی ببینند از کردگار

هنگامی که به فرمان یزید امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، خاندان آن حضرت را به اسارت به کاخ یزید در شام بردند. یزید در مجلس خود با غرور تمام خطاب به حضرت زینب سلام الله عليها گفت: دیدید که خدا با ماست، و خدا با شما چه کرد و حسین را کشت. حضرت در پاسخ او، این آیه را تلاوت کرد و فرمود: من تو را پست و کوچک و شایسته هرگونه تحقیر می دانم. هر آنچه می خواهی انجام بده، ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی توانی خاموش کنی.

به زودی خودت به جمع آنان ملحق می گردی و در آن جایگاه، عذابی ابدی است که آرزو می کنی ای کاش دست هایم شل و زبانم لال می گشت و هرگز چنین یاوه هایی را به زبان نمی آوردم و هرگز چنین کارهای ناشایستی را انجام نمی دادم.

پروردگارا! حق ما را از دشمنان ما بگیر و از آنان که بر ما ظلم کردند انتقام بکش و آتش قهر و غضبت را بر کسانی که خون ما و حامیان ما را ریختند، فرو فرست. قسم به خدا که ای یزید! به همین زودی است که در عرصه محشر به محضر رسول الله (صلی الله علیه و آله) وارد شوی، در حالی که بارگرانی از مسؤولیت ریختن خون فرزندان او و هتک حرمت خاندان و پاره های تن او را بر گردن گرفته ای. آن روز، همان روزی است که خداوند تمامی آنان را جمع می نماید و پریشانی و پراکندگی آنان را سامان می بخشد و حقشان را می ستاند.

امام علی (علیه السلام): چه بسیار که نعمت و موقعیت به آنها داده شد و خود را گم کردند. مصیبت یا به خاطر گناه است و یا برای امتحان. و نعمت یا برای متدین بودن است و یا برای گناه کار بودن. لذا برای کافران آسایش و راحتی قرار می دهد و مؤمنان را هر چه از نظر رتبه و درجه برتر و بالاتر باشند، به بلا و گرفتاری بیش تری دچار می سازد.

۳۶. شهیدان شاهد و زنده

و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

مبادا نمایید در دل گمان	آل عمران ۱۶۹	که آنها که در راه رب جهان
بگشتند کشته، دگر مرده اند		که آنان همه تا ابد زنده اند
همیشه به درگاه پروردگار		بر آنهاست رزق نکو برقرار

حضرت زینب سلام الله در قبال این که یزید امام حسین و شهدا را مُرده و کشته و نابودی خطاب کردند، زنده بودن شهدا را طبق آیه متذکر شدند. بزرگداشت شهدا، پیام و درسی قرآنی است. انتظار شهادت نیز يك ارزش است. باب شهادت باز است. شهادت برخی مؤمنان، عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مؤمنان نمی شود. (مؤمن با این که شهادت

دوستان و عزیزان خود را می‌بیند، باز خود در انتظار شهادت است) مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی‌دهد

۳۷. پایان کار کسانیکه زشتکاری

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ

گنهکار مردم همه سربه سر روم ۱۰ سرانجامشان نیز بودی بتر
چو کردند آیات حق ریشخند به آتش درافتند با غل و بند

آری، کلام خدا صدق و راست و عین واقعیت و حقیقت است. یزید در حالی که با چوب خیزران بر لب و دندان مبارک امام می‌زد این اشعار را سرود: "ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم؛ این روز در مقابل آن روز قرار گرفت. در مسجد اموی حضرت زینب ناگهان دست برد و گریبان خود را پاره نمود. سپس با آه و ناله جانسوز که دلها را جریحه دار می نمود فرمود: ای حسینم! ای محبوب رسول خدا! ای فرزند مکه و منا ای پسر فاطمه زهرا، بزرگ سرور زنان! ای پسر دختر رسول خدا محمد مصطفی! و نوحه سرایی کرد و از نوحه سرایی او همه اهل مجلس به گریه افتادند ولی یزید ساکت بود. ای یزید، از اینکه زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفته ای. و ما را همچون اسیران از سویی به سوی دیگر می‌بری، گمان داری که ما در نزد خدا خوار و پست شده ایم و تو در پیشگاه او قرب و منزلت یافته ای؟ و با این تصور خام و باطل، باد به غبغب انداخته و با نگاه غرورآمیز و شادمانه به اطراف خود می‌نگری؟ از اینکه دنیایت آباد شده و امور طبق مراد تو می‌چرخد و مقام و منصبی را که حق ما خاندان رسول اکرم است، در دست گرفته ای، شادمانی؟ اگر چنین تصور باطلی بر وجود تو حکمفرما شده است،

۳۸. لعنت خدا بر ستمکاران

حضرت زینب سلام الله عليها ادامه می دهند: پسر سفیان! اگر چه تو امروز کشتار و اسارت ما را غنیمت شمرده ای و به آن می بالی، اما طولی نمی کشد که مجبور می گردی غرامت و تاوان آن را پس بدهی، و آن روزی است که آنچه از پیش فرستاده ای خواهی یافت
ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ و خداوند هرگز به بندگان خود ستم نمی ورزد

به پاداش اعمال ناچیز و زشت حج ۱۰ که سرزد از آن مردم بدسرشت

خداوند بر کس نسازد ستم که خود ظلم کردند بر خویش هم

ای یزید، ما از بیدادگری های تو، به پیشگاه او شکایت می بریم و او تنها پناهگاه و امید ماست پس هر مکاری که می توانی بساز و هر تلاشی که می توانی انجام بده؛ ولی بدان به خدا سوگند! هرگز توان آن را نداری که ذکر خیر ما را از یادها ببری و قدرت آن را نداری که وحی ما را نابود سازی و دوره ی ما را به پایان رسانی و نمی توانی ننگ و عار اعمال را از دامن خود بزدایی. ای یزید! بدان که عقلت ضعیف و ایام حکومت اندک و اجتماعت رو به پراکندگی و پریشانی است روزی خواهد رسید که منادی ندا خواهد کرد: آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

۳۹. حضرت زینب چندین بار آیات را در کربلا و در اسارت تلاوت می کردند

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب ۲۳)

گروهی جوانمرد هستند و راد

از افراد مؤمن به «رب و معاد»

وفادار ماندند بس استوار	به عهده‌ی که بستند با کردگار
دگرگون نکردند عهد خدای	بماندند بر عهد خود پا بجای
کشند انتظار شهادت به مهد	گروهی ندادند تغییر عهد

امام حسین علیه السلام هم در کربلا هنگام وداع با اصحابش و گاهی بالای سر شهدا این آیه را تلاوت می‌فرمودند.

ای پسر سفیان! اگر چه تو امروز کشتار و اسارت ما را غنیمت شمرده ای و به آن می‌بالی، اما طولی نمی‌کشد که مجبور می‌گرددی غرامت و تاوان آن را پس بدهی، و آن روزی است که آنچه از پیش فرستاده ای خواهی یافت "و خداوند هرگز به بندگان خود ستم نمی‌ورزد (حج ۱۰) ما از بیدادگری‌های تو، به پیشگاه او شکایت می‌بریم و او تنها پناهگاه و امید ماست پس هر مکاری که می‌توانی بساز و هر تلاشی که می‌توانی انجام بده؛ ولی بدان به خدا سوگند! هرگز توان آن را نداری که ذکر خیر ما را از یادها ببری و قدرت آن را نداری که وحی ما را نابود سازی و دوره‌ی ما را به پایان رسانی و نمی‌توانی ننگ و عار اعمال را از دامن خود بزدایی.

ای یزید! بدان که عقلت ضعیف و ایام حکومتت اندک و اجتماعت رو به پراکندگی و پریشانی است روزی خواهد رسید که منادی ندا خواهد کرد: آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد. یزید گفت: با هیچ کدام از شماها سخنی نگفتم، مگر اینکه جواب درستی به من می‌دهید. بعد از خطبه‌ی حضرت زینب سلام الله علیها که سبب رسوایی یزید شد. او از شامیان نظر خواست که با این اسیران چه کنم؟ شامیان در پاسخ گفتند: آنها را از دم شمشیر بگذران. یکی از انصار به نام لقمان بن بشیر گفت: ببین اگر رسول خدا بود با آنان چه می‌کرد؛ تو نیز همان طور رفتار کن.

امام باقر علیه السلام که کودکی بود، در مجلس حضور داشت، سخنان قاطعی گفت که یزید را از قتل اسرا منصرف کرد. یزید سر بر زیر انداخت و سپس دستور داد آنان را از مجلس بیرون ببرند.

۴۰. نور خدا خاموش شدنی نیست در جواب یزید که خود را پیروز و امام حسین علیه الیلام را مرده و کشته می دانستند و فکر می کردند که همه چیز به پایان رسیده این آیه را تلاوت نمودند. **يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** صف ۸

بخوانند کفار، نور خدا	به گفتار لغو و کلام خطا
نمایند خاموش اندر قلوب	بپوشند بر آن لباس عیوب
و لیکن خداوند والامقام	نگهدار آن نور باشد تمام
اگرچه که کفار بر ذوالجلال	نباشند خوش دل از این گونه حال

حضرت زینب (سلام الله علیها) تلاش می کند تا بهترین تصویر را از کشته شدگان و شخصیت آنان ارائه دهد همچنان که تلاش دارد تا تصویری از جانبازی شهدا و قساوت و شقاوت دشمنان ارائه کند که هیچ اما و اگرى باقی نماند و دستگاه تبلیغاتی و رسانه های دشمن نتوانند آن را دگرگون سازند و یا تصویری دروغین به خورد مردم دهند.

امام حسین (علیه السلام) با شهادت خویش و فرزندان و یارانش، کاری که از عهده کمتر کسی برمی آمد انجام داد و خود را قربانی خدا و رضایت او کرد. و عامل بیداری در تمام ادیان و در تمام اعصار برای تمام ملل شد و این شهادت و شجاعت و از خودگذشتگی سرمشقی برای جهانیان گردید و هیچوقت خاموش شدنی نیست.

در روایات بدون شک متواتر می خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تحقق خواهد یافت.

۴۱. اسرای کربلا شروع کردند به بیداری مردم

حضرت فاطمه صغری دختر امام حسین (علیه السلام) شروع به سخن فرمودند: بعد از حمد خدا فرمودند: ای مردم کوفه، ای مردم خودخواه و حيله گر! ما خاندانی هستیم که خدا ما را با شما و شما را با ما مورد امتحان قرار داده است، و ما از عهده آن امتحان به خوبی بر آمدیم

سوره عنکبوت آیه ۲ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

همین که برانند روی زبان

به دل می نمایند آیا گمان

رها می شوند و نیاید بلا؟

که هستیم مؤمن به یکتا خدا

و ما نشان دادیم که حاضریم سختی خروج از خانه و شهر خود و سختی و رنج راه و شهادت عزیزان و عزیزترین انسانها و اسارت خود را برای احیای دین خدا بپذیریم و شما در این امتحان چه کردید؟

... تن به ذلت برای چه کسانی دادید..... شگفتا!!

مردم بر اثر تبلیغات و فریب، دارند زباله بر سر اینها می ریزند و خانواده ی امام چه می گویند و هدفشان ارشاد و هدایت است.

«شیخ طوسی» گوید: این آیه درباره عده ای از اهل مکه نازل شده که از مکه به عنوان مهاجرت بیرون آمدند و مشرکین به آنان حمله ور شدند سپس مراجعت کردند وقتی که نزول این آیه را شنیدند دوباره از مکه بیرون آمدند بالنتیجه عده ای از آنها کشته شدند و عده ای رهایی یافتند .

سپس درباره آنان آیه ۹۶ همین سوره «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» نازل گردید. و نیز گوید در باره عمار یاسر و کسانی که در نزدیکی مکه بوده اند، نازل شده.

و همچنین گویند درباره کسانی نازل شده که قبلاً از وجوب جهاد و زکات مسلمان شدند.

ولی وقتی که جهاد و زکات واجب شده بود از اجرای آن امتناع ورزیدند. این سوره درباره‌ی چند موضوع، مطالبی را بیان می‌کند از جمله:

ایمان، تکلیف بشر، آزمایش الهی، تاریخ برخی انبیا، نهی از مجادله‌ی غیر نیکو و تکیه بر غیر خدا.

ایمان، تنها با زبان و شعار نیست، بلکه همراه با آزمایش است. ادّعا کافی نیست، باید عملکرد را دید و قضاوت کرد.

سعدیا گرچه سخندان و نصحیت گوی / ز عمل کار برآید به سخندانی نیست

آزمایش، يك سنّت الهی در طول تاریخ است –

حوادث را تصادف نپنداریم؛ همه اسباب آزمایش ماست

- آشنایی با تاریخ و حوادث پیشینیان، مردم را برای پذیرش حوادث آماده می‌کند

- دلیل آزمایش‌های الهی، عینی و محقق شدن علم ازلی خداوند و جدا شدن مؤمنان واقعی و شکوفا شدن استعدادهای درونی و به فعلیت رسیدن آنهاست .

بخش دوم امام حسین (علیه السلام) ، تجسم عینی زندگی قرآنی

تجلی آیات قرآن در قیام عاشورا

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً احزاب ۳۵

به آنکس که مؤمن برآن کبریاست

عبادت نمایند دور از ریا

نیارند جز راستی بر زبان

به آنان که دارند ترس از خدا

که یاری نمایند اهل نیاز

که هستند مشتاق پروردگار

همه پاک دامن بدور از حرام

یگانه کسی را که هستی بداد

ببینند آمرزش از آن کریم

به آنکس که تسلیم امر خداست

به آنان که طاعت کنند و دعا

به آنان که دارند صدق بیان

بر آن کس که صابر بود در بلا

به آن خیرخواهان مسکین نواز

برآن روزه داران پرهیزگار

به آنان که دارند حجبی تمام

به آنان که بسیار سازند یاد

از ایزد بر آنهاست اجری عظیم

آیات صبر و صابرین، آیات رضا و مرضیین، آیات خضوع و خاضعین، آیات جهاد و مجاهدین، آیات معرفت و عارفین، آیات توکل و متوکلین، آیات ابرار و برّ، آیات یقین و موقنین، آیات تقوی' و متقین، آیات ایمان و مؤمنین، آیات علم و عالمین آیات عشق و ایثار و مؤثرین، آیات امر به معروف و آمرین، آیات نهی از منکر و ناهین، آیات حفاظت از حدود الهی و حافظین، آیات صلوة و مقیمین و خاشعین، آیات ذکر الله و الذاکرین،

آیات حزب الله و فائزین، آیات انصار و اصحاب حقیقی رسول خدا و صدها آیات دیگر همه و همه یک باره در روز عاشورا از وجود حضرت متجلی گشت.

۴۲ سوره فجر: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

رسیدی به آرامشی و قرار

الا ای که با یاد پروردگار

به سوی خدا گام بگذار پیش

بیا این زمان سوی یزدان خویش

ز تو نیز راضیست یکتا خدا

که هستی تو خشنود از کبریا

به باغ بهشتم تو می کن سرای

کنون در صف بندگانم درآی

اکنون حضرت در روز عاشورا تمامی حقیقت و اسرار آیات مذکور در مراقبت و دفاع از دین خدا و حدود الهی را مجسم فرموده است و لذا حقیقتاً و بدون هرگونه اغراق و گزافه گوئی، می توان گفت حضرت به صورت عینی و عملی آیات فوق در عالی ترین درجه آن را در عاشورا متجلی فرموده است. گویا تمامی آیات مذکور یک باره در روز عاشورا بواسطه فیوضات وجود مطهر حضرت متجلی گشته و صورت عینی و عملی و ناطق یافته است .

و همان گونه که بر رسول خدا نازل شده بود از فرزند رسول خدا به سوی خدا صاعد گشت و این تجلیات تفسیر آن روایت معروف از رسول خداست که فرمود حسین می و انا من حسین؛ و لذا به روشنی و بدون هیچ گونه مبالغه و اغراق می توان گفت که عاشورا آیاتی از قرآن وجود حسین است . و همان گونه که بر هر مسلمان و بر هر مؤمنی طبق آیات شریفه قرآن واجب است در آیات قرآن تدبّر نماید، نیز واجب است که در آیات وجود قرآن ناطق حضرت در روز عاشورا تدبّر نماید.

اکسیر حیات بخشی که به کارها و افکار، رنگ جاودانگی می بخشد اخلاص و انجام عمل برای رضای الهی است. خداوند در قرآن از بندگان مؤمن خویش خواسته است که کارها را فقط برای رضای او انجام دهند

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ بقره ۱۳۸

خدا را سزد دور از مکر و فن	به هر چیز رنگی خدائی زدن
به ما مسلمین بر خدا و کتاب	ببخشید رنگی از ایمان ناب
ز توحید بر کردگار بشر	نکوتر نبودست رنگی دگر
به اخلاص او را بخوانیم باز	عبادت نمائیم آن بی نیاز

انسان در زندگی خویش باید رنگی را بپذیرد، اما در میان همه رنگ‌ها، رنگ خدایی بهتر است. ناگفته پیداست که تا رنگ نژاد و قبیله و هوسها را کنار نگذاریم، رنگ وحدت و برادری و تسلیم امر خدا بودن را نخواهیم گرفت. همه‌ی رنگ‌ها به مرور زمان کم رنگ و بی‌رنگ می‌شود. اما رنگ خدایی همیشگی و پایدار است.

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ قِصَص ۸۸

که هر چیز جز ذات یکتا خدا

عدم گردد و می رود بر فنا

و چه رنگی بهتر از رنگ خدا که او را عبادت و بندگی می‌کنیم. بگذریم که یهود، کودکان خود را با آبی مخصوص شستشو داده و بدینوسیله به او رنگ مذهبی می‌دهند. بهترین رنگ آن است که صفا و بقا داشته و چشم اولیای خدا را به خود جلب کند. هم‌رنگ با فطرت و منطق بوده، مشتری آن خدا، و بهای آن بهشت.

در حدیث آمده: شخصی در دیوار خانه‌ی خود سوراخی ایجاد می‌کرد، امام صادق علیه السلام پرسید: چرا اینکار را انجام می‌دهی؟! جواب داد: تا دود اجاق منزل بیرون رود.

امام فرمود: می‌توانی این منظور را داشته باشی که روزنه‌ی ورود روشنائی قرار دهی تا اوقات نماز را بشناسی. یعنی اگر بناست در دیوار روزنه‌ای ایجاد شود، چرا تنها برای بیرون کردن دود باشد؟ چرا برای ورود نور نباشد؟

بله می‌توان به هر کاری، رنگ خدایی داد. راه خدا، یکی است؛ اگر رنگ خدایی نباشد، رنگ‌های دیگر، انسان را گیج و متحیر می‌کند و هم‌رنگ شدن با جماعتی که اکثر آنها دچار انحرافند، خود مایه‌ی رسوایی و خواری در قیامت است.

و در آیه دیگر خداوند به پیامبر می‌فرماید: قرآن در ستایش طبقه‌ای از مجاهدان راه حق و تشویق آن‌ها می‌فرماید إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ

خدا جان و مال همه مؤمنان توبه ۱۱۱ **خریده به پاداش باغ جنان**

بجنگند در راه پروردگار **نمایند در راه حق کارزار**

در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد خریده چنان که ملاحظه می‌شود خداوند در این آیه بهشت را بهای جان و مال مؤمنان جهادگر می‌شمارد.

فروشنده : خداوند **خریدار : مومنین و مجاهدین**

کالا : جان و مال در راه خدا **بهاء : بهشت جاودان** و

در ستایش تعدادی از انسان‌های الهی می‌فرماید: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ** (بقره ۲۰۷)

که راضی بگردد از آنها خدا

گروهی نمایند جان را فدا

بود دوست با مؤمنان در جهان

بر این بندگان حق بود مهربان

ابن ابی‌الحدید که از علمای قرن هفتم اهل سنت است، در شرح نهج‌البلاغه خود آورده است: تمام مفسران گفته‌اند این آیه درباره علی بن ابی‌طالب علیه السلام نازل شده است که در **لیلة المبیت** در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید. و این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافریا دیوانه آنرا انکار نمی‌کند.

در این آیه آنان که جانشان را با عشق به خدا می‌فروشد هدفشان در بهشت فقط رضای الهی است (حماسه و عرفان ۲۴۷)

گاهی باید برای احیای یک معروف و یا محو یک منکر، جان را تسلیم کرد حضرت علی علیه السلام فرمودند: کسی که در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته شود، یکی از مصادیق این آیه است.

امام حسین علیه السلام هدف اصلی سفر به کربلا را تحصیل رضای الهی می‌داند از این رو در آغاز سفر و کنار قبر جدّ بزرگوارش صلی الله علیه و آله از خداوند می‌خواهد که او را به این همه موفق بدارد و راهی در پیش رویش بگذارد که رضای او و رضای رسولش در آن است.

این معنا در خطابه‌های دیگر آن بزرگوار نیز کاملاً مشهود است (بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۷۷)

گذشت عالی‌ترین کرامت انسانی است، به ویژه آن که آدمی قدرت بر انتقام نیز داشته باشد. آموزه‌های قرآنی نه تنها به عفو در مقابل بدی تأکید دارند بلکه در سطحی بالاتر توصیه می‌کند که جواب را با خوبی پاسخ دهید

فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (شوری ۴۰)

ولی گر کسی عفو سازد عدو به صلح اندر آید به راه نکو

دیگر آیات : وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (بقره ۲۳۷)

و گر بخشد او را بود نیک تر به یزدان پرستیت نزدیکتر

وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (فصلت ۳۴)

بدان در جهان هیچ گاه نیک و بد نخواهد همانند و یکسان شود

اگر خلق با تو بدی کرد و زشت تو با او نکویی کن ای خوش سرشت

دستیابی حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام به آب و نیاشامیدن آن، جان فشانی دو تن از یاران امام علیه السلام در ظهر عاشورا که جهت اقامه نماز تن خود را سپر بلای آن حضرت ساختند و به شهادت رسیدند، ارادت‌های خالصانه ای است که اصحاب آن حضرت در عاشورا ابراز کردند. و در روز عاشورا تا زنده بودند نگذاشتند که از بنی هاشم وارد میدان شود و بنی هاشم نیز تا زنده بودند نگذاشتند امام علیه السلام وارد میدان شود و ... همه و همه نمونه هایی بی‌مانند گذشت و ایثارند که در قیام سالار شهیدان جلوه گر شد. عفو و اصلاح از کسی که قدرت انتقام دارد، پاداش بزرگی در پی خواهد داشت.

۴۷ . تواضع و فروتنی :

قرآن کریم از یک سو به نکوهش تکبر می‌پردازد: **وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا** (اسراء ۳۷)

مروراه روی زمین با غرور که نشکافی این خاک از کبر و زور

کجا؟ کی؟ چو کوهی شوی سربلند به گردون نخواهی فکندن کمند

فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ (زمر ۷۲) که بد منزلی هست بر سرکشان

و از سوی دیگر لزوم تواضع را گوشزد می‌کند **وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا** (فرقان ۶۳)

عباد خداوند رحمان کینند؟ کسانی که اندر تواضع زیند

گذارند چون در زمین گام خویش رهی از تواضع بگیرند پیش

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء ۲۱۵)

پس آنگه ز رحمت گشا پُروبال همه مؤمنان را به هروقت و حال

امام حسین علیه السلام نیز صاحب این سیره ارزشمند قرآنی بود.

مسعده گوید: گذر امام حسین علیه السلام به فقیرانی افتاد که گلیم خود را پهن کرده و خود را بر آن افکنده بودند (و غذا می‌خوردند) و حضرت را دعوت نمودند، حضرت به زانو نشست و با آنان هم خوراک شد و متواضعانه برخورد نمود و آنان را تکریم نمود. سپس این آیه فوق را تلاوت نمود آن‌گاه فقرا را به منزل خویش دعوت نمود. پس برخاستند و همراه حضرت به منزل او آمدند.

۴۸. سخاوت :

جود و سخاوت از فضایل مهم اخلاقی است، هر اندازه بخل نشانه پستی و حقارت و ضعف ایمان و فقدان شخصیت است جود و سخاوت نشانه ایمان و شخصیت والای انسانی است

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر ۹)

پس انصار، آنان که ز آن پیشتر	که احمد بدانجا نماید سفر
بکشتند مؤمن چنانکه نکوست	مهاجر کسان را گرفتند دوست
به لطفی که از حق بر آنان رسد	نورزند نه رشکی و نه حسد
به هر چیز آن مردم نیکبخت	اگرچه که محتاج باشند سخت
ولی باز هم خود از آن دل کنند	مهاجر کسان را مقدم کنند
هرآن کس که خود را ز بخل و ز آز	نگه داشت حقا بود سرفراز
همین مردمانند خود رستگار	چه در دار دنیا چه دار القرار

[انصار]... هر کس را که به سوی آنان کوچ کرد. دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده در دل‌هایشان حسد نمی‌یابند، هر چند در خودشان احتیاجی، [مبرم] باشد.

شیخ طوسی گویند: این آیه درباره انصار نازل گردیده زیرا آن‌ها وارد مدینه شده بودند. پیش از آن که مهاجرین وارد شوند و گویند: هر کسی که قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شده باشد، او از انصار خواهد بود. در کنار بهره‌مند کردن مهاجران از فیء، خداوند به ستایش انصار و مردم مدینه می‌پردازد که آنان، هم

خانه‌هایشان را برای مهاجران آماده کردند و هم ایمانشان را کامل نمودند که تمام دستورات را بدون دغدغه عمل کردند.

پیام ها : بستر سازی برای ارائه خدمات به دیگران يك ارزش است

- هم ظاهر آراسته لازم است و هم باطن - محبت به اهل ایمان مرز و بوم ندارد

- از ایثار و روحیات خوب دیگران نام ببرید

- دوستی پایدار آن است که به خاطر کمالات، افراد را دوست بداریم، نه به خاطر نام و

قبیله و چشم داشت - تظاهر به کمال ارزش ندارد، کمال آن است که در عمق جان باشد

- در ستایش از گروهی، نباید از گروه دیگر غافل شد تا ایجاد حساسیت شود

- در آیه قبل از مهاجرین ستایش شد و این آیه از انصار ستایش می‌کند.

۴۹. احسانگری

انس گوید نزد امام حسین علیه السلام نشسته بودم در این هنگام یکی از کنیزان آن حضرت وارد شد و با دسته ریحانی که به آن حضرت هدیه کرد سلام و تحیت گفت. حضرت نیز به او فرمود: تو در راه خدا و برای خدا آزادی. من به آن حضرت عرض کردم: این کنیز با چند شاخه ریحان که اهمیتی ندارد به شما تحیت گفت، حال شما او را آزاد می‌کنید؟ حضرت فرمود: حق تعالی ما را چنین تربیت کرده .

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

چو شخصی بگوید شما را سلام نساء ۸۶ به پاسخ دهیدش سلامی تمام

همان گونه یا بهتر اندر جواب به پاسخ برانید اسب خطاب

مراد از تحیت، سلام کردن به دیگران، یا هر امر دیگری است که با آرزوی حیات و سلامتی و شادی دیگران همراه باشد، همچون هدیه دادن. چنانکه وقتی کنیزی به امام حسن علیه السلام هم دسته گلی هدیه داد، امام او را آزاد کرد و این آیه را قرائت فرمود. در اسلام، تشویق به سلام به دیگران شده، چه آنان را بشناسیم یا نشناسیم. و بخیل کسی شمرده شده که در سلام بخل ورزد. و پیامبر به هر کس می‌رسید حتی به کودکان، سلام می‌داد. در نظام تربیتی اسلام، تحیت تنها از کوچک نسبت به بزرگ نیست، خدا، پیامبر و فرشتگان، به مؤمنان سلام می‌دهند. **سَلَامٌ عَلَى نُوْحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ** سلام پیامبر إذا جاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ سلام فرشتگان. **تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ**

۵۰. امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر محور تحقق یافتن حکمیت ارزش‌ها و محو پلیدی‌ها است بنای رفیع جامعه اسلامی بر ستون مستحکم امر به معروف و نهی از منکر گذاشته شده و امت مسلمان بهترین امتی هستند که برای امر به معروف و نهی از منکر برانگیخته شدند. امام حسین علیه السلام مصداق این آیه بود: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (آل عمران ۱۰۴)

کسانی که هستند داناترین

ز بین شما مردم اهل دین

نمایند دعوت به خیر و فلاح

سزد مردمان را همی بر صلاح

بدارند از کار بد برحذر

کنند امر بر کار نیک و دگر

که این گونه اندر جهان مصلحند

همانا که این مردمان مفلحند

آن بزرگوار هدف قیام خود را اصلاح طلبی و امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرد از اولین مراحل امر به معروف که همان اندرز و نصیحت است آغاز کرد و بارها و بارها حتی در میدان جنگ با یزیدیان.

از آنجا که این عامل ارزش نهضت امام حسین علیه السلام را بسیار بالا می برد، باید این اصل مهم را بشناسیم که چگونه این اصل آن قدر اهمیت دارد که شخصیتی مثل امام حسین علیه السلام را وادار می کند تا جانش را فدا کند. حسین بن علی در راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است، کشته شد؛

اصلی که اگر نباشد جامعه متلاشی شده، از میان می رود آیات قرآن در این زمینه زیاد است و از جوامع گذشته که یاد می کند، می گوید انسان هایی متلاشی و هلاک شدند؛ زیرا در میان آنها نیروی اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر نبود

اما برخی از شرایط آن یکی این است که امر به معروف و نهی از منکر (یعنی مصلح جامعه بشری) اول باید خود صالح باشد تا بتواند اصلاح کند: **الَّتَائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ** (توبه ۱۱۲) و تا آخرین مرحله که گذشتن از جان خویش است در راه احیای این عنصر مهم کوشا بود. **إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٌ صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ** من برای اصلاح در امت جدم محمد ص قیام کردم و امر به معروف و نهی از منکر را طالبم... (بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۲۹) قرارگرفتن آیهی امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیهی که دستور اتحاد و یکپارچگی می دهد، شاید از آن رو باشد که در نظام اجتماعی متفرق و از هم پاشیده، یا قدرت دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه

چنین دعوت‌هایی مؤثر و کارساز نیست. به عنوان وظیفه‌ای عمومی و همگانی که هرکس به مقدار توانایی خود باید به آن اقدام کند. علی علیه السلام فرمود: اگر امر به معروف و نهی از منکر ترك شود، کارهای نیک و خیر تعطیل و اشرار و بدان بر خوبان مسلط می‌شوند.

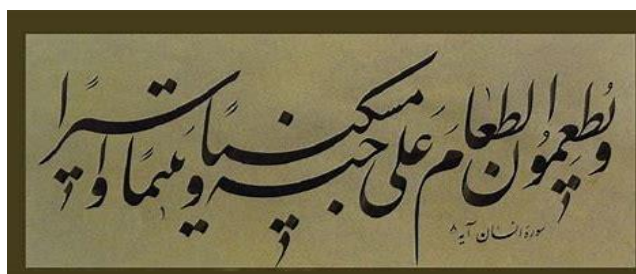
۵۱. ایثار

در سوره انسان نیز درخشش دیگری از این فداکاری را که ناظر بر اهل بیت است . و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند. (و می‌گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما پاداش و تشکر نمی‌خواهیم.

ایثار یکی از جلوه‌های عرفانی قیام امام حسین علیه السلام و بلکه از زیباترین آنهاست جلوه‌ای که قرآن کریم بسیار بر آن تأکید کرده و در نمودهای مختلف ظاهر گشته است

شهادت در راه خدا و انفاق مال که آیات بسیاری درباره آن‌ها نازل شده از این جمله است. اوج ایثار و از خودگذشتگی را در ليله‌المبیت که علی علیه السلام به جای پیامبر خوابید می‌توان ملاحظه کرد و خداوند مدال و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (بقره ۲۰۷) را درباره آن بزرگوار نازل کرد.

اساس قیام امام حسین علیه السلام و یاران آن بزرگوار که برگرفته از مکتب آن حضرت است بر محور از خودگذشتگی است. عدم قبول بیعت امام با امویان و از خودگذشتن برای اثبات حقیقت نمونه بارز ایثار آن بزرگوار بود. اشعار آیات فوق در صفحات قبل



یکی دیگر از آموزه های ارجمند قرآنی توکل است کارها را به خدا سپردن و دل از هر چه غیر اوست برکندن، به یک مبدأ خیر قادر تکیه کردن و در راه او گام برداشتن است وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق ۳)

ز جایی که در باور شخص نیست بر او رزق بخشد به هنگام زیست

هرآن کس توکل کند بر خدا کفایت نماید ورا کبریا

که امر خدا نافذست و روان هر آنچه بخواهد بگردد همان

مشخص نمودست پروردگار که هر چیز را چیست قدر و شمار

وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَضْمُرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (ابراهیم ۱۲)

چرا ما به یکتا خداوند راد توکل نسازیم، نیز اعتماد

اگرچه که یزدان به راه درست هدایت بفرمود ما را نخست

رساندید آزار خود را به ما ستمها نمایید بر ما روا

بگیریم راه صبوری به پیش توکل نماییم با صبر خویش

که اهل توکل به هرگونه حال سپارند دل را به آن ذوالجلال

امام حسین علیه السلام در طول سفر خود به کربلا، خدا را تنها تکیه گاه خود می‌داند. در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا پس از آن که هر دو سپاه آماده نبرد شدند خطاب به سربازان عمر سعد فرمود: سخن مرا بشنوید و عجله نکنید...

پس [در] کارتان با شریکان خود همداستان شوید تا کارتان بر شما مشتبه ننماید و درباره من تصمیم گرفته مهلتم ندهید. بی تردید سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده و همواره دوستدار شایستگان است (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶)

مفسرین گویند: که این قسمت از آیه وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ سوره طلاق ۲-۳

خدا ترس گردید و پرهیزکار

هرآن کس بترسید از کردگار

دری بهر بیرون شدن از گناه

بر او می گشاید یگانه اله

بر او رزق بخشد به هنگام زیست

ز جائی که در باور شخص نیست

درباره عوف بن مالک الاشجعی آمده که مردی فقیر و بی چیز بود و پسری داشت که مشرکین او را اسیر کرده بودند. عوف نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از درد اندرونی خویش به خاطر اسارت فرزند و فقر و بی چیزی می نالید. پیامبر او را تسکین داد و در عین حال فرمود: امشب در خانه ما هیچ برگ و توشه ای جز یک مد طعام یافت نمی شود. سپس فرمود: ای عوف، صبر کن و پرهیزکار باش و زیاد کلمه لاحول و لا قوه الا بالله را بر زبان جاری ساز.

۵۳. جامع اضداد

عده ای چنین می پندارند که انسان هایی که اهل عبادت و تهجد، عرفان و خلوت گزینی اند در صحنه اجتماع حضوری مؤثر نداشته و بالعکس انسان های حماسی و قاطع، از روحیه لطیفی برخوردار نیستند. قرآن از یک سو نجوای وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ (اسراء ۷۹) سر می دهد. و از سوی دیگر بانگ وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً (توبه ۳۶) بر

می آورد و حسین علیه السلام نیز چنین بود آمیزه ای از حماسه و دلاوری و عرفان و معنویت .

زمانی ز شب را تو بیدار باش ۷۹ به دل گرم تسبیح دادار باش

که بر توسست واجب تهجد تمام نماز شبت را همی خوان مدام

بجنگید با مشرکان متحد ۳۶ بکوشید در یاری هم بجد

دعای عرفه امام حسین علیه السلام سراسر زمزمه های عارفانه او با معبود خویش است الهی
مَنْ كَانَتْ مُحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي خدایا کسی که خوبی هایش بدی
است چگونه بدی هایش بدی نباشد. جملات عارفانه امام تنها یک روی سکه شخصیت
است اما روی دیگر شخصیت حماسی و قهرمانی است که با سلاح خون به دیدار شمشیر
می رود و چنین می سراید که إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِم إِلَّا بِقَتْلِي یا سیوف خذینی (اعیان
الشیعه ۵۸۱) اگر دین محمد صلی الله علیه و آله جز با کشتن من پایدار نمی ماند پس ای شمشیرها
مرا دریابید. سرور و سالار شهیدان موقع حمله به دشمن ذکر لاحول و لا قوه إِلَّا بِاللّهِ
العلی العظیم هنگام احساس مرگ انا لله و انا الیه راجعون هنگام رسیدن به کربلا از بلاها
و مصیبت های آن به خدا پناه می برد اَللّهُمَّ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُرْبِ وَ الْبَلَاءِ

۵۴. جاودانگی :

قرآن کریم کتابی است که با گذشت زمان رنگ کهنگی بر چهره مفاهیم بلندش نمی نشیند
و همواره ماندگار و جاودانه است. مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد چگونه است
که قرآن با بحث و گفتگو در مورد آن فرسوده نمی شود و همواره شاداب و تازه است؟
حضرت فرمودند: بدان جهت که خداوند قرآن را مخصوص عصر و دورانی خاص قرار
نداد همچنانکه آن را به مردم خاصی اختصاص نداده است بلکه قرآن برای همه اعصار
جدید و نزد هر گروهی تا به قیامت تازه است. (بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۳).

از آنجا که سرشت سیره گفتاری و رفتاری امام حسین علیه السلام با آموزه های قرآنی عجین گشته است، شخصیت، قیام و سیره او جاودانه است

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

بزرگ است یزدان که فرقان کتاب فرستاد بر عبد خود بر صواب

که تا خلق را از یگانه خدا بترساند و نیز روز جزا

مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ [انعام ۳۸]

که ما در کتاب ازل هیچ چیز فراموش نکردیم هرچند ریز

وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ [انعام ۵۹]

نه خشک و تری هست، نه مرگ و زیست که اندر کتاب مبین ثبت نیست

کلمه‌ی تر و خشک، کنایه از همه‌ی چیزهایی است که مقابل همدند، مثل مرگ و حیات، سلامتی و مرض، فقر و غنا، نیک و بد، مجرد و مادی.

این مطلب در آیه‌ی وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ یس ۱۲ نیز بیان شده است.

هرآنچه نمودند بنوشته است در آن کارنامه که گیرند دست

به يك لوح محفوظ ، پروردگار نوشتست آن جمله را آشکار

حضرت زینب سلام الله، شیر زن کربلا، این جاودانگی را پیش‌بینی کرده و خطاب به امام سجاد علیه السلام در دلداری آن حضرت بعد از واقعه دلخراش عاشورا می‌فرماید: بر فراز آرامگاه پدرت قبله ای ترتیب خواهد داد که نشانه هایش کهنه نمی‌گردد و گذشت روزگار آن را از بین نمی‌برد. هر چه ستمگران برای نابودی آن کوشش کنند، هرگز به خواسته خود نائل نمی‌شوند، پیوسته شکوه و جلال آن رو به افزایش است (مقتل مقرر، ص ۳۹۷)

امام حسین علیه السلام در قتلگاه و عروجگاه، عصر عاشورا در نیایشی عاشقانه با تن و بازوی زخم‌دار چنین عرضه می‌دارد: **إِلَهِی رِضًا بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ** بر قضا و حکم تو صبر می‌کنم، ای خدای من، جز تو خدایی نیست ای فریادرس فریادگران. به همین علت امام و راه و نهضتش الگوی تمام نهضت‌های آزادیبخش شد و جهانی ماند و جاودان و همیشگی.

۵۵. حق تلاوت قرآن:

در قرآن، ایمان آورندگان به این کتاب الهی کسانی معرفی شدند که حق تلاوت را بجا آورند **الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ** (بقره ۱۲۱)

نمودیم نازل به راه صواب

کسانی که چون ما بر آنها کتاب

بکردند بر آن عمل موبه مو

بخوانند آن را درست و نکو

که بر ایزد خویشتن موقند

به تحقیق ایشان همه مؤمنند

امام صادق علیه السلام: آیاتش را روشن و شمرده می‌خوانند، سعی می‌کنند معنایش را بفهمند، احکام و فرامینش را به کار می‌بندند و به وعده هایش امیدوارند و از عذابش می‌ترسند... به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلمات و تلاوت سوره‌ها و مطالعه حواشی آن نیست... در قسمتی از زیارت‌نامه امام حسین علیه السلام **أَشْهَدُ أَنَّكَ... تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ...** گواهی می‌دهم که تو حق تلاوت قرآن را ادا نمودی (کامل‌الزیارات ص ۳۷۱) و نیز آن حضرت: خدا را به خاطر فراگیری معنای قرآن و رسیدن به مقام فقاہت دینی حمد و سپاس می‌گوید **اللهم إني أحمدك على أن أكرممتنا بالنبوة و علمتنا القرآن و فقهتنا في الدين** (تاریخ الطبری، ج ۳) خدا را به بهترین وجه ستایش کرده و در شداید و آسایش و رنج و رفاه در مقابل نعمت هایش

سپاسگزارم. خدایا! تو را می ستایم که بر ما خاندان، با نبوت، کرامت بخشیدی و قرآن را به ما آموختی و با دین و آیین آشنایمان ساختی و به ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بین) و قلب (روشن) عطا فرمودی و از گروه مشرک و خدانشناس نگرداندی. نزدیک غروب تاسوعا پس از آن که امام درخواست برای تلاوت قرآن و عبادت کردند.

۵۶. چند بُعدی بودن

قرآن کریم کتابی است که از زوایای مختلف می توان به آن نگریست هر چند همه این ابعاد در یک جهت و آن هم هدایتگری هُدًی لِلنَّاسِ هدایت و راهنما است.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

که قرآن فرستاد یکتا اله

بود ماه روزه همان نیک ماه بقره ۱۸۵

نماید جدا راه نیکو ز شر

که سازد هدایت عموم بشر

قرآن وسیله هدایت همه مردم است؛ «هُدًى لِلنَّاسِ» همانند خورشید بر همه می تابد، در قرآن به موضوعات طبیعی، کیهانی، تاریخی، فلسفی، سیاسی و صنعتی اشاراتی شده، ولی هدف اصلی هدایت است. ولی تنها کسانی از آن بهره می برند که فطرتِ پاک داشته و در برابر حق خاضع باشند. سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام همانند قرآن در چهره های گوناگون برای مردم جهان درخشید. برای **عارفان** در چهره دعای عرفه، برای **زامداران حامی قسط و عدل و حامی مستضعفان و محرومان** در چهره نهضت و قیام علیه طغیانگران امویان. برای پرهیزکاران در چهره تارک دنیا، و برای دیگران در چهره های دیگر... امام از زمان حرکت از مدینه به مکه و سپس به کربلا و بعد هم بالای (نیزه) با اتفاقات و شرائط مختلف حدود ۴۰ آیه را تلاوت و روشنگری نمودند. همچنانکه حضرت سجاد و زینب سلام الله علیهما هم آیاتی را در مقابل یزیدیان در کاخ کوفه و شام استناد نمودند.

هدف قرآن، هدایت مردم است و اگر به مسائلی از قبیل خلقتِ آسمان‌ها و زمین و گیاهان و حیوانات و ... اشاره کرده به خاطر آن است که توجه مردم به آنها، موجب توجه به علم و قدرت و حکمت خداوند گردد.

۵۷. حق گوی

قرآن کریم خود سخن حق است وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (حاقه ۵۱)

همانا که این گفته قولیست راست در انجام آن نیست نقصی و کاست
وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَأَحْكُم بَيْنَهُم
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ (مائده ۴۸)

کتابی که اینک فرستاده ایم	به حق ای محمد (ص) تو را داده ایم
که بر آن کتب نیز کامد ز پیش	گواهی ببخشد به تصدیق خویش
ز پیشین کتب نیز کامل ترست	بر آن هرکه زد چنگ ز آتش برست
پس اکنون تو با آنچه ایزد بداد	بکن حکم در بین آنان، به داد
از اهواء این مردم نابکار	اطاعت مکن هیچ در روزگار
مبادا که حق را گذاری زمین	چو آنها بخواهند از تو چنین

امام حسین علیه السلام نیز زندگی و گفتارش بر مبنای حق و راستی بود چرا که بر مبنای آیه تطهیر امامان از هرگونه ناحق و پلیدی دور هستند. از زیارت امام حسین علیه السلام که خطاب به ایشان است می‌خوانیم أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ همانا حق با تو و به سوی توست و تو اهل حق و معدن آن هستی. (بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۹۴ و ۲۰)

۱- قرآن، سراسر حقّ و پیراسته از هر باطلی است. الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

۲- می‌توان میان اهل کتاب، طبق قرآن حکم کرد. فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

۳- خطری که رهبران را تهدید می‌کند، پیروی از تمایلات مردم و نادیده گرفتن حقّ ۶- یکی از ابزار آزمایش الهی، آمدن شریعت جدید است، تا روشن شود چه کسی ایمان می‌آورد و چه کسی تعصّب می‌ورزد. انسان به راهنمایی انبیا نیازمند بوده .

۵۸. حضور در محضر الهی

عارف، عالم را محضر خدا می‌داند و او را شاهد و ناظر بر جمیع امور می‌شمارد .
قُلْ اَعْمَلُوا فَاَسَيِّرُ اِلَيْهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَاسْتَزِدُّوْنَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ
فَيَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (توبه ۱۰۵)

بگو هرچه سازید از نیک و بد	خدا مزد آن بر شما می دهد
همین گونه گردند آگاه از	آن همه مؤمنان و رسول زمان
نمایند رجعت به پروردگار	که داناست بر غیب و بر آشکار
هرآن کار کردید از نیک و بد	خدا نیز پاداش آن می دهد

این آیه که بیان کننده‌ی آگاهی خدا و پیامبر و مؤمنان از عملکرد ماست، همان عقیده‌ی شیعه را مبنی بر عرضه‌ی اعمال بر اولیای خدا بیان می‌کند. و اگر اعمال ما خوب باشد، اولیای خدا از ما شاد می‌شوند و اگر بد باشد، نگران و اندوهگین می‌گردند. ایمان به این عرضه‌ی عمل، در ایجاد تقوا و حیا مؤثر است.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بعد از شهادت اصحاب و یاران و خانواده اش سرش را به آسمان بلند کرد و گفت اَللّهُمَّ اِنَّكَ تَرَى مَا يُصْنَعُ بَوْلَدِ نَبِيِّكَ خدایا تو شاهی که با پسر پیغمبر تو چه می‌کنند (بحارالانوار ج ۴۴، ص ۳۲۱) همچنان که پس از شهادت طفل شیرخوار دست مبارک خود را زیر گوی او گرفت وقتی که دستش پر از خون شد آن را به

طرف آسمان پاشید و گفت هَوْن عَلَى مَا نَزَلَ بِى أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ أَنْ جِهَ كِه اَيْنِ مَصِیْبَتِ رَا
بِر مَن آسان مِی کُند اَيْنِ اِست کِه اَيْنِ مَصایِبِ دَر مُحَضَرِ خُدا وَ مَنْظَرِ او وَاقِعِ مِی شُود.

۵۹ . خوف و خشیت الهی

قرآن کریم مؤمنان را می ستاید که فقط از خدا می ترسند و جز او از کس دیگر هراس
ندارند. الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

خدا مهر دستور زد این چنین احزاب ۳۹ بر آن کس که تبلیغ کردست دین

بترسند آنان ز پروردگار ز چیزی نترسند جز کردگار

همانا کفایت کند کردگار که آرد حساب همه در شمار

آیه سخن از قاطعیّت و شهادت مبلّغ در ابلاغ دستورهای الهی به مردم است، ولی در
مواردی مدارا، نرمش و سکوت برای جذب قلوب لازم است. خشیت غیر از خوف است،
خشیت تأثر قلبی است که از عظمت امری ناشی می شود، ولی خوف انتظار وقوع امر
ناپسندی است که موجب پرهیز از آن می شود. سیره عملی امام حسین علیه السلام در جریان
کربلا مصداق واقعی این آیه است. چرا که اگر ترس از نابودی خود و فرزندانش را داشت
هرگز پای به این صحنه پرمخاطره نمی گذاشت. امام علیه السلام در زمره عارفانه خود در
دعای عرفه چنین می فرماید که اَللّهُمَّ اَخْشَاكَ کَأَنّی اَرَاکَ خدایا مرا آنچنان قرار ده که از تو
بیمناک باشم به طوری که گویا تو را می بینم. از غیر خدا نمی ترسید. اگر در دنیا هیچ
پناهگاهی نداشته باشم و کسی مرا حمایت نکند، من با یزید بیعت نمیکنم. لو لم یکن لی
ملجاء و لا ماءوی لما بایعت یزید اولیا هیچ گونه خشیتی از غیر خدا ندارند، زیرا تنها
خداوند را بزرگ می بینند. خدا ترسی مقدّمه‌ی شجاعت و شهادت است. مبلّغان الهی
بدانند که حساب صبر و تحمّل آنان با خداست.

۶۰ . مقام ذکر

از دیگر اوصاف پارسایان رسیدن به مقام ذکر است یاد خدا را در دل داشتن و همواره به یاد او بودن، یاد خدا مایه آرامش است الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ رعد ۲۸

همان مردمانی که بر کردگار	بیارند ایمان و دار القرار
که دل‌های آنها به یاد خدا	همی گیرد آرام و یابد صفا
همانا بدانید یاد خداست	که آرام دل‌ها و رمز شفاست

و مؤمنان راستین آنانند که خرید و فروش و مشغولیات دنیوی آنها را از یاد خدا غافل نمی‌سازد رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ... (نور ۳۷)

به کسب و تجارت گروهی رجال	نگشتند غافل ز رب جلال

و بالاخره دشمنان خود را با استناد به آیه قرآن سرزنش می‌کند که اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ (مجادله ۱۹)

همانا که ایشان به فعل و مرام	بگشتند از حزب شیطان تمام
بدان حزب شیطان به روز شمار	زیانکار می ماند و خوار و زار

ننگ بر شما و آنچه می‌خواهید، ما از خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم. یاد خدا تنها به ذکر زبانی نیست، اگر چه یکی از مصادیق روشن یاد خداست، آنچه مهم است یاد خدا بودن در تمام حالات خصوصاً در وقت گناه است.

کسی که از یاد خدا غافل است، آرامش ندارد و زندگی بدون آرامش زندگی نکبت باری است. مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا

هرآن کس ز یادم کند احتراز

نگردد به رویش درِ رزق باز

اما در آیات دیگری می‌خوانیم هرگاه مؤمن خدا را یاد کند، دلش به لرزه می‌افتد. **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ**

کسی هست مؤمن که چون در میان

رود نام و ذکر خدای جهان

هراسان بگردد دلش ز آن کمال

که دارد همی ایزد ذوالجلال

گاهی انسان بخاطر وجود همه مقدمات، اطمینان و آرامش دارد، اما در عین حال از نتیجه هم نگران و بیمناک است.

فرزندان، هم به وجود والدین، احساس آرامش می‌کنند و هم از آنها حساب می‌برند. گاهی انسان از آنجا که می‌داند فلان ناگواری برای آزمایش و رشد و ترفیع مقام اوست، خرسند و آرام است، اما اینکه آیا در انجام وظیفه موفق خواهد شد یا خیر، او را نگران می‌کند و به لرزه می‌اندازد.

انسان‌های مؤمن وقتی در تلاوت قرآن به آیات عذاب، دوزخ و قهر الهی می‌رسند، لرزش بر اندام آنها مستولی می‌شود، اما هنگامی که آیات رحمت و رضوان و بهشت را قرائت می‌کنند، آرامشی شیرین، قلوب آنها را فرا می‌گیرد و آنها را دلگرم می‌سازد.

امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت علی اصغرش با عبارت **هین علی انه بعین الله** این آرامش را ابراز فرمود و یا در دعای عرفه آمده است:

یا ذاکر الذاکرین در این آیه آمده که دلها، و به ویژه دل مؤمن، با یاد خدا آرام می‌گیرد.

۶۱. صبر و تسلیم

صبر در برابر مصیبت‌ها و تسلیم در برابر اراده الهی یکی دیگر از خصلت‌های نیک عارفان است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**

پس ای اهل ایمان به صبر و نماز بقره ۱۵۳ از الله یاری بجوئید باز

خداوند با صابرانست یار بود یاور صابران کردگار

امام در وصیت‌نامه به محمد بن حنفیه زمانی که می خواست امام را از اهدافش و قیامش باز دارد، فرمود: هر کس مرا رد کند و از یاری من سر باز زند صبر می‌کنم تا خدا بین من و قوم اموی حکم کند که او بهترین حکم‌کنندگان است (بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۳۰) صبحگاه عاشورا یاران خویش را چنین به صبر فرا می‌خواند که: ای کریم زادگان! صبوری کنید زیرا مرگ چونان پلی است که شما را از سختی‌ها و آسیب‌ها عبور داده و به بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاودانه می‌رساند (معانی الاخبار ص ۲۸۹) در قتلگاه و عروجگاه، عصر عاشورا در نیایشی عاشقانه با تن و بازوی زخم‌دار چنین عرضه می‌دارد: بر قضا و حکم تو صبر می‌کنم، ای خدای من، جز تو خدایی نیست ای فریادرس فریادگران (مقتل)

صبر مشابه این کلام الهی را در همین سوره خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می‌فرمود: در برابر ناملایمات و سختی‌ها، از صبر و نماز کمک بگیرید. در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و منکوب می‌شود.

و انسان مرتب با خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی‌نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجه می‌خواند، به معراج می‌رود. هرچه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی‌های آن کوچکتر می‌شود.

انسان، یا در نعمت بسر می‌برد که باید به آیه قبل عمل کند؛ **فَاذْكُرُونِي، اَشْكُرْوا لِي** و یا در سختی بسر می‌برد که باید به این آیه عمل کند؛ **اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ** خداوند می‌فرماید: خدا با صابران است و نمی‌فرماید: با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد. در روایات می‌خوانیم: هرگاه کار سختی برای حضرت علی علیه السلام پیش می‌آمد حضرت دو رکعت نماز می‌خواند این سیره را بوعلی سینا نیز عمل می‌کرد.

صبر، مادر همه کمالات است؛ صبر در جنگ، مایه شجاعت است.

صبر در برابر گناه، وسیله تقواست. صبر از دنیا، نشانه زهد است.

صبر در شهوت، سبب عفت است. صبر در عبادت، موجب طاعت،

و صبر در شبهات، مایه ی و رع است.

۶۲. عبادت

عبادت پیوند مخلوق با خالق و اوج کمال انسانی و ارج بخشیدن خداوندی است که نعمات فراوانی به ما عطا کرده است. قرآن، گاه پرستش را هدف آفرینش و گاه عامل نفی سلطه های شیطانی، و گاه زمینه وحی و پیامبری و... معرفی می‌کند **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** (ذاریات ۵۶)

خدا آنکه پرستند رب جهان

جز آنکه پرستند رب جهان

امام حسین علیه السلام عبد صالح خدا بود و تجسم عینی آیات الهی، در عین حال که پهلوانی بزرگ بود، عابدی تمام عیار و عارفی کامل در پیشگاه الهی بود. علاوه بر نمازهای پنجگانه نمازهای دیگر بجای آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان در ماههای دیگر هم روزهائی را روزه می گرفت و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آن که ناچار به ترک شده باشد. (منبع پیشین ابوالشهد۷۳۱). امام حسین علیه السلام انس ویژه ای با نماز داشت از برادرش حضرت ابوالفضل علیه السلام خواست یک شب از امویان مهلت بگیرد تا در آن شب فقط به دعا، نماز، تلاوت قرآن و استغفار و راز و نیاز با خدا پردازد در حدیثی از امام حسین علیه السلام می خوانیم: خداوند مردم را نیافرید مگر برای معرفت و شناختن و چون او را شناختند، او را عبادت می کنند و هر که او را عبادت کند، از بندگی غیر او بی نیاز می شود. جنّ، قبل از انسان آفریده شده و دارای تکلیف است. در این آیه نیز نامش قبل از انسان آمده است. **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي** تمام آفرینش بر اساس حق است و هیچ آفریده ای باطل نیست،

۶۳ . عزت طلبی و ذلت ستیزی:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ

هر آن کس که عزت نماید طلب (فاطر ۱۰) بداند که عزت بود خاص رب

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در مقابل سپاه دشمن فریاد بر آورد که : آگاه باشید که زناراده پسر زناراده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیر ساخته یا شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت نمایم ولی ذلت از ما بسیار دور است . سیره امام نیز بر مبنای همین حبل متین الهی بود و لحظه ای تن به ذلت و سر به خواری نداد و سطر سطر قیام او نشانگر عزت مداری و پایداری بر راه هدایت الهی بود هر کس

خواهان عزّت است، عزّت در پرتو ایمان و عمل صالح است. امام در قیام خود طالب عزّت بود؛ هیهات من الذله

۱- عزّت واقعی، نزد خداست، نه پیش مردم.

۲- عزّت واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح است.

۳- میان عقیده با عمل رابطه‌ی تنگاتنگ است و در یکدیگر اثر می‌گذارند.

۴- راه مؤمنان که عزّت را از طریق ایمان و عمل صالح می‌جویند، راه رشد و تکامل است.

۵- هیچ کس با نیرنگ و گناه به عزّت نمی‌رسد. است. «يَبُورُ»

در جملاتی امام و الله لا أعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقرّ لکم اقرار العبید به خدا سوگند! دست ذلّت به سوی شما دراز نخواهم کرد و چون بندگان، تسلیم شما نخواهم شد. ألا انّ الدّعی ابن الدّعی قد ؛ زنا زاده پسر زنا زاده مرا بین دو کار مخیر گذاشته: مبارزه با کمی اصحاب و یا ذلّت؛ هیهات، من پستی و ذلّت را انتخاب نخواهم کرد. انسان‌های غیرتمند و روح‌های با عزّت، مکان‌های ذلّت و پستی را بر جایگاه کرامت و عزّت ترجیح نخواهند داد. زیرا که عزّت از آن خداست وَلِلّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ در سخنی دیگر اِنّی لا اری الموت الا سعادة و لا الحیوة مع الظالمین الا بَرَمًا؛ من مردن را برای خویش سعادت و زندگی با ستمگران را مایه ملامت و سرزنش می‌بینم. در این زمینه، کلمات بسیاری از آن حضرت به ما رسیده است که می‌تواند برای همه عاشقان و انسان‌های آزاده و جوانمرد، الگو باشد. عزت تنها از آن خداوند است، ولی آن را به مظهر اکمل و اتم خود حضرت محمد و دیگر مظاهر یعنی مؤمنان نیز نسبت می‌دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس و مهتوک هستند. دولت امر داد حوزه‌های علمیه را هتک کنند، و طلاب بی‌پناه را کتک بزنند، و بازار مسلمین را غارت

کنند و درب و پنجره مغازه‌ها را بشکنند. با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند. به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم. **إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا** کاش مأمورین بیایند و مرا بگیرند تا تکلیف نداشته باشم. فقط جرم علمای اسلام و سایر مسلمین آن است که دفاع از قرآن و ناموس اسلام و استقلال مملکت می‌نمایند و با استعمار مخالفت دارند. این است حال ما، تا آقای عَلم و ارسنجانی چه بگویند. روح‌الله الموسوی الخمینی

علت عزیز بودن امام حسین (علیه السلام) اگر بخواهیم تجلی صفت کمال در زندگی هر امام را به عنوان لقب آن حضرت برگزینیم، باید امام حسین علیه السلام را «حسین عزیز» بنامیم. عنصر «عزت» آنچنان در قیام امام حسین علیه السلام حضور دارد که می‌توان آن را به عنوان یک ملاک و اصلی کلی در نظر گرفته و گزارش‌های مورخان درباره این نهضت را با این ترازو سنجید.

و هر گزارشی را که کمترین شائبه ذلت در آن باشد مردود شمرد. عزّت در لغت به معنای عظمت و بزرگواری و ارجمندی و سرافرازی آمده است. این منظور، این واژه‌ها را به معنای قدرت و رفعت باز دارنده از شکست خوردن در برابر ظالمان و ستمگران و ضد ذلت و خواری می‌داند.

عزت یکی از صفات خدای متعال است و تمام عزت از آن اوست و هر کس عزتی کسب می‌کند، از برکت دریای بی انتهای اوست. زمانی که امام حسین (علیه السلام) در بیابان سوزان کربلا در محاصره نیروهای ابن زیاد قرار گرفت، از او خواسته شد تا بدون هیچ گونه

قید و شرطی تسلیم شود. آن حضرت وقتی چنین وضعی را مشاهده کرد، در روز عاشورا در سخنرانی‌اش فرمود: «این ناکس پسر ناکس، مرا به پذیرفتن یکی از دو چیز مجبور کرده است: یا جنگ کنم یا ذلت را بپذیرم و تسلیم او شوم. هیئات که ذلت را بپذیرم.

امام در آن شرایط که مشکلات گوناگون متوجه آن حضرت بود، با تمام توان این جمله را بیان فرمود و در عمل هم ثابت کرد که مرگ با عزت، بهتر از زندگی ذلت بار است.

۶۴ . احیاگری قرآن

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (نحل ۱۱۶)

بخوانید پاک و دگر یک حرام

ببندید بر رب خود افترا

دروغی ببستند اندر سخن

نخواهند فیروز و منصور شد

نباید که از پیش خود یک طعام

که با این چنین گفته های خطا

کسانی که بر ایزد خویشتن

نبینند روی سعادت به خود

(سرچشمه‌ی همه افتراها رسیدن به دنیایی است که) بهره‌ای اندک است، در حالی که برای آنان (در آخرت) عذابی دردناک است. آن چه را به دروغ وصف می‌کنید حلال و حرام نشمارید زیرا با این کار به خدا دروغ می‌بندید. این عبارت را امام حسین علیه السلام به لشکریان دروغگو و فریب خورده ی یزیدیان بارها فرمودند که هم نامه نوشتند و هم پیمان شکستند و هم پیرو و بیعت با فردی شرابخوار و حرامخواری چون یزید و ابن مرجانه شدند . (سرچشمه‌ی همه افتراها رسیدن به دنیا) بهره‌ای اندک است، در حالی که برای آنان عذابی دردناک است.

آیه هرگونه تحلیل یا تحریمی را که بر مبنای قانون الهی نباشد، محکوم نموده و آنرا دروغ بستن به خدا، برای رسیدن به متاع بی‌ارزش دنیوی می‌شمرد. در مورد حلال و حرام‌ها، اظهار نظرهای بی‌جا و بی‌دلیل نکنیم بدعت در دین و احکام آن، ممنوع است. وَلَا تَقُولُوا ... هَذَا حَلَالٌ...

بخش سوم مقامات امام حسین علیه السلام

۶۵. انفاق لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

نیابید هرگز چنان منزلت آل عمران ۹۲ که دارند خاصان حق در صفت

مگر آنکه از آنچه دارید دوست نمایید انفاق بر خویش و دوست

که هرچه نمایید انفاق مال بر آنست آگاه یکتا جلال

هرگز به نیکی نمی رسید تا زمانی که از آنچه دوست می دارید انفاق کنید به مقام ابرار نایل نمی شوید مگر با انفاق جان و فرزند و...

امام روز عاشورا تمام آنچه را که در اختیار داشت و محبوب او بود در راه خدا انفاق کرد: یارانی مخلص، خانواده، جان خود،

در قرآن، ایمان و عمل صالح و جهاد و نماز و وفای به عهد، از نمونه های برّ معرفی و همگان توصیه شده اند که در انجام برّ همدیگر را یاری کنند تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ و در آیه نیز می فرماید که شما هرگز به این گوهر گرانبها نمی رسید، مگر آنکه از آنچه دلپسند شماست و آن را دوست می دارید، انفاق کنید.

در احادیث می خوانیم: راه رسیدن به برّ، کمک به والدین قبل از درخواست آنان است، گرچه بی نیاز باشند

این تکلیفی است که خداوند آن را بر شیعیان لازم کرده آنجا که در کتاب خود می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ...» پس ما برّ و تقوا و راه هدایت هستیم.

۶۶. مصباح الهدی

قرآن انبیا را هدایتگر مردم به امر الهی در پرتو صبر و یقین و عبادت معرفی کرده و جَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ... لَنَا عَابِدِينَ

بگشتند بر مردمان راهبر	نشان داده راه نکو بر بشر
به آنها بگفتیم با وحی خویش	ره کار نیکو بگیرد پیش
بگشتند از زمرة عابدين	نهادند دل را به یزدان و دین

امام مظهر این وصف برجسته است لذا پیامبر او را مصباح الهدی نامید. از رسول مکرم إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ **حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است** : در تاریکی هولناک هوا و هوس و سختی های روزگار و **ظلمت دام های شیطانی** هرکسی که دنبال چراغ هدایت حسینی راه نیفتد گمراه شده و دچار سردرگمی و هلاکت خواهد شد. جلو افتادن از چراغ هدایت و عقب ماندن از آن باعث هلاکت است. پیامبر خدا و وظیفه مسلمانان بعد از خود حتی صحابه را نیز با پیروی از اهل البيت مخصوصا امام حسین (علیه السلام) مشخص نموده اند . چنانچه در حدیث دیگری فرموده اند حسن و حسین دو امام اند چه قیام کنند و چه ساکت بنشینند.

در هر عصر و زمان حرف امام حسین علیه السلام حجت است. نه تنها گفتار امام حسین علیه السلام بلکه تمام رفتار و کردار او نیز باید حجت باشد. و تخلف از آن جایز نیست. **حسین کشتی نجات است** : چنانچه کشتی حضرت نوح مایه نجات بشریت شد، هرکسی که بخواهد از غرق شدن در دریای متلاطم دنیا و آلودگی هایش در عصر بعد از پیامبر و سلم نجات پیدا کند باید سوار کشتی نجات امام حسین شود.

۶۷ . نفس مطمئنّه

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً . فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي «فجر ۳۰ تا ۲۷» هان ای روح آرام یافته به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. پس در زمره‌ی بندگان من درآی. و به بهشت من داخل شو! . اشعار آیات قبلا آورده شده

دل آرام و نفس مطمئنّه، با ذکر خدا به دست می‌آید. راضی بودن و مرضی بودن، نشانه نفس مطمئنّه است که او از خدا راضی است و خدا نیز از او راضی است.

امام صادق علیه السلام اقرؤ سورة الفجر في فرائضكم و نوافلكم زیرا در شان امام و صاحب نفس مطمئنّه است. اصالت انسان با روح است و بدن، مرکب آن است یا أَيَّتُهَا النَّفْسُ (خطاب خدا به نفس) بهشت بدون یار و همدم، بهشت نیست. فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي بهشت، انواع و درجاتی دارد. جَنَّتِي چنانکه قرآن در موارد متعدد فرموده: جَنَّاتٍ عَدْنٍ

پیروی از امام حسین(علیه السلام) و کسب نفس مطمئنّه مربی خوب کسی است که بخواهد شاگردش در زمان حیات خودش مانند او بشود. اگر مربی‌ای دارای چنین خصوصیتی بود معلوم می‌شود که واجد نفس شریف مربی‌گری است

امام حسین(علیه السلام) در عالم هستی به صورتی خاص واجد «نفس المطمئنّه» بوده‌اند.

۶۸ - بهره‌مندی عموم مردم

در جهان هستی اموری وجود دارد که عموم انسان‌ها می‌توانند از آن فیض و بهره ببرند و اختصاص به هیچ طایفه و نژاد خاصی ندارد از جمله:

الف. رحمت الهی؛ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرؤُوفٌ رَحِيمٌ

ب. رسالت پیامبر اکرم صلی الله؛ وَ أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا

ج. قبله و خانه ی کعبه إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا

د. قرآن کریم شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ

ه. عاشورای حسینی وَ بَذَلَ مُهَجَّتَهُ فَيَكَلِّفُكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.

و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند.

در زیارت عاشورا وَ ثَبَّتَ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا

مُهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ و مرا در سخن و اعتقاد و عمل نسبت به امام حسین

(علیه السلام) ثابت قدم بدار، و مرا نسبت به یارانش همان کسانی که خون خویش را در

رکاب حسین و برای حسین بذل نمودند، استوار ساز. می گویند بذل آن دادنی است

که برگشتن برایش وجود ندارد. نمی دهد که بعد چیزی بگیرد.

حفاظت از امام و رهبر در عاشورا همه شهیدان در روز عاشورا به یکدیگر وصیت می

کردند که نگذارید به امام گزندى برسد و از او جدا نشوید. آنان حتی هنگام شهادت این

قول را از یکدیگر می گرفتند و به همین خاطر در زیارت عاشورا، الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَّهُمْ دُونَ

الْحُسَيْنِ بذل یعنی بخشش بدون چشم داشت.

۶۹. عبرت از تاریخ (عاشورا) تاریخ چراغ روشن آینده است

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ

أَمْثَالُهَا

محمد ۱۰ نخواهند بنمود و سیر و سفر

به روی زمین هیچ آیا گذر

کزین پیش بودند از خاکیان

که بینند فرجام پیشینیان

که نابودشان کرد ایزد تمام چو بودند مردان بی اهتمام

پس این کافران هم چو آن قوم خوار بگردند بر کیفر خود دچار

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ. ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ.
فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ فَقُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

سرانجام آن ساحران خرد و خوار (اعراف ۱۱۹ تا ۱۲۰) بگشتند مغلوب در کارزار

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ. و جادوگران به سجده افتادند. با پیروزی حضرت موسی، ضربه‌ی سختی بر نظام فرعون و مهم‌تر ایمان آوردن به موسی. امام حسین علیه السلام آیاتی که به آن استناد می‌کردند چندین آیه از تاریخ پیامبران بالاخص حضرت موسی علیه السلام و از در کوفه و شام از اینکه وقایع کربلا خیلی عجیب تر از عاقبت اصحاب کهف می‌باشد. امام و نهضت عاشورا جهانی شده و بسیاری از دانشمندان غیر مسلمان نظراتی در باره ایشان داده اند. ولی از معاویه و یزید جز بدنامی و باقی نمانده حتی بین اهل تسنن که اطاعت از بعضی جرثومه ها را به عنوان اطاعت از اولی الامر می دانند.

در قرآن نابودی و هلاکت مردم، بر اساس عملکرد و خلق و خوی آنان است
گروهی به خاطر طغیان هلاک شدند. برخی به خاطر لجاجت و انکار. عده‌ای به دلیل مکر و حيله.

۷۰. امام و زندگی قرآن محض

وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (دخان ۲۰) وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ (۲۱)

همانا برم بر یگانه اله از آزار و از سنگسارم پناه

اگر خود نگردید مؤمن به من مرا واگذارید بر خویشتن

و از اینکه مرا متهم (یا سنگسار) کنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم. و اگر به من ایمان نمی‌آورید پس (لااقل) از من کناره بگیرید. ای بندگان خدا من پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که آزاری به من برسانید

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ (۲۲)

پس آنگاه برداشت دست دعا که این قوم، مجرم بود ای خدا

عُدْتُ : پناه برده‌ام. تَرْجُمُونِ : این که مرا سنگسار کنید. تکیه روی مسأله رجم، یعنی سنگسار کردن بدین خاطر است که اغلب پیغمبران و مردان خدا را بدین نحو تهدید به قتل نموده‌اند

۱- تهمت و شکنجه نباید مانع کار شود. إِيَّيْ عُدْتُ ... أَنْ تَرْجُمُونِ (مراد از رجم، یا تهمت زدن است و یا پرتاب سنگ)

۲- در شیوه‌ی تبلیغ مقابله به مثل مفید است. (در برابر فرعون که می‌گوید: من ربّ شما هستم موسی مکرر فرمود: «بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ»)

۳- انسان به خدا تکیه نکند و پناه خود نداند، نمی‌تواند در برابر ستمگران مقاومت کند.

سبک زندگی که ماندگار ماند

عناصر و شاخص‌هایی که سبک زندگی حسینی و عاشورایی به جامعه انسانی معرفی می‌کند دارای مؤلفه‌هایی است که رعایت و به کار بستن آنها در زندگی ضامن سعادت و خوشبختی تمام جوامع است. جناب شیخ مفید در ارشاد خود، پلان‌هایی از روحیه عزتمندانه امام حسین (علیه السلام) را در واقعه عاشورا این چنین به تصویر کشیده است:

وَاللّٰهُ لَا أُعْطِيْكُمْ بِيَدِيْ اِعْطَاءَ الدَّلِيْلِ وَلَا اَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيْدِ؛ نه بخدا، نه دست خواری بشما خواهم داد، و نه مانند بندگان فرار خواهم نمود. و من شما را به کتاب خدا و سنّت پیامبرش فرا می خوانم، چرا که (این گروه) سنّت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از بین برده و بدعت (در دین) را احیا کردند، اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم.

۷۱. حسین علیه السلام ذبح عظیم

وَقَدْ يَنْهَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ [صافات ۱۰۷] و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهنانیدیم

فدا ساخت ذبحی بزرگ و عظیم بر آن مرد نیکو، خدای کریم

ذبح عظیم امام حسین علیه السلام است (عیون اخبار الرضا ع ج ۱ ص ۲۰۹)

حضرت زینب سلام الله علیها در خطبه هایش در اسارت می فرماید اِلٰهِيْ تَقَبَّلْ مِنَّا هٰذَا الْقُرْبَانَ خدایا این قربانی را از ما بپذیر و در مقابل یاوه گویی ها و اظهار پیروزی یزیدیان که گفتند خدا با شما چه کرد و می فرمایند مَا رَاَيْتُ اِلَّا جَمِيْلًا يَّكُ جرقه‌ی خالص، به یک جریان بزرگ تاریخی تبدیل می شود.

کلمات فداء و فدیة : پیش مرگ شدن و بلا گردان شدن و باز خرید است. خداوند وعده داد که نام نیک ابراهیم در تاریخ بماند وَ تَرْكُنَا عَلَيِّهِ فِي الْاٰخِرِيْنَ. صافات ۱۰۸

بر آیندگان نیز یادش نگاشت از او نام جاوید باقی گذاشت

بِذَبْحِ عَظِيمٍ همه ساله صدها هزار گوسفند و گاو و شتر در قربانگاه اسماعیل به یاد او ذبح و قربانی می شود و معامله با خدا سود ابدی دارد. تمام مناسک حج، از طواف کعبه تا نمازی که پشت مقام ابراهیم خوانده می شود و پیدا شدن انبیایی از نسل او همه و همه

نمونه‌هایی از یاد خیر او در تاریخ است.

۱- در فرهنگ دینی، ذبح حیوان برای دفع خطر مؤثر است وَ قَدْ يَنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

۲- قربانی کردن، از سنت‌های ابراهیمی است. بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

۳- يك جرعه‌ی خالص، به يك جریان بزرگ تاریخی تبدیل می‌شود.

۷۲ . فرزند پیامبر بودن

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ اشعار صفحات قبل

امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) بعنوان ابناءنا . أنفُس علی (علیه السلام) . نساء حضرت فاطمه سلام الله عليها (۵تن) و با این کار، امر الهی به انجام رسیده است.

در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران شدند. مسیحیانِ نجران نیز نمایندگانی را برای گفتگو با پیامبر به مدینه گسیل داشتند.

با وجود گفتگوهایی که میان آنان شد، باز هم آنان بهانه‌جویی کرده و در حقانیت اسلام تردید کردند. آیه نازل شد: بیایید با حالت تضرع و ابتهال بر دروغگویان نفرین کنیم. هنگامی که نمایندگان مسیحیان، پیشنهاد مباحله شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده و متحیر مانده و مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند.

بالاخره پذیرفتند و زمانی که متوجه شدند پیامبر با نزدیکان و عزیزان و جگرگوشه‌های خودش آمده پشیمان شدند و با دادن جزیه در پناه اسلام در کنار مسلمانان ماندند.

۷۳. مقام اولی الامر یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ

پس ای مؤمنان با رضا و قبول نساء ۵۹ اطاعت کنید از خدا و رسول

همین گونه با رغبت و با رضا اطاعت نمایید اولی الامر را

روایات تفسیری بسیاری که مصادیق اولوا الامر (علیهم السلام) که اطاعت ایشان همانند اطاعت خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) واجب شده، پرداخته است. آیهی قبل، وظایف حاکمان که باید دادگر و امانتدار باشند، و سفارش شده که امانات به اهلش سپرده شود، این آیه سپردن به اهلش، در سایه اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر است.

این آیه به وظیفه‌ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع خدا، پیامبر و اولی الامر هرگز مردم در بن‌بست قرار نمی‌گیرند. اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است.

متأسفانه آیه در دوران خلفا و امویان دستخوش تعبیر غلط قرار گرفت و اطاعت از خلفا و حاکمان ظالم و بی‌لیاقتی چون معاویه و یزید و لازم شمرده و امام حسین علیه السلام را که طبق آیه ولی امر مسلمین است به عنوان خارجی نام بردند. امام صادق علیه السلام: آیه درباره علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده، وقتی آیات نماز بر پیامبر نازل شد تعداد رکعات نمازهای پنج‌گانه تعیین نشده بود، لذا رسول خدا خود، تعداد رکعات را بیان فرمود و نیز موقعی که آیه زکات نازل گردید تعیین مقدار زکات در اشیاء هم گفته نشده بود. پیامبر مثلاً خود درباره زکات درهم از قرار هر چهل درهم يك درهم بیان فرمود و

۷۴ . عصمت و طهارت

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳ احزاب) خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منز گرداند. اشعار و توضیحات بیشتر صفحات قبل

کلمه‌ی إِنَّمَا نشانه‌ی این است که آیه‌ی شریفه درباره‌ی یک موهبت استثنایی در مورد اهل بیت علیهم السلام سخن می‌گوید. یُرِيدُ، اراده‌ی تکوینی است، زیرا اراده‌ی تشریعی خداوند، پاکی همه‌ی مردم است نه تنها اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام. رجس هر گونه ناپاکی ظاهری و باطنی است. أَهْلَ الْبَيْتِ همه‌ی خاندان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نام آنان در روایات شیعه و سنی آمده. علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

۷۵ . اهل بهشت

سوره هل اتی (انسان) در بیان حسب و مقامات اخروی معصومین نزول یافته و خدا به صراحت از بهشتی بودن و مقامات اخروی آن حضرت سخن گفته است وَ جَزَاءُهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةٌ وَ حَرِيرًا انسان ۱۲

به پاداش آن صبر، یزدان نوشت بر ایشان حریر و صفای بهشت

خداوند، مخلصان را به مراد خود می‌رساند. و کیفر و پاداش باید متناسب با عمل باشد. (حفظ و نجات محرومان، سبب حفظ و نجات انسان در قیامت است.) ترس امروز، امنیت فردا و مسرور کردن امروز، مسرور شدن فردا را به دنبال دارد و پاداش‌های الهی به خاطر صبر است. جَزَاءُهُمْ بِمَا صَبَرُوا امام باقر علیه السلام: پاداش ابرار به خاطر صبری چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: صَبْرٌ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَى صبر کردم در

حالی که در چشم، خار و در گلو تیغ داشتم. و درباره امام حسین علیه السلام می خوانیم: لقد عجبت من صبرك ملائكة السماوات همانا از صبر تو فرشتگان آسمان به تعجب افتادند. اطعام ابرار برای دو هدف صورت گرفت: لَوْجِه الله و نَخَافُ مِنْ رَبِّنا و به آن دو هدف هم رسیدند. فَوَقَاهُمُ الله شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوراً

خداوند از شر آن روز سخت نگر داشت آن مردم نیکبخت

خدا روی خندان و دل‌های شاد بر ایشان عطا کرد روز معاد

صابران نه تنها در قیامت پاداش می بینند، بلکه در دنیا، سلام و صلوات الهی را دریافت می کنند. بهشتیان در آسایش و آرامش به سر می برند مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ هوای بهشت بسیار مطبوع و در بهشت، نعمت‌ها تسلیم ابرار هستند.

۷۶ . مقام راسخون در علم

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ (آل عمران ۷)

بلی او خدائست کو بر صواب به سویت فرستاده است این کتاب

که محکم بود برخی آیات آن که اصل کتابست اندر

گروهی از آیات را در سخن تفاوت بود بهر معنا شدن

کسانی که دارند اندر ضمیر تمایل به باطل طریق و مسیر

از این آیه ها خود اطاعت کنند به تأویل آنان عنایت کنند

که تأویل سازند بر میل خویش که هم شبهه هم فتنه آرند پیش

ندانند جز عالمان و خدا

اگرچه که تأویل آن را، سزا

بگشتیم مؤمن به راهی صواب

بگویند بر این مبارک کتاب

فرستاده از سوی ایزد به ماست

که آیات آن جمله از کبریاست

جز آنها که دارند عقلی و فکر

چنین نکته را کس نکردست ذکر

امام باقرعلیه السلام: رسول خدا افضل راسخان در علم بود پس از او اوصیای گرامیش. امامان معصوم علیهم السلام از مصادیق بارز راسخان در علم و عالمان به تاویل می باشند. تأویل قرآن اهداف و معارف و اسرار پشت پرده‌ای باشد که بعد روشن می‌شود. نظیر تعبیر خوابی که حضرت یوسف دید و بعد روشن شد و یا اسراری که در شکستن کشتی توسط خضر و موسی بود که بعد روشن شد.

۷۷. صادق

دیگر مقام معنوی امام همانند دیگر اهل عصمت در قرآن اشاره شده در روایات ماثور از امام حسین علیه السلام بعنوان شهید صدیق یاد میشود یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه ۱۱۹

که دارید ایمان به روزِ شمار

الا مؤمنان به پروردگار

بگردید با صادقان همنشین

بترسید از کردگار مهین

آیه صادقین به مؤمنان دستور می‌دهد همراه صادقین باشند و از آنان پیروی کنند. بنابر باور شیعه مقصود از صادقین، ائمه اهل بیت هستند. این آیه از دلیلهای قرآنی بر امامت امامان معصوم است. صادقین: آیه ۱۷۷ اهل ایمان، انفاق، نماز، وفای به عهد و صبر در برابر مشکلات را صادق می‌شمارد لیس البرّ و آتی المال علی حبه...اولئک

الذين صدقوا... آیه ۲۳ احزاب از آنان یاد شده من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله و رسوله یا مهاجران اند که در آیه هشتم سوره حشر للفقراء المهاجرين الذين اخرجوا من ديارهم... اولئك هم الصادقون در میان احادیث شیعه و سنی نیز آمده صادقین، علی (علیه السلام) یا وی و اصحاب او یا علی و اهل بیتش یا محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش هستند. در عین حال بسیاری از روایات شیعه، صادقین را به اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر کرده اند. دوستی، همنشینی و همراهی با راستگویان، یکی از عوامل تربیت و جلوگیری انسان از انحراف است.

۷۸. شهید

جهاد در راه خدا و شهادت نقش جهاد و شهادت حضرت چنان در تاریخ اسلام و تغییر جهت امت محمدصلی الله علیه و آله مهم و اساسی بوده که ایشان را بعنوان سیدالشهداء و سرور شهیدان معرفی میکند.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه ۱۱۱) اشعار قبلا آورده شده

دنیا، بازار است و مردم در آن معامله گر. **فروشنده**، مردم اند و **خریدار** خداوند. **متاع** معامله، مال و جان است و **بهای معامله** بهشت. اگر به خدا بفروشند، سراسر سود و اگر به دیگری بفروشند، یکسره خسارت است.

۱. در پذیرش الهی، جهاد با جان بر جهاد مالی مقدم است. أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ

۲. بهشت، در سایه ی جهاد و شمشیر و تقدیم جان و مال به خداست. لَهُمُ الْجَنَّةُ

۳. اگر هدف از جهاد، خدا باشد، کشته شدن یا کشتن، تفاوتی نمی‌کند. فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ

۴. هدف مؤمن از جنگ، ابتدا نابود کردن باطل و اهل آن و سرانجام شهادت.

۵. ارزش جهاد، مجاهدان و شهیدان، مخصوص اسلام نیست، در تورات و انجیل هم مطرح است.

و اگر امروزه در آن کتاب‌ها نیست، نشان تحریف آنهاست. فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

۷۹. حقیقه ملائکه

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ
الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ بقره ۳۰

به جمع ملائک بگفت این چنین

چو پروردگارت خدای مهین

به روی زمین جانشین برقرار

همانا نمایم من کردگار

کسانی بخواهی کنی جانشین

بگفتند آیا به روی زمین

بریزند همواره خون در بلاد

که بسیار ورزند کار فساد

نماییم تسبیح و تقدیس رب

اگرچه که ما خویشتن روز و شب

ندانید چیزی که من دانمی

خدا گفت از رمز خلقت همی

مسأله‌ی خلافت انسان در زمین مطرح و نگرانی فرشتگان از فسادهای بشر و توضیح خدا و سجده آنان در برابر نخستین انسان را بدنبال دارد. امام حسین علیه السلام برترین خلیفه بر روی زمین است در مقابل فردی قمار باز و به همین علت فرشتگان اعلام یاری را در کربلا با امام داشتند. و امام نپذیرفتند. فرشتگان، یا از طریق اخبار الهی و یا مشاهده‌ی انسان‌های قبل از حضرت آدم علیه السلام در عوالم دیگر یا در همین عالم و یا به خاطر پیش‌بینی صحیحی که از انسان خاکی و مادی و تراحم‌های طبیعی آنها داشتند، خونریزی

و فساد انسان را پیش‌بینی می‌کردند. گرچه همه‌ی انسان‌ها، بالقوه استعداد خلیفه خدا شدن را دارند، برخی از آنها با رفتار خود به اندازه‌ای سقوط می‌کنند که از حیوان هم پست‌تر می‌شوند.

۸۰. امین الله

وَأَوْزَكْتُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضاً لَمْ تَطُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۲۷

برآن ثروت و سرزمین و دیار

شما را خدا داد وارث قرار

نصیب شما گشت آن آشیان

که نهاده بودید گامی در آن

توانا به هر چیز یکتا خداست

روانست حکمش به هر چیز خواست

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا احزاب ۷۲

چو بر آسمانها و ارض و جبال

امانت بداد عرضه آن ذوالجلال

بکردند از حمل آن امتناع

نمودند اندیشه از این متاع

جز انسان که آن را پذیرفت زود

که در ظلمت و جهل وامانده بود

امین الله امام حسین علیه السلام است که امانت بزرگ الهی از مسئولیت خلافت و رسالت الهی را بر عهده گرفته و به درستی از عهده آن برآمد. پذیرش این امانت، بزرگترین افتخار و امتیاز انسان است، و با رعایت آن خوشبخت و با ترک آن بدبخت خواهد بود.

همه موجودات عالم در برابر فرمان خدا خاضع و ساجدند و به صورت اجبار، نه اختیار به انجام وظیفه مشغولند و مسیر واحدی را برابر قوانین طبیعی و تکوینی می‌پیمایند، بجز انسان که با اراده و اختیار به انجام وظیفه می‌پردازد و اگر تکالیف شرعی را به جای آورد،

سیر صعودی و سرانجام سعادت سرمدی دارد، و اگر غفلت نمود و طاعات و عبادات را رها کرد، سیر نزولی و سرانجام شقاوت ابدی دارد

۸۱. رضی مرضی

امام حسین علیه السلام بی گمان از برجسته ترین مصادیق انسان هایی است که در این مقام قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام **يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** منظور از این آیه، امام حسین (علیه السلام) است **أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي**

۸۲. امام

رسیدن به مقام امامت بسیار دشوارست و تنها کسانی به این مقام رسیده اند که از آزمونهای سخت الهی گذشتند و در مقام عصمت و طهارتی قرار گرفتند که ویژه مخلصان (خالص شدگان) است. مفهوم جامعی که پیشوایان هدایت و ضلالت را هر دو شامل می شود **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ** اسراء ۷۱

به یاد آر روزی که آید فرا **که هر امتی را بیاید ندا**

پیشوایان الهی و صالح **قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا** بقره ۱۲۴

به تو می نمایم عطا آن مقام **کز امروز بر خلق گردی امام**

امام حسین که آیه تطهیر و درباره ایشان نازل شده به عنوان پیشوای الهی است و جواب **هل من ناصر** وی اطاعت از خداست که خیر و صلاح مردم در آن می باشد. امام در اصطلاح اسلامی (از دیدگاه قرآن) دو کاربرد دارد: کتابی مُنَزَّل از جانب خدا بر رسول الهی برای هدایت مردم؛ آن انسان تعیین شده از جانب خدا برای هدایت مردم که دارای مقام عصمت باشد

۸۳. خلیفه الله

امام خلیفه الرسول (صلی الله علیه و آله) خلیفه الله در آسمان و زمین بودند چنانکه خدا خواسته بود مسئولیت بزرگ خلافت را با عبودیت خود به عهده گرفت و در مقام مظهر ربوبیت الهی گام برمیداشتند و اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً (بقره ۳۰) چون برخی از آنها با رفتار خود به اندازه‌ای سقوط می‌کنند که از حیوان هم پست‌تر می‌شوند. دقیقا کسانی که در مقابل امام حسین قرار گرفتند خوئی بدتر از حیوان را به خاطر موقعیتی که در دنیا آرزو می‌کردند دارا شدند مانند شمر عمر سعد و ابن مرجانه و قرارگاه خلیفه الله، لیاقت افراد الهی تا قَابَ قَوْسَیْنِ اَوْ اَدْنٰی می‌باشد

۸۴. عدالت خواهی

عدالت هدف اصلی پیامبران و فلسفه بعثت در طول تاریخ بشریت بوده است. امام حسین علیه السلام نیز در پی این اندیشه و هدف وارد شد و ملاحظه می‌کرد که سنت پیامبر فراموش شده و برای اسلام پوستینی وارونه خلفا دوخته اند و احساس خطر برای اسلام می‌کرد، لذا بنا بر وظیفه‌ی خود قیام نمود، ولی مظلوم واقع گردید، هر چند نتوانست به هدف ظاهری و تسلط بر ظالم دست یابد، ولی برای آیندگان و آزادیخواهان و عدالت خواهان مسلمان و غیر مسلمان الگوی جهانی شد. و باعث قیام هایی شد که خواب راحت را از بنی امیه و بنی عباس گرفت.

به همین دلیل است که غیر مسلمان هم او را الگوی آزادیخواهی و آزادی می‌شناسند. و به او تاسّ می‌نمایند در مدیریت صحیح، راهنمایی از مدیر، و عمل از مردم است. عدالت واقعی در سایه قانون و رهبر الهی است. حدید آیه ۲۵

بخش چهارم آیات اخلاق در سیمای امام حسین علیه السلام

۸۵ . همنشینی با تهی‌دستان : زیبایی های صفات امام حسین علیه السلام دلربا و روح نواز است و نگاه و رفتارش ظهور آیات حق، و مکارم اخلاقش تجلی بخش فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: **بُعِثْتُ لِاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**.

عصمت و قداست او در آیه تطهیر **لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ (احزاب ۳۳)** با جلوه‌ای پرفروغ انعکاس یافته و بر عشق الهی و ایثار او کریمه **و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا انسان ۸** شاهد و گواه است زیبایی و جمال روح و اعتدال جسمانی اش با نام حسین علیه السلام شکوهی افزون یافته؛ زیرا که حسین یعنی زیبایی و براساس روایت، نامی است که خداوند آن را برایش برگزیده است.

که از اهل بیت نبوت، اله ۳۳ بخواهد کند دور رجس و گناه

شما را ز هر عیب سازد بری کند پاک و تطهیر از هر بدی

به حب خدا می نمایند سیر ۸ یتیم و مساکین و شخص اسیر

او چنان است که خود فرمود **بُحْسِنِ خَلِيقَةٍ وَ عُلُوْ هَمَّةٍ لِّيَالٍ فِي الضَّلَالَةِ مُذْلِهَمَّةٍ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتَمَّهَ** از یُريد الجاهدون لِيُطْفِئُوهُ سَبَقْتُ الْعَالَمِينَ إِلَى الْمَعَالِي؛ و لاح بحکمتی نورالهدی فی یُريد الجاهدون لِيُطْفِئُوهُ یُريد الجاهدون لِيُطْفِئُوهُ (بحارالانوار ج ۴۴)

با اخلاق نیک و همت بلند، از همه جهانیان به قلّه های فضیلت پیشی گرفتم و با حکمت من، نور هدایت در شب‌های تاریک گمراهی درخشید. منکران می‌خواهند این نور را خاموش کنند؛ ولی خداوند نخواسته که این نور خاموش شود. بایستی جلوه های آیات الهی را در چهره پرفروغش توجه داشته و نظاره گر پرتوی از شکوه‌مندی زیبایی‌های

اخلاقی اش باشیم . و اللهُ يُتِمُّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ همه ساله استکبار با اقدام ضد انسانی دشمنان کینه توز اسلام عزیز که به سرکردگی سردمداران جنایت پیشه و پلید استکبار جهانی، با اهانت و قیحانه به نگین آفرینش رحمت للعالمین و مقدس ترین شخصیت عالم هستی حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله) قلوب بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان و قاطبه مستضعفین جهان را جریحه دار کرد.

و اکنون با ترور ناجوانمردانه سردار دلها سپهد قاسم سلیمانی که نابود کننده ی داعش در سرزمینهای عتبات بودند شهید کردند و فرزندان شهدا را دوباره یتیم شدند. دشمن با وقاحت تمام اعتراف می کند و او را تروریست می نامند. بر جهانیان پوشیده نیست که این سردار پیرو امام حسین علیه السلام در صف اول مبارزه با تروریست می باشد. و کشورهای ایران عراق سوریه افغانستان یمن و مدیون او هستند.

۸۶ . اوج تقوی و مقابل هوای نفس

قرآن، تقوا را معیار ارزشمندی و کرامت انسانها را در برخورداری هرچه بیشتر از آن می داند و با اندیشه اصالت قدرت و ثروت، مبارزه کرده و آن را در نظام ارزشی خویش مُلغی ساخته است وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عِینَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَةَ الْحَیَوةِ الدُّنْیَا وَ لَا تَطِغْ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوِیَهُ وَ کَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا کهف ۲۸

به قومی که خوانند رب جهان

نمایند قرب خدا را طلب

تو بر دستگیری آنان بکوش

تمایل نمایی و مایل شوی

شکیبا همی باش و بس مهربان

خدا را بخوانند هر صبح و شب

یکی لحظه چشم از فقیران مپوش

مبادا که بر زینت دنیوی

از آن قوم هرگز اطاعت مکن
که غافل بگشتند از بیخ و بُن
بکردیمشان غافل از یاد خویش
ره نفس خود را گرفتند پیش
بگشتند مشغول کار تباه
فتادند در ظلمت و در گناه

مفسران در شأن نزول آیه، نوشته اند که: عده ای از ثروتمندان مغرور به حضور پیامبر صلی الله رسیدند و در حالی که به اصحاب صفّه و تهی‌دستان پاک سیرت همانند سلمان، ابوذر، عمار و صهیب اشاره می‌کردند، گفتند: اگر تو در بالای مجلس بنشینی و این‌گونه افراد را که بدنی بدبو و جامه‌هایی پشمینه برتن دارند، از خود دور کنی با تو همراه خواهیم شد و به سخنانت گوش خواهیم داد. تنها وجود این افراد است که مانعی عمده برای حضور ما در مجلس شما شده است.

در این زمان آیه فوق نازل شد و جایگاه متعالی صفّه نشینان تهی‌دست را که قلبی مالا مال از عشق و اخلاص داشتند، بیان داشت. پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله به جست‌وجوی آنان برخاست و در حالی که آنان را در آخر مسجد یافت، فرمود الحمد لله الذی لم یَمُتْنِی حَتّٰی اَمَرْنِی اَنْ اَصْبِرَ نَفْسِی مَعَ رِجَالٍ مِنْ اُمَّتِی مَعَهُمُ الْمَحِیَا و مَعَهُمُ الْمَمَاتِ حمد خدا را که مرا نمراند تا این که به من دستور داد با شما باشم. زندگی ام با شما و مردنم نیز با شما خواهد بود (مجمع البیان ج ۳)

امام حسین علیه السلام قبل از حرکت به کربلا وقتی با محمد حنیفه مشورت می‌کند و می‌بیند از روی دلسوزی به امام می‌گوید به یمن یا ... برو و امام نمی‌پذیرد و به وظیفه الهی خود عمل می‌کند که اگر نمی‌کرد معلوم نبود یزید و یزیدیان چه بر اسلام می‌آوردند اوج تقوی و پا گذاشتن روی هوای نفس در حرکت و قیام امام حسین علیه السلام کاملاً مشهود است.

۸۷. حسین انسان و بشری برگزیده

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِي الرَّأْيِ وَ مَا نَرِي لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

بگفتند بر او، بزرگان کیش هود ۲۷ نباشی تو چون ما یکی شخص بیش

به چشمان ما هرکه یار تو هست نباشد مگر شخص ناچیز و پست

ندارید هرگز مزیت به ما که گوئیم پیکی زیکتا خدا

گمان می نماییم اندر عمل شما یید ناراست گو و دغل

گذشتگان این مستکبران نیز همین ایراد را با نوح پیامبر علیه السلام در میان گذاشتند که قرآن می فرماید. سپس قرآن پاسخ نوح علیه السلام را بیان می کند

وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ (هود ۲۹)

نرانم ز خود هیچ گه مؤمنان اگرچند باشند محتاج نان

بر آنهاست دیدار یزدان هدف بیابند این رتبت و این شرف

(اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت خصم من خواهند بود.) در راستای همین تفکر مادی جمعی از بنی اسرائیل پس از برگزیده شدن طالوت به فرماندهی، گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند با این که ما از او شایسته تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! قرآن کریم پاسخ اشموئیل پیامبر علیه السلام بیان می دارد

قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بِسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ (بقره ۲۴۷)

به پاسخ بگفتا رسول خدا که او یست بر پادشاهی سزا

که او برگزیده ز سوی خداست به نیرو و دانش فزون از شماست

از آنجا که پیامبر و امام برگزیده ی خداوند می باشد در مورد امام وقتی ایراد گرفته می شود مطمئناً همین افراد لجوج و بهانه خیز نسبت به پیامبران هم مشکل داشتند. امام حسین علیه السلام بارها سپاهیان مقابل را یادآور می شدند سخنان جد بزرگوارشان پیامبر صلی الله را در مورد انتخاب ولی امر و سفارش هایی که در مورد پدر و امام حسن علیه السلام و در مورد خودشان در شرائط و مناسبت هایی که پیش می آمد را یادآور می شدند و از این طریق بنا داشتند تبلیغات چندین ساله ی معاویه پدر یزید را خنثی نموده و مردمی که از اهل بیت آگاهی نداشتند را روشن سازند از جمله این حدیث که به اتفاق مورد قبول همه بوده را متذکر می شدند: **الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ**

۸۸. جلوه های متعالی و مفاهیم بلند

با دقت در سیره اخلاقی ابی عبدالله علیه السلام نیز همین جلوه های متعالی و مفاهیم بلند را مشاهده می کنیم :

الف انسان های وارسته از هر طبقه و نژاد، گرد هم آمده اند تا عاشقانه ترین نظام عزّت و کرامت انسانی را در کربلا تجسّم بخشند. **مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا.**

یکی از آنها جون است که قبلاً غلام ابوذر غفاری بوده. با گوهر محبت و ولایت در کربلا حضور یافته است و بی اعتنا به تحقیر دنیاگرایان، عزّت خویش را در همراهی سیدالشهدا علیه السلام دیده است. هریک از یاران ابی عبدالله علیه السلام به سوی نبرد حرکت می کند و مدتی نمی گذرد که بدنش نقش زمین می شود و به ملکوت اعلیٰ پر می کشد. او نیز خود را آماده می کند تا در صف بلاجویان دشت کربلا قرار بگیرد؛ پس به حضور امام حسین علیه السلام می رسد و می گوید: بدنم بدبو و رنگم سیاه و بی بهره از نسب و قبیله هستم؛ امّا

شوق بهشت، بی‌تابم کرده است پس بهشت را ارزانی من دار تا بوی بدنم خوش و حسب و نسب من شرافت یابد و صورت من سفید گردد. به خدا سوگند! از شما جدا نخواهم شد تا خون من با خون پاک شما مخلوط گردد. سپس از امام حسین علیه السلام رخصت طلبید و به میدان شتافت؛ مبارزه ای شگفت نمود تا این که بر زمین افتاد.

اگرچه سراسر وجودش عشق و محبت به امام بود و تنها آرزوی او از این دنیا، این بود که یک بار دیگر نگاهش بر چهره پرمهر ابی عبدالله علیه السلام نقش بندد، اما تصورات پیشین او، که در پیشگاه حضرت آن را اظهار کرد، به او اجازه نمی‌دهد که از ابی عبدالله علیه السلام بخواهد تا بر بالینش حاضر گردد. ولی بر خلاف این تصورات، مشاهده می‌کند که امام بر بالین او حاضر گشته و دعای خویش را بدرقه راه آخرتش می‌نماید **اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ طَيِّبْ رِيحَهُ وَ احْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرِّفْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** بارالها! روی او را سفید گردان و بوی او را خوش کن و بین او و محمد و آل محمد آشنایی و شناسایی ده. اکنون او ظهور قرآن ناطق را با دیدگان خویش مشاهده نموده و عزت و افتخار انسانی خویش را در پناه او، متحقق دیده و خویش را در کاروانی از نور می‌بیند که دور از امتیازات مادی و فخر فروشی های ناپسند، به سوی کمال انسانی گام می‌نهد و در استمرار حرکت بلال، جویبر، سلمان و صهیب، خود را با جامعه برین که اینک رهبرش سیدالشهدا است، رو به رو می‌بیند (بحارالانور ج ۴۵، ص ۲۲)

ب . إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بر این هشت دسته به دور حیات توبه ۶۰ باید تعلق بگیرد زکات

یک و دو به مسکین و شخص فقیر که هستند در چنگ محنت اسیر

سوم بر کسانی که با شوق و شور بگشتند همکار در این امور

چهارم به بیگانگان به دین

مگر مؤمن آیند خود این چنین

بر آزادی بندگان بلاد

بر آن کس که او قرض دارد زیاد

به تبلیغ در راه پروردگار

به ره ماندگان به عسرت دچار

که حکمی است واجب زیکتا

خدا علیم و حکیم است آن رهنما

روزی امام حسین علیه السلام از کنار جمعی از فقرا گذشت، عبای خود را پهن و نان خشکی را بر آن نهاده و می‌خوردند. چون آن حضرت را دیدند، او را دعوت کردند، فرمود: اگر این مال صدقه نبود، آن را می‌خوردم. و فرمود: برخیزید به سوی خانه من آیید. آنان را با خود به خانه برد و میهمان کرد و لباس به آنها هدیه کرد و دستور داد تا پول نیز به آنان بدهند (بحار ج ۴۴، ۱۹۱)

آیات قبل، منافقان از نحوه‌ی تقسیم اموال به پیامبر صلی الله علیه و آله عیب می‌گرفتند؛ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ و در این آیه، صدقات تنها برای گروه‌های خاصی اجازه داده شده، می‌فهمیم که منافقان، به زکات چشم داشته‌اند.

الْغَارِمِينَ که یکی از مصارف زکات است، بدهکارانی هستند که بی‌تقصیر زیربار قرض رفته‌اند، مثل آنان که در آتش‌سوزی، سیل، غرق‌گشتی و حوادث طبیعی دیگر، هستی و دارایی خود را از دست داده‌اند. ابْنِ السَّبِيلِ، کسی است که در وطن خویش توانگر است، ولی در سفر، گرفتار و بی‌پول شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: اَيُّمَا مُؤْمِنٍ اَوْ مُسْلِمٍ مَاتَ وَ تَرَكَ دِينًا وَ لَمْ يَكُنْ فِي فُسَادٍ وَ لَا اسْرَافٍ فَعَلَى الْأَمَامِ اَنْ يَقْضِيَهُ هَرِ مُؤْمِنٍ يَآ مُسْلِمَانِي که بمیرد و بدهی بر جای گذارد، که بر اساس فساد و اسراف نباشد، پرداخت بدهی او بر امام است. فِي سَبِيلِ اللَّهِ، همه‌ی کارهای خداپسندانه است و شامل مواردی چون تبلیغات دینی، خدمات رفاهی و گره‌گشایی از مشکلات مسلمانان می‌شود. گرچه مصداق بارز آن در غالب تفاسیر، جنگ و جهاد معرفی شده است.

بخش پنجم آیات در شان امام حسین علیه السلام

۸۹. **آیه مباهله** فَمَنْ حَاجَّكَ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ آل عمران ۶۱ قبلا بیان شد

۹۰. **الگوی ایثار** إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا (انسان ۹)

زمانی که امام حسین علیه السلام حرکت خود را آغاز می کند و زیر بیعت ظالم نمی رود با بذل جان خود و خانواده برای نهضتی که برای آیندگان درس و الگو باید باشد از همه چیز خود می گذرد

لِوَجْهِ اللَّهِ : به خاطر ذات پاک یزدان. برای رضای خدا. مراد از وجه، ذات است منظور از **عَلَى حُبِّهِ**، علاوه بر اخلاص، ایثار آنان نیز ثابت می شود. اگر به فکر نام و شهرت نباشید، خداوند نامتان را جاودانه می کند. کاری که اهل بیت کردند، ارزش مادی فراوانی نداشت ولی چون خالصانه بود، خداوند آن را ماندگار ساخت. این آیه از زبان حال نیکان و نیکوکاران است؛ نه این که محسنان چنین سخنی را هربار به مستمندان گفته باشند.

۹۱. امام حسین علیه السلام و نماز

اگر قرآن **الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ** و همچنین در (کوثر) از نماز سخن به میان می آورد، امام حسین علیه السلام آن را اقامه می نماید **أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ** اگر قرآن می فرماید **وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ** امام نماز ظهر عاشورا را با جماعت آن هم در برابر صفوف دشمن برگزار می کند. اگر قرآن نحوه ی اقامه نماز در میدان جنگ را به پیامبر صلی الله علیه و آله آموزش می دهد **وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا** امام در میدان جنگ نماز را اقامه می فرماید.

اگر قرآن نماز را به عنوان یک منبع انرژی زای غیبی معرفی و مؤمنان را امر به استعانت از آن می‌فرماید: **اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ** امام نیز در بحبوحه ی جنگ و مشکلات آن، از نماز استعانت می‌جوید. اگر قرآن اقامه ی نماز را در اوّل وقت سفارش می‌فرماید **اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ** امام حسین نماز ظهر عاشورا را در اوّل وقت اقامه فرمودند. اگر عیسیای مسیح علیه السلام تا زمانی که نفس دارند، مأمور به اقامه نماز شده اند؛ **وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا** امام نیز تا آخرین لحظه همراه نماز است. اگر قرآن از کسانی که تجارت، آنها را از نماز غافل نمی‌سازد، ستایش می‌کند؛ **رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ** راجع به امام چه باید گفت که حتّی حفظ جان هم او را از نماز غافل نساخت. امام نمازهای نمازگزاران را در آن شرائط خاص جنگی، نماز واقعی کرد.

۹۲. امام و عبادت عاشقانه

در حدیث می‌خوانیم: سه چیز موجب قبولی نماز است: حضور قلب، نماز نافله و تربت سیدالشهدا. امام حسین علیه السلام به خواهرش زینب س می‌فرماید: در نمازت به من دعا کن. نماز باید در جامعه و علنی اقامه شود؛ **اقیموا الصلوة** و امام حسین علیه السلام با آنکه می‌توانست در خیمه نماز بخواند و با اینکه نمازش شکسته بود، در مقابل جمعیت نماز بپا داشت. هنگام اقامه ی نماز در ظهر عاشورا، ۳۰ تیر به سوی حضرت رها شد، یعنی در برابر هر کلمه از حمد و رکوع و سجده تقریباً یک تیر به امام پرتاب شد.

به راستی نماز چیست که در عصر تاسوعا هنگامی که به سید الشهدا پیشنهاد حمله می‌شود، حضرت طی چند نوبت گفتگو جنگ را یک روز به تأخیر می‌اندازند و می‌فرمایند **إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ** و نفرمود: می‌خواهم نماز بخوانم، بلکه من نماز را دوست دارم. بسیاری از ما نماز می‌خوانیم، ولی چقدر نماز را دوست داریم؟

امام حسین علیه السلام حاضر می‌شود تا بدن مبارکش‌شان سوراخ سوراخ شود، ولی ارزش نماز شکسته نشود. سر مقدس سید الشهداء علیه السلام بر روی نی قرآن می‌خواند، یعنی سر از بدن جدا می‌شود ولی سر و دل از قرآن جدا نمی‌شود. **إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ**

امام حسین آن چنان با قرآن انس داشت که عصر روز تاسوعا در کربلا که تصمیم حمله به سوی خیام آن حضرت و یارانش را داشت به حضرت عباس فرمودند: نزد دشمنان برو و به آنها بگو امشب را به ما مهلت بدهند چرا که: **و هو يعلم اني احب الصلاة له و تلاوة كتابه**

۹۳. یاری حسین (علیه السلام) در طول تاریخ

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا از همگان خواسته تا در مسیری که او در پیش گرفته به یاری و نصرت او بروند زیرا کاری که او با قیام عاشورایی خویش آغاز کرده اصلاح امت بود که نیازمند تداوم و استمرار از سوی امت مؤمن و شیعه وفادار است. هنگامی که آن حضرت (علیه السلام) پس از شهادت همه یاران خویش فریاد می‌زند و می‌فرماید: **هل من ناصر ينصرني؟** آیا یآوری هست که مرا یاری رساند؟! خطاب به تاریخ است؛ زیرا کسانی که در مقابل ایشان صف بسته بودند، شقاوت را به اوج خود رسانیده بودند و خطاب به ایشان که **اشقى الاشقياء** در امت اسلام بودند، بی معنا بود

امام طبق آیه **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** (محمد ۷) ای اهل ایمان، شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین و پیغمبر خدا را) خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند. خطاب می‌کند **أَمَّا مَنْ مُغِيثٍ يَغِيثُنَا لَوْجَهَ اللَّهِ؟....؟** آیا کسی نیست که به خاطر خدا ما را یاری بدهد؟! آیا کسی نیست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟! می‌کوشد تا حقیقت بزرگی را آشکار کند که امروز قیام پایان نمی‌یابد،

زیرا حرم و حریم رسول الله (صلی الله) قرآن و عترت است که در میان مردمان گذاشته شده و می بایست تا قیامت از سوی امت حفظ و عمل شود. از این رو در تبیین استمرار و تداوم عاشورا گفته شده که **کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء** هر چند که **لا یوم کیومک**؛ روزی چون روز تو نیست. انسان، موجودی محدود است و نصرت و یاری او از راه خدا نیز محدود؛ ولی خداوند بی نهایت است و نصرت او برخاسته از قدرت نامحدود.

۹۴. احکام و دستورات الهی، تنها تکالیف شرعی نیست

در روایتی از معصوم: که شیعیان ما را به بسیاری نماز و روزه و انفاق شناسید، به طول رکوع و سجده شناسید، بلکه به تسلیم بودن به «امر» ما بشناسید. اگر این تسلیم در ما وجود داشت، می توانیم امیدوار باشیم که از یاران قرار بگیریم، افراد تسلیم، بر سر عهد و پیمانی که می بندند باقی هستند، **مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ** (احزاب ۲۳) از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنها به شهادت رسیدند و برخی در [همین] انتظارند. صادق بودن و باقی بودن بر سر عهد و پیمان، خصوصیت برجسته افراد «تسلیم» است.

ویژگی دیگر یاران واقعی پیامبر و ائمه (علیهم السلام)؛ این است که هرگز در مقابل امام نمی ایستند و این شاید همان برگرفته شده از تسلیم امر مولا بودن است. غلبه بر هوای نفس و پیروی نکردن از وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی، خصوصیت دیگر یاران ولایت است حب دنیا و قدرت طلبی و جاه طلبی و گرایش به سمت غرایز نفسانی، با اطاعت از امام جمع نمی شود.

شهید شدن یا منتظر شهادت بودن علامت صداقت مؤمن در پیمان با خداست.

رمز پیروزی و قدرت مقاومت لبنان و یمن در **ایمان به وعده الهی و ایمان به ولایت** است. رهبر انقلاب به حزب الله لبنان وعده پیروزی داد و محقق شد، ایشان به مسئولین سیاسی ما هم بارها وعده نصرت الهی داده اما باور نمی کنند! **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**؛ وعده‌ی تخلف ناپذیر خدا. این هم یکی از نقاط امیدبخش است.

۹۵. تجدید پیمان یاران امام حسین (علیه السلام)

امام حسین علیه السلام در اوایل شب یاران خود را جمع کرد و پس از حمد و ثنای خداوند خطاب به آنان گفت: **أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبَرَّ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا** همانا من یارانی باوفاتر و بهتر از یاران خود، و خاندانی نیکوکارتر و مهربان‌تر از خاندان خود سراغ ندارم؛ خدایتان از جانب من پاداش نیکو دهد. سپس چنین ادامه داد: به گمانم این، آخرین روزی است که از سوی این قوم مهلت داریم. آگاه باشید که من به شما اجازه (رفتن) دادم. پس همه با خیالی آسوده بروید که بیعتی از من برگردن شما نیست

اینک که سیاهی شب شما را پوشانده، آن را مرکبی برگزید و بروید. در این هنگام ابتدا اهل بیت امام و سپس یاران امام هر یک در سخنانی حماسی، اعلام وفاداری کردند و بر فدا کردن جان خویش در دفاع از امام تاکید کردند. منابع تاریخی و مقاتل برخی از این سخنان را ضبط کرده‌اند.



۹۶. ایجاد حکومت مبتنی بر امامت

یکی از پیشنهادهای که به آن حضرت حسین علیه السلام داده شده نه تنها رد بیعت یزید بلکه قیام برای حکومت است. یکی از فعالیت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایجاد حکومت و سپس گفتمان حکومت ولایی است که براساس آیاتی از جمله ۵۹ نساء یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا و آیه ۳ مائده

اما در سقیفه یک گفتمان منافقانه شکل گرفت و به عنوان خلافت جایگزین حکومت ولایی و الهی شد. امیرمومنان علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در طول ۶۰ سال کوشیدند تا این گفتمان را زنده نگه دارند و در نهایت در میان گروهی از شیعیان این گفتمان جا افتاد و چنانکه از نامه‌های اهل کوفه به دست می‌آید، این گفتمان خودنمایی کرد و کوفیان به جای خلافت سخن از امامت و پیشوایی دین و دنیای امام حسین (علیه السلام) به میان آورده و خواهان حکومتی همانند حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌شوند که انسانی الهی مرجع دین و دنیای مردم باشد.

۹۷. دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید

هر زمینی که در آن معروفی چون عدالت ترک و منکری چون ظلم وجود دارد، لازم است که مردم در آنجا عاشورایی و کربلایی و حسینی شوند. و در هر روزی که ظلم و ستمی در آن روا می‌شود مردم می‌بایست آن روز را چون عاشورایان قیام کنند و سکوت نکنند. زیرا بازتاب سکوت ایشان به معنای پذیرش ظلم و خودگناهی بزرگ است؛ انسان اگر مظلوم شود و حق او ضایع و تباه شود، صاحب عذر است ولی اگر منظم (پذیرنده ظلم) شود، هیچ عذر ندارد. در آموزه‌های قرآنی آمده که انسان می‌بایست در برابر ظلم به خود، بایستد و قیام به عدالت کند و حتی اگر کسانی از مردم ناتوان و مستضعف مورد

ظلم قرار گرفتند برای نجات آنان سلاح برگیرد و به جنگ برخیزد وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد یاری می جویند [و به انتقام بر می خیزند (شوری ۳۹) يَا وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ ... نساء ۷۵ چرا در راه خدا جهاد نمی کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که (در مکه اسیر ظلم کفارند و) دائم می گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما (بیچارگان) نگهدار و یآوری فرست. از این رو یاری مظلوم بر هر دین و مذهب و آیینی باشد فرض و واجب است. علی (علیه السلام) می فرماید: کونوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید (نهج البلاغه نامه ۷۴) اگر میتوانی به مظلوم کمک کنی، کمکش کن. ما ایستاده ایم؛ در قضیه ی مقاومت، آمریکایی ها تصمیم گرفتند ریشه ی مقاومت را در غرب آسیا بکنند، امروز برای همه ی دنیا ثابت شده است که او میخواست و نتوانست، و ما خواستیم و توانستیم.

۹۸. جامعه برتر (امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خدا)

تنها امتی که در چارچوب معیارهای عقلانی و وحیانی توانست به این مهم عمل کند و جامعه برتری را ارائه دهد، امت پیامبر در دوره و عصر حضور ایشان بوده کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

شما باید نیکوترین امم آل عمران ۱۱۰ که کنید بنیان ظلم و ستم

به پاخاسته تا که از ظلم و شر نمایید اصلاح، نسل بشر

نمایید دعوت به خوبی و نور بدارید از زشتکاری بدور

بیاورده ایمان به پروردگار زده چنگ بر رشته کردگار

گر این گونه هم نیز اهل کتاب بکردند آیین حق انتخاب

نبودی دگر هیچ چیز دگر

ولی اکثر آن کسان فاسقند

بر آنها از این کار نیکوی تر

گروهی همه مؤمنان حقند

خداوند در این آیه در بیان علت نامگذاری امت پیامبر(صلی الله) در عصر آن حضرت به عنوان جامعه برتر و نمونه، مولفه هایی را بیان می کند که می تواند بیانگر عناصر جامعه برتر هر جامعه دیگر باشد. بهترین امت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است و در امت ساکت و ترسو خیری نیست و امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که انجام آن معیار امتیاز امت ها است. امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی محقق می شود که مسلمانان به شکل يك امت باشند، یعنی حاکمیت داشته باشند. **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ** مسلمانان مسئول اصلاح تمام جوامع بشری هستند.

۹۹. مجازات ساکتین

از نظر اسلام همه انسانها در خسران و زیان هستند مگر آن که خود عامل به خوبی و تارک بدی بوده و دیگران را نیز بدان دعوت و توصیه کرده و اجازه ندهند که معروفی ترک یا منکر عمل شود و **الْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.** (سوره عصر)

زیانها رساند به خود هر دمی

که پیوسته نیکند و پرهیزکار

به حق و شکیبائی و اهتمام

قسم باد بر عصر کاین آدمی

بجز مؤمنان به پروردگار

سفارش نمایند هم را مدام

از این رو در آیات قرآنی گزارش شده کسانی که نسبت به ترک معروف یا عمل به منکر واکنشی نشان نمی دهند و مسئولیت اجتماعی خود را در قبال دیگران نمی پذیرند، همانند

تارک معروف (سفارش به حق و صبر) و عامل منکر قلمداد می شوند و خشم و عذاب الهی دامنگیر آنان می شود. براساس همین ماموریت اصلی و وظیفه الهی است که امام حسین (علیه السلام) در نقش وارث پیامبران وارد میدان عمل می شود و قیام و نهضت حسینی را شکل می بخشد. به گونه ای که همه خوبی ها در برابر همه بدی ها می ایستد و در نهایت با شهادت صادقان، صالحان، متالهان و ربانیون در کربلا و اسارت خوبی ها، توده های مردم به یکباره از خواب غفلت بیدار می شوند و گمراهی خود و غضب الهی را می یابند. سفار به حق داشته باشم در مورد حقیقت امام سلام الله علیه و امامت ایشان سفارش به صبر داشته باشم در غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱۰۰. مبارزه با جهل و سنت های جاهلی

قرآن کریم همواره بر جهل حاکم بر جامعه و نیز رسوم جاهلی به مبارزه برخاسته است مبارزه با رسومی چون زنده به گور کردن دختران و تقلید از آباء و اجداد در مسیر باطل از این قبیل است. یکی از رسوم جاهلی که قرآن با آن به مبارزه برخاسته فخر فروختن به دیگران است تا جایی که برای فخرفروشی به قبرستان متوسل شده، مردگان خویش را نیز به آمار خود می افزودند. **اَللّٰهِيْكُمْ التَّكَاثُرُ. حَتّٰی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ** تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت تا کارتان [و پایتان] به گورستان رسید (سوره تکاثر).

شما را نمودست غافل زیاد

تفاخر به فرزند و مال زیاد

نه پندی گرفتید از اهل گور

برفتید بر سوی اهل قبور

میان دو قبیله بر سر تعداد نفرات گفتگو شد، تصمیم گرفتند سرشماری کنند بعد از زنده ها به قبرستان رفتند تا آمار مردگان را نیز به حساب آورند.

جلوه‌های تکاثر و جاهلیت

تکاثر در شرك و چند خدای **يَا صَاحِبِ السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَحْدُ الْقَهَّارُ ۳۹** (حضرت یوسف به هم زندانی‌های خود که مشرك بودند، گفت: آیا ارباب متفرق بهتر است یا خداوند یکتای قهار؟)

بُتَانَد بِهٖ ، يَا حَقِّ ذَوَالْجَلَالِ

کنون ای رفیقان نمایم سؤال

خدا یا بتانی که هستند پست

در این نظم و خلقت چه کس برترست

تکاثر در غذا. **بَنِي إِسْرَائِيلَ** می‌گفتند: مَا بِرَيْكَ نَوْعَ غَدَا صَبْرٌ نَدَارِيمُ لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ مَا خُورَدْنِي هَآءِذِهِ هَمَّحُونَ بِآزٍ وَ سِيرٍ وَ عَدَسٍ وَ خِيَارٍ مِی‌خواهیم. قِثَآئِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا بقره ۶۱

ز سیر و عدس [آنچه باشد نیاز]

هم از سبزی و هم خیار و پیاز

کھین را بَدَل با مھین می‌کنید؟!

بگفتا: شما [این چنین می‌کنید؟]

تکاثر در عمر چنانکه بعضی دوست دارند هزار سال عمر کنند **يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ بقره ۹۶**

کنند عمر ای کاش سالی هزار

به این آرزویند ایشان دچار

تکاثر در مال برخی افراد به دنبال جمع مال و شمارش آن هستند **الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّدَهُ**

بدان گشته سرگرم در طی سال

همان که فراهم نمودست مال

تکاثر در مسکن قرآن در مقام سرزنش بعضی می‌فرماید: در دامنه هر کوهی ساختمان‌های بلند بنا می‌کنید. **أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ شعراء ۱۲۸**

بنای نمایندگی کاخی بلند

که مشغول گردید خود تا به چند؟

تکاثّر در شهوت اسلام برای مسئله جنسی، راه ازدواج را تجویز کرده و بهره‌گیری از همسر را بدون ملامت شمرده: **إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ** و ارضای شهوت از غیر راه ازدواج را تجاوز دانسته است. **فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ** مومنون ۷

هرآن کس که جز با زنان حلال

ز دیگر زنی بازجوید وصال

همانا شقی و ستم پیشه است

که بر این چنین کار آورده دست

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه، بعد از تلاوت این سوره مطالبی دارند که ابن ابی الحدید در شرح: در طول پنجاه سال، بیش از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام و عظمت این خطبه به قدری است که سزاوار است بهترین گویندگان عرب جمع شوند و این خطبه برایشان تلاوت شود و همه به سجده افتند، همانگونه که هنگام تلاوت بعضی از آیات قرآن، همه به سجده می‌افتند.

دو جمله از آن خطبه: **آبَائِهِمْ يَفْخَرُونَ** آیا به مقبره پدرانشان افتخار می‌کنند؟ **ام بعدید الهلکی یتکاثروا** یا به تعداد معدومین فزون طلبی می‌کنند؟ **اجساد خرت و حرکات سکنت** «آنان جسدهایی بودند که متلاشی شدند و متحرک‌هایی بودند که ساکن شدند. و **لئن یکونوا عبدا حق من ان یکونا مفتخرا** آن جسدها سزاوارترند که سبب عبرت شوند تا مایه افتخار. **تکاثرتنّها در آمار و نفرات جمعیت نیست، بلکه گاهی در ثروت و فرزند است. وَ تَکَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ** و لذا در قرآن سفارش شده که مال و فرزند شما را سرگرم نکند. **لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال تلاوت این سوره فرمودند: **تکاثّر الاموال جمعها من غیر حقها و منعها من حقها و سدها فی الاوعیه گردآوری اموال از راه نامشروع و نپرداختن حقوق واجب آنها و نگهداری آنها در صندوق‌ها تکاثّر است.**

در شعری منسوب به حضرت علی علیه السلام آمده است:

یا من بدنیاہ اشتغل دنیا گرایی قد غرّه طول الامل آرزوهای طولانی
الموت یأتی بغتۃ سکرات و عذاب قبر و القبر صندوق العمل قبر صندوق عمل

۱۰۱. اهل بیت و یاران؛ تمثّل دل انگیز صفت شجاعت

شجاعت حدّ اعتدال روحیه تهوّر و ترس، موجب صیانت از اعتقادات، جان و مال است، و مانع تسلّط ستمگران می‌شود. آرامش نفس، عزّت، منزلت و نام نیک، از دیگر آثار شجاعت است و قرآن کریم انسان‌های برخوردار از این صفت را می‌ستاید الذّین يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

خدا مهر دستور زد این چنین احزاب ۳۹ بر آن کس که تبلیغ کردست دین
بترسند آنان ز پروردگار ز چیزی نترسند جز کردگار

خدا در باره جنگجویان اُحد که هنوز زخم‌های آنان التیام نیافته بود می‌فرماید: آنان کسانی بودند که (بعضی از مردم) به آنها گفتند: مردم (لشکر دشمن) برای حمله به شما اجتماع کرده اند، از آنها بترسید؛ اما این سخن بر ایمانشان افزود. اهل بیت‌علیهم السلام تمثّل دل انگیز صفت شجاعت بوده و در زندگی و سیره عملی خویش ثابت کرده اند که از هیچ قدرتی غیر خداوند، هراسی ندارند.

امام علی‌علیه السلام: به خدا سوگند! اگر تمام عرب‌ها برای جنگ با من همداستان شوند، من پشت نخواهم کرد. شجاعت ابی‌عبدالله‌علیه السلام به گونه ای است که حتّی مورّخان غیر مسلمان را تحت تأثیر قرار داده و در باره آن سخن گفته اند یکی از آنها «جیمز کارگرن» هندو مسلک: جوانمردی خصلتی ارزشمند است که زیربنای بسیاری از ملکات اخلاقی همانند بخشش، گذشت و دوری از تهمت و خیانت، بوده و موجب می‌شود که فرد حتّی در سخت‌ترین شرایط بر ارزش‌های انسانی و اصول اخلاقی تأکید ورزد. قرآن

کریم در باره اصحاب کَهِفْ نَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.

۱۰۲. درخشش چهره ی امام و یارانش در مبارزه

امام جواد علیه السلام از پدران خویش حالت امام حسین علیه السلام و یاران خاصّ وی را پس از سخت شدن کارزار، این چنین نقل می کند و كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تَشْرِقُ الْوُائِهُمُ یاران مخصوص وی چهره هایشان می درخشید و اعضا و جوارح آنها ساکن و آرام و روحشان استوار و با آرامش بود. و می گفت: نگاه کنید که چگونه از مرگ باکی نداشته و بدان اعتنا نمی کند سلام و صلوات خدا بر سیدالشهداء در آن هنگام که متولد شد و جبرئیل و ملائک تبریک گویان به استقبالش شتافتند و آن هنگام که مقام وصایت را عهده دار گشت و آن زمان که با چهره برافروخته به سوی لقای حقّ شتافت و جهان را شیفته صفات زیبای خویش نمود.

از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود: در روز عاشورا چون جنگ شدت گرفت و کار بر حسین بن علی علیه السلام سخت شد، بعضی از یاران آن حضرت متوجه گردیدند که تعدادی از اصحاب و یاران امام در اثر شدت جنگ و با مشاهده ابدان قطعه قطعه شده دوستانشان و رسیدن نوبت شهادت شان، رنگشان متغیر و لرزه بر اندامشان مستولی گردیده است، ولی خود امام و تعدادی از خواص یارانش برخلاف گروه اول، هرچه فشار بیشتر و فاصله آنان به شهادت نزدیکتر می شد، رنگ آن حضرت سرخ می گردید و از آرامش و سکون خاطر بیشتری برخوردار می گردند. یکی از اصحاب که از این منظره جالب و شهادت فوق العاده متعجب شده بود به دیگری گفت: به او بنگرید که از مرگ هراسی ندارد، امام علیه السلام به آنان فرمود: ای بزرگ زادگان صبر و شکیبائی به خرج دهید، که مرگ جز یک پل نیست که شما را از سختی و رنج عبور داده به بهشت.....

۱۰۳. مکارم اخلاق، حقیقت آموزه های تزکیه ای

اخلاق به معنای تخلق به خلق و خوی الهی است که معنایی جز تحقق اسما و صفات الهی نخواهد داشت پس مکارم اخلاقی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود را برای اتمام آن مأمور می داند: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، همان تخلق به خلق و صفات الهی است

در فضایی که امام حسین علیه السلام می زیست فعالیت های منافقان اموی موجب شده بود که هیچ آثاری از مکارم اخلاقی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعلیم داده بود باقی نماند، فضای عمومی جامعه به رذایل اخلاقی متمایل بود و بد اخلاقی در جامعه موج می زد و شرابخواری و زن بارگی و سگ بازی و میمون بازی و ظلم و ستم در دربار شاهان اموی به نام خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله علنی شده بود.

امام حسین (علیه السلام) ناچار بود تا اقدام نخست را برای کندن موانع انجام دهد. از این رو قیام خود را با عنوان امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد. ایشان بر آن بود تا جامعه را به سوی مکارم اخلاقی بازگرداند و در مقام خلیفه الهی به تعلیم و تزکیه و تربیت خلق بپردازد.

بنابراین، حرکت قیامی امام حسین (علیه السلام) را می بایست در چارچوب مأموریت خلفای الهی یعنی تعلیم و تزکیه و تربیت مکارم اخلاق و صفات الهی تبیین و تحلیل کرد و يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

۱۰۴. امام حسین (علیه السلام) در مقام تعلیم و تزکیه

مقام تعلیم و تربیت یا تعلیم و تزکیه، همان مقام خلافت الهی انسان از خداست؛ زیرا آن چیزی که انسان را شایسته خلافت ساخته است، همان تعلیم همه اسماء از سوی

خداوند به انسان و ناتوانی دیگر موجودات از جمله فرشتگان مقرب الهی از دریافت این معارف و علوم الهی است (بقره ۳۰ تا ۳۳) انسان های کامل همان پیامبران و معصومان (علیهم السلام) هستند. امام حسین (علیه السلام) یکی از این خلفای الهی است که در مقام تعلیم و تربیت به خلافت از خداوند نه تنها در کائنات بلکه در همنوعان انسانی به تعلیم و تربیت می پردازد

تزکیه؛ خداست که انسان ها را به رشد کمالی رسانیده و پاک و پاکیزه می دارد و اگر فضل الهی شامل بنده ای نمی شد هرگز کسی تزکیه نمی شد ... ما زَكَّيْنا مِنْكُمْ مَنْ أَحَدٌ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نشدی، لیکن خدا هر کس را می خواهد منزّه و پاک می گرداند، و خدا شنوا و داناست (نور ۲۱)

امام حسین (علیه السلام) به عنوان مظهر اتم و اکمل در مقام تعلیم و تزکیه الهی برآمده است و انسانیت را به کمال بایسته و شایسته اش رهنمون کرده و می کند. اما کسانی خود خواسته از این کلاس بیرون می روند و نمی خواهند شاگرد مکتب امام حسین (علیه السلام) باشند؛ وگرنه رحمانیت ایشان دربرگیرنده است و کسی را از دایره تعلیم و تزکیه و تربیت بیرون نمی کند مگر آنکه خود بگریزد.

۱۰۵. آموزه های حسینی / تواضع

امام حسین (علیه السلام) در مقابل فقرا که تعارف کردند و پذیرفت **إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ** نباشد خداوند همراه و دوست (نحل ۲۳) **هرآن ملتی را که کبری در اوست**

سپس فرمود: من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا بپذیرید. در راهپیمایی اربعین مردم فقیر از تمام ادیان برای پذیرایی از عزاداران سبقت می گیرند و با اشتیاق و التماس از سرور شهیدان آموخته اند که با امکانات کمی که دارند در این زمینه تلاش کنند.

خود را از دیگران پایین تر دیدن : از امام حسین(علیه السلام) درباره ادب پرسش کردند که ایشان در پاسخ فرمودند: ادب آن است که از خانه خود بیرون آیی و با هیچ کس برخورد نکنی مگر آن که او را برتر از خود ببینی چنانچه همین فرمایش کوتاه امام(علیه السلام) را خوب مورد توجه قرار دهیم، نتایج و آثار درخشانی را در روابط فردی و اجتماعی و اصلاح رفتارها در پی خواهد داشت.

به عنوان مثال: وقتی دیگران را بهتر و بالاتر از خود دانستیم قطعاً به او بی احترامی نمی کنیم. از مردم غیبت نکرده و دنبال عیوب آنان نخواهیم بود. هنگامی که مردم بهتر از ما دیده شوند، برای آنها ناز و افاده و تکبر نمی فروشیم بلکه برعکس بالهای تواضع و فروتنی را برای آنها خواهیم گشود.

در برخورد با یکدیگر تلاش می کنیم جلوتر سلام کرده و ادب را رعایت نماییم. کوشش می کنیم که به سخنانش توجه نموده و حتی الامکان آنها را بکار بندیم.

۱۰۶. عفو و گذشت (عذرپذیری)

امام سجاد(علیه السلام) از پدر بزرگوارش امام حسین(علیه السلام) نقل می فرمایند که چنین شنیدم : اگر مردی در یک گوشم مرا دشنام دهد و در گوش چپم از من پوزش بخواهد، عذر او را می پذیرم فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (شوری ۴۰)

ولی گر کسی عفو سازد عدو به صلح اندر آید به راه نکو

از جدم رسول الله شنیدم که می فرماید: بر حوض کوثر وارد نمی شود کسی که پوزش و عذر مردم را قبول نکند، اعم از اینکه عذرش موجه و قابل قبول باشد و یا موجه نباشد (میزان الحکمه ج ۱ ص ۸۱) یکی از اساسی ترین ارزش ها و مکارم اخلاقی در زندگی اجتماعی و روابط انسانها گذشت از خطاهای دیگران و پذیرش عذر آنهاست این ویژگی می تواند

دشمنی ها را ریشه کن کند و محبت و وحدت در پی داشته باشد. زیرا آدمیان در روابط اجتماعی خود قطعا دچار اشتباه و خطا می شوند. و روزی نیز اکثرا پشیمان شده و در پی عذرخواهی بر می آیند وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ... آل عمران ۱۳۴

۱۰۷. شیعه واقعی

مردی به امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: من شیعه شما هستم. حضرت فرمود: چیزی را ادعا نکن که خداوند تکذیب کند. شیعیان واقعی ما کسانی هستند که قلبشان از غل و غش و خیانت پاک باشد فقط بگو که از دوستان و علاقمندان ما هستی و از خدا بترس و ادعای چیزی نکن که خداوند به تو بگوید دروغ می گویی و با ادعای خود به راه کج می روی. شیعیان ما آنهایی اند که دلشان از هر نیرنگ و دسیسه پاک است طبق این ادعا مانند حضرت ابراهیم (علیه السلام) هستی که خداوند درباره او چنین می فرماید:

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ. إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (صافات ۸۴-۸۳)

خود از پیروانش یکی بُد خلیل که کردی اطاعت ز نوح جلیل

بر او قلب پاکِ خداوند، داد رسالت بدو داد اندر بلاد

به خودت نگاه کن، اگر قلب تو مانند قلب ابراهیم (علیه السلام) باشد، تو از شیعیان ما هستی ولی اگر دل تو به آن درجه نمی رسد که از هر نوع غل و غشی پاک و پاکیزه باشد، تو از دوستداران ما خواهی بود.

کلمه «شِيعَة» به معنای گروهی است که تابع رئیس خود باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: قلب سلیم قلبی است که جز به خدای تعالی به چیزی وابسته نباشد. آری، شَرِك یکی از بیماری های قلبی است. حضرت ابراهیم در میان انبیا ویژگی هایی داشت از جمله: در قرآن القاب ویژه ای برای او ذکر شده است، مانند: صَدِّيق، اَوَّاه، حَلِيم، خَلِيل، حَنِيف، قانت و دارای قلب سلیم.

۱۰۸. حفظ کرامت انسان

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ
عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء ۷۰)

بسی منزلت داد جان آفرین

بنی آدمی را خود اندر زمین

به خشکی و دریا شده رهسپار

به مرکب بگشتند ایشان سوار

از آنچه بروید از بطن خاک

به آنها بدادیم روزی پاک

فضیلت بدادیم ما بر بشر

که نسبت به مخلوقهای دگر

کرامت، گاهی کرامت معنوی و اکتسابی و نزد خداست، مثل کرامتی که خاصّ اهل
تقواست. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ

فقط متقین اند نزد خدا

همانا گرامی ترین شما

و گاهی کرامت در آفرینش است، لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ تین ۴

نمودیم خلق آدمی و سپس

که بر بهترین وجه اندر جهان

مردی انصاری از امام حسین (علیه السلام) تقاضای مقداری پول کرد. امام فرمود: ای برادر!
آبروی خود را از درخواست حضوری نگهدار و حاجت خود را به وسیله نامه ای برایم
بنویس. او نوشت: ای ابا عبدالله! فلانی از من پانصد اشرفی می خواهد و اصرار دارد که
زود بگیرد. به او بگویند به من فرصت بدهد.

حضرت همین که نامه را خواند به منزل او رفت و کیسه ای به او هدیه کرد و فرمود: با
پانصد اشرفی قرض خود را بده و با پانصد تایی دیگری زندگی خود را اداره کن

امام (علیه السلام) فرمودند: همیشه از سه گروه تقاضا و درخواست کن: مردم دین دار و با
ایمان - مردم جوانمرد و با مروت- مردم خانواده دار و دارای اصل و نسب .

۱۰۹. صبر و استقامت

در شب عاشورا، زینب (سلام الله علیها) یکی دو نوبت حتی نمی تواند جلوی گریه اش را بگیرد. یکبار آنقدر گریه می کند که بر روی دامن حسین (علیه السلام) بیهوش می شود. امام (علیه السلام) با صحبت های خودش زینب (سلام الله علیها) را آرام می کند و می فرماید: **لایذهبن حلمک الشیطان** خواهر عزیزم، مبادا وسوسه های شیطان بر تو مسلط بشود و حلم را از تو برباید و صبر و تحمل را از تو بگیرد

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره ۱۵۳)

پس ای اهل ایمان به صبر و نماز
از الله یاری بجوئید باز
خداوند با صابرانست یار
بود یاور صابران کردگار

امام حسین (علیه السلام) خطاب به ابوذر غفاری می فرمایند: عمو جان، نصیحت من به تو این است که: از خدا مقاومت و یاری بخواه و از اینکه حرص بر تو غالب بشود (که بدبخت می شوی) بر خدا پناه ببر. از جزع و بی تابي بترس، عمو جان توصیه من به تو این است که مبادا در مقابل فشارها و سختی ها اظهار جزع و ناتوانی بکنی. و حالا با صبر و استقامت و استعانت از خداوند در اربعین، با حرکتی تاریخی، حیات بشر به سوی ولی خداست.

مظلومیت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و عزاداری بهانه است؛ جهان در حال ولایي شدن است و اربعین طلّیعه آن است. مشابه این کلام الهی را در همین سوره خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می فرمود: **در برابر ناملایمات و سختی ها، از صبر و نماز کمک بگیرید.**

آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

۱۱۰. تسلیم در برابر قضا و قدر الهی

امام حسین (علیه السلام) هنگامی که داشت به طرف کربلا می آمد، جمله ای در جواب فرزدق شاعر معروف دارد که جالب است بعد از آن که فرزدق وضع عراق را وخیم تعریف می کند امام می فرمایند: اگر جریان قضا و قدر موافق آرزوی ما درآمد خدا را سپاس می گوئیم و از او برای ادای شکر کمک می خواهیم.

و اگر برعکس، قضای الهی برخلاف آنچه ما آرزو می کنیم جریان یافت، باز هم (کسی که قصد و هدفی جز حق و حقیقت ندارد و سرشتش سرشت تقوا است و از هر غرض و مرضی پاک است) زیان نکرده است **إِلَهِی رِضًی بِقَضَائِکَ تَسْلِیْمًا لِأَمْرٍکَ لَا مَعْبُودَ سِوَاکَ** یا **غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنِ** این دعا را آن حضرت اول صبح عاشورا هنگام تسویه صفوف و تعیین میمنه و میسر و قلب انشاء کردند.

و اما آخرین دعای آن حضرت نیز معلوم است که در آخرین لحظات حیات در حال آرامش و سکون صورت بر روی خاک نهاده می گفت:.

[ای خدای من، من راضی به قضاء و حکم تو هستم و تسلیم امر و اراده تو می باشم. هیچ معبودی جز تو نمی باشد ای پناه هر پناه جوئی].

إِنَّا كُلَّ شَیْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر ۴۹) پس به هر حال هرچه پیش آید خیر است.

هرآنچه که پروردگار آفرید به اندازه خاص کرده پدید

من خدا را سپاس می گویم، هم برای روزهای راحتی و آسانی و خوشی و هم برای روزهای سختی و ناخوشی. در طریقت پیش سالک هرچه آید خیر اوست در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست.

۱۱۱. ارزش روشنگری

درست است که پوشاندن برهنه یا سیر کردن گرسنه ای از شیعیان، ثواب بزرگی دارد، اما از دیدگاه امام حسین (علیه السلام) کار فکری و عقیدتی و روشنگری برای شیعیان از همه کارها بیشتر پاداش دارد. امام (علیه السلام) می فرمایند: کدام یک بر تو خوشایند و دوست داشتنی است؟

نجات آن مسکین و ناتوانی که فردی قصد کشتن او را کرده و یا نجات مؤمنی که شخصی دشنام دهنده و بی دین، قصد دارد او را از نظر فکری منحرف کند؟ آری، اگر این فرد را از دست آن دشمن دشنام دهنده نجات دهی ارزشمندتر است که خدای بزرگ می فرماید:

و کسی که آن شخص را زنده کند گویا همه انسانها را زنده کرده و مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده ۳۲)

هرآن کس به شخصی ببخشد حیات ز چنگال مرگش ببخشد نجات

بنابراین اگر فکر کسی را زنده و روشن سازی و او را از انحراف و کفر به سوی ایمان سوق دهی گویا همه انسانها را زنده کرده ای، پیش از آنکه با شمشیرهای آهنی کشته شوند. و در ادامه فرمودند:

ارزش کسی که یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را از نظر فکری اداره می کند که از رهبران خود جدا شده و در جهل و نادانی سقوط کرده اند.

و آنها را از نادانی می رهاند و به تردید و اشکالات آنها پاسخ می دهد، در مقایسه با کسی که به آنها غذا و آشامیدنی می خوراند همانند خورشید است نسبت به ستاره کم رنگ سهاء. وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ

۱۱۲. حسین علیه السلام جهانی است

هیچ شهیدی در سراسر زمین مانند حسین(علیه السلام) نیست که احساسات و قلب ها را قبضه کند و نسل ها را به غیرت و فداکاری بکشاند. چه بسیار کسانی که اگر هزار سال هم می زیستند، امکان نداشت بتوانند عقیده و پیامشان را گسترش دهند ولی حسین عقیده و پیامش را با شهادتش به کرسی نشاند. هیچ خطابه ای نتوانست قلب ها را به سوی خود سوق دهد و میلیون ها نفر را به سوی اعمال بزرگ بکشاند مگر خطبه آخر حسین(علیه السلام) که با خون خود آن را امضا کرد و برای همیشه موجب حرکت و تحول مردم در خط طولانی تاریخ گردید (سید قطب از اهل تسنن)

ابی عبدالله همان تأثیری را بر اهل سنت گذاشته که بر شیعه گذاشته و به همان میزان که در ادبیات مذهبی شیعه می توان تأثیر کربلا و عاشورا را مشاهده نمود.

در ادبیات مذهبی اهل سنت هم قابل مشاهده است حرمت امام حسین و دفاع جانانه از حریم او به همان میزان که شیعیان را برانگیخته، سُنّیان را نیز برانگیخته است.

حسینه ای در میان معابد هند بنارس یکی از شگفتی های عاشورا را می توان در سرزمین هند یافت بی گمان حسین(علیه السلام) نه تنها اصلاح گر بزرگ امت اسلام و احیاگر اسلام است، بلکه احیاگر انسانیت و فضائل انسانی است. از این رو محبوب همه انسان های جهان است.

در کشور هند همانند کشورهای ایران، عراق، افغانستان و پاکستان، روز عاشورا در تقویم کشور، این روز تعطیل رسمی و عمومی است و همه هندی ها از شیعه، سنی، سیک، هندو، بودایی و جین این روز را تکریم و تعظیم می کنند .

و بسیاری از مردم بی توجه به مذهب خود، در این مراسم مشارکت فعال دارند. در هند، امام را نشانه آزادی انسان می دانند و بر حرمت و فضیلت آزادی و عدالت خواهی، او را

ارج می نهند. در همه جا می توان از حسین(علیه السلام) گفت و سخنانش را بر زبان جاری کرد بی آن که مخالفتی انجام شود.

شگفت این که هندی ها اصولا اهل جشن و سرور هستند و برای هر روزی جشنی دارند و تنها روز سوگواری آنان همین روز عاشورا است می توان در هند شگفتی ها و داستان های بسیاری درباره امام حسین علیه السلام و کرامات او شنید.

شاعر مسیحی به ساحت مقدس سید الشهدا عشق شیعیان به ساحت مقدس سید الشهدا علیه السلام شعله ای است که از درون جان می افروزد و نه تنها در تربیت بلکه در پاکی ولادت و نان ریشه دارد.

شور، محبتی پنهان است که خدا در نهاد مومنان به ودیعت نهاده و این شور و شعله را براساس همان سنت الهی، خاموشی و خمود نیست در چنین حالی اوضاع و موضع صاحب نظران و اهل فکر غیر مسلمان روشن است

به طور طبیعی کسی انتظار ندارد یک شاعر یا نویسنده مسیحی در مدح و منقبت سید الشهدا علیه السلام سخن سرایی کند یا اگر هم چیزی می نویسد و می گوید از تحلیلی تاریخی فراتر رود و با احساس و عاطفه و جان و دل خود به اظهار ارادت و ابراز عشق و محبت به شهدای کربلا پردازد.

بولس سلامه از مشهورترین شاعران و ادبای کلاسیک لبنان بود. آنچنان گریستم که چشمم از اشک خیس شد و در قلمم پژواک ناله ها مویه کرد، **من مسیحی را حسین به گریه انداخت و قطرات اشک از افق چشمانم تابید و درخشید.**

حسین، مرزها را شکسته و دارد یک «قدرت مرکزی» برای اسلام ایجاد می کند مشکل اصلی کافران با پیامبر (صلی الله علیه و آله) سر نماز خواندن، عبادت کردن یا عدم پرستش بت ها نبود، اتفاقاً آنها خودشان اهل عبادت بودند.

دعوا سر شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود؛ سر اینکه مردم به این شخص، ایمان نیاورند و بر حول ولی الله الاعظم متحد نشوند. حرف کافران این بود: به خدا بگو برای هر قومی (یا هر شهر و روستایی) یک پیغمبر بفرستد! وَ لَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا . فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

اگر میل یزدان بر این کار بود به هر قریه پیغمبری می نمود

مبادا که از کافران دیار اطاعت نمائی در این روزگار

تو با کافران سخت می کن قتال همان سان که کردند آنان جدال

این آیه به نوعی بیانگر خاتمیت پیامبر و جامعیت مکتب اوست، چرا که می فرماید: در کنار تو هیچ پیامبری در هیچ کجا مبعوث نشده، زیرا در مکتب و شخصیت تو توان اداره کل جامعه هست و نیازی به دیگری نیست.

تو دارای چنان مقامی هستی که با وجود تو پرونده نبوت خاتمه می یابد. پس هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنند سخت جهاد و کارزار کن. خداوند از همان اول، دنبال ایجاد قدرت مرکزی ولایت، و قدرت متمرکز در یک نقطه بود؛ برای فتح عالم و برای تحقق لِیُظْهِرَهُ عَلَى الدِّینِ کُلِّهِ (توبه ۳۳) الان هم خیلی ها دارند از دست ایرانی ها، پاکستانی ها، افغانستانی ها و عراقی ها و... دق می کنند که چرا همه ملت ها دور حسین (علیه السلام) جمع شده اند؟

بخش ششم مبانی قرآنی زیارت عاشورا

حماسه سازان عاشورا در برابر هجمه ناجوانمردانه غاصبان اسلام نما، مردانه ایستادگی کردند و موجبات احیای ارزش های اسلامی در جامعه و رسوایی حزب اموی را فراهم آوردند. احیای عاشورا و پاسداشت آن، یادآور نقش ائمه اطهار (علیهم السلام) در بیداری جامعه اسلامی و ارائه الگوهای قرآنی به جامعه است. زیارت عاشورا خود نمودی از این پاسداشت و زیارتی که تکریم چهره مجاهدان فی سبیل الله و انزجار از ظالمان و همراهی با احیایگران سنت نبوی است .

احیای شخصیت و مرام پاکان: قرآن کریم در آیات نورانی خویش بر احیای نام و چهره های پاک و مجاهد در طول تاریخ تصریح دارد تکریم پیامبرانی چون حضرت نوح، ابراهیم، هود، موسی و یحیی و ذکر مبارزات و فداکاری آنها در برخورد با طاغوت های زمان خود، نمودی از این سنت احیایگری است. بر همین اساس نیز سوره های قرآن به نام پیامبران و پاکان نامگذاری شده زیارت عاشورا احیاکننده شخصیت و مرام پاک اباعبدالله و یاران وفادارش است.

نزول قرآن و انبیا و اولیا و رابطه آن با زیارت عاشورا

خداوند قرآن را نازل کرد چون سنگین بود و تحمل آن ناممکن و این بار سنگین معنوی توسط حضرت جبرائیل، آسمان به آسمان پایین آمد تا به زمین رسید که زمین و زمینیان تاب تحمل آن را بیاورند. **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** (احزاب) ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم و آنها از تحمل آن سر باز زدند و از آن هراسیدند ولی انسان آن را بر دوش گرفت به راستی او ستمگری نادان بود. حضرت جبرائیل توانست

این بار عظیم را تحمل کرده و نازل کند و از طرفی با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله عقل کل بود بر عقل او نازل نشد بلکه بر قلب او نازل شد

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ اِى ابا عبدالله مصیبت تو آن قدر بزرگ است که بر ما و تمام مسلمین جهان بزرگ و عظیم است و مصیبت تو بر تمام آسمان‌ها و تمام اهل آسمان‌ها بزرگ است

نتیجه می‌گیریم که حضرت جبرائیل که توانست قرآن را فرود آورد و پیامبری که توانست قرآن را با قلب خود دریافت کند که هر دو و انبیای دیگر از حضرت آدم تا حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و مولای متقیان علی و خانم حضرت فاطمه زهرا و آقا امام حسن مجتبی و سایر ائمه اطهار (علیهم السلام) و ... که همه مسلمان و اهل زمین و آسمانند و برایشان این مصیبت سنگینی بود و عاشورا بیان‌کننده چنین عظمتی است و لذا نبایستی آن را سرسری خواند و رفت باید در آن تعمق کرد و اندیشید و معرفت پیدا کرد و بالا رفت.

عاشورا بار تکلیفی است بر دوش ما و همان امانتی است که خداوند فرو فرستاد و هیچ یک از مخلوقات توان پذیرش آن را نداشتند جز انسان که خدا می‌فرماید او هم ظلوم است و جهول؛ پس همین قدر بدانیم که اینها امانت الهی است و بار تکلیف بر ما که اگر عمل کنیم امین الله می‌شویم، اگر از روی نادانی عمل نکنیم جهول می‌شویم و اگر طغیان کنیم و عناد، ظلوم می‌شویم

بدانیم که قرآن و اولیا برای هدایت ما نازل شده‌اند انسان اشرف مخلوقات که کمال او نهایت ندارد، نباید زمینی بماند باید بخواند، با صوت هم بخواند و دست در دست

زیارت شونده بگذارد و بالا برود و اگر ما با قرآن، صاعد نشویم زندگی را باخته‌ایم. پس این انسان است که می‌تواند به درک برسد چنانچه کوه با آن عظمت نمی‌تواند و این انسان است که با معرفت پیدا کردن از عاشورا می‌تواند بالا برود و به طور کلی در عاشورا همه چیز به نحو احسن تجلی پیدا کرده، عاشورا تجلی صبر است، آخر صبر است، تجلی شهادت و شجاعت است.

عاشورا تجلی عشق و عاشقی است، تجلی ایثار و فداکاری است، عاشورا تجلی گاه تمام پیامبران است چرا که همه پیامبران خلاصه می‌شوند در وجود پیامبر اسلام و علی اکبر تجلی پیامبر است عاشورا تمام اسلام است که به نمایش گذاشته می‌شود در مقابل تمام کفر. امام وقتی چنین فرزندی را به میدان می‌فرستد می‌فرماید پسرم آهسته، آهسته برو می‌خواهم با خدا معامله کنم، چطور جگرم دارد پاره پاره می‌شود، می‌دانم چگونه به شهادت می‌رسی و ... این نهایت ایثار است

در عاشورا تک تک آیات قرآن متجلی می‌شود و قرآن می‌شود یک موجود زنده و در حسین تجلی می‌کند. و این قرآن را که جبرائیل پایین آورده وقتی در حسین متجلی می‌شود برایش عظیم است و برای همه اهل سماوات و ملکوت و همه اهل زمین و همه مسلمین، عظیم و بزرگ است و این دورنمای کوچکی بود از زیارت عاشورا تا بتوانیم وارد اولین کلمه زیارت که سلام است بشویم .

لعن و توبی و تبری، در قرآن و زیارت عاشورا

اظهار تنفر از ستمگران، از دیگر شیوه های قرآن است. لعن، اعلان برائت و تبیین خط مشی اعتقادی و سیاسی است لعن بر کسانی است که دست خود و دیگران را از دست خداوند و دامن رهبران معصوم جدا کردند . اللهم العن های زیارت ابتدا، واسط و آخر

زیارت عاشورا. لعن، ابراز تنفر از کسانی است که سد راه سعادت شده و دیگران را از کمالات لایق انسانی محروم کرده اند در فرهنگ قرآن و زیارات (خصوصاً زیارت عاشورا) عوامل اصلی و فرعی این محرومیت مورد لعن قرار گرفته اند؛

أَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ (لعنت خدا بر ستمگران)

که بر ظالمان لعن الله باد سبک هست اعمالشان همچو باد

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝۲۵

کسانی که پیمان خود با خدا نهادند با سرکشی زیر پا
گسستند عهدی که یکتا خدا بخواندست پیوند آن را روا
براندند روی زمین بس فساد بر ایشان عذاب خداوند باد
گزینند در قعر دوزخ سرا ببینند خشم و عذاب خدا
أَلَا لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ

بدانید نفرین پروردگار بود بر ستم پیشگان ماندگار
إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا.

هرآن کس که آزرده رب ودود احزاب ۵۷ رسول خدا را اذیت نمود
به دنیا و عقبی به هر دو سرا فرستاد لعنت بر ایشان خدا
بر آنها مهیاست روز حساب به خواری و ذلت عذاب و عقاب
مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ﴿احزاب ۶۱﴾

هر آنجا که گشتند پیدا و یافت ببايست بر قتل ایشان شتافت

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿احزاب ٦٤﴾

خدا لعن فرمود بر کافران که دوزخ مهیاست بر منکران

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿احزاب ٦٨﴾

خدایا عذاب مضاعف بساز بر آن پیشوایان بیداد و آز
بر ایشان تو لعنت کن ای نیک رب فزون تر نما آتش این غضب

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (مرگ بر اصحاب اخدود) ... بروج ٤

کنون مرگ بادا ز پروردگار بر اصحاب اخدود ناراست کار

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ کشته باد انسان (بی ایمان) که تا این حد کفر می ورزد. عبس ۱۷

پس انسانِ ناشکر، خود کشته باد که این حد کند کفر و ورزد عناد

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ کشته باد آن که دروغ می بندد. ذاریات ۱۰

دگر کشته باد آنکه او افترا ببندد به قرآن، کتاب خدا

اما در مورد توطئه علیه پیامبر و قرآن، دو بار فرمود: فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ. ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ و
خدایش بکشد که چقدر اندیشه غلطی کرد. باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطایی
نمود.

بگیرد خدا جان آن پست مرد که اندیشه ای سخت باطل بکرد

ستاند تن و جان او را خدا به فکری که او کرد زشت و خطا

دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او

از آیات تَوَلَّى و تَبَرَّى به خوبی برمی آید که مسئله پیوند با ذات پاک خدا و اولیای الهی و جدا شدن از ظالمان و فاسدان و طاغوت ها و در یک کلمه حُبِّ فِي اللَّهِ وَ بُغْضُ فِي اللَّهِ، از اساسی ترین و اصولی ترین آموزه های قرآن است که اثری عمیق در تمامی مسائل فردی و اجتماعی و دنیایی و آخرتی انسان دارد

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ (سوره ممتحنه) دشمنم و دشمن تان را به عنوان دوست و سرپرست نگیرید . و

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ (سوره صف) همانا خداوند دوست دارد آنانکه در راهش صف زده چون بنیانی استوار جهاد می کنند.

زیارت عاشورا نیز با سلام و درودهای خویش بر اوصیاء و اولیای الهی و نفرین هایش بر ظالمین و فاسدان و طواغیت، پیوند انسان را با اولیای الهی وثیق تر و نفرت و انزجار و دوری جستن از دشمنان خدا را صد چندان می سازد.

بَرِّتْ هَا وَ اللَّهُمَّ الْعَن هَا زِيَارَت

بَرِّتْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ بِيْزَارِي جَوِيْم بَسُوِي خُدا وَ بَسُوِي شُما از ايشان وَ از پيروان وَ دنبال رونندگانشان وَ دوستانشان

بَرِّتْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُؤَالَاةٍ وَلِيَّكُمْ بِيْزَارِي جَوِيْم بدرگاه خدا وَ به پيشگاه شما از ايشان وَ تقرب جويْم بسوی خدا سپس بشما بوسيله دوستيتان وَ دوستی دوستان شما

و بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ بِهِ بیزاری از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شما و به بیزاری از یاران و پیروانشان وَ آيَامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و در تمام دوران زندگیم به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان و بوسیله دوست داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد.

۱۱۷. تکریم مجاهدان و شهیدان، در قرآن و زیارت عاشورا

تکریم مجاهدان و شهیدان راه حق و برتری مجاهدان بر دیگران و بیان مبارزات و تلاش های آنان در احیای حق و تشویق به جهاد در راه خدا، از اهداف اساسی قرآن و زیارت عاشورا است.

وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا .

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى

وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (سوره نساء) و آیات جهاد و شهادت

زیارت عاشورا نیز زنده نگاه داشتن خط سرخ شهادت و اهداف و مقاصد والای مجاهدان فی سبیل الله و شهیدان والامقام و بستن پیمان مجدد با آرمان های آنان است

اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقِيْ خدایا مخصوص تو است ستایش سپاسگزاران تو بر مصیبت زدگی آنها، ستایش خدای را بر بزرگی مصیبتم

اَللّٰهُمَّ الرَّزُقْنِيْ شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُوْدِ خدایا روزیم گردان شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود (به صحرای قیامت) وَ ثَبَّتْ لِيْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِيْنَ بَدَّلُوْا مُهْجَهُمْ دُوْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت با حسین علیه السلام و یاران حسین آنانکه بی دریغ دادند جان خود را در راه حسین علیه السلام. امام حسین (علیه السلام) در عصر تاسوعاء، در جمع اصحاب خود، حمد و ستایش الاهی را در حال خوبی و ناراحتی به جا می آورد: احمده على السراء والضراء؛ خدا را در حالی که در وضع مناسب و خوب یا در وضع ناراحتی هستم، حمد و ستایش می کنم. یاران حضرت، حمد و ستایش الاهی را به جا می آوردند، به جهت آن که توفیق یاری حضرت و شهادت همراه امامشان را پیدا کردند: الحمد لله الذي اكرمنا بنصره و شرفنا بالقتل معك؛ حمد و سپاس خدایی را که نصرت و یاریت را به ما کرامت فرمود، و ما را به شهادت در کنارت مشرف نمود.

الگو بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آل او

قرآن مسلمانان را به پیروی از ابراهیم (علیه السلام) و یارانش به عنوان اسوه حسنه و الگوی زیبا و پر ارزش دعوت کرده قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِيْ اِبْرَاهِيْمَ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ مَمْتَحَنه٤

ابراهیم (علیه السلام) عهده دار امامت و رهبری مردم: اِنِّىْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا بقره ۱۲۴/

ابراهیم برگزیده خدا در دنیا: وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا بقره ۱۳۰/

ابراهیم از شایستگان آخرت: وَ اِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لِمَنْ الصّٰلِحِيْنَ بقره ۱۳۰/

ابراهیم حق گرای فرمانبردار ما كان اِبْرَاهِيْمُ يَهُودِيًّا و لَا نَصْرَانِيًّا و لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا آل

عمران ۶۷

ابراهیم حق گرای موحد فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا و مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ آل عمران ۹۵

ابراهیم دوست خدا: وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا نساء / ۱۲۵

ابراهیم جزو نیکوکاران: وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ انعام / ۸۴

ابراهیم دلسوز و بردبار: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ توبه / ۱۱۴

ابراهیم بردبار، نرم‌دل و اهل انابه: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ هود / ۷۵

ابراهیم پیشوایی مطیع: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ نحل / ۱۲۰

ابراهیم شکرگزار نعمت‌های الهی: شَاكِرًا لِلنَّعْمَةِ نحل / ۱۲۰

ابراهیم برگزیده و هدایت‌یافته الهی: اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نحل / ۱۲۱

ابراهیم شخصیتی رشدیافته: وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ انبیاء / ۵۱

ابراهیم صاحب قلب سلیم: إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ صافات / ۸۴

ابراهیم علیه السلام دریافت‌کننده سلام الهی: سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ صافات / ۸۹

ابراهیم از بندگان مؤمن خدا: إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ صافات / ۱۱۱

ابراهیم صاحب قدرت و بینش وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ ... أُولَى الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارِص ۴۵ و نیز

پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) را به عنوان اسوه نیکو به جهانیان معرفی نموده که :

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ

زیارت عاشورا نیز با تاسی به آیات قرآن، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان پاک او را

الگوی انسان‌ها معرفی نموده؛ اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) خدایا قرار ده زندگیم را زندگی محمد و آل محمد و مرگم را مرگ محمد و آل محمد. اهل بیت ، در زندگی و مرگ، در اخلاق و جهاد، در کمالات انسانی و چگونه زیستن و چگونه مردن، برای ما سرمشق اند لذا از خواسته‌های ما است که حیات و ممات ما چون زندگی و مرگ محمد و آل محمد باشد

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكُمْ مِیَّ جَمِیْعاً سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ
بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ سَلَامٌ بَرْتُو وَ بَرِ رَوَانَهَائِیْ كِه فِرود اَمَدَنَد بِه اَسْتَانَت ، بَر شَمَا هَمگی از
جَانِب مَن سَلَام خَدَا بَاد هَمِیْشِه تَا مَن بَر جَا یَم وَ بَر جَا اَسْت شَب وَ رُوز.

و بَار دِیْگَر اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ وَ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِیَّ سَلَامُ
اللهِ (اَبَدًا) مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِیَّ لِزِیَارَتِكُمْ سَلَامٌ بَر تُو
ای اَبَا عَبْدِ اللهِ وَ بَر رَوَانَهَائِیْ كِه فِرود اَمَدَنَد بِه اَسْتَانَت، بَر تُو از جَانِب مَن سَلَام خَدَا بَاد
هَمِیْشِه تَا مَن زَنَدِه اَم وَ بَر پَا اَسْت شَب وَ رُوز وَ قَرَار نَدِهْد اِیْن زِیَارَت رَا خَدَاوَنَد اَخَرِیْن بَار
زِیَارَت مَن از شَمَا.

اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ
سَلَامٌ بَر حُسَیْنِ وَ بَر عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ بَر فِرَزَنَدَانِ حُسَیْنِ وَ بَر اَصْحَابِ وَ یَارَانِ حُسَیْنِ
(صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْن)

۱۱۸. زِیَارَتِ عَاشُورَا تَبیینِ آیَاتِ قُرْآن

اگر زِیَارَتِ عَاشُورَا نَبُود، هَرگِز عَاشُورَا تَفْسِیْر شَدَنی نَبُود هَر یَک از زِیَارَاتِ وَ دَعَا هَای
مَرْبُوط بِه حَضَرَتِ اَبَا عَبْدِ اللهِ آیَهَای دِیْگَر از قُرْآن وَ جُودِ اَبَا عَبْدِ اللهِ رَا تَفْسِیْر مِی_نَمَایَد

زِیَارَتِ وَارِثِ آیَهَای دِیْگَر از قُرْآن وَ جُودِ حُسَیْنِ اَسْت دَعَا عِرْفَه آیَهَای دِیْگَر از قُرْآن
وَ جُودِ حُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَام اَسْت

زِیَارَتِ وَارِث، یَکِی از زِیَارَتِ نَامَه هَای مَشْهُورِ حُسَیْنِ (عَلِیْهِ السَّلَام) كِه دَر کَرْبَلَا قُرْآنَتِ مِی_شُود.
اِیْن زِیَارَتِ نَامَه بَخْشِی از دَسْتُورِ الْعَمَلِ زِیَارَتِ اِمَامِ سُومِ شِیْعِیَانِ اَسْت كِه اِمَامِ صَادِقِ (عَلِیْهِ
السَّلَام) بِه صَفْوَانِ تَعْلِیْمِ دَاد.

این زیارتنامه در واقع بخشی از یک دستورالعمل برای زیارت حسین (علیه السلام) در حرم آن حضرت است که زائر باید آن را هنگام رسیدن به ضریح مبارک و در قسمت بالای سر امام حسین (علیه السلام) بخواند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوِثَرَ الْمَوْتُورَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ
وَ رَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ،

وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا
فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا
اگر شیعه‌ای در آیه‌های وجود قرآن ناطق یعنی حسین تدبر ننماید، بر دلش قفل می‌زنند
وای به حال آن شیعه‌ای که بداند ائمه اطهار قرآن ناطق‌اند ولی قرآن وجود آنها را تلاوت
نکند و در آن تدبر ننماید. این که چندین بار در زیارت عاشورا به عظمت مصائب
الحسین تصریح شده آنچنان که برای آسمان‌ها، تحمل آن سنگین باشد، اشارت به
عظمت عاشورا به عنوان یک آیه از وجود قرآن ناطق یعنی حسین یا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ
عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ای ابا
عبدالله برآستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر همه
اهل اسلام

وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ
أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ گران و عظیم گشت مصیبت تو در آسمانها بر
همه اهل آسمانها پس خدا لعنت کند مردمی را که ریختند شالوده ستم و بیدادگری را بر
شما خاندان. این که ائمه اطهار این همه بر تلاوت زیارت عاشورا تأکید فرموده‌اند به
دلیل آن است که اسراری که در زیارت عاشورا نهفته است، برای شیعه مکشوف گردد.

رسوا کردن چهره های منفور، در قرآن

افشای شخصیت واقعی چهره های منفور و بیزاری جستن از آنها روش دیگر قرآنی است قرآن کریم با اشاره یا صراحت به ترسیم چهره های خبیثی چون ابولهب و همسرش و زنان لوط و نوح پرداخته است در مذمت ولید بن مغیره آمده: **إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ . فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ . ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ . ثُمَّ نَظَرَ . ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ . ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ . فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ** (مدثر ۱۸، ۲۴) اوست که فکر و اندیشه بدی کرد (که رسول خدا را به سحر و ساحری نسبت داد). و خدایش بکشد که چقدر اندیشه غلطی کرد. باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطایی نمود. پس باز اندیشه کرد. و (به اظهار تنفر از اسلام) روترش کرد و چهره در هم کشید. آن گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد و گفت:

این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می شود هیچ نیست. زیارت عاشورا نیز رسواکننده چهره های منفوری چون خاندان آل ابوسفیان و آل زیاد و آل مروان و مرجانه است. قرآن در مورد کفر و دروغ، کلمه «قُتِلَ» را یکبار به کار برده است: **قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ** کشته باد انسان (بی ایمان) که تا این حد کفر می ورزد. **قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ** کشته باد آن که دروغ می بندد. اما در مورد توطئه علیه پیامبر و قرآن، دوبار فرمود: **فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ** در آیه ۲۳ فرمود: **ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ**، حال ببینیم کیفر کسی که به حق پشت کند و با آن مخالفت ورزد، چیست؟ قرآن درباره کسانی که با وجود شناخت حق بدان کفر می ورزند و از آن روی می گردانند می فرماید: چنین کسانی به کیفرهای گوناگونی دچار می شوند، از جمله: جهت و هدف خود را در زندگی از دست می دهند. **استهوتة الشیطان فی الارض حیران** فریب و اغوای شیطان او را در زمین سرگردان ساخته است. ضیق صدر او را تحت فشار قرار می دهد: **يَجْعَلُ صَدْرَهُ**

صَبِيقًا حَرْجًا خدایند، دل او را تنگ و سخت قرار می‌دهد. دچار معیشت دشوار و تنگ می‌شود: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا هرکس از یاد و اطاعت من سرپیچی کند، معیشتش تنگ شود. نکبت و بدبختی بر او مسلط می‌شود: إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ امروز ذلت و خواری عذاب، بر کافران خواهد بود. از بهره‌گیری از نعمت‌های الهی در راه صحیح محروم می‌شود خداوند بر دل و گوش و بر چشم کافران مهر می‌زند و پرده‌ای بر آن می‌افکند تا از فهم حقایق الهی محروم مانند: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً

آمیزه از عشق و نفرت، تولی و تبری

زیارت نامه اولیاء آمیزه اسلام و لعنت است، عشق و نفرت، خواندن و راندن و این فرهنگ رویکرد تعادل رفتاری و نگرشی را تضمین میکند. در قرآن باورمندان پیامبر و همراهان او مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا (فتح ۲۷) در این آیه، شیوهی ارتباطات يك مؤمن ترسیم شده است: رابطه با بیگانگان أَشِدَّاءُ شدت و سختی با خودی‌ها رُحَمَاءُ محبت و مهربانی. با خدا رُكَّعًا سُجَّدًا عبودیت و بندگی با خود يَبْتَغُونَ تلاش و کوشش و امید فضل خدا معرفی شده اند یعنی در رویاروی ستم همه خشم، نفرت بغض و شدت اند و با دوستان و همراهان همه عشق، رحمت و لطافت هستند.

امام صادق تبری را نشانه صداقت در صحت دانسته، فرمود: دروغ می‌گویند آن که ادعای دوستی ما دارد و از دشمنان ما دوری نمی‌گزیند. در رجزهای یاران، نفرت از آل زیاد و آل مروان فراوان است و در همان رجزها تموج ارادت و ولایت اهل بیت و عشق ورزی به ابا عبدالله (علیه السلام) دیده می‌شود. شکوهمندترین نمونه های آن رجز عباس (علیه السلام) است که حسین علیه السلام را مولا و سید می‌خواند و در شهادت عطش، همه هستی خود

را به پای امام صادق الیقین می ریزد و الله ان قَطَعْتُمَا يَمِينِي اِنِّي اُحَامِي اَبَدًا عَنْ دِينِي و عَنْ امام صادق الیقین نجلی النبی الطاهر الامین ملتها برای پی بردن به عینیت مفهوم تولی و تبری در دین، به فرهنگ عاشورا که از هر چیز دیگری بهتر این مفاهیم را تداعی می کند توجه و تفقه داشته باشند. **ما نمی توانیم از برکات حسینی استفاده کنیم، مگر اینکه اول دشمنان او را لعن کنیم** اما در مورد دشمنان غدار، کینه توز و قسم خورده. و لن ترضی عنک الیهود و لا النصاری حتی تتبع ملتهم تا دست از انقلابتان بر ندارید، آمریکا از شما راضی نخواهد شد. بزرگداشت مراسم سیدالشهداء حسین علیه السلام بازسازی حیات حسینی است، تا از آن حیات به نحو احسن استفاده شود و نباید به بحث های علمی اکتفا شود. چون انسان به برانگیخته شدن عواطف و احساسات احتیاج دارد. نباید به عواطف مثبت، به شادی، به خنده، بسنده کرد، زیرا زنده نگه داشتن خاطره سیدالشهداء (علیه السلام) و مظلومیت او از راه احساسات شورانگیز حزن و گریه و سوگواری امکان دارد. و بالاخره همراه با آن همه درود و سلام و عرض ارادت به خاک پای حسینی و به خاک قبر حسینی، باید بر دشمن حسین (علیه السلام) دشمن اسلام و دشمنان خدا لعن و نفرین کرد. تنها سلام و درود مشکل را حل نمی کند. ما نمی توانیم از برکات حسینی استفاده کنیم، مگر اینکه اول دشمنان او را لعن کنیم، بعد بر او سلام بفرستیم، قرآن هم اول می فرماید: **أَشْدَاءُ عَلَى الْكَفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ** پس در کنار سلام، باید لعن هم باشد. در کنار ولایت، باید تبری و اظهار دشمنی نسبت به دشمنان اسلام هم باشد. اگر این گونه شدیم، حسینی هستیم؛ وگرنه بی جهت خودمان را به حسین (علیه السلام) نسبت ندهیم.

منابع : تفسیر نور . تفسیر نمونه . برداشت های مولف و قرآن منظوم امید مجد (تاریخ مدینه دمشق ج ۷ ص ۵۰۹) (بحار الانوار ج ۴۵ ص ۳۴)

(المناقب ج ۴ ص ۶۱) (الفتوح ابن اعثم ج ۵ ص ۱۳۲) (تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۹۶)

وجود و ظہور منجی، در قرآن

امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) و آیات قرآن

مؤلف: محمود زارع پور



سرشناسه: زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

مقدمه ، شامل سه بخش :

الف ، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قیام جهانی

ب ، چرا در قرآن کریم نام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود صریح نیامده است؟

ج ، انتظار ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آمدن شخصی نجات بخش، امری جهانی در تمام ادیان و مکاتب

موضوع کتاب :

آیاتی قرآن بر اساس روایات معتبر به وجود نازنین حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ویژگیهای شخصی حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

قیام و انقلاب جهانی آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پایان سختی ها و رسیدن راحتی و آسودگی ها

چو فرشته در آید ، دیو بیرون رود

پایان شب سیه سپید است . روزهای سختِ مردم، نیز بگذرد

حجت های الهی و منت خداوند به نعمت ولایت

بخشش خلافت و وعده به شایستگان

گسترده دین حق شایستگان، وارثان زمین

یاران مهدی عج، مسیح و پیروانش و نگرانی و ناامیدی استکبار و سلطه گران

با ظهور شعاع دین پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بالا گیرد توانایی خدا در اتفاق شگرف

(ظهور) چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود وعده نصرت و غلبه همه جانبه

روایات و آیات از تفاسیر روایی و معرفی تفاسیر روایی تشیع و تسنن و فهرست

آیات در نکته پایانی

مقدمه ی مؤلف :

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
(قصص ۵) اراده ما بر این است که بر ستمدیدگان نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم

در قرآن، آیات بسیاری وجود دارد که به شهادت روایات مستند و معتبر، درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قیام جهانی او نازل گردیده است. در کتاب شریف **المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة** که توسط محدث بزرگوار، مرحوم سید هاشم بحرانی و با بهره گیری از دهها جلد کتب تفسیر و حدیث، تألیف گردیده، مجموعاً (۱۳۲) آیه از آیات کریمه قرآن ذکر شده است. مسأله مهمی که همیشه در طول تاریخ پر افتخار اسلام مایه امید مسلمانان و به ویژه «شیعیان» منتظر بوده است، وعده های تخلف ناپذیر الهی در مورد آینده اسلام و پیروزی نهایی مومنان و مستضعفان و محرومان می باشد. آیین مبین اسلام از همان آغاز پیدایش خود و حتی از همان نخستین سال های ظهور پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) پیوسته مسلمانان را به آینده ای درخشان امیدوار ساخته است. مسلمانان و به خصوص شیعیان نیز از همان روزگار بعثت رسول خدا تا به امروز بر اثر همان وعده هایی که پیامبر گرامی به وسیله آیات روحبخش و دلنواز قرآن کریم بدانها داده است، با اعتقادی عمیق و راسخ تمامی آن وعده ها را جدی گرفته، و علی رغم همه مشکلات و مصایبی که در دوران های مختلف تاریخ اسلام دیده اند، هرگز امید خویش را از دست نداده و همواره این اعتقاد اصیل اسلامی را نصب العین خود قرار داده اند. مسلمانان بر اساس وعده های صریحی که قرآن کریم بدانها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنتهای الهی و وعده های خدایی به پیش می رود، و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران و تجاوزگران و بی اعتقادان تمام

شود، ولی سرانجام، حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار بشر و همه مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیام منجی عالم بشر، و دوران پر شکوه ظهور مبارک مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود. پیشگویی در زمان نمرودیان و فرعونیان در مورد تولد فرزندی که نابود کننده ظالمین است، بود. و دستور این مدعیان دروغین بر کشتن فرزندان پسر، تا اینکه حضرت موسی علیه السلام در دامان زنی نمونه قرآنی یعنی همسر فرعون پرورش یافته و فرعون را با آن همه قدرت و شکوه ظاهری به نابودی کشاند. پس نمونه‌های آن را می‌توان در پیروزی حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل بر فرعونیان و همچنین پیروزی و حکومت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) جستجو کرد اما نمونه کامل آن با ظهور حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحقق می‌یابد.

امام سجاد (علیه السلام): سوگند به کسی که محمد را به حق، بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد، نیکان از ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروان او می‌باشند و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله فرعون و پیروان او هستند. سرانجام، پیروزی از آن ماست. پیش بینی کلیه پیامبران بر آمدن نجاتبخشی از سلک انبیاء {ما در زیور داوود، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند.} آمدن عیسی مسیح علیه السلام و بشارت حضرت موسی علیه السلام سپس بشارت حضرت عیسی علیه السلام (سوره صف ۶ و انجیل لوقا وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش «احمد» است، مژده می دهیم). همچنین بر وجود پیامبر عظیم الشان و خاتم انبیاء علیهم السلام و و بالاخره نوید پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بر وجود ائمه علیهم السلام و خاتم آنان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیغمبر

فرمود: تَمْلَأُ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَقُومُ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا زمین پر از ظلم و ستم گردد، پس مردی از عترت من قیام کند و آن را پر از عدل و داد گرداند و هفت یا نه سال سلطنت نماید.

در کتاب حاضر سعی شده آیاتی که مستقیم به منجی و فردی صالح اشاره شده و آیاتی که به نوعی مربوط به پایان جهان و آینده ی مردم و حکومت می باشد را با توضیحات کامل از تفاسیر معتبر و روایی از معصومین علیهم السلام همراه ترجمه ی منظوم بیان نماید.

مؤلف : محمود زارع پور

چرا در قرآن کریم نام مهدی موعود صریح نیامده است؟

قرآن کریم برای معرفی شخصیت‌های الهی از سه راه وارد می شود، و در هر موردی طبق مصالحی از شیوه خاصی پیروی می کند. گاهی معرفی با اسم گاهی معرفی با عدد، و گاهی نیز معرفی با صفت. اگر نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن نیست ولی صفات خصوصیات حکومت او در قرآن وارده شده. اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر میگیرد. گاهی مصالح ایجاب میکند تنها به صفات افراد بپردازد، چنان که درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جریان از این قرار است که :

اولا: تشکیل چنین حکومتی، در مواردی صریحاً و در موارد دیگر به طور اشاره در قرآن وارد شده است. آیاتی که در سوره (توبه ، صف و فتح) از پیشگویی و از گسترش فراگیر و همه جانبه اسلام در سطح جهان است، که هنوز تحقق پذیرفته است، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، اشاره به تشکیل و ظاهر شدن و پیروز شدن این حکومت است.

از این گذشته، در آیه ۱۰۵ انبیاء می فرماید: ما پس از ذکر، در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من، وارث زمین خواهند بود. آیه نوید میدهد که صالحان، وارثان زمین خواهند

بود و حکومت جهان را به دست خواهند گرفت و در تمام دوره های تاریخی انجام شده است.

ثانیا: اگر نام اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نبرده، به خاطر مصلحتی است که برای اهل فضل و درک مخفی نمی باشد

زیرا به همان علت که نام امام علی (علیه السلام) را نبرده، نام آن حضرت را نیز ذکر ننموده اگر نام این پیشوایان گرامی را می برد، کینه های دیرینه (بدر و احد و حنین) بار دیگر زنده میشد، و لذا مطلب را به صورت کلی مطرح کرده: بندگان شایسته من، وارث زمین خواهند بود.

نام بردن از گذشتگان، مانند لقمان و ذی القرنین، قابل قیاس با افراد آینده نیست، درباره گذشتگان، حسدها و کینه ها تحریک نمی گردد، و افراد سودجو و شهرت طلب نمی توانند از آن سوء استفاده کنند، ولی بردن نام آیندگان چرا؟ آیا تنها ذکر نام، دردی را دوا می کند؟

آیا اگر نام امام زمان در قرآن برده می شد، امکان نداشت که در طول تاریخ، شیادان و افراد شهرت طلب آنان سوء استفاده نکنند، مگر نام پیامبر خدا گرامی را در انجیل نبرده است؟ ولی گروههای مغرض، از آن بهره برداری ناجوانمردانه کردند.

بنابراین، مساله مهم، بیان خصوصیات دیگر آن حضرت است که افراد با معرفت و آگاه دل، با شناخت آنها، مهدی واقعی را از مدعیان دروغین مهدویت بشناسند. (عجل الله تعالی فرجه الشریف). در جواب افرادی که ایراد گرفته و می گویند چرا اسم معصومین در قرآن نیامده؟، بایستی گفت: مگر فریضه مهم و واجبی چون نماز، رکعاتش و چگونه اقامه ی آن و در قرآن آمده است؟ و....

انتظار ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

انتظار برخاسته از رهنمودهای زندگی ساز اسلام عزیز است که سنت جاری الهی در نظام خلقت پشتوانه آن است. انتظار مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از یک سو روح یأس و نومییدی را خنثی نموده و آینده ای روشن فرا روی انسان ترسیم می کند و سپیده سحر ایمان و آزادی را نوید می دهد و جشن با شکوه مرگ بیداد را یادآور می شود؛

و از سوی دیگر انسان را به خود سازی و اصلاح خویش فرا می خواهد. انتظار رهبری عادلانه الهی، منتظران را به عدالت و عبودیت خدا دعوت می کند و نسبت به هرگونه ظلم و عصیان هشدار می دهد.

چهل حدیث انتظار، چهل پرتو نور بر زندگی شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می افکند و چهل شعله امید در قلب پاسداران عدالت بر می افروزد و مسئولیت بزرگ منتظران را یادآور می شود.

قیام مهدی آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از حقایق قطعی جهان است و از مسائل مورد اتفاق دنیای اسلام، بلکه پیروان دیگر ادیان آسمانی نیز در انتظار مُصلح آسمانی به سر می برند. این که سالهاست می بینیم استکبار در دنیای سینما و فیلم های هالیوودی با هزینه های کلان، تلاش می کند تا ذهن کودکان و مردم جهان را با نمایش فیلم های به قولی جذاب و تخیلی منحرف سازد به همین خاطرست و می داند آینده ی جهان از آن مستضعفان و صالحان می باشد و طبق آیات قرآن وارثان زمین آن ها نخواهند بود.

و روز به روز از اتفاقات دنیا و غلبه ی امت ستم کشیده در مقابل استکبار جهانی با آن همه پیشرفت و هزینه های نجومی شاهد هستیم.

تاریخ و داستان های قرآنی از پیامبران و ارسال نبی از جانب پروردگار در گذشته گویای همین واقعیت انتظار است وعده های قرآن بیشتر حول و محور امید به آمدن منجی

است، تولد حضرت موسی علیه السلام و بزرگ شدن وی در قصر فرعون آن هم زمانی که کودکان پسر را به دستورش از بین می بردند ولی اراده و خواست خداوند این بود که در دامن همسر فرعون که زنی مجاهد و با تقوی بود رشد یابد و فرعون و فرعونیان را به اعماق دریا بفرستد.

میلاد حضرت مسیح علیه السلام با اعجاز خداوندی هم همینطور، بشارت حضرت مسیح به آمدن پیامبری به نام **احمد** یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم همینطور، و بشارت نبی اکرم به وجود آخرین فرزند از خاندان پاکش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم همینطور.

مراد از مستضعفان، کسانی هستند که خود در این امر نقش نداشته و استکبار آنها را به استضعاف کشیده باشد.

و اما امروزه استکبار با تولید فیلم های آخرالزمانی هالیوودی می خواهند با تهدید و خشونت در دل مردم رعب و وحشت ایجاد کنند.

حتی شاهدیم که بسیاری از فیلم ها و سریال های ما هم به غلط این راه را رفته اند در حالی که دین اسلام مردم را به آرامش دعوت می کند و این مفاهیم با دین و فرهنگ ما سازگار نیستند.

سینمای هالیوود براساس انسان محوری و حذف خدا بنا شده در برخی فیلم های آخرالزمانی مثل طالع نحس و مومیایی گاه شیطان را محور قرار می دهند.

اغلب این فیلم ها مبتنی بر خرافه که سینمای هالیوود را شامل می شود، در بر گرفته است.

آیات قرآن بر اساس روایات معتبر به وجود نازنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و ویژگیهای شخصی، و با عظمت و همچنین قیام و انقلاب جهانی

سوره مهدوی

برخی مفسران و بعضی از عالمان نکته سنج، سوره یوسف علیه السلام را به دلیل برخی از آیات و همچنین شباهت‌های بسیار داستان حضرت یوسف علیه السلام با زندگانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سوره مهدوی نامیده‌اند.

برخی از این شباهت‌ها عبارتند از:

حضرت یوسف علیه السلام غیبتی طولانی داشت، تا آن‌جا که وقتی برادرانش او را دیدند، آن حضرت را نشناختند، امام زمان نیز غیبتی طولانی دارند.

حضرت یعقوب علیه السلام، وصال حضرت یوسف علیه السلام را انتظار می‌کشید و به فرزندانش می‌فرمود: از رحمت خدا ناامید و مأیوس نباشید وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ (یوسف ۸۷)، شیعیان نیز در انتظار فرا رسیدن روز ظهور به رحمت خدا امیدوارند.

حضرت یوسف علیه السلام از نظر زیبایی ظاهری در اوج بود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز افزون بر جمال سیرت، صورتی زیبا به‌سان آفتاب دارند.

زنان مصری با دیدن جمال یوسف علیه السلام، دست خود را بریدند، اما شیعیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جمال آفتاب را ندیده، دل به او سپرده و از دنیا بریده‌اند.

برادران یوسف، او را دیدند و گفت‌وگو کردند، ولی آن حضرت را نشناختند، شیعیان گاه با حضرت گفت‌وگو می‌کنند و ایشان را زیارت می‌نمایند، ولی آن حضرت را نمی‌شناسند.

انتظار و امیدواری

يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ إِنَّهُ لَا يَيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللّٰهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ يوسف ۸۷

سوی کشور مصر راهی شوید

کنون ای پسرهای من می روید

بگردید جویا در آن سرزمین

ز احوال یوسف هم از بنیمن

ز الطاف بی انتهای خدا

نباشید مأیوس هرگز شما

ز لطف خدایی که جان آفرید

که جز کافران نیست کس ناامید

تحسس جستجوی چیزی از راه حس است و به جستجو کردن در مورد خوبی‌ها. لذا شیعه با حسی خوب امیدوار است که روزی انتظار به پایان رسیده و راحتی و عدالت جای خود را به ظلم و سختی و خواهد داد..

امام علی علیه السلام فرمودند: **إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ** انتظار مقوله ای است از اعتقاد به خدا و اعتقاد به رسالت و امامت. به همین دلیل است که انتظار افضل عبادت هاست.

امام کاظم علیه السلام: **أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ الشُّرْكُ بِاللّٰهِ وَ بَعْدَهُ الْيَاسُ مِنْ رُوحِ اللّٰهِ** بزرگترین گناهان کبیره شرک و مأیوس از دستگیری خداست.

رسیدن به لطف الهی، با تنبلی سازگار نیست. اذْهَبُوا، وَ لَا تَيَاسُوا. اولیای خدا، هم خود مأیوس نمی‌شوند هم دیگران را از یأس باز می‌دارند.

یأس، نشانه‌ی کفر است. لَا يَيَّاسُ ... إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ زیرا مأیوس شده، در درون خود می‌گوید: قدرت خدا تمام شده است.

نیاز معنوی انسان = امام

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (يوسف ۸۸)

پس اخوان به دستور و امر پدر	برفتند بر مصر بار دگر
بگشتند وارد به دربار شاه	بدیدند یوسف در آن بارگاه
بگفتند ما با همه اهل خویش	گرفتار فقریم و هستیم ریش
متاعی حقیرست همراه ما	تو از لطف بر ما محبت نما
به ما ده تصدق از احسان خویش	کمی غله ما فزون کن ز پیش
خداوند پاداش نیکو دهد	بر آن کس که خوانی از احسان نهد

وقتی یوسف علیه السلام در مقابل برادران نامه‌ی یعقوب علیه السلام را خواند، بوسید و بر چشم گذاشت و گریه‌ای کرد که قطرات اشک بر لباسش نشست. برادران که هنوز یوسف را نمی‌شناختند شگفت‌زده بودند که این همه احترام به پدر ما برای چیست؟ کم‌کم برق امیدی در دل آنها روشن شد.

خنده یوسف را چون دیدند، با خود گفتند نکند او یوسف باشد. - برای یعقوب، یوسف مطرح است؛ ولی برای فرزندان گندم. - امروز با حقارت می‌گویند: مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ ما با همه اهل بیت خود به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتار شدیم.

- انسان هم به علت نیاز معنوی به امام و حجت و رهبر مثل فقیری بی چیز است. تا امام نیاید، چشم مردم به آخرت باز نخواهد شد، و هیچ چیزی سر جای خودش قرار نگرفته است؛ روابطش با دیگران ظلمانی است، در حکومت بدون امام، همه سرگردانند، شرح وظایفشان را نمی‌دانند.

یاری در شرایط سخت

وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ يوسف ۵۸

پس اِخوان یوسف به مصر آمدند چو مغلوب قحطی و حرمان شدند

چهل سال از آن سال بر می گذشت که او را فکندند در چاه دشت

بدانست یوسف که آنها کینند که ایشان برادر کسان ویند

ولی باز نشناختند آن گروه بود یوسف این مرد صاحب شکوه

۱- در زمان قحطی اگر منطقه‌های دیگر از شما کمک خواستند، کمک کنید.

۲- در وقت نیاز و تنگدستی ساکن و راکد نباشید و حتی از دیگر کشورها کمک بگیرید.

۳- گاهی ظالم محتاج مظلوم می‌شود. وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ

۴- ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف، امری سهل و آسان بود (سران حکومت‌ها باید برنامه‌ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی صورت بگیرد).

۵- خاطرات دوران کودکی در ذهن نقش می‌بندد و از بین نمی‌رود.

(برادران در بزرگی با یوسف محشور بودند؛ ولی یوسف در کودکی آنها را دیده بود،

لذا یوسف آنها را شناخت ولی آنان یوسف را نشناختند).

کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد (سنت خداست که در طول تاریخ، **منجی**

برای مردم وجود داشته و در آینده هم خواهد بود)

مَنْتَ خداوند به نعمت ولایت

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

اراده نمودیم، منت نهیم قصص ۵ به مستضعفین پیشوائی دهیم
بگردند روی زمین جانشین بگردند خود وارث آن زمین

و حکومت مهدی، خواسته الهی؛ در قرآن می خوانیم: اراده و مشیت ما بر این قرار گرفته است. حکومت جهانی مستضعفان و حمایت از مظلومان تاریخ، اراده و خواست الهی است - در حکومت خودکامه طاغوتی، نیروهای کارآمد به ضعف کشانده می شوند - آینده از آن مستضعفان است. - امامت، همچون بعثت، نعمت ویژه ای است که خداوند بر مردم منت می نهد. در مورد بعثت پیامبر می فرماید: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ... نَجْعَلُهُمْ این بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور ظالمین و مستکبرین و زورگویان عالم.

یکی از این نمونه ها حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کاملترش حکومت پیامبر خاتم و یارانش بعد از ظهور اسلام بود که سرانجام خدا به دست همین گروه دروازه قصرهای کسری ها و قیصرها را گشود، و آنان را از تخت قدرت به زیر آورد، و بینی مستکبران را به خاک مالید.

و نمونه گسترده تر، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله مهدی ارواحنا له الفداء است. بنابراین، اگر با این آیه بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه استدلال می کنند در حقیقت نوعی استدلال با ضابطه کلی بر مصداق و مورد است. شکی نیست که هرگاه اراده ی الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی تواند سدّ راه آن گردد، قرآن می فرماید:

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

چو خواهد که خلقت نماید خدا

بود امر او نافذ اندر قضا

چو فرمان دهد باش خود می شود

که فرمان او هرکجا می رود

در نظام جامعه و در سطح جهانی هم این سنت و الهی نمود دارد و وعده خدا بر این است که مستضعف مؤمن و نیکوکار، مورد لطف و محبت الهی قرار گیرند و رهبران زمان و وارثان زمین شوند. سخن زیبای قرآن: إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا براسستی همراه با دشواری، آسانی است.

این سنت الهی تنها در زندگی فردی جریان ندارد و مخصوص یک بُعد از ابعاد زندگی فرهنگی، اقتصادی، درمانی و خانوادگی انسان نیست.

خداوند در نظام آفرینش نوش و نیش را درهم آمیخته و رنج و راحت را توأم کرده و غم و شادی را همسایه قرار داده است.

همیشه در کنار تنگناها، گشایشی وجود دارد و پس از شدتها دوران رهایی و نجات فرا می رسد و بر اثر صبر، نوبت ظفر آید.

آنان [مستضعفان] خاندان محمدند.

خدا، پس از سختی و مشقت آنان، مهدی شان را می فرستد، پس او آنان را عزیز می گرداند و دشمنشان را ذلیل سازد (بحارالأنوار ج ۷۸ ص ۳۸۰)

با این که همه نعمت ها از جانب خداست و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، لیکن او در خصوص چند نعمت، تعبیر به منت فرموده که طبعاً از اهمیت بالای آنها حکایت دارد، از جمله:

نعمت اسلام.

كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

نعمت نبوت. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا

نعمت هدايت. بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ

نعمت حاکمیت مؤمنان. وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ ...

در روایات بسیار، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان مصداق اتم این آیه معرفی شده است.

مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان‌های مختلفی در قرآن آمده است:

الف: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» خداوند به کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند، وعده‌ی خلافت در زمین را داده است.

ب: وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ بعد از آنکه اقوام ستمگر پیشین را هلاک کردیم ... شما را جانشینان زمین قرار دادیم.

ج: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» بندگان صالح، وارث زمین می‌شوند.

د: «وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا» ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمین گردانیدیم.

ه: «لَنُهْلِكََنَّ الظَّالِمِينَ. وَ لَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ» ما ستمگران را نابود و بعد از آن شما را ساکن زمین می‌گردانیم.

حجت های الهی

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا
اسراء ۷۱ **روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان فرامی خوانیم،**

به یاد آر روزی که آید فرا که هر امتی را بیاید ندا

بیایید نزدیک پروردگار همه پیشوایان تن در کنار

به هرکس که در روز محشر بجاست دهندش اگر نامه بر دست راست

بگویند خوان نامه را بیش و کم که بر کس نگردد در آنجا ستم

زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نبوده است. همه مردم در هر عصر و زمانی با حجتی از حجت های الهی سر و کار داشته اند و همچنین در روز قیامت هم هر امت و گروهی به دنبال امامی که آن را پذیرفته است خواهد رفت، این حقیقتی است که قرآن کریم به ما آموخته است

قرآن از دو گونه پیشوا نام برده است: یکی امام نور و هدایت، أئِمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا دیگری امام نار و ضلالت، أئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ که گروه دّوم، با زور و تهدید و تطمیع و تحقیر، مردم را به اطاعت خود وامی دارند.

امام صادق علیه السلام: در قیامت، هر گروهی با امامشان محشور می شوند، خورشید پرستان با خورشید و ماه پرستان با ماه. و ... امامت و ولایت، در متن زندگی مطرح است، نه آنکه صرفاً موضوعی اعتقادی و در حاشیهی زندگی باشد. رهبر، زمینه ساز سعادت یا شقاوت مردم می باشد.

نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ آثار مسأله انتخاب رهبری و اطاعت از او، تا دامنهی قیامت ادامه دارد. انتخاب ما و آرزوهای باطل ما تا قیامت همراه خواهند بود و شاهد هستند.

- تقسیم‌بندی مردم در قیامت، براساس رهبران‌شان خواهد بود.

- انسان، ناگزیر الگو و رهبری را برای خود انتخاب می‌کند.

- مسلمان نباید در مسائل رهبری، منزوی و بی‌تفاوت باشد. زیرا در قیامت به همراه او محشور می‌شود.

- قیامت، نه تنها دادگاه افراد، بلکه محکمه‌ی بزرگ امت‌ها و ملت‌ها و احزاب و مکتب‌ها و حکومت‌ها نیز هست.

آرمان سبز مهدویت نگاه به مسئله آخر الزمان تقریباً در تمامی ادیان ابراهیمی و حتی آیین‌هایی همچون بودیسم وجود دارد. اینکه سرانجام جهان به کدام سمت و سو خواهد رفت و نقطه فرجام انسان به کجا می‌رسد دغدغه‌ای است که در تمام ادیان وجود دارد. مهدویت که از اساسی‌ترین نظریه‌های شیعه است دقیقاً در برابر حکومت جهانی لیبرال دموکراسی قرار می‌گیرد. زیرا در لیبرالیسم اساس بر من خودبنیادگر، فردگرایی و لذت‌گرایی است

و به عبارت بهتر تفکرات اومانیستی تمامی ساحت‌های سیاسی اجتماعی را تشکیل می‌بخشد.

از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد، ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار،

احیاناً انگیزه‌هایش هیچ‌گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره‌گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش وظیفه دار است (مجموعه آثار مطهری ج ۲، ص ۲۶۸)

شایستگان، وارثان زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ انبیاء ۱۰۵

بدادست وعده خدای غفور

خود از بعد تورات، اندر زبور

تصرف نمایند ملک زمین

که شایسته مردان دارای دین

امام صادق(علیه السلام) : تمام کتب آسمانی، ذکر خداست، و بندگان شایسته خدا که وارثان زمین هستند، حضرت قائم(عجل الله تعال فرجه) و یاران او می باشند (تفسیر علی بن ابراهیم ج ۲) یکی از این نمونه ها حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود یعنی در تمام دوره ها پیامبران نجاتبخش مردم مظلوم از دست نمرود و فرعونیان بودند. و بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارثان زمین، امامان معصوم تا حضرت حجت (عجل الله تعال فرجه)... در پنج جای زبور، وعده الهی در مورد حکومت صالحان آمده است. حضرت داود از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بود که حکومت تشکیل داد و نمونه ای از حکومت صالحان را در محدوده سرزمین شام به نمایش گذاشت.

براساس روایات معتبر، در آخرالزمان، به دست حضرت مهدی (عجل الله تعال فرجه) که از نسل رسول خداست. حکومتی برپا می شود که عدل و داد را بر جهان حاکم می کند و طومار ظالمان را در هم می پیچد.

زبور در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است. این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از ذکر در این آیه نیز همان تورات است، وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

بعضی مفسران گفته اند که منظور از زبور در این آیه، تمام کتب آسمانی و مراد از ذکر، قرآن مجید است. ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین هر آینه بندگان صالح من خواهند بود

از امام صادق علیه السلام درباره‌ی زیور و ذکر سؤال شد، حضرت فرمودند:

ذکر در نزد خداست و زیور کتاب نازل شده بر داود است و همه‌ی کتاب‌های نازل شده در نزد اهل علم است و آنان ما (اهل بیت) هستیم. در پنج مورد از زیور مزامیر حضرت داود که امروزه جزء کتب عهد قدیم بشمار می‌رود، شبیه این تعبیر آمده که: مردان صالح، وارث زمین خواهند شد. در روایات متعدّد آمده که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، یاران حضرت مهدی (عجل الله تعال فرجه) هستند. در بعضی روایات می‌خوانیم که اهل بیت پیامبر اسلام علیهم السلام وارثان زمین خواهند شد و افراد بد دوباره زنده خواهند شد. و از آنها انتقام گرفته می‌شود.

۱- سنّت الهی آن است که بندگان صالح، حاکم و وارث جهان باشند. کَتَبْنَا

۲- پیشگوئی‌های قرآن قطعی است. لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ ...

۳- قرآن، از آینده‌ی تاریخ خبر می‌دهد. يَرِثُهَا ...

۴- آینده از آن صالحان است. «يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

۵- دین از سیاست جدا

۶- عبادت تنها کافی نیست، صلاحیت و عمل صالح نیز لازم است.

۷- وراثت زمین و حکومت بر جهان دو شرط دارد، بندگی خداوند و انجام اعمال صالح

«عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

صالحان وارثان حکومت و زمین

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی آرمان مهدویت و انتظار به صورت جدی‌تری فعال شد و بسیاری از نهادها و سازمان‌ها نیز هدف خود را در مقدمه چینی برای ظهور منجی بشریت قرار دادند.

به تعبیری جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد تا زمینه و مقدمه فرج را آماده‌سازی کند و در سخنان امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی نمود یافت.

رهبر معظم انقلاب نیز در این خصوص می‌فرمایند: انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم،

یقیناً ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید بدانید؛ و شما ای امام بزرگوار امت بدانید (که بهتر از همه ما می‌دانید) شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) شدید. شما یک قدم این بار را به منزل نزدیکتر کردید. با این انقلاب که مانع را که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موزی و آزاردهنده‌ای بود این را کنید و قلع و قمع کردید.

خدا کامل کننده نور در مقابل فتنه کافران

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

فرستاد پیغمبرش را خدا توبه ۳۲ هدایت بدو داد و دینی سزا

به او دین حق داد و پیغمبری که بر کل ادیان دهد برتری

اگرچند از این عمل مشرکان کراهت بورزند از عمق جان

روایتی از امام صادق علیه السلام به تلاش فرعون برای از بین بردن حضرت موسی (ع) و بنی امیه و بنی عباس برای از بین بردن نسل اهل بیت (علیهم السلام) اشاره نموده و شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به حضرت موسی را در ولادت بیان کرده‌اند.

برخی دیگر از مفسران از امام کاظم علیه السلام نقل کرده‌اند که این آیه را به حاکمیت دین حق بر تمام ادیان در وقت قیام حضرت مهدی عج مطرح نموده‌اند. می‌خواهند نور خدا را خاموش سازند، ولی خداوند کامل کننده نورش می‌باشد (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)

تمامی اقداماتی را که کافران از صدر اسلام تا کنون برای نابودی دین اسلام انجام داده‌اند، از شکنجه نو مسلمانان گرفته تا محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل جنگ، توطئه‌های منافقان، ایجاد اختلاف میان مسلمانان، تهاجم فرهنگی و اشاعه فحشاء و گناه میان مسلمانان و از همه مهمتر تخریب و دروغ پراکنیهایی که توسط دهانهای آلوده و از طریق رسانه‌های فراگیر علیه اسلام در سطح جهان انجام میشود همه و همه مصادیقی از این پف کردن کفارست.

گسترده‌ی دین حق

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
توبه ۳۳ صف ۹. ... كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا فَتَح ۲۸

فرستاد پیغمبرش را خدا	توبه ۳۳	هدایت بدو داد و دینی سزا
به او دین حق داد و پیغمبری		که بر کل ادیان دهد برتری
اگرچند از این عمل مشرکان		کراحت بورزند از عمق جان
خدا آن خدائست کاندرو وجود	فتح ۲۸	رسولی به اهل جهان رو نمود
به قرآن برحق که دین خداست		که سازد هدایت به آیین راست
که او را کند غالب و سرفراز		به هرگونه ادیان که بودند باز
به تصدیق این گفته و ادعا		شهادت کفایت کند از خدا
بلی اوست پیغمبری داده است	صف ۹	خدای تو پیک پیغمبر داده است
که تا مردمان را به آیین راست		هدایت نماید که راهی سزااست

که پیروز گردد بدون گمان

بر ادیان دیگر بدور زمان

اگرچند بر مشرکان هیچگاه

نیاید خوشایند این نیک راه

امام صادق(علیه السلام) : پیروزی حق یعنی ظهور امام زمان(عجل الله) که بر همه مکاتب و احزاب پیروز شود و زمین را پر از عدالت کند. آیه، غلبه‌ی ظاهری و وعده‌ی حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند. به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و تا زمان قیام قائم(عجل الله تعال فرجه) نیز نازل نخواهد شد. پس زمانی که قائم(عجل الله) بپا خیزد، هیچ کافر و مشرکی نمی‌ماند مگر آنکه خروج او را ناخوشایند است (کمالُ الدّین و تَمَامُ النِّعْمَةِ) قیام مهدی موعود(عجل الله تعال فرجه) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حقست استاد مطهری

شمیم ظهور از سال ۴۲ به تدریج گفتمان مهدویت و منجی طلبی بار دیگر در امت اسلام ترویج شد و گفتارها و کردارهای امام خمینی(ره) نوید تشکیل یک حکومت که هدف آن تلاش برای نزدیکی ظهور است را به جهانیان و ادیان دیگر و علی الخصوص امت اسلامی داد.

از طرفی گرایش روز افزون اسلام در جهان که برای استکبار نگران کننده شده روز به روز رو به فزونی است **لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**

پیروان اسلام در سطح جهان روز به روز در حال افزایش است و انشاء الله با ظهور حضرت این وعده الهی اتفاق خواهد افتاد.

آیا این پیروزی اسلام که در این آیه بدان اشاره شده منطقه‌ای و محدود است یا خیر؟ از آن جایی که هیچ قیدی در آیه وجود ندارد تا دلیل بر محدودیت این پیروزی باشد پس بدون شك روزی فرا خواهد رسید که این وعده الهی محقق گردد و در

روی زمین دین اسلام، تنها دین پیروز باشد. در تفسیر مجمع البیان، همچنین از امام باقر (علیه السلام): وعده‌ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی محقق می‌گردد.

بخشش خلافت و وعده به شایستگان

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور ۵۵)

خدا بر شما مؤمنان به وی	به نیکو خصالان فرخنده پی
بدادست وعده که روی زمین	بخواهید شد حاکم و جانشین
که اقوام بسیار ناپاک و پاک	بگشتند خود جانشینان خاک
به آیین اسلام، یکتا خدا	تسلط ببخشد، فزاید بقا
همه مؤمنان را پس از خوف و بیم	دلی ایمن از مکر دشمن دهیم
که من را بخوانند یکتا اله	بتان را بخوانند پست و تباه
پس از این چو کافر شود کس به من	بود فاسق و اندر آن نیست ظن

خدا به مؤمنان و شایستگان شما وعده داده که آنان را در زمین همچون پیشینیان خلافت بخشد و دین مورد رضایت خود را برای آنان تمکین و اقتدار دهد و ترس آنان را به امنیت تبدیل کند تا مرا بپرستند و شرک نورزند

امام سجاد (علیه السلام) زمانی که آیه شریفه را قرائت نمود فرمود: به خدا سوگند! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند، خداوند آن خلافت در زمین و اقتدار بخشیدن به دین را بوسیله آنان و به دست مردی از ما، که مهدی (عجل الله تعالی فرجه) این امت است، تحقق خواهد داد. و هم اوست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باره اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان روز را آنچنان طولانی خواهد کرد که مردی از

خاندان من که همنام من است فرا برسد و زمین را آنچنان که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و داد آکنده سازد (تفسیر عیاشی ج ۳ ص ۱۳۶)

امام صادق (علیه السلام) : تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده. هنگامی که قائم ما قیام کند کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند: هرآینه دین محمد (صلی الله علیه و آله) به هرجایی که شب برسد، می رسد (همه کره زمین)؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خدا فرمود (یعبدوننی...) (بحارالانوار ج ۵۱، ح ۴۱)

و عده ای که خدا می دهد تخلفی در آن نیست همانطور که از نام علی (علیه السلام) به صراحت نام نبرده ولی نشانه ای از ولیّ مومنین در اقامه نماز و ایتای زکوه می دهد و یا در آیه ای دیگر شب ليله المبیت را و خوابیدن حضرت به جای پیامبر برای رضایت و خوشنودی خدا اشاره می کند . در مورد امام مهدی (عجل الله تعال فرجه) هم آیه فوق را به مظلومان و عده می دهد. - اسلام، دین آینده ی جهان ست. آینده ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه ی کافران ست - پیروزی نهایی اهل حق، یک سنّت الهی ست - هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیّت کامل ست - دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم - دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی ست - امنیّت واقعی، در سایه ی حکومت دین است - امنیّت در جامعه ی اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می سازد اَمناً یَعْبُدُونِی هدف نهایی وعده های الهی، عبادت خالصانه خداست.

وعده خدا در آینده جهان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی آرمان مهدویت و انتظار به صورت جدی تری فعال شد و بسیاری از نهادها و سازمانها نیز هدف خود را در مقدمه چینی برای ظهور منجی بشریت قرار دادند. اما امروز شاهد موج بیداری اسلامی

در جهان بالاخص منطقه هستیم و گزاف نیست اگر بگوییم که این موج که برآمده از تفکرات انقلاب اسلامی است امروز نوید ظهور منجی بشریت را به جهان می‌دهد. حرکتی که ملت های مسلمان منطقه به پیروی از الگوی ایران اسلامی انجام می دهند دقیقا منطبق با منطق ظهور است.

امروز ملت ها بیدار شده اند و در صدد مقابله با نمادهای ظلم و جور و کفر است. سقوط دیکتاتورهای وابسته به غرب در کشورهای اسلامی و سرکار آمدن افرادی که نطق های خود را با فریاد رسای الله اکبر آغاز می کنند بشارتی برای ظهور است و نشان می دهد که انقلاب اسلامی در یک مسیر درست در حال حرکت است و توانسته است در منطقه و حتی جهان نیز تاثیر گذار باشد و موجی را علیه بنیان های ظلم و استکبار پدید آورد. اگر نگاهی دقیق به مفهوم انتظار داشته باشیم به این نکته پی می بریم که موج بیداری اسلامی در مسیر انتظار پویا و فعال است.

پر واضح است که یک انقلاب عظیم جهانی نیازمند بستر سازی است. نمی توان انتظار داشت که ظهور در مقطعی رخ دهد که هیچ گونه بسترهایی برای آن آماده نشده است. دولتمردان در ایران وظیفه سنگینی دارند برای ارائه یک الگو مناسب برای حکومت داری که متاسفانه تا به حال محقق نشده است.

چو فرشته درآید، دیو بیرون رود

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا اسراء ۸۱

بگو خود رسولی ز حق آمدست

که باطل از او گشته نابود و پست

چو باطل بُود راه ناراستی

سزاوار محوست بی کاستی

چو فرشته در آید دیو بیرون رود آرزوی بشر از دیرباز اجرای عدالت و برچیده شدن بساط ظلم و بی عدالتی بوده، قرآن کریم نیز نوید بخش تحقق این آرزوی دیرین بوده و فرا رسیدن روزی را مژده داده که در سرتاسر جهان حق حکومت کند و باطل نابود گردد. امام عسکری (علیه السلام) صدا زدند: عمه جان! فرزندم را بیاور. من نواز را گرفتم و دیدم بر بازوی دست راستش نوشته شده **قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ** چون نوزاد را به نزد حضرت بردم، او را روی دست گرفت و فرمود: فرزندم! به قدرت الهی سخن بگو. پس فرمود: **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ** اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان؛ آنچه را از آنها (بنی اسرائیل) بیم داشتند، نشان دهیم.

امام باقر (علیه السلام) : **إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ**. هنگامی که قائم قیام کند دولت باطل برچیده می شود (الروضه ص ۲۸۷)

بر اساس روایات معتبر و فراوان، این پیروزی نهایی و حکمفرمای عدالت در سرتاسر گیتی مربوط به قیام حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شود. و بی جهت نیست که هنگام تولد حضرت بر بازوی نازنینش این آیه نقش بسته بود که این وعده الهی که پیروزی نهایی حق در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

به طور کامل محقق خواهد شد، بدان معنا نیست که در زمانهای قبل از حضرت هیچ نوع پیروزی نصیب حق نمی گردد. به عنوان نمونه حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در هنگام فتح مکه پس از ورود به مسجد الحرام در حالی که بتها را یکی پس از دیگری سرنگون می ساخت، این آیه را تلاوت می فرمود.

آری این یک سنت الهی است که اگر اهل حق بر خدا توکل کنند و در برابر باطل و ظلم ایستادگی نمایند خداوند آنها را پشتیبانی می کند و به پیروزی و رستگاری نایل می گرداند. جابر بن عبدالله به من گفت: بعد از فتح مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل مکه شدیم و به خانه خدا وارد گشتیم در حالی که ۳۶۰ بت در آن بود.

پیامبر دستور فرمود: همه بت ها را از خانه خدا بیرون آورده، بشکنند و یک بت بزرگ در آن بود که به آن هبل می گفتند. پیامبر به سوی امام علی علیه السلام نظر افکند و فرمود: یا علی بر روی شانه من سوار شو تا این که از پشت خانه کعبه آن بت بزرگ را بشکنی.

بگو خود رسولی ز حق آمدست / که باطل از او گشته نابود و پست
سایه زایل شود چو نور امید / غیب بگریخت چون حضور آمد
امام خمینی: این انقلاب اسلامی، ان شاء الله مقدمه ی ظهور است

مُلک و پادشاهی سرنوشت عادلانه

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ نجم ۲۲ در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است.

اگر هم چنین بود روز نخست چنین قسمتی باز بُد نادرست

(اگر دنیا به همین منوال بگذرد و تبیض همه گونه جاری باشد از تفاوت میان دختران و پسران و زنده به گور دختران و افکار جاهلی قدیم و مدرن و ضایع نمودن حقوق و ظلم مستکبران و مطمئناً نادرست خواهد بود و نیاز به یک منجی در دوران تاریخ و روز حساب ضروری است) قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آل عمران ۲۶

کسی را که خواهی خواری دهی	به هر بخواهی تو عزت دهی
یکی را به بخاک اندر آرد ز تخت	یکی را سر بنهد تاج بخت
گلیم شقاوت یکی در برش	کلاه سعادت یکی بر سرش

در تفاسیر: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آنکه مکه را فتح کرد، وعده‌ی فتح ایران و روم را به مسلمانان داد. در آن موقع منافقان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کردند که این آیه نازل شد. زمانی هم پیامبر صلی الله علیه و آله کلنگ را بر سنگ زد و از آن جرقه‌ای برخاست، فرمود: من در این جرقه‌ها فتح کاخ‌های مدائن و یمن را از جبرئیل دریافت کردم. منافقان با شنیدن این سخن، لبخند تمسخر می‌زدند که این آیه نازل شد

آنچه در این آیه در مورد اعطای عزّت و ذلّت از جانب خداوند آمده، طبق قوانین و سنّت اوست و بدون جهت و دلیل خداوند کسی عزیز یا ذلیل نمی‌سازد. مثلاً در روایات می‌خوانیم: هرکس برای خداوند تواضع و فروتنی کند، خداوند او را عزیز می‌کند و هرکس تکبر نماید، خدا او را ذلیل می‌گرداند. قرآن از کسانی که از غیر خدا عزّت می‌خواهند به شدّت انتقاد کرده و می‌فرماید: «أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» بنابراین عزّت و ذلّت از خداست، ولی ایجاد زمینه‌های آن به دست خود ماست .

- ۱- مالك واقعی تمامی حکومت‌ها خداست. مُلْك برای غیرخدا، موقّتی و محدود است
- ۲- اکنون که مالك اوست دیگران امانتداری بیش نیستند و باید طبق رضای مالك اصلی عمل کنند. اگر انسان مالك مُلْك نیست چرا با داشتن آن مغرور، از دست دادنش مأیوس!
- ۳- خداوند به هر کس که شایسته و لایق باشد، حکومت می‌دهد. همان گونه که به سلیمان، یوسف، طالوت و ذوالقرنین عطا نمود. تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ - حکومت و حاکمیت، دلبستگی‌آور است تَنْزِعُ الْمُلْكَ نَزْعَ نَشَانِهِ يَكُنْ نَوْعَ دَلْبَسْتِكِي. - عزّت و ذلّت به دست خداست، از دیگران توقّع عزّت نداشته باشیم. تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ

روزهای سخت مردم، نیز بگذرد

وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ آل عمران ۱۴۰ این روزها نیز بگذرد

که بر گونه گون حالها کردگار بگرداند این چرخه روزگار

از امام صادق (علیه السلام) سوال شد : از زمان خلقت آدم همیشه دولتی از خدا و دولتی از شیطان بوده پس در این زمان دولت خدا کو؟ فرمودند : آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است

ان يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ

وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ .

اگر (در جنگ اُحد) به شما جراحتی می رسد :

شما مؤمنان را گر آمد شکست بر اعدائتان نیز، گردش نشست

(عدو وقت بدر و شما در اُحد زیانها بدیدید از جنگ خود)

که بر گونه گون حالها کردگار بگرداند این چرخه روزگار

که تا مردمان را کنیم امتحان که مؤمن ز کافر بگردد عیان

کسی را که او هست ثابت به راه کند بر دگر مؤمنانش گواه

خداوند با ظالمان نیست دوست که شخص ستمکار با او عدوست

این آیه ضمن دلداری به مسلمانان، واقعیّتی را بیان می کند و آن اینکه اگر شما به منظور حقّ و برای هدفی الهی متحمّل ضرر جانی شده اید، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده اند. اگر شما امروز در اُحد پیروز نشده اید، دشمنان شما نیز دیروز در بدر شکست خورده اند، پس در سختی ها بردبار باشید.

مسلمانان با توجّه به موارد ذیل باید روحیه داشته باشند:

الف: « انتم الاعلون » شما بلند مرتبه اید.

ب: « قد مسّ القوم قرح » دشمنان شما نیز زخمی شده اند.

ج: « تلك الايام نداولها » این روزهای تلخ سپری می شود.

د: « و ليعلم الله الذين امنوا » خدا مؤمنان واقعی را از منافقان باز می شناساند.

ه: « و يتخذ منكم شهداء » خداوند از شما گواهانی را برای آینده تاریخ می گیرد.

و: « و الله لايحب الظالمين » خداوند مخالفان شما را دوست ندارد

۱- مسلمانان نباید در صبر و بردباری از کفار کمتر باشند فقد مسّ القوم قرح مثله

۲- حوادث تلخ و شیرین، پایدار نیست. وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ

۳- در جنگ ها و فراز و نشیب های زندگی، اهل ایمان از مدعیان ایمان باز شناخته شوند.

۴- خداوند از شما شهیدانی، کشته ی راه حق گرفت تا به آسانی از دین خدا دست برندارید

و يتخذ منكم شهداء

۵ - خداوند از خود شما گواهانی گرفت که چگونه نافرمانی از رهبری موجب شکست

می شود و يتخذ منكم شهداء

۶- پیروزی موقت کفار، نشانه محبت خداوند به آنان نیست «الله لايحب الظالمين»

پایان شب سیه سپید است

آنچه که در متون دینی اسلام آمده است، نشان می دهد که پایان دنیا را کسی جز خدا

نمی داند و برخی از علامت های هم در این زمینه وجود دارد نیز زمان قطعی پایان دنیا را

روشن نکرده است. از سویی دیگر بر اساس مبانی دینی اسلام قبل از پایان دنیا، حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهند کرد و ظهور منجی نه تنها در دین اسلام بلکه

در بسیاری از کتب آسمانی نیز نوید داده شده. یکی از ویژگی های عقلانیت مدرن و پست مدرن خرافه زایی است. در حالی که غول های فکری عقلانیت غربی ادعا داشتند که انسان ها باید با عقلانیت به واقعیات جهان پی ببرند اما نتایج ترویج این نوع از عقلانیت خرافه زایی و نوعی جهل مدرن را در پی داشته است.

عقلانیت مدرن منکر و نافی وحیانیت و عالم ماورای طبیعت است و هرآنچه را که در پنجه حس نگنجد نیز غیر واقعی اعلام می دارد. اما همین به اصطلاح عقلانیت موجب ترس، اضطراب و وحشت انسان مدرن شده است.

امروز شهروندان غربی با انکار معاد و قیامت آینده ای سیاه و رو به نابودی را برای انسان ترسیم کرده اند و همین وحشت از پایان بی سرانجام زندگی انسان ها موجب شده است تا خرافات و عرفان های کاذب و شیطانی اوج بگیرند. یکی از ویژگی های فطری انسان ها نیاز به جاودانه ماندن است.

اولیاء الله از مصادیق بَقِیَّةُ الله

بَقِیَّةُ الله خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ وَ مَا اَنَا عَلَیْكُمْ بِحَفِیْظٍ (هود ۸۶)

چو ایمان به تحقیق آورده اید	دل از یاد الله پر کرده اید
هرآن چیز باقی گذارد خدا	بدانید بهتر بود بر شما
اگر هم ندارید ایمان درست	بود اعتقاد شما، پایه سست
دگر من نگهبانتان نیستم	دگر حافظ جانتان نیستم

گروهی با اشاره بقیت الله آن را به عنوان یکی از ویژگی های خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند (تفسیر نعمانی مجمع البیان ج ۴ العیاشی ج ۱ ترجمه المیزان ج ۷)

و آیه ی : وَ الْبَاقِیَّاتُ الصَّالِحَاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَیْرٌ اَمَلًا (کهف ۴۶)

و لیکن عملهای نیکو به کار که خود تا قیامت بود پایدار

به نزد خدا هست نیکوی تر سرانجام آن نیز دلجوی تر

چیزهای خوب و ماندگار در نزد خدا از نظر پاداش و آرزو بهتر است. آیه یک ضابطه کلی را بیان میکند که یکی از مصادیق آن، در مورد قوم شعیب آمده (سود اندک و معامله پاک).

هر چیزی که رنگ الهی پیدا کند، برای انسان خیر و رستگاری به همراه دارد. جامعه نیز علاوه بر قانون، نیاز به مجری و حاکم دارد. یک پیشوای الهی، قطعاً سعادت آدمی را نیز در آن جامعه، به ارمغان می آورد. بهترین نامها و القاب، آنهایی هستند که مفهوم درست و پشتوانه قرآنی و دینی دارند.

حضرت شعیب در این آیه گوشزد می کند که کم فروشی نکنند و در معاملات به مردم ظلم و ستم روا ندارند. سرانجام یادآور می شود «بقیة الله» یعنی سود حلال و اندک که برابر با شرع الهی است برای شما بهتر است. هرچند که این آیه مربوط به داستان حضرت شعیب می باشد. قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نخستین سخنی که پس از قیام خویش با تکیه بر کعبه بر زبان می آورد همین آیه است. بر اساس روایات معتبر، این آیه با وجود حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می کند.

انبیا و اولیا از مصادیق بقیة الله هستند و یکی از مصادیق آن مهدی (عج) است که امام باقر (علیه السلام) در مورد او می فرماید: **أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ الْقَائِمُ حِينَ يَخْرُجُ هَذِهِ الْآيَةِ: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حِجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيكُمْ فَلَا يَسْلَمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.**

نخستین سخنی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از قیام خود می گوید این آیه است سپس می گوید: **انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه. من ذخیره الهی در سرزمین او و انتقام گیرنده از دشمنان اویم**

سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند، مگر این که میگوید : السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه (تفسیر صافی) درست است که در آیه مورد بحث، منظور از بقیة الله سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد بقیة الله حساب میشود. چه سود و منفعتی از وجود نازنین بقیه الله بهتر است؟

تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ و تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت، باقی می مانند از این نظر، بقیة الله هستند. همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ، باز می گردند، آنها نیز بقیة الله هستند. «آنچه خدا برای شما برجای نهاده برای شما بهترست اگر ایمان داشته باشید و من پاسدار شما و اجبارکننده شما نیستم

بقیة الله؛ یعنی، هر شیء مفید و نافی که از طرف خدا (به عنوان موهبت) برای آدمی ذخیره می شود و مایه خیر و سعادت و فلاح او می گردد. چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی است، پس یکی از روشن ترین مصادیق «**بقیة الله**» می باشد و از همه به این لقب شایسته ترست.

تاریخ و داستان های قرآنی از پیامبران و ارسال نبی از جانب پروردگار در گذشته گویای همین واقعیت انتظار است وعده های قرآن بیشتر حول و محور امید به آمدن منجی است،

تولد حضرت موسی علیه السلام و بزرگ شدن وی در قصر فرعون آن هم زمانی که کودکان پسر را به دستورش از بین می بردند ولی اراده و خواست خداوند این بود که در دامن همسر فرعون که زنی مجاهد و با تقوی بود رشد یابد و فرعون و فرعونیان را به اعماق دریا بفرستد .

نگرانی و ناامیدی استکبار و سلطه گران

الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائده ۳)

کنون کافران یأس بر خود تنند که بر دینتان دستبردی زنند

نگردید از آنها کنون بیمناک بترسید تنها ز یزدان پاک

کنون دینتان را به حد کمال رساندم بدین اقتدار و جلال

ادا کرده ام نعمتم را تمام ببخشیده ام بر شما این مقام

کنون بهرتان دین اسلام ناب که والاترین است شد انتخاب

امام باقر علیه السلام: آن روز، روز ظهور صاحب الزمان است که بنی امیه صفتان نومید می شوند و آنها که کافر گشته و از آل محمد صلی الله علیه و آله نومید می باشند.

نصب علی بن ابی طالب علیهما السلام به همه فهماند که اگر آن حضرت پسری می داشت، بهتر از علی نبود و با مرگ او دین او محو نمی شود؛ و تا دوازدهمین فرزندش حضرت قائم ادامه دارد. اینجا بود که همه ی کفار مأیوس شدند.

به همین علت غرب و استکبار با یاس و ناامیدی، با تهیه فیلم های هالیوودی و انیمیشن، تصویر دیگری از پایان جهان را به تصویر می کشند. و خلاف نجات مستضعفین توسط منجی واقعی تبلیغ می کنند.

اقویا و حکومت ها، از ظهور مفاهیم اسلامی و روشن شدن حقایق قرآن سخت بیمناکند، زیرا آنجا که قرآن است و آنجا که اسلام است و آنجا که ندای برابری و مساوات بلند است.

قائم به قسط و عدل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ .. (نساء ۱۳۵)

پس ای اهل ایمان به انصاف و داد	همیشه بکوشید دور از عناد
برای خدا طبق امر اله	بگردید با صدق صحبت گواه
اگرچه ببینید از آن ضرر	خود و خویش یا مادر و یا پدر

صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تبیین مفهوم قوامین به قائم به عنوان یکی از لقب‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده.

قوامین بالقسط: آنان که به نحو اتمّ به انصاف و عدالت رفتار می کنند. که قبل از قیامت توسط حجت آل محمد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقامه عدل و عدالت می شود به طور اتم و اکمل و دائم و همیشگی.

۱- به پاداشتن عدالت هم واجب است، هم لازمه‌ی ایمان است کُونُوا قَوَّامِينَ
۲- قیام به عدالت، باید خوی و خصلت مؤمن گردد.
کلمه «قَوَّام» یعنی بر پا کننده دائمی قسط و عدل که فقط توسط حضرت حجت عجل تحقق می یابد .

۳- عدالت، حتّی نسبت به غیر مسلمان نیز باید مراعات شود. به اقتضای اطلاق
۴- عدالت باید در تمام ابعاد زندگی باشد. در اقامه عدل نام مورد خاصّی برده نشده.
۵- گواه شدن و گواهی دادن به حقّ، واجب است. کُونُوا... شُهَدَاءَ لِلَّهِ
۶- نباید هدف از گواهی دادن، دستیابی به اغراض دنیوی باشد.

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه مسیح و پیراوش

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ مائده ۱۴

از آنها که با ادعائی صریح	بگفتند مائیم یار مسیح
گرفتیم هرچند عهد و قرار	شکستند پیمان پروردگار
ببردند از یاد بسیار پند	که بهر تذکر بدادیم چند
سزاوار آن کفرشان سوختیم	که در بینشان جنگ افروختیم
که تا روز محشر بماند به جا	همی بینشان دشمنی و وغا
بزودی به فرجام آن کار زشت	بگردند آگاه در سرنوشت

امام صادق علیه السلام: درباره بهره بردن اصحاب عام یعنی همان مومنان صالح که از سراسر جهان به حضرت عجل الله خودشان را می‌رسانند، می‌باشد (کنز الدقائق ج ۴)

البته گروهی از مفسران می‌گویند که این آیه درباره چگونگی غلبه اسلام بر سایر ادیان در زمان حکومت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.

فراموشی بخشی از تذکرات این است که مسیحیان از مرز توحید گذشته به تثلیث رسیدند و به جای پذیرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله نشانه‌های او را کتمان کردند.

پیوندی که بین امام زمان و حضرت مسیح علیهما السلام می‌باشد در این آیه یاد آوری شده است.

- ادعا بسیار است، اما عمل اندک- هرکس ادعایی دارد باید مسئولیتی را بپذیرد

- نتیجه‌ی فراموشی تذکرات الهی و بشارات عهدین، تفرقه و عداوت است.

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه ، موسی و پیروانش

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (اعراف ۱۵۹)

هدایت بیابند بر این نسق

خود از قوم موسی گروهی بحق

نمایند دعوت به قرآن کتاب

بیابند بر سوی آیین ناب

امام صادق(علیه السلام): آن زمان که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه قیام کند ۲۷ نفر در کنار کعبه همراه او خواهند شد، ۱۵ نفر از پیروان موسی(علیه السلام) که حق مدارند.

۷ نفر از اصحاب کهف، یوشع جانشین موسی(علیه السلام)، سلمان، مقداد و مالک اشتر یاران و فرمانروایان حضرت خواهند بود.

هدایت شدن به حق، نشانه‌ی دوری از تعصب و شناخت حق و پیروی از آن است و این گروه هدایت یافته‌ی یهود، کاری به سایر لجوجان بهانه‌گیر نداشتند.

شاید مراد از این گروه، یهودیانی باشند که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را لبیک گفتند،

البتّه در جای دیگر مطلق آمده و اختصاصی به قوم یهود ندارد. وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ در روایات متعدّد، آمده که اینان گروهی هستند که به نبوّت پیامبر اقرار کرده و همراه حضرت حجّت علیه السلام ظهور می‌کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم! صراط مستقیمی که پیروی از آن لازم است، من هستم پس از من، علیّ علیه السلام و آنگاه فرزندان من از نسل او، امامانی که مردم را به حق هدایت کرده و به حق دادگری می‌کنند.

هدایت کنندگان، خود باید ملازم و معتقد و پیرو حق باشند

- حکومت جهانی بایستی از اکثریت پیروان مذهبی باشد: مسلمانان مسیحیان یهودیان

سیمای مهدی موعود عجل الله در قرآن

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ
وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ نور ۳۵ صفحه ۱۸ مراجعه شود

هدایت نماید به آیین راست	بدین نور، یزدان کسی را که خواست
خداوند این سان مثل آورد	که از بهر افراد صاحب خرد
بداند همه چیزها را به نور	خدا هست دانا به کل امور

جابرین عبدالله گوید : وارد مسجد شدم و علی علیه السلام را ملاقات کردم . علی علیه السلام فرمود: تعجب می کنم از کسی که این آیه را بخواند و معنایش را درک نکند. و فرمودند: (مشکاه) محمد (صلی الله علیه و آله) است (مصباح) من هستم

(زجاجه) حسن و حسین هستند (کوکب درّی) علی بن الحسن

(شجره مبارکه) محمد بن علی است (زیتونه) جعفر بن محمد (لا شرقیه)

موسی بن جعفر (لا غریبه) علی بن موسی الرضا (یکاد زیتها)

محمد بن علی (لم تمسه نار) علی بن محمد (نور علی نور)

حسن بن علی (یهدی الله لنوره من یشا) مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است

جابر بن عبدالله انصاری از علی (علیه السلام) : **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ** قائم ما مهدی

عجل الله است (المحجة فی منازل فی القائم المهدی)

مشبه به: آن نور فزاینده ای که از حباب چراغ به هر سو می تابد، و این نور، حاصل روغن زیتون خوب و صافی است که فتیله آن را به آسانی به خود جذب می کند و به تدریج، شعله ور می شود در چنین چراغی، یک نور نیست، نور بالای نور است. نور شیشه از خود نیست، بلکه از نور چراغ است. قرآن می فرماید: **نُورٌ عَلَى نُورٍ**

۱ - جهان هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور است، قوام و بقای آن، از اوست.
۲- نور خدا هم گسترده و هم ثابت (نور درون حباب، هم گسترده و هم از خاموش شدن محفوظ. فی زجاجه

۳- زیتون درخت مبارکی است. شجره مبارکه زیتونه
۴- نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. يَكادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ تَمَسَّسَهُ نَارٌ ۵- گرچه خدا نور آسمان ها و زمین و مایه ی خلقت و هدایت همه ی هستی است، اما جایگاه او در زمین، دل های و شفاف افراد مومن است که با نور ایمان بر افروخته می گردد و هرچه خلوص ایمان بیشتر باشد، تلالو بیشتری دارد.

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ **هر کس را که خدا بخواهد** از این عبارت مَن يَشَاءُ که انسان اراده ای از خود ندارد، دشمنان سوء برداشت می کنند. عقیده به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا می کنند کسانی که به اسم روشن فکری و به اسم تجدّدطلبی می آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع، مورد تردید و تشکیک قرار می دهند!

اینها همان کاری را که دشمن می خواهد انجام می دهند.

استعمار روح نا امیدی را می خواهد امروز، استکبار جهانی مایل است که ملت های مسلمان، دچار این حالت بشوند (روح ناامیدی)! می خواهند این را به زور به مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می بینیم که اغلب این خبرهایی که تنظیم می کنند، برای مایوس کردن مردم است.

مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس می کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس می کنند. امروز هر نفسی، هر حنجره ای که برای نا امید کردن مردم بدمد، بدانید که این حنجره در اختیار دشمن است. چه خودش بداند، چه خودش نداند!

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ انعام ۲۳

بخوردند آنان فریب بتان

ندارند عذری برای بیان

جز آنکه بگویند بر کردگار

شریکی نجستیم در روزگار

البته آیه بعد هم به این موضوع اشاره می کند **أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ** بین چگونه دروغ بر خود بستند و آنچه را افترا می بستند فراموش کردند؟ بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریکان که همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت امام صادق علیه السلام: **فِتْنَةٌ** در **لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ**، معذرت خواهی مشرکان می باشد.

امام باقر علیه السلام: یعنی آنها هنگام ظهور امام می گویند ما منکر ولایت علی نبودیم. حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه در حدیثی: بعد از این دروغ، بر لبشان مهر زده می شود و سایر اعضای آنان حق را بازگو می کنند.

۱- قیامت، آن چنان حتمی است که گویا هم اکنون نیز حاضر است. **أَنْظُرْ** و نفرمود: **سَتَنْظُرُ** پیامبر در دنیا نیز می تواند با چشم ملکوتی، شاهد صحنه های قیامت باشد.

۲- تکیه گاه های غیر الهی نابود خواهد شد. **ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ**

۳- در دادگاه الهی، نه دروغ انسان کارساز است، نه سوگند شیطان.

۴- آن همه اصرار بر تکیه گاه های غیر الهی، خیالی بیش نیست.

توانایی خدا در اتفاق شگرف (ظهور)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ انعام ۳۷

نیاید یکی معجزه از خدا

بگفتند کفار بر مصطفی

همانا تواناست پروردگار

به آنها بگو خود بدین گونه کار

نباشند آگاه و دارند ظن

ولی اکثر خلق از این سخن

روایت امام باقر علیه السلام خداوند قادرست که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد می‌گویند که منظور دابه الارض، خروج دجال و نزول حضرت عیسی مسیح می‌باشد (تفسیر جامع ج ۲) در شأن نزول آیه گفته‌اند: برخی از رؤسای قریش، دست به تبلیغات سوء و جوسازی زده و از روی بهانه جویی به پیامبر خاتم می‌گفتند: تنها قرآن به عنوان معجزه کافی نیست بلکه باید معجزاتی چون: معجزات عیسی و موسی و صالح و ... بیاورد. هدف از آوردن معجزه، اعلام رابطه خاص میان خدا و رسول و نشانه‌ی قدرت بی‌انتهای الهی است، نه برآوردن تمایلات بی‌پایان مردم لجوج.

معجزات پیایی، سبب هدایت لجوجان نشده، بلکه موجب قهر و عقاب الهی گشته.

۱- به بهانه‌جویی‌های مخالفان پاسخ دهید. قَالُوا ... قُلْ

۲- خداوند قادر است، ولی حکیم هم می‌باشد و قدرت‌ش آنگاه جلوه می‌کند که کار و

تقاضا حکیمانه باشد. إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ ... أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

لذا طول عمر حضرت مهدی و مسیح و علیهم السلام در دست قدرت بی‌نهایت اوست اراده کند ظهور تحقق می‌یابد و اراده کند یک آنی همه تدارکات استکبار برای مقابله قفل شود تا کار پایان رسد .

انکار آیات و نشانه ها باعث قهر خدا

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ انعام ۱۵۸

مگر انتظاری جز این می کشند

بر آنها درآیند در طی دهر

قضای الهی بیاید فرود

گروهی دلایل ز پروردگار

بر آن مردم کافر آید فرا

گر ایمان بیارند بر رب جود

نیاورده بودند ایمان درست

برفتند دنبال آیین غیر

که ای خوار مردان ناچیز و دون

بمانید در صبر و در انتظار

ببینیم فرجام کار شما

کسانی کز انکار جامی چشند

که از سوی یزدان ملکهای قهر

و یا آنکه از سوی یزدان جود

پس از آن بر ایشان شود آشکار

پس آن روز گایات قهر خدا

نبخشد در آن روز خود هیچ سود

که در دین از این پیش بودند سست

نکردند کسب نکویی و خیر

به ایشان بگو ای محمد (ص) کنون

که در پاسخ این همه زشتکار

که هستیم خود منتظر نیز ما

(روزی که بیاید یکی از آیات پروردگارت ایمان کسانی که قبلا ایمان نیاورده اند سودی

نبخشد) صدوق در کمال الدین و ثواب الاعمال از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند:

آیات ائمه هستند و بعض آیات قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه است).

البته مفسران علاوه بر این با اشاره بر کل آیه آنرا نشانه ظهور حضرت مهدی و نزول

حضرت عیسی بر شمرده اند و گروهی طلوع خورشید از مغرب را اضافه می کنند.

در آیه ۹۲ سوره ی اسراء توقعات نابجای کفار مطرح شده است که می گفتند: ما به تو

ایمان نمی آوریم مگر آنکه آسمان را بر ما فرو ریزی، یا خدا و فرشتگان را نزد ما آوری. این

انتظارها در این آیه رد شده است.

مرحوم علامه(ره) موقعی که وارد بحث روایی می‌شوند ابتدا سه حدیث در تفسیر آیه نقل می‌کنند و می‌فرمایند، در تفسیر آیه فوق سه معنا آمده: معنای اول روز «**قیامت**» و معنای دوم در مورد «**روز رجعت**» و سومین معنا «**ظهور**» مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. همچنین آیه شریفه ۲۱۰ سوره مبارکه بقره. علامه آنرا به عنوان حادثه‌ای که وقوعش در دنیا متوقع می‌باشد.

- ۱- کافران لجوج، با دیدن معجزات الهی هم تسلیم نمی‌شوند. هَلْ يَنْظُرُونَ...
- ۲- ایمان و عمل، در شرایط آزاد و طبیعی، کارساز است، نه در حال اضطراب و ترس جان. يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ
- ۳- منتظر واقعی، با دیدن این همه نشانه در دنیای امروز با عمل صالح و آماده نمودن خود امیدوار است.

حج بزرگ ظهور قائم و اعلان دعوت مردم

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ توبه ۳

بگو بر مؤذن ندا بر زند	همه مکیان را خود آگه کند
که در حج اکبر بدانند نیک	چه هشدار دادست آن بی شریک
که یزدان و پیغمبرش بعد از این	بجویند بیزاری از مشرکین

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر را با آیات سوره براءت به موسم حج فرستاد تا بر مردم بخواند و نتوانست، جبرئیل نازل شد و گفت: از ناحیه تو جز علی علیه السلام نباید برساند. حضرت باقر علیه السلام روز حج بزرگ، خروج حضرت قائم (جل الله تعالی فرجه الشریف) (و بانگ هشدار) دعوت آن حضرت به خویش است و اعلان دعوت مردم است .

- ۱- برای جلوگیری از مظلوم‌نمایی دشمن و تبلیغ علیه شما، مردم را در جریان بگذارید.
 - ۲- در تبلیغ، از عنصر زمان و مکان غفلت نکنید.
 - ۳- تبلیغ مهدویت روز گردهمایی بزرگ و تجمع مسلمانان بایستی تبلیغ شود.
- حج مهدوی** مهدی عجل الله روح حج و رمز تمامیت آن است. تمام الحج لقاء الامام؛ تمامیت حج در گرو دیدار با امام است. حج با یاد او «طواف دل» و بی یاد او طواف گل است. کعبه بی عطر حضور او بتکده ای را می ماند. مگر میشود امتی در یک جا اجتماع کنند ولی امامشان در آنجا حضور نیابد؟! او بر اعمال شیعیان خود، گواه است. قائم عجل الله تعالی فرجه در موسم حج شاهد مردم است و آنان را می بیند، اما آنان او را نمی بینند (امام صادق)

با ظهور مهدی شعاع دین پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بالا گیرد

وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه ۳۶)

بجنگید با مشرکان متحد بکوشید در یاری هم بجد

همان سان که آن مشرکان در قتال نمایند خود دسته جمعی جدال

بدانید این را که پروردگار بود یار افراد پرهیزکار

از امام صادق راجع به این آیه سؤال شد پدرم امام باقر فرمودند: هنوز تاویل آن نیامده. اگر قائم ما قیام کند، آن کس که او را می بیند تاویل آن را بخوبی خواهد دید، و درک میکند و دین حضرت محمد تا هر کجا که شب سایه می افکند، خواهد رسید؛ آنسان که هیچ دوگانه پرستی بر روی زمین نخواهد ماند؛ همچنانکه خداوند فرموده (لیظهره علی الدین کله) با ظهور او شعاع دین پیغمبر **صلی الله علیه و آله** چنان بالا گیرد که در روی زمین شرک و بدبینی نماند.

و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله با آنها پیکار کنید تا فتنه‌ای نماند و تمام دین از آن خداوند باشد. در اسلام اصل بر جنگ نیست، برای رفع مزاحمان اجتماعی و سرکوبی مستکبران یا برای دفاع، حتی در ماههای حرام قَاتِلُوا الْمُشْرِکِیْنَ اجازه ندهید دشمن از مقدسات دینی و احکام فقهی شما سوء استفاده کند. اگر دشمن در ماههای حرام حمله کرد، مقدس‌مآب نشوید، بلکه مقابله کنید.

حج و برائت از مشرکین : حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست. برائت، قبل از آنکه بعد سیاسی اجتماعی داشته باشد، جنبه اعتقادی و تربیتی دارد.

پیروزی لشگران الهی

و لَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِیْنَ . اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ . وَ اِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ
صافات ۱۷۱-۱۷۳

ببینند کیفر ز پروردگار

به زودی بیابند پاداش کار

بر آن کس که باشد رسول خدا

که سبقت گرفتست پیمان ما

بگردند فاتح بگشته سعید

به تحقیق بر کافران پلید

جُند الله مردانی هستند فولاد دل که همه وجودشان یقین به خداست و هیچ شکی در دلشان راه نمییابد مردانی سخت‌تر از صخره‌ها... با معرفت، به خدا ایمان آورده اند، و ایمان به خدا در اعماق جان‌شان نفوذ کرده است.

الْغَالِبُونَ : چیره شوندگان. پیروزمندان. وعده خدا مبنی بر پیروزی لشکر اسلام و غلبه مؤمنان، یک وعده مشروط است؛ نه مطلق. مشروط به بندگان حقیقی و لشکریان

راستین خدا بودن و تلاش در مسیر الهی با افکار و برنامه‌های آسمانی
سؤال: با آنکه خداوند وعده نصرت و پیروزی مردان خدا را داده است، پس چرا گاهی
شاهد شکست آنان هستیم؟

پاسخ: **أَوَّلًا** آن وعده‌های الهی محقق شده و امروز عدد پیروان ادیان آسمانی بسیار بیشتر
از پیروان مکاتب بشری است. مخالفان انبیا از میان رفته‌اند و نام و نشانی از آنها نیست.
اما نام پیامبران زنده است و مکان‌های منسوب به آنها، مورد احترام مردم. محبوبیت و
قداست آنها نزد مردم با هیچ يك از دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان و شاعران و
سیاستمداران تاریخ قابل مقایسه نیست.

ثانیاً؛ شکست‌های آنان، همواره ناشی از کوتاهی و سستی پیروانشان در انجام
مسئولیت‌ها بوده است، نه عدم نصرت و امداد الهی. چنانکه شکست مسلمانان در
جنگ احد، ناشی از سستی و اختلاف و نافرمانی آنان بود.

ثالثاً؛ پیروزی علمی و منطقی و عقلی را فراموش نکنیم.

رابعاً؛ هلاکت و قهر الهی درباره مخالفان را از یاد نبریم.

خامساً؛ عمر جهان تمام نشده و با آمدن و ظهور حضرت مهدی تمام اهداف حق عملی
خواهد شد. یاری شدن انبیا، سنت الهی است. آینده بشر با پیروزی انبیا و شکست
دشمنان آنان است. (رجعت) - عبودیت و بندگی خدا، شرط رسیدن اولیا به مقام رسالت
بوده است. - پیروزی پیامبران و مکتب آنان بر دیگر مکاتب حتمی است. **إِنَّهُمْ لَهُمُ**
الْمَنْصُورُونَ (حرف انّ و حرف لام و جمله اسمیه، نشانه‌ی حتمی بودن است) - بندگی
خدا، زمینه‌ی دریافت نصرت الهی است. **لِعِبَادِنَا ... الْمَنْصُورُونَ** - پیامبران و پیروان آنان
لشکر خدا و لشکر خدا قطعاً در همه صحنه‌ها پیروز است. **إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ**

حزب الله هم الغالبون

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ
أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ مجادله ۲۲

نیای تو یک قوم با اعتقاد	بیاورده ایمان به رب و معاد
که با دشمنان رسول و خدا	درآیند از راه صلح و صفا
اگرچه که آن خصم باشد پدر	برادر بود طائفه یا پسر
به دل‌های این مردمان کردگار	نوشته است ایمان بس پایدار
به روح الهی خدای بشر	بر آنها گشودست باب ظفر
پس آن مردم پاک و نیکوسرشت	خداشان درآرد به باغ بهشت
که جاریست از زیر اشجار آن	بسی جویهای زلال و روان
بمانند جاوید در آن مقام	به شوق و به رغبت به میل و به کام
از آنهاست خشنود یکتا خدا	رضایند آنان هم از کبریا
که حزب خدایند خود این گروه	چنین غرقه در اقتدار و شکوه
بدانید خود حزب پروردگار	همیشه بود مفلح و رستگار

مقام رضا، بالاتر از مقام تسلیم است، یعنی بنده نه فقط تسلیم مقدرات الهی و امر و نهی اوست، بلکه در دل نیز به آن راضی است و از سر رضایت آن را می‌پذیرد. ایمان با کفر سازگار نیست. به نوح درباره‌ی فرزندش گفته می‌شود: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ هنگامی که برای ابراهیم ثابت شد عموی او منحرف است، از او برائت جست. فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ

لِلّٰهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ حَتَّىٰ يَمْلِكَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ مِنْهُ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالْأَٰدِیْنَ أَمْنٌ أَنْ یَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِیْنَ وَ لَوْ كَانُوا أُولَیٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِیْمِ

تولی و تبری

در سوره مجادله بارها سخن از تولی و تبری مطرح شده است که بیانگر اهمیت دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداست : تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، لَا تَجِدُ ... يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ . امام رضا علیه السلام فرمود: کمال الدین ولایتنا و البرائة من عدونا کمال دین، در پذیرش ولایت ما و دوری از دشمنان ماست. به امام صادق علیه السلام گفتند: فلانی به شما محبت می‌ورزد ولی نسبت به برائت از دشمنان شما ضعیف عمل می‌کند. حضرت فرمودند: دروغ می‌گوید کسی که ادعای محبت ما را دارد و از دشمن ما دوری نجسته است. این آیات سرگذشت دسته ای از منافقین را ذکر می‌کند که با یهودیان دوستی و مودت و با خدا و رسولش دشمنی داشتند، و ایشان را خاطر همین انحراف مذمت نموده، به عذاب و شقاوت تهدید می‌کند، تهدیدی بسیار شدید.

انتظار الفرج عبادت است

و يَقُولُونَ لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ
یونس ۲۰

چرا معجزه نآورد مصطفی	بگویند خود منکران خدا
مبراست یزدان ز هرگونه عیب	بگو هست دادار دانای غیب
که آید عذابی ز پروردگار	بمانید اکنون در این انتظار
که یزدان کند یاری من کنون	که من هم کِشَمِ انتظاری فزون

غیب (و معجزه که به جهان غیب مربوط است)، از آن خداست (نه در اختیار من یا تابع هوس مردم) پس در انتظار باشید، من نیز همراه شما از منتظرانم (که خداوند چگونه پاسخ بهانه‌گیری‌های شما را می‌دهد). این آیه به فضیلت انتظار اشاره می‌کند.

- ۱- بهانه‌گیران، قرآن و صدها آیه را نادیده می‌گیرند و خواستار آیه‌ی دیگری می‌شوند. -
 - ۲ معجزه، به خواست خداست، نه در اختیار پیامبر و نه تابع تمایلات مردم. -۳
- سنت و قانون خدا، مهلت دادن است. فَأَنْتَظِرُوا ...

منتظر واقعی امام زمان (ارواحنا فداه) باید با ظلم و فساد و تبعیض مبارزه نماید و تحرک داشته باشد. منتظر واقعی ساکن و بی تحرک نیست. شیعه و پیرو واقعی امام (ارواحنا فداه) باید وقت خود را صرف خودسازی فردی و اجتماعی جامعه نماید.

این تفکر اشتباه و خطای محض است که برخی در دوران انتظار سکوت نموده و نظاره گر اوضاع باشند و انتظار داشته باشند که در دوران ظهور جزء یاران امام (ارواحنا فداه) باشند. اساسا چنین موضوعی قابل قبول نیست.

منتظر واقعی باید تحرک داشته باشد. ما باید موضوع همت و کار مضاعف را با توجه به مسئله مهدویت و ویژگی‌های منتظر واقعی امام زمان (عجل الله) مورد توجه دقیق قرار دهیم.

عده‌ای معتقدند که باید در جامعه فساد کرد و تباهی را در جهان تشدید نمود تا زمینه‌های ظهور امام زمان فراهم شود! عده‌ای نیز معتقدند که باید ناظر صرف بود و تحرکی در این خصوص انجام نداد

و برخی نیز به ابعاد ماوراء الطبیعه موضوع و جنبه‌های عرفانی ظهور امام زمان می‌نگرند و در صدد پررنگ نمودن آن ابعاد می‌باشند. عده‌ای نیز صرفا به دنبال رویت امام زمان هستند.

باید گفت که همه این مسیرها ناصحیح است. ما هر شب منتظر طلوع خورشید فردا هستیم، اما معنای انتظار خورشید، آن نیست که دست بر روی دست بگذاریم و تا صبح در تاریکی به سر ببریم،

بلکه هرکس سعی می‌کند در حد امکان، اتاق خود را روشن کند. همه در زمستان منتظر فرارسیدن تابستان هستند، ولی انتظار تابستان به آن معنا نیست که در زمستان در سرما بمانیم و اتاق خود را گرم نکنیم.

امت معدود، ۳۱۳ یاران امام

وَلَيْنَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لِّيَقُولَنَّ مَا يَحْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ هود ۸

چو ما صبر سازیم کاین قوم خوار	نگردد به قهر الهی دچار
که تا موقع مرگ، آید فرا	در آنکه ببینند خشم خدا
برانند روی زبان این خطاب	چه گشته که ما را نیاید عذاب
پس آنگاه کاید زمانش به سر	ندارند راهی برای مفر
تمسخر نمودند آن کافران	عذابی ببینند سخت و گران

از امام علی (علیه السلام) در مورد اُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ نقل شده: اصحاب قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستند که ۳۱۳ نفرند اصحاب القائم الثلاث مائه و البضعه عشر آنان کسانی‌اند که حضرات امام علی (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) از آنان به پرچم‌داران تعبیر فرموده‌اند و هریک از این یاران خاص، نقش عظیمی در فرماندهی سپاه و گشودن شهرها و اداره امور و... دارند.

یاوران، مؤمنان صالحی‌اند که به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مکه و غیر آن ملحق می‌شوند.

زیر پرچمش گرد می آیند و با دشمنان خدا و پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) می جنگند. آنان، در ساعتی جمع شوند؛ مانند ابرهائی که در پاییز جمع می شوند

کلمه‌ی «أُمَّةٍ»، هم به گروهی که هدف مشترک دارند گفته می شود و هم به معنای زمان است. در این آیه، مراد از إلی أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ، زمانِ مشخص و محدود است. چنانکه در سوره‌ی یوسف آیه‌ی ۴۵ می خوانیم: وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ یعنی زندانی آزاد شده، پس از مدّتی به یاد یوسف افتاد.

طبق بعضی روایات، یکی از مصادیقِ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام است، یعنی خداوند تا آن زمان عذاب را از این امت برداشته است.

تأخیر عذاب الهی مصالحی دارد؛ همچون توفیق توبه برای گنهکاران، تولّد فرزندانِ مؤمن از والدین منحرف، علاوه بر آنکه وجود افراد صالح و دعای آنان، سبب تأخیر در نزول عذاب الهی می گردد.

۱- برخی کارهای خداوند، زمان بندی دارد. أَخْرَنَا ... إلی أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ

۲- قهر خداوند قابل تأخیر است. أَخْرَنَا

۳- مهلت و مدّت تأخیر قهر و عذاب الهی، اندک است. إلی أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ

۴- تأخیر در عذاب، نشانه‌ی لطف خداست، نه دلیل ضعف خدا. پس آن را مسخره نکنیم. وَ لَئِنْ أَخْرَنَا ...

۵- قهر الهی، از مسخره کنندگان کافر برداشته نمی شود. لَئِنْ مَصْرُوفاً عَنْهُمْ

۶- به مهلت خدا مغرور نشویم که عذاب الهی دیر و زود دارد، یَوْمَ یَأْتِيهِمْ لَئِنْ مَصْرُوفاً

۷- شیوه‌ی برخورد کفار، مسخره کردن عقاید دینی است. کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤْنَ

خصوصیات اصحاب و یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را که در روایات اسلامی آمده است: اگر افکار عمومی دنیا را نسبت به قرون ۱۶ و ۱۷ مقایسه کنیم، واقعاً جهان کنونی براساس خود آگاهی عام انسانی و اسلامی در اثر ارتباطات نزدیک و به دلائل دیگر، در حال نزدیک شدن به نوعی اجماع است، آمادگی خاصی پدید می آید که همه دنیا یکصدای یک چیز را بگویند، همه دنیا یک برداشت را انجام دهند و همه دنیا در برابر یک مسأله، یک واکنش واحد نشان دهند.

شاید همین ارتباطات و اتفاق هایی که در دنیا افتاد، زمینه ای برای **جهانی شدن** (منتها از نوع مهدوی اش نه از نوع سرمایه داری غرب) را بوجود آورده است.

اصحاب ایشان ابتدا ۳۱۳ نفر از نژادهای گوناگون هستند، این ۳۱۳ نفر کادر اصلی نهضت جهانی هستند که طبق روایات به سرعت گسترش می یابند و در مرحله دوم پس از ستاد مرکزی، در ستاد عملیاتی نهضت جهانی، ده هزار نیرو قرار می گیرد که حلقه بعد از آن ۳۱۳ نفر همین ده هزار نفرند و حلقه بعد هم قیام عالمگیر است،

در روایت آمده که اغلب یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جوان هستند. با جوانان می توان دنیا را تغییر داد. انقلاب مهدی، انقلاب جوانان است. در جای دیگر درباره اصحاب مهدی آمده: دلهایشان چون پاره های آهن محکم است و متزلزل نمی شود، نمی ترسند و قدرت را در سراسر جهان و بسرعت در دست می گیرند.

آنان امتحان بزرگی را پشت سر می گذارند بدلیل اینکه شرایط آنان پیچیده تر و مقاومت آنان سخت تر است. طبق روایتی چون پیامبر را ندیده اند و لیکن به راه حق ادامه می دهند، اجرشان از اجر یاران پیامبر بیشتر است.

ارزش ایمان در دوره غیبت

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (رعد ۲۹)

برآن مؤمنان به پروردگار که خود صالحانند و پرهیزکار

خوشا بر چنان حال و حُسن مآب که یابند آنان به روز حساب

مفسران با نقل حدیث طوبی لمن تمسک بامرنا فی غیبه قائمنا از امام صادق ارزش ایمان در دوره غیبت را استنباط کرده‌اند خوشا بحال کسی که در غیبت قائم ما به امر ما تمسک جوید و قلبش پس از هدایت منحرف نشود، (کنزالدقائق ج ۶) و در این آیه با ذکر سرنوشت و پایان کار افراد با ایمان مضمون آیات قبل را چنین تکمیل می‌کند.

گفتم: فدای شما شوم طوبی چیست؟ امام فرمود: درختی در بهشت است که ریشه آن در سرای علیّ علیه السلام است و هیچ مؤمنی نیست جز آنکه شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت در سرای اوست و آن همان قول خدا است که فرمود: طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ

چهار مطلب در این آیه نهفته است :

اول : ایمان یعنی اعتقادات، یعنی زیر چتر چه کسی هستیم برای تقویت ایمان دعا زیر را بخوانیم (اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی حجتک اللهم عرف حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی) بار الها خود را بمن بشناسان زیرا اگر تو خود را شناسانی رسولت را شناسم بار الها رسولت را بمن بشناسان زیرا اگر رسولت را بمن شناسانی حجت تو را شناسم بار خدایا حجت خود را بمن بشناسان زیرا اگر خود را شناسانی من از دینم گمراه میشوم.

دوم : عمل صالح زمانی تقویت میشود که (امنوا- یعنی ایمان) تقویت شود

سوم : تاکید عمل

چهارم : صالح بودن عمل به میزان قوی بودن ایمان است اعمال باتوجه به ایمان قوی ما شکل میگیرد. گرچه هدف از غیبت حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از اسرار پنهان الهی است که تنها پس از ظهور حضرت (ارواحنا فداه) این راز هویدا می شود.

اما برخی اشارات در روایات نشانگر اهداف کوتاه مدتی برای غیبت حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که شاید می توان مهمترین آنها را آمادگی برای پذیرش قیام ذکر کرد که بر این اساس لازم است وظایف و مسئولیتهای خطیر خویش در این عرصه را شناسایی نموده و بدانها اهتمام ورزیم.

یوم الله روز ظهور حضرت مهدی عجل الله

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (ابراهیم ۵)

خداوند همراه آیات خویش	برانگیخت موسی به پیغمبریش
که قومت ز ظلمات می ساز دور	برو رهنمون شو به دنیای نور
بر آنها تذکر بده کاین سزااست	از آن روزهایی که روز خداست
که بر هرکه باشد صبور و شکور	بود روشن و فاش آیات نور

در روایات، روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام و روز رجعت و روز قیامت را از مصادیق ایام الله گفته اند امام صادق (علیه السلام): ایام الله یوم یقوم القائم و یوم الكنزه و یوم القیامه روزهای خداوندی (ایام الله) سه روز است؛ روز ظهور قائم، روز مرگ و روز قیامت {در خصال صدوق از امام باقر (علیه السلام) و (تفسیر جامع ج ۳)}

حتمیت ظهور حجت خدا

ابن عباس نقل کرده که رسول خدا (صل الله علیه و آله) فرمود: پس از من خلفا و اوصیا و حجت‌های الهی دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من مهدی است. عرض کردند: ای رسول خدا، برادر شما کیست؟ فرمود: علی (علیه السلام) گفتند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی صاحب الزمان (ارواحنا فداه) کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. و سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث فرمود، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی کند تا فرزندم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در آن روز ظهور نماید و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر آن حضرت نماز خواند و زمین به نور پروردگارش درخشان گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم رسد. (کمال الدین باب ۲۴ ح ۲۷)

طبق این روایتی که از امام باقر (علیه السلام) رسیده است؛ تا مردم عاقل نشده اند، معارف دین را درست نشناخته اند و معنای امامت را درست ارزیابی نکرده اند، توفیق انتظار ولی عصر (ارواحنا فداه) نصیب آنها نخواهد شد.

دومین شرط که مربوط به مدیریت و مدبریت و شهامت و شجاعت در اجرای احکام الهی است، بیانی است که باز از وجود مبارک امام باقر (علیه السلام) رسیده است که یاران راستین ولی عصر و اصحاب آن حضرت، **اجری من لیث و امضی من سنان** یعنی از شیر شجاع تر، و از نیزه تیزترند **خودسازی؛ زمینه ساز ظهور** آنچه تمام بشریت به آن چشم دوخته و در آرزوی تحقق آن به سر می‌برند، رهاورد دوران ظهور و حکومت مصلح جهانی است. و امتیاز مهم تشیع از دیگران این است که این رهاورد را به صورت مشخص و دقیق بیان کرده تا بشریت برای تحقق و فرارسیدن چنین دورانی بیشتر تلاش کند. این دستاوردها به صورت گسترده و دقیق در کلمات ائمه (علیهم السلام) بیان شده است.

در روایت است روزی بر امت خواهد آمد که از دین جز پوستین و ارونه‌ای باقی نمی‌ماند، شاید به این معنا که ظالمان و منافقان به نفع خود برخی احکام دین را ندید گرفته و یا احکامی خارج از دین را وارد آن می‌کنند.

بیعت کننده با امام مهدی (ارواحنا فداه)

أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ نحل ۱

بزودی زمانش بیاید فرا	که جاری شود امر یکتا خدا
نورزید تعجیل هرگز در آن	چو وقتش شود، حکم گردد روان
همانا منزّه بود کردگار	که وی را شریکی بود در کنار

گروهی از مفسران در اینجا با اشاره به روایتی از امام صادق (علیه السلام) به ۳ مورد اشاره می‌کنند؛ ۱- ندای آسمانی از علائم ظهور ۲- بیعت سایر بیعت کنندگان با حضرت ۳- نزول جبرئیل از آسمان به عنوان اولین بیعت کننده با امام مهدی (ارواحنا فداه). (کنزالدقائق ج ۷- ترجمه المیزان ج ۱۲)

حضرت قائم (ارواحنا فداه) پشت به حرم (خانه کعبه) می‌دهد و دست خود را دراز می‌کند مثل دست موسی ... آنگاه می‌فرمایند: این دست خداست و از جانب خداست و به امر خدا کشیده شد و این آیه را تلاوت می‌کند: ان الذين يبائعونك انما يبائعون الله يدالله فوق ايديهم، فمن نكت فانما ينكت على نفسه پس اول کسی که دست آن حضرت را می‌بوسد جبرئیل است و با آن جناب بیعت می‌نماید و پشت سر او فرشتگان و نجبای جنّ و نقیبان آن حضرت بیعت می‌کنند. جمله‌ی اَتَى أَمْرُ اللَّهِ اختصاصی به فرمان قهر الهی ندارد، بلکه شامل همه فرمان‌های خداوند، همچون فرمان جهاد، فرمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) و فرمان برپایی روز قیامت، می‌شود که نباید در این امور عجله کرد.

قیام مهدی از فرزندان امام حسین علیه السلام

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ نحل ۴۵

کسانی که در زشت اعمال خویش

ره مکر و نیرنگ گیرند پیش

مگر در امانند از آن بلا

که بلعد زمینشان به امر خدا

و یا آنکه گردد عذابی روان

ز جایی که نبوند آگاه از آن

امام باقر(علیه السلام) فرمود: عهد و پیمان پیغمبر(صلی الله علیه و آله) بعد از حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) رسید. پس از آن حضرت به محمد بن علی (علیه السلام) منتقل گشت. آن گاه خداوند آنچه خواهد می کند.

وقتی ائمه طاهرین (علیهم السلام) در صحنه دنیا محکوم دشمنان شدند مردی از آنها قیام می کند که ۳۱۳ مرد فداکار با وی باشند و بیرق پیغمبر با اوست و به طرف مدینه تا اینکه از بیدار می گذرد و می گوید: آن قوم دشمنان خدا هستند که به زمین فرو می روند.

- عذاب و کیفر الهی، پس از اتمام حجت است .

احتمال عذاب و کیفر الهی، برای دست برداشتن از توطئه کافی است.

أَفَأَمِنَ . توطئه گران علیه دین بدانند که حیلۀ آنان، در برابر علم و قدرت الهی، پوچ است.

- زمان و مکان و نوع قهر خدا در دنیا قابل پیش بینی نیست که امکان فرار باشد. هیچ فرد یا عاملی، مانع قهر خدا نیست .

شرق و غرب جهان در دست نمازگزاران و ...

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج ۴۱)

کسانی نمایند یاری حق که باشند بر این عمل مستحق

کسانند ایشان که گر در زمین به آنها ببخشیم قدرت چنین

بدارند بر پای امر صلات ببخشند بر بینوایان زکات

نمایند آن مردم خوش سرشت خود امر به معروف و هم منع زشت

همانا سرانجام اعمال و کار بود در ید قدرت کردگار

امام باقر (علیه السلام) در باره قول خدای عزوجل فرمود: آیه در حق آل محمد (صلی الله علیه و آله) است. در حق مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و یاران او که خداوند شرق و غرب زمین را تحت سلطه آنان قرار می دهد و به وسیله آنان دین را پیروز گردانده و بدعتها و باطلها را می میراند (تأویل الآیات الظاهرة، کتاب خطی)

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می دارند، وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْتُ وَ النَّسْلَ وَ عَاقِبَتِ، مردم را به دوزخ می کشانند. أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ یاری خداوند از طریق احیای دین اوست. وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ،

۱- پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. **إِنْ مَكَّنَّاهُمْ**

۲- اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر

۳- رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست.

۴- اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. **«أَقَامُوا»** نه یقیمون

۵- حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه.

جامعه دارای ولایت، جامعه‌ای است که تمام استعدادها در آن امکان رشد دارد و انسانها را به تکامل می‌رساند.

در جامعه ولایی، ولیّ و حاکم، جامعه را در راه خدا قرار می‌دهد،

و آحاد آن را اهل ذکر و یاد خدا می‌کند، عدالت اجتماعی برقرار و حقوق و شرف انسانها محترم شمرده می‌شود،

نیکی‌ها اشاعه می‌یابد و از پلیدی‌ها جلوگیری می‌شود.

در چنین جامعه‌ای ولیّ امر، مجری قانون خداست و از خود هیچ اراده و اختیاری جز اجرای دستورات شریعت و رعایت مصالح امت اسلامی نخواهد داشت

الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکوه...

خلفای زمین از جانب خدا خواهد بود

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (نمل ۶۲)

کسی را که مضطر شده در بلا	اجابت چه کس می نماید دعا
رهایی ببخشد ز گرداب غم	چه کس برطرف می کند آن الم
که حاکم بگردید اندر زمین	شما مسلمین را کند جانشین
که باشد به پروردگاری سزا	مگر ایزدی هست غیر از خدا
بجویند راه درستی و داد	ولی عده ای کم ز جمع عباد

امام صادق علیه السلام: آیه درباره قائم از آل محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده. به خدا سوگند، او همان مضطرّ درمانده ای است که چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد و فرج خویش از خدا بخواهد، خداوند دعایش را اجابت کند و بدیها را برطرف سازد و او را در زمین خلیفه قرار دهد

پیامبر فرمودند: ای سلمان آیا می خواهی جانشینان خودم را معرفی کنم؟ سپس نام دوازده امام را بیان کردند. سلمان گوید مشتاق بودم که آنان را زیارت کنم. سپس پیامبر فرمودند: با حضور آنان این آیه معنا پیدا می کند (تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۲۹) آری در آن هنگام که تمام درهای عالم اسباب به روی انسان بسته می شود کارد به استخوانش می رسد، و از هر نظر درمانده و مضطر می گردد، تنها کسی که می تواند قفل مشکلات را بگشاید، و این بستهها را برطرف سازد، و نور امید در دلها بپاشد، و درهای رحمت بروی انسان درمانده بگشاید، تنها ذات پاک او است و نه غیر او.

از آنجا که این واقعیت بعنوان یک احساس فطری در درون جان همه انسانها است، بت پرستان نیز به هنگامی که در میان امواج خروشان دریا گرفتار می شوند تمام معبودهای خود را فراموش کرده، دست به دامن لطف الله می زنند همانگونه که قرآن می گوید:

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ: هنگامی که سوار کشتی می‌شوند خدا را می‌خوانند در حالی که پرستش را مخصوص او می‌دانند (۶۵ عنکبوت)

سپس می‌افزاید: نه تنها مشکلات و ناراحتیها را برطرف می‌سازد بلکه شما را خلفای زمین قرار می‌دهد (وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَافَاءَ الْأَرْضِ) منظور از خُلَافَاءَ الْأَرْضِ ممکن است به معنی ساکنان زمین و صاحبان آن باشد، چرا که خدا با آن همه نعمت و اسباب رفاه و آسایش و آرامش که در زمین قرار داده و انسان را حکمران این کره خاکی ساخته، و او را برای سلطه بر آن آماده کرده است.

مخصوصاً هنگامی که انسان در اضطرار فرو می‌رود و به درگاه خدا رو می‌آورد و او به لطفش بلاها و موانع را بر طرف می‌سازد، پایه‌های این خلافت مستحکمتر می‌شود (و از اینجا رابطه میان این دو بخش از آیه روشن می‌گردد)

گرچه خداوند دعای همه را (هرگاه شرائطش جمع باشد) اجابت می‌کند ولی در آیات فوق مخصوصاً روی عنوان مضطر تکیه شده، به این دلیل که یکی از شرائط اجابت دعا آن است که انسان چشم از عالم اسباب بکلی برگردد و تمام قلب و روحش را در اختیار خدا قرار دهد، همه چیز را از آن او بداند و حل هر مشکلی را به دست او ببیند، و این درک و دید در حال اضطرار دست می‌دهد.

خُلَافَاءَ الْأَرْضِ: امام زمان در هر دوره که واجب الطاعة می‌باشد کیست و تعیینش با چه مقامی است؟ در قرآن مجید امامت را در عنوان کلی اُولی الامر ذکر فرموده و چون آن را با رسول همراه ذکر فرموده ولی امر باید مانند رسول باشد در تمام فضایل و کمالات جز مقام رسالت، تا اطاعت از او همانند اطاعت از رسول واجب باشد. امامت مسلمین، مقامی است الهی که باید خداوند توسط رسولش معین بفرماید؛ زیرا اگر تعیین امام با مسلمین باشد،

اولا: اتفاق همه آرای مسلمانها بر یک نفر محال یا نزدیک به محال عادی است و در نتیجه هر گروهی به دلخواه خود تابع امامی می شود و فسادش آشکار است.

ثانیا: بر فرض امکان، اتفاق بر یک نفر از کجا اطمینان حاصل می شود که آن شخص، لایق امامت مسلمین است؛ یعنی بتواند جامعه را به صلاح و سداد و عدل حرکت دهد و از خطرات و دشمنها نگهدارد، چه بسا جامعه را به وادی جهالت و هلاکت برساند مانند کوری که راهنمای کوران یا بیماری که طبیب بیماران چون خودش شود.

ثالثا: منتخب مردم شرعا واجب الطاعة نیست؛ زیرا تنها خداوند حق حاکمیت بر بشر را دارد؛ چون آفریدگار آنهاست و خودش این حق را به رسول خود و اولی الامر داده و اطاعتشان را بدون هیچ قید و شرطی و به طور کلی واجب فرموده پس باید اولی الامر مانند رسول، از هر گناه و خطایی معصوم باشد؛ زیرا کسی که معصوم نیست اگر اطاعتش به طور کلی و بدون هیچ قید و شرطی واجب باشد در موارد خطا و گناهش هم باید از او اطاعت کنند و خدا منزّه است که چنین دستوری بدهد.

وعده یاری خدا به معصومان

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَاد (غافر ۵۱)

همانا خداوند صاحب معاد رُسل را بود یار و مؤمن عباد

چه در روی خاك و چه روز نشور که دارند آنجا گواهان حضور

در آیات قبل خواندیم که: مؤمن آل فرعون ابتدا ایمان خود را کتمان می کرد و سپس در رژیم طاغوتی فرعون یک تنه مردم را ارشاد کرد و آل فرعون برای بازگرداندن او از عقیده اش تلاش ها کردند، اما خداوند دین او را حفظ کرد. این آیه که آخرین قسمت آن ماجراست می فرماید: فکر نکنید حمایت ما تنها مخصوص او بود بلکه سنّت ما حمایت

از انبیا و همه‌ی مؤمنان است، گرچه در سختی باشند.

پیامبران و نصرت الهی در قرآن سخن از نصرت الهی درباره‌ی انبیا و مؤمنان بسیار است

- نصرت نوح فَنجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ او و کسانی را که در کشتی بودند نجات دادیم
- نصرت ابراهیم علیه السلام یا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش
- نصرت لوط إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ما او و بستگانش (جز همسرش) را نجات دادیم
- نصرت یوسف وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ و ما این گونه برای یوسف در زمین مکتت قرار دادیم که هر جای آن را که می‌خواهد برگزیند
- نصرت شعیب نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ شُعَيْب و مؤمنان ش را نجات دادیم.
- نصرت صالح نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ صَالِح و مؤمنان همراه او را نجات دادیم
- نصرت هود نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ما هود و مؤمنان همراه او را نجات دادیم
- نصرت یونس وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ ما یونس را از غم نجات دادیم
- نصرت موسی وَانْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ موسی و یاران ش بودند نجات دادیم
- نصرت عیسی إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ من تو را می‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم
- نصرت رسول اکرم إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا همانا ما برای تو پیروزی آشکاری گشودیم
- نصرت مؤمنان وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ همانا خداوند شما را در جنگ بدر

در حالی که ذلیل بودید یاری کرد

- ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنین نازل کرد هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدُّوا إِيمَانًا اوست که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانشان زیاد شود

در سوره‌ی انبیا درباره‌ی دعای حضرت نوح و یونس و زکریّا و ایوب علیهم السلام می‌خوانیم:
 همین که خدا را ندا کردند، دعایشان مستجاب شد فَاسْتَجَبْنَا و در سوره‌ی شوری آیه ۲۶
 می‌خوانیم: وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ خداوند دعای کسانی را که اهل
 ایمان و عمل صالحند مستجاب می‌فرماید **نصرت الهی در مورد پیامبران و مؤمنان به**
صورت‌های مختلف جلوه می‌کند

گاهی با ایجاد الفت و گرایش دل‌ها وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ
 الثَّابِتِ

گاهی با استجابت دعا، فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً
 گاهی با معجزه و استدلال، أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
 گاهی با عطای حکومت، آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا

گاهی با غلبه در جنگ، وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ

گاهی با سکینه و آرامش قلب، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيْدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا

گاهی با هلاکت دشمن یا انتقام از او، فَأَغْرَقْنَاهُمْ

گاهی با امدادهای غیبی و نزول فرشتگان، أَلَّا نَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ
 الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ

گاهی با ایجاد رعب در دل دشمن، وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ

گاهی با گسترش فکر و فرهنگ و پیروان، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

گاهی با نجات از خطرها، فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ

و گاهی با خنثی کردن حيله‌ها و خدعه‌ها، وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

وقوع قیام و قیامت نزد خداست

و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ * قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَ لَا هُمْ يُنْظَرُونَ (ملک ۲۵ و ۲۶) در مورد روز قیام منجی بشریت، و سرنوشت کافران، چنین آمده و ناباوران می گویند :

بگویند کفار اندر خطاب

چه وقت است آیا زمان عذاب

چو هستید ای مؤمنان راستگو

چه موقع رسد وعده خشم او؟

بگو علم آن نزد یکتا خداست

از این ماجرا با خبر کبریاست

وظیفه مرا هست تنها همین که

بر خلق باشم نذیری مبین

در قرآن، شش مرتبه جمله، مَتَى هَذَا الْوَعْدُ از زبان مخالفان آمده و پیامبر در پاسخ آنان می فرمودند: علم به قیامت و غیب و قیامی که وعده داده شده فقط نزد خدا. علم غیب دو نوع: نوعی که خداوند به برگزیدگان خود عنایت می کند: تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ یعنی آنچه گفتیم از خبرهای غیبی است که به تو وحی کردیم. و نوعی که فقط مخصوص خداست و حتی انبیای الهی به آن آگاهی ندارند، نظیر علم به زمان برپایی قیامت و قیام.

ندانستن جزئیات و زمان وقوع دلیل بر انکار کلیات آن نیست.

اگر صدای زنگ در خانه بلند شد و شما کسی را که زنگ می زند نمی بینید، دلیل آن نیست که بگویید کسی پشت در نیست

سؤال کردن از زمان وقوع قیام و یا قیامت، طفره رفتن از اصل است

- دشمن از طریق طرح سؤال و تحقیر و استهزا در صدد تضعیف مکتب و رهبر آسمانی است،

وعده نصرت و غلبه همه جانبه

أَنَّهُمْ مُّلتَقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

بماندند ثابت قدم در جهاد بقره ۲۴۹ بگفتند بر دیگران آن عباد

چه بسیار بوده که اندک قشون به یاری حق بر سپاهی فزون

بگشتند پیروز در کارزار خداوند با صابران است یار

چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود با جمعیت روز افزون بشر که اکنون دقیق از سه میلیارد بیشتر است، چگونه ممکن است مثلاً ۳ میلیارد نفر تسلیم یک جمعیت اندک شوند و از عادات و اخلاق و برنامه ها و سنن خود دست بردارند؟

غلبه آن حضرت و حکومت جهانی اسلام، ممکن است بطور اعجاز انجام یابد و ممکن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود، چنانکه پیشرفت و غلبه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و قوای اسلام به هر دو نوع بود.

اما بطور اعجاز، حصول چنین غلبه مطلق برای آن حضرت، به خواست خدا، امری است ممکن و معقول و با وعده‌های صریح و بشارت‌های حتمی که در قرآن و احادیث متواتر داده شده، بدون شبهه حاصل خواهد شد.

در صدر اسلام و ... چه بسیارند گروه اندکی که به اذن خداوند، بر گروه بسیاری چیرگی می‌یابند. یقیناً در موقع ظهور اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. آن حضرت، اصحابش و عموم بندگان شایسته خدا را بر تمام علل غالب و حاکم، و وارث و مالک ارض قرار می‌دهد.

حصول چنین فتح و غلبه و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود،

انتظار فرج داشتن

فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (مائده ۲۴)

پس آن قوم گمراه گشته ز آز	به موسی دگر باره گفتند باز
که هرگز نیاییم در آن دیار	که دارند آنها در آنجا قرار
پس اکنون تو همراه با کردگار	بجنگید با مردم آن دیار
که ما نیز خواهیم اینجا نشست	ببینیم یا فتحتان یا شکست

انتظار فرج داشتن یعنی انتظار در رکاب امام بودن و جنگیدن و احیاناً شهید شدن، یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهد بودن در راه حق، نه آرزوی اینکه تو برو کارها را انجام بده، بعد که همه ی کارها انجام شد و نوبت استفاده و بهره گیری شد آن وقت من می آیم! مانند قوم موسی که این جملات را گفتند.

اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل حرمت یأس از روح الله است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرائطی امید خویش را از دست نمی دهند چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح الله در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی، و به علاوه، توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است.

وجود دو نوع انتظار یکی سازنده و دیگری ویران کننده را ناشی از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی است.

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم ها و تبعیض ها و اختناق ها و حق کشی ها و تباهی ها ناشی می شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است.

دوستان خدا

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (یونس ۶۲)

بدانید یارانِ پروردگار نباشند بر ترس و آندۀ دچار

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ای ابابصیر، خوشا به حال شیعیان بقیه الله عجل الله تعالی فرجه که در غیبت منتظر ظهورش هستند و در ظهورش پیرو او باشند آنها کسانی هستند که خداوند فرمود الا ان اولیاء همانا دوستان خدا.

اولیاء خدا کسانی هستند، که میان آنان و خدا حائل و فاصله ای نیست، حجابها از قلبشان کنار رفته، و در پرتو نور معرفت و ایمان و عمل پاک، خدا را با چشم دل چنان می بینند که هیچ گونه شک و تردیدی به دلهایشان راه نمی یابد، و به خاطر همین آشنایی با خدا ماسوای خدا در نظرشان کوچک و کم ارزش و ناپایدار و بی مقدار است.

این آیات ویژگی های اولیای خدا را بازگو می کند. شعار آنان این است: إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا... و نتیجه ی این خوف، تقواست و ثمره ی تقوا: لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ این عدم خوفِ اولیای خدا، هم در دنیاست و هم در آخرت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اولیای خدا سکوتشان ذکر است، نگاهشان عبرت، سخنشان حکمت و حرکتشان در جامعه، مایه ی برکت است.

علی علیه السلام فرمود: خداوند ولیّ خود را میان مردم پنهان کرده است، پس هرگز مسلمانی را تحقیر نکنید،

شاید او از اولیای خدا باشد، کسی که ولیّ خدا باشد، خدا هم ولیّ اوست إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ کسی که خوف الهی داشته باشد، خوف دیگری نخواهد داشت لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

گرایش گروه گروه مردم به معصومین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

عیان گشت رایات فتح و ظفر

چو با یاری کردگار بشر

بیایند در دین یکتا اله

ببینی همه دسته دسته ز راه

تو آمرزشی خواه از کردگار

ستایش کن آنگاه پروردگار

ببخشاید از بندگانش خطا

که توبه پذیرست یکتا خدا

در حدیث می خوانیم: هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند، مردم دنیا فوج فوج به او ایمان می آورند. نصرت خداوند، منوط به یاری مردم از دین اوست
«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»

۱- پیروزی در سایه نصرت الهی است «نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ»

۲- نابودی سران کفر و شرک، زمینه برای ورود مردم به توحید و یکتاپرستی است .
۳- مسلمانان وظیفه دارند در حدّ توان و امکان خود تلاش کنند تا زمینه ورود دیگران به اسلام فراهم شود

۴- اگر موانع برطرف شود، مردم گروه گروه ایمان می آورند «يَدْخُلُونَ... أَفْوَاجًا»

۵- تا قبل از فتح مکه مردم یکی یکی مسلمان می شدند، ولی بعد از فتح ، گروه گروه

۶- فتح و پیروزی شما را مغرور نسازد که هرچه هست از خداست فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

۷- تنزیه خدا از عیب و نقص و ظلم، باید همراه با سپاس از نعمت ها و ستایش باشد

۸- سپاس و ستایش و تسبیح خدا، مقدمه استغفار و آمرزش طلبی است بِحَمْدِ... وَ

۹- صالحان که به قدرت می رسند به جای غرور و غفلت، جان و روح خود را با یاد خدا

معطر می کنند. خداوند منزّه است از اینکه یاران دینش را تنها بگذارد ... فَسَبِّحْ

فتح و نصرت واقعی از جانب خداست، پس به ابزار و تجهیزات و نیروی انسانی تکیه نکنید که ممکن است همه امکانات باشد ولی باز هم شکست بخورید وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ انقلاب با تکیه به وحدت و رهبری امام پیروز شد نه با سلاح

ظهور امام زمان هم به همین ترتیب است، امکانات بشری و تجهیزات شاید طور دیگری عمل کند و به نفع و تسهیل در ظهور شود.

در فتح مکه، امید بت پرستان به یأس و مرکز شرک به پایگاه توحید تبدیل شد. مواعی که بر سر راه مؤمنان بود، برچیده شد، اسلام تثبیت گشت و برای صدور به کشورهای دیگر آماده شد. فرمان استغفار یا برای نورانیت بیشتر قلب است یا برای زدودن غرور پیروزی یا برای گناهان امت و یا به خاطر معرفت بالای حضرت نسبت به خداست.

عموم مفسرین، این سوره را مربوط به زمان فتح مکه در سال ۸ هجری می دانند که گروهی از مردم به خاطر حقانیت اسلام، ایمان آوردند و بعضی از ترس به اسلام تظاهر کردند،

تشبیه آبادانی در عصر ظهور

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ یونس ۲۴

بود زندگانی دنیا چو آن که	آبی فرستیم از آسمان
گیاهان برویند روی زمین	نباتات رویند ز آن همچنین
تناول نمایند آن را تمام	ز انسان و حیوان و هرگونه دام
ببندد زمین زیور از خرمی	که مغرور گردد از آن آدمی
به ناگاه روزی رسد یا که شب	که فرمانی آید ز درگاه رب
که ناگاه آن خرمی سربه سر	درو گردد از آن نماند اثر

نبودست آباد و سرسبز و شاد
برای کسانی که دارند فکر

تو گویی که دیروز خاکِ بلاد
خداوند آیات خود کرده ذکر

در برخی روایات، این آیه رمز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار آمده است که هرگاه زمین غرق در زرق، برق و مادیات شد، با امر الهی و انقلاب مکتبی همه چیز عوض شده و زمان حکومت عدل الهی و مساوات بین عالم گسترش یافته و ظلم و ستم مستکبرین با تمام تجهیزات و زرق و برق به پایان می رسد. همچنین روایات بسیاری در زمان ظهور و حضور آقا در ارتباط با بارش باران و آبادانی و عمران داریم. مثالهای قرآن، زمینه‌ی تفکر است، پس آنها را ساده نگیریم. لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

قیام حضرت امام عصر ارواحنا فداه از مصادیق غیب

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (بقره ۳)

کسانی که دارند ایمان به غیب
نمازی بخوانند «عاری ز عیب

ز رزقی که ایزد بر ایشان نهاد
نمایند انفاق و بخشش زیاد

قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می کند: عالم غیب و عالم شهود. متّقین به کلّ هستی ایمان دارند، ولی دیگران تنها آنچه را قبول می کنند که برایشان محسوس باشد

امام صادق علیه السلام درباره‌ی جمله «عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» فرمود: غیب آن است که واقع نشده و شهادت چیزی است که محقق گشته باشد و قیام حضرت امام عصر (ارواحنا فداه) از مصادیق غیب شناسانده شده است. توجه به عالم غیب، توجه به امام زمان (ارواحنا فداه) امام در حدیثی وجود پر خیر و برکت صاحب الامر (ارواحنا فداه) را غیب می داند. وقتی از آن حضرت راجع به آیات مبارکه ۲ و ۳ بقره سوال شد، حضرت فرمود: منظور از متّقین در آیه هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ شیعیان علی (علیه السلام) است و منظور از غیب در آیه بعدش يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ اشاره به حجت غائب حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

سپس امام صادق (علیه السلام) با تمسک به آیه ۲۰ یونس فرمود: **وَشَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: "يَقُولُونَ لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ؛** و شاهد آن، این کلام از خداوند است که می فرماید:

و می گویند: چرا جانب از پروردگارش معجزه ای (که به ناچار مردم را به ایمان وا دارد) نازل نگردیده؟ بگو: جز این نیست که (امور پشت پرده) غیب در اختیار خداوند است، پس منتظر باشید که من نیز حتما با شما از منتظرانم

اتفاقا در همین دو مورد یعنی توجه به نماز و انفاق اموال (زکات و خمس و ...) به مستحقان، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) احادیثی فرموده اند که باید برای همه ی ما راهبرد باشد.

۱. آگاهی به غیب مهم تر و مسائل غیبی بیشتر است

۲. ایمان، از عمل جدا نیست. در کنار ایمان به غیب، وظایف و تکالیف عملی مؤمن بازگو شده است. **يُؤْمِنُونَ ... يَقِيمُونَ ... يَنْفِقُونَ**

۳. اساسی ترین اصل در جهان بینی الهی آن است که هستی، منحصر به محسوسات نیست. **يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ** معصومین (علیهم السلام) گرچه هر کدام از آنان وسیله ای برای بندگان خدا در جمیع حوائج می باشند، ولی هر یک از آنها را خصوصیتی برای بعضی از حوائج می باشد، چنانکه دعای توسل گواه این مدعاست (بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۴) و برای امام عسکری (علیه السلام) در اعانت برای آخرت و برای امام عصر ما و پناه ما و دادرس ما و امید ما و عصمت ما و نور ما و زندگی ما، امام مهدی (ارواحنا فداه) در تمامی این حاجات و نیازمندی ها و غیر آنها، هر آنچه که نام حاجت بر آن اطلاق شود. اختصاص و خصوصیتی می باشد. (المراقبات، میرزا جواد ملکی

تبریزی، ج ۱، ص ۸۶)

امام بر حق

فَوَرَّبَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ إِنَّهُ لَحَقُّ مَثَلٍ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ (ذاریات ۲۳)

قسم باد بر کردگار مهین که او آفرید آسمان و زمین

که این وعده حقست چون آن بیان که هر لحظه رانید روی زبان

امام سجاد فرمودند: منظور از حق در این آیه قیام حضرت حجه ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

قیام حجت برحق جزء روزی انسان هاست که خدا طبق وعده اش عنایت می کند. زیرا روزی فقط خوراک و غذا نیست. سلامتی، پدر، مادر، خانواده ی خوب، هوای پاک، داشتن رهبری الهی، و همه جزو روزی هستند.

۱- هرگونه خیر و برکت یا قهر و عذاب الهی، به عنوان پاداش یا کیفر از آسمان نازل می گردد. **فِي السَّمَاءِ ... مَا تُوعَدُونَ**

۲- آسمان و زمین، تحت ربوبیت و تدبیر الهی در مسیر کمال است. **فَوَرَّبَ السَّمَاءِ**
۳- تأمین و تقدیر روزی زمینیان در آسمانها، نمودی از ربوبیت گسترده خداوند در آسمان و زمین است.

۴- قدرت نطق و سخن گفتن، از مواهب ویژه پروردگار به انسان است که خداوند برای حقیقی بودن سخن و وعده ی خود، به سخن گفتن بشر مثل می زند.

جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد، و طبق روایات و نویده های تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار بشر و همه مسلمانان و شیعیان جهان است.

وعده قطعی پیروزی

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ «مجادله ۲۱»

چنین برنوشته است حکم قضا

بگردیم پیروز بر کافران

بود بیکران قدرت کردگار

در آن لوح محفوظ یکتا خدا

همانا من و جمله پیغمبران

خدای جهانست با اقتدار

سنت خداوند پیروزی حق بر باطل است. با آن همه تهمت‌هایی که به پیامبر زدند و با آن همه کارشکنی‌ها و مانع‌تراشی‌ها و ایجاد فتنه‌ها و جنگ‌ها، آیا تاکنون نام پیامبر و سایر انبیا بیشتر مطرح است یا مخالفان‌شان؟ نام حضرت ابراهیم باقی است یا نمرود؟ امام حسین علیه السلام عزیز است یا یزید؟ امام به هدفش که رسوا کردن بنی امیه و دادن درس آزادی به بشریت بود رسید، اما یزید چطور؟

پیروزی حق بر باطل نیز در سایه ایمان، استقامت و اتحاد است، چنانکه قرآن می‌فرماید: الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ . لَا تَهُنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ اما اگر سستی و تفرقه و نافرمانی پدیدار شد، شکست حتمی خواهد بود، حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ بر اساس روایات، وعده خدا در مورد غلبه کامل حق بر باطل، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد.

در مجمع البیان در تفسیر آیه كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي می‌گوید: روایت شده که مسلمانان وقتی دیدند که خدای تعالی فتوحاتی نصیبشان کرد، به یکدیگر گفتند: به زودی خدا روم و فارس را هم برایمان فتح خواهد نمود. منافقین گفتند: شما خیال کرده اید که روم و فارس مانند دیگر شهرهایی است که بر آنها غلبه یافته اید؟ آیه نازل کرد.

قساوت قلب مانع بینش

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ
الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره ۷۴)

و لیکن از آن سخت دل تر شدید

چنین نیک اعجاز آمد پدید

وز آن نیز بدتر به زشتی و ننگ

که سخت است دل‌هایتان همچو سنگ

بود آنکه جوشد یکی چشمه هم

چه از پاره ای سنگها دست کم

که جوشد از آن پاك آبى زلال

شکافند برخی دگر طی سال

بگردند از ترس یکتا خدا

گروهی از آن سنگ ها جابجا

نبودست غافل یگانه خدا

پس ای سنگدلها ز کار شما

آیات قبل، بسیاری از الطاف الهی درباره بنی اسرائیل، از قبیل: رهایی از شرّ فرعون، شکافته شدن دریا، قبول توبه آنان از گوساله پرستی، نزول بهترین غذاها، سایه بان قرار دادن ابرها و رهبری معصوم را یادآور شد و در نهایت، ماجرای قتل نفس و چگونگی کشف قاتل با يك روش اعجازآمیز را بازگو کرد.

در این آیه به جهت بی‌توجهی شما به این همه نشانه و آیه که از روی لجاجت و کینه بود، دل‌های شما را قساوت فراگرفت و سنگدل شدید و ای بسا که دل‌هایتان از سنگ نیز سخت‌تر شد.

۱- قساوت و سنگدلی، مرض روحی سختی که به جهت لجاجت‌های پی‌درپی، برای انسان پیدا می‌شود.

۲- مشاهده‌ی آیات و الطاف الهی، در افراد لجوج به جای تقویت ایمان، موجب قساوت قلب می‌گردد.

۳- کاری نکنیم که نسل ما، شرمنده رفتار ما شود. نیاکان سنگدل شدند،

۴- علم، به تنهایی نورانیت نمی‌آورد. بعد از دیدن آن همه معجزه، باز سنگدل شدند.

۵- قساوت، مراحلی دارد. «كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً»

۶- با ساده‌ترین تشبیه، عمیق‌ترین معارف را می‌توان بیان کرد. «كَالْحِجَارَةِ»

۷- انتقادات باید مستند باشد.

قرآن که می‌فرماید: دل‌های بعضی از سنگ سفت‌تر است، دلیل آن را که جاری شدن آب از کنار سنگ است، بیان می‌دارد. «وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ...»

همچنان که قرآن، برای مؤمنان مایه‌ی شفا و رحمت و برای ظالمان، موجب زیان و خسارت است. (اسراء ۸۲)

باران که در لطافت طبعش، خلاف نیست / در باغ، لاله روید و در شوره‌زار، خَس

شروع آسانی و آسودگی

بسم الله الرحمن الرحيم أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ . وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ . الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ .
وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ . فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ . وَإِلَى
رَبِّكَ فَارْغَبْ . (سوره انشراح)

ز زنگارها جمله پالوده ایم

نه آیا تو را سینه بگشوده ایم

بکردیم دور از تو باری گران	تو گوئی که بشکست پشتت از آن
نمودیم نامت بلند و نکو	به رغم سخنهای خام عدو
همانا پس از سختی آسایشی است	پس از محنت و رنج آرامشی است
چو فارغ شدی ای خداوند هوش	کنون در مناجات و طاعات کوش
تو می باش مشتاق پروردگار	میندیش از مردم نابکار

در اوائل اسلام مسلمین در کمال فقر و سختی بسر می بردند و نیز گویند: از اثر فقر مزبور مشرکین آنها را مورد سرزنش و ملامت قرار می دادند سپس این آیات نازل گردید. وقتی که این آیات نازل شد، پیامبر خوشحال گردید و می فرمود: ابشروا، اتاکم الیسر، لن یغلب عسرٌ یسرین، یعنی بشارت دهید که خوشبختی به شما روی آورده و هرگز یک سختی بر دو خوشی و یسر غلبه نخواهد کرد.

از پسِ هرگریه آخر خنده ای است / بعد از هر سریالایی، سرایشی است.

در سوره (ضحی) مراد از بار سنگین که بر دوش پیامبر سنگینی می کرد و خداوند با دادن شرح صدر، آن را از دوش پیامبر برداشت، مسئولیت رسالت و دعوت مردم به توحید و مبارزه با فساد و شرك و خرافات است. باید به سهولت های پس از آن که مورد وعده و سنت الهی است نیز توجه نمود. عُسرها سبب یُسر است. یعنی هر سختی در درون خود تجربه ها و سازندگی هایی دارد. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

رهبران حق که در برابر طوفان مخالفت ها و مشکلات و شکنجه ها و تهدیدها و توطئه ها و تهمت ها و لجاجت ها و جنگ ها و ... قرار می گیرند بیش از هر چیز به سعه صدر نیاز دارند.

۱- کار پیامبر در حد کمرشکن بود. «أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»

۲- نام نیک و آبرو لازمه توفیق در رهبری جامعه است. «رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»

۳- سنت و برنامه الهی آن است که بدنبال هر سختی، آسانی است. «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»
(در جای دیگر قرآن می‌خوانیم: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» سختی‌ها و مشکلات زوال پذیرند و به آسانی تبدیل می‌شوند)

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند / بر اثر صبر نوبت ظفر آید

۴- انسان باید بعد از فارغ شدن از هر کار و مسئولیتی، آماده پذیرش مسئولیت دیگر و تلاش و کوشش دیگر باشد. تلاش‌ها باید جهت الهی همراه با اخلاص داشته باشد.

ظلم و سختی‌ها و ناراحتی‌ها دوام ندارند و روز گشایش در کار است

قهر الهی بر مستکبران

جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ ۸۲ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَ مَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ هود ۸۳

چو شد صبح فرمان پروردگار	بیامد که ویرانه شد آن دیار
بکردیم آن شهر زیر و زبر	که از آن نماندست هرگز اثر
هم از آسمان سنگهای هلاک	بر آنها بیامد به بالین خاک
همان سنگهایی که بر ظالمان	فرود آمدی در زمین ز آسمان
نشان دار بودی به امر خدا	که از ظالمان دور نبود سزا

در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی حجر آمده است که قوم لوط را صیحه فرا گرفت. شاید به واسطه‌ی همین صدای مهیب که منطقه را زیر و رو کرده، سنگ‌هایی از درون زمین به طرف آسمان پرتاب شده و سپس بر سر آنها فرود آمده است، نظیر آتشفشان و انفجارهایی که به

دنبال آن واقع می‌شود. و شاید هم در حین باریدن سنگ، صیحه‌ی آسمانی نیز منطقه را فرا گرفته باشد. چرا صرفاً به اینکه بفرماید **زیر و رویش کردیم** بسنده نکرد و از سنگباران آنجا نیز خبر داد؟

- قدرت الهی می‌تواند به جای باران، سنگباران کند - انحرافات اخلاقی و جنسی، ظلم است. «مِنَ الظَّالِمِينَ» - هر کس همچون دنیای غرب، همجنس‌بازی را جایز و آزاد بداند، باید منتظر قهر خدا و زیر و رو شدن منطقه‌ی فساد باشد. «وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ» آری برای خداوند بسیار سهل است از کار انداختن تکنولوژی....

یاری مهدی هنگام قیام

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِماً كَثِيراً وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (نساء: ۱۰۰)

هرآن کس که هجرت کند از دیار	به امید بخشایش کردگار
بیابد بسی جایگه در زمین	که با خاطر خوش بگردد قرین
هرآن کس که در راه یزدان خویش	ره هجرت از شهر بگرفت پیش
چو در آن سفر مرگ آید ز پی	خدا رحمتی خاص بخشد به وی
که پیوسته پروردگار جهان	غفور است و بخشنده و مهربان

یکی از مسلمانان مکه بیمار شد گفت مرا از مکه بیرون ببرید تا جزء مهاجران باشم. همین که او را بردند، در راه درگذشت. سپس این آیه نازل شد. همه‌ی هجرت‌های مقدّس، مثل هجرت برای جهاد، تحصیل علم، تبلیغ و ... مصداق این آیه است. امام صادق علیه السلام: کسی که برای **معرفت امام زمان خود** از خانه و شهر خود خارج شود، ولی اجل

به او مهلت ندهد، از مصادیق این آیه است. - هجرت، زمینه‌ساز گشایش و توسعه است. مَنْ يُهَاجِرْ ... يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِماً **نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.** - ما مکلف به وظیفه‌ایم، نه نتیجه. مهم خروج از منزل است، نه وصول به مقصد.

منکران و تکذیب کنندگان حق

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ یونس ۳۹

ندارند علمی به دور زمان	نمایند انکار چیزی کز آن
نه چیزی بجز ظاهرش دیده اند	که خود باطنش را نفهمیده اند
نمودند تکذیب رب بشر	پس آن مردمانی کزین پیشتر
بگشتند آن ظالمان روی خاک	بین ای پیمبر چگونه هلاک

این آیات درباره **رجعت** نازل گردیده است. و آنگاه می فرماید: امتهای سابق نیز به همین صورت پیامبران و کتب آسمانی را تکذیب نمودند، در دار دنیا نتیجه تکذیبشان گمراهی و هلاکت بود، پس بنگر که عاقبت آنها چگونه شد تا بتوانی حدس بزنی که سرانجام این ستمگران چگونه خواهد بود. مخالفت با انبیاء و اولیای الهی در گذشته و آینده بر اساس جهل است.

آگاهی بر تاریخ و سرنوشت مخافان انبیا، لازم است إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ خداوند طالوت را به خاطر توانایی‌هایش برگزید.

الْقَتْلَ يَقِلَّ الْقَتْلُ كِشْتَن ستمگر، جلو زیاد شدن قتل را می‌گیرد، آیه نازل شد: وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ

برگزیدن جنگجویان، هنگام وعده انجام شدنی

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (آیه ۵ اسراء)

چو آن قتل اول بگردد تمام	شود وقت خونخواهی و انتقام
یکی بنده جنگجو و استوار	علیه شما برکند کردگار
شما را بجویند در خانه ها	بیابند در بیت و کاشانه ها
که این وعده حتمی است از کردگار	ببینند آن را سرانجام کار

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا: پس زمانی که آید وقت موعود اولین فساد که ظلم و تعدی به غایت رسد و خون ناحق ریزند.

حضرت باقر علیه السلام: مراد از عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ حضرت قائم ارواحنا فداه و اصحاب آن بزرگوارند. و بنا به روایت برهان جماعتی هستند که مبعوث فرماید خدای تعالی ایشان را پیش از خروج قائم عجل الله فرجه، پس طلب نکنند خون بهای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را مگر آن که بکشند او را. بنابراین روایات، مراد از آیه، بندگان مؤمنین اند که خدای تعالی به جهت انتقام از دشمنان آل محمد علیهم السلام برانگیزاند.

این تفسیر، باطن آیه شریفه است. (تفسیر اثنا عشری، ج ۷، ص: ۳۳۱) قرآن، برای آن گروهی که فسادگران بنی اسرائیل را سرکوب می کنند، مصداقی بیان نکرده است. اما در تفاسیر، آن را به بخت النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و ... تطبیق داده اند،

۱- از سنّت های الهی، نابودی مستکبران طغیان گر است. بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ

۲- تحقّق وعده های الهی، به معنای کنار بودن انسان از وظیفه ی جهاد نیست. بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا

۳- جهاد و مبارزه با مستکبران، مخصوص اسلام نیست. بَعَثْنَا ... أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ

۴- دست بالای دست بسیار. بنی اسرائیل طغیان کردند، خدا هم برتر از آنان را برایشان مسلط می‌سازد.

۵- فراهم آوردن قدرت برای سرکوبی فتنه‌گران و سلب امنیت از آنان، حتی از طریق گشت خانه به خانه، کاری نیکو است. «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»

۶- پیشگویی‌های آسمانی، حتماً به وقوع می‌پیوندد. «وَعْدًا مَفْعُولًا»

تفسیر شریف لاهیجی : مراد از فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ اینست که هر گاه قائم (ارواحنا فداه) بیاید وقت ایفاء وعده اول از برانگیختن دو طایفه بر قاتلان امام حسین علیه السلام که عند الله مقرر گردیده برانگیزانیم .

پیش از خروج قائم آل محمد عباد ما را که صاحب شوکت و قوت سخت باشند و نگذارند کسانی را که صاحب جنایت و ظلم باشند در حق آل محمد مگر آن که آن را بکشند و بساط زمین را از لوث ایشان مطهر گردانند

مانند مختار بن ابی عبیده ثقفی و اشباه آن و مراد از وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا اینست که وعده بعثت طایفه ثانیه که آن خروج قائم آل محمد است وعده‌ایست ثابت و محقق. (تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص: ۷۷۸)

آیه شریفه دیگری که به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) اشاره دارد این است که: "در موقع طغیان یهود، ما يك عده را برای سرکوبی آنها می‌فرستیم .

لغزش سست ایمانان

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (حج ۱۱)

گروهی ز مردم به گفت و زبان	به ظاهر پرستند رب جهان
از این روی چون بار نعمت کشند	شده معتقد بر خدا، دل خوشند
ولی چون ببینند رنج و بلا	به کلی بتابند روی از خدا
زیانکار هستند از هر جهت	چه در دار دنیا چه در آخرت
نفاق و دورویی در انجام کار	زیانش بود بر همه آشکار

- ۱- ایمان بعضی‌ها سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد.
 - ۲- انسان در معرض هجوم حوادث تلخ و شیرین است. أَصَابَهُ ... أَصَابَتْهُ
 - ۳- فقر و ناملايمات و سائل آزمایشتند. أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ
 - ۴- ارتداد و بازگشت از راه خداوند، قهر شدید الهی و عذاب دوزخ را به دنبال دارد.
- از آنجا مانده و از این جا رانده. در این شرائط حساس انقلاب، به گفته ی دوست و دشمن داخلی و خارجی، رهبری با درایتی خاص و سخنان سنجیده، امنیتی را موجب شده ند که آرزوی همسایگان می باشد.

ولی بعضی سست ایمانانی که طبق آیه در لب پرتگاه قرار دارند با دشمن نه تنها همساز شده بلکه گاهی دشمن خارجی را تحریک می کنند برای تحریم ها و فشارهای بیشتر.

تنها خواندن خدا، حق است

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ رعد ۱۴

خدا و رسولش چو دعوت کنند	به سوی حقیقت صلا می زنند
هرآن کس که خوانند غیر از خدا	دروغین بود دعوتش بر خطا
ندارند نه قدرت و حجتی	برآرند از مردمان حاجتی
همانند آن کس که با شور و تاب	فروبرد دستش به چاهی از آب
مگر جرعه ای نوشد از آب آن	ز نوشیدن آید ولی ناتوان
اگر کافران دعوتی می کنند	فقط بر ضلالت صدا می زنند

انسان محدود در زندگی پرحادثه دنیا نیازمند پناهگاهی مطمئن است، انبیا پناهگاه واقعی را به او معرفی می کنند، لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ اَمَّا كَمَكُهَاي دِیْكَرَان (طاغوت‌ها) یا برای استحمار یا استثمار یا تبلیغات و حفظ موقعیت خود و یا ... می باشد.

و در واقع آنچه برای آنها مطرح نیست، انسان است. انسان، فطرتاً تشنه حق و خواستار حقیقت است لِيَبْلُغَ فَاهُ ولی راه وصول به آن را گم می کند.

اما جز ایمان به خدا و عشق و انس به او و دعا و درخواست از او، هیچ چیز دیگری انسان بی نهایت طلب را سیراب نمی کند. چرا که غیر از الله هر چه باشد سراب است و دعا از غیر او بیهوده.

(وجود فرقه های کاذب و باصطلاح عرفانی و در تمام دوره ها و جذب عده ای به خاطر همین نیاز بشر می باشد)

حضرت مهدی صاحب شب قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

که رحمتگر و مهربان خلق راست

کتابی شب قدر بر مصطفی

که اندر شب قدر باشد تمام

مقامش فراتر ز ماهی هزار

به پیغمبر و بر امامان به شب

که تقدیر خلق است در آن نهان

که این شب رحمت است و درود

سر آغاز گفتار نام خداست

همانا که نازل نمودیم ما

چه آگاه سازد ترا زان مقام

شب قدر در پیش پروردگار

ملائک و جبریل بر امر رب

نمایند از هر اموری بیان

بود تا سحر ذکر حق و سجود

چنانکه از آیه های **سوره قدر** بروشنی فهمیده می شود، در هر سال شبی هست که از هزار ماه به ارزش و فضیلت برتر است. آنچه از احادیثی که در تفسیر این سوره، و تفسیر آیات آغاز سوره دخان فهمیده می شود، این است که فرشتگان، در شب قدر، مقدرات یکساله را به نزد **ولی مطلق زمان حضرت مهدی** (ارواحنا فداه) می آورند و به او تسلیم می دارند. در روزگار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) محل فرشتگان در شب قدر، آستان مصطفی نبی خاتم بوده است. هنگامی که در شناخت قرآنی، به این نتیجه می رسیم که **شب قدر** در هر سال هست، باید توجه کنیم پس **صاحب شب قدر** نیز باید همیشه وجود داشته باشد و گرنه فرشتگان بر چه کسی فرود آیند؟ پس چنانکه قرآن کریم **تا قیامت هست و حجت** است، **صاحب شب قدر هست و همو حجت** است.

حجت خدا در این زمان جز حضرت ولی عصر (عج) کسی نیست. چندانکه حضرت رضا علیه السلام می فرماید: امام، امانتدار خداست در زمین، و حجت خداست در میان مردمان، و خلیفه خداست در آبادیها و سرزمینها... خواجه نصیرالدین طوسی: در نزد خردمندان روشن است که لطف الهی منحصرست در تعیین امام علیه السلام و وجود امام به خودی خود لطف است از سوی خداوند، و تصرف او در امور لطفی است دیگر. **و غیبت او، مربوط به خود ماست.**

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ می فرماید که: فرشتگان من و روح من به سلام من بر تو سلام می کنند ای محمد، از اوّلی که فرود می آیند تا طلوع فجر. اگر قرار است این شب را خدا به پیامبرش داده باشد که اثرات انحراف هزار ماه حکومت بنی امیه را خنثی کند، اگر قرار است این شب باطن حضرت زهرا باشد. اگر قرار است همه ملائکه و روح در این شب در نزد ولی الله الاعظم در زمین گرد آیند، و اگر قرار است در این شب، در کنف حمایت ویژه امام زمان مان باشیم و به او متصل شویم و مقدرات مان در محضر او امضاء شود واضح است که باید سرتاسرش سلام و سلامتی و ایمنی باشد.

در برخی احادیث تعبیر شده که حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ اشاره به مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ عجل الله یا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عجل الله است. چرا؟ زیرا که:

الف. قیامت همواره با روز تعبیر شده، اما حقایق عمیق دنیا همواره با تعبیر شب مورد توجه قرار گرفته. می خواهد بفرماید که واقعا کلمه سلام را می توان با آیه قبل معنی کرد، و این که «شب، تا طلوع فجر خواهد بود» نیز سخن لغوی نیست؛ چون خبر می دهد که شب بودن دنیا [که همه حقایق و خوبی ها مخفی است و فساد و بدی و ظلمت است که میدان دار است] تا طلوع فجر قائم ادامه دارد.

ب. شاید اشاره به این باشد که اگر کسی حقیقت شب قدر را درک کرد، دین و حقیقت فطرتش تا **ظهور قائم از فتنه‌های آخرالزمان** در سلامت خواهد ماند

اگر مقدرات سال ما در این شب رقم می‌خورد، چرا چنین چیزی ممکن نباشد؟
ج. دارد انگیزه ما را بالا می‌برد تا در این شب، **محضر امام عجل الله** را درک کنیم: آیا ممکن است کسی به حقیقت شب قدر برسد، اما محضر امام را درک نکند؟

و اگر کسی محضر امام را درک کرد، به مطلع فجر قائم نرسیده؟ آیا کسانی که یک سال خود را آماده می‌کردند تا شب قدر را درک کنند، چنین تصویری داشته‌اند؟

د. درباره چرایی سلام بودن این شب تا صبح، مفسران این نظرات را گفته‌اند:

- مردم از شرور و بلایا و آفات شیطان این شب تا صبح در امان‌اند

- این شب تا صبح سالم است از اینکه شیطان بتواند در آن حادثه سوئی ایجاد کند

- ملائکه که این شب تا صبح نزول می‌کنند به اولیاء الله و کسانی که اهل طاعت خداوند هستند سلام می‌دهند.

- چون خدا در امشب همه خیرات و برکات را مقدر می‌کند،

پس «هر امری [که مقدر می‌شود] در امشب تا صبح سلام است»

سلامتی و برکت امشب در کل شب است و فقط در یک لحظه خاصی از آن نیست.

(مجمع البیان ۱۰ / ۷۹۱)

مهدی(عجل الله تعالی فرجه)، شاهد و گواه

در آیات بسیاری اشاره شده که خداوند در میان هر امتی کسی را به عنوان شاهد قرار داده تا در روز قیامت بر آنها احتجاج کند

(الف) فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً نساء۴۱

چگونه است احوال این قوم خوار	در آن روز کاید زمانِ شمار
که هر ملتی را بگردد گواه	یکی شخص از سوی یکتا اله
تو هم نیز شاهد شوی در جزا	بر این امت خویش ای مصطفی

(ب) وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ؛

به مردم بگو روزی آید فرا	نحل ۸۴	که آن روز از سوی یکتا خدا
برانگیخته می شود شاهی		ز هر امتی شاهد واحدی
در آنجا از ایشان پذیرفته نیست		هر آنچه نمایند سعی تهیست

(ج) يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَى هَؤُلَاءِ

زمانی ز هر امت واحدی	نحل ۸۹	برانگیزد ایزد یکی شاهی
در آن روز شاهد به امت تویی		گواه همین قوم و ملت تویی
ترا داد یزدان کتابی مبین		که روشن کند شیوه حق و دین
بود هادی و رحمت مؤمنان		دهد مژده بر مسلمان جهان

از این آیات به خوبی استفاده می شود که در هر زمان و برای هر امتی خداوند افرادی معصوم از خطا و اشتباه قرار داده است تا در روز قیامت به اعمال آنان گواهی دهند.

کسی که قرار است شاهد بر اعمال اُمّت باشد نباید در شهادتش اشتباه کند، و نیز باید احاطه علمی بر همه اعمال امت داشته باشد. اینان کسانی‌اند که در امر هدایت بشر حجت خدا در روی زمینند.

فخر رازی در ذیل آیه وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً؛ و [در آن روز] از هر امتی (قصص، ۷۵) گواهی برمی‌گزینیم. می‌گوید: آنان شاهدانی هستند که در هر زمان بر مردم شهادت می‌دهند که از جمله آنها انبیاء هستند (تفسیر فخر رازی، ج ۲۵، ص ۲۱۳)

و نیز در ذیل آیه یَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً؛ «روزی را که از هر امتی گواهی بر آنان برمی‌انگیزیم. می‌گوید: هر جمعی که در دنیا به وجود می‌آید لازم است که کسی به عنوان شاهد در میان آنها وجود داشته باشد

شاهد در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خود حضرت بود به دلیل آیه: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً (بقره، ۱۴۳)،

و نیز لازم است که در هر زمان بعد از رسول، شاهدی، «همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم

(در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه است در میان امت باشد.

از اینجا به خوبی روشن می‌شود که هر عصری خالی از شاهد بر امت نیست، و آن شهید باید از خطا مصون باشد، وگرنه احتیاج به شاهد دیگری است و در نتیجه به بی‌نهایت منتهی خواهد شد که این باطل است.

اطاعت از رسول و ولی الامر که امری سیاسی است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ.. وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا نساء ۵۹ از آیه فوق به خوبی استفاده می شود که در هر عصر و زمانی باید امام معصومی در قید حیات باشد تا او را اطاعت نماییم، اطاعتی که همانند اطاعت خداوند است.

شأن نزول: امام صادق علیه السلام: درباره علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده، ابو بصیر گوید: من گفتم یا بن رسول الله، مردم می گویند: در این آیه اسمی از اینان برده نشده. امام فرمود: به مردم بگو وقتی که آیات نماز بر پیامبر نازل شد. در قرآن تعداد رکعات نمازهای پنج گانه تعیین نشده بود، لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله خود، تعداد رکعات را بیان فرمود و نیز موقعی که آیه زکات نازل گردید تعیین مقدار زکات در اشیاء هم گفته نشده بود. بلکه پیامبر مثلاً خود درباره زکات درهم از قرار هر چهل درهم يك درهم بیان فرمود و نیز هنگامی که آیه حج نازل شد مقدار تعیین طواف به هفت مرتبه از تفسیر و تبیین رسول خدا بوده است. هکذا درباره این آیه هم پیامبر درباره امام علی علیه السلام فرمود: من كنت مولاة فعلي مولاة؛ هر کسی که من مولای او هستم بعد از من علی مولای اوست و نیز فرمود: اوصیکم بكتاب الله و اهل بيتي؛ ای مردم شما را به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش می نمایم. و نیز در روایت دیگری ابوبصیر شبیه این حدیث را از امام باقر علیه السلام هم روایت نموده است یا رسول الله آنان چه کسانی اند؟ فرمود: امامان بعد از تو که اوصیاء من هستند و در حوض کوثر به من وارد می شوند سپس این آیه را قرائت فرمود. و نیز در تفاسیر خاصه، چنین آمده که این آیه درباره امیرالمومنین علی علیه السلام نازل شد. هنگامی که پیامبر او را در مدینه به جای خود گمارده بود. علی گفت: یا رسول الله مرا در مدینه به جهت زنان و کودکان گذاشتی؟ فرمود: یا علی آیا خشنود

نمی شوی که برای من به منزله هارون نسبت به موسی باشی؟ موقعی که موسی به هارون گفته بود، (اخلفنی فی قومی و اصلح؛ جانشین من باش در میان قوم من و کارها را اصلاح کن) و خداوند درباره تو فرماید: **وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ**. و نیز موضوع نزول آیه از ابن عباس به طریق دیگری درباره عبدالله بن حذافه هم نقل شده است، شیخ بزرگوار از امامین باقر و صادق علیهما السلام روایت کند که مراد از اولی الامر در آیه شریفه ائمه از آل محمد علیهم السلام می باشند که خداوند اطاعت از آنان را واجب شمرده، همچنانی که اطاعت از خدا و رسول او را واجب گردانیده است.

آیه ی قبل، بیان وظایف حاکمان بود که باید دادگر و امانتدار باشند، این آیه به وظیفه ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می کند. با وجود سه مرجع خدا، پیامبر و اولی الامر هرگز مردم در بن بست قرار نمی گیرند. آمدن این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد، چون اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در عرض آن و اطاعت از این دو لازم است.

در تفسیر نمونه به نقل از ابن عباس آمده است که وقتی پیامبر اسلام، هنگام عزیمت به تبوک، علی علیه السلام را در مدینه به جای خود منصوب کرد و فرمود: انت منی بمنزله هارون من موسی این آیه نازل شد. در آیه قبل سفارش شد که امانات به اهلش سپرده شود، این آیه گویا می فرماید: سپردن به اهلش، در سایه اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر است. تکرار فرمان **أَطِيعُوا رِجَالَهُمْ** رمز تنوع دستورهاست. پیامبر گاهی بیان احکام الهی می کرد، گاهی دستور حکومتی می داد و دو منصب رسالت و حکومت داشت. قرآن گاهی خطاب به پیامبر می فرماید: **أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ** ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ آنچه را نازل کرده ایم برای مردم بیان کن. و گاهی فرماید: **لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ** بما أَرَاكَ اللَّهُ میان مردم بر اساس قوانین الهی، حکومت و قضاوت کن. قرآن درباره مفسدان، مسرفان، گمراهان، جاهلان، جبّاران

و ... دستور لا تُطِغْ و لا تَتَّبِعْ می‌دهد. بنابراین موارد أَطِيعُوا باید کسانی باشند که از اطاعتشان نهی نشده باشد و اطاعتشان در تضاد با اوامر خدا و رسول نباشد.

پیامبر انذار کننده و امام هادی

يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ رعد ۷

نداده ترا آیت ای مصطفی (ص)

به طعنه بگویند یزدان چرا

فقط پند ما را بر ایشان رسان

تو تنها، نذیری محمد بدان

بود رهبری و بود رهنما

که هر امتی را ز سوی خدا

خداوند برای هر امتی فردی را انتخاب کرده تا آنها را هدایت کند: وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ امام صادق(علیه السلام) در تفسیر آیه فرمود: در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا آورده هدایت می‌کند. به حکم عقل پس از پیامبر حضور امام لازم. شیعه معتقد که امام مایه آرامش و امنیت هستی و واسطه فیض الهی است و نعمات و برکات خداوند متعال به واسطه آنها به انسان داده می‌شود. و اگر لحظه‌ای زمین خالی از حضور امام شود اهلش را فرو می‌برد.

ابن

بابویه بعد از ۸ واسطه از امام مرتضی علیه السلام: اگر از من سؤال نمی‌کردید هر آینه به شما خبر نمی‌دادم، این آیه درباره من نازل گردیده زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله منذر و من هادی و راهنمای دستورات او به خلق می‌باشم

طبری در تفسیر خود وقتی که این آیه نازل گردید، پیامبر دست خود را بر روی سینه خویش نهاد و فرمود من منذر و سپس با دست اشاره به شانه علی علیه السلام نمود و فرمود یا علی تو هادی می‌باشی که به وسیله تو این امت راهنمایی می‌یابند. (جامع البیان، ج

۱۳، ص ۱۴۲)

با صادقین (ائمّه) باشیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه ۱۱۹

که دارید ایمان به روزِ شمار

الا مؤمنان به پروردگار

بگردید با صادقان همنشین

بترسید از کردگار مهین

در روایات شیعه و سنی آمده که مقصود از صَادِقِينَ، محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام می باشند. آیه ۱۷۷ سوره ی بقره، اهل ایمان، انفاق، نماز، وفای به عهد و صبر در برابر مشکلات را **صادق** می شمارد و آیه ۱۵ سوره حجر و ۸ سوره حشر، مهاجرانِ رنج کشیده و جان برکف را **صادق** شمرده است.

- ۱- دوستی، با راستگویان، یکی از عوامل تربیت و جلوگیری انسان از انحراف است.
- ۲- رهبران الهی معصوم ند، از رهبران الهی جدا نشویم. وگرنه خدا فرمان نمی داد.
- ۳- تکامل جامعه در سایه ی ایمان، تقوا و اطاعت از رهبر معصوم است.
- ۴- در هر زمان باید معصومی باشد که مسلمانان با او همراه باشند.

صادقین در آیه همان حاملان وحی و جانشینان رسول و امینان شرع و حامیان دین و ائمه هدایت و چراغ های هدایتند، کسانی که خدا رجس و پلیدی را از آنان دور کرده و از هر عیب و نقصی پاکشان کرده. و اینان کسانی غیر از اهل بیت عصمت و طهارت پیامبر، نیستند.

فخر رازی (مفسر اهل تسنن) از آیه فوق استفاده عصمت کرده: در هر زمان باید صادقین معصوم موجود باشند (تفسیر فخر رازی، ج ۱۶) (شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۵)
(تذکره الخواص، ص ۱۶)

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ اعراف ۱۸۱

همی گونه گون مردم آمد پدید

از این مردمانی که حق آفرید

که یابد هدایت بر آیین راست

یکی طایفه هست بی کم وکاست

نیویند جز راه و رسم نکو

همیشه ز باطل بتابند رو

یعدلون: داوری به حق است وَ بِهِ يَعْدِلُونَ و با حق حکومت و داوری می کنند.

در روایات : مراد از این آیه اهل بیت پیامبر علیهم السلام و شیعیان آنان می باشند. و وجود

منجی عالم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد

حضرت علی علیه السلام ضمن اشاره به گروه های مختلفی که در امت پیدا خواهند شد،

فرمودند: تنها گروهی که اهل نجاتند، شیعیان اهل بیت علیهم السلام می باشند.

۱- هدایت گری با روشها و وسائل باطل و یا به سوی باطل، ممنوع است . بِالْحَقِّ

۲- هدایت، حکومت و قضاوت، باید در مسیر حق باشد يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ ۳-

کسانی ارزش بیشتری دارند که علاوه بر هدایت پذیری، در فکر ایجاد نظام حق نیز باشند.

آری، تنها شناخت و عمل شخصی کافی نیست، نشر حق نیز مهم است.

۴- جامعه به گروهی هدایتگر و داور به حق، نیازمند است. آیه دلالت دارد بر اینکه هیچ

زمانی خالی از کسی که قیام و عمل به حق کرده و مردم را به آن هدایت کند نیست (تفسیر

فخر رازی، ج ۱۵، ص ۷۲) در هر قرن یک نفر معصوم وجود دارد؛ زیرا مفاد آن این است که

هادین و عادلین بعضی از خلقند نه تمام آنها، و هر کسی که معصوم نیست هادی و

عادل کلی نیست. (تفسیر کنز الدقائق، ج ۳، ص ۶۵۷)

زمین از حجت الهی خالی نبوده

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ فاطر ۲۴

تو مبعوث گشتی بحق از خدا	که باشی بشیر و نذیری ز ما
نبودست هرگز یکی امتی	نبودست اندر جهان ملتی
مگر آنکه از سوی آن کان جود	بر آنان نذیری بیامد فرود

یا پیغمبری در میان هر ملّتی برانگیخته شده، و یا دعوت پیغمبران و سخنان ایشان به گوش آنان رسیده.

۱- بیم و امید در کنار هم کارساز است. بَشِيرًا وَنَذِيرًا

۲- خداوند حقّ است و نظام تربیتی از طریق انبیا را هم بر اساس حقّ قرار داده است

۳- با اینکه وظیفه‌ی انبیا بشارت و اندازست، اما به دلیل غفلت مردم، هشدار انبیا بیش‌تر بوده **إِنْ مِنْ أُمَّةٍ** هرگز زمین از حجت الهی خالی نبوده **إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ**

نبی اکرم صلی الله علیه و آله: **هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی**

مرده است مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ این حدیث با الفاظ مختلف در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده. لزوم شناخت و اطاعت از امام را از آن استنباط کرد.

اهل سنت این روایت را مربوط به بحث ارتباط مردم با حاکم اسلامی و لزوم بیعت با او دانسته‌اند. مراد از امام در این روایت، اهل بیت و امامان معصوم است و در دوران حاضر، باید به امام مهدی عجل الله، ایمان داشت.

مرحوم صدوق: اِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ... مِيتَةً جَاهِلِيَّةٍ

انسان رها نشده، حضور امام حاضر

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ذاریات ۵۶

خدا انس و جن را نبخشید جان جز آنکه پرستند رب جهان

إِلَّا لِيَعْبُدُونِ دلالت دارد که آفرینش بی غرض نیست و هدف از آن فقط عبادت است؛ هدف اصلی، بندگی خداوند است، لیکن عبادت نیازمند معرفت است که در در عبادت که همان پذیرفتن راه الهی و رها کردن راه‌های غیر الهی است، انسان آزمایش می‌شود که در جمله لِيَبْلُوكُمْ آمده است.

امام حسین علیه السلام: خدا مردم را نیافرید مگر برای معرفت و شناختن و چون او را شناختند، عبادت کنند و هر که او را عبادت کند، از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شود. **جنّ**، قبل از انسان آفریده شده و دارای تکلیف است.

در این آیه نیز نامش قبل از انسان آمده، تمام آفرینش بر اساس حق است و هیچ آفریده‌ای باطل نیست، وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ همه‌ی آفریده‌ها در مسیر بهره‌مندی انسان است. خَلَقَ لَكُمْ، سَخَّرَ لَكُمْ، مَتَاعاً لَكُمْ و انسان نیز برای هدفی متعالی آفریده شده که راه رسیدن به آن، عبادت خدا است. البته عبادت معنای عام دارد و به هر کار نیکی که با هدف الهی انجام شود، عبادت گفته می‌شود.

سؤال: آیا خداوند به عبادت ما نیازمند است؟ قرآن بارها می‌فرماید: خداوند از هر جهت غنی است، نه تنها از انسان، بلکه از همه هستی بی‌نیاز است. اگر به ما دستور دادند که منزل خود را رو به آفتاب بسازیم، نباید کسی گمان کند که خورشید به خانه ما نیاز دارد، این ما هستیم که به نور و انرژی آن محتاجیم.

یاور مظلومان، خداست

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرْنَهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

سخنهای حق خود همین است و بس **حج ۶۰** که اینک شما راست در دسترس

هرآن کس بر او ظلم رفته تمام همان قدر باید کشد انتقام

دگر بار چون ظلم بر وی رود خداوند پشت و پناهِش شود

غفورست یزدان و بخشد گناه که بر ملک بخشش خدا هست شاه

مشرکان در ماه محرم گفتند: چون مسلمانان جنگ در این ماه را حرام می‌دانند، ما به آنان هجوم ببریم زیرا آنان از خود دفاعی نمی‌کنند. لکن این آیه می‌فرماید: دفاع از خود واجب است، در هر ماهی که باشد.

۱- دفاع، حق طبیعی هر انسانی است. وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ

۲- عدالت، در همه جا يك ارزش است. ۳- یاور مظلومان خداست. لَيَنْصُرْنَهُ اللَّهُ

۴- یاری مظلوم، همیشه با نابودی ظالم همراه نیست. خدا مظلوم را یاری می‌کند، ولی ممکن است ظالم نیز به دلیلی مورد عفو الهی قرار گیرد. لَيَنْصُرْنَهُ اللَّهُ

در تفسیر البرهان: این آیه درباره امام مرتضی علیه السلام نازل گردیده. و مَنْ عَاقَبَ؛ و هر کس مجازات کند، مقصود رسول الله است بمثل ما عوقب به، مانند آنچه مجازات شده است. یعنی هنگامی که خواستند آن حضرت را بکشند، خداوند او را یاری خواهد کرد.

یعنی به وسیله قائم علیه السلام از فرزندانِش. علامه طباطبائی آیه را در ارتباط با آیه مهدویت دانسته اند. (منبع اصلی: بحارالانوار، ج ۵۱ حدیث ۴۷)

اجازه دفاع و جهاد به مظلومان

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ حَج ٣٩

رسیدست رخصت برای غزا

بلی مُسْلِمَان را ز یکتا خدا

فتادند در بحر اندوه و غم

که دیدند از دست دشمن ستم

تواند که یاری اسلام داد

خداوند پیروز اندر جهاد

گفته‌اند: این آیه اولین آیه‌ای است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه جهاد و جنگ مسلحانه داده است، زیرا کار آن حضرت چند مرحله داشت :

الف- دعوت و اصلاح قلبی و خودسازی نیروها. **ب-** تشکّل و بسیج نیروها.

ج- دفاع یا حمله. زیرا جهاد، بدون اذن خدا و رسول جایز نیست. اُذِنَ

۲- مظلومان، مجازند با دشمنان خود جهاد کنند. اُذِنَ- بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا

۳- نصرت خدا، بعد از بپاخاستن و حرکت ماست اُذِنَ...إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

۴- به رزمندگان روحیه دهید. وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

۵- حقّ بر باطل پیروز است. وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

۶- امداد الهی، تنها جنبه‌ی نظامی ندارد و انواع نصرت‌ها و امدادها را شامل می‌شود. نَصْرِهِمْ به طور مطلق مطرح شده است.

۷- نصرت الهی حتمی است. (کلمه اِنَّ، لَقَدِيرٌ، حرف لام و جمله‌ی اسمیه)

۸- امداد و یاری خداوند نسبت به مؤمنان گسترده است. قدیر، نفرمود: قادر این آیه در حدیثی از امام باقر علیه السلام بر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او تطبیق شده است.

احاطه مطلق خدا بر گذشته و آینده

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا . وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا طه ۱۱۰. ۱۱۱

محیط است علمش به کل وجود	به هر چیز هست و به هر چیز بود
ندانند مردم که در مرتبت	که علم خدا راست چه منزلت
بزرگان عالم در آن بارگاه	همه روی ذلت نهاده به راه
بترسد هر آن کس که او ظالمست	که بار گناهان کشد روی دست

خدا می داند که مردمان چه کرده اند و چه می کنند و عاقبتشان چه خواهد بود، ولی مردمان کارهای خود را فراموش می کنند و نمی دانند در دنیا و آخرت چه بر سرشان می آید. و خدا (به علم ازلی) بر همه آینده و گذشته خلایق آگاه است و خلق را ابدًا به او احاطه و آگاهی نیست.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ خدا همه ی واقعیات را می داند و شفاعت نزد پروردگار، تلاش برای اثبات بی گناهی شخصی نیست، بلکه شفاعت، تلاش برای نجات و عفو است. آگاهی خدا باید موجب شود که اندکی انسان حیا کند، او از درون سینه ها خبر دارد و از رازهای پنهانی و آشکار با خبر است، از درون رحم مادران خبر دارد که نوزاد پسر است یا دختر.

علم روز قیامت و اندازه هر چیزی را می داند. در حالی که علم ما انسان ها محدود است. ما صدا را تا حدّی می شنویم، دیدنی ها را تا حدودی می بینیم، اسرار را نمی دانیم، مگر آن قسمتی را که خداوند اراده کند و اجازه دهد.

آیه رفع فتنه از جهان

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
انفال ۳۹

نمایید با کافران بس جهاد	که دیگر نماند زمین را فساد
که دین گردد آیین پروردگار	بماند فقط دین حق برقرار
گر از لوث تکفیر شستند دست	بگشتند با دین تو هم نشست
بر اعمال آنها و راز ضمیر	خدا هست آگاه و باشد بصیر

امام صادق علیه السلام فرمود : در حقیقت تأویل این آیه هنوز نیامده است و اگر قائم ما قیام کند، بعد از آن است که هر کس او را درک کند، تأویل این آیه را می بیند و دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به نهایت می رسد تا اینکه شرک بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خدا فرموده است (طبرسی ۵۴۳/۳)

روشن است که از صدر اسلام تا کنون فتنه ها کم و بیش وجود داشته و دین اسلام بر جهان مسلط نشده و در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می یابد.

آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت : بعلاوه بر روی زمین هیچ مشرکی نخواهد ماند جنگ و جهاد در اسلام، برای کشور گشایی نیست، بلکه برای گسترش مکتب اسلام و مقابله با فتنه است.

در قرآن، فتنه بالاتر از قتل، الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ بلکه شدیدتر الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ «فتنه»، معنای وسیعی دارد و شامل هر گونه اعمال فشار می شود. آنگاه که زمان تأویل آیه برسد، فتنه گران کشته و شرکی نخواهد بود.

هیچ کس، از ناظر و مراقب بی نیاز نیست

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا . إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ
 مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا . لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا
 جَنِّ ٢٨ تا ٢٦

ز غیب جهانست آگاه خدا به هر چیز دانا بود کبریا

به دنیای غیب خدا هیچ کس ندارد به فکر و عمل دسترس

بجز آن رسولی که یزدان پاک خودش برگزیدست در روی خاک

برای حفاظت از او هر نفس ملائک فرستد ز پیش و ز پس

بدانند آری رسولان تمام هر آنچه بدادست یزدان پیام

رساندند بر مردمان موبه مو رسالت به پایان رسانده نکو

هرآنچه بود نزد پیغمبران خداوند آگاه باشد برآن

به تعداد هر چیز بی کم و کاست همانا که آگاه یکتا خداست

در مدیریت، هم باید اطلاعات لازم را در اختیار مسئولان گذاشت. هم از او حفاظت کرد. و هم بر عملکرد او نظارت دقیق داشت.

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ عِلْمُ غَيْبِ أَحَدٍ جَزْ خَدَاوَنَد، به طور مستقل غیب را نمی داند، زیرا کلید و خزانه و سرچشمه علم غیب تنها نزد اوست:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ اگر دیگران بهره ای دارند از طرف خداوند است. بنابراین آیاتی که می گویند: ما کسی را بر غیب آگاه کردیم، یعنی بخشی از غیب را به او هبه کردیم.

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ أَرَى آغَاهِي دِیْكَرَانِ از غِیْب، تَنَهَا بَا خَوَاسْتِ وَ ارَادَه‌ الٰهِي. خداوند جز افرادی نظیر پیامبر را که از آنها راضی است، دیگری را بر علم غیب خود آگاه نمی‌سازد.

و در آیه ۱۷۴ سوره آل عمران نیز می‌خوانیم: خداوند شما را بر غیب آگاه نمی‌سازد ولی از پیامبران‌ش هر که را بخواهد بر می‌گزیند (و علوم غیبی را به او می‌دهد).

یکی از رموز موفقیت پیشوایان دینی، صبر آنان بر مشکلات شخصی، جنگ‌ها، فقرها، بیماری‌ها، داغ دیدن‌ها و امثال آن بوده است.

و صبر و پایداری، قناعت و بردباری و زهد و تقوای آنان در این صحنه‌ها جلوه می‌کرد. گاهی کمال در دانستن غیب است و گاهی در ندانستن آن. و یا استفاده نکردن از علم غیب در زندگی.

مثلاً اینکه امام حسین علیه السلام عاقبت قیام را می‌دانست.

ولی به جهاد ادامه داد. و طبق دانسته‌ها عمل نکرد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، صفوه الله

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ نمل ۵۹

بگو ای پیمبر که تنها خداست
که بهر پرستش شما را سزااست
همانا که بر، برگزیده عباد
تحت ز یزدان بخشنده باد
ستایش یگانه خدا را سزااست
و یا بت که بی روح و بی دست و پااست ؟

- ۱- مجازات مجرمان و نجات مؤمنان، از الطاف الهی و باید شکر آن را جای آورد.
- ۲- شیوهی شکر را باید از خدا بیاموزیم. قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
- ۳- ستایش بندگان خدا و سلام بر آنان، در کنار ستایش خداست سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ
- ۴- به یاد خدا باشیم، تا خدا هم یاد ما را زنده بدارد. یاد اولیای خدا فراموش نکنید.
- ۶- اولیای خدا زنده‌اند و سلام ما را دریافت می‌کنند.
- ۷- دل به خدا بسپاریم و بنده‌ی او شویم تا سلام خدا و رسول را دریافت کنیم.
- ۸- بندگی انسان، معیار‌گزینش الهی است. عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى
- ۹- با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ

ابن عباس : اهل بیت علیهم السلام صفوه الله هستند (حاصل تصفیه، خلاصه‌ی هر چیز،

برگزیده و خالص) عصاره‌ی امامت و هدایت مردم در وجود نازنین حضرت مهدی تنها

منجی عالم و بشریت می‌باشد و لقب صفوه الله هم به همین معنی است

و در آیه مورد بحث هم خدا به انسان برگزیده سلام و درود می‌فرستد. وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ

الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ

معراج مسیح و برتری بر یهود

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَتَوْفِيكَ وَارْفِعْكَ إِلَيَّ وَ مَطْهَرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ آل عمران ۵۵

به یاد آر وقتی که یکتا اله	به عیسی چنین گفت کای مرد راه
کنم قبض روح تو را این زمان	تو را برکشم جانب آسمان
ترا پاك گردانم از کافران	ز هم صحبتی با همه منکران
دهم پیروان ترا برتری	که سازند تا آخرت سروری
چو دوران گیتی شما را گذشت	بسوی من است آن زمان بازگشت
که حکمی برانم به انصاف و داد	در آن اختلافات اندر معاد

نمونه عینی و عملی تدبیر الهی در برابر مکر دشمنان، در این آیه بیان شده است. امام باقر علیه السلام: معراج حضرت عیسی علیه السلام، در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان بوده. برای سایر انبیا نیز معراج بوده. پیشگویی غیبی غلبه‌ی مسیحیت بر یهود، از معجزات قرآن است.

جهانی بودن اسلام، منافاتی با وجود اقلیت‌های مذهبی در پناه اسلام ندارد. دین یهود و مسیحیت تا قیامت پیروانی خواهد داشت.

حضرت عیسی مسیح، پیامبر اولوالعزم، همراه با امام زمان (ارواحنا فداه)، ظهور می‌کنند، که فرود حضرت مسیح (علیه السلام) از آسمان، علاوه بر اینکه موجب گرایش غربی‌ها و مسیحیان جهان به اسلام و انعقاد پیمان صلح می‌گردد، به برخی از شبهات پیرامون امام عصر نیز پاسخ داده می‌شود.

خداوند خلف وعده ندارد

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ حج ۴۷

نمایند تعجیل اندر عذاب

کجا وعده حق بود ناصواب

همانا که يك روز نزد خدا

هزارست بر سال نزد شما

در برابر هشدار انبیا، کفار بارها از آنان می پرسیدند: آن قهر الهی که از آن سخن می گوید، چه زمانی ما را فرا خواهد گرفت؟ وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ این آیه به آنان پاسخ می دهد که عجله نکنید، وعده ی الهی حتمی است.

۱- مهلت دادن خدا را نشانه ی غفلت او و رها شدن خود ندانیم.

۲- درخواست های بیجا و جوسازی ها و سؤال های بی ربط، ما را تحت تأثیر قرار ندهد

۳- زمان در نزد ما با نزد خداوند متفاوت است. آینده عِنْدَ رَبِّكَ

وعده های خداوند متعال تحقق یافتنی است چه در مورد عذاب و چه در باره ی پیروزی و آینده مستضعفان و مستکبران که بارها در آیات روشن و واضح به آن اشاره کرده و هرگز چیزی را بیان نمی کند که به آن عمل نشود و این عمل از خداوند قادر بدیهی است.

قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نشانه های رستاخیز

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ

محمد ۱۸

پس این کافران به پروردگار

چه دارند آیا جز این انتظار

جز آنکه بیاید قیامت فرا

که آنگاه کیفر شوند و جزا

شروط قیامت بیامد پدید

ولی چشمشان کور بود و ندید

قیامت اگر ناگهان رخ نمود

در آن حال از پند دیگر چه سود

غیب چیزی است که از حس پوشیده و پنهان است؛ ولی در این روایت به مصادیق آن اشاره شده که روز رجعت، قیامت و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ البته غیب در تفاسیر قرآن بر مصادیق دیگر مثل خدا، وحی و بهشت و جهنم نیز تطبیق شده است. (طبرسی، ۱/ ۱۲۱؛ حویزی، ۱/ ۳۱؛ مکارم شیرازی، ۷/ ۷۲؛ طبری، ۱/ ۱۶۳)

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکایت شده است: اگر از دنیا یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می کند تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد تا زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود. (حویزی، ۳/ ۴۶۶).

تطبیق آیات بر مهدویت

در بسیاری از احادیثی که ذیل آیات مهدویت آمده اند، آیه ها بر مصداق یا مصداق اکمل در مسائل مهدویت تطبیق شده اند:

یک روز قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از مصادیق غیب و ایام الله الذین یؤمنون بِالْغَیْبِ (بقره/۳). (همان) کسانی که به غیب ایمان می آورند .

ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ (ابراهیم/۵). روزهای خدا را به آنان یادآوری نما .

امیرالمؤمنین علیه السلام: الغیب یوم الرجعه و یوم القیامه و یوم القائم و هی ایام آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ذَکَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ (صدوق، ۲/ ۳۴۰؛ حافظ برسی، ۲۵۳)

امام علی علیه السلام: غیب همان روز رجعت و قیامت و روز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و آنها روزهای آل محمد است که در آیه « یادآوری روزهای خدا» به آنها اشاره شده است.

دو جاری بودن پرستش خدای ابراهیم علیه السلام در مورد امام عصر عجل الله تعالی فرجه أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ

آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره ۱۳۳) آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، (شما) شاهد بودید؟! وقتی که به پسرانش گفت: پس از من چه چیز را می پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، معبود یگانه را می پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم. امام باقر علیه السلام از تفسیر آیه پرسیدند: جرت فی القائم؛ این آیه در مورد قائم جاری است (عیاشی، ۶۱/۱؛ فیض کاشانی، ۱۹۲/۱؛ طباطبائی، ۳۰۹/۱)

همان گونه که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام موحد بودند و خدای ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را می پرستیدند و به فرزندان خود سفارش می کردند و از آنان پرسش می کردند (و تعهد می گرفتند)، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین گونه رفتار می کند، یا اینکه یکی از مصادیق تسلیم شدگان در برابر خدای متعال (مسلمون) امام عصر است .

رجعت باطن این عبارت (لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (قصص ۸۵)

خدائی که بر عهده تو نهاد	که ابلاغ قرآن کنی بر عباد
ترا باز سوی وطن می برد	به مکه دگر باره ات آورد
بگو هست داناتر آن ذوالجلال	که گشته هدایت که اندر ضلال

امام باقر علیه السلام : خدا رحمت کند جابر را که علم او به جایی رسیده بود که تأویل این آیه را می دانست که رجعت است (مجلسی، ۹۹/۲۲؛ بحرانی، ۲۳۹/۳)
در روایات، مراد از معاد در این آیه را رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا می دانند

از عقاید قطعی ما که از آیات و روایات بسیاری بر می‌آید، **رَجعت** است. یعنی این که خداوند گروهی از اولیای خود را قبل از قیامت به دنیا برخواهد گرداند. در این آیه وعده می‌دهد که آخرین وصی خود یعنی زمان ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه، رجعت تعدادی از ائمه علیهم السلام و بزرگان و دلاوران و همچنین سران کفر و نفاق انجام شده و انتقام از ستمگران گرفته خواهد شد سپس قیامت برپا می‌شود. از شأن نزول آیه که مسئله جنگ بدر است، الغای خصوصیت شده و یک قاعده کلی به دست آمده مبنی بر اینکه، اراده الهی بر تحقق حق با کلمات الهی و قطع دنباله کافران است. **آنگاه این مطلب بر مصداق کامل آن در زمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق شده است.** تعبیر یزید که مضارع و دلالت بر استمرار اراده خدا به صورت سنت الهی دارد، می‌تواند قرینه این تفسیر باطنی آیه باشد.

معنای حروف مقطعه و مهدویت

برخی روایات تفسیری که ذیل آیات مهدویت نقل شده، به تأویل آیات اشاره می‌کند؛ البته تأویل به معنای اعم که شامل بطن و معنای خلاف ظاهر آیه می‌شود. تأویل حروف مقطعه در مورد مهدویت **الم** (سوره بقره، آل عمران، لقمان و) **حم عسق** (شوری/ ۱ و ۲) **کهیعص** (سوره مریم) و

الم	الف لام میم است آغاز کار	که رمزیست از سوی پروردگار
حم عسق	حا و میم ابتدای کلام	عَسَق نیز دنباله این پیام
کهیعص	کهیعص بود ابتدای کلام	بداند خدا چیست سر پیام

روایات متعددی در منابع شیعه و سنی در مورد حروف مقطعه نقل شده و تأویل این آیات را مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دانسته (مجلسی، ۱۱۹/۶۰ و ۳۷۶/۹۲ ثعلبی ۳۰۳/۸)

امام باقر علیه السلام آیه اشاره به سال های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا حوادث زمان حضرت و هنگام خروج ایشان در مکه است (قمی، ۲ / ۲۶۷)

در مورد تفسیر حروف مقطعه، دیدگاه های مختلفی بین مفسران قرآن وجود دارد و روایات متعددی نیز نقل شده است، از جمله اینکه **این حروف رمزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله** است، زیرا هیچ مفسری ادعا نکرده است به طور یقین معنی حروف مقطعه همین است که من بیان می کنم بلکه همه مفسران از کلمه تعبیر و تاویل و احتمال این معنی را بیان کرده اند.

باطن حق و باطل

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ انفال ۸۷

یکی وعده فتح دادی خدا	۷	به یاد آور ای مصطفی، بر شما
یکی را بخواندید بر خود عدو		قبیله دوتا بود در پیش رو
بدیدید جنگ آوری را صلاح		علیه گروهی که بُد بی سلاح
بیفتد به دست شما هرچه هست		که تا بلکه اموالشان با شکست
شود ثابت از این طریق و نسق		خدا خواست صدق سخنهای حق
شما را در آئین کند استوار		گند ریشه کافران کردگار
کند محو، هر چیز باطل و خوار		که تا دین حق را کند پایدار ۸
نیاید خوش این گونه کردارها		اگرچه به پندار بدکارها

این آیه، به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان دلداری می دهد که سرانجام حق پیروز و باطل نابود می شود. بعضی از روایات، مصداق روشن این آیه را زمان ظهور حضرت مهدی علیه

السلام دانسته‌اند، که با قیام آن حضرت، سلطه‌ی باطل برطرف شده و حکومت حق و عدل بر جهان حاکم می‌شود. ترسی از عصبانیت و ناخوشایندی دشمن کافر و مجرمان نداشته باشیم، خداوند اراده‌ی خود را محقق خواهد ساخت. **وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ** . در احادیث از امام صادق علیه السلام: **تفسيرها في الباطن** یريد الله فإنه شيء يريده و لم يفعله ... تفسیر این آیه را خدا در باطن اراده کرده که آن چیزی است که اراده شده، ولی هنوز انجام نداده است. پس مقصود از تحقق حق با کلمات الهی، یعنی حق آل محمد هنگام قیام قائم تحقق می‌یابد،

«رابطوا» ارتباط با امام منتظر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ آل عمران ۲۰۰

بمانید خود استوار و ستبر

پس ای اهل ایمان نمایید صبر

که با بردباری بیاید ظفر

سفارش نمایید بر همدگر

مبادا زیانی رسانند پیش

بمانید خود مرزداران خویش

بود آنکه گردید خود رستگار

همیشه بترسید از کردگار

این آیه، در چند مرحله به صبر در برابر انواع حوادث و مصائب توصیه می‌کند؛ در برابر ناگواری‌های شخصی و هوسها صبر کنید در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتر کنید صابروا در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید. **رابطوا** . امام باقر تعبیر **رابطوا** را بر **ارتباط با امام منتظر** تطبیق کرد (مفید ۲۷ بحرانی/ ۱/ ۳۳۴)

۱- در سایه‌ی ایمان، به کمالات می‌رسید.

۲- تا در مشکلات فردی صابر نباشید، نمی‌توانید در برابر دشمنان دین مقاومت کنید

- ۳- از دیگران عقب نمانید، اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کنند، شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید.
- ۴ - مسلمانان باید مشکلات یکدیگر را تحمل کنند و یکدیگر را به صبر سفارش کنند.
- ۵- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم و خدا و پیامبران.

ایران طلایه دار آینده (مهدویت) آیه قوم ایرانی :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ **مائده ۵۴**

کنون مرتد و روی گردان به شد

الا مومنان هر کس از دین خود

یکی پاک قومی به دور وجود

برانگیزد ایزد به زودی زود

که ایشان هم او را به دارند دوست

که ایزد بر آن ها رفیقی نکوست

فروتن بمانند و ز عشق مست

که در پیش مردان یزدان پرست

سرافراز هستند و با اقتدار

ولی پیش کفار نا راستکار

بجنگد در راه حق در بلاد

برانگیزد این غم را بر جهاد

ندارند از سرزنش هیچ پاک

که در راه دین خداوند پاک

که بر هر که خواهد نماید عطا

بلی این چنین است فضل خدا

بود آگه از حال اهل جهان

که الطاف یزدان بود بی کران

امامین باقر و صادق علیهما السلام و نیز از حذیفه و عمار و ابن عباس روایت شده که درباره اهل بصره و کسانی که با امام علی مرتضی علیه السلام به جنگ پرداختند، نازل گردیده.

چنان که از امام مرتضی روایت شده که در هنگام جنگ بصره فرمود: به خدا قسم تا به امروز اهل این آیه به جنگ و کارزار نپرداخته بودند سپس آیه را تلاوت فرمود. خداوند اوصافی را که در آیه ذکر فرموده تمام و کمال در امام مرتضی علیه السلام می یابیم که از هر حیث تمامی صفات مذکور در آیه را واجد و دارا می باشند.

چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست به شانه‌ی سلمان فارسی زد و فرمود: هموطنان تو مصداق این آیه‌اند. در آیات قبل، خطر سلطه کفار و منافقان مطرح بود، اینجا سخن از ارتداد است. شاید اشاره به این باشد که نفاق و دوستی و رابطه با کفار و پذیرش سلطه آنان، به ارتداد می انجامد.

امام باقر علیه السلام درباره‌ی **يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ** فرمود: مراد علی علیه السلام و شیعیان اویند. پیامبر در جنگ خیبر، پس از ناکامی فرماندهان در فتح قلعه‌های دشمن فرمود: به خدا سوگند فردا پرچم را به دست کسی می دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند، او هم، خدا و رسول را دوست دارد و پیروزی را به ارمغان می آورد. آنگاه پرچم را به دست علی علیه السلام داد.

ذیل آیه **فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ**؛ و خدا در آینده گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. امام علی علیه السلام آیه را بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق کرد (قندوزی، ۳/ ۳۳۷)

اسلام رو به گسترش است، تنها به ریزش‌ها نگاه نکنیم به رویش‌ها نیز نگاه کنیم. در آینده پرچم اسلام را کسانی بدست خواهند گرفت که عاشق خدا و مجاهد و با صلابت باشند.

يُقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ... أَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

انتظار فرج عبادت است

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى

بگو پس بمانید در انتظار **طه ۱۳۵** بزودی شود بر شما آشکار

کدامینمان رفته بر راه راست همانا طریق هدایت کراست

مراد از أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ امامان معصوم علیهم السلام و منظور از مَنِ اهْتَدَى یاوران آنها می باشد. (کافی، ج ۱، ص ۲۸۸).

امام کاظم علیه السلام درباره آیه فرمودند: راه راست، راه قائم (عج) ما است و هدایت یافته آن کسی است که به اطاعت او هدایت شود. (بحرانی، ۳/ ۵۰؛ مجلسی، ۲۴/ ۱۵۰)

۱- پیامبر مامور انداز و هشدار است. فَتَرَبِّصُوا

۲- گذشت زمان و تاریخ همه چیز را روشن می کند. فَسَتَعْلَمُونَ

۳- کفار خود را هدایت یافته می پندارند. فَسَتَعْلَمُونَ ... مَنِ اهْتَدَى

۴- اسلام مکتب اعتدال و مسلمانان هدایت یافتگانند. مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى افعال که به صورت مضارع آمده است و اراده مستمر الهی را بیان می کند، بیان نوعی سنت الهی است که در طول تاریخ جاری بوده است و در هر عصری مصداق جدیدی دارد و قیام امام عصر **عجل الله تعالی فرجه الشریف** از مصادیق کامل آیه است.

باطن آیات پیروزی روم و ایران

الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَذْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

الف لام میم است آغاز کار **روم ۱-۶** که رمزیت از سوی پروردگار

به جنگی که نزدیک این سرزمین	بگردید واقع، فتادی چنین
ولی بعد از این انهدام و شکست	به پیروزی و فتح یابند دست
چنین اتفاقی چو خواهد رود	به کمتر ز ده سال واقع شود
از این پیش اندر جهان هرچه بود	هر آنچه پس از این بیابد وجود
همه هست بر امر پروردگار	توانا بر آنست آن کردگار
چو پیروزی رومیان روی داد	همه مؤمنان شاد گردند شاد
به یاری یزدان که بر هرکه خواست	همی داد نصرت، به یاریش خاست
همانا رحیمست پروردگار	در انجام کارست با اقتدار
چو این وعده باشد ز یکتا خدا	در آن ذره ای نیست هرگز خطا
ولی اکثر خلق از مرد و زن	نباشند آگاه از این سخن

در برخی احادیث حکایت شده است که امام صادق علیه السلام در مورد ذیل آیه یَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ فرمود: عند قیام قائم. (مجلسی، ۳۱ / ۵۱۶). ایشان در جای دیگری فرمودند: فی قبورهم بقیام القائم (طبری، ۱۳۸۳: ۲۴۸).

آری، جامعه ی ایمانی نباید تنها به درون خود بنگرد، بلکه باید نسبت به حوادث تلخ و شیرین سایر ملل نیز عکس العمل نشان دهد.

۱- یکی از نشانه های اعجاز قرآن، پیشگویی های صادقانه و محقق آن است. (رومیان، از ایرانیان شکست خوردند، ولی قرآن پیشگویی می کند که چند سال دیگر رومیان غالب خواهند شد و چنان شد) با یک شکست، مایوس نشوید سَيَغْلِبُونَ

۲- در پیروزی ها و شکست ها، محوریت توحید فراموش نشود لِلّٰهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ

۳- هم پیروزی را از او بدانیم و هم ساز و برگ نظامی را. بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ

۴- دلیل نصرت الهی، عزّت و رحمت اوست. يَنْصُرُ ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۵- از تحقق وعده های الهی برای دعوت مردم به ایمان، استفاده کنید وَعَدَ اللَّهُ

- ۶- سرچشمه تخلف از وعده ها، یا عجز یا جهل و یا پشیمانی، که خداوند از آنها منزّه است. خلف وعده زشت است، ولی خلف وعید، نوعی رحمت لا یُخْلِفُ اللَّهُ
- ۷- اکثر مردم در وفا کردن خداوند به وعده هایش تردید دارند. اکثریت ملاک نیست؛ دانش، ایمان و تعهد مهم است. أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
- ۸- نمونه وعده های خداوند در آینده محقق خواهد شد

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) (الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)
 (وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ) (لَا غَلَبَ لَنَا وَرُسُلِي)
 (إِلَّا إِنْ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (الْعَاقِبَةُ لَأَهْلِ التَّقْوَى) (لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ)
 (يَنْصُرِ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ) و

تشبیه جریان مهدوی

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ بقره ۲۴۹

پس از آنکه طالوت لشکر کشید	به لشکر چنین گفت مرد رشید
شما را بسنجد یگانه اله	به يك نهر آبی كه باشد به راه
كسانی كه نوشند بسیار آب	نکردند آیین من انتخاب
هرآن كس كه از آب هرگز نخورد	و يا يك كفی بیشتر زان نبرد
بود از من و هست هم دین من	ورا هست آیین چو آیین من

مگر عده ای کم شمار از جنود

گذشتند از آن نهر بی های وهو

هراسان بگشتند و زار و پریش

که جنگیم با خیل جالوتیان

به عقبی و دیدار پروردگار

بگفتند بر دیگران آن عباد

به یاری حق بر سپاهی فزون

خداوند با صابران است یار

از آن آب خوردند و طاقت نبود

چو طالوت و یاران مؤمن به او

چو دیدند طالوتیان خصم خویش

بگفتند ما را نباشد توان

کسانی که بودند امیدوار

بماندند ثابت قدم در جهاد

چه بسیار بوده که اندک قشون

بگشتند پیروز در کارزار

این آیه خبر از مردودی گروه زیادی از بنی اسرائیل می دهد که از صحنه آزمایش نوشیدن آب و تحمل تشنگی، سریلند بیرون نیامدند. اما این گروه باقیمانده، آزمایش دیگری داشتند که آزمایش روحی و معنوی بود. وقتی آنان با سپاه انبوه جالوت مواجه شدند، گفتند: ما توانایی مقابله با این سپاه مسلح را نداریم. افرادی در بعضی از مراحل موفق می شوند، ولی در مرحله ای دیگر شکست می خورند. در این داستان گروهی رهبر را به خاطر فقر نپذیرفتند، گروهی در آزمایش شکم، شکست خوردند و گروهی در مواجهه و برخورد با دشمن خود را باختند. هنوز میزان فرمانبری آنان را آزمایش نکرده است، ولی بعد از آزمایش، به خود نسبت می دهد. فَإِنَّهُ مِنِّي

حساب دو گروه روشن است، هر کس ننوشد قطعاً خودی است و هر کس بنوشد قطعاً بیگانه است، ولی کسانی که با مشتش نوشیدند، نه خودی هستند و نه بیگانه. باید آنان را نه مأیوس کرد و نه مشمول الطاف. لذا برای مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ نه کلمه منی بکار رفته و نه فَلَيْسَ مِنِّي کسانی که دستشان به اموال مردم یا اموال دولتی رسید، ولی با کرامت و زهد از کنارش گذشتند و حرص و طمع آنان را آلوده نکرد، و اختلاس نکردند، حزب

اللّٰهی هستند و کسانی که دست درازی کرده و به اصطلاح پشت خود را با ذخیره آن اموال می‌بندند، مؤمن واقعی نیستند. فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي امام باقر علیه السلام می‌فرماید: افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سیصد و سیزده نفر بودند.

- ۱- یکی از وظایف فرمانده نظامی آن که نیروهای رزمی را از تماشاچیان جدا سازد.
- ۲- یکی از راههای آزمایش، ممنوعیت‌های موسمی است. راحت طلبی و عدم تحمل فشارها و سختی‌های موسمی و موقتی، با سلحشوری سازگاری ندارد إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ ۳- قبل از برخورد و مقابله با دشمن، باید تمرین مقاومت کرد. مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ ۴- مدیر باید نیروهای غیر مفید را طرد کند. فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي ۵- تسلیم فرمانده بودن، رمز موفقیت است. مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي ۶- حسابِ نیازِ ضروری، از حسابِ رفاه کامل جداست. إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۷- کسانی که از میدان امتحان پیروز بیرون آیند، اندك هستند. إِلَّا قَلِيلًا ۸- انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است. در این ماجرا شعار دهنده بسیار بود، ولی آنان که در آزمایشات موفق شدند، اندك بودند. إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۹- ایمان به معاد و وعده‌های الهی، توانایی ایستادگی در برابر سختی‌ها و مشکلات را ایجاد می‌کند. مُلَاقُوا اللَّهَ

۱۰- ایمان، درجاتی دارد. با اینکه گروهی همراه با طالوت بودند و به او ایمان داشتند و از نوشیدن آب هم گذشتند؛ ولی هر مؤمنی رزمنده نیست، تنها مؤمنانی رزمنده هستند که به لقاء الله ایمان داشته باشند. يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ

۱۱- فراوانی عِدّه و عُدّه‌ی دشمن در برابر اراده‌ی خداوند چیزی نیست. نیروهای کیفی هرچند اندك باشند، بر نیروهای کمی برتری دارند. كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ

۱۳- مؤمن مخلص، پیروزی را از خدا می‌داند. بِإِذْنِ اللَّهِ

۱۴- مسلمانان اگر صبور و پایدار باشند، نباید از زیادی دشمن هراس داشته باشند.

مقصود آیاتی است که در احادیث با مسائل و موضوعات مهدویت به گونه ای مرتبط شده است؛ برخی از احادیثی که ذیل آیات مرتبط با مهدویت مطرح کرده اند، نوعی تشبیه و مثال را بیان می‌کند.

برای نمونه در خصوص آیه ۲۴۹ از سوره بقره از امام صادق علیه السلام حکایت شده است : إِنَّ اصحاب طالوت ابتلوا بالنهر الذی قال الله تعالى «مُبْتَلِیْکُمْ بِنَهْرٍ» و إِنَّ اصحاب القائم یتتلون بمثل ذلک (مفید، ۳۳۰؛ مجلسی، ۵۲، ۳۳۲)

یاران طالوت با (آب خوردن از) نهر آب امتحان شدند؛ همان گونه که خدا فرمود: شما را نه‌ری آزمایش می‌کنیم. و یاران قائم نیز به مانند آن آزمایش می‌شوند.

با داشتن نیروی کم و غلبه بر دشمن در قسمت های قبل اشاره شد

کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ

چه بسیار بوده که اندک قشون به یاری حق بر سپاهی فزون

اراده خدا و امداد الهی

وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَ طَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ اعراف ۸۷

بگو امت خویش را این کلام

کنون ای محمد (ص) تو ای نیک‌نام

مرا هست دستور تبلیغ آن

اگر خود بر آنچه ز رب جهان

گروهی بیاورده ایمان نکو

گروهی بگشتند با آن عدو

شما مؤمنان صبر سازید صبر

به میل و به رغبت نه اکراه و جبر

که يك روز یکتا خدا باشکوه

کند حکم در بین ما، و آن گروه

که یزدان بود برترین دادخواه

چه کس حکم راند چو یکتا اله

مخالفتان حضرت شعیب، با جسارت می گفتند: پس قهر خدا چه شد؟ **مؤمنان و طرفداران**
آن حضرت هم منتظر امدادهای الهی بودند. این آیه برای پاسخ به هر دو گروه است، تا
 نه کفار مغرور شوند و نه مؤمنان دلسرد و مأیوس گردند. برای قیام و پیروزی حضرت
 مهدی عجل الله تعالی فرجه نبایستی قدرت ظاهری ابرقدرتان را با قهر و توانایی و امداد رسانی خدا
 که در یک چشم به هم زدن **كَلَمَحِ الْبَصَرِ** آنچه اراده کند انجام می دهد **إِنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ**
شَيْ ... كُنْ فَيَكُونُ را مقایسه کرد و ناامید شد. طوفان نوح . رد شدن از رود نیل و غرق
 در دریا . نابودی کاخ های سنگی ثمود و عاد پیشرفت اسلام در جزیره العرب و.... نمونه
 هایی از اتفاقات گذشته می باشد **فاعتبروا**

آیاتی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرائت می کنند

فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ شعراء ۲۱

پس آنکه از اینجا نمودم فرار

ز بیم شما مردم نابکار

خدا حکمت و علم کردم عطا

که اینک رسولم ز یکتا خدا

در برخی احادیث، آیاتی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرائت می کنند، آیه **فَقَرَرْتُ**
مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ؛ (شعراء ۲۱) و هنگامی که از شما ترسیدم، از بین شما فرار کردم، حضرت
 موسی به خاطر طرفداری از یکی از یاران خود، مشتی به مخالف او زد و شخص مخالف
 با همان ضربه مُرد. این قتل نه از روی عمد بود و نه با آلت قتل انجام گرفت، بلکه **يك**

حادثه‌ی ناخواسته و يك لغزش عملی بدون سوء نیت بود که قبل از نبوت موسی آن هم به خاطر طرفداری از يك مظلوم اتفاق افتاده بود.

مگر حضرت لوط علیه السلام در برابر تقاضای گنهکاران نفرمود: **لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ** ای کاش قدرتی داشتم (تا شما را از این عمل ننگین باز می‌داشتم) و یا به جایگاه محکم و امن پناه می‌بردم (و از شر شما در امان بودم).

بنابراین سایر اولیای خدا نیز گاهی در شرایطی مجبور به سکوت و انزوا می‌شدند - گاهی اقرار، **يك** ارزش است. **قَالَ فَعَلْتُهَا** - فرار از طاغوت، مقدمه‌ی دریافت الطاف الهی است - انبیا از الطاف خاص خدا برخوردارند. **فَوَهَّبَ لِي. وَ جَعَلَنِي** - نبوت، **يك** جریان در طول تاریخ بوده است.

قطعی بودن امدادهای غیبی

گروهی از آیات قرآن، حتمی بودن کمک های ویژه خدا را یک سنت دانسته اند و نه تنها بر امکان، بلکه بر حتمیت وقوع این وعده های الهی مهر تأیید می زنند. در آیه **إِنَّا لَنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ** سخن از حمایت مؤکد و بی دریغ خدا از پیامبران خویش و پیروان آنهاست؛ حمایتی که انواع پیروزیها را در پی دارد؛ چه در منطق و بیان، چه در میدان های جنگ یا فرستادن عذاب و نابود کردن دشمن یا امدادهای غیبی که قلب را تقویت و روح را به لطف الهی نیرومند می سازد. آیه ۱۷۳ سوره صافات نیز از غلبه و پیروزی لشکریان خدا خبر می دهد: **وَ إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ**. به عقیده برخی از مفسران، غلبه و پیروزی در آیه یاد شده، با ملاک جند الله بودن آمده است؛ یعنی پیامبران که فرستادگان خدا هستند و مؤمنان که لشکریان خداوند، تا زمانی که به دستورهای الهی عمل و در راه او جهاد کنند، پیروز خواهند بود.

کمک و یاری در آیه ۱۷۲ سوره صافات بدون هیچ قید و شرطی آمده است، بنابراین کمک های الهی به رسولان شامل حجت، برهان و پیروزی ظاهری یا انتقام از دشمنان در دنیا می شود. ضمن آنکه در سرای دیگر نیز آنان یاری خواهند شد؛ همان طور که فرمود: **یوم لا یخزی الله النبی والذین ءامنوا معه؛** روزی که خدا پیامبر و کسانی را که به او ایمان آورده اند، خوار نسازد .

قرآن کریم برخی از رحمت ها را همچون مأوا دادن، هدایت و بی نیاز ساختن که شامل حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شده بود، برمی شمارد: **الم یجدک یتیمًا فاعی و وجدک ضالًا فهدی و وجدک عائلاً فاعنی** و به طور کلی ظهور و بعثت پیامبران در شرایطی بوده که جامعه بشری، سخت نیازمند وجود آنها بوده است و آنان همچون دستی از غیب، انسان را نجات داده اند؛ چنان که قرآن کریم ظهور عصر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را برای نجات مردمان آن عصر از لبه پرتگاه آتش، یاد آور شده: **وکنتم علی شفا حفرة من النار فانذکم منها** به عقیده برخی از مفسران، منظور از پرتگاه آتش، جنگ ها و کشمکش های داخلی بوده که اعراب را تهدید می کرده است .

و اما غلبه از حیث طبیعتی که ایمان به خدا و رسول دارد، دلیلش این است که ایمان مؤمن به طور مطلق و بدون هیچ قیدی او را به دفاع از حق و قیام در برابر باطل دعوت می کند، چنین کسی معتقد است که اگر کشته شود رستگار می گردد، و اگر هم بکشد رستگار می شود، و ثبات و مقاومت او در دفاع از حق مقید به هیچ قیدی، و محدود به هیچ حدی نیست، خلاف کسی که اگر از حق دفاع می کند نه بدان جهت است که حق است، بلکه بدان جهت است که هدفی از اهداف دنیایی او را تاءمین می کند، چنین کسی در حقیقت از خودش دفاع کرده، و به همین دلیل اگر ببیند گرفتار خطری شود، پا به فرار می گذارد. یکی از شواهدش جنگهای پیامبر است که مسلمانان در عین نداشتن عده و عده همواره غلبه می کردند، و جنگها جز به پیشرفت مسلمانان خاتمه نمی یافت.

و این غلبه و فتوحات اسلامی متوقف نشد، و جمعیت مسلمین به تفرقه مبدل نگشت، مگر وقتی که نیاتشان فاسد، و سیرت تقوا و اخلاصشان در گسترش دین حق، به قدرت طلبی و گسترش و توسعه مملکت (و در نتیجه حکمرانی بر انسان هایی بیشتر، و به دست آوردن اموال زیادتر) مبدل شد، در نتیجه آن فتوحات متوقف گردید.

آری، خدای تعالی هرگز نعمتی را که به مردمی داده تغییر نمی دهد، مگر وقتی که مردمی نیاتشان را تغییر دهند، و خدای تعالی در آن روزی که دین مسلمانان را تکمیل نمود و از شر دشمنان ایمنشان ساخت، با آنان شرط کرد که تنها از او بترسند، و فرمود الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوه و اخشون و در مسلم بودن این غلبه کافی است که در آیه ۱۳۹، در سوره آل عمران مؤمنین را خطاب نموده می فرماید و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین. در عصر حاضر و یا به هنگام قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله اگر خداوند متعال با توجه به سلاح های پیشرفته و امکانات دشمنان، بخواهد یاری و امداد غیبی خود را ارسال کند و مستضعفان و صالحین را وارث زمین نماید طبق آیات الهی قرآن، اراده ای بسیار آسان و شدنی است.

منابع مطالب : تفسیر نور . تفسیر نمونه . تفسیر المیزان .

قرآن منظوم امید مجد

تفاسیر روایی از معصومین علیهم السلام

و برداشت مؤلف

نکته پایانی : تفسیرهای روایی شیعه، گونه‌ای از تفسیر قرآن است که در میان امامیه مبتنی بر احادیث تفسیری پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام است. فهرست این تفاسیر بر اساس تاریخ تألیف مرتب شده است.

تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)	ابوحمزه ثمالی قرن ۲
تفسیر امام حسن عسکری (ع)	امام حسن عسکری (ع) قرن ۳
تفسیر قمی	علی بن ابراهیم قمی قرن ۳
تفسیر الحبری	حسین بن حکم حبری قرن ۳
تفسیر فرات کوفی	فرات کوفی قرن ۴
تفسیر عیاشی	محمد بن مسعود عیاشی قرن ۴
عین العبرة فی غبن العترة	سید احمد بن طاووس قرن ۷
نهج البیان عن کشف معانی القرآن	محمد بن حسن شیبانی قرن ۷
تأویل الآیات الظاهرة قرن ۱۰	سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی
تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین	ملا فتح‌الله کاشانی قرن ۱۰
زبدة التفاسیر	ملا فتح‌الله کاشانی قرن ۱۰
البرهان فی تفسیر القرآن	سید هاشم بحرانی قرن ۱۱
الاصفی فی تفسیر القرآن	ملا محسن فیض کاشانی قرن ۱۱

تفسير المعين	محمد بن مرتضى كاشاني قرن ۱۱
تفسير شريف لاهيجى	محمد بن على شريف لاهيجى قرن ۱۱
تفسير نورالثقلين	عبدعلى بن جمعه حوىزى قرن ۱۱
تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب	محمد بن محمدرضا قمى مشهدى قرن ۱۲
الجواهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين	سيد عبدالله شبر قرن ۱۳
تفسير جامع	سيد محمدابراهيم بروجردى قرن ۱۵
بحر العلوم اهل تسنن و تفاسير ذيل	سمرقندى نصرين محمد بن احمد قرن ۴
جامع البيان فى تفسير القرآن	طبرى ابو جعفر محمد بن جرير قرن ۴
ترجمه تفسير طبرى	مترجمان
تفسير القرآن العظيم (ابن ابى حاتم)	ابن ابى حاتم عبدالرحمن بن محمد قرن ۴
الكشف و البيان عن تفسير القرآن قرن ۵	ثعلبى نيشابورى ابو اسحاق احمد بن ابراهيم
زاد المسير فى علم التفسير قرن ۶	ابن جوزى ابوالفرج عبدالرحمن بن على
معالم التنزيل فى تفسير القرآن	بغوى حسين بن مسعود قرن ۷
تفسير القرآن العظيم (ابن كثير) قرن ۸	ابن كثير دمشقى اسماعيل بن عمرو

لباب التاویل فی معانی التنزیل قرن ۸	بغدادی علاء الدین علی بن محمد
جواهر الحسان فی تفسیر القرآن	ثعالبی عبدالرحمن بن محمد قرن ۹
الدر المنثور فی تفسیر المأثور	سیوطی جلال الدین قرن ۱۰
تیسیر الکریم الرحمن	آل سعدی عبدالرحمن بن ناصر قرن ۱۴

تفسیر روایی در نزد اهل سنت تفسیری است که آیات را به کمک نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و از صحابه و تابعین تفسیر نموده .

آیات متعددی در شان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) هست که امامان معصوم (علیهم السلام) تفسیر، تاویل و تطبیق این آیات را بر وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و حکومت جهانی ان عدالت گستر بیان نموده اند . در زمینه ظهور و قیام آن حضرت و جامعه آرمانی مهدوی، می توان توصیفات و اشارات زیر را از قرآن به دست آورد : جهت مطالعه بیشتر و استفاده از تفاسیر

۱- سوره الفاتحه - آیه ۱ - ۷: حضرات ائمه علیهم السلام تاویل، سبع مثانی، حضرت مهدی علیه السلام و قرآن عظیم.

۲- سوره البقره - آیه ۳: ایمان به حضرت مهدی علیه السلام، ایمان به غیب

۳- سوره البقره - آیه ۳۷: حضرت مهدی علیه السلام، کلمه الله عزوجل (کلام الله)

۴- سوره البقره - ۱۱۴: فتح شهرهای روم بدست توانای حضرت مهدی علیه السلام

۵- سوره البقره - آیه ۱۱۵: حضرت مهدی علیه السلام، امر حکیم پروردگار

۶- سوره البقره ۱۲۴: حضرت مهدی علیه السلام، کلمه الله عزوجل (کلام الله)

۷- سوره البقره - آیه ۱۳۳: جریان سنت حضرت یعقوب علیه السلام در مورد

حضرت مهدی علیه السلام

۸- سوره البقره - آیه ۱۴۸: جمع آوری یاران حضرت مهدی علیه السلام در مکه و

بعضی اتفاقات سال ظهور

۹- سوره البقره ۱۵۵: بروز قحطی و وحشت قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام

۱۰- سوره البقره - آیه ۱۵۷: فضیلت و عظمت مجاهدان و شهداء راه حضرت مهدی

علیه السلام

۱۱- سوره البقره - آیه ۲۱۰: فرود و نزول حضرت مهدی علیه السلام در کوفه در

میان هفت هاله ای از نور

۱۲- سوره البقره - آیه ۲۴۳: تشبیه رجعت به زنده نمودن گیاهان، بازگشت اموات

به دنیا در زمان حضرت مهدی عج و بعد از آن

۱۳- سوره البقره - آیه ۲۴۹: جریان ابتلاء و گرفتاری یاران طالوت پیامبر در مورد

یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱۴- سوره البقره - آیه ۲۵۹: احیاء اسلام و عظمت و امامت ائمه علیهم السلام به

قیام حضرت مهدی علیه السلام

۱۵- سوره البقره - آیه ۲۶۱: حضرت مهدی علیه السلام سنبله مبارکه از نسل امام

حسین علیه السلام

۱۶- سوره البقره - آیه ۲۶۹: فضیلت عارفان و عاشقان حضرت مهدی علیه السلام.

کسیکه امام زمان خودش را شناخت، تأخیر ظهور حضرت علیه السلام به او زیان

نمی رساند.

۱۷- سوره آل عمران - آیه ۳۷: ظرف غذا و طعام بهشتی حضرت فاطمه علیها

السلام در نزد حضرت مهدی علیه السلام

۱۸- سوره آل عمران - آیه ۴۶: نزول حضرت عیسی علیه السلام در سن میانسالگی

۱۹- سوره آل عمران - آیه ۵۵: نزول حضرت عیسی علیه السلام و قتل دجال

بدست آن حضرت در زمان حضرت مهدی علیه السلام

۲۰- سوره آل عمران - آیه ۶۸: خطبه حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام در

کنار کعبه

۲۱- سوره آل عمران - آیه ۸۱: رجعت و بازگشت ائمه و انبیاء علیهم السلام و

مؤمنین و دشمنان دین به دنیا

۲۲- سوره آل عمران - آیه ۸۳: بروز حوادث و اتفاقات در عالم و پیروزی اسلام و

حق و عدالت به دست آن حضرت بر جمیع عالم

۲۳- سوره آل عمران - آیه ۹۷: حضرت مهدی علیه السلام و بیعت با آن حضرت،

حرم امن الهی

۲۴- سوره آل عمران - آیه ۱۲۵: فرستادن ملائکه از سوی خداوند به جنگ بدر به

جهت یاری حضرت مهدی علیه السلام

۲۵- سوره آل عمران - آیه ۱۴۰: حضرت مهدی علیه السلام، دولت و حکومت حق

الهی

۲۶- سوره آل عمران - آیه ۱۴۲: امتحان و ابتلاء مؤمنین به فتنه ها قبل از ظهور

۲۷- سوره آل عمران - آیه ۱۴۴: رجعت و بازگشت شهداء به دنیا

۲۸- سوره آل عمران - آیه ۲۰۰: وجوب اعتقاد و تمسک به حضرت مهدی علیه

السلام در زمان غیبت

۲۹- سوره النساء - آیه ۵۹: حضرت مهدی عجل؛ ولی امر و برکات وجود آن حضرت

در زمان غیبت، و بیعت ایشان بین رکن و مقام

۳۰- سوره النساء - آیه ۶۹: حضرت مهدی علیه السلام از اولین افراد بهشت

۳۱- سوره النساء - آیه ۷۷: قیام حضرت مهدی علیه السلام، اجل و امر نزدیک و

قریب العهد الہی در قرآن کریم

۳۲- سوره النساء - آیه ۱۳۰: سفر حضرت مهدی علیہ السلام بہ عراق و مصر و

گسترش عدالت آن حضرت

۳۳- سوره النساء ۱۵۹: نماز حضرت عیسیٰ پشت سر حضرت مهدی علیہما السلام

۳۴- سوره المائدہ ۳: یأس و ناامیدی بنی امیہ از دستیابی بر آل محمد ص بہ قیام

۳۵- سوره المائدہ - آیه ۱۲: حضرت مهدی علیہ السلام دوازدهمین و آخرین

برگزیده الہی

۳۶- سوره المائدہ - آیه ۱۴: گروهی از سودان از یاران حضرت مهدی علیہ السلام

۳۷- سوره المائدہ - آیه ۲۰: بازگشت و رجعت انبیاء و ائمه علیہم السلام بہ دنیا

۳۸- سوره المائدہ - آیه ۴۱: خواری و ذلت دشمنان دین بہ قیام حضرت مهدی

۳۹- سوره المائدہ ۵۴: یاوران حضرت مهدی علیہ السلام، ذخایر الہی برای حضرت

۴۰- سوره المائدہ - آیه ۱۱۸: بی اعتقاد شدن مسیحیان بہ حضرت عیسیٰ در زمان

حضرت مهدی علیہما السلام

۴۱- سوره الانعام - آیه ۲: حتمیت و قطعیت خروج سفیانی

۴۲- سوره الانعام - آیه ۳۷: بروز و ظهور آیات، نشانه ها و فتنہ های عجیب در

عصر ظهور حضرت مهدی علیہ السلام

۴۳- سوره الانعام ۴۴ - ۴۵: عذاب ناگہانی ظالمین بظہور حضرت مهدی علیہ

السلام

۴۴- سوره الانعام - آیه ۶۵: بروز و ظهور اختلاف، بلاها و فتنہ ها در میان اہل قبلہ

۴۵- سوره الانعام - آیه ۸۹: یاران حضرت مهدی علیہ السلام، ذخائر الہی

۴۶- سوره الانعام ۱۵۸: طلوع خورشید از مغرب و علامات دیگر در آخر الزمان

۴۷- سوره الاعراف - آیه ۴۶: حضرات ائمه معصومین علیہم السلام رجال اعراف

در قرآن

۴۸- سوره الاعراف - آیه ۵۳: قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ تأویل قرآن

۴۹- سوره الاعراف - آیه ۷۱: فضیلت و عظمت انتظار فرج

۵۰- سوره الاعراف - آیه ۹۶: رجعت امام حسین و ائمه علیهم السلام و حضرت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در عصر آن حضرت

۵۱- سوره الاعراف - آیه ۱۲۸: حکم اراضی در عصر غیبت و هنگام قیام آن حضرت.

دولت ائمه علیهم السلام آخرین دولتها

۵۲- سوره الاعراف - آیه ۱۵۵: تشبیه رجعت به زنده نمودن یاران حضرت موسی در

کوه طور

۵۳- سوره الاعراف - آیه ۱۵۶ - ۱۵۷: حضرت مهدی علیه السلام در تورات و انجیل

و نجات مؤمنین به دست آن حضرت

۵۴- سوره الاعراف - آیه ۱۵۹: رجعت و بازگشت عده ای از مؤمنین به دنیا برای

یاری حضرت مهدی علیه السلام

۵۵- سوره الاعراف - آیه ۱۷۲: پیمان گرفتن خداوند از انبیاء علیهم السلام در مورد

حضرت مهدی علیه السلام

۵۶- سوره الاعراف - آیه ۱۸۱: حضرات ائمه و حضرت رسول صلی الله علیه و آله؛

شاهدان الهی بر مردم

۵۷- سوره الاعراف - آیه ۱۸۷: قیام ناگهانی حضرت مهدی علیه السلام

۵۸- سوره الانفال - آیه ۷ - ۸: زنده شدن حق و حقیقت و از بین رفتن باطل به

دست حضرت مهدی علیه السلام

۵۹- سوره الانفال - آیه ۳۹: از بین رفتن شرک و کفر، و شکست آخرین گروه

مخالف به دست آن حضرت

۶۰- سوره الانفال - آیه ۷۵: امامت در نسل امام حسین علیه السلام و وجود دو غیبت برای حضرت مهدی علیه السلام

۶۱- سوره التوبه - آیه ۳: دعوت حضرت مهدی علیه السلام اهل عالم را برای پذیرش امامت خود

۶۲- سوره التوبه - آیه ۱۶: امتحان و ابتلا مؤمنین به فتنه ها قبل از ظهور حضرت

۶۳- سوره التوبه - آیه ۳۲: پیروزی اسلام و تمام ادیان به دست مبارک حضرت

۶۴- سوره التوبه - آیه ۳۳: پیروزی اسلام به دست آن حضرت، و تمسخر مؤمنین توسط مردم به غیبت راء، و نزول حضرت عیسی

۶۵- سوره التوبه - آیه ۳۴: حرمت نگهداری گنج و طلا و نقره در عصر حضرت

۶۶- سوره التوبه - آیه ۳۶: از بین رفتن شرک و مشرکین بدست حضرت مهدی

۶۷- سوره التوبه - آیه ۵۲: - نزول عذاب بر دشمنان و کشته شدن آنها بدست اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

۶۸- سوره التوبه ۱۱۱: مقام مؤمنین در نزد خداوند و بازگشت و رجعت آنها بدنیا

۶۹- سوره التوبه ۱۱۹: حضرات ائمه علیهم السلام؛ صادقان و راستگویان در قرآن

۷۰- سوره یونس - آیه ۲۰: ایمان به حضرت مهدی علیه السلام، ایمان به غیب و فضیلت انتظار فرج

۷۱- سوره یونس - آیه ۲۴: قیام حضرت مهدی علیه السلام در اوج قدرت دشمنان و نشانه های از بین رفتن حکومت آنها

۷۲- سوره یونس - آیه ۳۵: ندای آسمانی بنام آن حضرت و ندای شیطان بر ضد آن و راه شناخت آنها از یکدیگر

۷۳- سوره یونس - آیه ۳۹: أن الرجعه من التأویل الذی لا یحیط بعلمه الناس

۷۴- سوره یونس - آیه ۴۸: حضرات ائمه معصومین علیهم السلام، دوازده مهدی و

امت اسلام آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام

۷۵- سوره یونس - آیه ۵۰: نزول عذاب در آخر الزمان بر فاسقان و گنهکاران

۷۶- سوره یونس - آیه ۶۲: شیعیان حضرت مهدی علیه السلام، اولیاء الهی

۷۷- سوره یونس - آیه ۶۴: بشارت دادن به مؤمنین قبل از مرگ به قیام حضرت

مهدی علیه السلام و نابودی دشمنان

۷۸- سوره یونس - آیه ۹۸: خواری و مسخ بعضی از مردم قبل از قیام حضرت

۷۹- سوره هود ۸: اصحاب حضرت قائم علیه السلام امت معدود و معین در قرآن

۸۰- سوره هود - آیه ۱۸: فتنه و بلاهای گوناگون و ندهای آسمانی قبل از ظهور

حضرت مهدی علیه السلام

۸۱- سوره هود - آیه ۸۰: قوت و نیرومندی حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب

آن حضرت

۸۲- سوره هود - آیه ۸۳: نزول عذابهای گوناگون مانند فرو رفتن در زمین و غیر آن

بر دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

۸۳- سوره هود - آیه ۸۶: حضرت مهدی علیه السلام، بقیه الله و خطبه آن حضرت در

کنار کعبه

۸۴- سوره هود - آیه ۹۳: فضیلت انتظار فرج

۸۵- سوره هود - آیه ۱۱۰: ظاهر نمودن قرآن که دست خط حضرت علی علیه

السلام است توسط حضرت مهدی علیه السلام

۸۶- سوره یوسف - آیه ۱۱۰: ظهور حضرت مهدی علیه السلام و احیاء حق و

پیروزی بعد از یأس و ناامیدی

۸۷- سوره الرعد ۷: حضرات ائمه معصومین علیهم السلام، هادیان امت اسلام

۸۸- سوره الرعد - آیه ۱۳: تحولات و تغییرات سریع در مردم هنگام نزدیک ظهور

۸۹- سوره الرعد - آیه ۲۹: فضیلت مؤمنین و متمسکین به امامت حضرت قائم علیه السلام در عصر غیبت

۹۰- سوره ابراهیم - آیه ۵: اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام از ایمان به غیب

۹۱- سوره ابراهیم - آیه ۲۸: حضرت پیامبر و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین؛ نعمتهای الهی

۹۲- سوره ابراهیم ۴۴: ظهور و قیام حضرت قائم علیه السلام؛ وعده نزدیک الهی

۹۳- سوره ابراهیم - آیه ۴۵: رسیدن مساکن و بیوت ظالمین به حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت

۹۴- سوره ابراهیم - آیه ۴۶: شدت مکر و حيله دشمنان حضرت قائم علیه السلام

۹۵- سوره الحجر ۱۶ - ۱۷: سنگسار شدن شیطان بدست مؤمنین در عصر حضرت

۹۶- سوره الحجر - آیه ۳۶ - ۳۸: پایان مهلت شیطان تا عصر حضرت مهدی علیه السلام و کشته شدن او بدست آن حضرت

۹۷- سوره الحجر - آیه ۷۵ - ۷۶: حضرت مهدی علیه السلام یاران و دشمنان خود را به الهام می شناسد

۹۸- سوره الحجر - آیه ۸۷: حضرات ائمه علیهم السلام تأویل، سبع مثانی، و حضرت مهدی علیه السلام قرآن عظیم

۹۹- سوره النحل - آیه ۱: حضرت مهدی علیه السلام؛ امر و فرمان الهی

۱۰۰- سوره النحل - آیه ۲۲: وجوب اعتقاد به حقانیت رجعت و بازگشت به دنیا

۱۰۱- سوره النحل - آیه ۳۳ - ۳۴: قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ امر و فرمان الهی و آیت انتظار

۱۰۲- سوره النحل - آیه ۳۷ - ۴۰: رجعت دشمنان و کفار قبل از قیامت و هنگام قیام حضرت مهدی عجل به دنیا و انتقام از آنها

- ۱۰۳- سوره النحل ۴۵: فرو رفتن دشمنان آن حضرت در زمین بیداء بین مدینه مکه
- ۱۰۴- سوره الإسراء - آیه ۴ - ۶: قیام یاران حضرت مهدی علیه السلام قبل از قیام آن حضرت و انتقام از دشمنان
- ۱۰۵- سوره الاسراء - آیه ۷: قیام حضرت مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت، وعده آخرت در قرآن
- ۱۰۶- سوره الاسراء - آیه ۳۳: حضرت مهدی ولی خون امام حسین علیهما السلام و انتقام گیرنده آن حضرت از قاتلین جدش
- ۱۰۷- سوره الاسراء - آیه ۷۱: عارف به حق حضرت مهدی عج به منزله یاور آن حضرت و شهید راه رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۱۰۸- سوره الاسراء - آیه ۷۲: رجعت و بازگشت به دنیا به منزله آخرت در قرآن
- ۱۰۹- سوره الاسراء - آیه ۸۱: از بین رفتن باطل به قیام حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۱۰- سوره الکهف - آیه ۴۷: رجعت و بازگشت دشمنان الهی و انتقام از آنها هنگام رجعت ائمه علیهم السلام
- ۱۱۱- سوره الکهف ۹۸: برداشته شدن تقیه و انتقام از دشمنان خداوند هنگام قیام
- ۱۱۲- سوره مریم ۳۷: اختلاف احزاب در دنیا و بروز برچمهای خراسان قبل از ظهور
- ۱۱۳- سوره مریم ۵۴: رجعت و بازگشت حضرت اسماعیل پیامبر به همراه امام حسین
- ۱۱۴- سوره مریم - آیه ۷۵ - ۷۶: انتقام خداوند از دشمنان به دست حضرت مهدی
- ۱۱۵- سوره طه - آیه ۱۱۰ - ۱۱۳: قیام حضرت مهدی علیه السلام، اخبار و ذکر، قرآن
- ۱۱۶- سوره طه - آیه ۱۱۵: أن الله تعالى أخذ میثاق الانبیاء علی الاقرار بالمهدی عج
- ۱۱۷- سوره طه - آیه ۱۲۳: حضرات ائمه معصومین علیهم السلام هادیان قرآن
- ۱۱۸- سوره طه - آیه ۱۲۴: خواری و رسوائی دشمنان ائمه علیهم السلام در رجعت و بازگشت به دنیا

- ۱۱۹ - سوره طه - آیه ۱۳۵: حضرت مهدی علیه السلام راه هموار در قرآن و هدایت مؤمنین به آن حضرت
- ۱۲۰ - سوره الانبیاء آیه ۱۲ - ۱۳: فرار و شکست دشمنان ائمه علیهم السلام و افتادن ثروتها و گنجهای آنان بدست آن حضرت
- ۱۲۱ - سوره الانبیاء - آیه ۱۵: شکست و نابودی دشمنان حضرت مهدی علیه السلام اعم از یهود و نصاری
- ۱۲۲ - سوره الانبیاء - آیه ۳۵: رجعت مؤمنین و شهدا به دنیا
- ۱۲۳ - سوره الانبیاء ۳۸: فضیلت مؤمنین و متمسکین به آن حضرت در عصر غیبت
- ۱۲۴ - سوره الانبیاء - آیه ۷۳: حضرت مهدی و ائمه علیهم السلام هادیان قرآن و وارثان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۲۵ - سوره الانبیاء - آیه ۹۵: اثبات رجعت و عدم عمومیت آن برای همه
- ۱۲۶ - سوره الانبیاء - آیه ۱۰۵: حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت وارثان حقیقی زمین در قرآن
- ۱۲۷ - سوره الحج - آیه ۳۹: خونخواهی حضرت مهدی علیه السلام از قاتلین امام حسین
- ۱۲۸ - سوره الحج ۴۱: سیطره و تصرف و تسلط بر عالم و احیاء دین به دست حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۹ - سوره الحج - آیه ۴۵: محرومیت مردم از استفاده از علم حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت
- ۱۳۰ - سوره الحج - آیه ۴۷: روز حضرت مهدی علیه السلام برابر با هزار سال
- ۱۳۱ - سوره الحج - آیه ۶۰: پیروزی امام حسین علیه السلام به دست حضرت مهدی
- ۱۳۲ - سوره الحج - آیه ۶۵: حضرت مهدی علیه السلام امان و پناه اهل زمین
- ۱۳۳ - سوره المؤمنون - آیه ۱۰۱: ارث بردن برادران دینی از یکدیگر در زمان ظهور

۱۳۴- سوره المؤمنون - آیه ۷۷: انتقام امیر المؤمنین - علی علیه السلام - از دشمنان خود در عصر رجعت

۱۳۵- سوره النور - آیه ۳۵: چهارده معصوم علیهم السلام نور الله و حضرت مهدی علیه السلام ستاره درخشان و آیت انتظار

۱۳۶- سوره النور - آیه ۵۳: کرامت و اعجاز یاران حضرت مهدی علیه السلام

۱۳۷- سوره النور - آیه ۵۵: وراثت زمین و خلافت ائمه علیهم السلام و مؤمنین در آن بنابه وعده الهی

۱۳۸- سوره الفرقان ۱۱: حضرات ائمه علیهم السلام ساعات دوازده گانه روز قرآن

۱۳۹- سوره الفرقان - آیه ۲۶: قیام حضرت مهدی؛ روز حکومت الهی و عبادت و اطاعت خداوند متعال

۱۴۰- سوره الفرقان ۵۴: حضرت مهدی علیه السلام؛ قدرت خداوند متعال در قرآن

۱۴۱- سوره الفرقان ۶۳ - ۷۶: ائمه معصومین علیهم السلام؛ بندگان حقیقی خدا

۱۴۲- سوره الشعراء - آیه ۴: بروز اختلافات و فتنه ها در عالم و ندای آسمانی به نام آن حضرت و ندای شیطان بر ضد آن

۱۴۳- سوره الشعراء - آیه ۲۱: جریان سنت و امر حضرت موسی در مورد حضرت

۱۴۴- سوره الشعراء - آیه ۲۰۷: قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ پایان مهلت ظالمین و جنایتکاران

۱۴۵- سوره النمل ۱۵: حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت؛ وارثان

۱۴۶- سوره النمل - آیه ۵۹: حضرت مهدی علیه السلام برگزیده الهی

۱۴۷- سوره النمل - آیه ۶۲: اجتماع اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در مکه

۱۴۸- سوره النمل - آیه ۷۱: فضیلت مؤمنین در غیبت حضرت مهدی علیه السلام

۱۴۹- سوره النمل ۸۲: از روایات شیعه درباره دابه الارض در قران (جنبنده زمین)

۱۵۰- سوره النمل - آیه ۸۳: رجعت شهدا و گروهی از مکذبین انبیاء و ائمه علیهم السلام به دنیا

۱۵۱- سوره النمل - آیه ۹۳: ائمه علیهم السلام؛ آیات وعده داده شده قرآن
۱۵۲- سوره القصص - آیه ۵: حضرت مهدی و ائمه علیهم السلام برگزیده گان الهی
و وارثان حقیقی زمین و رجعت ایشان به دنیا

۱۵۳- سوره القصص - آیه ۸۵: اهمیت رجعت و بازگشت پیامبر و ائمه علیهم السلام به دنیا

۱۵۴- سوره العنکبوت - آیه ۱ - ۲: فتنه ها و علامات ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اتفاقات حجاز

۱۵۵- سوره العنکبوت - آیه ۱۰: حضرت قائم علیه السلام؛ نصر و یاری پروردگار
۱۵۶- سوره العنکبوت - آیه ۴۹: حضرت مهدی علیه السلام؛ آیات پروردگار در
سینه های مؤمنین و صاحب شمشیر خدا

۱۵۷- سوره الروم - آیه ۱-۳: قیام حضرت مهدی عج؛ نصر و یاری پروردگار و شادی
مؤمنین در قبرها به ظهور آن حضرت

۱۵۸- سوره روم ۴ - ۵: شادی مؤمنین در قبرهای خود به ظهور حضرت مهدی عج
۱۵۹- سوره لقمان - آیه ۲۰: حضرت مهدی علیه السلام؛ نعمت باطنی خداوند و
حضور آن حضرت در قلوب مؤمنین

۱۶۰- سوره السجده - آیه ۲۱: ظهور حضرت مهدی علیه السلام عذاب بزرگ، و
زنده شدن زمین به رجعت

۱۶۱- سوره السجده - آیه ۲۷ - ۳۰: قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ روز فتح و
پیروزی و ظاهر شدن گنجهای زمین

۱۶۲- سوره الاحزاب - آیه ۶: اهل بیت عصمت و طهارت اولوالارحام در قرآن

۱۶۳- سوره الاحزاب - آیه ۱۱: ابتلاء و امتحان مؤمنین و شدت فتنه ها قبل از ظهور
۱۶۴- سوره الاحزاب - آیه ۶۱ - ۶۲: ملعونین در آیه دشمنان حضرت مهدی
علیه السلام

۱۶۵- سوره سبأ - آیه ۱۸: ائمه علیهم السلام؛ قری مبارک در قرآن
۱۶۶- سوره سبأ - آیه ۲۸: رجعت حضرت پیامبر به دنیا و اینکه روز فتح و پیروزی
و عده داده شده در آیه، حضرت مهدی عج است.

۱۶۷- سوره سبأ - آیه ۲۹: قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ وعده امت الهی و
فضیلت مؤمنین و ثابت قدمان در عصر غیبت
۱۶۸- سوره سبأ - آیه ۵۱: ملیت و مشخصات و خروج سفیانی و جنگهای او و فرو
رفتن سپاهیان او در زمین

۱۶۹- سوره فاطر ۴۱: ضرورت و لزوم وجود ائمه علیهم السلام در هر عصر و زمان
۱۷۰- سوره یس - آیه ۳۰: أن الارض لو خلیت من الحجه لساخت بأهلها
۱۷۱- سوره یس - آیه ۳۳: جنگ حضرت مهدی علیه السلام در مدینه و روئیدن
اعجاز آمیز زراعت در زمین در عصر آن حضرت

۱۷۲- سوره یس ۴۸: فضیلت مؤمنین و متمسکین به آن حضرت در عصر غیبت
۱۷۳- سوره یس - آیه ۵۲: رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا
۱۷۴- سوره الصافات - آیه ۸۳: معروفیت چهارده معصوم در نزد انبیاء و حضرت
ابراهیم علیه السلام از شیعیان آنها

۱۷۵- سوره ص - آیه ۱۷: انتقام خداوند از دشمنان حضرت مهدی علیه السلام
۱۷۶- سوره ص - آیه ۷۷: رسوائی شیطان و سنگسار شدن او توسط مؤمنین در
عصر حضرت مهدی علیه السلام

۱۷۷- سوره ص - آیه ۷۹ - ۸۱: "یوم الوقت المعلوم" همان روز ظهور حضرت

- ۱۷۸- سوره ص - آیه ۸۸: تأویل خبرهای عظیم الهی هنگام ظهور حضرت مهدی
- ۱۷۹- سوره الزمر - آیه ۶۹: آباد شدن و نورانیت زمین در عصر حضرت مهدی عج و رجعت بعض ظالمین در عصر آن حضرت
- ۱۸۰- سوره غافر - آیه ۱۱: رجعت و بازگشت بعض ظالمین در عصر حضرت مهدی
- ۱۸۱- سوره غافر - آیه ۵۱: رجعت و بازگشت انبیاء و امیر المؤمنین و امام حسین علیهم السلام به دنیا
- ۱۸۲- سوره فصلت - آیه ۱۶: رسوائی و مسخ شدن دشمنان قبل از قیام حضرت
- ۱۸۳- سوره فصلت - آیه ۳۰: فضلیت و برتری ثابتین به امامت حضرت مهدی عج
- ۱۸۴- سوره فصلت - آیه ۳۴: عمل ننمودن حضرت مهدی علیه السلام به تقیه
- ۱۸۵- سوره فصلت - آیه ۴۵: آشکار نمودن قرآن به دست حضرت علی علیه السلام توسط حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸۶- سوره فصلت - آیه ۵۳: دشمنان حضرت مهدی علیه السلام در آیات وعده داده شده
- ۱۸۷- سوره الشوری - آیه ۱ - ۲: رمزهای حروف "ح ، م ، ع ، س ، ق" - طالبین دنیا سهمی در دولت حضرت مهدی عج ندارند.
- ۱۸۸- سوره الشوری - آیه ۱۸: مذمت عجله کردن در ظهور حضرت مهدی علیه السلام و قیام آن حضرت؛ ساعت موعود در قرآن
- ۱۸۹- سوره الشوری - آیه ۲: أن أهل الدنيا لا نصیب لهم فی دولة المهدی عج
- ۱۹۰- سوره الشوری - آیه ۲۳ - ۲۴: خداوند متعال حق را بوسیله حضرت مهدی علیه السلام استقرار می بخشد
- ۱۹۱- سوره الشوری - آیه ۴۱: غلبه و پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن حضرت بر دشمنان

۱۹۲- سوره الشوری - آیه ۴۵: ذلت و خواری دشمنان حضرت مهدی علیه السلام
در عصر ظهور

۱۹۳- سوره الزخرف - آیه ۲۸: حضرت مهدی علیه السلام؛ کلمه باقیه در آیه و
وجود دو غیبت و اولاد برای آن حضرت

۱۹۴- سوره الزخرف - آیه ۶۱: قیام حضرت مهدی علیه السلام، علم الساعه در قرآن
و نزول حضرت عیسی علیه السلام

۱۹۵- سوره الزخرف - آیه ۶۵: فتنه ها و علامات ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱۹۶- سوره الزخرف - آیه ۶۶: قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ ساعت موعود در قرآن

۱۹۷- سوره الدخان - آیه ۳ - ۴: حضرت مهدی علیه السلام؛ صاحب ليله القدر

۱۹۸- سوره الجاثیه - آیه ۱۴: روز قیام حضرت مهدی علیه السلام؛ یکی از ایام الله

۱۹۹- سوره الاحقاف - آیه ۱۳: فضیلت ثابتین بر ولایت حضرت مهدی علیه السلام

۲۰۰- سوره الاحقاف - آیه ۳۵: پیمان خداوند از انبیاء درباره پیامبر اسلام و ائمه

معصومین و حضرت مهدی علیهم السلام

۲۰۱- سوره محمد (ص) - آیه ۴: خاموش نشدن جنگها تا ظهور حضرت مهدی و

عیسی علیهما السلام

۲۰۲- سوره محمد (ص) - آیه ۱۷: هدایت و رشد بیشتر مؤمنین به ولایت حضرت

مهدی علیه السلام

۲۰۳- سوره الفتح ۲۵: کامل شدن درک و آگاهی مردم در عصر حضرت مهدی عجل

۲۰۴- سوره الفتح - آیه ۲۸: ظهور اسلام بر دیگر ادیان به دست توانای حضرت

مهدی علیه السلام

۲۰۵- سوره ق آیه ۴۱ - ۴۲: رجعت صیحه و نداء حق و نداء آسمانی بنام حضرت

مهدی علیه السلام

۲۰۶- سوره الذاریات - آیه ۲۲: قیام حضرت مهدی علیه السلام وعده الهی در قرآن
۲۰۷- سوره الذاریات - آیه ۲۳: ظهور حضرت مهدی علیه السلام همان "حق" در آیه
۲۰۸- سوره الطور - آیه ۱ - ۳: عهد مكتوب پیامبر صلی الله علیه و آله برای حضرت
مهدی علیه السلام

۲۰۹- سوره الطور - آیه ۴۷: عذاب دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله در عصر
رجعت

۲۱۰- سوره النجم - آیه ۵۳: مذمت و لعنت اهل بصره، و بلاهای نازل بر آن
۲۱۱- سوره القمر - آیه ۱: علامات ظهور حضرت مهدی علیه السلام در عراق و
دیگر جاها و نزدیک بودن قیام آن حضرت
۲۱۲- سوره القمر - آیه ۶: دوری و فاصله گرفتن مردم از اسلام هنگام ظهور حضرت
مهدی علیه السلام

۲۱۳- سوره الرحمن - آیه ۴۱: شناختن حضرت مهدی علیه السلام دشمنان را از
روی قیافه ها

۲۱۴- سوره الواقعة - آیه ۱۰: حضرت مهدی علیه السلام و شیعیان آن حضرت
سابقین در قرآن

۲۱۵- سوره الحديد - آیه ۱۶: عدم تأثیر طول زمان بر قلب مبارک حضرت قائم علیه
السلام و قلوب اصحاب آن حضرت

۲۱۶- سوره الحديد - آیه ۱۷: هلاکت و مرگ زمین به کفر و کفرین و حیات و زنده
شدن آن به برکت حضرت قائم علیه السلام

۲۱۷- سوره الحديد - آیه ۱۹: فضیلت صابران و مؤمنین و منتظرین ظهور حضرت
مهدی علیه السلام

۲۱۸- سوره الصف - آیه ۸ - ۹: از بین رفتن مشرکین و منکرین ولایت و پیروزی

اسلام بر جميع ادیان در عصر ظهور آن حضرت

۲۱۹- سوره الصف - آیه ۱۳: بشارت مؤمنین به فتح و پیروزی در عالم بدست

حضرت مهدی علیه السلام

۲۲۰- سوره التغابن - آیه ۱۲: در منکرین حق ائمه علیهم السلام تا قیام حضرت

مهدی علیه السلام

۲۲۱- سوره الملک - آیه ۲۵: فضیلت مؤمنین به حضرت و صابرين و منتظرین ظهور

حضرت مهدی علیه السلام

۲۲۲- سوره الملک - آیه ۳۰: غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام و منظور از

"الماء المعین" در آیه همان حضرت

۲۲۳- سوره القلم - آیه ۱۵: انکار نسب حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور

توسط مردم

۲۲۴- سوره المعارج - آیه ۱ - ۲: آتش گرفتن کوفه و مغرب و سوختن تمام دشمنان

اهل بیت و قیام حضرت مهدی عجل

۲۲۵- سوره المعارج - آیه ۴: آتش افتادن در کوفه پیش از ظهور حضرت مهدی عجل

۲۲۶- سوره المعارج - آیه ۴۴: خواری و ذلت دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

هنگام ظهور

۲۲۷- سوره جن - آیه ۱۶: استقامت در راه ولایت ائمه علیهم السلام و مقام مؤمنین

به ایشان

۲۲۸- سوره الجن - آیه ۲۴: پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن

حضرت بر دشمنان

۲۲۹- سوره الجن - آیه ۲۶: خبر دادن خداوند، اخبار حضرت مهدی علیه السلام و

رجعت و قیامت را به انبیاء

- ۲۳۰- سوره المزمّل - آیه ۱۰: حضرت مهدی علیه السلام مسلط بر خونهای ظلمه
- ۲۳۱- سوره المدثر - آیه ۱ - ۲: شدت عذاب و انتقام از کافرین در عصر رجعت
حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۳۲- سوره المدثر - آیه ۴: سیره و روش حضرت مهدی علیه السلام در پوشیدن لباس
- ۲۳۳- سوره المدثر - آیه ۸: ندای جبرئیل علیه السلام سه مرتبه باسم حضرت
مهدی علیه السلام و الهام آن حضرت هنگام ظهور
- ۲۳۴- سوره المدثر - آیه ۱۱: پایان مهلت دولت ابلیس (شیطان) هنگام قیام حضرت
- ۲۳۵- سوره المدثر - آیه ۱۹ - ۲۰: عذابهای گوناگون دشمنان به دست حضرت
مهدی علیه السلام
- ۲۳۶- سوره المدثر - آیه ۳۵ - ۳۶: رجعت و بازگشت حضرت رسول اکرم صلی الله
علیه و آله به دنیا
- ۲۳۷- سوره المدثر ۴۰ - ۴۸: قیام حضرت مهدی علیه السلام، يوم الدين در قرآن
- ۲۳۸- سوره النبأ - آیه ۱۸: رجعت و بازگشت امام حسین علیه السلام اولین
شخصیت به دنیا
- ۲۳۹- سوره النازعات - آیه ۶ - ۷: رجعت و بازگشت امام حسین و امیر المؤمنین
علی علیه السلام و مؤمنین به دنیا
- ۲۴۰- سوره النازعات - آیه ۱۲ - ۱۳: رجعت بعضی دشمنان خداوند متعال
- ۲۴۱- سوره عبس - آیه ۲۱ - ۲۳: رجعت شهدا به دنیا
- ۲۴۲- سوره التکویر - آیه ۱۵ - ۱۶: قیام آن حضرت چون شهاب نورانی در شب
ظلمانی، و امتحان مردم در زمان غیبت
- ۲۴۳- سوره المطففین - آیه ۱۳: انکار نسب حضرت مهدی علیه السلام هنگام
ظهور توسط مردم

۲۴۴- سوره الانشقاق ۱۹: جریان سنن انبیاء درباره حضرت مهدی علیهم السلام

۲۴۵- سوره البروج - آیه ۱: حضرات ائمه معصومین از حضرت علی تا حضرت

مهدی علیهم السلام برجهای آسمان نبوت

۲۴۶- سوره الطارق - آیه ۱۵ - ۱۷: انتقام حضرت مهدی علیه السلام از جباران و

طاغوتیان

۲۴۷- سوره الغاشیه - آیه ۱ - ۴: حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان حق سازش

نمی کند

۲۴۸- سوره الفجر - آیه ۱ - ۳: حضرت مهدی علیه السلام تأویل و بطون آیات

۲۴۹- سوره الفجر - آیه ۲۲: تجلی قدرت الهی به قیام حضرت مهدی علیه السلام

۲۵۰- سوره الشمس - آیه ۱ - ۱۵: ظهور حضرت مهدی و ائمه علیهم السلام همان

"النهار والضحی" در آیه

۲۵۱- سوره الليل - آیه ۱ - ۲۱: حضرت مهدی عجل همان "النهار" در آیه ... و أن

المهدی عجل يقوم بالغضب على أعداء الله تعالى

۲۵۲- سوره القدر - آیه ۱ - ۵: حضرت مهدی علیه السلام طلوع فجر در قرآن ... و

صاحب ليله القدر

۲۵۳- سوره البینه - آیه ۵: دین حضرت مهدی علیه السلام؛ دین الهی

۲۵۴- سوره التکاثیر - آیه ۳ - ۸: دیدن مردم حق را در رجعت، و اینکه اهل بیت

همان نعمت مورد سؤال از آن در آیه هستند

۲۵۵- سوره عصر ۱ - ۳: عصر در آیه همان عصر حضرت مهدی علیه السلام.

اللهم عجل لوليک الفرج

کتاب ۴۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾

تفسیر و ترجمہ بہ نظم جزء ۳۰

تفاسیر : نور نمونہ المیزان برہان

مؤلف : محمود زارع پور



سرشناسہ : زارع پور محمود ۱۳۳۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست (۱)
- ستایش بود ویژه کردگار که بر عالمین است پروردگار (۲)
- که بخشنده‌ی مهربان است نیز (۳) بود صاحب عرصه‌ی رستخیز (۴)
- ترا می پرستیم تنها و بس نداریم یاور به غیر از تو کس (۵)
- بشو هادی ما به راه درست (۶) ره آن که منعم ز نعمات توست
- نه آنانکه خشم برایشان رواست نه آن ها که هستند گمراه ز راست (۷)

تفسیر سوره حمد

سوره ی حمد که نام دیگرش **فاتحه الكتاب** است، هفت آیه دارد و تنها سوره ای است که بر هر مسلمانی واجب است روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند و در صورت ترک عمدی نماز او باطل است. سوره ی حمد اساس قرآن است. آیات سوره ی مبارکه فاتحه، اشاراتی در باره ی خداوند و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت خداوند دارد. همچنین به ادامه ی راه اولیای خدا، ابراز علاقه و از گمراهان و غضب شدگان اعلام بیزاری و انزجار شده است. سوره ی حمد همانند خود قرآن مایه ی شفاست، هم شفای دردهای جسمانی و هم شفای بیماری های روحی. آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه ای مستقل و جزء قرآن است.

درسهای تربیتی سوره ی حمد

- ۱- انسان در تلاوت سوره ی حمد با «بِسْمِ اللَّهِ» از غیر خدا قطع امید می کند.
- ۲- با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» احساس می کند که مریوب و مملوک است و خودخواهی و غرور را کنار می گذارد.

- ۳- با کلمه «عالمین» میان خود و تمام هستی ارتباط برقرار می کند.
 - ۴- با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خود را در سایه لطف او می داند.
 - ۵- با «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» غفلتش از آینده زدوده می شود.
 - ۶- با گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ریا و شهرت طلبی را زایل می کند.
 - ۷- با «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» از ابرقدرت ها نمی هراسد.
 - ۸- از «أَنْعَمْتَ» می فهمد که نعمت ها به دست اوست.
 - ۹- با «اهْدِنَا» رهسپاری در راه حق و طریق مستقیم را درخواست می کند.
 - ۱۰- در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می کند.
 - ۱۱- با «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «لَا الضَّالِّينَ» بیزاری و براءت از باطل و اهل باطل را ابراز می دارد.
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سر آغاز کتاب الهی است. «بِسْمِ اللَّهِ» نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتاب های آسمانی بوده است. در سر لوحه ی کار و عمل همه ی انبیا بِسْمِ اللَّهِ قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح علیه السلام در میان امواج طوفان به راه افتاد، به یاران خود گفت : سوار شوید که «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان علیه السلام نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع کردند .

سیمای بِسْمِ اللَّهِ

۱. بِسْمِ اللَّهِ نشانگر رنگ و صبغه ی الهی و بیانگر جهت گیری توحیدی ماست .

۲. بِسْمِ اللَّهِ رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر، و قرین کردن نام خدا با نام دیگران، نشانه ی شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او.

۳. بِسْمِ اللَّهِ رمز بقا و دوام است. زیرا هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است.

۴. بِسْمِ اللَّهِ رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می کنیم، که بردن نام او سبب جلب رحمت است.

۵. بسم الله رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.

۶. بسم الله گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

۷. بسم الله مایه فرار شیطان ست. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان مؤثر نمی افتد.

۸. بسم الله عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.

۹. بسم الله ذکر خداست، یعنی خدایا! من تو را فراموش نکرده ام.

۱۰. بسم الله بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت ها و نه جلوه ها و نه هوس ها.

۱۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «بسم الله» به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱. همه ستایش ها برای اوست.

۲- خداوند در تربیت و رشد هستی اجباری ندارد. زیرا حمد برای کارهای غیر اجباری است.

۳- همه هستی زیباست و تدبیر همه هستی نیکوست. زیرا حمد برای زیبایی و نیکویی است.

۴- دلیل ستایش ما، پروردگاری اوست. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۵- رابطه ی خداوند با مخلوقات، رابطه ی دائمی و تنگاتنگ است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

(نقاش و بنا هنر خود را عرضه می کند و می رود، ولی مربی باید هر لحظه نظارت داشته باشد.) ربّ به کسی گفته می شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد.

۶- همه ی هستی، تحت تربیت خداوند یکتاست. رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷- امکان رشد و تربیت، در همه ی موجودات وجود دارد. رَبِّ الْعَالَمِينَ

۸- خداوند هم انسان ها را با راهنمایی انبیا تربیت می کند، (تربیت تشریعی) و هم جمادات و نباتات و حیوانات را رشد و پرورش می دهد. (تربیت تکوینی) (رب العالمین)

۹- مؤمنان در آغاز کتاب (قرآن) با نیایش به درگاه خداوند متعال، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می گویند و در پایان کار در بهشت نیز، همان شعار را می دهند که «آخر دعواهم أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(رحمن) رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است .

۱- تدبیر و تربیت الهی، همراه محبت و رحمت است. (در کنار کلمه «ربّ»، کلمه «رحمن» آمده است.)

۲- همچنان که تعلیم نیازمند رحم و مهربانی است، «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» تربیت و تزکیه نیز باید بر اساس رحم و مهربانی باشد.

۳- رحمانیت خداوند، دلیل بر ستایش اوست.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

۱- خداوند متعال، از جهات مختلف قابل عبادت است و ما باید حمد و سپاس او را به جا آوریم. به خاطر کمال ذات و صفات او که الله است، به خاطر احسان و تربیت او که رَبُّ الْعَالَمِينَ است و به خاطر امید و انتظار رحم و لطف او که الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ است و به خاطر قدرت و هیبت او که مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ است.

۲- قیامت، پرتوی از ربوبیت اوست. رَبُّ الْعَالَمِينَ...

۳- قیامت، جلوه ای از رحمت خداوند است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

انسان باید به حکم عقل، بندگی خداوند را بپذیرد. ما انسان ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ همه ی هستی است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمان و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم، او صاحب اختیار و مالک آن روز است. پس چرا به سوی دیگران برویم؟! عقل حکم می کند که تنها باید او را پرستید و از او کمک خواست. نه بنده هوی و هوس خود بود و نه بنده زر و زور دیگران.

در نماز، گویا شخص نمازگزار به نمایندگی از تمام خداپرستان می گوید: خدایا! نه فقط من که همه ی ما بنده توایم، و نه تنها من که همه ی ما محتاج و نیازمند لطف توایم. اوّل سوره ی حمد و ثناست، آیه ی إِيَّاكَ نَعْبُدُ ارتباط و آیات بعد، دعا می باشد.

۱- ابتدا باید بندگی خدا کرد، آنگاه از او حاجت خواست. نَعْبُدُ، نَسْتَعِينُ

۲- بندگی، تنها در برابر خداوند رواست نه دیگران. إِيَّاكَ نَعْبُدُ

۳- گر چه عبادت از ماست، ولی در عبادت کردن نیز نیازمند کمک او هستیم.

۴ - إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی نه جبر است و نه تفویض. چون می‌گوییم: نَعْبُدُ پس دارای اختیار هستیم و نه مجبور. و چون می‌گوییم: نَسْتَعِينُ پس نیاز به او داریم و امور به ما تفویض نشده است.

۵- شناخت خداوند و صفات او، مقدمه دست یابی به توحید و یکتاپرستی است.

۶- از آداب دعا و پرستش این است که انسان خود را مطرح نکند و خود را در حضور خداوند احساس کند. إِيَّاكَ نَعْبُدُ...

۷- توجه به معاد، یکی از انگیزه‌های عبادت است. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف: **هدایت تکوینی**، هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کند و بسازد.

ب: **هدایت تشریعی** همان فرستادن انبیا و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

راه مستقیم، راه خداست. إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

راه مستقیم، راه انبیاست. إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

راه مستقیم، راه بندگی خداست. وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست. راه مستقیم، راه فطرت سالم

است. راه مستقیم، کتاب خداوند است. راه مستقیم یعنی میانه روی و اعتدال و احتراز

از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. انسان، هم در انتخاب راه مستقیم

و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می گیرد. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۱- همه ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم ترین خواسته ی یکتاپرستان است.

۳- برای دست یابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. الْحَمْدُ لِلَّهِ... اِهْدِنَا . بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می کند که مورد نعمت الهی واقع شده اند و عبارتند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین . توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می دارد.

بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا دارد که او را در مسیر غضب شدگان و گمراهان قرار ندهد. زیرا بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجابت گرفتار غضب شدند.

قرآن، مردم را به سه دسته تقسیم می نماید: کسانی که مورد نعمت هدایت قرار گرفته و ثابت قدم ماندند، غضب شدگان و گمراهان .

مراد از نعمت در «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، نعمتِ هدایت است.

زیرا در آیه ی قبل سخن از هدایت بود. علاوه بر آنکه نعمت های مادی را کفار و منحرفین و دیگران نیز دارند.

هدایت شدگان نیز مورد خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

۱- انسان در تربیت، نیازمند الگو می باشد. انبیا، شهداء، صدّیقین و صالحان، نمونه های زیبای انسانیت اند. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

۲- آنچه از خداوند به انسان می رسد، نعمت است. قهر و غضب را خود به وجود می آوریم. أَنْعَمْتَ، الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

۳- ابراز تنفّر از مغضوبان و گمراهان، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان، مقاوم و پایدار می کند. غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ



قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ١ اللَّهُ الصَّمَدُ ٢ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ٣ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ٤

سوره توحید منظوم

سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگرو مهربان خلق راست

بگو او خدای است یکتا و بس ١ که هرگز ندارد نیازی به کس ٢

نژاده نه زاییده شد آن اله ٣ ندارد شریکی خدا هیچ گاه ٤



زارع پور



قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ١ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣

و مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ٤ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥

سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست

بگو می برم سوی یزدان پناه که بشکافد او آسمان صبحگاه ١

ز شرّ هر آن چیز کو آفرید ٢ ز شرّ شبانگه چو آید پدید ٣

ز شرّ زنانی که افسونگرند میان گره سحر خود می برند ٤

ز شرّ هر آن کس که باشد حسود چه بر دیگران حسرتش را نمود ٥

مقام تلاوت بیات



زارع پور



قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ١ مَلِكِ النَّاسِ ٢ إِلَهِ النَّاسِ ٣ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

الْخَنَّاسِ ٤ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ٥ مِنَ الْغِيَةِ وَ النَّاسِ ٦

سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست

بگو می برم سوی ربی پناه ١ که خلق جهان راست شاه و اله ٣.٢

ز شیطان خناس که از مکر و شر کند وسوسه قلبهای بشر ٤

کند وسوسه قلبها هر دمی چه از جن بود او چه از آدمی ٦

مقام تلاوت بیات



زارع پور



تفسیر سوره توحید (اخلاص)

(سوره اخلاص یا توحید) از توحید پروردگار ، و یگانگی او سخن می گوید ، و در چهار آیه کوتاه چنان توصیفی از یگانگی خداوند کرده که نیاز به اضافه ندارد.

شان نزول از امام صادق (علیه السلام) : یهود از رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) تقاضا کردند خداوند را برای آنها توصیف کند ، پیغمبر سه روز سکوت کرد و پاسخی نگفت ، تا این سوره نازل شد و پاسخ آنها را بیان کرد .

۱- الله اسم خاص برای خداست، و در همین یک کلمه به تمام صفات جلال و جمال او اشاره شده، و به همین جهت اسم اعظم الهی نامیده شده. این نام مقدس هزار بار در قرآن مجید تکرار شده. الله قلب را روشن، به انسان نیرو و آرامش، و در جهانی از نور و صفا غرق سازد.

۲- خدا، در عین حضور، از دیدگان غایب است و قابل مشاهده نیست هُوَ . (تَذَرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُذَرِكُ الْأَبْصَارَ چشم ها او را درک نمی کند ولی او چشم ها را در می یابد.)

۳- گروهی از سردمداران شرک نزد پیامبر آمدند: ای پیامبر! ما را به چه دعوت می کنی؟ فرمود: به پرستش خدای بی همتا. گفت: او را برای ما وصف نما که از طلا و نقره یا از آهن

۴- خدا در همه چیز یکتاست. در ذات و صفات، در آفرینش و هستی بخشی. در علم یگانه، در قدرت بی مثال، در رحمانیت و رحیمیت ، و خلاصه از هر نظری نظیر است. الله أَحَدٌ.

۵- توجّه تمام موجودات، خواسته یا ناخواسته به سوی اوست. الله الصَّمَدُ تنها او غنی است و همه به او محتاجند. بی نیازی خدا از همه چیز.

۶- تنها خداست که موجودات، در همه امورشان محتاج اویند (صمد مطلق است و شامل تمام احتیاجات مادی و معنوی مخلوقات می شود) لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ

۷- خداوند علّتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. مولود، معلول است و نمی تواند خدا باشد. وَ لَمْ يُولَدْ (چگونه مسیحیان عیسی را مولود مریم، ولی باز هم او را خدا می دانند؟) ۸- نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال، هیچ کس و هیچ چیز شبیه و مانند خداوند نیست. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ خداوند شبیه ندارد تا بتواند شریک او در امور هستی گردد.

تفسیر سوره فلق

این سوره تعلیماتی است که خداوند به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خصوصاً و به سایر مسلمانان عموماً، در زمینه پناه بردن به ذات پاک او از شر همه اشرار می دهد، تا خود را به او بسپارند، و در پناه او از شر هر موجود صاحب شر در امان بدارند.

در باره شان نزول این سوره روایاتی در غالب کتب تفسیر نقل شده که مطابق آنها پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به وسیله بعضی از یهود مورد سحر قرار گرفته، و بیمار شده بود، جبرئیل نازل شد و محل ابزار سحر را که در چاهی پنهان کرده بودند نشان داد، آن را بیرون آوردند، سپس این سوره را خواندند، و حال پیغمبر اکرم بهبود یافت.

۱- به خاطر زیادی خطرات و اهمیت آن انبیا نیز باید به خدا پناه برند. قُلْ أَعُوذُ

۲- اصلاح خود و جامعه، بدون استمداد و پناهندگی به خداوند امکان ندارد.

۳- چون شرور بر قلب و فکر انسان قفل می زنند، باید به قدرتی پناه برد که شکافنده و شکننده قفل ها و موانع باشد. رَبِّ الْفَلَقِ

۴- در دعا با دید وسیع برخورد کنید. شَرِّ مَا خَلَقَ (همه مخلوقات را در برمی گیرد).

۵- در میان همه شرور، شر حسادت، تفرقه افکنی، عهد شکنی و توطئه های پنهان اهمیت بیشتری دارد. مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ ... شَرِّ النَّفَّاثَاتِ ... شَرِّ حَاسِدٍ

۶- دشمن آنقدر می دمد تا تبلیغاتش مؤثر واقع شود. با وسوسه ها عقاید سست می شود و حرف اثر می کند. مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

۷- حسادت، دارویی جز پناه بردن به خدا ندارد. قُلْ أَعُوذُ ... زمینه ها زمانی خطرناک است که به فعلیت در آیند. حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

۸- حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی بر اساس آن گناه است.

شَرِّ مَا خَلَقَ مفهومش این نیست که آفرینش الهی در ذات خود شری دارد، چرا که قرآن **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ** همان خدائی که هر چه را آفرید نیکو آفرید.

۷) شَرِّ هنگامی پیدا می شود که مخلوقات از قوانین آفرینش منحرف شوند و از مسیر تعیین شده جدا گردند، وانگهی بسیاری از امور است که ما در ظاهر آنها را شر حساب می کنیم ولی در باطن خیر است. مانند حوادث و بلاهای بیدارگر و هشدار دهنده که انسان را از خواب غفلت بیدار ساخته و متوجه خدا می کند اینها مسلماً شر نیست.

تفسیر سوره ناس

انسان همیشه در معرض وسوسه های شیطانی است، و شیاطین جن و انس کوشش دارند در قلب و روح او نفوذ کنند، هر قدر مقام انسان در علم بالاتر رود و موقعیت او در اجتماع بیشتر گردد، وسوسه های شیاطین شدیدتر می شود، تا او را از راه حق منحرف سازد و با فساد عالمی، عالمی را بر باد دهد. این سوره به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به عنوان یک سرمشق، پیشوا و رهبر دستور می دهد: از شر همه وسوسه گران به خدا پناه برد. محتوای این سوره از جهتی شبیه سوره «فلق» است، هر دو ناظر به پناه بردن به خداوند بزرگ از شرور و آفات می باشد، با این تفاوت که در سوره «فلق» انواع مختلف شرور مطرح شده، ولی در این سوره، فقط روی شر وسوسه گران ناپیدا (وسواس خناس) تکیه شده است.

۱- اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ هم تعبیر علمی و هم دینی و تربیتی، زیرا هنگامی که از این وسوسه ها و القائات دروغین و فسادآور پناه می بریم احساس آرامش روحی می کنیم
۲- خطرات به قدری شدیدست که خدا به پیامبرش دستور پناه بردن میدهد قُلْ اَعُوذُ
۳- بدون استمداد از خدا، امکان مبارزه با شرور نیست. و تدبیر امور و شئون آنان را به کف قدرت خویش دارد. وقتی پیامبر، به خدا پناه می برد، وظیفه ما روشن است.

۴- گناهکاران نباید مأیوس شوند، پروردگار همه مردم است نه فقط مؤمنان بِرَبِّ النَّاسِ
۵- انسان باید خود را تحت تربیت خداوند بداند، بِرَبِّ النَّاسِ سلطنت و حکومت او را بپذیرد، مَلِكِ النَّاسِ و او را معبود خود قرار دهد. اِلَهِ النَّاسِ

۶- انسان بی ایمان، به قدرت و جمعیت و قومیت و ثروت خود پناه می برد، ولی مردان خدا به پروردگار و پادشاه و معبود هستی پناهنده می شوند. بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلَهِ النَّاسِ -۸-
بالاترین خطرهای پنهان ترین آن هاست که وسوسه درونی باشد. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ در خصوص دفع شرور، خداوند از بندگان خود خواسته است که هر زمان از جانب شرور تهدید شدند، به این دو سوره تمسک جویند. شروری از قبیل حوادث طبیعی (سیل- زلزله- طوفان و...) و غیر طبیعی (فقر- بیماری- وسوسه شیطان- نقص جان، مال و عضو)، همواره انسان را تهدید می کنند. اگر انسان با اعتقاد و ایمان قلبی، آیات قرآن، را تلاوت کند، شرور از او دفع می شوند. چرا که نظام عالم مبتنی بر خیر و نیکی است.

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۚ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۚ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ۚ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۚ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۚ

سر آغاز گفتار نام خداست
بگو ای رسول خدا، مصطفی (ص)
نخواهم پرستم خدایان خوار
که رحمتگر و مهربان خلق راست
به کفار و بر مشرکان خدا (۱)
که آن را پرستید در روزگار (۲)
نه هرگز پرستید رب مرا (۳)
نه هرگز پرستید آن کردگار
شما پس همان شرک گیرید پیش
که باشد مرا رب و پروردگار (۴)
که توحید من نیز از آن خویش (۵)
که توحید من نیز از آن خویش (۶)

مقام تلاوت حجاز

زارع پور



إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

سر آغاز گفتار نام خداست
چو با یاری کردگار بشر
بیینی همه دسته دسته ز راه
که رحمتگر و مهربان خلق راست
عیان گشت آیات فتح و ظفر
بیایند در دین یکتا اله
ستایش کن آنگاه پروردگار
تو آمرزشی خواه از کردگار
که توبه پذیر است یکتا خدا
ببخشاید از بندگان خطا

مقام تلاوت حجاز

زارع پور



مسد

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

سر آغاز گفتار نام خداست
دو دست ابی لهب آن مرد خوار
ن شاید کند دفع از وی عذاب
که رحمتگر و مهربان خلق راست
بشد قطع بر امر پروردگار
فزونى اموال روز حساب
بزودی بیافتد به نار سقر
به گردن وی را لیف خرما در است
زنش نیز هیزم کشی مضطر است

مقام تلاوت حجاز

زارع پور



پیام های سوره کافرون

لحن سوره نشان می دهد در زمانی نازل شده که مسلمانان در اقلیت بودند و کفار در اکثریت ، و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از ناحیه آنها سخت در فشار بود، و اصرار داشتند او را به سازش با شرك بکشانند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست رد بر سینه همه آنها می زند، و آنها را به کلی مایوس می کند، بدون آنکه بخواهد با آنها درگیر شود. این سرمشقی است برای همه مسلمانان که در هیچ شرائطی در اساس دین و اسلام با دشمنان سازش نکنند، و هر وقت چنین تمنائی از ناحیه آنها صورت گیرد آنها را کاملاً مایوس کنند، مخصوصاً در این سوره دو بار این معنی تاکید شده که من معبودهای شما را نمی پرستم و این تاکید برای مایوس ساختن آنها است، همچنین دوباره تاکید شده که شما هرگز معبود من، خدای یگانه را نمی پرستید و این دلیلی است بر لجاجت آنها، و سرانجامش این است که من و آئین توحیدیم ، و شما و آئین پوسیده شرك آلودتان! در باره فضیلت این سوره روایات فراوانی نقل شده که حاکی از اهمیت فوق العاده محتوای آن است.

- ۱- گروهی از کافران در عصر پیامبر، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک، پیشنهادی غیرمنطقی دادند. مسلمانان باید در برابر پیشنهادات غیر منطقی، صریح و قاطع پاسخ بگویند و دشمنان را از خود مایوس نمایند. لا اَعْبُدُ مَا ...
- ۲- به نام وحدت، نباید از اصول و ارزشها سرپیچی کرد. دنیای کفر از تسلیم شدن مسلمانان مایوس باشد لا اَعْبُدُ... وَ لَا اَنَا عَابِدُ اعلام براءت از کفار باید مکرر و مؤکد و علنی باشد .
- ۳- در دین معامله نکنید، با دشمن سازش و مداهنه نکنید و در برابر تکرار پیشنهادهای نابجا، شما نیز موضع خود را قاطعانه تکرار کنید. لا اَعْبُدُ ... لَا اَنْتُمْ عَابِدُونَ ... وَ لَا اَنَا عَابِدُ
- ۴- به خاطر جذب دیگران، دست به هر کاری نزنید. قرآن از غیب خبر می دهد. حتی یک نفر از پیشنهاد دهندگان، حاضر به اسلام آوردن نشد. ... مَا اَعْبُدُ
- ۵- پایداری و قاطعیت، شرط رهبری است. وَ لَا اَنَا عَابِدُ

۶- عبادت و بندگی خدا، ملاک تمایز مؤمن از کافر است. لَا اَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا اَعْبُدُ

۷- انسان در انتخاب دین آزاد است. معبود هر کس، بیانگر دین و آیین اوست

۸- باید صف ها از هم جدا ، حق از باطل و کفر از ایمان متمایز شود لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

تفسیر سوره نصر

این سوره در مدینه و بعد از هجرت نازل شده است ، و در آن بشارت و نوید از پیروزی عظیمی می دهد که به دنبال آن مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند ، و لذا به شکرانه این نعمت بزرگ پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را دعوت به تسبیح و حمد الهی و استغفار می کند. گرچه در اسلام فتوحات زیادی رخ داد، ولی فتحی با مشخصات فوق جز فتح مکه نبود، به خصوص اینکه طبق بعضی از روایات اعراب معتقد بودند اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مکه را فتح کند و بر آن مسلط گردد این دلیل بر حقانیت او است، چرا که اگر بر حق نباشد خدا چنین اجازه ای را به او نمی دهد، همانگونه که به لشکر عظیم ابرهه اجازه نداد، به همین دلیل بعد از فتح مکه مشرکان عرب گروه گروه وارد اسلام شدند.

۱- امام صادق (علیه السلام) : اولین چیزی که بر رسول خدا نازل گشت اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ بود و آخرین آن إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ بود. پیروزی در سایه نصرت الهی است .
۲- نابودی سران کفر و شرک، زمینه برای ورود مردم به توحید و یکتاپرستی يَدْخُلُونَ ۳- مسلمانان وظیفه دارند در حدّ توان و امکان تلاش کنند تا زمینه ورود دیگران به اسلام فراهم. خدا، پیامبر را به امداد خویش مطمئن و وعده پیروزی بر دشمنان را داد ۴- اگر موانع برطرف شود، مردم گروه گروه ایمان می آورند. أَفْوَاجاً تا قبل از فتح مکه مردم یکی یکی مسلمان می شدند، ولی بعد از فتح مکه، گروه گروه.

۵- فتح و پیروزی شما را مغرور نسازد هرچه هست از خداست نَصْرُ اللَّهِ... فَسَبِّحْ... رَبِّكَ ۶- تنزیه خدا از عیب و نقص و ظلم، باید همراه با سپاس از نعمت ها و ستایش او باشد. پاس و ستایش و تسبیح خدا، مقدمه استغفار و آمرزش طلبی است. وَ اسْتَغْفِرْهُ
۷- صالحان بقدرت رسند بجای غرور و غفلت، جان و روح خود را با یاد خدا معطر کنند

۸- خداوند منزّه است از اینکه یاران دینش را تنها بگذارد. پیامبر، مشتاق آزادسازی و فتح مکه و در انتظار نصرت و امدادهای الهی بود. آزادسازی مکه برای مسلمانان، به منزله فتح کامل سنگرهای دشمن بود.

۹- هر کس حتی پیامبر، هر قدر تسبیح و تحمید کند، در پایان آن استغفار کند اسْتَغْفِرْهُ
۱۰- توبه پذیری سنت خداوند است. إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً

تفسیر سوره مسد

این سوره که در مکه و تقریباً در اوائل دعوت آشکار پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده تنها سوره ای است که در آن حمله شدیدی با ذکر نام نسبت به یکی از دشمنان اسلام و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در آن عصر و زمان (یعنی ابو لهب) شده، و محتوای آن نشان می دهد که او عداوت خاصی نسبت به پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داشت، و از هیچگونه کارشکنی و بد زبانی او و همسرش مضایقه نداشتند. قرآن با صراحت می گوید: هر دو اهل دوزخند، و راه نجاتی برای آنها نیست، و این معنی به واقعیت پیوست، سرانجام هر دو بی ایمان از دنیا رفتند و این يك پیشگوئی صریح قرآن است.

- ۱- اعلام برائت از ناهلان جزء دین است. کیفر توهین به مقدسات، لعن و نفرین ابدی است.
- ۲- باید برای نابودی کامل کفر دعا کنیم. یدَا (قطع شدن دست بی نتیجه ماندن تلاشهاست).
- ۳- پاسخ مخالفان را مثل خودشان بدهید. در پاسخ آنان که به پیامبر گفتند: تَبَا لَكَ (مرگ و نابودی بر تو) خداوند فرمود: تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ
- ۴- در نظام مکتبی، ضابطه بر رابطه مقدم است.
- ۵- مال و ثروت، یکی از ابزارهای مخالفان انبیاست. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (ابولهب سرمایه داری بود که ثروتش را برای محو اسلام هزینه کرد).
- ۶- بدتر از فساد تکرار آن است. حَمَالَةً در برابر قهر الهی نه ثروت کارائی دارد و نه هر چیز که در اثر تلاش به دست آید، خواه ثروت باشد یا مقام و عنوان و حکومت و شهرت.
- ۷- قهر الهی نسبت به ستمگران دور نیست. سَيَصْلَىٰ

۸- اشرافیت دنیا، همراه با تحقیر آخرت است. فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ

ابولهب فرزند عبدالمطلب و عموی رسول خدا و دشمن پیامبر. در تکذیب و انکار آن حضرت اصرار می ورزید، به گونه ای که در دعوت خصوصی که پیامبر از عشیره خود به عمل آورد با کمال بی شرمی خطاب (تَبَا لَكَ هلاکت بر تو باد) و این سوره در رد گفتار او نازل شد و کلام او را به خودش ارجاع داد. ثروت و آن اعمالش هیچ دردی از او دوا نکرد و نفرین خدا و قضای

حتمی بر هلاکت و خسران را نتوانست از وی دور کند. همسر ابولهب (ام جمیل خواهر ابوسفیان) در مخالفت، مانند او بود. گرایش نیافتن ابولهب به اسلام تا آخر عمر، از پیشگویی های قرآن است.



لَا يَلَافُ قُرَيْشٌ ﴿١﴾ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ
الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

سر آغاز گفتار نام خداست
چنان کرد با ابرهه کردگار
چنان الفتی که بماند به جا
پرستید پس رب این خانه را
که رحمتگر و مهربان خلق راست
به هنگام ترس و به وقت خطر
به هنگام صیف و زمان شتاء
بفرمودشان ایمن از بیم و شر



مقام تلاوت نهاوند

زارع پور



أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَ لَا يُخْضُ عَلَى طَعَامِ
الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾

و يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾ سر آغاز گفتار نام خداست
ندیدی آن تو شخص ای مصطفی
همان شخص بی رحم و خوار و لعین
نکرده است ترغیب کس را تمام
که رحمتگر و مهربان خلق راست
که انکار می کرد روز جزا
که می راند از درگاه خود یتیم
که بر مرد مسکین ببخشد طعام
ولی هست غافل ز ذکر و نیاز
به دنبال تزویر و نیرنگ بود
نکویی نکرده است در هیچ حال
کند بازداری از انفاق مال



مقام تلاوت نهاوند

زارع پور



إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

سر آغاز گفتار نام خداست
همانا که اینک بدادیم ما
تو هم پس به شکرانه می خوان نماز
همانا همان کس که عیب بخواند
که رحمتگر و مهربان خلق راست
به تو کوثری پاک، ای مصطفی
برای خدایت بکن ذبح، باز
خودش نسل مقطوع و ابر بماند

مقام تلاوت نهاوند

زارع پور



تفسیر سوره قریش

این سوره در حقیقت مکمل سوره فیل محسوب می‌شود و آیات آن دلیل روشنی بر این مطلب است. محتوای این سوره بیان نعمت خداوند بر قریش و الطاف و محبت‌های او نسبت به آنهاست، تا حس شکرگزاری آنها تحریک شود و به عبادت پروردگار این بیت عظیم که تمام شرف و افتخارشان از آن است قیام کنند. همانگونه که در آغاز سوره و الضحی گفتیم آن سوره و سوره الفیل شرح در حقیقت یک سوره محسوب می‌شود، همچنین سوره فیل و سوره قریش چرا که اگر درست در محتوای آن دو دقت کنیم پیوند مطالب آنها بقدری است که می‌تواند دلیل بر وحدت آن دو بوده باشد. به همین دلیل برای خواندن یک سوره کامل در هر رکعت از نماز اگر کسی سوره‌های فوق را انتخاب کند باید هر دو را با هم بخواند.

۱. وحدت و الفت میان اقشار جامعه، از نعمتهای الهی است. **لَّيْلًا قُرَيْشٍ** خدا سپاه ابرهه را نابود ساخت تا قریش بتوانند به الفتهای خود ادامه دهند. (ارتباط سوره فیل)
۲- تا مسائل اقتصادی و امنیتی جامعه حل نشود، نمی‌توان آنان را به عبادت دعوت کرد. **فَلْيَعْبُدُوا ... الَّذِي أَطْعَمَهُمْ ... وَ آمَنَهُمْ** نظام زندگانی قریش و شیوه امرار معاش آنان، در صورت پیروزی ابرهه، از هم می‌پاشید.

۳- یکی از فلسفه‌های عبادت، شکر مُنعم است. **فَلْيَعْبُدُوا** خداوند امور مگه و کعبه را تدبیر می‌کند. **رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ**

۴- تأمین معیشت و امنیت جامعه، باید در مسیر بندگی و عبادت خدا باشد. **فَلْيَعْبُدُوا**

۵- نیاز به غذا، ویژگی بشرست و تأمین آن، نشانه لطف و رحمت خداوند **أَطْعَمَهُمْ**

۶- برقراری امنیت و برطرف کردن عوامل ترس، کار خدایی است. **آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ**

۷- سفر برای کسب درآمد، مورد پذیرش اسلام است. قریش سالی دو بار سفر تجاری

داشتند، یکی در زمستان به منطقه یمن و یکی در تابستان به منطقه شام. سفرهای تجاری

موجب رونق صادرات و واردات و بهبود زندگی و تبادل فرهنگ ست **رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ**

تفسیر سوره ماعون

این سوره لحن آیاتش که در مقاطع کوتاه و کوبنده ، از قیامت و اعمال منکران آن سخن می گوید گویای همین مطلب که مکی است. روی هم رفته در این سوره صفات و اعمال منکران قیامت در پنج مرحله بیان شده ، که آنها به خاطر تکذیب این روز بزرگ چگونه از انفاق در راه خدا ، کمک به یتیمان ، و مسکینان سرباز می زنند ، و چگونه در مورد نماز مسامحه کار و ریاکارند ، و از کمک به نیازمندان رویگردانند ؟ در شان نزول این سوره بعضی گفته اند : در باره ابو سفیان نازل شده که هر روز دو شتر بزرگ نحر می کرد ، و خود و اطرافیان یارانش از آن استفاده می نمودند اما روزی یتیمی آمد و تقاضای چیزی کرد او با عصایش بر او زد و او را دور کرد.

۱- تکذیب عملی قیامت از سوی اهل ایمان، امری شگفت آور و جای سؤال است أَرَأَيْتَ الَّذِي يَبْتَغِي عِتْنًا بِهٖ غَرْسًا، نشانه بی اعتقادی به قیامت است.

۲- طرد یتیم انسان را از خدا دور می کند. يَدْعُ الْيَتِيْمَ نَشَانِهٖ اِيْمَانًا، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و هرکس بی توجه باشد بی دین است.

۳- میان عقیده و عمل رابطه تنگاتنگ است. (مسائل جزئی مثل طرد یتیم را جزئی نگیرید که گاهی از مسائل مهمی مثل تکذیب دین خبر می دهد).

نیازهای عاطفی، مقدم بر نیازهای جسمی است. (اول محبت به یتیم، سپس سیر کردن مسکین) يَدْعُ الْيَتِيْمَ ... طَعَامِ الْمَسْكِيْنِ

۴- هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ

۵- سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی اعتنائی باشد، سرزنش دارد. عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. عَنْ صَلَاتِهِمْ نَهْ فِي صَلَاتِهِمْ اخْلَاصٌ، شرط قبولی نماز و عبادت است يُرَاوْنَ

۶- اطعام فقرا مخصوص توانگران نیست، همه وظیفه دارند، گرچه از طریق تحریک و تشویق دیگران باشد. لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِيْنِ بی تفاوتی نسبت به نیازهای ضروری مردم کیفر دارد. ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

تفسیر سوره کوثر

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دو فرزند پسر از خدیجه داشت: یکی قاسم و دیگری طاهر که او را عبدالله می نامیدند، و هر دو در مکه از دنیا رفتند، و پیغمبر اکرم فاقد فرزند پسر شد، این موضوع زبان بدخواهان قریش را گشود، و کلمه ابتر را برای حضرتش انتخاب کردند. عاص بن وائل که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد، و مدتی با حضرت گفتگو نمود، گروهی از سران قریش در مسجد نشسته بودند، هنگامی که عاص بن وائل وارد مسجد شد به او گفتند: با که صحبت می کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! (بدون نسل و ادامه)

- ۱- خداوند به وعده های خود عمل میکند. سوره ضحی، خدا وعده ی عطا به پیامبر داده بود: **وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى** پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره فرزند و نسل عطیه الهی است. **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ**
- ۲- نعمت ها حتی برای پیامبر مسئولیت آورست. در نعمت ها و شادی ها خدا را فراموش نکنیم... **فَصَلِّ** به نماز یا سجده شکر سفارش شده تشکر باید فوری باشد.
- ۳- آنچه می تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. تشکر را از خدا
- ۴- نماز جامع ترین و کامل ترین نوع عبادت است حضرت زهرا علیها السلام در خطبه خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. **تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ**
- ۵- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می داند، دین هم به همان فرمان می دهد. **فَصَلِّ لِرَبِّكَ**

- ۶- قربانی کردن، راههای تشکر از نعمت های الهی ست محرومان به نوای می رسند
- ۷- توهین به مقدّسات، توبیخ سخت دارد. دشمنان پیامبر و مکتب او ناکام هستند
- ۸- از متلک ها و توهین ها نهراسیم که خدا طرفداران خود را حفظ میکند **هُوَ الْأَبْتَرُ**
- ۹- زود قضاوت نکنیم و تنها به آمار و محاسبات تکیه نکنیم که همه چیز به اراده خداست (مخالفان، با مرگ پسر پیامبر صلی الله علیه و آله، قضاوت کردند که پیامبر ابتر است، ولی همه چیز برعکس شد) **أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ... إِنَّ شَانِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**
- ۱۰- چون عطا از اوست: **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ** تشکر هم باید برای او باشد. **فَصَلِّ لِرَبِّكَ**
- ۱۱- هر که بامش بیش برفش بیشتر. کسی که کوثر دارد، ذبح گوسفند کافی نیست باید شتر نحر کند و بزرگ ترین حیوان اهلی را فدا کند. **وَأَنْحَرِ**



وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست
قسم باد، بر عصر ۱ کاین آدمی زیان ها رساند به خود هر دمی ۲
به جز مومنان به پروردگار که پیوسته نیک اند و پرهیزگار
سفارش نمایند هم را، مدام به حق و شکیبایی و اهتمام ۳



مقام تلاوت نهاوند
زارع پور



أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَ أَرْسَلَ
عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَزْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ۝
سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست
ندیدی تو آیا که رب جلیل چه آورد بر روز اصحاب فیل ۱
نه تدبیر ایشان بدادی بر آب که کعبه زکینه نگردد خراب ؟ ۲
ابابیل مرغان فرستادشان ۳ بدان سنگ سجیل آزدردشان ۴
بدن هایشان خردآنانسان نمود که حیوان علف زیر دندان نمود ۵



مقام تلاوت نهاوند
زارع پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سوره همزه قاری و تنظیم : زارع پور . شاعر: امید مجد

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾ يُخَسِّبُ أَنْ مَالَهُ أَخْلَدَهُ
﴿٣﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ
﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْافْتِدَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾ فِي غَمَدٍ مُّمدَّدةٍ ﴿٩﴾

بسی وای بادا به هر دو جهان بر آن عیب جویان هرزه زیان
همان که فراهم نموده ست مال بدان گشته سرگرم در طی سال
گمان می نماید که مال زیاد بر او عمر جاوید خواهد نهاد
چنین نیست حقا به سوزنده نار به دوزخ بیافتد به روز شمار
پس آن سختی آتش بر فروز تصور چه سان می توانی هنوز
بیافروخته کردارگار آن شرر که در قلب کفار شد شعله ور
بر آن ها محیط است سوزنده نار احاطه نموده است از هر کنار
بگردند در آتشی پایدار که از هم چون ستونی است از هر کنار

مقام تلاوت نهاوند
زارع پور

تفسیر سوره عصر

این سوره در عین کوتاه بودن برنامه جامع و کاملی برای سعادت انسان تنظیم و ارائه نموده است. نخست از سوگند پر معنی به عصر شروع می شود که تفسیر آن را به زودی خواهید دید ، سپس سخن از زیانکار بودن همه انسانها که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است به میان می آورد ، بعد فقط يك گروه را از این اصل کلی جدا می کند ، آنها که دارای برنامه چهار ماده ای زیر هستند : ایمان ، عمل صالح ، سفارش یکدیگر به حق ، و سفارش یکدیگر به صبر و این چهار اصل ، در واقع برنامه های اعتقادی و عملی و فردی و اجتماعی اسلام را در برمی گیرد .

۱- دوران تاریخ بشر، ارزش دارد و خداوند به آن سوگند یاد کرده است. پس از عبرت های آن پند بگیریم. وَالْعَصْرِ سوگند به عصر هر پیغمبری. از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد فرمود: **العصر خروج القائم** (عجل الله فرجه الشريف) قسم به عصاره عالم هستی و جهان آفرینش و انسان . - سوگند به عصر زیرا که انسان از هر سو در خسارت است.

لَفِي خُسْرٍ خسارت عبارتست از ضرر کردن در اصل سرمایه و مسلماً انسانی که سرمایه عمر و نفس خود را از دست داده و کمالی بدست نیاورده و عمل صالحی انجام نداده، در خسارتی جبران نشدنی و عظیم قرار دارد.

۲- انسان مطلق که در مدار تربیت انبیا نباشد، در حال خسارت است. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

۳- تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل است. آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ایمان بر عمل مقدم است، چنانکه خودسازی بر جامعه سازی مقدم است.

۴- به فکر خود بودن کافی نیست. مؤمن در فکر رشد و تعالی دیگران است. تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

۵- سفارش به صبر به همان اندازه لازم است که سفارش به حق بِالْحَقِّ - بِالصَّبْرِ جامعه زمانی اصلاح می شود که همه مردم در امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشند. هم پند دهند و هم پند بپذیرند.

۶- بدون ایمان و عمل صالح و سفارش به حق و صبر، خسارت انسان بسیار بزرگ است.

تفسیر سوره همزه

سوره درباره (ولید بن مغیره و افراد دیگری از سران شرك و دشمنان کینه توز و سرشناس اسلام) نازل شده است که در پشت سر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) غیبت می کرد، و در پیش رو طعن و استهزاء می نمود. ولی چنانچه این شائن نزولها را بپذیریم باز عمومیت مفهوم آیات شکسته نمی شود، بلکه شامل تمام کسانی است که دارای این صفاتند.

۱- یکی از آفات و خطرات ثروت اندوزی، تحقیر دیگران است **هُمَزُهُ لُمَزُهُ... جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ**

۲- مسائل اخلاقی جزء دین است و انسان مؤمن، باید زبان و نگاه خود را کنترل کند.

۳- مراقب باشیم فریب دنیا را نخوریم و به مال دنیا مغرور نشویم. **يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ** سعی به اعمال صالحه که موجب خلود صاحبش باشد در بهشت، اما مال برای هیچ کس موجب خلود در دنیا نشود.

۴- آنان که به جای انفاق مال، در فکر جمع و احتکار اموال هستند، منتظر عذاب خورد کننده قیامت باشند **لَيُنَبِّذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ** آنقدر شدت دارد که عقل احاطه به آن ندارد.

۵- نیش زبان و طعنه زدن، از گناهان کبیره ست، زیرا درباره آن وعده عذاب آمده.

۶- آتشی که خدا بیفروزد، نه فقط بر جسم، بلکه بر جان و دل مجرمان نفوذ می کند. **نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ** یعنی از همه اعضا و اطراف در گذرد و به میان دل درآید و همه ظاهر و باطن آن را فرا گیرد.

۷- فکر بشر از درک حقایق دوزخ و بهشت عاجز است. **وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ**

۸- ستون های بلند (آهنین) آتش، راه فرار را بر دوزخیان می بندد. **مُؤَصَّدَةٌ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ**

حدیث از ابن عباس: هنگامی که نخستین سکه درهم و دینار در جهان زده شد ابلیس نگاهی به آنها افکند آن دو را گرفت و بر چشمانش گذاشت، سپس برداشت و به سینه اش چسباند! بعد فریاد عاشقانه ای کشید! دگر بار به سینه اش چسباند، سپس گفت: خطاب به درهم و دینار نور چشمان منید و میوه دل من! اگر انسانها شما را دوست دارند مهم نیست که بت پرستی نکنند. همین که دوست دارند برای من کافی است (چرا که شما برترین بت هستید).

تفسیر سوره فیل

سوره اشاره به داستان تاریخی معروفی می کند که در سال تولد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) واقع شده، و خداوند خانه «کعبه» را از شر لشکر عظیم کفاری که از سرزمین «یمن» سوار بر «فیل» آمده بودند حفظ کرد. یادآوری این داستان هشداری است به کفار مغرور و لجوج که بدانند: در برابر قدرت خدا کمترین قدرتی ندارند، خداوندی که لشکر عظیم فیل را با آن پرندگان کوچک، و آن سنگریزه های نیم بند (حِجَارَةٌ مِنْ سِجِّيلٍ) در هم کوبید، قدرت دارد که این مستکبران لجوج را نیز مجازات کند. نه قدرت آنها عظیم تر از قدرت «ابرهه» بود، و نه لشکر و نفرات آنها هرگز به آن حدّ می رسید، یعنی شما که این ماجرا را با چشم خود دیدید، چرا از مرکب غرور پائین نمی آیید؟!

۱. برای هشدار به مجرمان، از نمونه های پیش رو و نزدیک استفاده کنید. (شهرت اصحاب فیل به قدری بوده که گویا جلو چشم است و نیازی به دلیل ندارد). أَلَمْ تَرَ
- ۲- کعبه قبل از اسلام مقدس بوده و شکستن حرمت آن کیفر دارد کَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ
- ۳- قهر الهی نسبت به مجرمان، جلوه ای از ربوبیت الهی است.
- ۴- پرندگان مأموران خداوند هستند و شعور دارند. أُرْسِلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ
- ۵- اطلاع از نقشه دشمن و نقش بر آب کردن آن، مهم است يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ
- ۶- دشمن از بزرگ ترین تجهیزات جنگی (همچون فیل) برای هجوم استفاده می کند، اما خداوند با استفاده از کوچک ترین حیوانات یعنی پرندگان آسمان، آنها را نابود می کند. اثبات قدرت تامة خدای قادر که تمامی موجودات در حیطه تصرف اوست
- ۷- دشمنان خدا هر چند مجهز باشند ناتوانند.

- ۸- سخت ترین کیفر برای اهانت به مقدسات است. (اقوام دیگر که هلاک شدند هیچ کدام مثل کاه جویده نشدند، بلکه یا روی خاک افتادند یا در آب غرق شدند).

- ۹- دلالت واضح و معجزه باهره است بر ظهور حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم زیرا حضرت در آن سال متولد و آن را عام الفیل گویند و به تواتر ثابت شده چون حضرت اینکه سوره را بر اهل مکه خواند، همه تصدیق نمودند با وجود شدت حرص آنها بر تکذیب آن حضرت و ایشان قریب العهد بودند به اصحاب فیل.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **سوره قارعه ۸** قاری تنظیم : زارع پور . شاعر: امید مجد

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا هِيَّةُ ﴿١٠﴾ نَارٍ حَامِيَةٍ ﴿١١﴾

همی قارعه چیست روز عذاب	که از وحشت افتند در اضطراب
چگونه توانی تصور نمود	که سختی آن چون بود در وجود
ملخ وار مردم در آن روز سخت	پراکنده گردند هر سو ز بخت
چو پشم زده ریز گردد جبال	از آن هیبت و اقتدار و جلال
در آن روز هرکس به میزان حق	ورا کفه سنگین بود در طبق
بهشت است بهر وی آراسته	پس او هست در عیش دلخواسته
سبک گشت اعمال هرکس دگر	به هاویه افتد به قعر سقر
ولی سختی هاویه و آنچه بود	چگونه توانی تصور نمود
بود سوزناک آتشی پُرفروز	که هر چیز از تابش افتد به سوز

مقام تلاوت صبا

زارع پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **سوره تکویر** قاری تنظیم : زارع پور . شاعر: امید مجد

الْهَآكُمُ التَّكْوِيْرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ ﴿٨﴾

تفاخر به فرزند و مال زیاد	شما را نموده است غافل ز یاد
برفتید بر سوی اهل قبور	نه پندی گرفتید از اهل گور
بزودی بدانید بعد از هلاک	عذابی بخواهد رسد دردناک
بزودی بدانید روز جزا	سرانجامتان چیست مزد و سزا
بدین امر اگر نیک آگه بُدی	ز فردای عقبی نه غافل شدی
همانا که چون مرگ آید ز راه	برانید سوی جهنم نگاه
ببینید آن را به چشم یقین	نباشید دیگر به عقبی ظنین
در آن روز پرسند از حالتان	از آن ثروت و نعمت و مالتان

مقام تلاوت حجاز

زارع پور

تفسیر سوره قارعه

سوره به طور کلی از معاد و مقدمات آن سخن می گوید، با تعبیراتی کوبنده و بیانی تکان دهنده، و انذار و هشدار صریح و روشن، و سرانجام انسانها را به دو گروه تقسیم می کند! گروهی که اعمالشان در میزان عدل الهی سنگین است، و پاداششان زندگانی سراسر رضایت بخش در جوار رحمت حق و گروهی که اعمالشان سبک و کم وزن است و سرنوشت شان آتش داغ و سوزان جهنم. طبق آیات قرآن کوهها در آستانه قیامت نخست به حرکت درمی آیند بعد درهم کوبیده و متلاشی می گردند و سرانجام به صورت غباری در آسمان درمی آیند که در آیه مورد بحث آن را تشبیه به پشمهای رنگین حلاجی شده کرده، پشمهائی که همراه تندباد حرکت کنند و تنها رنگی از آنها نمایان باشد، و این آخرین مرحله متلاشی شدن کوهها است. گواه بر آن است که آیات فوق از مراحل نخستین قیامت یعنی مرحله ویرانی و پایان جهان سخن می گوید.

۱- قیامت، کوبنده مستکبران و روحیه های متکبرانه است. الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ توصیف کوبندگی قیامت که انسانها را مانند ملخ از گورها بیرون می آورد و کوهها را متلاشی می سازد.

۲- قیامت فراتر از فکر بشرست. حتی پیامبر بدون بیان الهی از آن خبر ندارد وَمَا أَذْرَاكَ

۳- قیامت روز تحیر و سرگردانی بشر است. كَالْفَرَّاشِ الْمُبْتُوثِ همچنان که پروانه خود را به آتش می زند و در آتش می افتد، مردم نیز در روز قیامت به آتش می افتند.

۴- بهشت را به بها دهند نه بهانه. مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ مومنین در قیامت زندگی خوبی دارند. زندگی سراسر شاد، مخصوص قیامت و دائمی است. زندگی دنیا در کنار کامیابی ها، دغدغه بیماری، سختی و موقتی می باشد

۵- سرقت، حسادت، از دست دادن و گذرا بودن هست. عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ رضایت از زندگی، از نشانه های جامعه بهشتی است. در قیامت، مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ الْكَرِيمُ و مَنْ خَفَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ لَثِيمُ هر کس میزان او سنگین باشد، تکریم می شود و سبک باشد، تحقیر و ملامت خواهد شد. اعمال هم مانند هر چیزی برای خود وزن و ارزشی دارند و اعمالی که نزد خدا قدر و منزلتی داشته باشند در ترازوی سنجش اعمال سنگین و وزین هستند،

تفسیر سوره تکاثر

سوره در باره قبائلی نازل شد که بر یکدیگر تفاخر می کردند، و با کثرت نفرات و جمعیت یا اموال و ثروت خود بر آنها مباحثات می نمودند تا آنجا که برای بالا بردن آمار نفرات قبیله به گورستان می رفتند و قبرهای مردگان هر قبیله را می شمردند! سوره سرزنش و ملامت و هشدار نسبت به مساله معاد و قیامت و آتش دوزخ، و سرانجام هشدار در زمینه مساله سؤال و بازپرسی از نعمتها می دهد. سخنی است که از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در این زمینه در نهج البلاغه آمده است که بعد از تلاوت الهاکم التکاثر حتی زرتم المقابر فرمود : شگفتا ! چه هدف بسیار دوری؟ و چه زیارت کنندگان غافل؟ و چه افتخار موهوم و رسوائی؟ به یاد استخوان پوسیده کسانی افتاده اند که سالها است خاک شده اند، آنهم چه یادآوری؟ با این فاصله دور به یاد کسانی افتاده اند که سودی به حالشان ندارند، آیا به محل نابودی پدران خویش افتخار می کنند؟ و یا با شمردن تعداد مردگان و معدومین خود را بسیار می شمردند؟ آنها خواهان بازگشت اجساد هستند که تار و پودشان از هم گسسته، و حرکاتشان به سکون مبدل شده. است. این اجساد پوسیده اگر مایه عبرت باشند سزاوارتر است تا موجب افتخار گردند! ۱- هشدار نسبت به فرجام شوم سرگرم شدن به ثروت اندوزی و جاه طلبی، با توجه به بازخواست های قیامت و عذاب های جهنم.

۲ - فزون طلبی و فخر فروشی انسان را به کارهای بیهوده و عبث می کشاند. **أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ**
۳ - فزون طلبی، عامل غفلت از حساب قیامت است. دامنه فزون طلبی تا شمارش مردگان پیش می رود. **حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ** در فرهنگ جاهلی، کمیّت و جمعیت، تا آنجا ارزش دارد که حتی مردگان را در شمارش به حساب می آورند. و یا سرانجام انسان زیارت و دیدار قبر است.

۴ - بی خبری از احوال قیامت، انسان را به انحراف می کشاند. **كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ**

۵ - در برابر افکار و رفتار انحرافی باید هشدار را تکرار کرد. **كَلَّا - ثُمَّ كَلَّا - كَلَّا**

۶ - از طریق ایمان و یقین انسان می تواند آینده را ببیند. **لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ**

۷ - تکاثر و تفاخر، کیفر سختی دارد. عاقبت اندیشی مانع فخر فروشی است.

۸ - کسانی که به دنیا سرگرم هستند، هرگز به درجه یقین نمی رسند. **لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ**

ایمان و یقین، درجاتی دارد **عِلْمُ الْيَقِينِ... عَيْنُ الْيَقِينِ**

۹- حساب قیامت بر اساس امکاناتی است که خدا به هرکس داده و لذا هرکس متفاوت از دیگری است. **لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ**

تبصره - علم الیقین علمی است که مطمئن شود به آن، بعد از شک ثبات نماید بدان .
علامه مجلسی (رحمه الله) از بعض محققین نقل نموده که برای یقین سه درجه است :
علم الیقین آن علمی است که حاصل شود به دلیل، مثل کسی که علم پیدا کند به وجود آتش به دیدن دود.

عین الیقین آن علمی است که برسد به حد مشاهده، مثل کسی که ببیند آتش را.
حق الیقین مثل کسی است که داخل آتش شود و متصف گردد به صفات و سوزندگی آتش،
جلوه های تکاثر

تکاثر در شرک و چند خدایی **أَزْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ** حضرت یوسف به هم زندانی هایش که مشرک بودند، گفت: آیا ارباب متفرق بهترست یا خدا یکتای قهار؟

تکاثر در غذا بنی اسرائیل می گفتند: ما بر یک نوع غذا صبر نداریم **لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ** خوردنی هایی همچون پیاز و سیر و عدس و خیار می خواهیم **قِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدْسِهَا وَبَصِلِهَا**
تکاثر در عمر چنانکه بعضی دوست دارند ۱۰۰۰ سال عمر کنند **يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ**

تکاثر در مال برخی افراد به دنبال جمع مال و شمارش آن هستند. **الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ**

تکاثر در مسکن در دامنه هرکوهی ساختمانهای بلند بنا می کنند **تَبْنُونَ بِنَاءَ كِبَرٍ رِيعَ آيَةٍ تَعْبَثُونَ**

تکاثر در شهوت اسلام برای مسئله جنسی، راه ازدواج را تجویز کرده و بهره گیری از همسر را بدون ملامت شمرده **إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ** و ارضای شهوت از غیر راه ازدواج را تجاوز دانسته **فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ**

از آیات فوق استفاده می شود که یکی از عوامل اصلی تفاخر و تکاثر و فخر فروشی همان جهل و نادانی نسبت به پاداش و کیفر الهی و عدم ایمان به معاد است. جهل انسان به ضعفها و آسیب پذیریهایش، به آغاز پیدایش و سرانجامش، از عوامل دیگر این کبر و غرور و تفاخر است، به همین دلیل قرآن مجید برای درهم شکستن این تفاخر و تکاثر سرگذشت اقوام پیشین را بازگو که چگونه اقوامی با داشتن امکانات و قدرت فراوان با وسائل ساده ای نابود شده اند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **سوره زلزال** قاری تنظیم : زارع پور . شاعر: امید مجد

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾
يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيرَوْا
أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست

چو لرزد زمین با تکانی سترگ	برون افکند رازهای بزرگ
در آن روز محشر بگویند بشر	زمین را چه آمد بلایی به سر
زمین خلق را سازد آگه ز کار	که این است دستور پروردگار
پراکنده خیزند مردم ز گور	ببینند اعمال نیک و فجور
اگر قدر یک ذره کار نکو	بکردست پاداش آن بیند او
و گر قدر یک ذره کردست شر	جزایش در آن روز بیند بشر

مقام تلاوت نهاوند

زارع پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **سوره عادیات** قاری تنظیم : زارع پور . شاعر: امید مجد

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ﴿١﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ﴿٢﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿٣﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾
فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ
لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَاسٌ فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾
إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿١١﴾

بدان اسب هایی که روز جهاد	نفسهایشان بر شماره افتاد
ز سُم خود از تاختن روی سنگ	بیافروختند اخگری وقت جنگ
شببخون به دشمن زدند و شرشر	به غارت گرفتندشان در سحر
ستوران غباری برانگیختند	به دور سپاه عدو ریختند
به آن ها قسم گادمی بی اساس	به پروردگارش بود ناسپاس
بدین ناسپاسی دهد خود گواه	چو حاضر شود نزد یکتا اله
بود سخت مشتاق مال جهان	بخیل است همواره در بذل آن
نداند که روزی رود چون به گور	برانگیخته می شود از قبور
به دلهایشان آنچه بوده است راز	همه فاش گردد در آن روز باز
بود آگه از کارشان کردگار	در آن سخت هنگام روز شما

مقام تلاوت نهاوند

زارع پور

تفسیر سوره زلزال

لحن آیات آن که در باره معاد و اشراف الساعة (نشانه های وقوع رستاخیز) سخن می گوید ، به آیات مکی شبیه تر است . صفت زمین لرزه هنگام برپایی قیامت و شهادت زمین بر عملکرد مردم. در روز قیامت اعمال انسانها برایشان مجسم می شود و کوچکترین کار خوب یا بدی محاسبه می گردد.

۱- زلزله بزرگ زمین در آستانه قیامت، امری قطعی و حتمی است. إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (کلمه اذا در موردی بکار می رود که امر قطعی باشد)

۲- معاد جسمانی است. (جسم انسانها در زمین دفن شده که در قیامت خارج می شود)، أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا اخراج اموات، زنده کردن آنهاست برای حساب و جزا و اخراج دفاین و کنوز و اظهار آن، تحسّر گناهکاران است، در وقتی که نظر به آن کنند که آنها به سبب آن نافرمانی خدا کردند و بعد آن را واگذاشته و از آن محروم شدند.

۳- قیامت روز تحیر انسان قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا بعد از مشاهده زلزله زمین و اخراج اثقال آن از روی تعجب گویند چیست زمین را که تمام آن متزلزل شده و درون خود را آشکار ۴- هستی شعور دارد. يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا زمین از گواهان قیامت است .

۵- در قیامت راه هرگونه انکار بسته است. لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ

۶- همه مردم در دادگاه عدل الهی یکسان ند فَمَنْ يَعْمَلْ...کیفر و پاداش الهی، بر اساس عمل ست. عمل هرچه کوچک باشد، حساب و کتاب دارد. لذا نه گناهان را کوچک شمیرید و نه عبادات را. مِثْقَالَ ذَرَّةٍ یکی گناه کوچک می شمرد و گفت به قطره مؤاخذه نکنند، بلکه به گناه کبیره. خدا آیه شریفه نازل که مِثْقَالَ ذَرَّةٍ را حساب است

۷- تجسم و دیدن عمل در آن روز خود عذاب یا لذت است. يَرَهُ

تفسیر سوره عادیات

سوگند به اسبان میدان جهاد که انسان در برابر نعمت های پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است. تهدید انسان بخیل و ناسپاس نسبت به محاکمه روز قیامت. در سال هشتم هجرت به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر دادند که دوازده هزار سوار در سرزمین یابس جمع شده، و با یکدیگر عهد کرده اند که تا پیامبر و علی (علیهما السلام) را به قتل نرسانند و جماعت مسلمین را متلاشی نکنند از پای ننشینند! پیغمبر علی را با گروهی از مهاجر و انصار به نبرد آنها فرستاد، آنها به سرعت به سوی منطقه و شبانه راه می رفتند، و صبحگاهان دشمن را در حلقه محاصره گرفتند، نخست اسلام را بر آنها عرضه داشتند چون نپذیرفتند هنوز هوا تاریک بود که به آنها حمله کردند و آنان را درهم شکستند،

۱- جهاد و دفاع به قدری ارزش دارد که خدا به نفس اسب های زیر پای جهادگران سوگند یاد می کند وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا در سوگند به نفس اسب، نوعی تشویق به اسب سواری است
۲- اسبان در راه خدا می دوند، ولی انسان در برابر خدا سرسختی می کند إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ
۳- در جهاد با دشمن، سرعت عمل یک ارزش است. هنگام غفلت دشمن برای حمله استفاده کنید. فَأَلْمُغِيرَاتِ صُبْحًا

۴- دشمن را چنان غافلگیر کنید که ناگاه در وسط آنان باشید تا فرصت مقابله با شما را نداشته باشند. فَوْسَطُنَ بِهِ جَمْعًا

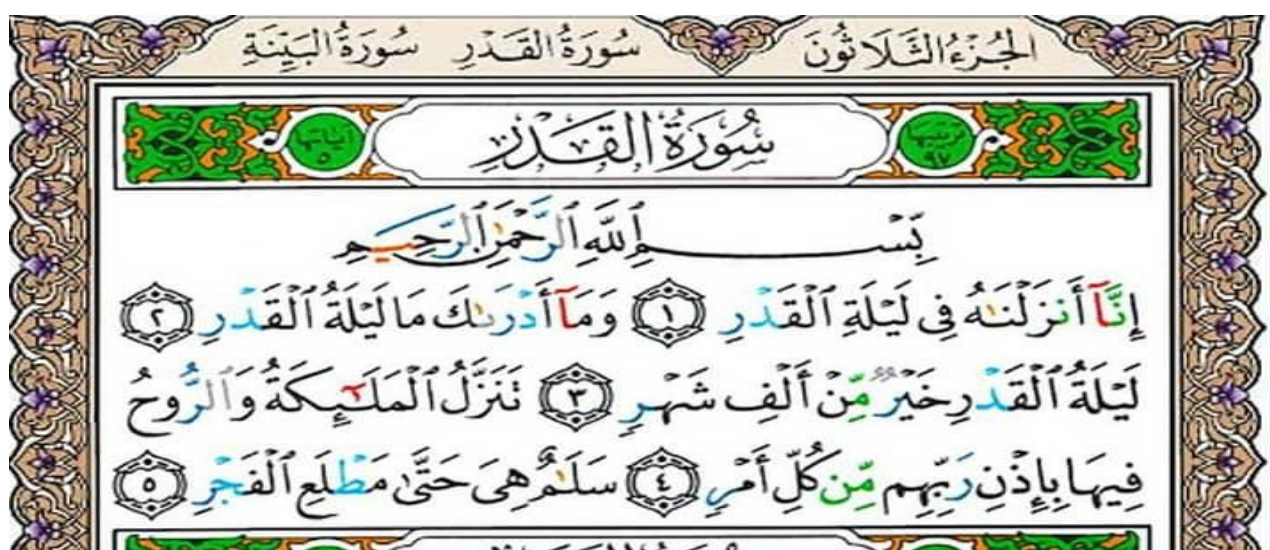
۵- ناسپاسی و مال دوستی انسان را در برابر جبهه حق قرار می دهد. لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ
۶- شهدای جبهه ها و امدادهای الهی را فراموش نکنید. لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ پیروزی و امنیت انسان را مغرور می کند، هشدار لازم است.

۷- وجدان انسان آگاه؛ حتی در مواردی که عذر و بهانه آورد خود می داند که چه کاره است.
۸- در فرهنگ اسلامی، ثروت و مال خیر است. إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ علاقه به مال، امری فطری است، آنچه مذموم است علاقه افراطی است که انسان از یک سو دست به هر نوع درآمدی می زند و از سوی دیگر حقوق واجب الهی را نمی پردازد

- ۹- معاد جسمانی است زیرا سخن از قبر است. بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ و یا يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
- ۱۰- یاد قیامت، عامل هشدار به ناسپاسان و مال پرستان ست أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ
- ۱۱- روز قیامت اسرار درونی کشف و حسابرسی خواهد شد. حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

- ۱۲- خداوند بر افکار و اعمال ما آگاهی کامل دارد. (خیر به معنای آگاهی از ظاهر و باطن است) إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ ... لَخَبِيرٌ چون خداوند خیر است، حسابرسی او نیز دقیق است. هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.
- ۱۳- خدا در دنیا به امور مردم آگاه، اما در قیامت، این خیر بودن برای همه ظاهر شود
- ۱۴- انسان در برابر دیگران این همه سرکشی ندارد، کفر و ناسپاسی شدید انسان تنها در برابر پروردگارش است. لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

آیات زجر و تهدیدی است به مؤمنین معتقدین، چه هرگاه می‌داند که حق تعالی خیر و بصیر و علیم به تمام اعمال و افعال بندگان است، از جزئی و کلی و نهانی و آشکارا، هر آینه اینکه علم و اعتقاد منبعث سازد اقدام به طاعات و عبادات و اجتناب از منهیات و محرّمات را .



که رحمتگر و مهربان خلق راست

سر آغاز گفتار نام خداست

همانا که نازل نمودیم ما	کتابی شب قدر بر مصطفی
چه آگاه سازد ترا زان مقام	که اند شب قدر باشد تمام
شب قدر در پیش پروردگار	مقامش فراتر ز ماهی هزار
ملائک و جبریل بر امر رب	به پیغمبر و بر امامان به شب
نمایند از هر اموری بیان	که تقدیر خلق است در آن نهان
بود تا سحر ذکر حق و سجود	که این شب رحمت است و درود

تفسیر سوره قدر

بیان فضیلت شب قدر و این که در آن شب مبارک، قرآن کریم نازل شده است. شبی است سراسر نور و رحمت و خیر و برکت و سلامت و سعادت و بی نظیر از هر جهت . از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد: فرمود فرشتگان در آن شب در گرد ما دور می زنند!.

در داستان ابراهیم (علیه السلام) آمده که چند نفر از فرشتگان الهی نزد او آمدند و بشارت تولد فرزند برای او آوردند و بر او سلام کردند (هود ۶۹) می گویند لذتی که ابراهیم (علیه السلام) از سلام این فرشتگان برد با تمام دنیا برابری نداشت، اکنون باید فکر کرد که وقتی گروه گروه فرشتگان در شب قدر نازل می شوند و بر مؤمنان سلام می کنند چه لذت و لطف و برکتی دارد؟! وقتی ابراهیم (علیه السلام) را در آتش نمرودی افکندند فرشتگان آمدند و بر او سلام کردند، و آتش بر او گلستان شد، آیا آتش دوزخ به برکت سلام فرشتگان بر مؤمنان در شب قدر برد و سلام نمی شود؟ آری این نشانه عظمت امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در آنجا بر خلیل (علیه السلام) نازل می شوند و در اینجا بر این امت اسلام

- ۱- شب قدر، شب شکرگزاری و تشکر از نزول قرآن است إِنَّ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بهترین کتاب در بهترین شب بر بهترین انسان ها نازل می شود
- ۲- برای امور مقدس، زمان مقدس انتخاب کنید. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ زمان ها

یکسان نیست، بعضی زمان ها بر بعضی دیگر برتری دارد

۳- فرشتگان بدون اذن خداوند کاری انجام نمی دهند. تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

۴- تقدیر امور در شب قدر، با نزول و حضور فرشتگان صورت می گیرد.... مِنْ كُلِّ أَمْرِ

۵- تقدیر امور در شب قدر، گوشه ای از ربوبیت الهی است.

۶- شب قدر، شب سلامت فکر و روح آدمی و تعالی به سوی خداوند سلام است. سَلَامٌ هِيَ

حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ شب قدر، شب رحمت است و می توان با توبه، الطاف خداوند را به خود جلب کرد.

۷- تقدیر امور از سوی خدا، بر اساس سعادت بشر است، مگر آنکه او خود جز این

بخواهد. قرآن دو نحو نزول داشته، یکی نزول دفعی انزال، و یکپارچه و در یک شب معین

که همان شب قدر است و یکی هم نزول تدریجی تنزیل، که در طول ۲۳ سال نبوت رسول خدا

صورت گرفته. شب قدر، شبی است که تمام حوادث سال آینده تقدیر می شود، یعنی

تمام حوادثی که از این شب قدر تا شب قدر سال دیگر باید واقع شود خدای تعالی آن

حوادث را در شب قدر مقدر می کند مانند: زندگی، مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و ...

از آنجا که در شب قدر سرنوشت انسانها برای یکسال، بر طبق لیاقتها و شایستگیهای

آنها، تعیین می شود، باید آن شب را بیدار بود، و توبه کرد و خودسازی نمود و به درگاه

خدا رفت و لیاقتی بیشتر و بهتر برای رحمت او پیدا کرد. آری در لحظاتی که سرنوشت ما

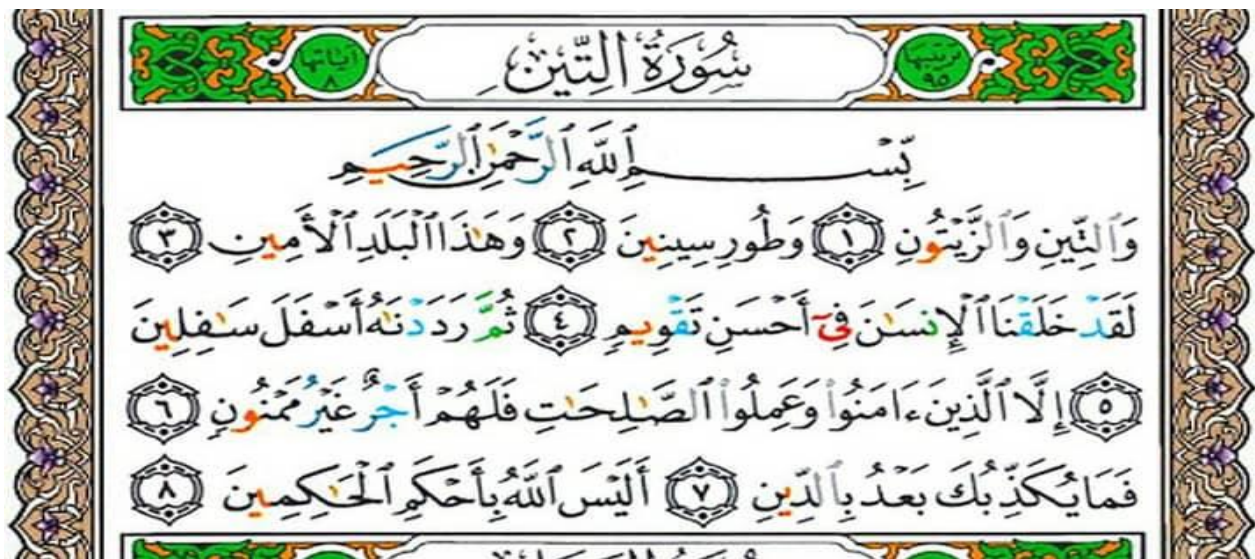
تعیین می شود نباید انسان در خواب باشد، و از همه چیز غافل و بی خبر که در این

صورت سرنوشت غمانگیزی خواهد داشت! قرآن چون يك کتاب سرنوشت ساز است،

و خط سعادت و خوشبختی و هدایت انسانها در آن مشخص شده است باید در شب

قدر،! شب تعیین سرنوشتها، نازل گردد، و چه زیبا است رابطه میان قرآن و شب قدر؟

و چه پر معنی است پیوند این دو با یکدیگر؟



سر آغاز گفتار نام خداست

که رحمتگر و مهربان خلق راست

به دو کوه انجیر و زیتون قسم

به سینای موسی قسم نیز هم

قسم بر چنین شهر امن و امان

که بر بهترین وجه اندر جهان

نمودیم خلق آدمی و سپس

به سفلی ترین جای راندیم پس

بجز مومنان به پروردگار

که صالح بگشتند و پرهیزکار

به آن ها بدادیم اجری فزون

که از منت و مزد باشد برون

چه شد باعث این سخن ای بشر

که دین را تکذیب سازی دگر

نه آیا خدا برترین داور است

که کس هیچ از چنگ عدلش نرست

تفسیر سوره تین

بیان آفرینش انسان و مراحل تکامل یا انحطاط او . تنها راه سعادت انسان ایمان و عمل صالح است و خداوند در این باره قضاوت خواهد کرد. این سوره در حقیقت بر محور آفرینش زیبای انسان، و مراحل تکامل، و انحطاط او دور می زند، و این مطلب با سوگندهای پر معنایی در آغاز سوره شروع شده است، و بعد از شمردن عوامل پیروزی و نجات انسان، سرانجام با تاکید بر مساله معاد و حاکمیت مطلقه خداوند پایان می گیرد.

۱ - نعمت های دنیوی حتی خوردنی ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده اند

وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ . سوگند خدا برای آفرینش انسان در شرایط بهترین و با قوام .

۲- انسان در آفرینش بر همه موجودات برتری دارد. **خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ** نوع انسان به حسب خلقتش دارای بهترین قوام است ، به گونه ای که صلاحیت کمال و وصول به قرب و جوار پروردگارش را دارد

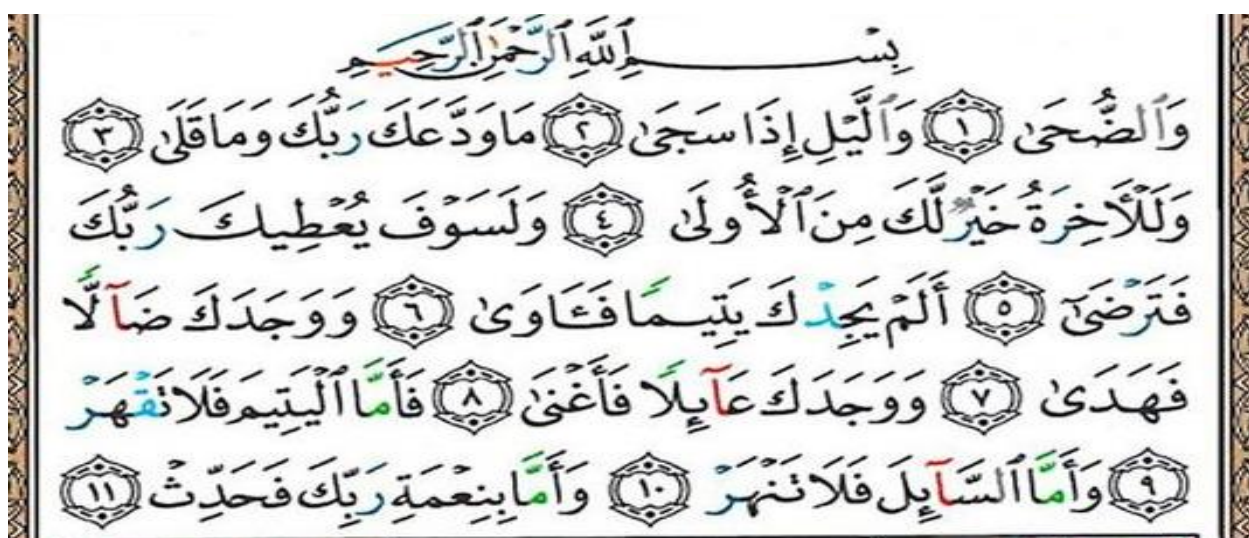
۳- خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طی مراحل زندگی واقع می شود. **خَلَقْنَا ... رَدَدْنَاهُ**

۴- انسان که برترین مخلوق است، سقوطش نیز از همه موجودات پست تر است. **أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ... أَسْفَلَ سَافِلِينَ** (چنانکه در آیه می فرماید: **أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ**

۵- دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. **رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ**

۶- با آنکه خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، اما او بر اساس عدل، حکم می کند و بهترین داوران است. **بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ** آیا خداوند بهترین حکم کنندگان و داوران نیست؟! و اگر دین را به معنی کل شریعت و آئین بگیریم معنی این آیه چنین می شود: آیا خداوند احکام و فرمانهایش از همه حکیمانه تر و متقن تر نیست؟ یا اینکه آفرینش پروردگار در مورد انسان از هر نظر آمیخته با حکمت و علم و تدبیر است . امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام): **انجیر** بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوانها را محکم می کند ، مو را می رویاند درد را برطرف می سازد، و با وجود آن نیاز به دارو نیست، و نیز فرمود انجیر شبیه ترین اشیاء به میوه بهشتی است.

زیتون غذاشناسان و دانشمندان بزرگی که سالیان دراز از عمر خود را در راه مطالعه خواص گوناگون میوه ها صرف کرده اند برای زیتون و روغن آن اهمیت فوق العاده ای قائلند، و معتقدند کسانی که می خواهند همواره سالم باشند باید از این اکسیر حیاتی استفاده کند .



که رحمتگر و مهربان خلق راست

سر آغاز گفتار نام خداست

به آرامش شب چو آید به جا

قسم خورد در روز روشن خدا

ترا هیچ گه نیز دشمن نداشت

کجا کردگارت ترا وا گذاشت

برایت نکوتر ز دار الفنا

بود نعمت نیک دار البقا

بزودی نماید که گردی رضا

ترا کردگار آن چنان عطا

یتیمی و آنگاه دادت پناه

نه آیا ترا یافت یکتا اله

هدایت نمودت به راهی سزا

چو سرگشته ات دید یکتا خدا

توانگر نمودت به پیغمبریش

ترا دید سائل به درگاه خویش

فقیران به خواری مران ای کریم

تو هم پس میازار هرگز یتیم

به مردم که این هست شکری تمام

بگو نعمت کردگارت مدام

تفسیر سوره ضحی

سوگند به روز و شب که خداوند در دنیا و آخرت رحمتش را از پیامبر بر نمی‌دارد. در ازای نعمت‌های، پیامبر هم باید به فقرا و یتیمان نیکی کند و شکر نعمت‌های خدا را به جا آورد.

۱- روشنی روز و تاریکی و آرامش شب دو نعمت بزرگ الهی است که مورد سوگند خداوند قرار گرفته است. وَ الضُّحَى وَ اللَّیْلُ إِذَا سَجَى سوگند برای این که پروردگارت وحی را از تو قطع نکرده و تو را مورد خشم قرار نداده است ای محمد .

- ۲- به قضاوت ها و پیش داوری ها و تحلیل های نادرست، صریحاً جواب بدهید. ما وَدَّعَكَ مَرْبًی كَسِی را كه تحت تربیت اوست رها نکند. قطع موقت لطف نشانه غفلت و قهر الهی نیست خدا پیامبرش را از هرگونه قهر و غضب در دنیا و آخرت بیمه کرده وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ
- ۳- نعمت های آخرت، زوال و رنج و نقص نعمت های دنیوی را ندارد. خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى
- ۴- در برابر قطع موقت وحی، خدا وعده چشمگیر به پیامبرش میدهد وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
- ۵- مالکیت تمام دنیا هم مردان خدا را راضی نمی کند، پس تحقیق وعده خداوند، در جهان دیگری است. جلب رضای پیامبر، مورد توجه خداست. فَتَرْضَى
- ۶- رهبر باید درد آشنا باشد تا درد دیگران را لمس کند. أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا ، عَائِلًا يَتِيمًا، مانع رسیدن به کمال نیست. در هنگام قدرت، از زمان ضعف خود یاد کنید.
- ۷- منت گذاری انسان بر انسان زشت است، ولی منت خدا بر انسان یک ارزش. يَتِيمًا فَآوَى
- ۸- یاد نعمتهای الهی، روحیه تشکر از خدا و خدمت به دیگران را در انسان زنده می کند.
- ۹- الطاف الهی با واسطه است آوَى (مأوی دادن و غنی کردن خداوند از طریق حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه بود). پناه دادن به یتیم و غنی کردن فقیر، کاری الهی است فَأَغْنَى
- ۱۰- اگر گذشته تلخ خود را یاد کنید، محرومان را منع و طرد نمی کنید. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
- ۱۱- رسیدگی به یتیم، به دلیل شرایط سنی و روحی او در اولویت است. فَلَا تَقْهَرْ - فَلَا تَنْهَرْ
- ۱۲- نعمتها از خدا بدان مغرور نشوید بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بازگو کردن نعمت نوعی شکرگزاری فَحَدِّثْ
- ۱۳- در مقام نتیجه گیری از اعطای این نعمات، خطاب به رسول خدا ص می فرماید: پس تو نیز هیچ یتیمی را با قهر و غلبه مران و او را از بابت تنگدستی یا بی کسی خوار مکن و هیچ سائل و درخواست کننده ای را با خشونت و تندی طرد مکن و مرنجان،
- (بلکه اگر می توانی حاجت او را رفع کن و اگر نمی توانی با احترام و عطف عذر او را بخواه) و نعمات پروردگارت را با زبان یا عمل یادآوری کن و نمایان ساز و آنها را پنهان

نکن، چون این عمل شکر نعمت است و این سه دستور اگر چه ظاهراً خطابش متوجه پیامبرست ، اما در واقع متوجه همه مردم می باشد.

۱۴- لطف گذشته خدا، عامل امید به آینده است.

خدایی که در گذشته، یتیمی و فقری تو را برطرف کرد، آینده و آخرت تو را بهتر قرار می دهد. وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ... أَ لَمْ يَجِدْكَ... چون پیامبر قبل از ازدواج با خدیجه فقیر و تنگدست بود و مال چندانی نداشت، اما خدای تعالی خدیجه را که از زنان ثروتمند مکه بود به تزویج آن حضرت در آورد و حضرت تمام اموال خود را به آن جناب بخشید.



سر آغاز گفتار نام خداست	که رحمتگر و مهربان خلق راست
نه آیا ترا سینه بگشوده ایم	ز زنگارها جمله پالوده ایم
بکردیم دور از تو باری گران	تو گویی که بشکست پشتت از آن
نمودیم نامت بلند و نکو	به رغم سخنهاى خام عدو
همانا پس از سختی آسایشی است	پس از مهنّت و رنج آرامشی است
چو فارغ شدی ای خداوند هوش	کنون در مناجات و طاعات کوش
تو می باش مشتاق پروردگار	میاندیش از مردم نابکار

تفسیر سوره شرح

یادآوری پاره‌ای دیگر از نعمت‌های خداوند به پیامبر اعظم. لزوم تلاش و کوشش پیامبر به عبادت، برای رسیدن به آسایش.

۱- سعه صدر، زمینه ساز انجام برنامه های سنگین رسالت **أَلَمْ نَشْرَحْ... وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ**

۲- از آینده مکتب نگران مباشید. **وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ**

۳- مبارزه با خرافات و آداب و رسوم جاهلی بسیار سنگین است. **وِزْرَكَ**

۴- کار پیامبر در حد کمرشکن بود. **أَنْقَضَ ظَهْرَكَ**

۵- نام نیک و آبرو لازمه توفیق در رهبری جامعه است. **رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ**

۶- سنت و برنامه الهی آن است که بدنبال هر سختی، آسانی است. **إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا**

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا سختی ها و مشکلات زوال پذیرند و به آسانی تبدیل می شوند

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند **بر اثر صبر نوبت ظفر آید**

۷- انسان باید بعد از فارغ شدن از هر مسئولیتی، آماده پذیرش مسئولیت دیگر و تلاش دیگر

باشد. **فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ** تلاش ها باید جهت الهی داشته باشد. **إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ**

۸- تلاش و کوشش باید همراه با اخلاص باشد. **فَانصَبْ ... إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ** برای توجه به

خداوند باید نهایت تلاش را بکار برد. پیمودن راه خدا باید عاشقانه و با رغبت باشد.

۹- رغبت ها و تمایلات تنها سزاوار اوست نه دیگران. **إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ** .

بنابراین خداوند می خواهد به رسول خدا آرامش بدهد که بداند بعد از این همه

دشواریها و ناملایماتی که در راه دعوت و رسالت متحمل شده، در نهایت شدت و

گرفتاری برطرف خواهد شد و دعوت او به ثمر می رسد .

حال که معلوم گشت هر سختی بعد از آن آسانی می آید و زمام این امور هم بدست

خداست، پس هرگاه از انجام آنچه بر تو واجب شده فراغت یافتی، نفس خود را در راه خدا و عبادت و دعا به درگاه او خسته کن و در آن رغبت و تمایل نشان بده، تا خدا هم بر تو منت نهاده و به دنبال این دشواری عبادت، آسانی به تو اعطا کند، پس هرگاه از واجبات فارغ شدی، به مستحبات پرداز، یا هرگاه از جنگ فارغ شدی به عبادت مشغول شو یا بعد از فراغت از امور دنیا به امر آخرت پرداز و یا پس از نماز به دعا و نیایش مشغول شو.



که رحمتگر و مهربان خلق راست

همان مشرکان بدور از صواب

سر آغاز گفتار نام خداست

همانا که کفار اهل کتاب

نشستند دست از عمل های خویش
رسولی فرستاد یکتا خدا
بری و مبراز هر کاستی
نکردند اهل کتاب از نخست
مگر بعد از آنی که حجت تمام
بر آن نشد امر اندر کتاب
که باشند مخلص به یکتا خدا
بخوانند دائم نماز و صلوات
بلی خود همین است دین درست
همه مشرکان به پروردگار
بیفتند در نار دوزخ تمام
همانا که خود بدترین بشر
ولی مومنان به پروردگار
از ایشان نکوهتر در اهل جهان
که پاداش آنها ز پروردگار
که جاریست زیر درختان آن
همیشه بمانند در آن مقام
از آنها خدا هست خشنود و شاد
کسی را رسد مزد باغ بهشت

که تا حجتی فاش آمد به پیش
که خواند کتابی بری از خطا
شده ثبت در آن کتب راستی
ره تفرقه بر پیمبر درست
بگردید بر آن کسان در کلام
بجز این سخن بر سبیل صواب
بخوانند او را بدون ریا
ببخشید بر بینوایان زکات
اگر سوی آن راه خواهید جست
همه کافران یهود و نصار
بسوزند در آتش آن مدام
همین مردمانند در کار شر
که صالح بگشتند و پرهیزکار
نبودست هرگز عیان نهان
بهشتیست جاوید روز شمار
بسی چشمه های زلال و روان
همه جاودانند در آنجا مدام
رضایند ایشان هم از رب راد
کز ایزد بترسید و زشتی بهشت

تفسیر سوره بینه

آیه ۱ الی ۵ خداوند قرآن و پیامبر را برای اتمام حجت با اهل کتاب و مشرکین فرستاد ولی آنان در دین خود دچار پراکندگی و کفر شدند.

آیه ۶ اهل کتاب و کافران بدترین مخلوقات اند و مستحق عذاب جهنم هستند.

آیه ۷ الی ۸ کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند، بهترین مخلوقات اند که پاداش آنان نعمت های بهشتی و خشنودی خداوند است.

۱- کسی که اسلام را نپذیرد، خواه مشرک باشد، خواه اهل کتاب، کافر است. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ سَرْنُوشْت اهل کتاب و مشرکان یکی است فِي نَارِ جَهَنَّمَ
۲- گل سر سبد هستی یعنی انسان، به خاطر پشت پا زدن به منطق و بینة، بدترین مخلوقات می شود. انسان با انتخاب خود جایگاه خود را تعیین می کند، یا شَرِّ الْبَرِيَّةِ و جهنمی، یا خیر البریة و بهشتی. كَفَرُوا ... شَرُّ الْبَرِيَّةِ ... آمَنُوا ... خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

۳- مقایسه میان کفر و ایمان و پایان کار آنان، بهترین نوع روشنگری است.

۴- رشد یا سقوط دیگر موجودات، محدود است ولی رشد و سقوط انسان، بی نهایت است. (انسان در اثر ایمان و عمل صالح می تواند حتی از فرشتگان برتر باشد.)

۵- بهترین شدن در گرو ایمان است و بدترین ها اهل کفرند. (هُم معنای انحصار است)

۶- ایمان به شرطی ثمربخش است که همراه با عمل صالح باشد آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (ولی کفر به تنهایی سبب دوزخ است.)

۷- بهشت جسم، باغ و نهر و بهشت روح، رضای خداست جَنَّاتُ عَدْنٍ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

۸- خشیت الهی، سرچشمه عمل به دستورات الهی است آمَنُوا وَ عَمِلُوا... لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۹-

جاودانگی بهشت برای مؤمنان قطعی است. (کلمات عَدْنِ ، خَالِدِينَ و أَبَدًا همه بیانگر قطعی بودن خلود است.)

عاقبت کسی که از پروردگارش خشیت داشته باشد :

مؤمنانی که اعمال صالح بجا آوردند، بهترین خلق خدا هستند، یعنی خیریت منحصر در مؤمنان است ، آنگاه به شرح عاقبت ایشان می پردازد : جزای آنها در نزد پروردگارشان بهشتهای خالد و جاودانه است که نهرها در زیر درختان آن جاریست و این مؤمنان تا ابد در آن جاودانه خواهند بود و هیچ زوال و دگرگونی در نعمات آنها نخواهد بود. خدا از ایشان راضیست، رضایت از صفات فعلی خداست.

آن همان ثوابی است که به ایشان اعطا می کند تا جزای ایمان و اعمال صالحشان باشد، از جانب دیگر آنها هم از خدا راضی هستند، چون به نعم و سعادت ابدی رسیده اند، این عاقبت و سرنوشت کسانی است که از پروردگارشان می ترسند،

یعنی از مقام پروردگارشان خشیت دارند **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** فقط بندگان عالم از خدا می ترسند، معلوم می شود، علم به خدا خشیت از او را به دنبال دارد و خشیت خدا هم ایمان به او را در پی خواهد داشت، لذا فردی که از خدا می ترسد، قهرا در باطنش ملتزم به ربوبیت و الوهیت اوست و در ظاهر هم، اعمالش صالح و مطابق اوامر الهی می باشد .

سُورَةُ الْحَاقِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَفْرَأَبِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَفَرَأَوْرَبُّكَ
الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ
الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِغٍ ﴿٦﴾ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ
الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿١٠﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ
بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ
لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾
سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا نُطِيعُهُ وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

سجدة

۵۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ علق

سرآغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست
به نام خدائیت بخوان کافرید ز نطفه بیاورد انسان پدید
همیشه بخوانیم کتاب مبین خدای است خود اکرم الاکرمین
خدایی که چون آفرید از عدم تو را دانش آموخت با قلم
به انسان پیاموخت علم از نهفت هر آنچه ندانست او را به گفت
چرا آدمی باز با این وجود به طغیان و گردن کشی رو نمود
همین که رسد بر قنای ز مال کند سرکشی باز بر ذو الجلال
کند سوی یزدان خود بازگشت چو دوران گیتی بر او برگذشت
تو آن مرد را دیدی ای مصطفی که او باز می داشت خلق خدا

02:27

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **علق**

چو می دید کس را به حال نماز	دری از تمسخر همی کرد باز
چه بینی اگر جوید آیین راست	کسی کو رسول یگانه خداست
به مردم کند امر از کردگار	بترسید و باشید پرهیزکار
شما مردمان برجین شخص پست	که تکذیب سازد رسولی که هست
از او روی تابد وز آن دین و کیش	چه تصمیم گیری در کار خویش
ندانست آیا که پروردگار	ببیند عمل‌های او آشکار
نشوید اگر دست آن پست مرد	ز کفری که در جان او ریشه کرد
بگیرد خدا موی او را به قهر	کشد انتقامی به عقبی و دهر

خطاکار و بدکار و ناراست خو

به ذلت نشاند به بالین خاک

ورا نیست فریادخواهی و یار

بخوانیم بر بردن او دگر

تصور نمودست با وهم خام

بنه سر به سجده به یکتا اله

تو می گرد نزدیک بر کردگار

که پیشانی مرد ناراست گو

خدا می کشاند به خاک هلاک

به هرکس کند روی بهر فرار

که ما نیز مأمورهای سقر

چنین نیست کان مرد کافر مرام

تو از او اطاعت مکن هیچگاه

تقرب طلب کن ز پروردگار

تفسیر سوره علق

نخستین سوره ای که بر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است پنج آیه اول . در روایات آمده که پیغمبر اکرم به کوه حرا رفته بود جبرئیل آمد و گفت : ای محمد بخوان ! پیامبر فرمود: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرده و در سومین بار گفت : اقراء باسم ربك الذی خلق ... (تا آخر آیات پنجگانه).

آیه ۱ الی ۵ دعوت از پیامبر به خواندن خدای کریمی که انسان را از خون بسته آفرید و علم و قلم و نگارش را به او داد.

آیه ۶ الی ۸ انسان وقتی که خود را بی نیاز دید، طغیان می کند .

آیه ۹ الی ۱۹ عاقبت انسانی که مردم را از نماز باز می دارد با کسی که به نماز و تقوا دعوت می کند، یکی نیست. کسی که سد راه خدا می کند، عذاب خواهد شد.

۱- اولین فرمان اسلام، فرمان فرهنگی است. **اقْرَأْ** قرائت قرآن باید با نام خداوند آغاز شود. خواندن باید جهت الهی داشته باشد. **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ**

۲- خواندن قرآن وسیله رشد است. پرورش الهی هم مادی است، **رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ** هم معنوی. **رَبُّكَ الْأَكْرَمُ - الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ**

۳- بیان آفرینش انسان از خون بسته شده، هم یک پیشگویی علمی است و هم راهی برای تربیت انسان که بداند مبدء او از چیست و گرفتار غرور نشود. **خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ**

۴- آفرینش همه هستی در یکسو **الَّذِي خَلَقَ** و آفرینش انسان در یک سوی دیگر. **مِنْ عَلَقٍ**

۵- معلم اصلی انسان خدا **عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ** و وحی الهی سرچشمه علوم بشری است.

۶- قلم، بهترین وسیله انتقال دانش است. **عَلَّمَ بِالْقَلَمِ** خدا کارهای خود را از طریق اسباب انجام می دهد. خدائی که تمام چیزهایی را که نوع انسان نمی دانست به او تعلیم داده است

۷- خالقیت، ربوبیت، کریم بودن و معلم بودن خداوند، مستلزم قرائت کتاب اوست. **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ ... خَلَقَ ... الْأَكْرَمُ ... عَلَّمَ ..**

۸- رهایی از جهل با استفاده از قلم، جلوه ای از کرم و ربوبیت اوست و نویسندگی هنر مطلوب و مورد ترغیب اسلام است. **عَلَّمَ بِالْقَلَمِ**

۹- خداوند هم جسم انسان را رشد می دهد و هم روح او را. (کلمه **رَبِّكَ** میان دو کلمه **خَلَقَ** و **اقْرَأْ** آمده است.) **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**

۱۰- انسان ناسپاس است. ما او را آفریدیم و هر چه نمی دانست به او آموختیم. اما او در برابر پروردگارش طغیان می کند. **كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي**

- ۱۱- انسان چون به غلط خود را بی نیاز می پندارد دست به طغیان می زند. **لَيَطْغَىٰ أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَىٰ**
- ۱۲- بازداشتن از نماز، روشن ترین نوع منکرات است. **يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّى**
- ۱۳- حتی اگر احتمال حقانیت دهند نباید اینگونه با پیامبر برخورد کنند. **إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ**
- ۱۴- انسان کم ظرفیت است و پندار بی نیازی او را مست می کند. **لَيَطْغَىٰ أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَىٰ**
- ۱۵- علم به تنهایی کافی نیست. با اینکه به انسان علم دادیم اما طغیان می کند. **عَلَّمَ الْإِنْسَانَ**
- ۱۶- غنی بودن کمال است، ولی خود را غنی دیدن زمینه لغزشهاست. **رَأَهُ اسْتَغْنَىٰ**
- ۱۷- ایمان به معاد مانع طغیان است. **إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ** هر چه داریم می گذاریم و می رویم خود را بی نیاز نپنداریم. انسان و هستی هدفدار و به سوی خداست.
- ۱۸- طاغوتیان مخالف نمازند. **لَيَطْغَىٰ - يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّى** (رفتار ناروا زمانی مورد سرزنش قرار می گیرد که دوام داشته باشد).
- ۱۹- نشانه بندگی خدا نماز است. **عَبْدًا إِذَا صَلَّى** طاغوت ها از بندگی خدا ناراحتند. (نه از افراد بی تفاوت و یا بنده هوسهای خود یا دیگران)
- ۲۰- نام و نشان مهم نیست، عملکردها مهمه (نام نهی کننده و نمازگزار نیامده) **يَنْهَىٰ - صَلَّى**
- ۲۱- سزاوار است کسی که امر به تقوا می کند خودش از راه یافتگان باشد. **كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ**
- ۲۲- ریشه طغیان یکی آنکه خود را بی نیاز ببیند **رَأَهُ اسْتَغْنَىٰ** دیگر آنکه خدا را نمی بیند و گمان می کند خدا هم او را نمی بیند. **أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ** خدا خالق هر چیزی است و تسلط دارد.
- ۲۳- راه توبه برای همه باز است ولی اگر توبه نکردند و دست بر نداشتند، گرفتار کیفر می شوند. **لَيْسَ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا** (چنین نیست، اگر از این عمل دست برندارد)
- ۲۴- در برابر ستمگران تهدید لازم است. **لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ** (موی پیشانی را به شدت می گیریم)

۲۵- دروغ و دروغ گویی ریشه دیگر خطاها و خلاف کاری است **كَاذِبُهُ خَاطِئُهُ** (پیشانی دروغگوی خطا کارش را)

۲۶- پشتوانه عملهای ایذایی مخالفان، جلسات مخفیانه است **يُنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ**

۲۷- مخالفان پیامبر، متشکل و سازمان یافته بودند، ولی کاری از پیش نبردند. **فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ** کلوخ انداز را پاداش سنگ ست **سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ** بزودی، مأموران دوزخ را می خوانیم ۲۸- قدرت خدا بر همه توطئه ها غالب ست **سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ**

۲۹- در برابر نهی و منع دیگران، شما اصرار بر انجام کارهای عبادی داشته باشید. **يُنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى - وَ اسْجُدْ** (تو از او اطاعت نکن، سجده کن و تقرب بیاب)

۳۰- اول برائت، بعد عبادت. **لَا تُطِعهُ وَ اسْجُدْ** (از ابوجهل هائی که از نماز نهی می کنند پیروی نکن و به عبادت و سجده پرداز.) سجده بهترین وسیله قرب به خداست. **وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ**

خطاب به پیامبر می فرماید: نه تو هرگز از آن شخص نهی کننده از نماز اطاعت نکن، بلکه به نماز و سجده پرداز تا به این وسیله به خدا نزدیک شوی و تقرب بیشتری بیابی، سجده در این آیه نماز یا سجده نماز است و چه بسا نماز پیامبر در آن زمان منحصر در سجده و تسبیح بوده است، ولی بعضی مفسرین گفته اند:

منظور از سجده در این سوره، سجده واجب هنگام قرائت سور عزائم است، بعضی نیز سجده را به معنای نزدیکی و تقرب به ثواب خدای تعالی دانسته اند، چون نزدیکترین حالت بنده به پروردگار حالت سجود است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝۱ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ۝۲ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ۝۳
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۝۴ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۝۵ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ۝۶
وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۝۷ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝۸ قَدْ
أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝۱۰ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
بِطَغْوَاهَا ۝۱۱ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝۱۲ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ
نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝۱۳ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ
عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝۱۴ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝۱۵

سر آغاز گفتار نام خداست

که رحمتگر و مهربان خلق راست

قسم باد بر شمس گیتی فروز

چو روشن نماید جهان را به روز

قسم باد بر قدر تابنده ماه

که دنبال خورشید آید ز راه

قسم باد بر روز چون با حضور

منور نماید جهان را به نور

قسم باد بر شب چو آن تیره شام

جهان در سیاهی کشاند تمام

قسم باد بر آسمان بلند

به آنکس که این کاخ را پی فکند

قسم باد بر تیره خاک زمین

به آنکس که گسترد آن را چنین

به نفس بشر نیز سوگند باد

بفرموده الهام هر خیر و شر

هر آنکس کند پاک نفس از گناه

سعادت ذیابد ز یکتا اله

هر آنکس کند نفس خود را پلید

زیان های بسیار خواهد بدید

بکردند تکذیب قوم ثمود	چو بودند سرکش به جان و وجود
زمانی که مبعوث شد بدترین	نفر تا زند ناقه را بر زمین
بفرمود صالح که از کردگار	بود این شتر آیتی آشکار
نمایید سیراب آن ناقه را	ز شیرش بنوشید شکرانه را
نمودند تکذیب پیغامبر	بکردند پی ناقه را هم دگر
از اینرو خدا کردشان خود هلاک	همه شهر گردید چون تل خاک
نترسید از این عمل کردگار	که نابود گرداند آن قوم خوار

تفسیر سوره شمس

سوره در حقیقت سوره ی **تهذیب نفس و تطهیر قلوب از ناپاکی ها و ناخالصی ها** است، و بر محور همین معنی دور می زند، منتها در آغاز سوره به یازده موضوع مهم از عالم خلقت و ذات پاک خداوند، برای اثبات این معنی که فلاح و رستگاری در گرو تهذیب نفس است، به عبارتی ۱۱ قسم بزرگ برای اینکه انسان برای پیروزی بایستی نفس خود را پاکیزه نماید. انسانی که اهل تزکیه نباشد، خیلی اوقات حرف رسول را نمیفهمد و در نتیجه با او همراه نمیشود. چنین آدمی خودش را در لابلای توجیهات پنهان می کند که نتیجه ای جز بی تفاوتی نسبت به امور نخواهد داشت. همانند شیعه ای که امام صادق (علیه السلام) به او فرمود: برو در تنور و او بدون سوال رفت داخل تنور... ما هنوز به این سطح از اطمینان نرسیدیم که هر چه امام زمان (ارواحنا فداه) گفت بگوییم همان درست است.

و در پایان سوره، به ذکر نمونه ای از اقوام متمرّد و گردنکش یعنی قوم **ثمود**. که به خاطر ترک تهذیب نفس در شقاوت ابدی فرو رفتند، و خداوند آنها را به مجازات شدیدی گرفتار کرد. می پردازد، و با اشاره کوتاهی به سرنوشت آنها سوره را پایان می دهد. در حقیقت، این سوره کوتاه یکی از مهمترین مسائل سرنوشت ساز زندگی بشر را بازگو می کند، و نظام ارزشی

اسلام را در مورد انسان ها مشخص می سازد. ضمناً ۱۱ قسم یاد شده، بیشترین سوگندهای قرآن، به طور جمعی در سوره شمس آمده است.

۱- بسیاری از موجودات هستی، پدیده هایی شگفت انگیز، روشنگر، مقدّس و ارزشمند هستند و می توان به آنها سوگند یاد کرد. «وَالشَّمْسِ - وَالْقَمَرِ - وَالنَّهَارِ»

۲- ماه به دنبال خورشید و تابع آن است. «إِذَا تَلَّهَا»

۳- اجرام آسمانی با یکدیگر پیوند دارند «وَالشَّمْسِ - وَالْقَمَرِ - وَالسَّمَاءِ - وَالْأَرْضِ»

۴- خورشید و ماه و ستاره را خدا نپندارید، همه آنها آثار قدرت و تدبیر موجود دیگری هستند. «تَلَّهَا - بَنَاهَا - طَلَّهَا»

۵- خواسته ها و تمایلات و غرایز انسان به طور حکیمانه تعدیل شده. وَ نَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا

۶- گناه، نوعی شکافتن پرده عفت و دیانت است. «فُجُورَهَا»

۷- فهم و درک خوبیها و بدیها به صورت فطری، در عمق روح انسانها نهاده شده.

۸- ابتدا باید پلیدی ها را بشناسیم، سپس راه گریز و پرهیز از آنها را. (کلمه «فجور» قبل از «تقوا» آمده است.) «فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»

۹- سوگند به خورشید و ماه و شب و روز و زمین و آسمان و روح انسان که سعادت انسان در گرو رشد معنوی است نه زندگی مادی. وَالشَّمْسِ ... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا

۱۰- اگر نفس را رها کنیم، انسان را به سقوط میکشاند. نفس را باید کنترل کرد. رَزَّاهَا

۱۱- تزکیه و خودسازی، محروم کردن نیست، رشد دادن است. «رَزَّاهَا»

۱۲- هرکس نفس خود را در لابلای عادات و رسوم و پندارها مخفی کند و غافلانه دنبال

تأمین خواسته های نفسانی رود، محرومیت بزرگی خواهد داشت قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۱۳- طغیان و گناه، مقدمه کفر و تکذیب است. کَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا («تقوا» یعنی پاکی و «طغوی» یعنی طغیان در گناه)

۱۴- در شیوه تبلیغ، بعد از بیان اصول کلی، نمونه هایی نقل کنید. قَدْ خَابَ... کَذَّبَتْ ثَمُودُ

۱۵- شکستن قداست ها نشانه شقاوت است و هر چه قداست بیشتر باشد، شکستن آن قساوت بیشتری می خواهد. «اشقی»

۱۶- اگر انسان به فکر تزکیه نباشد، در ابتدا پیروی از نفس را مخفیانه انجام می دهد «دَسَّاهَا» و سپس علنی. «إِذْ أَنْبَعَثَ أَشْقَاهَا»

۱۷- در انجام کار بد، آن کس که شقی تر است زودتر تحریک می پذیرد. انْبَعَثَ أَشْقَاهَا

۱۸- هر چه به خدا منسوب باشد، مقدّس است و باید مورد احترام قرار گیرد و اهانت به آن، کیفر الهی را به دنبال دارد. «نَاقَهُ اللَّهُ ، فَعَقَّرُوهَا ، فَدَمَدَمَ»

۱۹- زدودن علف های هرز کافی نیست، بارور کردن هم لازم است. (زگاها = رشد است)

۲۰- به کامیابی های زودگذر نفس مغرور نشوید که عاقبتش محرومیت است. وَ قَدْ خَابَ (کلمه «خاب» یعنی محروم شد و به آنچه می خواست نرسید.)

۲۱- هر کس به گناه دیگری راضی باشد شریک جرم است. شتر را یک نفر کشت ولی قرآن می فرماید: جمعی آن را کشتند. «فَعَقَّرُوهَا»

۲۲- خدا بر هر چیز مسلط و از نابود کردن ستمگران هیچ پروائی ندارد وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

۲۴- رضایت و تشویق و تحریک به گناه نیز گناه است. انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ... بِذُنُوبِهِمْ

۲۵- کیفرهای الهی جلوه ای از ربوبیت اوست. (مرّی باید موانع تربیت را برطرف سازد.)

۲۶- قهر الهی در دنیا نیز سخت است. «فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا»

سُورَةُ الْبَلَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝
 إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ۝ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَانْفَقَى ۝ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ۝
 فَسَنِيْسِرُهُ لِلْيُسْرَى ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۝ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ۝
 فَسَنِيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى ۝ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ۝ إِنَّ عَلَيْنَا
 لَلْهُدَى ۝ وَإِنَّ لَنَا الْآخِرَةَ وَالْأُولَى ۝ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝
 لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا
 الْأَتْقَى ۝ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ۝ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ
 نِعْمَةٍ تُجْزَى ۝ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ۝

که رحمتگر و مهربان خلق راست

سر آغاز گفتار نام خداست

چو سازد جهان را به ظلمت سیاه

قسم خورد بر شب یگانه اله

منور نماید جهان را به نور

قسم باد بر روز چون با ظهور

که سعی شما مختلف شد پدید

قسم بر خلائق که جفت آفرید

عطا کرد و انفاق در روزگار

هر آن کس بترسید از کردگار

نکو خواند آنچه ز یکتا خداست

نکوئی قرآن بخواندست راست

کند کار آسان و سهل و روان

خدا نیز او را به هر دو جهان

بدانست خود را ز حق بی نیاز

هر آن کس که او بخل ورزد باز

دروغین بخواندست کار نکو	بزودی شود کار مشکل بر او
نشايد رهاند ورا از عذاب	چنين مال بسيار روز حساب
همانا که برعهده ی کبرياست	که سازد خلایق هدايت به راست
که دنيای فانی و دارالقرار	نباشد مگر ز آن پروردگار
شما را از آتش بترسانده ام	شما را از آن مطلع کرده ام
نیفتد در آن آتش الا خسی	که از او شقی تر نباشد کسی
همانکس که از دین حق روبرتافت	به انکار و تکذیب یزدان شتافت
کسانی که ترسند از کردگار	بجستند دوری ز سوزنده نار
بدادند دائم زکاتی ز مال	که گردد رضا ایزد ذوالجلال
بر آنان کسی حق نعمت نداشت	به جز قرب حق بذر نیکی نکاشت
برای رضایش بیفشانده دست	خدائی که والاترین بود هست
شود شاد و خشنود او عاقبت	ز نعمات فردوس در آخرت

تفسیر سوره لیل

مردی شاخه ی یکی از درختان خرماش بالای خانه مرد فقیر عیالمندی قرار گرفته بود، صاحب نخل هنگامی که میخواست خرماها را بچیند، گاهی چند دانه خرما در خانه مرد فقیر می افتاد، و کودکانش آن را برمی داشتند، آن مرد خرما را از دستشان می گرفت (و آنقدر بخیل و سنگدل بود که) اگر خرما را در دهان یکی از آنها می دید انگشتش را در داخل دهان او می کرد تا خرما را بیرون آورد. ! مرد فقیر شکایت آورد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این درخت را به من می دهی تا در مقابل آن نخلی در بهشت از آن تو باشی، مرد قبول نکرد. مسلمانی حاضر شد ۴۰ درخت به او بدهد تا قبول کند. اینجا بود که سوره و اللیل نازل شد (و گفتنیها را درباره بخیلان و سخاوتمندان گفت).

- ۱- زمان، امری مقدّس و قابل سوگند است. «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى»
- ۲- هم به نشانه های آفاقی توجه کنید، وَ اللَّيْلِ ... وَ النَّهَارِ هم به نشانه های انفسی.
- ۳- نظام زوجیت در حیوان و انسان، نشانه قدرت و حکمت خداست الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى
- ۴- تفاوت مهر یا قهر خداوند حکیمانه و عادلانه است نه گزاف، زیرا تلاشهای شما انسانها گوناگون است. «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى»
- ۵- شیوه تبلیغ صحیح این است که بعد از کلیات، نمونه ها و مصادیق بیان شود. إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى . عطا همراه با تقواکار ساز است. «أَعْطَى وَ اتَّقَى» عطا باید بدون ریا و غرور و منت و آزار باشد.
- ۶- آنچه عطا می کنید مهم نیست، چگونه و با چه انگیزه و حالت عطا کردن مهم است. شرط پذیرفته شدن عطا، تقواست. (وگرنه عطای مال حرام یا با نیت غیر خالص اجری ندارد، زیرا «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»)
- ۷- آخرت، بهتر از دنیا است. کسی می تواند به عطای خود رنگ الهی داده و اهل پروا باشد که به معاد ایمان داشته باشد. «وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى» قرآن به وعده های قیامت حُسنی گفته است. كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى
- ۸- ایمان به قیامت، شرط پذیرفته شدن عمل است. «وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى»
- ۹- بخل و مغرور شدن به مال، نشانه بی تقوایی است. «مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى»
- ۱۰- گشایش یا گره خوردن کارهای انسان، نتیجه سخاوت یا بخل انسان نسبت به دیگران است. أَعْطَى ... لِلْيُسْرَى ، بَخِلَ ... لِلْعُسْرَى
- ۱۱- نیکی، نیکی می آورد و شر، شر. أَعْطَى وَ اتَّقَى ... فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى - بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى

۱۲- پاداش و کیفر الهی متناسب با رفتار انسانهاست، اگر گره از کار فقرا باز کنیم، خداوند گره از کار ما باز می کند. و اگر فقرا را در عُسرت گزاریم، خداوند هم عُسرت را پیش پای ما می گذارد. «فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى»

۱۳- اهل بخل بدانند که ثروت نجات دهنده نیست. «وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى»

۱۴- نتیجه بخل سقوط است، سقوط از انسانیت و کمال و سقوط از چشم مردم همراه با سقوط در دوزخ و محروم شدن از درجات اخروی. «إِذَا تَرَدَّى»

۱۵- گاهی منشأ بخل امروز، به خاطر ترس از فقر در آینده است. «بَخِلَ وَاسْتَغْنَى» (چنانکه در آیه ۲۶۷ و ۲۶۸ سوره بقره در کنار دستور انفاق می فرماید: این شیطان است که شما را از فقر آینده می ترساند. أَنْفِقُوا... الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ)

۱۶- گاهی سرچشمه بخل، مغرور شدن به دنیا و احساس بی نیازی نسبت به وعده های بهشتی است. «بَخِلَ وَاسْتَغْنَى»

۱۷- یکی از سنّت های الهی که خداوند بر خود واجب کرده، هدایت مردم از طریق عقل و فطرت و پیامبران است. «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى»

۱۸- پذیرش هدایت، به نفع خود شماست، وگرنه خداوند بی نیاز است. «وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةِ وَ الْأُولَى

۱۹- هشدار و انذار وسیله هدایت الهی است. «فَأَنْذَرْتُكُمْ» (هشدارهای الهی را باید جدی گرفت، زیرا از سوی کسی است که دنیا و آخرت به دست اوست)

۲۰- آتش آخرت، امری ناشناخته و عظیم است. «نَارًا» به صورت نکره آمده است.

۲۱- شقاوت مثل تقوا دارای مراحل است. الْأَشَقَى ... الْأَتَقَى (کسی که آن همه نشانه های هدایت را نادیده بگیرد بدبخت ترین است «اشقی، الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى»

۲۲- تقوا، همراه کمک به محرومان سپری است در برابر آتش دوزخ. «سَيَجَنَّبُهَا الْأَتَقَى
الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ»

۲۳- کمک به محرومان، شیوه دائمی پرهیزگاران است. «يُؤْتِي» کمک از مال شخصی ارزش
است. «مَالَهُ»

۲۴- نشانه تقوا، کمک های مالی خالصانه است. «الْأَتَقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ» کمک به فقرا،
راهی است برای تزکیه و خودسازی. «يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى»

۲۵- کمک های مالی که براساس جبران خوبی های دیگران باشد، مایه رشد نیست. «ما
لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ» (انفاق ارزش بالایی دارد که انسان مدیون دیگران نباشد و چشم
داشتی هم نداشته باشد)

۲۶- متقی، جز رضای خدا به دنبال چیز دیگری نیست. «إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى» قصد
قربت، شرط لازم.

۲۷- انفاق باید در راه های خداپسندانه باشد. يُؤْتِي مَالَهُ ... ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ

۲۸- او پروردگار اعلی ست، پس فقط رضای او را جستجو کنید که پاداش اعلی مرحمت
میکند.

۲۹- انسان مخلص، به مقام رضا میرسد و همواره از خدا خشنود است. وَ لَسَوْفَ يَرْضَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ
نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ
دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾
يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَآلَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا هَزْلٌ ﴿١٤﴾ لَنُفِخَ
بِكِيدُونٍ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُويًا ﴿١٧﴾

سر آغاز گفتار نام خداست	که رحمتگر و مهربان خلق راست
قسم باد بر آسمان بلند	به طارق که بر اوج طارم فکند
تراهنمای سخن حال کیست	که معنای طارق بگوید که چیست
بود یک ستاره درخشان به نور	که از نور پاشی ندارد قصور
بر آنها قسم باد بر جمله کس	نگهبان نهادست در هر نفس
بگو آدمی را نظر کن درست	که او از چه خلق شد روز نخست
ز آبی جهنده که آید بدر	خود از بطن مادر ز صلب پدر
خدا قادر آمد که بعد از هلاک	کند زنده او را چو گردید خاک
در آن روز اسرارهای درون	شود آشکار و بیفتد برون
نیابد مددکار و یاری رسان	نه از قوت خویش بیند نشان
قسم باد بر آسمان و سپهر	که باران بریزد به لطف و به مهر

قسم بر زمینی که از خاک آن	گیاهان برویند در هر زمان
که قرآن کلامیست بی کاستی	جدا می کند باطل از راستی
ز گفتار هزل و ز گفتار خام	نباشد نشان در مبارک کلام
کنون دشمنان خدا در عمل	نماید تدبیر و مکر و حیل
که ما نیز در پاسخ ماکران	نمائیم تدبیر بر کافران
کنون پس به کفار یکتا خدا	زمانی تو مهلت ده ای مصطفی

تفسیر سوره طارق

سوگندها برای چیست ؟ در آیه بعد می فرماید: (مسلمان هر کس مراقب و حافظی دارد) (ان کل نفس لما علیها حافظ)! که اعمال او را ثبت و ضبط و حفظ می کند، و برای حساب و جزا نگهداری می نماید. آیات دیگر قرآن به خوبی گواهی می دهد که حافظان ملائکه اند، و آنچه را حفظ می کنند اعمال آدمی اعم از طاعات و معاصی است

این احتمال نیز داده شده که منظور حفظ انسان از حوادث و مهالك است که به راستی اگر مراقبت الهی از انسانها به عمل نیاید کمتر کسی به مرگ طبیعی از دنیا می رود، چرا که حجم حوادث آنقدر زیاد است که احدی از آن سالم به در نمی رود، مخصوصا کودکان در سنین پایین. و یا اینکه منظور حفظ انسان در برابر وسوسه های شیاطین است که اگر این محافظت الهی نیز نباشد وسوسه شیاطین جن و انسان آنقدر زیاد است که هیچکس از آن سالم نمی ماند.

طارق از ماده (طرق) (بر وزن برق) به معنی کوبیدن است، و راه را از این جهت طریق گویند که با پای رهروان کوبیده می شود، طارق ستاره درخشانی است که بر آسمان ظاهر می شود و بقدری بلند است که گویی می خواهد سقف آسمان را بکوبد و سوراخ کند، و نورش بقدری خیره کننده است که تاریکیها را می شکافد و به درون چشم آدمی نفوذ می کند . (ثاقب) از ماده (ثقب) به معنی سوراخ کردن است .

۱- انسان و تمام کارهای او تحت حفاظت فرشتگان الهی است. (هم ثبت اعمال و هم

حفظ از حوادث) «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ»

۲- چگونگی تولّد فرزندی، از انعقاد نطفه تا خروج از شکم مادر، باید مورد مطالعه و

دقت قرار گیرد که هم زمینه خدانشناسی است و هم معادشناسی. مِمَّ خُلِقَ ...

۳- انسان به خاطر دارا بودن عقل و علم باید در آفرینش خود دقت کند.

۴- توجّه به آفرینش انسان، زمینه ایمان به معاد است. «عَلَى رَجْعِهِ لِقَادِرٌ» معاد جسمانی

است و جسم انسان در قیامت دوباره زنده می شود.

۵- قیامت، روز بروز و ظهور افکار و کردار آدمیان است. يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ انگیزه ها و

روحیات انسان، در قیامت او اثر دارند. قیامت، روز افشای اسرار و شرمندگی است و

انسان نیز برای کتمان یا جبران گذشته خود نمی تواند کاری بکند فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

۶- رجعت انسان در قیامت، همچون رجعت آب بخار شده دریا، از آسمان به زمین

است. «عَلَى رَجْعِهِ لِقَادِرٌ - وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ»

۷- ارزش هر موجودی وابسته به آثار و برکات آن است. «ذَاتِ الرَّجْعِ - ذَاتِ الصَّدْعِ»

۴- قرآن، فرقان و جداکننده حق از باطل است، نه رمان و غیر واقعی لَقَوْلٍ فَضْلٌ وَ مَا

هُوَ بِالْهَزْلِ

۸- نیرنگ کفار، دائمی، سخت و حتمی است، از آن غافل نشوید. «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا»

۹- برخورد خداوند با انسان، متناسب با عمل اوست. اگر در راه خیر قدم بردارد، خدا

هدایتش میکند: جَاهِدُوا فِينَا لَنْهَدِيَنَّهُمْ و اگر به دنبال کید باشد، گرفتار کید الهی میشود

۱۰- قرآن، میزان تشخیص حق از باطل است. إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ كَافِرَانِ بِأَخْذِ طَرَفِنِ وَ تَدْبِيرِ خَدَاوْنِ سَخْتِ اسْتِ.

۱۱- آنان مسلمانان را غافلگیر می کنند ما نیز آنان را غافلگیر می کنیم. يَكِيدُونَ ... أَكِيدُ

۱۲- در برخورد با دشمن، نه خود عجله کنید و نه از خدا عجله بخواهید. فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ

۱۳- غفلت از دشمن هرگز، ولی مهلت دادن مانعی ندارد. «أَمَهُلُهُمْ» سعه صدر، شرط لازم برای رهبری است.

۱۴- مقدار مهلت به دشمن، به قدری نباشد که فرصت را از شما بگیرد. «رُؤْيِدًا»



که برتر ز هر چیز باشد خدا

ستایش بکن شوکت کبریا

هماهنگ کردش به حد کمال ۲

جهان آفریدست آن ذوالجلال

به هر چیز اندازه ای را نهاد	دری از هدایت به رویش گشاد ۳
برویاند از خاک ایزد گیاه ۴	پس آن را بگرداند خشک و سیاه ۵
بخوانیم قرآن تو را دم به دم	مبادا فراموش سازی تو هم ۶
بجز آنچه را خواست پروردگار	که داند خدا مخفی و آشکار ۷
به یک شیوه ی سهل ای مصطفی	خداوند پیروز سازد تو را ۸
کنون گر بدانی فتد سودمند	تو میده بر این خلق اندرز و پند ۹
همانا کسی پند گیرد ز کار	که همواره ترسد ز پروردگار ۱۰
ستم پیشگان می کنند اجتناب	از این پندهای نکو در کتاب ۱۱
به دوزخ بیفتد به سوزنده نار	هر آن کس که از پند گیرد کنار ۱۲
نه میرد در آن جایگاه عتیب	نه از زندگانی بیاید نصیب ۱۳
به پالایش نفس هر کس شتافت	بشد رستگار و سعادت بیافت ۱۴
در رستگاری بر او گشت باز	که می خواند با یاد یزدان نماز ۱۵
ولی زندگانی دار الفنا	گزیدند خیل بشر بر خطا ۱۶
اگر چند عقبی برای بشر	بود بهتر و هست پاینده تر ۱۷
شده ثبت این گفته ها و بیان	میان کتب های پیشینیان ۱۸
به ویژه کتاب رسول خلیل	همین گونه تورات موسی جلیل ۱۹

تفسیر سوره اعلی

این سوره در حقیقت از دو بخش تشکیل یافته ، بخشی که در آن روی سخن به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و دستوراتی را در زمینه تسبیح پروردگار ، و ادای رسالت ، به او می دهد ، و اوصاف هفتگانه ای از خداوند بزرگ در این رابطه می شمرد.

و بخش دیگری که از مؤمنان خاشع ، و کافران شقی ، سخن به میان می‌آورد ، و عوامل سعادت و شقاوت این دو گروه را به طور فشرده در این بخش بیان می‌کند.

این سوره که در حقیقت عصاره مکتب انبیا و دعوت پیامبران از تسبیح و تقدیس پروردگار شروع می‌شود در آغاز روی سخن را به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کرده می‌فرماید : نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را از هر عیب و نقص پاک بشمر (سبّح اسم ربك الاعلی).

تزکیه معنی وسیعی دارد، هم پاکسازی روح از آلودگی شرك، و هم پاکسازی از اخلاق رذیله، و هم پاکسازی عمل از محرمات، و هر گونه ریا، و هم پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا، زیرا طبق آیه **خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها** : از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا آنها را به وسیله آن پاکسازی و تزکیه کنی دادن زکات سبب پاکی روح و جان است .

و در پایان سوره اعلام می‌دارد که این مطالب تنها در قرآن مجید نیامده است ، بلکه حقایقی است که در کتب و صحف پیشین ، صحف ابراهیم و موسی ، نیز بر آن تاکید شده است.

۱- نام خداوند مقدّس است. از هرگونه بی احترامی به نام او پرهیز کنید. «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ»

۲- اوصاف ناشایست را در کنار نام خدا قرار ندهید. نام اختصاصی خدا را بر دیگران ننهید.

۳- تسبیح او سبب رشد و پرورش شماست. توحید کامل در پرتو تنزیه ذات و تسبیح نام اوست.

۴- مسئولیت شرک زدایی در درجه اول به دوش رهبر آسمانی و سپس بر عهده همه مؤمنان است. «سَبِّحِ»

۵- خداوند، از هرچه گفته و نوشته و تصور شود، برتر است. او در همه کمالات برتر است.

۶- خدا، فقط خالق نیست، بلکه علاوه بر آن نظام بخش هستی و موجودات نیز می باشد.

۷- ظرفیت و هدایت موجودات، دلیل بر هدفمندی آفرینش است. «قَدَّرَ فَهَدَى»

۸- فرمان های الهی همراه با حکمت و دلیل است. نام خدا را تسبیح کن، زیرا او اعلی است، آفرید و سامان داد و هدایت کرد سَبَّحَ ... الْأَعْلَى ، خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

۹- هدایت تکوینی آفریده ها در چهره های مختلفی است، گاهی سبز و گاهی خشک ولی هر دو در مدار هدایت است. «أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى»

۱۰- آفرینش هستی و هدایت تکوینی آن، مقدمه هدایت تشریعی و معنوی انسانهاست. «سَنُفْرِئُكَ» (خدایی که گیاه را از درون خاک بیرون می کشد، چگونه استعداد های معنوی انسان را بروز ندهد؟ «سَنُفْرِئُكَ»)

۱۱- پیامبر که هر چه دارد از وحی است، نگران فراموش کردن آن در آینده بود که خداوند به او وعده عدم فراموشی داد. «سَنُفْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى»

۱۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله از هرگونه نسیان، مصون است. «فَلَا تَنْسَى» پیامبر، حافظ کل قرآن بود. «فَلَا تَنْسَى» (یکی از معجزات پیامبر اکرم این بود که با یکبار شنیدن برای همیشه حتی آیات طولانی را به یاد داشت).

۱۳- دست خدا بسته نیست و می تواند آنچه می دهد پس بگیرد. سَنُفْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

۱۴- گرچه خداوند هرگز خلف وعده نمی کند «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ» ولی معنای وعده های الهی مجبور بودن خداوند نیست. «فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» اراده الهی حکیمانه و عالمانه است. إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ ...

۱۵- اقتضای بعضی از امور آن است که پنهان باشد. «ما يَخْفَى» (کلمه «يَخْفَى» در قالب فعل مضارع بیانگر آن است که مخفی بودن بعضی امور، مقتضای طبیعت آنهاست).

۱۶- تبلیغ دین و دعوت مردم به سوی خدا، مشکلات و سختی های فراوانی در پیش دارد که خدا وعده داده، مبلّغ دین را یاری دهد و تحمّل سختی ها را بر او آسان سازد. نُنِيرُكَ لِلْيُسْرَى

۱۷- به هر کس مأموریتی می دهید، گره کارش را باز کنید. «فَذَكِّرْ» نزول وحی برای تذکر به مردم است. سَنُقْرِئُكَ ... فَذَكِّرْ

۱۸- تسبیح ما مقدمه کار گشایی خداوند است. سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ ... نُسِّرُكَ لِلْيُسْرَى

۱۹- شرط تذکر، پند پذیری است و پیامبر نسبت به افراد پندناپذیر مسئولیتی ندارد. «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى»

۲۰- تنها افراد خداترس تذکر را می پذیرند. «سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى» پنددادن افراد خداترس آسان تر است.

۲۱- به مُبَلِّغ باید دلداری داد که کارش بیهوده نیست. فَذَكِّرْ ... سَيَذَكِّرْ ... مُبَلِّغ نباید توقع تأثیر فوری داشته باشد.

۲۲- مشکل کفار دوری خود آنان از قرآن و پیامبر است، نه آنکه در این دو عنصر پاک، ضعف یا نقصی باشد. «يَتَجَنَّبُهَا»

۲۳- قرآن میزان است. پندپذیر آن مدال «يَخْشَى» می گیرد، «سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى» و پندناپذیر آن لقب «اشقی» دریافت می کند. «وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى» دوری از پند و پیام قرآن، مایه شقاوت است.

۲۴- سیره دائمی تیره بختان دوری از پند است. «يَتَجَنَّبُهَا» در قالب مضارع برای معنای استمرار و دوام است.

۲۵- بدبخت ترین مردم کسی است که خشیت الهی ندارد. «اشقی» در برابر «يَخْشَى» قرار گرفته است.

۲۶- توقع اصلاح همه مردم را نداشته باشید. «سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى» عامل پذیرش و عدم پذیرش در درون خود انسان است. يَخْشَى ... اشقی

۲۷- کیفر به مقدار خباثت است. «اشقی- النَّارُ الْكُبْرَى»

۲۸- دوزخ برای گروهی ابدی و همیشگی است. «لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى»

۲۹- خلود در دوزخ، طبیعت دوزخیان را تغییر نمی دهد که دیگر از آتش رنج نبرند، بلکه دائماً در شکنجه هستند. «لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى»

۳۰- قرآن در پایان برخی آیات می فرماید: امید است رستگار شوید. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده اند، با ریا و غرور و گناه و منت گذاری محو می شود. ولی درباره تزکیه شدگان می فرماید: قطعاً رستگارند. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»

۳۱- تزکیه خود به خود حاصل نمی شود، باید به سراغ آن رفت. «تَزَكَّى» تزکیه بدون نماز و عبادت نمی شود. «تَزَكَّى ، ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»

۳۲- مانع تزکیه، علاقه به دنیا است. «بَلْ تُؤْثِرُونَ» دنیا بد نیست، آنچه مورد انتقاد است ترجیح آن بر آخرت است.

چگونه می توان حب دنیا را از دل بیرون کرد با اینکه ما همه فرزند دنیائیم ، و علاقه فرزند به مادر يك امر طبیعی است ؟ ! این نیاز به آموزش فکری و فرهنگی و عقیدتی ، و سپس تهذیب نفس دارد.

و از جمله اموری که می تواند بالاترین کمک را به سالکان راه در این مسیر کند ملاحظه عاقبت کار دنیا پرستان است.

فراعنه با آنهمه قدرت و امکانات مالی سرانجام چه کردند ؟

۳۳- هرگاه از چیزی انتقاد کنید، نمونه خوب و راهکار آن را نشان دهید تُوْثِرُونَ...وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ

۳۴- راه پاک شدن دل و فکر انسان، ذکر مدام و مستمر نام خداست. تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ

۳۵- توجه به جلوه های ربوبیت، عامل یاد خداست. نماز باید بر اساس ذکر و توجه باشد، نه غافلانه و بر اساس عادت. «ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»

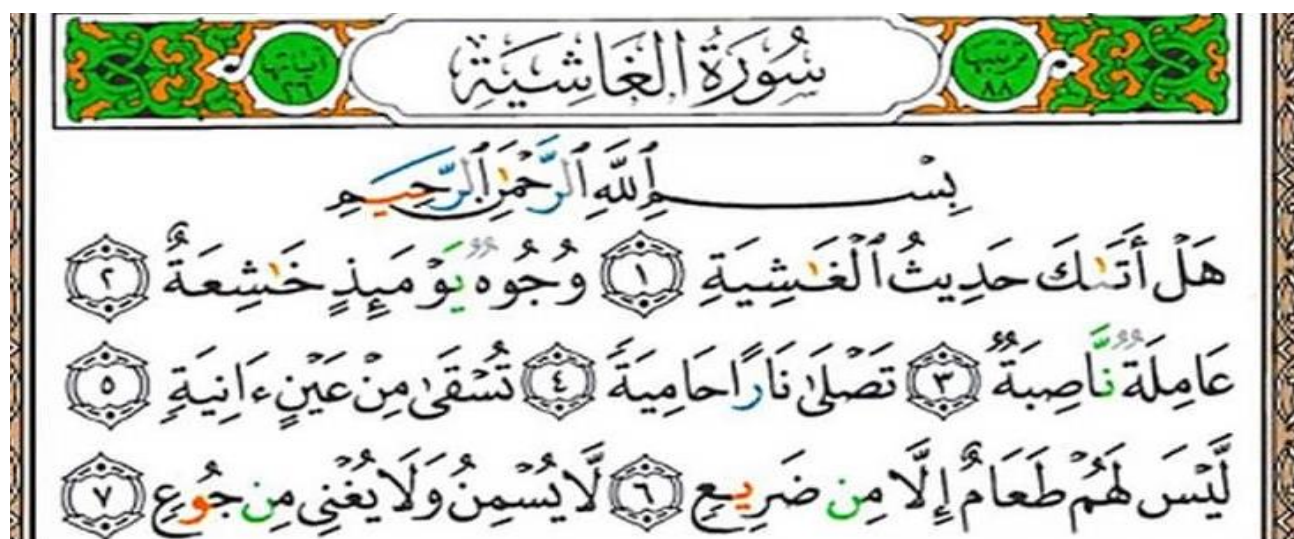
۳۶- نمازگزاران زمانی رستگارند که اهل تزکیه و یاد خدا باشند. «تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»

۳۷- کتب آسمانی، همسو و هماهنگ با یکدیگر هستند. «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى»

۳۸- در میان کتب آسمانی، کتب حضرت ابراهیم و حضرت موسی امتیاز خاصی دارد.

«صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى»

محتوای پر اهمیت این سوره ، یا خصوص آیات اخیر ، از اصول اساسی عالم ادیان ، و از تعلیمات بنیادی همه انبیا و پیامبران است و این خود نشانه‌ای است از عظمت سوره و از اهمیت این تعلیمات. صحف جمع صحیفه در اینجا به معنی لوح و یا صفحه‌ای است که چیزی بر آن می‌نویسند.



تورا ای پیمبر رسیده مگر از آن عرصه‌ی سخت محشر خبر۱

که رخسار جمعی به روز شمار بود ترسناک و ذلیل است و خوار۲

چه بیهوده بردند رنجی فزون۳ به آتش در آیند آن‌ها کنون۴

بنوشند از چشمه‌ای گرم، آب بیفتند از داغی آن به تاب۵

بود خارتیزی طعام سقر نیابند آن‌جا غذائی دگر۶

نه خودفربه گردند از آن طعام نه خود سیر گردند بر وفق و کام۷



گروهی دگر نیز روز معاد به رخسار هستند شاداب و شاده

رضایند از کوشش و سعی خویش که راه طاعت گرفتند پیش ۹

همانا به باغ برین می روند ۱۰ سخن های باطل کجا بشنوند ۱۱

بود چشمه هایی با آب زلال که جاری ست در سبزه زار جنان ۱۲

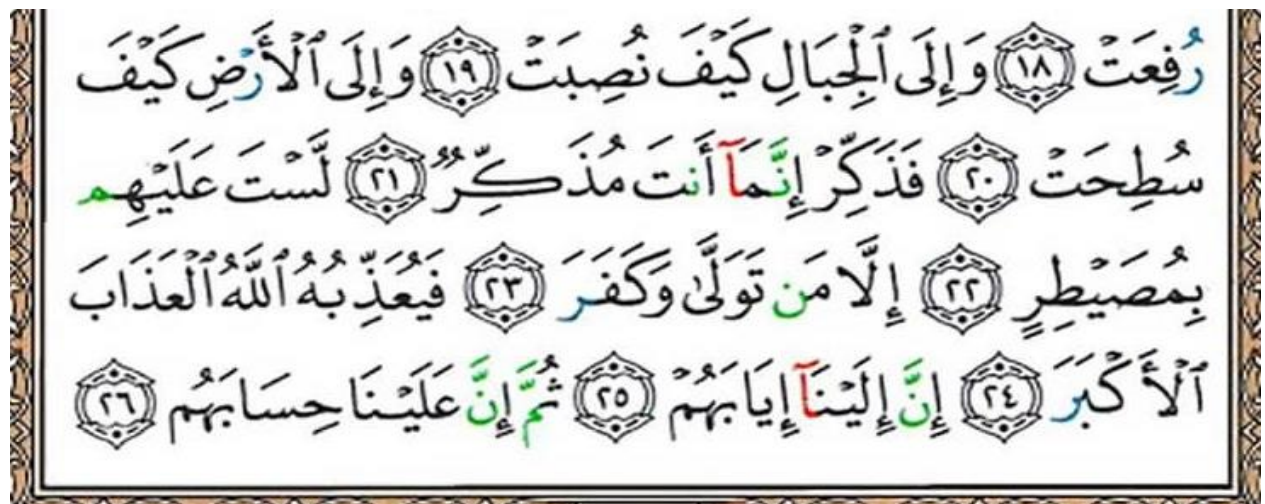
در آن جایگاه تخت هائست چند که در رفعت و قرب باشد بلند ۱۳

در آن جا قدح هاست بگذاشته ۱۴ نکو بالش و مسند افراشته ۱۵

بود فرش هایی به باغ بهشت مهیا بر افراد نیکو سرشت ۱۶

ندارند آیا به اشتر نگاه که چون آفریدست آن را اله ۱۷

نخواهند آیا نگاهی کند که چون است این آسمان بلند ۱۸



ندارند آیا نگه بر جبال	که چون نصب گردیده با این جلال ۱۹
مگر یک نگه بر زمین کرده اند	که این ارض را چون بگسترده اند ۲۰
تو تنها بده پند ای مصطفی	بجز این وظیفه نباشد تو را ۲۱
توانا نباشی به پندار خلق	تسلط نداری به کردار خلق ۲۲
هر آن کس که رو تافت از کبریا	بگردید کافر به یکتا خدا ۲۳
خدایش را معذب کند بر عذاب	الیم است بر کافران این عقاب ۲۴
بدینسان چو دور جهان در گذشت	نمایند بر سوی ما بازگشت ۲۵
پس آنگاه بر عهده ی ما بود	سزای عمل های نیکو و بد ۲۶

پیام های سوره غاشیه

انتخاب نام غاشیه برای قیامت به خاطر آن است که حوادث وحشتناک آن ناگهان همه را زیر پوشش خود قرار می دهد. منظور آتشی است که چهره های کفار و مجرمان را می پوشاند. به بیان چگونگی حال مجرمان پرداخته ، می گوید: (چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بار است) وجوه یومئذ خاشعة. ذلت و ترس از عذاب و کیفرهای عظیم آن روز تمام وجود آنها را فرا گرفته، و از آنجا که حالات روحی انسان بیش از همه جا در چهره او منعکس می شود، اشاره به خوف و ذلت و وحشتی می کند که سراسر چهره آنها را می پوشاند. سرانجام این زحمتکشان خسته و بیهوده گر، وارد آتش داغ و سوزان می شوند و با آن می سوزند .

- ۱- حادثه قیامت چنان فراگیرست، که همه باید به فکر آن باشند هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ
- ۲- هر تلاش و زحمتی، در قیامت مفید نخواهد بود. «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ»
- ۳- تنها گروه مخلص از تلاش های خود بهره خواهند گرفت. «لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ»

۴- معاد جسمانی ست، زیرا مسئله چاقی و لاغری تنها در مورد اجسام قابل قبول ست ۵- شادی و خرمی واقعی، در چهره منعکس می شود. وَجُوهٌ ... نَاعِمَةٌ . رنگ رخساره خبر می دهد از سرّ ضمیر.

۶- نعمت های بهشت و الطاف خاص الهی، از نتایج سعی و تلاش است. لِسْعِيهَا

۷- سختی کار در دنیا زودگذرست ولی کامیابی دائمی در آخرت را به همراه دارد.

۸- بهشت، نقطه اعتلای مادی و معنوی است. «جَنَّةٍ عَالِيَةٍ»

۹- کسانی که در دنیا از لغو دوری کنند، در سرای دیگر، در فضای بدون لغو زندگی خواهند کرد.

۱۰- در بهشت نه تنها لغو نیست بلکه کلامی که به نحوی سبب پدید آمدن لغو هم شود وجود ندارد. «لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً»

۱۱- عظمت چشمه های بهشتی قابل شناخت نیست. فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

۱۲- جایگاه بهشتیان، رفیع و بلند است، نه آنکه روی زمین بنشینند. «سُرُّرٌ مَرْفُوعَةٌ»

بهشت جایگاهی است بی نظیر از هر جهت و خالی از هر گونه ناراحتی و جنگ و جدال، با انواع میوه های رنگارنگ، و نغمه های دلپذیر و چشمه های آب جاری، و شرابهای طهور، و خدمتگزارانی شایسته و همسرانی بی مانند، و تختهای مرصع، و فرشهای فاخر، و دوستانی با صفا و ظروف و قدحهای جالب در کنار چشمه ها، و خلاصه نعمتهایی که نه بالفاظ محدود این جهان قابل شرح است، و نه در عالم خیال قابل درک، و همه اینها در انتظار مقدم مؤمنانی است که با اعمال صالح خود اجازه ورود در این کانون نعمت الهی را کسب کرده اند. و فراتر از این لذات مادی لذات معنوی، و برتر از همه **لقاءالله** و جلوه های محبوب، و الطاف آن معبودست که اگر يك لحظه آن به دست

آید بر تمام نعمتهای مادی بهشت برتری دارد.

۱۳- کسانی که در کشف حقایق هستی عمیق نمی شوند، مورد سرزنش خدایند. أَفَلَا

۱۴- از محسوسات عبور کنید تا به معقولات برسید. أَفَلَا يَنْظُرُونَ ...

۱۵- در معاد و نعمت های ویژه بهشتیان شک نکنید، مگر آفریده های عجیب خدا را در

دنیا نمی بینید؟ «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ»

۱۶- همان گونه که اصل آفریده ها دلیل بر وجود خداست، چگونگی و پیچیدگی آفریده

ها هم دلیل بر قدرت و علم و حکمت اوست. كَيْفَ ، كَيْفَ ، كَيْفَ ... چون روی سخن

با اعراب مکه است و (شتر) همه چیز زندگی آنها را تشکیل می داد، اشاره شده. از این

گذشته این حیوان ویژگیهای عجیبی دارد که او را از حیوانات دیگر ممتاز می کند، و به

حق آیتی است :

بعضی از چهارپایان تنها از گوشتشان و یا استفاده می شود، اما شتر حیوانی است

که تمام جهات در آن جمع است، هم گوشتش، و هم شیرش، هم از آن برای سواری

و هم باربری و استفاده می شود. شتر نیرومندترین و با مقاومت ترین حیوانات اهلی

است، بار زیادی با خود می برد، و عجب اینکه به هنگامی که خوابیده است بار

سنگینی را بر او حمل می کنند، و او با يك حرکت برمی خیزد و روی پا می ایستد، در

حالی که چهارپایان دیگر قدرت بر چنین کاری ندارند. شتر می تواند روزهای متوالی

(حدود يك هفته الی ده روز) تشنه بماند، و در مقابل گرسنگی نیز تحمل بسیار دارد.

شتر می تواند هر روز مسافتی طولانی راه را طی کند، و از زمینهای صعب العبور، و

شنزارهایی که هیچ حیوانی قادر بر عبور از آن نیست بگذرد، و به همین دلیل عربها

آن را (کشتی بیابانها)! می نامند. او از نظر تغذیه بسیار کم خرج است و هر گونه خار و

خاشاکی را می خورد. او در شرائط نامناسب جوی در میان طوفانهای بیابان که چشم و

گوش را کور و کر می کند با وسائل خاصی که خداوند در پلکها و گوشها و بینی او آفریده مقاومت می کند، و به راه خود ادامه می دهد! شتر با تمام قدرتی که دارد از رام ترین حیوانات است به طوری که يك كودك خردسال می تواند مهار يك قطار شتر را در دست گرفته و هر جا که خاطر خواه او است ببرد .

۱۷- پیامبر، مأمور به وظیفه است نه نتیجه. إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ پیامبر صلی الله علیه و آله برای

هدایت مردم اهتمام و حرص داشت و خداوند به او فرمود: وظیفه تو فقط تذکر

۱۸- بی اعتنایی مردم، وظیفه را ساقط نمی کند. إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ

۱۹- منشأ کفر، عناد و لجاجت و روی گردانی از حق و حقیقت است. مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ



بخوردم قسم براین شهر آری قسم ۱ اگرچه دراین شهر هستی تو هم ۲

قسم بر پدر باد و اخلاف وی

که دنبال او آمدندی زی ۳

که جنس یش را یگانه خدا

بکردست خلقت به رنج و بلا ۴

گمان کرده که آیا ز روی هوس

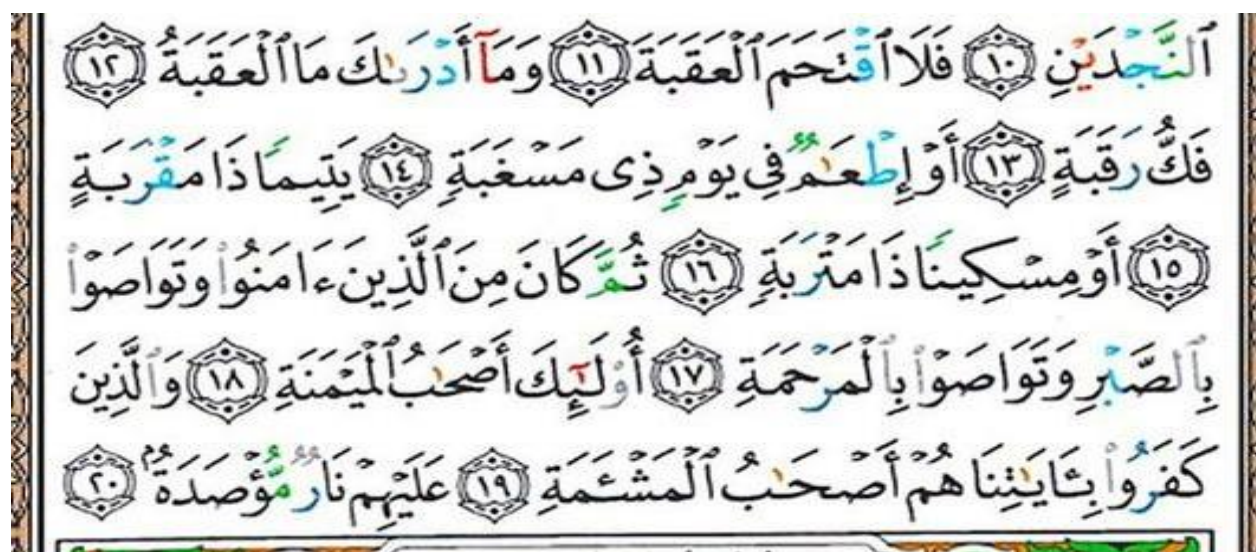
که قادر نباشد بر او هیچ کس ۵

بگوید بسی مال ها بی هدف

بکردم در این زندگانی تلف ۶

گمان کرده آیا که او را کسی

نبیند که چون می نماید بسی ۷



مشخص نکرده مگر خیر و شرّ	نداده نشان راه را بر بشر ۱۰
ولی باز هم آدمی از عناد	به تکلیف این گردنه تن نداد ۱۱
تو را مایه ی آگهی حال کیست	که گوید به تو معنی عقبه چیست ۱۲
بود آن که در راه یکتا خدا	یکی بنده از بند سازی رها ۱۳
بود آن که در قحط سالی تامّ	به مردم ببخشی غذا و طعام ۱۴
به طفل یتیمی که او آشناست	تو احسان و نیکی نمایی به خواست ۱۵
به مسکین نکویی کنی و فقیر	که بر خاک بنشسته او ناگزیر ۱۶
کسی این عمل ها بجا آورد	که ایمان به یکتا خدا آورد
سفارش نمایند هم را به صبر	به لطف و به رحمت نه آزار و جبر ۱۷
بلی این گروهند اهل یقین	همه رستگاران روی زمین ۱۸
ولی کافران به پروردگار	همه شوم هستند و نا راستکار ۱۹
بر آن ها نصیب است سوزنده نار	که آتش محیط است از هر کنار ۲۰

پیام ها سوره بلد

سنت قرآن در بسیاری از موارد بر این است که بیان حقایق بسیار مهم را با سوگند شروع می کند، سوگندهائی که خود نیز سبب حرکت اندیشه و فکر و عقل انسان است ، سوگندهائی که ارتباط خاصی با همان مطلب مورد نظر دارد. در اینجا نیز برای بیان این واقعیت که زندگی انسان در دنیا تواءم با درد و رنج است از سوگند تازه ای شروع می کند و می فرماید: **قسم به این شهر مقدس شهر مکه** چرا که نخستین مرکز توحید و عبادت پروردگار در اینجا ساخته شده، و انبیای بزرگ گرد این خانه طواف کرده اند، و این شهر به خاطر وجود پر فیض و پر برکت تو چنان عظمتی به خود گرفته که شایسته این سوگند شده است. و حقیقت همین است که ارزش سرزمینها به ارزش انسانهای مقیم در آن است، مبادا کفار مکه تصور کنند اگر قرآن به این سرزمین قسم یاد می کند برای وطن آنها و یا کانون بتهایشان اهمیت قائل شده، نه چنین نیست، تنها ارزش این شهر (گذشته از سوابق تاریخی خاص آن) به خاطر وجود ذیجود بنده خاص خدا محمدصلی الله علیه و آله و سلم است.

۱- سرزمین ها می توانند دارای قداست باشند و شهر مکه نیز از قدیم مورد احترام و

سوگند بوده است. «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ»

۲- تکرار گاهی نشانه عظمت و عنایت است. بِهَذَا الْبَلَدِ ... بِهَذَا الْبَلَدِ

۳- ارزش زمین ها به ارزش ساکنان آنهاست. «وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» (سوگند به مکه به خاطر حضور پیامبر)

۴- در مقام فرزند، دختر یا پسر تفاوتی ندارد. «وَمَا وَلَدٌ»

۵- زندگی بشر در متن مشقت ها و سختی ها قرار دارد. «فِي كَيْدٍ»

۶- هر مالی که در مسیر حق صرف نشود مایه حسرت است. «أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا»

۷- انسان تحت سیطره قدرت و علم الهی است. أَ يَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ...

۸- نتیجه هر محاسبه ای که جای خدا در آن خالی باشد، پوچی و زیانکاری است. أ

۹- خود بزرگ بینی در برابر خدا چه معنایی دارد؟ أَ يَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

۱۰- کسانی که در انفاق به راه درست نروند یا مصرف آنها نابجا باشد یا نیتشان خالص نباشد و همراه با ریا و خودنمایی و دروغ باشد، در آینده شرمنده و پشیمان هستند. أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا

۱۱- بهترین راه خداشناسی، دقت و مطالعه در آفریده های حکیمانه خداوند است. أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ... با سؤال های مناسب، وجدان های خفته را بیدار کنید. چشم را معمولاً به يك دستگاه دوربین عکاسی تشبیه می کنند که با عدسی بسیار ظریف خود از صحنه های مختلف عکسبرداری می کند، عکسهائی که به جای فیلم روی شبکه چشم منعکس می شود، و از آنجا به وسیله اعصاب بینائی به مغز منتقل می گردد. این دستگاه عکسبرداری فوق العاده ظریف و دقیق، در شبانه روز ممکن است هزاران هزار عکس از صحنه های مختلف بردارد، ولی از جهات زیادی قابل مقایسه حتی با پیشرفته ترین دستگاه های عکسبرداری و فیلمبرداری نیست ،

۱۲- همه انسانها از طریق عقل یا فطرت یا راهنمایی انبیا و اوصیا و علما، خیر و شر را می شناسند. «هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»

۱۳- انجام وظیفه و تکلیف، همچون عبور از گردنه است. «الْعَقَبَةُ»

۱۴- افراد مرفّه و راحت طلب که از انجام کار و پذیرش مسئولیت فرار می کنند، مورد انتقاد قرآن اند. «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ»

۱۵- انسان، مسائل معنوی را بدون هشدارهای الهی درک نمی کند. مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

۱۶- آزاد سازی بردگان و اسیران در رأس کارهای خیر است. «فَكُّ رَقَبَةٍ»

۱۷- همیشه کلی گویی مفید نیست، گاهی باید نمونه ها و مصادیق را نام برد. فَكُّ رَقَبَةٍ

۱۸- برای تحریک عواطف مردم و بیدارسازی وجدانها دردها را مطرح کنید.

۱۹- برای تشویق مردم به کارهای خیر، ابتدا الطاف خدا را یادآور شوید. عَيْنَيْنِ - لِسَانًا

زبان نیز به نوبه خود از اعضاء بسیار شگفت انگیز بدن انسان است ، و وظائف سنگینی بر عهده دارد، علاوه بر اینکه کمک مؤثری به بلع غذا می کند، در جویدن نیز نقش مهمی دارد، مرتباً لقمه غذا را به زیر چکش دندانها هل می دهد! در حالی که دائماً کنار آن و چسبیده به آن است! و از این کارها مهمتر مسأله سخن گفتن است که با حرکات سریع و منظم و پی در پی و حرکت کردن در جهات ششگانه انجام می گیرد. و از آن عجیب تر مسأله استعداد تکلم در انسان است که در روح آدمی به ودیعت گذارده، و باز از آن مهمتر استعداد وضع لغات مختلفی است که با مطالعه هزاران زبان که در دنیا موجود است اهمیت آن آشکار می شود

۲۰- اسلام به مسائل مادی طبقه محروم و لزوم حل مشکلات تأکید و اصرار دارد یَتِيمًا مَسْكِينًا

۲۱- سرمایه ها خرج می شود ولی مهم مسیر خرج است أَهْلَكْتَ مَالًا لَبَدًا... فَلَا تُفْتَحَمُ الْعَقَبَةُ

۲۲- ایمان، شرط پذیرش کارهای نیک است. «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا»

۲۳- همه مسلمانان باید یکدیگر را به صبر و رحمت سفارش کنند. «آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا»

۲۴- دانستن کافی نیست، گفتن و شنیدن نیز مؤثر است. «تَوَاصَوْا»

۲۵- بهترین معروفها که باید به آن سفارش شود، صبر و رحمت است بِالصَّبْرِ وَ بِالْمَرْحَمَةِ

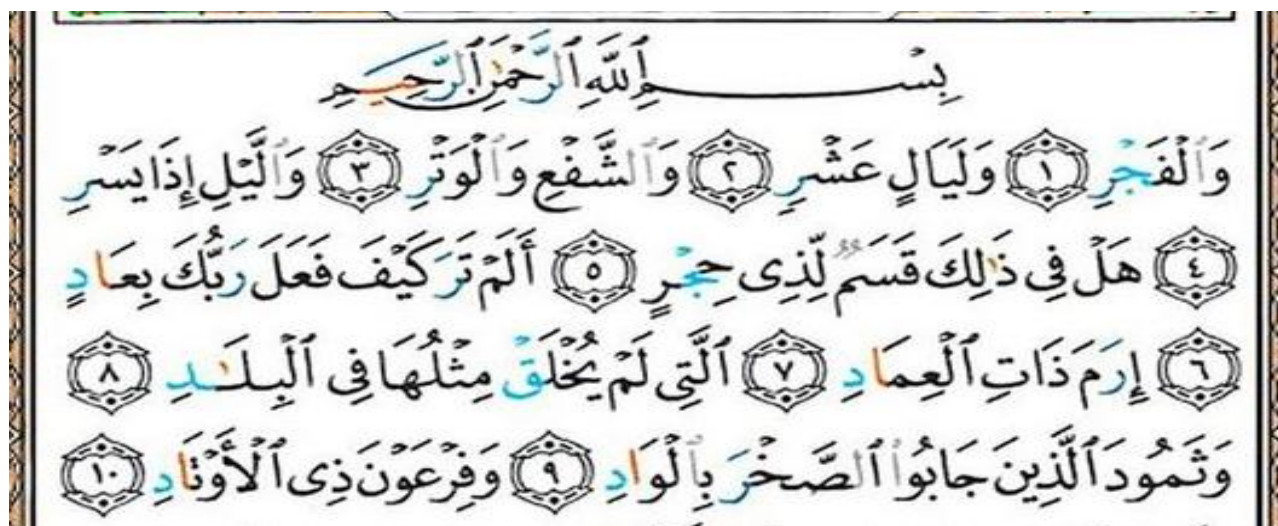
۲۶- بعد از خودسازی باید دیگران را به کار خیر دعوت کرد. «تَوَاصَّوْا بِالْمَرْحَمَةِ»

۲۷- تشکر از نعمت چشم، دیدن آیات الهی و تشکر از نعمت زبان، سفارش به دیگران است.

۲۸- ایمان و صبر و محبت، مایه برکت است. «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ»

۲۹- کسی که با کفر و بخل، روی حق و رحمت را بپوشاند در قیامت در آتشی سرپوشیده قرار خواهد گرفت. «عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّوَصَّدَةٌ»

۳۰- مؤمنانی که به سیر کردن گرسنه و آزادی برده موفق شوند، هم برای جامعه، مایه خیر و برکت هستند و هم آخرت خود را آباد کرده اند و چه میمنت و برکتی بالاتر از این؟ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ



قسم باد بر موقع صبحگاه ۱

به ده شب در آغاز ذیحجه ماه ۲

قسم نیز بر جفت و بر فرد باد ۳

به شب چون به پایان خود رو نهاد ۴

در آن چه ز سوگند گردید ذکر

نبوده قسم لایق اهل فکر؟ ۵

ندیدی تو آیا که بر قوم عاد

چه فرجام یکتا خدایت نهاد؟ ۶

بر اهل اِرم با چنان فَرّ و جاه	چسان کیفری داد یکتا اله ۷
اگر چه که در محکمی و عِماد	نبودی چو آن شهر اندر بلاد ۸
ثمودی که خود سنگ را می شکافت	چگونه سرانجام کیفر بیافت ۹
سپهدار فرعون با اقتدار	به دریا بشد غرق فرجام کار ۱۰



که بودند سرکش به شهر و بلاد ۱۱	چو انگيختندی پيای فساد ۱۲
که تا کردگارت برای عقاب	پيای فرستاد قهر و عذاب ۱۳
بدان ای پیامبر که پروردگار	کمین کرده بر قوم نا راستگار ۱۴
به انسان اگر محنت آید نصیب	سپس نعمتی یابد آن بی شکیب
در آن حال مغرور و سرمست و شاد	بگوید خدایم گرامی نهاد ۱۵
چو بر امتحان سازد او را فقیر	به چنگال محنت نماید اسیر
بگوید که من را کنون کردگار	به ذلّت براندست و کردست خوار ۱۶
ندارید سوی یتیمان نگاه	از این رو ببینید، قهر اله ۱۷
نسازید از سفره خویش سیر	به رغبت کسی را که باشد فقیر ۱۸



از آن دست وراث را می برید ۱۹

بجوئید در آن نشان از کمال ۲۰

تصور نمایند از کار رب

بلرزد که از آن نماند اثر ۲۱

ملائک بیابند خود صف به صف ۲۲

بیارند در پیش چشم و نظر

از اعمال خود یاد آرد تمام

ندارد دگر هیچ نفعی و سود ۲۳

هرآنچه رسد ارث، آن را خورید

فقط دوست دارید مال و منال

چنین نیست کافراد دنیا طلب

یکی روز خاک زمین سر به سر

به فرمان دادار از هر طرف

پدیدار سازند آنگه سقر

در آن روز باشد که انسان خام

ولی این تذکر که بر او نمود



به حسرت بگوید که ای کاش من

که باشد مفیدم کنون در ابد ۲۴

گشاید پس آنگاه لب بر سخن

عمل های نیکو بکردم نه بد

فزون تر ز کفار پست و پلید	عذابى به شخصى نخواهد رسید ۲۵
نگردد گرفتار آن روز سخت	کس دیگری غیر از آن تیره بخت ۲۶
الا ای که با یاد پروردگار	رسیدی به آرامشی و قرار ۲۷
بیا این زمان سوی یزدان خویش	به سوی خدا گام گذار پیش
که هستی تو خشنود از کبریا	ز تو راضی ست یکتا خدا ۲۸
کنون در صف بندگانم در آی ۲۹	به باغ بهشتم تو می کن سرای ۳۰

تفسیر سوره فجر

فجر را در این آیه به معنی مطلق آن یعنی سپیده صبح تفسیر شده که مسلمان یکی از نشانه های عظمت خداست ، نقطه عطفی است در زندگی انسانها و تمام موجودات زمینی، و آغاز حاکمیت نور و پایان گرفتن ظلمت است، آغاز جنبش و حرکت موجودات زنده، و پایان یافتن خواب و سکوت است، و به خاطر این حیات خداوند به آن سوگند یاد کرده . بعضی آن را به معنی فجر آغاز محرم که آغاز سال جدید است تفسیر کرده اند .

و بعضی به (فجر روز عید قربان) که مراسم مهم حج در آن انجام می گیرد، و متصل به شبهای دهگانه است. ولی آیه مفهوم وسیعی دارد که همه اینها را شامل می شود، هر چند بعضی از مصداقهای آن از بعضی دیگر روشن تر و پراهمیت تر است

. بعضی معنی آیه را از این هم گسترده تر دانسته اند، و گفته اند منظور از فجر هر روشنائی است که در دل تاریکی می درخشد. بنابراین درخشیدن اسلام و نور پاك محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) در تاریکی عصر جاهلیت یکی از مصادیق فجر است، و همچنین درخشیدن سپیده صبح قیام مهدی (علیه السلام) به هنگام فرو رفتن جهان در تاریکی و ظلمت ظلم و ستم ، مصداق دیگری از آن محسوب می شود (همانگونه که در بعضی از روایات به آن اشاره شده است) . و قیام عاشورای حسینی در آن دشت خونین کربلا، و شکافتن پرده های تاریک ظلم بنی امیه، و نشان دادن چهره واقعی آن دیو صفتان مصداق دیگر بود.

و همچنین تمام انقلابهای راستینی که بر ضد کفر و جهل و ظلم و ستم در تاریخ گذشته و امروز انجام می گیرد. و حتی نخستین جرقه های بیداری که در دلهای تاریک گنهکاران ظاهر می شود و آنها را به توبه دعوت می کند (فجر) است .

۱- زمان، مقدّس و قابل سوگند است. وَ الْفَجْرِ - بعضی ایام از قداست ویژه ای برخوردار است. «و لَيَالٍ عَشْرٍ» - ساعات پایان شب که سالکان در آن سیر معنوی دارند، از قداست خاصی برخوردار است. «و اللَّيْلِ إِذَا يَسِرَّ»

۲- مخاطبان قرآن، اهل خردند. «لِذِي حَجَرٍ»

۳- تاریخ قلع و قمع متجاوزان را فراموش نکنید. «أَلَمْ تَرَ»

۴- نابود کردن طغیانگران جلوه ربوبیت خداوند است. «فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ» به قول سعدی: ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان

۵- نشانه خرد و عقل، عبرت گرفتن از تاریخ است. لِذِي حَجَرٍ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

۶- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط وحی از تاریخ قوم عاد و ثمود و فرعون آگاهی داشت.

۷- ابتکار در معماری با استفاده از سنگ، در آن قوم عاد بوده است.

۸- اختلاف و تضاد فکری، مانع از بیان هنر و ابتکارات دیگران نشود. لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ

۹- قدرت بدون معنویت، عاملی است برای برهم زدن امنیت. ... طَغَوْا فِي الْبِلَادِ

۱۰- طغیانگر و طغیان مرز نمی شناسد. «طَغَوْا فِي الْبِلَادِ» (مراد از بلاد، همه مناطقی است که به آن دسترسی داشتند)

۱۱- سرچشمه تباهی و فساد، طاغوت ها هستند. «طَغَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ»

- ۱۲- تمدن و پیشرفت، اگر همراه با تقوا و صلاح نباشد عامل هلاکت است فَصَبَّ
- ۱۳- مربی، گاه برای تنبیه، نیاز به شلاق دارد. «رَبُّكَ سَوَّطٌ»
- ۱۴- طغیان و فساد جز با قهر بر طرف نمی شود. طَغَوْا ... سَوَّطَ عَذَابٍ
- ۱۵- مهلت ها شما را مغرور نکند که خدا در کمین است. «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ»
- ۱۶- کیفر دنیوی نسبت به عذاب اخروی همچون تازیانه ای است که درد آن موقت و آثارش سطحی است و تنها بر پوست می ماند. «سَوَّطَ عَذَابٍ»
- ۱۷- آزمایشهای الهی، جلوه ای از در کمین بودن پروردگار نسبت به انسان است ابْتْلَاهُ
- ۱۸- آزمایش، وسیله تربیت و رشد انسان است. «الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتْلَاهُ رَبُّهُ»
- ۱۹- دریافت های انسان بر اساس لطف اوست نه استحقاق ما. پس گرفتار غرور و عجب نشده و از آزمایش غفلت نکنید. «فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ»
- ۲۰- نه فقر نشانه اهانت است و نه دارایی نشانه کرامت؛ بلکه هر دو وسیله آزمایش.
- ۲۱- مهمتر از جسم یتیم روح اوست که باید گرامی داشته شود. «تُكْرِمُونَ»
- ۲۲- کمبودهای روحی را با احترام و محبت جبران کنید. (اولین انتظار یتیمان احترام به شخصیت آنان است) «تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ»
- ۲۳- در مورد کارهای خداوند، قضاوت نابجا نکنید. دلیل تنگی رزق را بی اعتنائی خداوند نپندازید، بلکه نتیجه عملکرد خودتان بدانید. «كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ»
- ۲۴- احسان به دیگران، در رزق و روزی انسان نقش مهمی دارد. لَا تُكْرِمُونَ-فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

۲۵- بینوایان نباید گرسنه بمانند. با انفاق خود، با تشویق دیگران باید به آنان رسیدگی کرد. «تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ»

۲۶- در درآمدهای خود دقت کنید؛ هر نانی مصرف کردنی نیست. «أَكْلًا لَمَّا»

۲۷- علاقه به مال فطری است، آنچه مذموم است، علاقه شدید است «حُبًّا جَمًّا»

۲۸- تکریم خداوند از شما، باید سبب تکریم شما از یتیمان باشد. فَأَكْرَمَهُ ... لَا تُكْرِمُونَ

۲۹- خدا، انسان را از علاقه شدید به مال و تصاحب حق دیگران بازمی دارد. الْمَالُ كَلَالٌ

۳۰- داروی حرص و حب مال، یاد قیامت است تَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ... تُحِبُّونَ الْمَالَ... كَلَالٌ إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ

۳۱- قیامت، روز حاکمیت مطلق فرمان الهی است. «جَاءَ رَبُّكَ»

۳۲- از رعایت نظم و سلسله مراتب، نمایش قدرت فرشتگان در قیامت به چشم می خورد. «الْمَلِكُ صَفًّا صَفًّا»

۳۳- تذکر و پشیمانی در قیامت سودی ندارد. «وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى»

۳۴- قیامت، روز هوشیاری و یادآوری است. «يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ»

۳۵- جهنم، در قیامت ظاهر می شود. جَاءَ ... بِجَهَنَّمَ قیامت روز حسرت است لَيْتَنِي

۳۶- آرزو کارساز نیست، تلاش لازم است. «يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ»

۳۷- زندگی واقعی و ابدی، زندگی قیامت است. «لِحَيَاتِي»

۳۸- خدای رحیم، در جای خود شدید است. «لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ»

۳۹- ممکن است برای کیفرهای خداوند در دنیا مشابهی باشد، اما در آخرت عذاب الهی مشابه ندارد. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ»

۴۰- در قیامت، امکان فرار از عذاب نیست. لَا يُعَذِّبُ ... لَا يُوثِقُ

۴۱- اصالت انسان با روح است و بدن، مرکب آن است. «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ» (خطاب خداوند به نفس است)

۴۲- بهشت بدون یار و همدم، بهشت نیست. «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»

۴۳- بهشت، انواع و درجاتی دارد. جَنَّتِي چنانکه قرآن در موارد متعدد فرموده عَدْنِ

چنین نفسی هم اطمینان به وعده های الهی دارد، و هم به راه و روشی که برگزیده مطمئن است، هم در اقبال دنیا و هم در ادبار دنیا، هم در طوفانها، و هم در حوادث و بلاها، و از همه بالاتر در آن هول و وحشت و اضطراب عظیم قیامت نیز آرام است. منظور از بازگشت به سوی پروردگار بازگشت به سوی خود او است، یعنی در جوار قرب او جای گرفتن، بازگشتی معنوی و روحانی نه مکانی و جسمانی.

تعبیر به راضیه به خاطر آن است که تمام وعده های پاداش الهی را بیش از آنچه تصور می کرد قرین واقعیت می بیند، و آنچنان فضل و رحمت خدا شامل حال او می گردد که یکپارچه رضا و خشنودی می شود و اما تعبیر به مرضیه به خاطر این است که مورد قبول و رضای دوست واقع شده است. چنین بنده ای، با چنان اوصاف، و با رسیدن به مقام رضا و تسلیم کامل، حقیقت عبودیت را که گذشتن از همه چیز در طریق معبود است دریافته، و در سلك بندگان خاص خدا گام نهاده، و مسلما جایی جز بهشت برای او نیست.



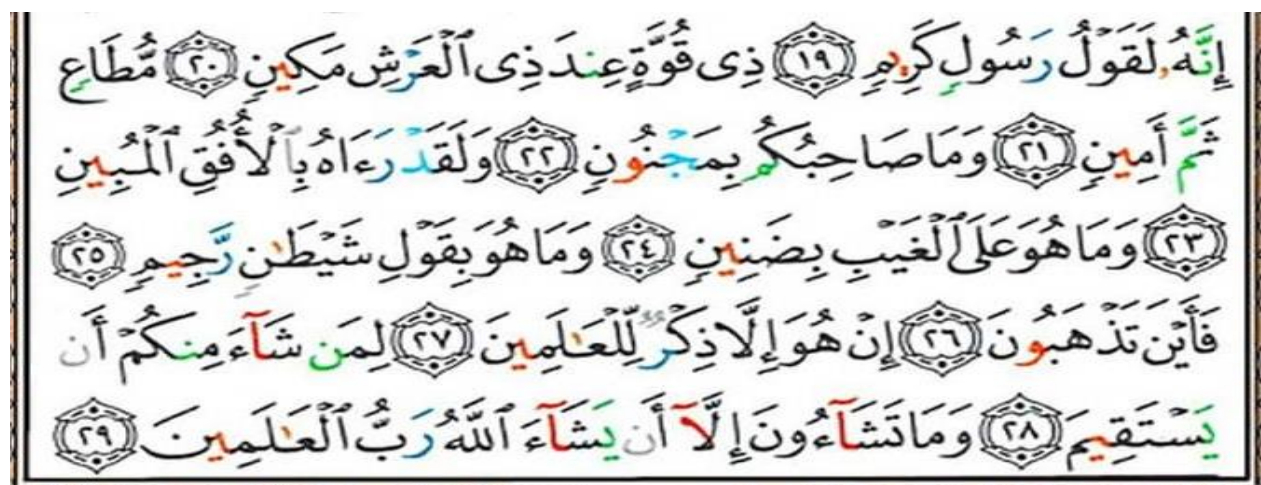
سر آغاز گفتار نام خداست که رحمتگر و مهربان خلق راست

پیمبر به یاد آر آن وقت و روز	شود تار خورشید گیتی فروزا
هر آنچه ستارست در آسمان	شود تیره و تار در یک زمان
دگر کوه ها را نماند قرار	شتر بچه اش را نهد در کنار
زمانی که با شور و جوش و خروش	بگردند محشور کل وحوش
در آن سخت روزی که از فرط تاب	شود شعله ور هفت دریای آب
خلایق ز هر جنس با جنس خویش	بگیرند راهی ز پیوند پیش



بپرسند ز آن دختران در حضور	از آنها که گشتند زنده به گور
که آن بی گناه دختران بی پناه	بکشتیدشان بر کدامین گناه

گشایند خود نامه ی کار خلق	ببینند اعمال و کردار خلق ۱۰
در آن روز کاین آسمان بلند	به یک لحظه از جای خود بر کنند ۱۱
در آن عرصه ی سخت کز هر کنار	میان سقر بر فروزند نار ۱۲
در آن روز بر مردم خوش سرشت	بیارند نزدیک باغ بهشت ۱۳
در آن روز هر کس از اعمال خویش	همه هست آگاه بی کم و بیش ۱۴
به دل هر چه کفار یکتا اله	تصور نمایند باشد تباه
همانا که بر آن کواکب قسم	که بعد از سفر باز گردند هم ۱۵
ز چشمنده گاهی نهان اختران	دگر باره آیند از هر کران ۱۶
بدان تیره شب نیز سوگند باد	چو روی جهان را سیاهی نهاد ۱۷
قسم باد بر صبح چون دم زند	سیاهی و گیتی چو بر هم زند ۱۸



که قرآن کلام رسول خداست	رسولی بزرگ که از کبریاست ۱۹
بود صاحب قدرت و قدر و جاه	مکین است در پیش یکتا اله
در این آیه منظور ربّ جلیل	فرشته بود نام او جبرئیل ۲۰
ملائک مطیعند او را به کار	امین است بر وحی پروردگار ۲۱

رسول شما ای خلاق کنون	نه دیوانه باشد نه دارد جنون ۲۲
در آفاق مشرق بدیده نکوی	بگردیده با آن ملک روبروی ۲۳
ز غیب آنچه با وحی گیرد مدام	به گوش بشر می رساند تمام
همانا که آن نیک مرد جلیل	در این کار هرگز نباشد بخیل ۲۴
همانا که قرآن کتابی عظیم	نباشد ز اهریمنانی رجیم ۲۵
کنون رهسپارند سوی کجا	کجا می شتابید آیا شما ۲۶
که قرآن نباشد جز اندرز و پند	گر اهل جهان پند آن بشنوند ۲۷
که هر کس بخواهد به آیین راست	هدایت بگردد که راه خداست ۲۸
شما کافران به یکتا اله	نخواهید آیین حق هیچگاه
مگر آن که خواهد خدای جهان	هدایت بیابید ای گمراهان ۲۹

تفسیر سوره تکویر

آن روز که طومار کائنات پیچیده شود

در آغاز اشارات کوتاه و هیجان انگیز و تکان دهنده ای از حوادث هولناک پایان این جهان، و آغاز رستاخیز بر خورد می کنیم که انسان را در عوالم عجیبی سیر می دهد، و مجموعاً هشت نشانه از این نشانه ها را بازگو می کند.

۱- نظام موجود خورشید و ستارگان در آسمان و کوه و دریا و زمین، روزی دگرگون می شود
إِذَا...

۲- هستی، محکوم اراده خداوند است و هرگاه او اراده کند، نظام عالم به هم می خورد.

۳- شاید در قیامت، حیوانات وحشی نیز زنده شوند. «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ»

۴- دفاع از مظلوم، اسلام و کفر ندارد. با اینکه دختران زنده به گور شده مسلمان نبودند، ولی قرآن از حق آنان دفاع می کند. «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ»

۵- دفاع از مظلوم، زن و مرد، کوچک و بزرگ و فرد و جمع ندارد، حتی از یک دختر کوچک باید دفاع کرد. «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»

۶- با سؤال، وجدان ها را بیدار کنید. «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»

۷- ولایت پدر بر فرزند، شامل حق کشتن فرزند نمی شود. «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»

(به کدامین گناه کشته شدند؟!) (بای ذنب قتلت) .

(موءودة) از ماده (واءد) (بر وزن وعد) به معنی دختری است که زنده در زیر خاک دفن شده، بعضی گفته اند ریشه آن به معنی ثقل و سنگینی است، و چون این دختران را در گور دفن می کنند و خاک به روی آنها می ریزند، این تعبیر درباره آنها به کار رفته است و شامل هر گونه قطع رحم، و یا قطع مودت اهل بیت (علیهم السلام) می شود.

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم هنگامی که از تفسیر این آیه سؤال شد فرمود: **من قتل فی مودتنا** : (منظور کسانی است که در طریق محبت و دوستی ما کشته می شوند.

در حدیث دیگری آمده است که شاهد این سخن آیه قریبی است **قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی** : (بگو: من هیچ پاداشی در برابر دعوت نبوت از شما نمی طلبم جز محبت اهل بیتم).

با نهایت تأسف این مسأله به اشکال دیگری در جاهلیت قرون اخیر نیز خودنمایی می کند، در شکل آزادی سقط جنین که به صورت قانونی در بسیاری از کشورهای به اصطلاح متمدن رواج یافته اگر عرب جاهلی بعد از تولد نوزادان را می کشت انسانهای متمدن عصر ما آن را در شکم مادر می کشند!

- قابل توجه این که قرآن مجید به قدری این مسأله را زشت و منفور شمرده ، و با آن برخورد قاطع کرده است که حتی رسیدگی به این موضوع را مقدم بر مسأله نشر نامه های اعمال در قیامت و دادخواهی در مسائل دیگر می شمرد، و این نهایت اهتمام اسلام را به خون انسانها و مخصوصا انسانهای بی گناه ، همچنین ارزش جنس زن را از دیدگاه اسلام نشان می دهد.

- نکته دیگری که توجه به آن در اینجا لازم است این که قرآن نمی گوید از قاتلین سؤال می کنند، بلکه می گوید از این کودکان معصوم سؤال می شود که گناهشان چه بوده است که چنین بی رحمانه کشته شدند؟ گوی قاتلین ارزش بازپرسی را هم ندارند، بعلاوه شهادت و گواهی این مقتولین به تنهایی کافی است .

۸- بیم و امید در کنار هم سازنده است. «الْجَحِيمُ سُعُرَتْ - الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ»

۹- در قیامت، بهشت و دوزخ به اهلش نزدیک می شود. «الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ» (و در آیه ۲۳ سوره فجر می فرماید: «وَجِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» در آن روز جهنم آورده شود).

۱۰- اعمال انسان در دنیا ثبت شده و پرونده عمل هر کس در قیامت باز میشود. الصُّحُفُ نُشِرَتْ

۱۱- روز قیامت روز شهود و تجسم عمل است. «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ»

۱۲- در قیامت، انسان به جزئیات کار خود آگاه می شود. «ما أَحْضَرَتْ»

۱۳- فرشته وحی، کریم، امین، قوی و مطاع است. کریم، ذی قُوَّه... مُطَاعٍ، اَمِينٍ

۱۴- کرامت و بزرگواری، توانایی و مکنت، داشتن نیروهای فرمان بر و امانت داری از شرایط لازم برای پیام رسانی و ارشاد است. «کریم ، ذی قُوَّه ، مَکِين ، مُطَاع ، اَمِين»

۱۵- جبرئیل مأمورانی فرمان بردار در اختیار دارد. «مُطَاع»

۱۶- گاهی باید تهمت ها را بی جواب نگذاشت و پاسخ داد. «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ»

۱۷- پیامبر، همراه با مردم و در کنار آنان زندگی می کرد. «صَاحِبُكُمْ»

۱۸- بهترین نشانه ی سالم بودن عقل پیامبر، آن است که شما عمری با او مصاحبت و معاشرت داشته و هیچ فکر و کردار و گفتار و رفتار ناروایی از او ندیده اید. «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ»

۱۹- پیامبر، جبرئیل را می دید. «وَلَقَدْ رَآهُ (نجم آیه ۱۳ می فرماید: لَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى)

۲۰- در برابر تحقیرها، تکریم تحقیر شده ها لازم است. «لَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ»

۲۱- در جایگاه ملاقات پیامبر با جبرئیل، جای هیچ ابهامی نیست. «بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ»

۲۲- شکر علم، بازگویی آن است و بخل علمی، امری ناپسند است. عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

۲۳- پیامبر اکرم علم غیب می دانست. «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ»

۲۴- رسول خدا، نه از درون گرفتار جنون است: «مَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ» و نه از بیرون

تحت تأثیر القاءات شیطانی است. «وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ»

۲۵- قرآن، در مرحله نزول از هرگونه تحریفی محفوظ است و جبرئیل هیچ گونه دخل و

تصرّفی در آن نمی کند، رَسُولٍ کَرِیمٍ ... اَمِینِ همان گونه که در مرحله ابلاغ، دچار هیچ کم

و کاست نمی شود. «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ»

۲۶- قرآن، سخن فرشته وحی ست، نه شیطان مطرود ما هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ

۲۷- انسان بی هدف و بی مکتب نداریم، حتی کفار و مشرکان برای خود راه و مرامی دارند،

«لَكُمْ دینکم» آنچه مهم است، انتخاب راه درست است. «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ»

۲۸- قرآن، بهترین وسیله پند، تذکر و موعظه است. «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ»

- ۲۹- قرآن، برای همه جهانیان است و به زمان و مکان و نژاد خاصی وابسته نیست.
- ۳۰- در شیوه تبلیغ، تذکر آری ولی اجبار نه. «ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ»
- ۳۱- راه یابی به راه راست و پایداری در آن، در گرو خواست انسان است شاء.. يَسْتَقِيمَ
- ۳۲- راه قرآن، راه مستقیم است و به دور از هرگونه افراط و تفریط و اعوجاج می باشد.
- ۳۳- خواست ما در مدار خواست خداست، نه به اجبار او، که در این صورت، خواست ما بی معنا می شود. «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»
- ۳۴- انسان، نه بی اراده است و نه خود مختار. «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»
- ۳۵- مشیّت خداوند بر مبنای ربوبیّت اوست. «يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»
- ۳۶- چون خداوند ربّ العالمین است و بر همه امور تسلّط دارد، پس خواست انسان نیز مشروط به خواست اوست. «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

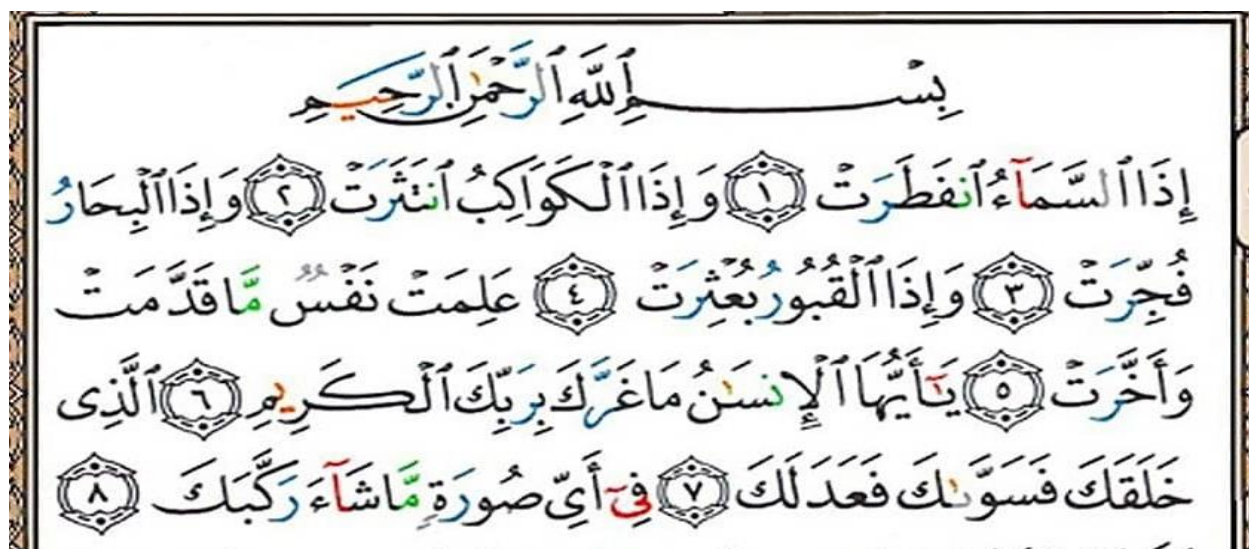
نظم آیات

در آیات سوره به دوازده حادثه در رابطه با مساءله رستاخیز اشاره شده که شش حادثه نخست مربوط به مرحله اول یعنی فنای این جهان است، و شش حادثه دوم مربوط به مرحله دوم، یعنی زندگانی مجدد و حیات پس از مرگ است در قسمت اول سخن از تاریکی خورشید، بی فروغی ستارگان، زلزله و حرکت کوهها، آتش گرفتن دریاها، فراموش شدن اموال و ثروتها، و متوحش شدن حیوانات است.

و در مرحله دوم سخن از محشور شدن انسانها در صفوف جداگانه سؤال از دختران بی گناهی که، زنده به گور شدند، گشوده شدن نامه اعمال، کنار رفتن حجابها از

صفحه آسمان، بر افروخته شدن آتش دوزخ، نزديك شدن بهشت، و بالاخره آگاهی کامل انسان از اعمال خویش است.

این آیات در عین کوتاهی به قدری پر معنی، و پر طنین و بیدارگر که هر انسانی را تکان می دهد، و در عالمی از اندیشه و فکر فرو می برد، به گونه ای که سرانجام این جهان، و چگونگی رستاخیز را در عباراتی کوتاه در برابر چشمان خود مجسم می بیند، و چه زیبا و رسا است آیات قرآن و تعبیراتش، و چه پر معنی و الهام بخش است اشارات و نکاتش؟!



که بشکافد از هم بلند آسمان ۱

روان می شود هفت دریای آب ۳

بیابند در بارگاهش حضور ۴

از آن چه فرسناده از پیش و پس ۵

به درگاه ربّ کریم و غفور ۶

چنینت بیاراست زیبا نمود ۷

که هر طور خواهد نماید پدید ۸

بیاد آر ای مصطفی(ص) آن زمان

کواکب بپاشند از هم ز تاب ۲

زمانی که مردم ز خاک قبور

شود آگه از کار خود جمله کس

تورا چیست ای آدمی این غرور

خدائی که از هیچ دادت وجود

اگر چه خدا را توان می رسید



چو نا باورانید بر کردگار	دروغین بخوانید روز شمار ۹
نگهبان شماراست در پیش و پس	نویسند اعمالتان هر نفس ۱۰
نویسند کردار و کار شما	مقرب به درگاه یکتا خدا ۱۱
بدانند بر امر پروردگار	هر آنچه نمایید در روگار ۱۲
نکوکار مردانِ نیکو سرشت	بیابند نعمت باغ بهشت ۱۳
به دوزخ بیفتند روز شمار ۱۵	نشاید بگیرند از آن کنار ۱۶
چسان می توانی ز روز جزا	تو آگاه گردی به دارالفنا ۱۷
چگونه کنی درک آن سخت روز	تو را در تصور نگنجد هنوز ۱۸
ندارد توان هیچ شخصی دگر	که یاری رساند به دیگر نفر
در آن روز فرمان از آن خداست	همه چیز بر حکم آن کبریاست ۱۸

تفسیر سوره انفطار

آن زمان که نظام جهان درهم ریزد!

باز در آغاز این سوره به قسمتی از حوادث وحشت انگیزی که در آستانه رستاخیز سرتاسر این جهان را فرا می گیرد برخورد می کنیم . نظام جهان بالا درهم می ریزد، و

انفجارهای عظیمی سراسر کرات آسمانی را فرا می گیرد، منظومه ها نظام خویش را از دست می دهند، و ستارگان از مدار خود بیرون می روند، و بر اثر تصادم شدید به یکدیگر متلاشی می شوند، عمر جهان به پایان می رسد، و همه چیز ویران می شود، تا بر ویرانه هایش عالم نوین آخرت بر پا گردد. سپس از آسمان به زمین می آید بحار: (در آن زمان که دریاها به هم پیوسته شوند). گرچه امروز نیز تمام دریاهای روی زمین (غیر از دریاچه ها) به هم ارتباط دارند، ولی به نظر می رسد که در آستانه قیامت بر اثر زلزله های شدید، یا متلاشی شدن کوهها و ریختن آنها در دریاها چنان دریاها پر می شوند که آب سراسر خشکیها را فرا می گیرد، و دریاها به صورت يك اقیانوس گسترده فراگیر در می آیند،

۱- نظام حاکم بر آسمان و زمین به دست خداست هرگاه او بخواهد تغییر می کند

۲- معاد جسمانی است و مردگان از قبر بر می خیزند. «إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ»

در سوره زلزال می خوانیم و اخرجت الارض اثقالها: (زمین ذخائر خود را خارج می سازد) (بنابر اینکه منظور مردگان مدفون در زمین باشد که یکی از تفسیرهای مشهور این آیه است) و یا شبیه چیزی که در سوره نازعات آیه ۱۳ و ۱۴ (تنها يك صیحه خواهد بود و به دنبال آن ناگهان همگی بر صفحه زمین ظاهر می شوند). همه این تعبیرات نشان می دهد که زنده شدن و خارج گشتن مردگان از قبرها سریع و ناگهانی صورت می گیرد.

۳- به هم ریختن نظام هستی، مقدّمه رستاخیز و رستاخیز، برای حساب و کتاب و جزای اعمال انسان هاست. عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ ...

۴- در قیامت ظرفیت انسان توسعه می یابد و همه کارهای گذشته را به یاد می آورد.

۵- انسان، هم باید به فکر گذشته خود باشد، تا اگر خلاfi کرده توبه کند و هم به فکر پس از مرگ خود باشد تا یادگار خوبی از خود بجای گذارد. مَا قَدَّمْتُ وَ آخَرْتُ

۶- در قیامت، انسان هم به آنچه عمل کرده آگاه می شود و هم به آثار خوب یا بد اعمال خود.

۷- در قیامت، انسان به کارهایی که می توانسته بکند و به تأخیر انداخته و نکرده، پی می برد. درست که انسان در این دنیا نیز اجمالا از اعمال خود با خبر است، ولی فراموشکاریها و خودخواهیها و حب ذات غالبا مانع می شود که همه را به خاطر بسپارد، و به عمق آثار اعمال خویش واقف گردد، ولی در آن روز که انقلاب و تحولی در همه چیز پیدا می شود روح و جان آدمی نیز دستخوش چنین انقلابی می گردد، آنجاست که به تمام اعمال خود علم تفصیلی و دقیق پیدا می کند بلکه طبق آیه ۳۰ سوره آل عمران همه را در مقابل خود حاضر می بیند.

۸- انسان، موجودی غافل و فریب خورده است و خود را از عواقب کار و قهر خدا در امان می پندارد. یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ چرا انسان با آن همه نیاز و ضعف، مغرور باشد ؟

۹- بدترین نوع کبر و غرور، آن است که در برابر پروردگار کریم و هستی بخش باشد .
۱۰- غرور و غفلت انسان، سوء استفاده از لطف و کرم و پرده پوشی خداست.

در اینجا انسان را به عنوان انسانیتش که اتمام امتیازات او را بر سایر موجودات این جهان یاد آور می شود مخاطب ساخته، سپس او را در برابر خداوندی قرار می دهد که هم رب است و هم کریم به مقتضای ربوبیتش پیوسته او را در کنف حمایت خود قرار داده، و تربیت و تکامل او را بر عهده گرفته، و به مقتضای کرمش او را بر سر خوان نعمت خود نشانده، و از تمام مواهب مادی و معنوی برخوردار ساخته است، بی آنکه انتظاری از او داشته باشد و پاداش و عوضی بطلبد، حتی خطاهای او را نادیده می گیرد، و با کرمش او را مورد عفو قرار می دهد. آیا سزاوار است چنین موجود شریفی در برابر چنان پروردگار بزرگی

جسور گردد؟ و یا لحظه ای از او غافل شود و در انجام فرمانش که ضامن سعادت خود او است قصور ورزد؟

۱۱- لطف و کرم ابتدایی خدا تنها نسبت به مؤمنان نیست، بلکه نسبت به همه انسان هاست.

۱۲- غرور انسان، بیانگر غفلت او از نعمت های الهی و عظمت آفریدگار است.

۱۳- درمان غرور، توجّه به الطاف کریمانه است. اَلْكَرِيم ... خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ

۱۴- آفرینش، نشانه قدرت، «خَلَقَكَ» تسویه، نشانه حکمت، «فَسَوَّاكَ» و اعتدال، دلیل علم او به تمام نیازهاست. «فَعَدَلَكَ»

۱۵- آفرینش انسان و هماهنگی و تعادل میان اعضای او، جلوه ای از کرم خداوند است.

۱۶- تنوّع شکل و قیافه انسان ها، براساس خواستِ حکیمانه خداوند است. فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ برای شکستن غرور، باید نعمت های الهی را پی در پی گوشزد کرد.

۱۷- آنکه در دنیا تو را آفرید، در آخرت نیز تو را خلق می کند، پس تکذیب چرا؟ کَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالْءَدِينِ

۱۸- کسی که به دنیا مغرور شود، آخرت را انکار می کند. «عَرَّكَ - تُكْذِبُونَ»

۱۹- گرچه شما قیامت را منکر می شوید، ولی فرشتگان کار خود را انجام می دهند. تُكْذِبُونَ ... إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ فرشتگان متعدّد، مسئول حراست از انسان ها هستند.

۲۰- فرشتگان، مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند. «كِرَامًا كَاتِبِينَ»

۲۱- فرشتگانِ مراقب، در ثبت اعمال برخوردارِ کریمانه دارند. «كِرَامًا كَاتِبِينَ»

۲۲- فرشتگان هم متعدّدند، هم تیزبین و هم ریزبین. «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ»

۲۳- توجّه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می شود.

۲۴- در تربیت و تبلیغ، سرنوشت خوبان و بدان را مقایسه کنید إِنَّ الْأَبْرَارَ..نَعِيمٍ - إِنَّ الْفُجَّارَ..جَحِيمٍ

۲۵- حتّی پیامبر، به بسیاری از امور قیامت آگاه نیست. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ»

۲۶- مسائل قیامت را با عقل عادی نمی توان درک کرد، بلکه باید از طریق وحی بپذیریم.

۲۷- مطالب مهم را باید تکرار کرد. «وَمَا أَدْرَاكَ - ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ»

۲۸- پیدایش قیامت برای جزا و کیفر عملکرد دنیوی ماست. «يَوْمُ الدِّينِ»

۲۹- مجرمان برای همیشه در دوزخند. «وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ»

۳۰- قیامت روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان هاست. يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

۳۱- قیامت، تجلّی حاکمیت مطلقه خداوند است. «وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»



بیاد آر ناگه رسد یک زمان که بشکافد از هم بلند آسمان

دهد گوش بر امر یکتا خدا سزد گر دهد گوش بر کبریا

در آن سخت روز جزا همچنین	شود صاف و یکدست خاک زمین
هر آنچه که کردست در دل نهان	سراسر برون افکند آن زمان
نیوشد سخن های پروردگار	سزد گر دهد گوش بر کردگار
الا آدمی سوی یزدان خویش	بسختی بکوشی و آبی به پیش
بباید یکی روز فرجام کار	لقا بایدت کرد با کردگار
به هر کس در آنروز در دست راست	رسد کارنامه به میل و بخواست



چه آسان شود کار او در حساب	که او می رهد از عذاب و عقاب
رود نزد یاران خود با سرور	به شادی و عزت بیابد حضور
ولی آنکسی کو خود از پشت سر	ستاند همی نامه اش را دگر
به حسرت کند ناله و زجر و آه	که در ورطه ی درد گشته تباه
بدوزخ در افتد به سوزنده نار	بدان آتش داغ گردد دچار
چنین شخص در بین یاران و خویش	بسی شادمان بود از کار خویش ۱۳
قسم بر شفق باد و بر تیره شب	به هر چه در آن جمع کردست رب
قسم خورد بر ماه یکتا اله	به وقتی که کامل شود قرص ماه



بر اینها قسم خورد یکتا خدا	بود گونه گون حال و روز شما
دگر ازچه رو کافران لعین	نیارند ایمان به یزدان و دین
چو قرآن بخوانند بر منکران	نیفتند بر سجده این کافران
همیشه به هرجا خلاف صواب	دروغین بخواندند قرآن کتاب
بر آنچه نمایند در دل نهان	بود مطلع کردگار جهان
بر آنها بگو ای رسول کریم	شما راست حقا عذاب الیم
بجز مؤمنان به پروردگار	که صالح بگشتند و پرهیزکار
بیابند پاداش بی انتها	که منت در آن نیست هرگز روا

تفسیر سوره انشقاق

تلاشی پر رنج به سوی کمال مطلق

در آغاز این سوره نیز اشاره به حوادث عظیم و عجیب پایان جهان اشاره شده می فرماید: (در آن هنگام که آسمان شکافته شود) (و اجرام و کرات آسمانی متلاشی گردد، و نظام کواکب برهم خورد) **اذا السماء انشقت**. نظیر آنچه در سوره **انفطار** آمده بود. و این اعلام پایان دنیا و خرابی و فتنای آن است. سپس می افزاید: (و تسلیم فرمان پروردگار شود و سزاوار است چنین باشد) **واذنت لربها و حقت**. مبدا تصور شود که آسمان با

آن عظمت کمترین مقاومتی در مقابل این فرمان الهی می کند، او همچون بنده مطیع و فرمانبرداری است که در برابر این دستور کاملاً تسلیم است . در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در تفسیر *اذا السماء انشقت* آمده که فرمود *انها تنشق من المجرة* : (آسمانها از کهکشان جدا می شود)! این حدیث پرمعنی و قابل دقت است، و از معجزات علمی محسوب می شود، از حقیقتی پرده برمی دارد که در آن زمان هیچیک از دانشمندان به آن نرسیده بودند و آن اینکه دانشمندان فلکی امروز با مشاهدات نجومی خود به وسیله تلسکوپهای عظیم و نیرومند ثابت کرده اند که عالم مجموعه ای است از کهکشانها و هر کهکشان مجموعه ای است از منظومه ها و ستارگان ، و به همین دلیل آنها را شهرهای ستارگان می نامند، کهکشان راه شیری معروف که با چشم قابل مشاهده است مجموعه عظیم و دایره مانندی از همین منظومه ها و ستارگان است، يك طرف از آن بقدری از ما دور است که ستارگانش را به صورت ابری سفید می بینیم ، ولی در واقع مجموعه نقاط نورانی نزدیک به هم است. اما آن طرفش که به ما نزدیک است ستارگانش قابل رؤیت می باشد، و همین ستارگانی است که ما در آسمان شب می بینیم ، و به این ترتیب منظومه شمسی ما جزء این (مجره) (کهکشان) است.

۱- در آستانه قیامت، آسمان های استوار و محکم سَبْعاً شِدَاداً شکافته می شوند

۲- هستی گوش به فرمان و تسلیم خداست. *أَذْنَتْ لِرَبِّهَا* (هم آسمان و هم زمین)

۳- طبیعت نوعی شعور دارد که فرمان پذیر خداوند است. *أَذْنَتْ لِرَبِّهَا*

۴- تسلیم خدا شدن، تنها تسلیم شدنی است که شایسته و سزاوار است. «حَقَّتْ»

۵- در آستانه قیامت، زمین چنان دگرگون می شود که تمام ناهمواری های آن از میان رفته و سطحی گسترده و هموار می شود. «إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ»

۶- انسان در حرکت به سوی خداست. إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ چنانکه در جای دیگر می فرماید: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ پایان حرکت انسان، رسیدن به خداوند است. فَمُلَاقِيهِ

۷- انسان در مسیر حرکت به سوی خدا، با مشکلات بی شماری روبروست.

۸- خداوند در تاریخ و جامعه قوانینی ثابت قرار داده است که همه از آن تبعیت می کنند؛ نه می توانند توقف کنند، نه به عقب بازگردند و یا به سوی دیگر روند. «كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَذْحًا»

این حوادث عظیم که با تسلیم کامل همه موجودات تواءم است، از یکسو بیانگر فناء این دنیا است، فناء زمین و آسمان و انسانها و گنجها و گنجینه ها، و از سوی دیگر دلیل بر ایجاد نقطه عطفی است در جهان آفرینش، و مرحله نوین و تازه هستی و از سوی سومی نشانه قدرت خداوند بزرگ است، بر همه چیز مخصوصاً بر مسأله معاد و رستاخیز. سپس انسانها را مخاطب ساخته و سرنوشت آنها را در مسیری که در پیش دارند برای آنها روشن می کند، می فرماید: (ای انسان تو با تلاش و رنج و زحمت به سوی پروردگارت پیش می روی ، و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد)

۹- اعمال انسان در دنیا ثبت شده و در قیامت، به صورتی مکتوب و مستند به او ارائه می شود. «أَوْتِيَ كِتَابَهُ» آری هنگامی که این حوادث واقع شود، انسان، نتیجه اعمال نیک و بد خود را می بیند (و این جمله ای است که در تقدیر است).

۱۰- در قیامت، حساب مردم گوناگون است و خوبان حسابی آسان دارند. «حِسَابًا يَسِيرًا» (و تبهکاران حسابی سخت. «حِسَابًا شَدِيدًا»)

۱۱- به شادی های دنیوی مغرور نشوید که می گذرد، به شادی پایدار قیامت، فکر کنید. (اگر امروز به خاطر فرمان الهی از بعضی لذت های خانوادگی صرف نظر کردیم و برای

جهاد یا تحصیل علم یا خدمت از خانواده دور شدیم، در آینده جبران خواهد شد.)
يُنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُوراً

۱۲- در روزی که برخی از یکدیگر فرار می کنند: يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ .. آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، به سوی خانواده اش بازمی گردد. يُنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُوراً (شاید فراریان از یکدیگر، مراد کافران باشند)

۱۳- منشأ بدبختی انسان، غفلت از معاد یا انکار آن است. «ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»

۱۴- از آنجا که ظهور (شفق) خبر از يك حالت تحول و دگرگونی عمیق در جهان می دهد، و اعلام پایان روز و آغاز شب است، بعلاوه جلوه و زیبایی خاصی دارد، و از همه گذشته وقت نماز مغرب است، خداوند به آن سوگند یاد فرموده تا همگان را وادار به اندیشه در این پدیده زیبای آسمانی کند. و اما سوگند به شب به خاطر آثار و اسرار زیادی است که در آن نهفته شده و در گذشته مشروحا از آن سخن گفته ایم ۱۵- ریشه خوشی های مستانه، غفلت از آخرت است. ... مَسْرُوراً ... ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۱۶- عقل و احتیاط حکم می کند که اگر یقین به قیامت ندارید، لااقل به وقوع آن گمان داشته باشید، يَطْنُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ نه آنکه به عدم وقوع قیامت گمان برید که منشأ هلاکت است. «ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»

۱۷- نتیجه قرائت قرآن باید عبودیت و تسلیم باشد. إِذَا قُرِئَ ... الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ

۱۸. حدوث این حالات، و عدم استقرار آدمی بر يك حالت، از یکسو دلیل مخلوق بودن او، و نیاز به خالق داشتن است، چرا که هر متغیری حادث، و هر حادثی خالق می خواهد، و از سوی دیگر دلیلی است بر عدم پایداری این جهان، و از سوی سوم نشانه ای است بر حرکت مستمر انسان به سوی ذات پروردگار و مسأله معاد، سپس به

عنوان يك نتیجه گیری کلی از بحثهای گذشته می فرماید: (چرا آنها ایمان نمی آورند)؟! (فما لهم لا يؤمنون).

۱۹. مرحوم طبرسی در مجمع البیان از آیات اخیر این سوره اولاً اصل اختیار و آزادی اراده را استفاده می کند، چرا که ملامت بر ترك سجده، و ترك ایمان، در مورد افراد مجبور، از خداوند حکیم قبیح است، لا يؤمنون ... لا یسجدون دلیل روشنی است بر مساءله اختیار، و ثانیاً ملامت بر ترك سجده دلیل بر این است که کفار همانگونه که مکلف به اصول دین هستند مکلف به فروع نیز می باشند (سجده در آیه فوق به معنی همان سجده معهود نماز باشد و یا لا اقل معنی گسترده ای داشته باشد).

۲۰- کافران، نه تنها در برابر آیات قرآن تسلیم نمی شوند، بلکه تکذیب می کنند. یُكذِّبُونَ

۲۱- خداوند، به اسرار درونی انسان احاطه دارد. «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ»

۲۲- گاهی انسان در قالب انکار و تکذیب، اهداف دیگری را دنبال می کند که خداوند به آن آگاه است. «يُكذِّبُونَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ»

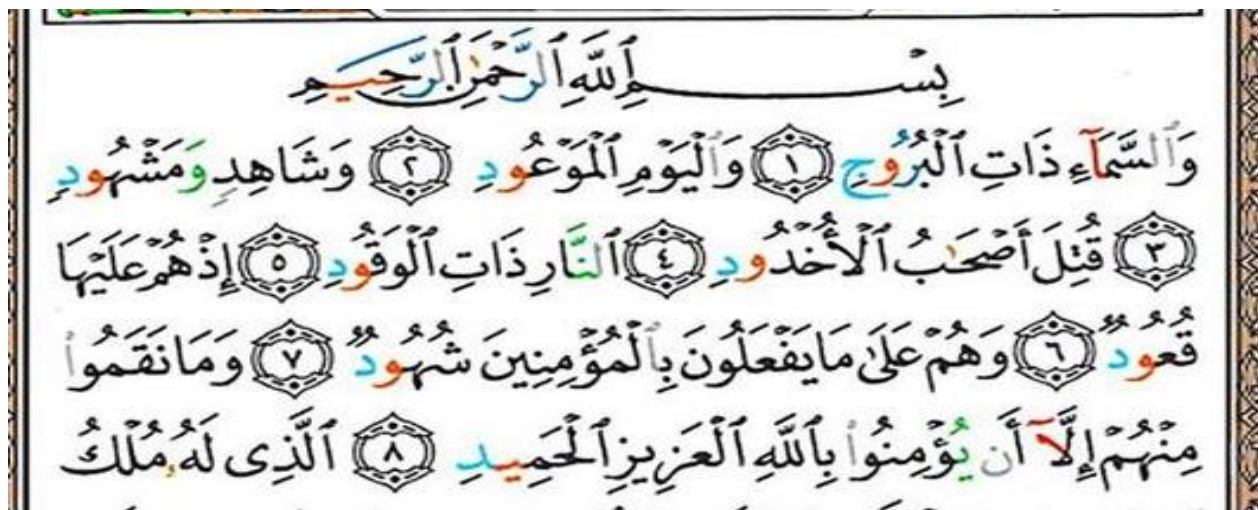
۲۳- گاهی انسان به خاطر حفظ منافعش، در ظاهر تکذیب می کند ولی در دل آن را می پسندد.

۲۴- گرچه مبنای کیفر و پاداش عمل است، اما ارزش عمل به هدف و انگیزه آن است که خداوند به آنها آگاه است. «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ»

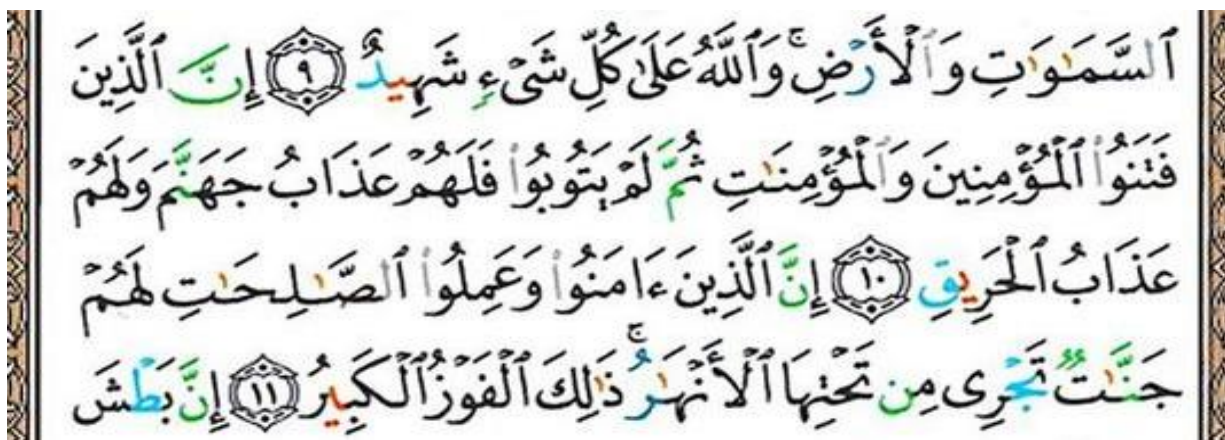
۲۵- لازمه ایمان، انجام هر عمل است که صالح و شایسته باشد، در هر زمینه ای که باشد. «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عبادت، یکی از مصادیق عمل صالح است).

۲۶- ایمان از عمل جدا نیست و لازم ملزوم یکدیگرند. «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»

۲۷- پاداش های الهی، گسسته نمی شود و همراه با منت نیست. «لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»



قسم باد بر آسمان وسیع	که دارد چنین بر جهانی رفیع ۱
قسم باد بر عرصه ی رستخیز ۲	به مشهود و شاهد قسم باد نیز ۳
کنون مرگ بادا ز پروردگار	بر اصحاب اخدود نا راستکار ۴
همان قوم بدکار زشتی پسند	که آتش به جان خلائق زند ۵
چو گودال آتش بر افروختند	نشستند ۶ و دیده بر آن دوختند
نظر کرده از گوشه و از کنار	بر آن مومنان فکنده به نار ۷
نبودند بدکار و بیرون ز راه	کجا داشتندی جز ایمان گناه؟
جز ایمان به پروردگار عزیز	که حقا ستوده صفات ست نیز ۸



خدائی که خاک زمین و آسمان همه هست از آن او بی گمان

گواه ست بر هر چه دارد وجود	بود شاهد آنچه خود هست و بود ۹
کسانی که در فتنه ی خویشان	همه مومنان را چه مرد و چه زن
فکندند در بطن سوزنده نار	نکردند توبه از آن زشت کار
مهیّاست بر مردم این طریق	عذاب جهنم بلای حریق ۱۰
ولی مومنان به پروردگار	که صالح بگشتند و پرهیزکار
بر آن ها مهیّاست باغ جنان	که جوی ست زیر درختان آن ۱۱



همانا که یزدان والا مقام	بسی سخت گیری ست در انتقام ۱۲
خدا باب خلقت بفرموده باز	به محشر کشاند دگر باره باز ۱۳
غفور و ودود ست یکتا خدا ۱۴	بود صاحب عرش، آن کبریا ۱۵
کند عزم هر کار پروردگار	تحقق پذیرد همان لحظه کار ۱۶
شنیدی تو آیا حدیث جنود ۱۷	حکایت ز فرعون و قوم ثمود ۱۸
بلی کافران به یکتا اله	دروغین بخواندند آیین و راه ۱۹
محیط است بر کارشان کردگار	بود آگه از فکر و احوال و کار ۲۰
بلی هست قرآن کتابی مجید	کتابی که از سوی یزدان رسید ۲۱
که در لوح محفوظ آن ذوالجلال	شده ثبت با این شکوه و کمال ۲۲

تفسیر سوره بروج

مؤمنان در برابر کوره های آدم سوزی!

مسلمانان مکه در آغاز سخت در فشار بودند، و دشمنان هرگونه شکنجه را درباره آنان روا می داشتند، و هدف از نزول این سوره هشدار است به این شکنجه گران که سرنوشت اقوام مشابه خود را در گذشته تاریخ به خاطر بیاورند، و از سوی دیگر تسلی و دلداری و تقویت روحیه مؤمنان نخستین است و درسی است برای همه مسلمانان در طول تاریخ. (سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است) مجموعه ای از ستارگان که در نظر ما شباهت به یکی از موجودات زمینی دارد، و برجهای دوازدهگانه دوازده صورت فلکی است که خورشید در مسیر سالانه خود در هر ماه محاذی یکی از آنها قرار می گیرد. سوگند به هر يك از این معانی باشد حکایت از عظمت آن می کند، عظمتی که شاید در آن زمان در نظر عرب روشن نبود، ولی امروز برای ما کاملاً شناخته شده است، هر چند بیشتر به نظر می رسد که منظور همان ستارگان درخشان آسمانی باشد. پیوند ظریفی در میان این قسمتهای چهارگانه از یکسو، و مطلبی که برای آن سوگند یاد شده از سوی دیگر وجود دارد، آسمان و ستارگان درخشان و برجهای موزونش همگی نشانه نظم و حساب است و (یوم موعود) صحنه روشنی از حساب و کتاب، و شاهد و مشهود نیز وسیله ای است برای رسیدگی دقیق به این حساب، وانگهی همه این سوگندها برای آن است که به شکنجه گران ظالم هشدار دهد اعمال آنها در برابر مؤمنان راستین همگی ثبت و ضبط، و برای روز موعود نگهداری می شود، و شهودی که گرداگرد وجود شما را فرا گرفته اند، اعم از فرشتگان، و اعضای پیکر و شبها و روزها، و مانند آن همه این کارها را زیر نظر دارند و در آن روز گواهی می دهند. لذا بعد از این سوگندها می فرماید: (مرگ و عذاب بر صاحبان گودال شکنجه باد)!

۱- همه هستی در نزد خداوند ارزش دارد و قابل سوگند است، از جمله: آسمان و ستارگانش. «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»

۲- از قیامت غافل نباشید که میعادگاه همه است. «الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ»

۳- شما و کارهایتان، همه زیر نظر است، آن هم زیر نظر خدا. «وَشَهِيدٍ وَ مَشْهُودٍ»

۴- اعلام براءت و اظهار تنفر از ستمگر لازم است. «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ»

۵- در نقل تاریخ، عبرت ها مهم است نه جزئیات. (از مکان اخدود، زمان حادثه، نام و تعداد ستمگران و تعداد شهدا و... سخنی نیامده، چون اثری در گرفتن عبرت ندارد.)

۶- تفکر ظلم ستیزی و ظالم کوبی ارزش است، گرچه ظالم وجود نداشته باشد. (اصحاب اخدود امروز حضور ندارند، چنانکه ابولهب امروز نیست، روحیه تنفر از آنان باید همچنان زنده باشد. «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ») «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ»

اخدود به معنی گودال بزرگ یا خندق است، و منظور در اینجا خندقهای عظیمی است که مملو از آتش بود تا شکنجه گران مؤمنان را در آنها بیفکنند و بسوزانند. در اینکه این ماجرا مربوط به چه زمان و چه قومی است؟ و آیا این يك ماجرای خاص و معین بوده، و یا اشاره به ماجراهای متعددی از این قبیل در مناطق مختلف جهان است؟ در میان مفسران و مورخان گفتگو است. معروفتر از همه آن است که مربوط به **ذونواس** آخرین پادشاه **حمیر** در **یمن** است.

ذونواس به آیین یهود درآمد، و گروه (حمیر) نیز از او پیروی کردند، او نام خود را (یوسف) نهاد، و مدتی بر این منوال گذشت، سپس به او خبر دادند که در سرزمین (نجران) (در شمال یمن) هنوز گروهی بر آیین نصرانیتند، هم مسلکان (ذونواس) او را وادار کردند که اهل (نجران) را مجبور به پذیرش آیین یهود کند، او به سوی نجران حرکت کرد، و ساکنان

آنجا را جمع نمود، و آیین یهود را بر آنها عرضه داشت و اصرار کرد آن را پذیرا شوند، ولی آنها ابا کردند حاضر به قبول شهادت شدند. اما حاضر به صرف نظر کردن از آیین خود نبودند. ذونواس دستور داد خندق عظیمی کنند و هیزم در آن ریختند و آتش زدند، گروهی را زنده زنده به آتش سوزاند، و گروهی را با شمشیر کشت و قطعه قطعه کرد، به طوری که عدد مقتولین و سوختگان به آتش به بیست هزار نفر رسید!

۷- سوزاندن، سخت ترین نوع عذاب است و در میان انواع کشتن ها، خداوند نام در آتش انداختن مؤمنان را نام برده است. «النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ»

۸- نقل ظلم ها و مظلومیّت ها و ذکر مصیبت و روضه خوانی، سابقه قرآنی دارد.

۹- ارتکاب گناه یک مسئله، ولی سنگدلی و نظاره گری و رضایت بر آن، مسئله دیگر.

۱۰- ستمگرانی که شاهد بر شکنجه مؤمنانند، بدانند که خدا شاهد بر آنان و کار آنهاست

۱۱- پایداری بر ایمان، تاوان دارد. «وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا» (جمله «يُؤْمِنُوا» به جای «آمنوا» رمز آن است که کفار از پایداری مؤمنان ناراحت بودند و اگر دست بر می داشتند شکنجه ای در کار نبود.)

۱۲- منطق کافر، تهدید و انتقام است. در نزد کفار، ایمان بزرگ ترین جرم است و جز با دست برداشتن از ایمان به چیز دیگری راضی نمی شوند و مَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا

۱۳- کافران بدانند که حامی مؤمنین خدای عزیز است که قدرت انتقام دارد. يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ. این شکنجه گران بیرحم، سرانجام به عذاب الهی گرفتار شدند و انتقام خونهایی که ریخته بودند در همین دنیا از آنها گرفته شد، و عذاب حریق و سوزنده قیامت نیز در انتظارشان است این کوره های آدم سوزی که به دست یهود به وجود آمد احتمالاً نخستین کوره های آدم سوزی در طول تاریخ بود، ولی عجب اینکه این بدعت قساوت

بار ضد انسانی سرانجام دامن خود یهود را گرفت، و چنانکه می دانیم گروه زیادی از آنها در ماجرای آلمان هیتلری در کوره های آدم سوزی به آتش کشیده شدند، و مصداق (عذاب الحریق) این جهان نیز درباره آنها تحقق یافت. علاوه بر این (ذونواس یهودی) بنیانگذار اصلی این بنای شوم، نیز از شر اعمال خود بر کنار نماند.

۱۴- جاذبه اتصال به خدای قادر، اشکالات وارده بر شهادت و از جان گذشتگی در راه خدا را حل می کند. «يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»

۱۵- حکومت واقعی از آن خداوند است. «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

۱۶- حکومت الهی همراه با علم و حضور اوست. «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

۱۷- اصحاب اخدود و همه شکنجه گران تاریخ، مورد قهر الهی هستند. الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ

۱۸- زنان با ایمان در کنار مردان، آزار و شکنجه ها را به جان می خریدند. «وَالْمُؤْمِنَاتِ»

۱۹- در دفاع از مظلوم، تفاوتی میان زن و مرد نیست. فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ...

۲۰- راه توبه همواره باز است و برای هیچ کس بن بست وجود ندارد و لذا یأس از رحمت خدا ممنوع است. (آری، خداوند حتی شکنجه گرانی که مؤمنان را می سوزاندند، دعوت به توبه کرده است.) فَتَنُوا ... ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا. خداوند توبه پذیر است، گرچه مدتی طول کشیده باشد.

۲۱- برای کفار شکنجه گر دو عذاب: عذاب کفر و شکنجه....جَهَنَّمَ وَ...عَذَابُ الْحَرِيقِ

۲۲- دنیا زودگذر است. هم کامیابی های ستمگران گذراست و هم سختی های مؤمنان. به فکر آخرت باشید که عذاب دوزخیان بی پایان و پاداش بهشتیان، جاودان است....

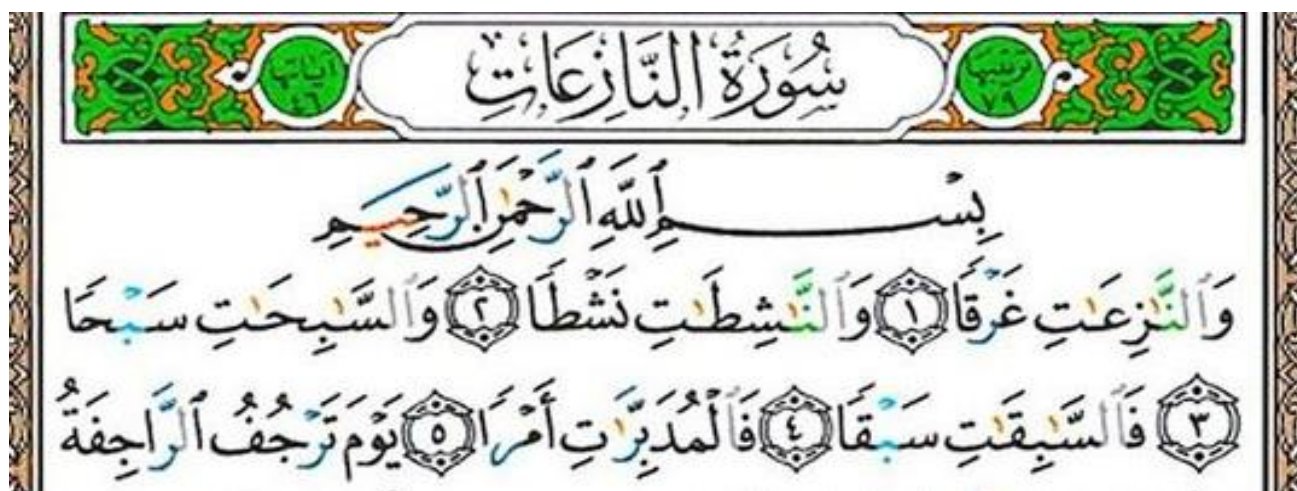
۲۳- قهر و غلبه الهی به گونه ای که هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند مانع آن شود و از شئون ربوبیت و در جهت پیشبرد اهداف رسالت و دلداری پیامبر است.

۲۴- خداوند هم قهر و غلبه دارد و هم بخشش و محبت... لَشَدِيدٌ... وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ

۲۵- مجهزترین سپاه و لشکرها در برابر قهر او ناچیزند. انتخاب قوم فرعون و ثمود از میان همه اقوام پیشین به عنوان دو نمونه از اقوام سرکش به خاطر این است که هر دو در نهایت قدرت بودند، یکی مربوط به گذشته های دور است (قوم ثمود) و دیگری به گذشته نزدیکتر (قوم فرعون) بعلاوه اقوام عرب با نام آنها آشنا بودند و از تاریخشان اجمالا باخبر.

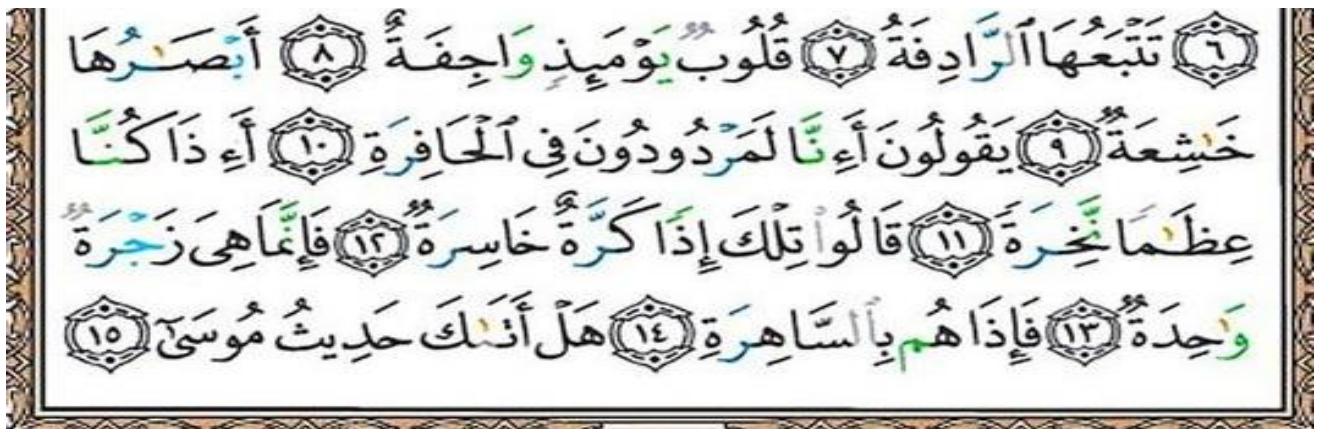
۲۶- ستمگران از مدار قدرت الهی خارج نیستند و هیچ راه گریزی ندارند، ولی خودشان نمی فهمند. وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (کلمه «وَرَائِهِمْ» نشانه غفلت آنان از علم و قدرت خداست.)

۲۷- لوحی که قرآن بر آن ثبت شده، برای ما ناشناخته است، گرچه در نزد خداوند محفوظ است. قرآن، از هر گونه تهدید و تحریف بیمه است. فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ

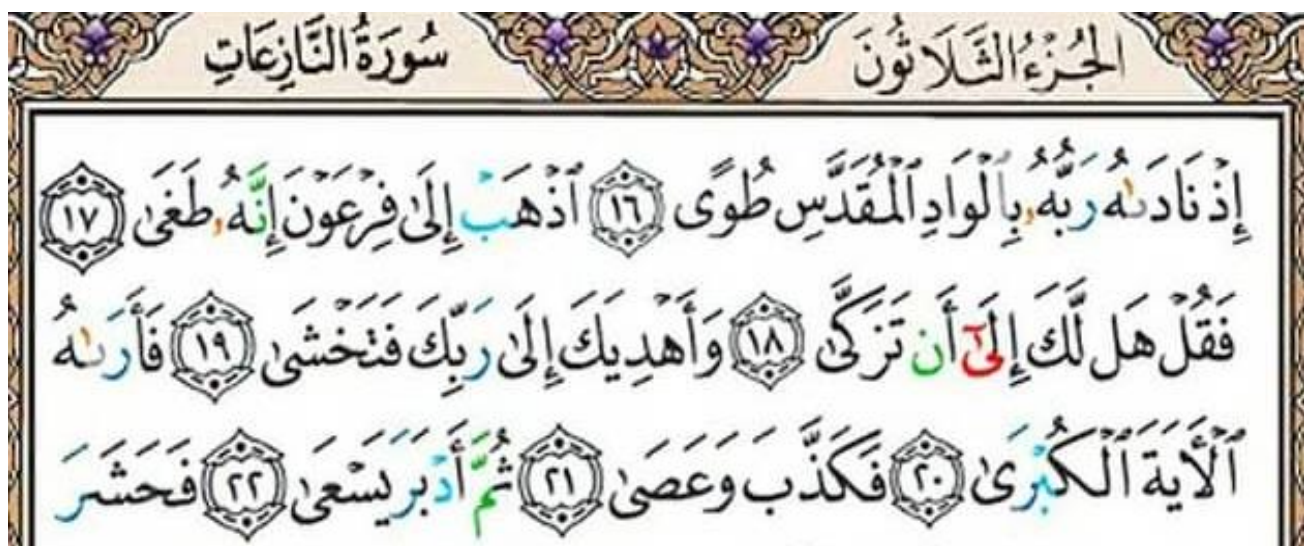


قسم بر ملائک که از کافران به سختی بگیرند جان را گران

قسم بر ملائک کز اهل جنان	به شادی و راحت ستانند جان
قسم بر ملائک که امر و دود	به پایان رسانند بسیار زود
قسم بر ملائک که از یکدیگر	گرفتند پیشی ز هم سر به سر
بکوشند بر امر پروردگار	که نظم جهان را کنند استوار
که از راه آید زمان نشور	به لرزه در آرد جهان بانگ صور



یکی نفخه صور دیگر زوی	به دنبال آن بانگ ز پی
همه قلب ها اندر آن سخت روز	به وحشت در افتند در تاب سوز
به دلهایشان کوس وحشت زنند	همه چشم ها را به زیر افکنند
بگویند کفار بعد از ممات	چگونه بیابیم از نو حیات
همه استخوانها چو گردید خاک	چسان زنده گردیم بعد از هلاک
بگویند گر زنده گردیم باز	بسی باب خسران به ما گشته باز
نیوشند تنها صدائی مهیب	که بر پای خیزد ز جائی قریب
سر از خاک آرند آنان بدر	به صحرای محشر شده رهسپر
ترا هیچ آیا بیامد خبر	ز موسای عمران پیغامبر



در آنکه که در، قدس وادی طور

برو سوی فرعون کان تیره بخت

بگو هیچ خواهی ز شرک پلید

هدایت نمایم تو را بر خدا

چو موسی یکی حجت آشکار

و را کرد تکذیب فرعون پست

اگرچه که فرعون ز آن مرد راد

ولی باز روی از خداوند تافت

ندا کرد بر او خدای غفور

ره سرکشی را گرفتست سخت

به پاکی گرائی بگردی سعید

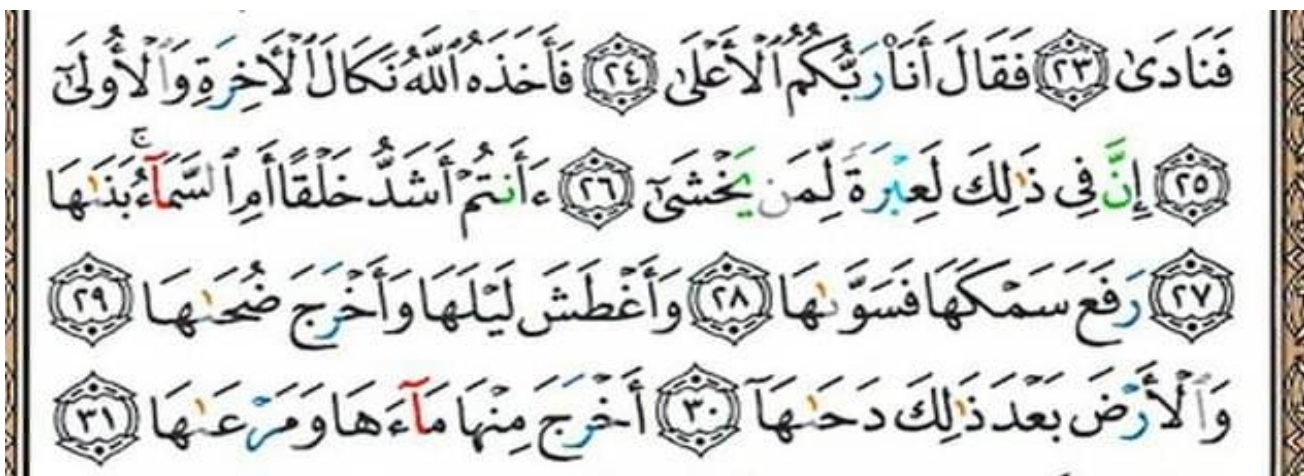
که خاشع بگردی بر آن کبریا

نمایاند بر امر پروردگار

به عصیان و طغیان برآورده دست ۲۱

نشانه‌های حجت بدیدی زیاد

سوی زشتکاری و عصیان شتافت



بیاورد درباریان در حضور

ندا زد بر آنان ز فرط غرور ۲۳

منم کردگار بزرگ شما	که هستم من اکنون اله و خدا
به دنیا و عقبی نمودش عذاب	خدا نیز بگرفت بر او عقاب
بگیرند عبرت از این سرنوشت	که پرهیزکاران نیکوسرشت
و یا گنبد چرخ بر روی سر؟ ۲۷	بود خلقت آدمی سخت تر؟
یکی سقف پاینده و استوار	که بر آن برافراشت پروردگار
بگرداند روشن همی روز آن ۲۹	شبش را سیه ساخت رب جهان
پدیدار گرداند آب و گیاه	زمین را بگسترده یکتا اله



همه کوهها و تمام جبال	نگهبان آن ساخت آن ذوالجلال
برون آید از خاک بر کامتان	که رزق شما نیز آنعامتان
شود آشکار و بگردد پدید ۳۴	چو آن رویداد بزرگ و مجید
عملهای خود را به دور از عناد	در آن روز انسان بیارد به یاد
به چشمان بینندگان آشکار ۳۶	شود دوزخ آری به روز شمار
سوی زندگانی دنیا شتافت	هرآن کس سر از امر ایزد بتافت
که جاوید سوزد در آن پایگاه	جهنم بر او هست خود جایگاه
خود از شوکت و عز پروردگار ۴۰	هرآن کس بترسید از کردگار



خودش را بفرمود نهی از هوا	بهشت است او را مکان و سرا ۴۱
بپرسند از تو که روز شمار	کدامین زمان می شود برقرار
مبادا که دیگر بر این بد عباد	کلامی بگوئی ز روز معاد
(که بسیار دادی تو اندرز و پند	و لیکن نیفتادشان سودمند)
پس آن ساعت سخت روز جزا	شود منتهی بر یگانه خدا ۴۲
وظیفه تو را هست تنها همین	کز احوال آن سخت روز مهین
بترسانی آن را که ترسیده است	پریشان دل و مضطرب دیده است
چو هنگام محشر بیاید به پیش	تو گوئی جهان با همه عمر خویش
یکی شام بوده که گشته سحر	و یا روز روشن که طی شد دگر

تفسیر سوره نازعات

سوگند به این فرشتگان پر تلاش

در این آیات به پنج موضوع مهم قسم یاد شده ، و هدف از این سوگندها بیان حقانیت و تحقق مسأله معاد و رستاخیز است، نام سوره، برگرفته از آیه اول است و به معنای فرشتگان گیرنده جان می باشد. از آنجا که گرفتن جان مؤمنان و کافران و تدبیر امور همه بندگان بر عهده فرشتگان است، سوگند خداوند به فرشتگان، هم نشانه اهمیت و جایگاه فرشتگان در نظام هستی است و هم اهمیت امری که برایش سوگند یاد شده است.

۴ صفت برای فرشتگان که قسم خورده شده: نزع به معنای جدا کردن با کندن. غرق به معنای شدت است. نشط به معنای گشودن گره است و نشاط یعنی آنکه عقده های روحی باز شوند. سَابِحَات به معنای حرکت سریع در آب یا هواست. سَابِقَات سبقت گیرنده اشاره به اینکه فرشتگان در انجام مأموریت های الهی سریع و چابک هستند.

- ۱- هر کس دل بسته تر به مادیات باشد، دل کندنش سخت تر خواهد بود. غَزَقًا
- ۲- هر دسته از فرشتگان مأمور کاری مخصوص اند النَّازِعَاتِ، النَّاشِطَاتِ، السَّابِحَاتِ
- ۳- نشاط داشتن در انجام مأموریت یک ارزش است. وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا
- ۴- تمام هستی میدان کار فرشتگان است. وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا
- ۵- فرشتگان در انجام مأموریت الهی بر یکدیگر سبقت می گیرند. فَالسَّابِقَاتِ
- ۶- با اینکه تدبیر هستی با خداست: «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» ولی خداوند به فرشتگان نیز اجازه تدبیر داده است. فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا فرشتگان در اداره و تدبیر مهارت لازم را دارند.
- ۷- تدبیر و مدیریت امور، نیازمند نشاط و سبقت و چابکی است. النَّاشِطَاتِ ، السَّابِحَاتِ ، فَالسَّابِقَاتِ ، فَالْمُدَبِّرَاتِ
- ۸- نظام هستی تصادف نیست، بر اساس تدبیر است. فَالْمُدَبِّرَاتِ...
- ۹- تدبیر ارزشی است که به خاطر آن می توان سوگند یاد کرد. «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» همه این سوگندها برای بیان مطلبی که بگوید: (سوگند به این امور که همه شما سرانجام مبعوث و محشور می شوید و قیامت و رستاخیز حق است).
- ۱۰- دگرگونی نظام طبیعت از مقدمات رستاخیز است. تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ...

۱۱- زلزله های قیامت در یک مرحله نیست، پی در پی هستند. الرَّاجِفَةُ ... الرَّادِفَةُ

۱۲- در قیامت همه نگران نیستند، بعضی دلها دلهره دارند. قُلُوبٌ

۱۳- ارتباط عمیقی بین روح و جسم برقرار است. قُلُوبٌ ... وَاجِفَةُ ، أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ

۱۴- گروهی از مردم، با طرح سؤالات تکراری، وقوع قیامت را انکار می کنند. أَإِنَّا آيَا مَا

آنها از روی جِدّ و نه از روی استهزاء، این سخن را می گویند، و مقصودشان این است که اگر بازگشتی در کار باشد يك بازگشت تکراری و بیهوده ، بلکه زیانبار است، اگر زندگی خوب است چه بهتر که خداوند همین را ادامه دهد، و اگر بد است باز گشت برای چیست؟

۱۵- آغاز سخن با سؤال، شوق شنیدن را در افراد زیاد می کند. نقل سرگذشت پیامبران پیشین برای پیامبران بعدی، عامل تقویت روحیه است. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى

بیان گوشه ای از ماجرای حضرت موسی و فرعون و طغیان و سرکشی او در برابر حق، که مجازات سخت الهی را در دنیا برای او بدنبال آورد، مقدمه ای است برای بیان یک اصل کلی که طغیان و دنیاپرستی انسان را به دوزخ می کشاند، در حالی که مبارزه با هواهای نفسانی و پروا در برابر پروردگار، انسان را به بهشت سعادت رهنمون می سازد.

۱۶- رهبران الهی قبل از مبارزه با طاغوت ها، ارتباط خود را با خداوند محکم می کردند. إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ ... إِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

۱۷- انبیاء، سردمداران مبارزه با طاغوتند. طغی در نهی از منکر به سراغ ریشه ها بروید

۱۸- از هدایت هیچ کس حتی فرعون مأیوس نباشید و لا اقل، سخن حق را به او ابلاغ کنید تا اتمام حجت شده باشد. فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى

- ۱۹- در نهی از منکر، حتی با طاغوت ها به نرمی سخن بگویید. إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ لَكَ
- ۲۰- با سؤال، فطرت ها را بیدار کنید. هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى
- ۲۱- در شیوه تبلیغ، لحن عاطفی و نرمش در گفتار را فراموش نکنید. هَلْ لَكَ
- ۲۲- جهت دعوت انبیا، تزکیه انسان هاست. هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى
- ۲۳- در دعوت و تبلیغ مردم، از کلماتی استفاده کنید که همه انسان ها بپذیرند و بپسندند. (دعوت به پاکی و دوری از ناپاکی) إِلَى أَنْ تَزَكَّى
- ۲۴- اگر به تزکیه تمایلی نباشد، تلاش انبیا بی ثمر است. تَزَكَّى وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ
- ۲۵- در مکتب انبیا، برای مبارزه با طاغوت ها، ابتدا آنها را موعظه می کنند. ... تَزَكَّى وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ
- ۲۶- نشانه هدایت پذیری، خوف و خشیت است. أَهْدِيكَ ... فَتَخْشَى
- ۲۷- پیامبران مردم را به سوی خدا دعوت می کردند نه خود. إِلَى رَبِّكَ
- ۲۸- طغیان همراه با بی باکی و ناپاکی است. (خداوند می فرماید: به سراغ فرعون طغیانگر برو و درباره تزکیه و خشیت با او سخن بگو، یعنی او ناپاک و جسور است).
- ۲۹- اصلاح افراد، بستگی به اراده و اختیار خود آنان دارد.
- ۳۰- برای امثال فرعون باید بزرگترین معجزه ها را آورد. الْآيَةِ الْكُبْرَى
- ۳۱- طاغوت ها برای حفظ کیان خود از منحرفان استمداد می کنند. فَحَشَرَ فَنَادَى
- ۳۲- ادّعی نبوت و انتظار تسلیم شدن دیگران، به معجزه آوردن نیاز دارد. فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى

۳۳- در برخی متکبران، حتی بزرگ ترین معجزات کارساز نیست. الْآيَةُ الْكُبْرَى فَكَذَّبَ

۳۴- کسانی که از استدلال و گفتگوی مستقیم عاجزند، پشت پرده تلاش می کنند

۳۵- جو سازی و شعار و هیاهو، از ابزار فرعون هاست. فَحَشَرَ فَنَادَى

۳۶- مردم دارای فطرت خداجویی ند. طاغوت ها مسیر آن را متوجه خود می کنند

۳۷- مستکبران، روزی به زانو در خواهند آمد. أَنَا رَبُّكُمْ ... فَأَخَذَهُ اللَّهُ

۳۸- تاریخ وسیله عبرت است، نه سرگرمی و پرکردن ایام فراغت. لَعِبْرَةً از تاریخ آن

قسمتی را بازگو کنید که سازنده و عبرت آموز باشد.

در آیات نکات جالبی است که توجه به آن لازم است:

الف - علت رفتن به سوی فرعون را طغیان فرعون ذکر می کند، و این نشان می دهد که یکی از اهداف بزرگ انبیا هدایت طغیانگران یا مبارزه قاطع با آنها است.

ب - دعوت فرعون را با ملایم ترین و خیرخواهانه تان تعبیر دستور می دهد می فرماید: به او بگو: آیا میل داری پاك و پاکیزه شوی ؟ (البته پاکیزگی مطلق که هم شامل پاکیزگی از شرك و کفر می شود و هم از ظلم و فساد) شبیه تعبیری که در آیه ۴۴ سوره طه آمده **فَقُولَا لَهُ قَوْلَا لَيْنَا** (با او با ملایمت سخن بگویید).

ج - این تعبیر اشاره لطیفی به این حقیقت است که رسالت انبیا برای پاکسازی انسانها و بازگرداندن طهارت فطری نخستین به آنها است. در ضمن نمی گوید: من تو را پاك كنم ، بلکه می گوید: پاکی را پذیرا شوی ! و این نشان می دهد که پاك شدن باید به صورت خودجوش باشد نه تحمیل از برون.

د - ذکر (هدایت) بعد از (پاك شدن) دلیل بر این است که باید در آغاز شستشویی کرد سپس به کوی دوست گام نهاد.

ه - تعبیر به (ربك) (پروردگارت) در حقیقت تاءکید بر این نکته است که تو را به سوی کسی می برم که مالك و مربی و پرورش دهنده تو است، چرا از مسیر سعادت می گریزی؟!؟

و - (خشیت) و خدا ترسی نتیجه هدایت به سوی خدا است، آری ثمره درخت هدایت و توحید همان احساس مسؤ ولیت در برابر خداوند بزرگ است، چرا که هرگز خشیت بدون معرفت حاصل نمی شود، و لذا در آیه ۲۸ سوره فاطر می خوانیم: انما یخشی الله من عباده العلماء (تنها علما و ارباب معرفت از خدا می ترسند)

ز - موسی نخست سراغ هدایت عاطفی او می رود، بعد هدایت عقلی و منطقی از طریق نشان دادن آیت کبری و معجزه بزرگ، و این مؤثرترین راه تبلیغ است که نخست از طریق خیر خواهی و محبت در عواطف طرف نفوذ کنند سپس به طرح استدلال و بیان حجت پردازند. اکنون ببینیم فرعون در برابر اینهمه لطف و محبت، و این منطق و بیان زیبا و ارائه آیت کبری چه عکس العملی نشان داد؟ این طاغوت خیره سر، هرگز از مرکب غرور پیاده نشد، و چنانکه در آیه بعد آمده (دعوت موسی را تکذیب کرد، و به عصیان پروردگار پرداخت) (فكذب و عصی).

این نشان می دهد که تکذیبها مقدمه عصیانها است، همانگونه که تصدیقها و ایمانها مقدمه طاعتها است. به این مقدار هم قناعت نکرد و در برابر دعوت موسی بی تفاوت نماند بلکه (سپس پشت کرد و بی وقفه برای مبارزه با او و محو آیینش سعی و تلاش نمود) (ثم ادبر یسعی). و از آنجا که معجزه موسی تمام موجودیت طاغوتی او را به خطر می انداخت، ماءموران را به شهرهای مختلف اعزام کرد تا ساحران را جمع کنند، و در

میان مردم نیز دستور داد ندا دهند و آنها را برای مشاهده مبارزه ساحران با موسی دعوت نمایند (فحشر فنادی).

گوشه ای از فصاحت قرآن

دقت در یازده آیه کوتاه بالا بیانگر نهایت فصاحت و بلاغت قرآن است، در این چند خط کوتاه خلاصه ای از تمام ماجرای موسی و فرعون، انگیزه رسالت، هدف رسالت، وسیله پاکسازی، چگونگی دعوت، کیفیت واکنش و عکس العمل، چگونگی توطئه فرعون، نمونه ای از ادعاهای پوچ و بی اساس او، و سرانجام مجازاتهای دردناک این مست باده غرور و در نهایت درس عبرتی که از آن عائد همه انسانهای بیدار می شود منعکس شده است .

۳۹- بهترین راه خداشناسی، توجّه به نعمت های اوست. باید از محسوسات برای پی بردن به معقولات استفاده کرد. رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

۴۰- دنیا برای ماست، نه ما برای دنیا. مَتَاعاً لَّكُمْ

۴۱- در کامیابی های مادی، انسان و چهارپا در کنار هم هستند. (آنچه مایه امتیاز انسان است کمالات معنوی است.) مَتَاعاً لَّكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ

۴۲- گسترش زمین و گردش آن در فضا، بعد از آفرینش آسمان ها بوده است. دَحَاهَا

آفرینش شما مشکل تر است یا آسمانها؟ دلیل دیگری بر معاد.

به دنبال نقل سرگذشت موسی و فرعون به عنوان يك درس عبرت برای همه طغیانگران و تکذیب کنندگان بار دیگر به مسأله معاد و رستاخیز بر می گردد و نمونه هایی از قدرت بی انتهای حق را در جهان هستی به عنوان يك دلیل برای امکان معاد بیان می کند و گوشه هایی از نعمتهای بی پایانش را بر انسانها شرح می دهد تا حس شکرگزاری را که

سرچشمه معرفة الله است در آنها برانگیزد. نخست منکران معاد را مخاطب ساخته و ضمن يك استفهام توبیخی می فرماید (آیا آفرینش شما (و بازگشت به زندگی پس از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش این آسمان با عظمت که خداوند بنا نهاده است)

۴۳ - قیامت، بزرگترین و فراگیرترین حادثه است که تمام حوادث دیگر را تحت الشعاع خود قرار می دهد. الظَّامَّةُ الْكُبْرَى

۴۴ - انسان در قیامت، دائماً متذکر کارهایش در دنیا می شود. يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى

۴۵ - ریشه طغیان، دنیاپرستی است. طَغَى وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا دنیا بد نیست، ترجیح آن بر آخرت بد است.

۴۶ - خداوند که ترس ندارد، مقام اوست که مایه ترس انسان می شود. مثل اینکه انسان از قاضی می ترسد، زیرا می داند اگر جرمی مرتکب شود، با او سر و کار دارد. خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

۴۷ - ریشه مبارزه با نفس، خوف الهی است. خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى

۴۸ - نفس انسان فتنه گر است که باید او را باز داشت.

۴۹ - قانون الهی برای همه افراد یکسان است. مَنْ طَغَى ... مَنْ خَافَ

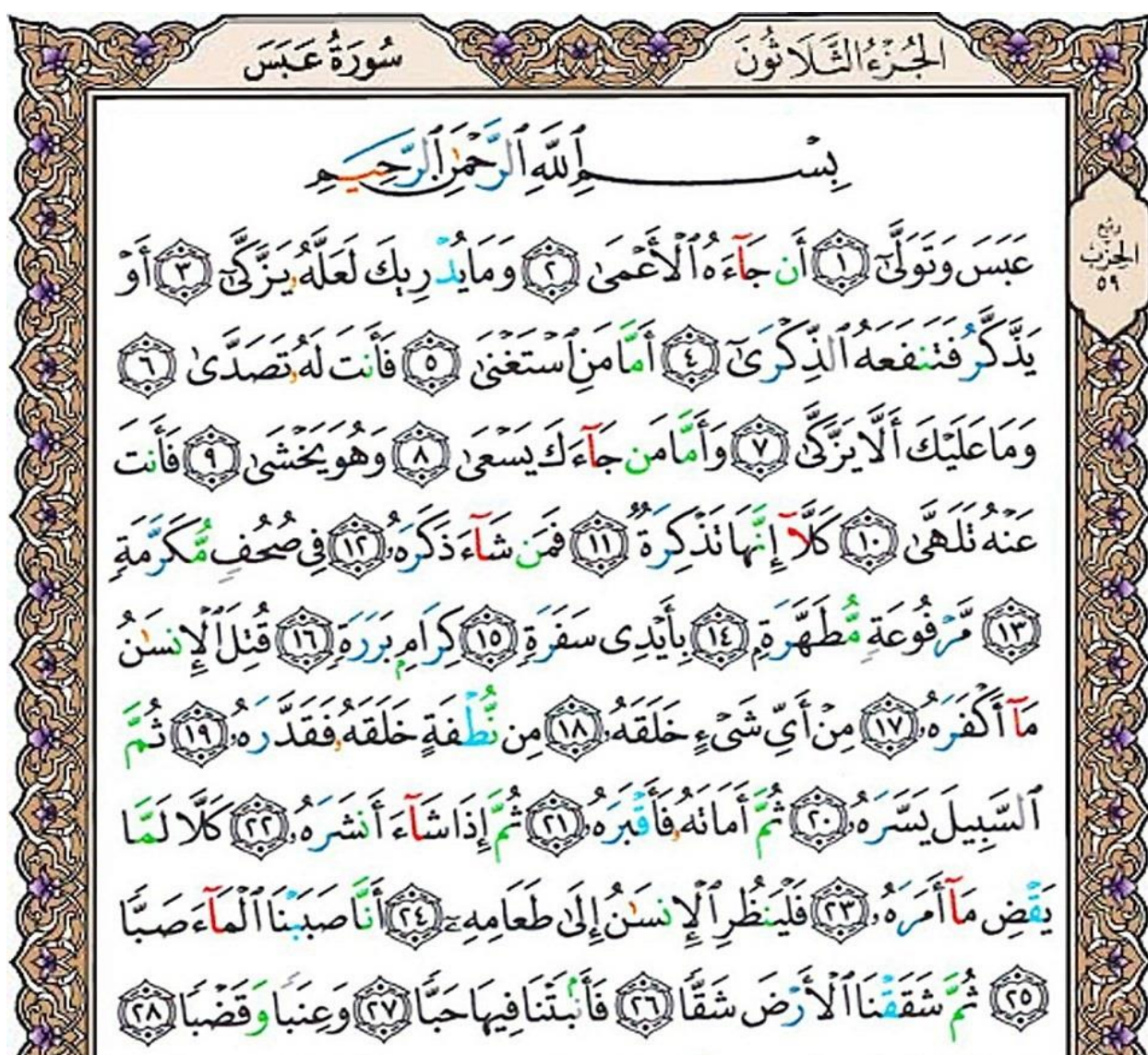
۵۰ - گفتگو در امری که به بشر مربوط نیست، معنا ندارد. فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا

۵۱ - علم بشر محدود است و نمی تواند به انتهای علم که مخصوص خداوند است دست یابد. إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا

۵۲ - وظیفه پیامبر، انذار مردم است، نه الزام و اجبار به پذیرش. إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ

۵۳- از شرایط پذیرش دعوت انبیا، آمادگی روحی و پروا داشتن از گناه اَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا

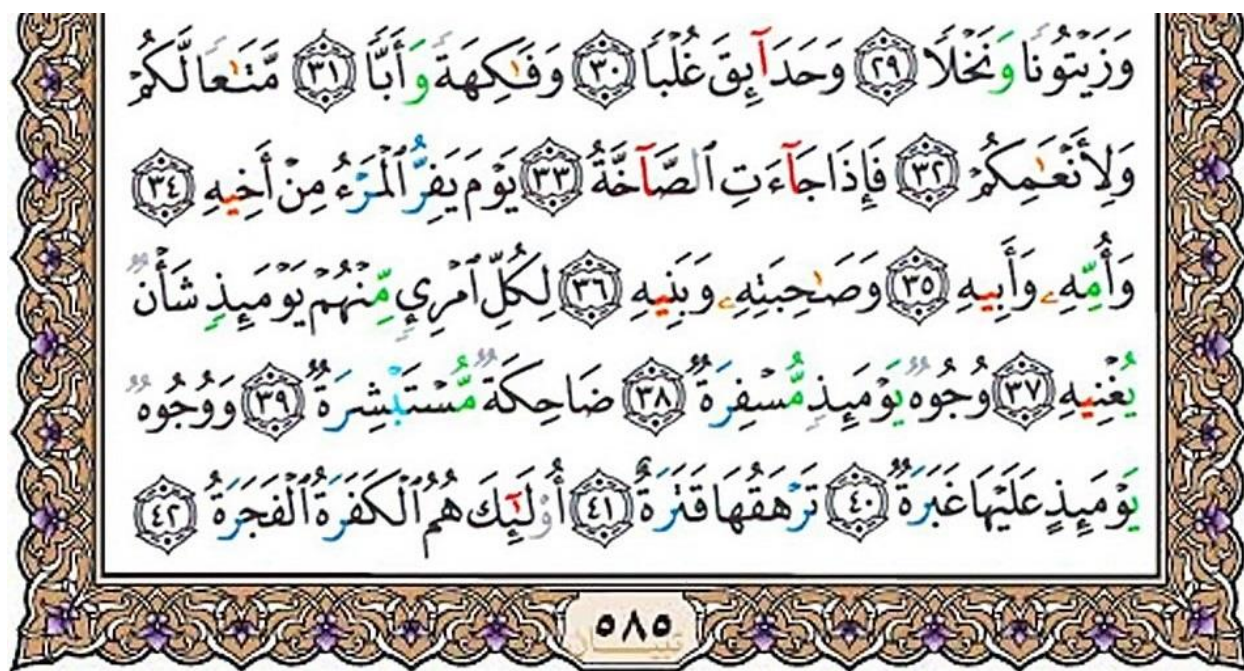
۵۴- آخرت به قدری بزرگ است که تمام عمر دنیا و برزخ در کنار آن، به مقدار شبی یا روزی بیش نیست. «لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا» در حقیقت آیات فشرده بالا اصول سعادت و شقاوت انسان را به نحو زیبا و شایسته ای ترسیم کرده است، شقاوت انسان را در طغیان و (دنیا پرستی) می شمرد، و سعادت او را در (خوف از خدا) و (ترك هوا) و عصاره تمام تعلیمات انبیاء و اولیاء نیز همین است و بس .



سر آغاز گفتار نام خداست
 چرا او عبوس و ترشروی گشت
 چه دانی تو شاید که آن مرد کور
 بسا آمده بهر ذکر خدا
 چه شد تا بر آن مرد دارای مال
 ترا نیست تکلیف ای مصطفی
 هر آنکس که آید سویت با شتاب
 تو پرهیزسازی از آن نیک مرد
 روانیست این شیوه و این نسق
 که هر کس بخواهد از آیات چند
 میان مکرم صحف ماندگار
 که اوراق آن هست والا مقام
 خدا آن صحف را که بنهاده است
 مقرب به درگاه پروردگار
 پس انسان ناشکر خود کشته باد
 مگر از چه چیزی بگشته درست
 زیک نطفه ی آب آن ذوالجلال
 چو خواهد به عزت کند طی راه
 بمیراند او را کند زیر خاک
 و لیکن هنوز آنچه را کبریا

که رحمتگر و مهربان خلق راست
 چو آن مرد اعمی بر او برگذشت
 به پاکی گراید ز زشتی بدور
 که خود ذکر حق سود بخشد و را
 توجه نمودی تو ای خوش خصال
 اگر او نشد هیچ پاک از خطا
 بترسد ز یزدان و روز حساب
 چگونه توانی چنین کار کرد
 که از بهر پند است آیات حق
 بگیرد چه بسیار اندرز و پند
 شده ثبت آیات پروردگار ۱۳
 ز هر عیب پاکیزه باشد تمام
 بدست سفیران حق داده است
 کرامت در آنها بود آشکار
 که این حد کند کفر و ورزد عناد
 به هنگام خلقت به روز نخست
 بفرمود خلقتش بدادش کمال
 بر او راه را سهل سازد اله ۲۰
 کند زنده اش باز بعد از هلاک
 بگفتست بر او نیارد به جا

ببایست انسان به چشمی دقیق	کند بر غذایش نگاهی عمیق
که یزدان بباراند از لطف و مهر	بسی آب باران ز نیلی سپهر
پس آنگاه بشکافت خاک زمین	حبوبات رویاند از آن چنین
بسی باغها داد ز انگور و تاک	نباتات روید از این تیره خاک
که هرچه نمایند آن را درو	برویند از خاک آنان ز نو
خداوند باغات زیتون بداد	خود از نخل خرما ثمرها نهاد
بسی باغها پر درخت کهن	همه گونه میوه، مراتع چمن



ز نعمات او جملگی بهره مند	ستورانتان را فتد سودمند
چو هنگام محشر برآید ندا	به گوش خلائق رسد آن صدا
گریزد ز اخوان و مادر پدر	ز رعب و ز وحشت ز بیم و خطر
همین سان گریزد ز فرزند و زن	کجا می تواند بگوید سخن
چو هنگامه حشر آید به پیش	چنانست هرکس گرفتار خویش

که هرگز نسازد توجه به کس	به کار خودش هست مشغول و بس
بود چهره عده ای پر ز نور	بیابند خندان و شادان حضور
در آن روز جمعی دگر گشته طرد	به رخسار آنان نشسته است گرد
همه خاک بر روی آنها نشست	بلی این کسانند کفار پست

تفسیر سوره عبس

نام سوره از اولین آیه گرفته شده و به معنای چهره درهم کشیدن است. خداوند کسی را در آنها مورد عتاب قرار داده به خاطر اینکه فرد یا افراد غنی و ثروتمندی را بر نابینای حقطلی مقدم داشته است. گرچه شأن نزول آیات اولیه این سوره، برخورد نامناسبی است که با یک فرد نابینا صورت گرفته، اما محور مطالب آن، همانند دیگر سوره های مکی، معاد و حوادث تکان دهنده قیامت و سرنوشت مؤمنان و کافران در آن روز است. بیان گوشه ای از نعمت های خداوند به انسان و کفران و ناسپاسی او در برابر این نعمت ها، بخشی دیگر از آیات این سوره را تشکیل می دهد.

۱- نقص عضو نشانه نقص شخصیت نیست. (احترام نابینایان و معلولین و افراد ناقص الخلقه لازم است.) عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى

۲- ارزش اخلاق به خاطر کمال ذاتی آن است، نه خوشایند دیگران. (نابینا که عبوس کننده را نمی بیند تا شاد یا ناراحت شود.) عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى

۳- اسلام با روحیه استکبار و تحقیر دیگران مخالف است. مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى

۴- به ظاهر افراد نمی توان قضاوت کرد. گاهی نابینا، از بینا طالبتر است لَعَلَّهُ يَزَّكَّى

۵- میزان پذیرش افراد جامعه متفاوت است. در برابر ارشاد و دعوت پیامبر، گروهی

تزکیه می شوند و گروهی در حدّ تذکر سود می برند. یَزَّكِي أَوْ يَذَّكَّرُ

۶- تذکر دادن، بی نتیجه نیست و اثر خود را می گذارد. يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرُ

۷- اصل، ایمان انسان هاست نه ثروت و سرمایه آنها. مَنِ اسْتَغْنَى أَمَّا مَنْ...يَخْشَى

۸- پیامبر مسئول ارشاد مردم است نه اجبار آنان. وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزِّي

۹- احساس بی نیازی محکوم است. جمله «أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى» در مقام انتقاد است.

۱۰- احساس بی نیازی و خود را کامل و بی نیاز دانستن، سبب محروم شدن از تزکیه.

۱۱- طبقه محروم با سرعت به سراغ اسلام می آیند. جَاءَكَ يَسْعَى

۱۲- خشیت درونی با تلاش و حرکت بیرونی باید توأم باشد. يَسْعَى وَ هُوَ يَخْشَى

۱۳- راه خودسازی، درک محضر پیامبر و یا استاد ربّانی است. جَاءَكَ يَسْعَى

۱۴- در شیوه تبلیغ برخورد دوگانه با فقیر و غنی جایز نیست تَصَدَّى- فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى

۱۵- آیات قرآن مایه تذکر و عامل بیداری فطرت بشری است. إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ

۱۶- مقام و مرتبه قرآن برتر از دسترسی نااهلان و تحریف و تغییر آنان است مُطَهَّرَةٍ

۲۰- آنچه را خداوند تکریم کرده ما نیز باید تکریم کنیم. صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ

۲۱- قرآن را، فرشتگان کرام به پیامبر می رسانند. کِرَامٍ هم سرچشمه قرآن خداوند کریم

است و هم خود قرآن و هم آورندگان آن و هم بر کسی که نازل شده است.

۲۲- انسان کافر و ناسپاس مورد لعن خداست. قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ

۲۳- در شیوه تبلیغ گاهی باید برای گروهی تند سخن گفت. قُتِلَ الْإِنْسَانُ

۲۴- به آفرینش خود از نطفه ناچیز بنگرید تا از کفر و غرور دست بردارید. مِنْ نُطْفَةٍ

۲۵- آفرینش انسان تصادفی نیست، بلکه از روی حساب و کتاب و تقدیر و اندازه گیری است. آفریدن، دلیل قدرت و اندازه گیری، دلیل حکمت است. خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ

چرا این انسان به اصل خلقت خود نمی اندیشد؟! و ناچیز بودن مبدا اصلی خود را فراموش می کند، وانگهی چرا قدرت خداوند در آفرینش این موجود بدیع از آن نطفه ناچیز را نمی نگرد؟ که دقت در همین آفرینش انسان از نطفه و اندازه گیری تمام ابعاد وجودی او، اعضاء پیکرش، استعدادهایش و نیازهایش خود بهترین دلیل برای خداشناسی و معرفة الله است.

۲۶- با آسان بودن راه شناخت حق و پیمودن آن، چرا گروهی بی راهه می روند؟ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ... ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ

۲۷- خداوند با آسان کردن راه تکامل، اتمام حجت کرده است. ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ

۲۸- انسان دارای استعدادهای زیادی است که با پیمودن راه حق به تکامل می رسد سَبِيلَ يَسَّرَهُ راه تکامل پرورش جنین در شکم مادر، و سپس راه انتقال او را به این دنیا سهل و آسان نمود.

از عجائب تولد انسان این است که قبل از لحظات تولد آن چنان در شکم مادر قرار دارد که سر او به طرف بالا و صورتش به پشت مادر و پای او در قسمت پایین رحم است، ولی هنگامی که فرمان تولد صادر می شود ناگهان واژگونه می گردد سر او به طرف پایین می آید، و همین موضوع امر تولد را برای او و مادرش سهل و آسان می کند، البته گاهی بچه هایی هستند که از طرف پا متولد می شوند و مشکلات زیادی برای مادر ایجاد می کنند. بعد از تولد نیز در مسیر نمو و رشد جسمی در دوران کودکی، و سپس نمو و رشد

غرائز، و بعد از آن رشد در مسیر هدایت معنوی و ایمان ، همه را از طریق عقل و دعوت انبیاء برای او سهل و آسان ساخته است .

۲۹- انسان که مرگ و قبر را می بیند، چرا سرسختی می کند؟ ما أَكْفَرَهُ... ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ

۳۰- تمام کارها در حقیقت منسوب به اوست. «أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ

۳۱- معاد، جسمانی است. فَأَقْبَرَهُ... أَنْشَرَهُ یعنی همان را که در قبر برد، بیرون آورد.

یکی از احترامات خداوند نسبت به نوع بشر همین برنامه دفن اجساد آنها است ، چرا که اگر راهی برای دفن وجود نداشت ، و یا دستوری در این زمینه صادر نشده بود، و جسد آدمی روی زمین می ماند و متعفن می گشت و سپس طعمه حیوانات درنده و پرندگان می شد، ذلت و خواری عجیبی بود، بنابراین الطاف الهی نه تنها شامل حال انسان در حیات دنیا است که بعد از مرگ نیز مشمول الطاف او است. از این گذشته دستور به دفن کردن بدن مردگان (بعد از غسل و کفن و نماز) دستوری است الهام بخش که مرده انسانها باید از هر نظر پاک و محترم باشد تا چه رسد به زنده آنها! این نکته نیز قابل توجه است که مسأله مرگ در این آیه نیز در عداد نعمتهای الهی ذکر شده ، و اگر دقت شود مطلب همین گونه است ، چرا که اولاً مرگ مقدمه ای است برای آسودگی از رنجهای این جهان ، و انتقال به سرای دیگر که عالمی است بسیار گسترده تر، و ثانیاً مرگ نسلهای موجود سبب می شود که جا برای نسلهای آینده گشوده شود، و نوع انسان طی نسلها تداوم و تکامل یابد، و در غیر این صورت چنان عرصه بر انسانها تنگ می شد که زندگی کردن در روی زمین غیر ممکن بود.

۳۲- با اینکه راه باز و حرکت آسان است، اما گروهی وامانده اند. لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

۳۳- توحید و نبوت و معاد در کنار یکدیگر مطرحند. خَلَقَهُ - السَّبِيلَ يَسَّرَهُ - أَنْشَرَهُ

۳۴- زمان وقوع قیامت تنها در اختیار خداست. إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ

در میان انواع برخورد هایی که با مردگان می شود، دفن آنها در گور، شیوه ای است که خداوند به انسان آموخته است. مائده ۳۱ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوَاءَ أَخِيهِ آنگاه که قابیل در فکر چاره جویی و پنهان کردن جسد بی جان برادرش هابیل بود، خداوند با فرستادن کلاغی، دفن در خاک را به او آموخت.

۳۵- انسان، مأمور به تفکر در غذا، به عنوان یکی از نعمت های خداست، خوردن بی فکر کار حیوان است. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ

۳۶- اگر ملاک های معنوی نباشد، انسان و حیوان در کامیابی از غذا و طبیعت، در یک ردیفند. مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِالْأَنْعَامِكُمْ

۳۷- دقت در پیدایش نعمت ها، وسیله ای برای کفر زدائی است. الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ

۳۸- هستی، مدرسه خداشناسی است، چه سیر تکاملی درون انسان و چه بیرون انسان. مِنْ نُظْفِهِ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ - أَمَاتَهُ - أَنْشَرَهُ صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

۳۹- ریزش باران و رویش انواع گیاهان و درختان، هدفمند است و فراهم شدن غذا برای انسان و حیوانات، یکی از حکمت های آن است. أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ... شَقَقْنَا الْأَرْضَ... فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا... مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِالْأَنْعَامِكُمْ

۴۰- انگور، زیتون و خرما، از میوه های مورد سفارش قرآن است عِنَبًا... زَيْتُونًا وَنَخْلًا

۴۱- قیامت، روز فرار است. فرار برادر از برادر، فرزند از پدر و مادر، مرد از همسر، پدر از پسر. فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ...

۴۲- روابط خویشاوندی، در قیامت گسسته می شود. يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ...

۴۳- در قیامت، هرکس به فکر نجات خویش است. لِكُلِّ امْرِئٍ ... شَأْنٌ يُغْنِيهِ

۴۴- در قیامت، فرصت برای پرداختن به کار دیگران نیست يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

۴۵- معاد جسمانی است. وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ...

۴۶- چهره باز و خندان یک ارزش است. مُسْفِرَةٌ ، ضَاحِكَةٌ

۴۷- خنده های قیامت، بر اساس بشارت به آینده ای روشن است ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ

۴۸- آلودگی به گناه در دنیا، سبب آلودگی چهره در قیامت می شود. تَزْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ

۴۹- کفر، سبب ارتکاب گناه و فسق و فجور است. الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ

۵۰- صورت اهل ایمان و تقوا، شاد و خندان است. (به قرینه اینکه صورت اهل کفر و فجور، دود آلود است) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ... وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ

۵۱- از بهترین شیوه های تبلیغ، مقایسه است. وَجُوهٌ ... وَجُوهٌ

۵۲- گناه، باعث می شود که چهره پاک الهی انسان، با نقابی زشت و سیاه پوشیده شود. عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَزْهَقُهَا قَتَرَةٌ

این آیات، مردم را در قیامت به دو دسته تقسیم می کند: اهل سعادت و اهل شقاوت، که هر دو گروه با سیما و چهره شان شناخته می شوند. چون صورت انسان، آئینه سیرت اوست و شادی و غم درونی او در چهره اش ظاهر می گردد. این سوره با چهره درهم کشیدن در دنیا آغاز و با چهره دود آلوده شدن در قیامت پایان می یابد.

سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾
وَلِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ
مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

بسی وای بر کم فروشان بد
چو از خلق گیرند جنسی به خواست
ولی چون فروشند بر دیگران
نداند آیا یکی روز هست
که مبعوث گردند آن قوم پست
چه روز بزرگست روز شمار
فروشند کم وقت داد و ستد
به میزان ستانند بی کم و کاست
نمایند خود کم فروشی در آن
که مبعوث گردند آن قوم پست
که در بارگاه یکی کردگار

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينَ ﴿٧﴾ وَمَا أَذْرَكَ مَا سَحَّجْنَ ﴿٨﴾ كِتَابَ
مَرْقُومٍ ﴿٩﴾ وَيَلَّيْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ ﴿١١﴾
وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ
عَن رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّحَجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ
هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيِّينَ
﴿١٨﴾ وَمَا أَذْرَكَ مَا عَلَيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابَ مَرْقُومٍ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

همه خلق سازند یکجا قیام	بیایند بر درگه او تمام
در آن روز با آن کتاب سیاه	که گردیده سرشار از هرگناه
همه کافران به یزدان و دین	به سجین در افتند زار و غمین
چسان درک سازی که حد تو نیست	که سجین همانا چه بودست و چیست
کتابیست کانرا نوشته خدا	قضاها در آن ثبت باشد سزا
دو صد وای بادا بر آن منکران	که کردند تکذیب آیات آن
دروغین بخوانند روز جزا	بکردند انکار روز لقا
بغیر از تجاوزگر زشتکار	دروغین که خواندست روز شمار؟
بر آنها بخوانند آیات ما	بگویند کاین آیه های خدا
نباشد جز افسانه ای بیشتر	ز قومی که بودند زین پیشتر
چنین نیست کانان تصور کنند	همه باطل است آنچه باور کنند
شود چیره بر قلب آن قوم خوار	سیاهی ظلمت ، پلیدی کار
شود دور از لطف یکتا خدا	سرا پای محجوب از کبریا
یکی روز خواهد بیاید ز راه	که گیرند در قعر دوزخ پناه
بگویندشان این بود آن سقر	که کردید تکذیب آن سر به سر
چنین نیست ای کافران پلید	که در خاطر خود تصور کنید
همانا بحق هست در علین	کتاب عملهای یاران دین
چگونه تصور نمائی کنون	چه میزان بود رتبت علییون
کتابیست مرقوم کان ذوالجلال	نوشتست در منتهای کمال
ببینند آن را مقرب عباد	گواهند بر آنچه یزدان نهاد

(۲۱) إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲) عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳) تَعْرِفُ فِي
 وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴) يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)
 خِتَمُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ (۲۶) وَمِمَّا جَاءَهُ
 مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸) إِنَّ الَّذِينَ
 أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹) وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ
 يَتَغَامَزُونَ (۳۰) وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)
 وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲) وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
 حَفِظِينَ (۳۳) فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵) هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

همانا که افراد نیکو سرشت

زده تکیه بر تخت با فرو و جاه

به رخسار آنان نشاطست و شور

بر ایشان چشانند جام شراب

بکردند ممهور با مشک تر

برای رسیدن به اینسان نعم

شرابی که نوشند آنان بکام

عباد مقرب به پروردگار

به دنیا چو افراد بدکار چند

چو کردند بر اهل ایمان گذر

بیابند نعمت به باغ بهشت

نگه کرده بر لطف های اله

چو نعمت در آنجا بود بر وفور

بود سر به مهر و شرابیست ناب

شرابی که نیکو رسد در نظر

بباید بگیرند پیشی ز هم

ز یک چشمه سارست تسنیم نام

بنوشند زآن چشمه خوشگوار

نمودند بر مومنان ریشخند

به طعنه فکندند آن سو نظر

رسیدند بر سوی یاران خویش	چو از پیش افراد مومن به کیش
تمسخر نمودند اهل فلاح	بگفتند با هم سخن بر مزاح
بگفتند هستند گمره ز راه	چو کردند بر قوم مومن نگاه
بر آن مومنان ، مردم زشتکار	نگهبان نگردانده بُد کردگار
بخندند بر کافران پلید	پس امروز هم مومنان سعید
به دولت زده تکیه ها بر سریر	تماشاکنان مردم خوش ضمیر
ببیند کفار اندر کنار	مگر آن جزائی که روز شمار
بر آنچه نمودند خود پیش از این؟	جزائست جز پاسخی راستین

تفسیر سوره مطففین

آیات آغاز این سوره که درباره کم فروشان سخن می گوید ناظر به افرادی است که در مدینه به این کار کثیف مشغول بودند. بعضی کاسبان دو پیمانۀ کوچک و بزرگ داشت به هنگام خریدن از پیمانۀ بزرگ استفاده می کرد و به هنگام فروش از پیمانۀ کوچک . و در آیاتی کوتاه و پر طنین از رستاخیز و حوادث قیامت خبر می دهد، مخصوصاً آیات اواخر این سوره که بیانگر استهزای کفار نسبت به مسلمانان است نیز تناسب زیادی با محیط مکه دارد که مؤمنان در اقلیت بودند و کفار در اکثریت قاطع . بسیاری از اهل مدینه تاجر بودند و در کار خود کم فروشی می کردند، و بسیاری از معاملات آنها معاملات حرام بود، این آیات نازل شد و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آنها را برای اهل مدینه تلاوت فرمود سپس افزود خمس بخمس : پنج چیز در برابر پنج چیز است ! عرض کردند ای رسول خدا : کدام پنج در مقابل کدام پنج است ؟! فرمود : هیچ قومی عهدشکنی نکردند مگر اینکه خدا دشمنانشان را بر آنها مسلط ساخت. و هیچ جمعیتی به غیر حکم الهی حکم نکردند مگر اینکه فقر در میان آنها زیاد شد. و در میان هیچ ملتی فحشاء ظاهر نشد مگر اینکه

مرگ و میر در میان آنها فراوان گشت! و هیچ گروهی کمفروشی نکردند مگر اینکه زراعت آنها از بین رفت. قحطی آنها را فروگرفت! و هیچ قومی زکات را منع نکردند مگر اینکه باران از آنها قطع شد!

کمفروشی از عوامل فساد در ارض

۱. در آیات قرآن مجید کرارا از کمفروشی نکوهش شده، گاه در داستان شعیب (علیه السلام) در آنجا که قوم را مخاطب ساخته، می گوید: **اوفوا الکیل** ... حق پیمان را ادا کنید، و دیگران را به خسارت میفکنید، با ترازوی صحیح وزن کنید، و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین فساد نکنید (شعراء ۱۸۱ - ۱۸۳). و به این ترتیب کمفروشی و ترك عدالت به هنگام پیمان و وزن را در ردیف فساد در زمین شمرده است، و این خود دلیلی به ابعاد مفسد اجتماعی این کار است. و نیز در آیه ۷ و ۸ سوره رحمن رعایت عدالت در وزن را همدیاف عدالت در نظام آفرینش در عالم جهان هستی گذارده، می فرماید: **والسما رفعها و وضع المیزان الا تطغوا فی المیزان** خداوند آسمان را برافراشت و میزان و حساب در همه چیز گذاشت تا شما در وزن و حساب طغیان نکنید اشاره به اینکه مساله رعایت عدل در سنجش مساله کوچک و کم اهمیتی نیست، بلکه در حقیقت جزئی از اصل عدالت و نظم کلی حاکم بر سراسر عالم هستی است. و به همین دلیل پیشوایان بزرگ اسلام به این مساله اهمیت فراوانی می دادند، تا آنجا که در روایت معروف اصبغ بن نباته آمده است که می گوید: از علی (علیه السلام) شنیدم که بر فراز منبر می فرمود: **یا معشر التجار! الفقه ثم المتجر: ای گروه تجار! اول فقه بیاموزید، و سپس تجارت کنید و این سخن را امام (علیه السلام) سه بار تکرار فرمود ... و در پایان این کلام فرمود: التاجر فاجر، و الفاجر فی النار، الا من اخذ الحق و اعطى الحق: تاجر فاجر است و فاجر در دوزخ است مگر آنها که به مقدار حق خویش از مردم بگیرند و حق مردم را بپردازند.**

- ۲ - مال حرام از راه کم فروشی، عامل سقوط انسان است. وَئِلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ
- ۳ - تفاوت گذاردن در گرفتن و دادن کم فروشی است. آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران میپسند. اِكْتَالُوا ... يَسْتَوْفُونَ - كَالُوهُمْ ... يُخْسِرُونَ
- ۵ - بالاتر از گناه، انس گرفتن با گناه است، به گونه ای که کم فروشی شغل انسان شود. «يُخْسِرُونَ» (فعل مضارع، نشانه استمرار است).
- ۶ - برای جلوگیری از مفسد اقتصادی، باید یاد معاد را در دل ها زنده کنیم.
- ۷ - اعتقاد به معاد حتی در حد گمان بازدارنده است. اَلَا يَظُنُّ اُولَئِكَ اَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ
- ۸ - حوادث روز قیامت، بزرگ و هولناک است. لَيَوْمٍ عَظِيمٍ
- ۹ - برای کم فروشی و حق الناس باید پاسخ گو باشیم. يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
- ۱۰ - کیفر و مجازات مجرمان، از شئون ربوبیت خداست. يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
- ۱۱ - کم فروش، فاجر است و پرده دیانت را می درد. لِّلْمُطَفِّفِينَ ... الْفُجَّارِ
- ۱۲ - سرنوشت فاجران، قطعی و مشخص است. كِتَابٌ مَّرْقُومٌ
- ۱۳ - گناه، انسان را به کفر و انکار حقایق وامی دارد. وَ مَا يُكَذِّبُ بِهِ اِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ اَثِيمٍ
- ۱۴ - کسانی آیات قرآن را افسانه و اسطوره می خوانند که در گرداب گناه و طغیان فرو رفته اند. كُلُّ مُعْتَدٍ اَثِيمٍ اِذَا تُتْلٰی عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ
- ۱۵ - توجیه وحی به افسانه، راهی است برای کافر ماندن. قَالَ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ
- ۱۶ - لقمه ی حرام، انسان را تا مرز کفر پیش می برد. (در آغاز سوره سخن از کم فروشی بود که عامل کسب لقمه حرام است، در آیات بعد سخن از فجور شد و در ادامه سخن از تکذیب است.) وَئِلٌ يُّومَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ
- ۱۷ - رفتار انسان، در عقائد و باورهای او اثر می گذارد. تجاوز و گناه پی در پی، انسان را به تکذیب وامی دارد. وَ مَا يُكَذِّبُ بِهِ اِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ اَثِيمٍ

- ۱۸- به یک تذکر و انداز نباید قناعت کرد، تذکر و تلاوت باید دائمی باشد تُلّی.. آیاتنا
- ۱۹- قرآن، حتّی نزد مخالفان پرجاذبه است قالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اسطوره=زیبا و پرجاذبه
- ۲۰ - افسانه پنداشتن قرآن، ناشی از ناپاکی دل است. کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ
- ۲۱ - گناه، روح انسان را دگرگون و از درک حق باز می دارد بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ
- ۲۲ - فطرت انسان سالم است، آنچه آن را می پوشاند، گناه است. رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ
- ۲۳ - در فرهنگ قرآن، قلب و روح مرکز درک حقایق است. رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ
- ۲۴ - اصرار و تداوم بر گناه، سبب زنگار قلب است. مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
- ۲۵ - عمل، سرمایه انسان است که با آن، خوبی ها یا بدی ها را کسب می کند.
- ۲۶ - زنگار گناه که در دنیا مانع درک حقیقت است، در آخرت نیز مانع دریافت الطاف الهی می شود. إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ
- ۲۷ - مأموران دوزخ، دوزخیان را سرزنش می کنند. هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ
- ۲۸ - وعده های الهی در مورد پاداش خوبان قطعی است. «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (کلمه انّ و حرف لام و جمله اسمیه، بیانگر قطعی بودن وعده است.)
- ۲۹ - دریافت نعمت در حضور دیگران، لذّت را چند برابر می کند. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ
- ۳۰ - جایگاه بلند و اشراف بر منظره های زیبا، از نعمت های بهشتیان ست الْأَرَائِكِ
- ۳۱ - حالات روحی و روانی انسان، بر جسم او تأثیرگذار است. «تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ» (درخشندگی صورت بهشتیان برای انسان مشهود است.)
- ۳۲ - بکر و دست نخورده بودن نعمت های بهشتی، یک ارزش است. مَخْتُومٍ
- ۳۳ - لذّت های بهشتی، عوارض ندارد. خِتَامُهُ مِسْكٌ
- ۳۴ - در فرهنگ اسلام، دنیا، میدان مسابقه و رقابت است، البتّه رقابت برای به دست آوردن نعمت های اخروی. وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

۳۵- بهشتیان، درجات و مراتبی دارند. «الابرار- المقربون»

۳۶- مؤمنان باید آماده برخوردهای ناروای گنهکاران و مجرمان باشند. الَّذِينَ أَجْرُمُوا

۳۷- خنده، غمزه، نیش و نوش های دیگران شما را دلسرد نکند، زیرا خود آنان مجرم هستند. إِنَّ الَّذِينَ أَجْرُمُوا

۳۸- تمسخر و تحقیر، روش دیرینه مجرمان است. کَانُوا ... يَضْحَكُونَ

۳۹- مجرم به گناه خود قانع نیست، پاکان را تحقیر می کند و به آنان ضربه روحی می زند. يَضْحَكُونَ ، يَتَغَامَزُونَ

۴۰- ساختن طنز و فکاهی برای تمسخر مؤمنان از شیوه های مجرمان است. انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

۴۱- اصرار بر گناه، دید و قضاوت انسان را عوض می کند. (جالب است که مجرمان، مؤمنان را گمراه می پندارند.) قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

۴۲- گنه پیشگان، لایق قضاوت و اظهار نظر درباره مؤمنان نیستند. قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ وَ مَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ

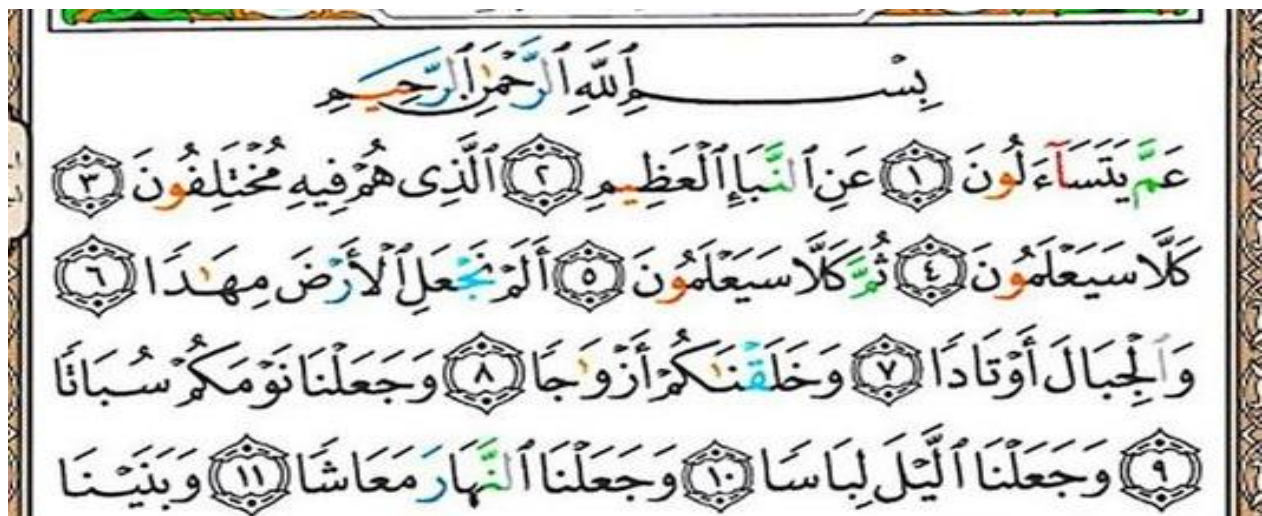
۴۳- مؤمنان، نباید انتظار تأیید مخالفان را داشته باشند. وَ مَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ

۴۴- گویا مجرمان، خود را قیّم مؤمنان می دادند که خداوند آن را نفی می کند.

۴۵- مؤمنان در قیامت، عامل رنج روحی مجرمان هستند، زیرا در آنجا مؤمنان نیز به آنان خواهند خندید. فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

۴۶- کیفر در قیامت، با گناه در دنیا تناسب دارد. (کیفر خنده های تمسخرآمیز در دنیا، مورد خنده قرار گرفتن در آخرت است.) الَّذِينَ أَجْرُمُوا كَانُوا... يَضْحَكُونَ - الَّذِينَ آمَنُوا... يَضْحَكُونَ

۴۷- کیفرهای قیامت، بازتاب اعمال خود انسان است هَلْ تُؤْبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ



که رحمتگر و مهربان خلق راست

که مردم نمایند ز آن پرس و جو

جدل کرده در باب آن مرد و زن

تصور نمودند در قلب خویش

بزودی بدانند تا حق چه بود

زمین را چو گهواره ای برقرار

چنان میخ هائی تمام جبال

یکتا خدا زوج کرده درست

که یابید آرامش از آن شما

عمل های مردم سراپای رب

که در آن نمایید کسب معاش

سر آغاز گفتار نام خداست

کدامین خبر هست در پیش روی

بگویند از روز محشر سخن

چنین نیست کان کافران به کیش

بگردند آگه بزودی زود

مگر خود نکردست پروردگار

مگر بر نیفراشت آن ذوالجلال

شما مردمان را ز روز نخست

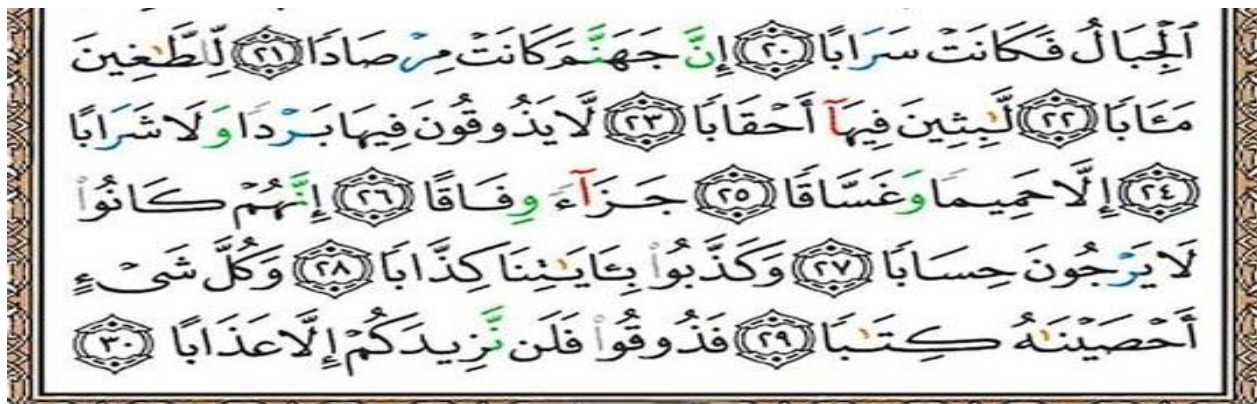
به شب خواب را داد یکتا خدا

بپوشاند با پرده ی تار شب

خدا روز را داد بهر تلاش



فراز سر همدگر کردگار	بدینگونه پاینده و استوار
به قدرت بر افراشت هفت آسمان	چراغی چو خورشید روشن در آن
تراکم پذیرفت آنکه سحاب	به لطفش فرو ریخت باران آب
بدان آب باران یگانه اله	برویاند هر دانه ای و گیاه
از آن بس باغ ها شد درست	که هرگونه میوه در آنها
برست بلی روز فصل و زمان جزا	همه جمع گردند نزد خدا ۱۷۱
در آن روز اندر دمندی به صور	بیابید خود دسته دسته حضور
گشوده شود ز آسمان چند باب ۱۹	جبالند آن روز همچون سراب ۲۰



در آن روز دوزخ کشد انتظار	بر افراد بدطینت زشتکار ۲۱
همه سرکشان جملگی سربه سر	نیشمن گزینند اندر سقر
در آن قرنهای کشندی عذاب	نه نوشند آب و نه هرگز شراب
ننوشند الا غساق و حمیم	که چون آب چرکی به ایشان دهیم ۲۵
جزائست در شأن اعمال زشت	که کردند آن مردم بدسرشت
که هرگز به روز حساب و شمار	نبودند خود هیچ امیدوار
دروغین بخواندند آیات ما	بکردند تکذیب امر خدا
اگرچه که هر چیز را بر حساب	خدا ثبت کردست اندر کتاب
کنون می چشید آتش این عقاب	فزون تر شود دم به دم این عذاب

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَآئِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا
 دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّ بَأْ ﴿٣٥﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً
 حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ
 مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ

دهد نعمت و می کند رستگار ۳۱

بسی خاک کز آن بروئیده تاك

که همسال و خوش رو و پاکیزه اند

بود جامها از شراب طهور

نخواهند بشنید اندر بهشت ۳۵

کند با حساب معین عطا

هر آنچه که آن بین دارد قرار

ولی با چنین حال در آن جهان

به صحبت نشیند کند گفتگو

که روح القدس جبرئیل اله

همه صف ببندند در آن مقام

خدا متقین را به روز شمار

بر آنها بود باغهای چه پاك

بسی حور چشمان که دوشیزه اند

به باغی که یابند آنها حضور

نه قول دروغ و نه گفتار زشت

چنین است اجری که یکتا خدا

زمین و سپهرست از کردگار

خدائی که او هست بس مهربان

کسی را نزید که با ذات او

یکی روز خواهد بیاید ز راه

به همراه دیگر ملائک تمام

إِلَّا مَن أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَن
 شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنذَرْنَكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ
 يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

کسی را نزیبد کند باز لب	جز آن کس که دستور دادست رب
که در صحبت و در سؤال و جواب	کند گفتگو بر سبیل صواب
چنین روز بی شك بیاید ز راه	بیایید در پیش یکتا اله
هرآن کس که خواهد، به روز جزا	مقامی بیابد به نزد خدا
شما را بترسانده ام از عذاب	که نزدیک باشد زمان عقاب
در آن روز بینند بی کم و کاست	هر آن کار کز دست ایشان بخواست
کند کافر تیره دل آرزو	که ای کاش چون خاک می بود او
که این سان نمی سوخت روز شمار	به توفنده آتش به سوزنده نار

تفسیر سوره نباء

نام سوره برگرفته از آیه دوم است که از قیامت، به «نبا عظیم» یعنی خبر بزرگ یاد می کند. آیات این سوره با استدلال به نظام حکیمانه حاکم بر طبیعت، برپایی قیامت برای اجرای نظام پاداش و کیفر را لازمه حکمت الهی شمرده و هستی انسان بدون آن را عبث و بیهوده می داند. ادامه سوره گوشه ای از عذاب سخت طغیان گران و نعمت های بهشتیان را بیان می دارد و با هشدار شدید به کافران پایان می پذیرد. به عنوان يك استفهام آمیخته با تعجب می فرماید: (آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟) گاهی سؤال، برای ایجاد تشکیک و تردید در ذهن دیگران است، آنهم در امور قطعی و حتمی مانند وقوع قیامت که قرآن در این آیات، آن را مورد مذمت قرار می دهد.

منظور از این خبر بزرگ نبا عظیم چیست؟ مفسران پاسخهای متعددی گفته اند: گروهی آن را اشاره به روز رستاخیز، و بعضی اشاره به نزول قرآن مجید، و بعضی به همه اصول دین از توحید گرفته تا معاد، و در روایاتی نیز تفسیر به مساءله ولایت و امامت شده است که در نکته های آینده به آن اشاره خواهد شد. در روایات زیادی که از طرق اهل بیت

(علیهم السلام) و بعضی از طرق اهل سنت نقل شده ، (نبا عظیم) (خبر بزرگ) به مساءله ولایت و امامت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) که مورد اختلاف و گفتگو از سوی جمعی بود، یا به مساءله (ولایت به طور اعم) تفسیر شده است. این روایات گاه از خود علی (علیه السلام)، و گاه از امامان دیگر (علیهم السلام) نقل شده است.

۱- شروع سخن با طرح سؤال، در تأثیر کلام مؤثر است. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ

۲ - تشکیک در قیامت، کار کافران است. يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ

۳ - اگر سوال طبیعی بود باید جواب داد: یسئلونک... قل. ولی اگر شیطنت بود.

برخورد لازم است. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

۴ - در برابر طعنه کنایه به مقدّسات و باورهای قطعی، با قاطعیّت باید سخن گفت كَلَّا

۵- در برابر تردید، باید حرف حق را تکرار کرد. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ... كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

۶ - قیامت دور نیست. «يَعْلَمُونَ» (حرف سین رمز نزدیک بودن است)

۷- قیامت، روز کشف حقائق است. «سَيَعْلَمُونَ»

۸ - مشّت نمونه خروار است. مطالعه در هستی، بهترین راه خداشناسی و معادشناسی

است. أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا...

۹ - انسان در دادگاه عقل و وجدان خدا پرست است و می توان از وجدان او درباره

قدرت الهی سوال کرد. أَلَمْ نَجْعَلِ

۱۰ - از قدرت خداوند به آفرینش زمین و آسمان و دیگر پدیده های طبیعی، به قدرت او

برای برپایی قیامت، استدلال کنید. الْأَرْضَ ... الْجِبَالَ ... اللَّيْلَ ... النَّهَارَ...

۱۱ - پس از طرد افکار باطل، بر عقاید حقتان استدلال کنید. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ... أَلَمْ نَجْعَلِ

در مورد معاد جسمانی بعضی در آن اظهار تردید و شك می کردند که لحن آیات قرآن آن

را منعکس کرده است (نمل ۶۶) و بعضی شدیداً منکر بوده و حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به خاطر ادعای معاد جسمانی (نعوذ بالله) دیوانه، یا مفتری بر خدا، می دانستند (سبا ۷ و ۸) و به این ترتیب اختلاف آنها در مسأله معاد قابل انکار نیست. سپس می افزاید: (اینچنین نیست که آنها درباره قیامت می گویند و فکر می کنند، و به زودی می فهمند)

۱۲- اگر روحیه لجاجت نباشد، انسان از همین زمین و زمان و خواب و خوراک می تواند درس بگیرد. الْأَرْضُ ... اللَّيْلُ ... النَّهَارُ...

۱۳- قدرت و حکمت الهی در آفرینش ما و هستی، دلیل آن است که ما را با مرگ رها نخواهد کرد. خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجاً ... نَوْمَكُمْ سُباتاً ... النَّهَارَ مَعاشاً

۱۴- خداوند اداره هستی را بر اساس یک نظام مشخص (نظام سببیت و علت و معلول) قرار داده است. (نور و حرارت خورشید همراه با ابر و باران، عامل تولید دانه و گیاه می شود). سِرَاجاً وَهَّاجاً ... ماءً ثَجَّاجاً لِيُخْرِجَ بِهِ حَبّاً وَ نَباتاً

۱۵- قرآن، شعر نیست، اما از آهنگ و موسیقی خاصی برخوردار است. وَهَّاجاً ، ثَجَّاجاً ، نَباتاً

۱۶- اسباب و وسایل طبیعی، نباید ما را از خداوند غافل کند. لِيُخْرِجَ بِهِ...

۱۷- خداوندی که زمین مرده را با نزول باران به صورت بوستانی پر درخت در می آورد، از زنده کردن مردگان عاجز نیست. لِيُخْرِجَ بِهِ ... جَنّاتٍ أَلْفافاً

۱۸- دنیا، مقدّمه قیامت و این همه نعمت عبث و بیهوده نیست يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتاً

۱۹- زمان قیامت از قبل نزد خداوند معلوم است. كَانَ مِيقَاتاً

۲۰- قیامت نیز نظامی دارد يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ

۲۱- در قیامت، نظام آسمان و زمین دگرگون می شود. فُتِحَتِ السَّمَاءُ ... سُبُوتِ الْجِبَالِ

این همه تکیه بر معاد برای چیست؟

از مهم ترین مسائلی که روی آن تکیه شده مساءله (معاد) و شرح احوال انسان در روز رستاخیز است. این به خاطر آن است که برای اصلاح انسان نخستین گام این است که بداند حساب و کتابی در کار است. دادگاهی وجود دارد که چیزی بر دادرسان آن مخفی نمی ماند. محکمه ای که نه ظلم و جور در آن راه دارد و نه خطا و اشتباه. نه توصیه و رشوه در آن کارساز است، و نه امکان دروغ و انکار و بالاخره هیچ راهی برای فرار از چنگال مجازات در آنجا نیست، تنها راه ترك گناه در اینجاست. ایمان به وجود چنین محکمه و دادگاهی انسان را تکان می دهد، و ارواح خفته را بیدار می کند، روح تقوی و تعهد و احساس مسؤولیت را زنده می کند، و او را به وظیفه شناسی دعوت می نماید.

۲۲- انسان با مرگ، رها و فراموش نمی شود. يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

۲۳- به پیوندها و روابط دنیوی دلخوش نباشید، روزی همه چیز گسسته میشود

۲۴- ارتباط زمین و آسمان و اهل آنها، در قیامت توسعه می یابد. «فُتِحَتِ السَّمَاءُ»

۲۵- دوزخ، از هم اکنون در کمین خلافاکاران است. إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

۲۶- گرفتار شدن و به دام افتادن مجرمان، امری قطعی است. مِرْصَادًا لِلطَّاغِيْنَ

۲۷- طغیان گری، نشانه دوزخیان است. لِلطَّاغِيْنَ

۲۸- کیفرهای الهی عادلانه است. جَزَاءٌ وَفَاقًا

۲۹- حتی احتمال حساب و کتاب در قیامت، برای کنترل انسان کافی است. حِسَابًا

۳۰- بی اعتقادی به قیامت، رمز طغیان است. لِلطَّاغِيْنَ ... لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

۳۱- انکار قیامت، زمینه انکار همه چیز است. لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا

۳۲- ریز و درشت کارها حساب و کتاب دارد و خداوند احاطه علمی به همه چیز دارد و این احاطه، ثابت و باقی است. (کتاباً رمز ثبوت و بقا است) كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَاباً

۳۳ - بیم و امید باید در کنار هم باشد. در این سوره پاداش متقین در برابر کیفر طاغین قرار گرفته است. إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً لِلطَّاغِينَ ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً

بخشی از پاداش عظیم پرهیزگاران

در آیات پیشین سخن از سرنوشت طغیانگران و قسمتی از کیفرهای دردناک آنها و علت این بدبختی بود، در آیات مورد بحث به شرح نقطه مقابل آنها پرداخته از مؤمنان راستین، و پرهیزگاران، و قسمتی از مواهب آنها در قیامت سخن می گوید تا در يك مقایسه رویارو میان این دو، حقایق روشن تر گردد، همانگونه که سیره قرآن مجید در سوره های دیگر می باشد که اضداد را در مقابل هم قرار داده، و وضع آنها را در این مقابله تبیین می کند.

۳۴ - کامیابی و رستگاری در سایه نعمت های مادی و معنوی است. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً

(حدائق رمز نعمت های مادی و کلمه «لَا يَسْمَعُونَ» رمز نعمت های معنوی است.)

۳۵ - نعمت های بهشتی، انسان را گرفتار غرور و غفلت و یاوه گوئی و بدمستی نمی کند لَا يَسْمَعُونَ

۳۶ - جلساتی که در آن لغو و دروغ نباشد، جلسات بهشتی ست لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواً وَ لَا كِذَاباً

۳۷ - نه تنها کیفرها عادلانه ست جزاءً وفاقاً بلکه پاداشها نیز حساب و کتاب دارد عَطَاءً حِسَاباً

۳۸ - در جامعه بهشتی، افراد یکدیگر را تکذیب نمی کنند و اعتماد و اطمینان میان آنها حاکم است. وَ لَا كِذَاباً

۳۹- پاداش های الهی، عطا و تفضّل است نه اینکه ماطلبی داشته باشیم جَزَاءَ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً

۴۰- لازمه ربوبیت، نظام کیفر و پاداش است. جَزَاءَ مِنْ رَبِّكَ

۴۱- پاداش الهی به متقین حساب دارد. هر که تقوای بیشتری دارد پاداش بیشتری خواهد داشت. «عَطَاءٌ حِسَاباً»

۴۲- تدبیر اداره امور همه هستی برای خدا یکسان است. آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست، برای او تفاوتی ندارد. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

۴۳- پیامبر اکرم مقام بس والائی دارد. گویا او در یک کفّه و تمام هستی در کفّه دیگر است رَبِّكَ... رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبُّبِيتِ الهی بر اساس رحمت است رب الرحمن
۴۴- حق گفتگوی خودسرانه و معترضانه در قیامت نیست. «لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً»

۴۵- نه فقط انسان و جنّ، بلکه فرشتگان نیز در صحنه قیامت حاضر می شوند. يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ

۴۶- رعایت نظم و آمادگی برای انجام دستورات، از ویژگی های فرشتگان الهی است.

۴۷- در قیامت شفاعت منوط به اذن خداست اَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَاباً

۴۸- انسان در انتخاب راه آزاد است. فَمَنْ شَاءَ

۴۹- قیامت، روزی که هم وقوع آن حق و هم بر اساس حق عمل میشود الْيَوْمَ الْحَقُّ

۵۰- چون قیامت حق است، پس راهی را انتخاب کنیم که بسوی او باشد إِلَى رَبِّهِ مَاباً

۵۱- برای افراد غافل، هشدار و انداز مهمتر از بشارت است. إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ

۵۲- دلیل غفلت آن است که مردم، قیامت را دور می پندارند. عَذَاباً قَرِيباً

۵۳- پشیمانی، دلیل بر اختیار انسان است. يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً

۵۴- در قیامت، انسان ناظر بر عملکرد خویش است. يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

۵۵- سرنوشت اخروی هر کس به دست خود اوست.

۵۶- خاک یک دانه می گیرد، یک خوشه می دهد، ولی کفار صدها دلیل و برهان می

شنوند ولی یکی را نمی پذیرند. پس خاک بر کافر برتری دارد. «كُنْتُ تُرَابًا»

بسیاری از افراد عقیده به جبر یا سرنوشت جبری یا قضا و قدر به معنی جبری آن را که همه ریشه های مشترکی دارند به خاطر فرار از زیر بار مسئولیتها پذیرفته اند یا این عقیده را پوششی برای شکستها و ناکامیهای خود که بر اثر کوتاهی و سهل انگاری حاصل شده قرار داده اند.

و یا پوششی برای هوسهای سرکش خویش که (می خوردن ما را حق ز ازل می دانسته و ما برای این می می خوریم که علم خداوند جهل نشود!) گاه استعمارگران برای درهم کوبیدن مقاومت مردم، و خاموش کردن آتش قهر ملتها با توسل به این عقیده خود را بر همه تحمیل می کردند که سرنوشت شما از اول همین بوده و غیر تسلیم و رضا کوچاها؟! با قبول این مکتب اعمال همه جنایتکاران موجه می شود، و گناه همه گنهکاران توجیه منطقی می یابد، و فرقی میان مطیع و مجرم باقی نخواهد ماند.

منبع :

تفسیر نور حاج آقا قرائتی

قرآن منظوم (دکتر امید مجد)